چاپ دوم

الحسن و الحسین


بسم الله الرحمن الرحیم

اتحاد و انسجام

نویسنده:

موسسه پیام امام هادی علیه السلام

ناشر چاپی:

موسسه پیام امام هادی (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اتحاد و انسجام

مشخصات کتاب

نوان و نام پدیدآور : اتحاد و انسجام/ نویسنده موسسه امام هادی علیه السلام.

مشخصات نشر : قم: موسسه پیام امام هادی (ع)، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : [۶۳۰] ص.: مصور، عکس.

شابک : ۵۵۰۰۰ ریال : ۹۶۴-۸۸۳۷-۰۸-۲

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (برون سپاری)

یادداشت : کتاب حاضر به مناسبت سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی منتشر شده است.

یادداشت : عنوان دیگر: اتحاد و انسجام (بمناسبت سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی).

یادداشت : کتابنامه: ص. [۶۰۷] - ۶۱۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : اتحاد و انسجام (بمناسبت سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی).

موضوع : وحدت اسلامی

شناسه افزوده : موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره : BP۲۳۳/۵ الف/۲۳ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۹۱۱۸۳

ص :۱

مقدمه

مقدمه:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)

همگی به ریسمان خدا - قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت - چنگ زنید و پراکنده نشوید

«وَلا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَيِّناتُ وَأُولٰئِكَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۱۰۵)

همچون کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف کردند؛ آنان عذابی سهمگین دارند.

نهج البلاغه: إِنَّ الشَّيطانَ يُسَنِّى لَكُمْ طُرُقَهُ، وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً، وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَماعَةِ الْفُرْقَةَ. فَاصْدِفُوا عَنْ نَزَغاتِهِ وَنَفَثاتِهِ. وَاقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أَهْداها إِلَيْكُمْ، وَاعْقِلُوها عَلىٰ أَنْفُسِكُمْ. (نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۵)

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: همانا شیطان راه های خود (راه های انحراف) را بر شما هموار می کند، و می خواهد گره های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید، و به جای پیوستگی شما را پراکنده سازد. پس، از وسوسه ها و دمدمه های افسونگر او روی برتابید، و نصیحت آن کس را که خیرخواه شما است قبول کنید، و آن را با جان و دل بپذیرید.

ص:۴

رهبر معظم انقلاب اسلامی مدّ ظلّه العالی سال ۱۳۸۶ هجری شمسی راسال «اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی» نام نهادند.

این نام گذاریِ حکیمانه، درست در زمانی بود که استکبار جهانی تمام تلاش و کوشش خود را در دو جهت به کار می بُرد:

۱. ایجاد اختلاف داخلی در کشور؛ ۲. ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی، تا بتواند با این حرکت در کشورهای اسلامی خصوصاً ایران به اهداف شیطانی خود برسد.

مؤسسهٔ امام هادی علیه السلام کتاب حاضر را در جهت خنثی کردن این هدف شیطانی و تقویت اتّحاد و انسجام ، تقدیم می کند.

مقدمه چاپ دوم

بـا انتشـار کتاب اتّحاد و انسـجام در سال ۸۶ و یـاد کرد نام صـد نفر از علمای شـیعه و سـنی بعنوان منادیان وحـدت و کارهای ارزشـمند ایشان برای ایجاد و حدت و یکپارچگی امت اسـلامی و جلوگیری از تفرقه، جمع قابل توجهی از این سـبک نگارش استقبال نمودنـد، زیرا بـا ذکر نـام و روش وحـدت آفرین و دشـمن شـکن این بزرگـان بر عموم روشن شـد که مسـئله اتّحاد و انسـجام مسـلمین یک مسـئله سیاسی و فصلی و مقطعی نیست بلکه یک مسئله بنیادی است که از صدر اسلام با وجود اختلاف در مذهب، اتّحاد در امّت اسلامی ویکپارچگی مسلمین در مقابل کفار و دشمنان قرآن و اسلام مورد توجه عالمان دین دوست و خدا محور بوده است. حتی دانشـمندانی که در میدان قلم و نگارش یا در احتجاج و مناظره کلام های تندی داشـتند در حفظ مملکت اسلامی و ملت اسلام هشیاری خود را حفظ کرده و همه با هم در مقابل کفر ایستادگی می کردند.

کتـاب حاضـر نشان می دهـد که برای اعتلای اسـلام و قرآن در مقابل کفر جهانی به حکم قرآن و سـنت و روش عالمان آگاه فریقین جز اتحاد و همبسـتگی راهی نیست به ویژه در این عصـر که دشـمن سـتمگر با تمام توان به میـدان آمده و دسـیسه های گوناگون و فراوانی را برای مبارزه با اسلام و مسلمانان بکار می گیرد.

از نوشـته آیات شیطانی، کاریکاتورهای موهن، فیلمهای جهت دار و آتش زدن قرآن گرفته تا اختلاف افکنی میان مسلمانان و هجوم به سرزمینهای اسلامی و برنامه های تقطیع و تفکیک کشورهای اسلامی.

رهبر معظم انقلاب دربیان این ضـرورت چنین می فرمایند: اصـرار ما برای تحقق وحدت که از روز اول پیروزی انقلاب نیز این اصـرار را داشتیم، بر اساس یک باور اعتقادی و ایـدئولوژیکی و استراتژیکی است لذا همواره طرفدار وحدت بوده ایم و هستیم و خواهیم بود (۱).

اکنون که چـاپ دوّم کتـاب به محضـر شـما عزیزان تقـدیم می شود برخود لازم می دانیم از همه کسانی که در این زمینه ما را یـاری کردنـد به خصوص ریـاست محترم مجلس شورای اسـلامی جنـاب آقـای دکتر لاریجـانی و نهـاد نماینـدگی مقـام معظم رهبری در امور اهل سنت استان سیستان و بلوچستان تشکر کرده و توفیق خدمتگزاری بیشتر برای آنها آرزومندیم.

مؤسسه امام هادی علیه السلام

۱- (۱) . گزیده از سخنرانی معظم له درتاریخ ۱۳۶۰/۱۰/۱۷ همین کتاب ص ۵۸.

سخن مؤسسه

اشاره

بعضی از مسائل بسیار بدیهی و روشن است بگونه ای که هر انسانی با اندک تأمّل به حُسن یا قُبح آن اقرار می کند.

حُسن اتّحاد، همبستگی، انسجام، انظباط و هماهنگ کردن نیرو برای رسیدن به هدف از جملهٔ این بدیهیّات می باشد، همان گونه که قُبح و ضَرر اختلاف و تشطّط و دسته دسته شدن و نابسامانی و بی انضباطی از بدیهیّات بشمار می آید.

برای حُسن اتّحاد و انسجام یا قُبح اختلاف و نابسامانی از دلیل عقل، وحی، کتب آسمانی و گفته حُکما و دانشمندان استفاده کردن، آفتاب را دلیل آفتاب آوردن است.

در این مسئله شکی نیست که اگر مسلمین متحد شوند باعث سر بلندی و عزّت ایشان است و همه ملاحظه خواهند کرد که «جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» (۱)محقَق شده و مسلمانان عزّت مند وارث زمین خواهند شد.

سخن این است که آیا این وحدت و انسجام بین فرق اسلامی ممکن است؟

در میان شخصّیت های اسلامی اعم از شیعه و سنی پیرامون این مسئله دو نظریهٔ منفی و مثبت وجود دارد.

صاحبان نظریهٔ منفی معتقدند که نقطهٔ مشترکی میان شیعه و سنی وجود ندارد، همه چیزِ این دو مذهب در تمام ابعاد با همدیگر فرق می کند بنابراین هیچ امکان و دلیلی برای وحدت به چشم نمی خورد.

ضعف این نظریه آشکار است زیرا علاوه بر اشتراک در مسائل اصیل اعتقادی چون مبدأ،

۱- (۱) . «قرار داد سخن آنان را که کفر ورزیدند پایین و فرودین و سخن و آئین خدا را برتر و پیروز» سوره توبه، آیه ۴۰.

معاد و نبوّت، در فروع نیز اشتراک به مراتب بیش از افتراق است، و اگر در فروع دین به کتب فقهی فریقین در نماز، روزه، حجّ و... مراجعه شود شدّت اشتراک روشن می گردد.بنابراین ادّعای اوّل غیر علمی و غیر واقعی است.

صاحبان نظریهٔ مثبت که از نظر چگونگی و کیفیّت آن با همدیگر فرق دارند؛ به چند گروه تقسیم می شوند:

گروه اول: اختلاف مذهب هیچ ربطی به وحدت خود جامعهٔ مسلمین ندارد و هرکدام از این مذاهب می توانند اصول و فروع خود را حفظ کنند و در عین حفظ اصول و فروع مذهب خویش، با پیروان مذاهب دیگر در مشترکاتی چون توحید، نبوّت، کتاب اللّه، کعبه، اهل بیت علیهم السلام و... متّحد شوند.

گروه دوّم: معتقدند ضمن صیانت از هویّت مذهبی خویش، به نقاط مشترک فقهی میان مذاهب همّت گماشته شود. در این راستا گامهای مبارکی هم برداشته شده مانند اقدام مرحوم شیخ طوسی صاحب کتاب ارزشمند خلاف و مرحوم علّامه حلّی صاحب کتاب تذکره.

گروه سوم: که به احتمال قوی طلایه دار آن امام موسی صدر می باشد، ضمن احترام به صاحبان و پیروان نظریه های قبل، آنها را لازم و ناکافی دانسته است، فلذا نظریهٔ وحدت فقهی را مطرح می نماید، امام موسی صدر پیرامون این موضوع می گوید:

«برج اسلامی که در پایه و اساس واحد است و امّت اسلامی که در عقیده، کتاب، مبدأ، معاد و منتهی یکی است، نیاز به این دارد که در جزئیات هم یکی باشد». او ضمن مصاحبه ای با مجلّهٔ «المصوّر» چاپ قاهره در جواب خبرنگار پیرامون وحدت بین مذاهب چنین گفت:

«... این موضوع بعد از دستیابی به وحدت فقهی امکان پذیر است و تنها با گفتگوی خالی و مذاکرهٔ سوری رهبران مذاهب، به دست نمی آید، چون مذاهب گوناگون در عمق جانِ پیروان خویش شکل گرفته است...». (۱)خلاصه آنکه امکان رسیدن به اتّحاد، مسلّم است و مشترکات اعتقادی و فقهی سرمایه آن می باشد.

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۵)، امام موسی صدر سروش وحدت، ص ۱۰۶.

این توصیه ها باید مورد توجه باشد:

برای حفظ نیروها باید کوشش کنیم تا در دام دشمنان اسلام گرفتار نشویم و آلت دست آنان قرار نگیریم. مبادا سرمایهٔ مادّی و معنوی خود را در راه پیاده کردن اهداف دشمنان و ایجاد جنگ داخلی به کار بریم. در این زمینه رهبر معظم انقلاب می فرمایند:

«پولهای نفت امروز مصرف می شود برای کتاب نوشتن ضدّ شیعه، دلارهای آمریکایی مصرف می شود برای ردّ تشیع و به زبان عربی و زبان اردو ترجمه می شود یا نوشته می شود. اینها دستهای شیطانند. اینها انسانهای سالمی نیستند که این چیزها را می نویسند، هر جا باشند همین جورند. ما می گوییم امروز آتش افروزی نباید کرد. هر کسی عقیدهٔ خودش را باید داشته باشد. هر کسی عقیدهٔ خودش را اثبات هم بکند.

ما نمی گوییم وقتی گویندگان از مذاهب مختلف اسلامی بر منابر خود شان قرار می گیرند استدلال نکنند و عقیدهٔ خود شان را اثبات نکنند. البته بکنند.

اما اثبات عقیده بحثی است و دشمنی کردن با طرف مقابل و هم صدا شدن با استکبار جهانی و نیروها را مصرف جنگ داخلی کردن بین مسلمین، بحث دیگری است». (۱)گاهی برخورد با ستون پنجم که در حقیقت دست دشمن است و با حرکاتش دوستان را به جان هم می اندازد لازم است. مقام معظم رهبری چنین می گویند:

«علمای اسلام باید مراقب مذاهب جعلی و دلارهای نفتی که برای ایجاد تفرقه به کار می روند، باشند و دستهای پلید و مزدوری را که برای از هم گسستن و پاره کردن عروه الوثقی بین مسلمین تلاش می کنند، شناسایی و با آنان برخورد کنند.

زیرا این برخورد لازمهٔ علاقه به وحدت اسلامی است». (۲)

۱- (۱) . تقریب بین مذاهب اسلامی، ویژه نامهٔ چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، ص ۷۹ و ۹۱..

۲- (۲) . همان، ص ۹۱..

رهبر انقلاب ایجاد تفرقه و تحریک عواطف مذهبی که موجب اختلاف شود را در بین مسلمین حرام دانسته و می فرمایند:

«تحریک عواطف مذهبی و فراهم کردن زمینهٔ اختلاف، گناه است و کسانی که این کار را انجام دهند در واقع به برآورده شدن هدف سازمانهای جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی کمک کرده اند و در پیشگاه الهی نیز به شدّت مؤاخذه خواهند شد». (۱)و همچنین تأکید می کنند:

«امروز سیاست های غلطِ مبتنی بر ملیّت (۲) و امثال آن، یکی از مهمترین عوامل اختلاف مسلمین می باشد». (۳)معظم له تشدید اختلافات قومی و فرقه ای را دام خطرناک دشمن دانسته و می فرمایند:

«امروز دنیای اسلام مجروح است و مفسدانی که با همهٔ مسلمانان و با اصل امّت اسلامی دشمنند، با تشدید اختلافات قومی و فرقه ای نظیر، «شیعه و سنی»، «عرب و عجم» درصددند بخشهای مختلف جهان اسلام را مقابل یکدیگر قرار دهند و متأسّفانه برخی در این دام خطرناک می افتند. اسلام عزیز به عنوان نسخهٔ منحصر به فردِ «صلاح و سعادت ملّتها» در اختیار امّت اسلامی است و دلهای آماده مسلمانان، لبریز محبّت و عشق به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است. بنابراین جهان اسلام می تواند با اتّحاد حول وجود پر برکت نبی مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، هوشمندانه با دشمنان خدا مقابله کند و راه سعادت و پیشرفت و تعالی را بپیماید». (۴)

ص:۱۰

۱- (۱) . دیدار معظم له با کارگزاران حج، ۲۳ آبان ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲) . لازم به ذکر است که مراد از «ملیّت» در این کلام، ناسیونالیسم و افراط در ملّی گرایی است، نه وحدت و انسجام اقوام و طوایف..

۳- (۳) . تقریب بین مذاهب اسلامی، ویژه نامهٔ چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، ص ۷۹..

۴- (۴) . روزنامهٔ کیهان، ۲۱ مرداد ماه ۱۳۸۶، دیدار معظم له با مردم و مسئولان نظام، در سالروز مبعث حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ..

چند تذکر لازم

۱. شخصیّت هایی را که در کتاب نام برده ایم بعنوان نمونهٔ آشکار بوده، و بطور قطع بزرگان دیگری نیز بوده و هستند که در میدان اتّحاد و تقریب فعّالیّت های چشمگیری کرده اند.

۲. نامبردگان از اقشار مختلف مسلمین و ملیّت های گوناگون بوده و در رتبهٔ علمی، سیاسی و اجتماعی یکسان نیستند.

۳. ذکر نام آنها، به معنای تأیید و تصدیق همهٔ گفتار و نوشتار و کردارشان نمی باشد، بطور قطع در زمینه های اعتقادی، سیاسی و اجرایی اختلاف نظر دارند، اما در عین حال همه مؤیّد لزوم اتّحاد، انسجام، قدرت و عزّت مسلمین می باشند و اختلاف و تفرقه را از عوامل خذلان و شکست اسلام و مسلمین می دانند.

۴. بخشی از کتاب پیرامون روایات وارده در اتّحاد و انسجام مسلمین است که علمای شیعه و سنّی در کتب خود آورده اند.

۵ . اخیراً کتابهایی در زمینهٔ روایات و آداب مشترک شیعه و سنّی نوشته شده است که امید است ادامه پیدا کند و مبانی و مسائل مشترک را چشمگیرتر نماید.

مؤسسهٔ امام هادی علیه السلام

ص:۱۱

بخش اول:

اشاره

الف) پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب

ب) گزیده سخنان حضرت امام رحمه الله دربارهٔ وحدت اسلامی

ج) اتّحاد ملی و انسجام اسلامی در کلام مقام معظم رهبری

ص:۱۳

پیام نوروزی(متن کامل بیانات مقام معظّم رهبری حضـرت آیت اللّه العظمی خامنه ای مـدظلّه العالی در اولین روز سال اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی (۸۶)

اشاره

بسم اللّه الرحمن الرحیم

یـا مقلّب القلوب و الأبصار یا مـدبر اللّیل والنهار یا محوّل الحول والأحوال حوّل حالنا إلی أحسن الحال. اللّهمّ صلّ علی علیّ بن موسی الرّضا المرتضی الإمام التقیّ النقیّ.

عید نوروز و فرا رسیدن سال نو شمسی را به همهٔ هم میهنان عزیزمان تبریک عرض می کنم، همچنین به همهٔ ایرانیان در سراسر عالم و در هر جای دنیا زنـدگی می کننـد و نیز به همهٔ ملّت هایی که نوروز را گرامی می دارند بطور خاص تبریک عرض می کنم، به خانواده های معظّم شـهیدان عزیزمان و به جانبازان و خانواده های آنها و به همـهٔ ایثارگران و فعّالان عرصهٔ حیات ملّت ایران.

عید نوروز سر آغاز طراوت طبیعت و جوان شدن جهان است. تازه شدن فضای زندگی طبیعی انسان. و چه نیکوست که همراه با طراوت جهان، جان و دل انسان هم طراوت پیدا کند.

طراوت جـان و دل بـا ذکر خـدا، بـا درخواست کمـک از پروردگـار، بـا رویانـدن نهـال خیرخواهی و نیـک خواهی برای همهٔ برادران و خواهرانمـان و برای همـهٔ بشـریّت. رسم نوروز در درون خود زیبـایی های زیادی را دارد. علاوه براینکه در هر نقطه، ایرانیان این لحظهٔ تحویل را با نام خدا و با درخواست تحوّل اساسی در زندگی خود آغاز می کنند. یکی از

ص:۱۵

زیباترین رسمهای موجود در عید نوروز، رسم دید و بازدید و صلهٔ ارحام و مستحکم کردن روابط و پیوندهای عاطفی میان افراد جامعه است.

این را اگر مقایسه کنیم با بعضی از جشن های ملّی ملّتهای دیگر که همراه با کارهای غیر اخلاقی و به دور از این ارتباطات عاطفی است، آن وقت در می یابیم که جشن ملّی ما ایرانیان با آغاز سال نو علاوه بر تقارن با بهار طبیعت که یک امتیازی است، چه خصوصیّات نجیبانه و مهربانانه ای در خود دارد. شادی دلها، لبخند و تبریک و خوش آمدگویی به یکدیگر و پی گرفتن روابط انسانی و نو کردن محیط زندگی، از رسوم بسیار خوب و مطلوبی است که ایرانیان از گذشته تا امروز به آن پایبند بوده اند و اینها همه مورد تأیید آیین مقدّس اسلام و شرع اسلامی است.

نگاهی به سال ۸۵ داریم که منقضی می شود و نگاهی به سال ۸۶ که از این لحظات آغاز می شود.

سال ۸۵ متبرّک بود به نام مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و از آغاز تا انجام آن مشحون از ذکر آن بزرگوار و تلاش برای معرفت بیشتر نسبت به پیامبر گرامی و خصوصیّات زندگی آن بزرگوار و حالات و درسها و آموزه های آن پیامبر عظیم الشأن. البته جا برای معرفت پیامبر بسیار باز و گسترده است و همهٔ سالهای ما در واقع سال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم است.

سال ۸۵ مثل همهٔ سالهای دیگر و مثل همهٔ زندگی انسان، از حوادث گوناگون، از تلخی ها و شیرینی ها، از شادی ها و غم ها آکنده بود. همهٔ زندگی هم اینجور است. اما در یک نگاهِ جمع بندی شده من می توانم با اطمینان این را به ملّت عزیزمان عرض کنم که در سال ۸۵ موفّقیت های ملّت ایران بیش از تلخی ها و ناکامی ها بود، پیشرفتهای ما بیش از توقّف ها و سکونهای ما بود، شادیهای حوادث بیش از تلخی ها بود. در عرصهٔ داخلی تلاش های متراکم برای پیشرفت کشور در همه جا دیده شد. تصمیم های بجا و خوب از سوی مسئولان و تحرّک عمومی، در این زمینه ها تحرّک مطلوبی بود؛ در سخنرانی انشاءاللّه در این زمینه توضیحات بیشتری را عرض خواهم کرد به ملّت عزیز.

در عرصهٔ بین المللی و سیاسی جهانی هم پیشرفت های نظام جمهوری اسلامی ایران، پیشرفت های چشمگیری بود، ملّت ما و کشور ما به برکت نظام جمهوری اسلامی در دنیا

سرافراز شـد. ابّهت ملّی ما و نگاه مهربانانهٔ مردم ما نسـبت به ملّتهای جهان و ملّتهای مسـلمان در همه حوادث آشـکار شد، عزم راسـخ ملّی مـا در زمینه هـای علمی در تحّرک اقتصـادی برای دیگران تـا حـدود بسـیاری روشن شـد، و ما در مسائل داخلی و مسائل خارجی بحمداللّه پیشرفت های زیادی داشتیم.

در سال ۸۶ ادامـهٔ حرکت ملّی مـا بایـد یک ادامه متناسب با نیازهای ملّت ما باشـد. این یک حقیقتی است که ملّت ایران بر اثر تسـلّط قـدرت های طاغوتی و قـدرتهای فاسـد و دولتهای وابسـته یا بی کفایت، در طول دهها سال شایـد نزدیک به ۲۰۰ سال، ملّت ما دچار عقب ماندگی های زیادی در عرصه های گوناگون بوده است.

امروز که ملّت ایران به برکت اسـلام و نظـام جمهوری اسـلامی به خودآگـاهی و اعتماد به نفس دست یافته است، بایـد ما این فاصله های طولانی را با سرعت طی کنیم. ما فاصله های بسیار زیادی با آنچه که شأن ایرانِ سربلند و پر افتخار است داریم، این فاصله ها جز با همّت بلند، جز با امید بی پایان و جز با تلاش همه جانبهٔ ملّی میّسر نخواهد شد.

ملّت ما هدف روشـنی دارد؛ هدف بزرگ ملّی ما اسـتقلال ملّی، عزّت ملّی و رفاه عمومی ملّت است. همهٔ اینها به برکت اسلام و ایمـان اسـلامی تحقّق یـافتنی است. مـا این را تجربه کردیم (و) دریـافتیم. ملّت مـا ظرفیت بسـیار زیادی برای پیمودن راههای دشوار به سوی آینده های محبوب و مطلوب دارد.

ظرفیت ملّی ما اگر بطور کامل و همه جانبه مورد اسـتفاده قرار بگیرد، بـدون تردیـد ملّت ایران خواهد توانست به همهٔ امیدها و آرزوهای خود دست پیدا کند. تحرّک ملّت ایران به برکت اسـلام آغاز شد و این بیداری و این امید و این اعتماد به نفس روز به روز تا به امروز بیشتر شد و ما هر سالی که نو می شود باید عزم خود را نو کنیم و پا را در میدانهای تازه تری بگذاریم.

بدیهی است که یک ملّت زنده با چالشها مواجه است و چالش ها لازمهٔ زنده بودن است.

هر موجود زنـده ای بایـد هزینـهٔ زنده بودن خود را بپردازد تا بتواند به اهداف خود دست پیدا کند. زنده بودن همراه باچالشـها است، همراه با مانع هاست، از مانع ها باید عبور کرد؛ احیاناً

ص:۱۷

همراه با دشـمنی هاست، برای دشـمنی ها بایـد تـدبیر و اندیشـۀ راسخ داشت، عزم قوی را باید دسـتمایۀ این حرکت کرد. ملّت ایران نیازمنـد این عزم ملّی است که تـا امروز هم این عزم را نشان داده است و روز به روز بایـد پایه های این عزم مسـتحکم تر بشود.

بـا نگـاه به حوادث جهانی و مسائل جهانی به روشـنی درمی یابیم که دشـمنان ملّت ایران درصـدد آننـد که با ملّت ایران از دو وسیله استفاده کنند و دشمنی خود را از دو راه با ملّت ایران به تحقّق برسانند.

آنچـه که امروز در دنیـا محسـوس است این است که یکی ایجـاد تفرقه در میـان صـفوف ملّت - از بین بردن یکپـارچگی ملّت ایران و از دست ملّت ایران این نیروی عظیم وحـدت را ربودن و آنهـا را به اختلافـات داخلی سـرگرم کردن - و دیگری ایجاد مشکلات اقتصادی و تلاش برای توقّف ملّت ایران در زمینه های گوناگون سازندگی کشور و رفاه عمومی خود.

این دو چیزی است که در نقشه هـای کوتـاه مـدّت و میان مـدّتِ دشـمنان ما به طور محسوس وجود دارد، اگر خود آنها هم بر زبان نیاورده بودند قابل حدس بود، ولی دشمنان ما خودشان هم به هر دو نکته اعتراف کردند.

در سال ۸۶ هم در زمینـۀ تلاش اقتصادی باید همه نیروها، نیروهای ملّی، نیروهای معتقد به آرمانهای بلند ملّت ایران، مسـئولان کشور، جوانـان پر نشـاط دست بـدست هم بدهنـد و تلاش کننـد. میـدان برای تلاش اقتصادی گسترده است بخصوص با ابلاغ سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی و آنچه که به مسئولان توصیه شد و به آنها تأکید شد و آنها هم عزم خودشان را نسبت به این قضیه ابراز کردند. میدان تلاش اقتصادی برای مردم گشوده است و راهها باز است.

مسـئولان بایـد برای مردم تشـریح کننـد امکانهایی را که در اختیار مردم وجود دارد و خودشان هم بایـد تلاش کنند. کشور ما ظرفیت اقتصادی بسیار زیادی دارد و می توان برای بنای یک جامعۀ برخوردار از رفاه تلاش کرد و کار کرد.

مسالۀ دوّم مسالۀ اتّحاد عمومی مردم است. دشمنان با تبلیغات خود یا جنگ روانی خود

با تلاش های موذیانهٔ گوناگون خود، سعی می کنند بین ملّت ایران و صفوف ملّت ایران اختلاف بیاندازند، به بهانهٔ قومیّت، به بهانهٔ مذهب، به بهانهٔ گرایشهای صنفی، وحدت کلمه ملّت را از بین ببرند.

علاوه بر این در سطح دنیای اسلام هم یک تلاش وسیع عمیقی از سوی دشمن محسوس است.

برای اینکه میان ملّت ایران و جوامع گوناگون مسلمان دیگر فاصله بیاندازند، اختلاف مذهبی را بزرگ کنند، جنگ شیعه و سنی در هر نقطه ای از دنیا که ممکن باشد بوجود بیاورند و عظمت ملّت و ابّهت ملّت ایران را در میان ملّتهای دیگر که روز به روز بحمداللّه تا امروز بیشتر شده است را از بین ببرند.

ملّت ما باید هوشیار باشد. تلاش برای سازندگی کشور و عمده تر از آن و مهمتر از آن، تلاش برای اتّحاد کلمه و یکپارچگی ملّی و اتّحاد امّت اسلامی.

عاقلانه، هوشیارانه، خردمندانه و مدبّرانه بایستی این اتّحاد را حفظ کرد و روزبه روز تقویت کرد. من به همین جهت اهمّیت می دهم به مسالهٔ اتّحاد کلمهٔ ملّتمان.

به نظر من امسال سال اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی است

یعنی در درون ملّت ما اتّحاد کلمهٔ همهٔ آحاد ملّت و قومیّت های گوناگون و مذاهب گوناگون و اصناف گوناگون ملّی و در سطح بین المللی انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانه میان آحاد امّت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمهٔ آنها.

امروز عظمت اسلام هم، وابسته به استقلال ملّتها است و به عزم راسخ ملّتها است و ملّت مسلمان ایران در این راه تاکنون بحمداللّه پرچمدار بوده است و پرچمدار هم خواهد بود.

از خداوند متعال برای روح ملکوتی امام بزرگوارمان که این راه را به روی ما گشود طلب آمرزش و تعالی درجات می کنیم و امیدوارم ملّت ایران در این راه موفّق و مؤیّد باشند.

والسلام علیکم و رحمت اللّه و برکاته (۱)

۱- (۱) . پایگاه اطّلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری مدظله العالی..

گزیدهٔ جملات حضرت امام خمینی رحمه الله پیرامون وحدت ملّی و انسجام اسلامی

اشاره

از جملهٔ عالمان بزرگی که نـدای وحدت و بیدارگری مسـلمانان جهان را سـر داد، بنیانگذار جمهوری اسـلامی ایران حضـرت امام خمینی رحمه الله را می توان نام برد. نقش مصلحانهٔ این شخصیّت عظیم آن چنان پُررنگ و پراهمیّت است که تبیین آن به گونهٔ مستقل و مفصّل بسیار بجاست. ایشان همواره در سخنرانیها، پیامها، مصاحبه ها و دیدارهای عمومی و خصوصی خود با سران کشورهای اسلامی، مسألـهٔ وحـدت و انسـجام مسـلمین جهان را، مسأله ای فراموش نشـدنی ارزیابی می کردنـد و مصـراً خواهان و پیگیر زمینه سازی برای این امر مهم بودند.

حضـرت امام خمینی رحمه الله معتقد بودند اسـتعمارگران از هر دسـتاویزی بهره می گیرند تا میان مسلمانان اختلاف انداخته و بتواننـد در سایهٔ اختلافات مسـلمین، به حیات نامشـروع خود ادامه بدهند. در نگاه آسـمانی ایشان، اختلاف افکنی به بهانه های گونـاگون – همچون: بهانـهٔ اختلافـات جغرافیایی، نوع حاکمیّتهای سیاسـی در هر نقطه از جهان اسـلام، تنوّع زبانی مسـلمانان، اختلاف های مرزی و سیاسـی که برخی کشورهای مسـلمان با یکدیگر دارند، نوع مذهب و نوع گرایش های فکری و دینی و تاریخی مسـلمانان، نژاد و انواع بهانه های دیگر، با بزرگنمایی آن ها توسط استکبار جهانی، صهیونیست و حامیان و عوامل آن ها، – همواره زمینه ساز تفرقهٔ مسلمانان بوده است.

ایشان، اختلافات مسـلمانان به بهانـهٔ نوع مـذهب را یکی از بـدترین و مهلک ترین عوامل تفرقـهٔ مسـلمانان میدانسـتند؛ به همین دلیل، پیوسته به وحدت شیعه و سنی سفارش

ص:۲۱

می کردنـد. حضـرت امام رحمه الله شخصـیّتی نبودنـد که دیدگاه هایشان را در محدودهٔ نظر و سـخن زندانی کنند و گام های عملی برای وحدت شیعه و سنی جهت مقابله با صهیونیسم و حامیان و عاملان آن برندارند.

امام راحل رحمه الله از همان سال های نخست دههٔ چهل که قیام خود را آغاز نمودند، نه تنها بر همهٔ بهانه هایی که ابزار تفرقهٔ مسلمانان است، مُهر باطل زدند، بلکه از یاران و پیروان خود خواسـتند عملاً در راه وحدت شـیعه و سنی که مهلک ترین بهانهٔ دشمن برای ایجاد اختلاف است، بکوشند.

به همین خاطر ساواک بارها در گزارش های خیلی محرمانهٔ خود چنین آورده:

«از طرف آیت اللّه خمینی دسـتورات مکرّری به آخونـدها صادر شـده تا آن ها موجبات نزدیکی آخونـدهای سنّی و شـیعه را فراهم آورند و به اشـخاص و مردم تذکّر بدهند که از توهین به مقدّسات اهل تسـنّن خودداری نمایند...». (۱)در ذیل به گوشه هـایی از کلاـم گوهربـار ایشـان در مجـالس و مناسـبتهای گونـاگون پیرامون اهمیّت اتّحـاد ملّت ایران با خود و دیگر مسـلمین جهان، اشاره می شود.

* * *

وحدت و تفاهم یک تکلیف است

اینطور نباشـد که باطل در باطل خودش مجتمع باشـد و ما در حق خودمان متفرّق. ما که مـدّعی این هستیم که اهل حق هستیم، مسـلمانها که اهـل حق هسـتند، قرآن کتاب آنهاست، کعبه قبلـهٔ آنهاست. کسانی که به اسـلام ایمان آورده انـد و به حق ایمان آورده اند، باید در این حق خودشان مجتمع باشـند و نگذارند این باطلها، که در باطل خودشان می خواهند مجتمع بشوند، آنها پیروز بشوند. ما تکلیف همه مان این است که در حق خودمان با هم تفاهم داشته باشیم، چه اهالی یک کشور و چه اهالی همهٔ کشورهای اسلامی. و من امید آن را دارم که

۱- (۱) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، ص۱۲..

ملّتها به سرعت رو به حق بروند و به سرعت رو به اجتماع و اتّحاد بروند تا باطلها را با سرعت عقب بنشانند. (۱)

ضرورت برادری بین طوایف (شیعه و سنی) جهت مقابله با طرحهای دشمنان

خدای تبارک و تعالی را شکرگزاریم که ملّت ایران، همهٔ طوایف، برادران شیعی مذهب و برادران اهل سنت، در کنار هم و با برادری برای پیاده کردن احکام اسلام کوشش می کنند.

برادران و خواهران من، ما امروز در یک عصری واقع هستیم که تمام دنیا، تمام کشورها، از اقصی نقاط عالم تا اینجا، به منزلهٔ یک خانه شدند... اینطور نیست که اگر ما در اینجا باهم اختلافی بکنیم، منحصر باشد به یک شهری یا یک کشوری مثل کشور ایران؛ بلکه انعکاسش در تمام کشورهای دنیا هست و بازتابش در همه جا هست. امروز وضع سیاسی دنیا طوری است که تمام کشورهای عالم در تحت نظر سیاسی ابرقدرتها هستند. همه جا را ناظر هستند و برای شکست همهٔ طوایف و قشرهای دیگر طرحها دارند و مهّم طرحها، آن است که بین برادرها اختلاف ایجاد کنند. طرحهای اساسی و سیاسی آنها این است که با اسماءِ مختلف و با صورتهای متعدّد بین برادرها، بین دوستها اختلاف بیندازند. (۲)

گروههای تفرقه انداز، لشکرهای شیطانند

... نقشهٔ قدرتهای بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوّت ایجاد کرده است و مؤمنون را به نام اخوّت یاد فرموده است از هم جدا کنند، و به اسم ملّت تُرک، ملّت کُرد، ملّت عرب، ملّت فارس از هم جدا کنند، بلکه باهم دشمن کنند و این درست بر خلاف مسیر اسلام است و مسیر قرآن

۱- (۱) . صحیفهٔ امام، ج۱۳، ص۱۶۴؛ زمان: ۶ شهریور ۱۳۵۹؛ مکان: تهران حسینیهٔ جماران؛ موضوع: وظیفهٔ ملّت ها، کوشش برای اقامهٔ حق؛ حضار: اقشار مختلف مردم، دانشجویان ایرانی مقیم هندوستان..

۲- (۲) . همان، ج۱۳، ص۱۳۰؛ زمان: ۲۷ مرداد ۱۳۵۹؛ مکان: تهران حسینیهٔ جماران؛ موضوع: اتّحاد و برادری همهٔ مسلمین - حفظ نظم و انسجام در نیروهای مسلّح؛ حضار: اقشار مختلف مردم، کارکنان جهاد سازندگی سیستان و بلوچستان و... ..

کریم. تمام مسلمین باهم برادرند و برابرند، و هیچ یک از آنها از دیگری جدا نیستند، و همهٔ آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند. اینهایی که با اسم ملّیت و گروه گرایی و ملّی گرایی بین مسلمین تفرقه می اندازند، اینها لشکرهای شیطان و کمک کارهای به قدرتهای بزرگ و مخالفین با قرآن کریم هستند. (۱)

اسلام آمده تا تمام ملل دنیا را باهم متّحد سازد

... نقشه های قدرتهای بزرگ که می خواهند مسلمین را زیر سلطهٔ خود بیاورند و مخازن آنها را به غصب ببرند و اموال آنها را به چپاول ببرند، از سالهایی طولانی دنبال نقشه هایی بودند، که از نقشه های بزرگ آنها، مسئلهٔ ملّت گرایی است. اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را، همه را باهم متّحد کند. و یک امّت بزرگ به نام امّت اسلام در دنیا برقرار کند. (۲)

استعمار به این نتیجه رسیده که باید بین طوایف مسلمین اختلاف بیاندازد

امروز همه در خدمت شما هستند، در خدمت اسلام هستند. این نعمت را قدر بدانید، سستی و سردی به خودتان راه ندهید، نگویید که او رفت و تمام شد. خیر، استعمار مطالعه کرده است، سیصد سال یا بیشتر مطالعه کرده، مطالعهٔ روحیّات شما را کرده است، مطالعهٔ طوایف مختلف ایران را کرده است، به این نتیجه رسیده است که باید اختلاف بیندازد، بین طوایف مسلمین؛ اختلاف بیندازد در هر شهر، اختلاف ایجاد کند. با نغمه های مختلف شما را از هم جدا کند روحانیّت را از مسلمین جدا کند، دانشگاه را از روحانیّین جدا کند، کارگر را از مردم و از روحانیّین جدا کند، روحانیّت در خدمت کارگر است، اسلام در خدمت مستضعفین است. (۳)

۱- (۱) . صحیفهٔ امام، ج۱۳، ص۴۴۳ - ۴۴۴؛ زمان: ۵ دی ۱۳۵۹؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: توطئهٔ دشمنان اسلام در ایجاد اختلاف بین امّت اسلامی و... حضار: عشایر عرب زبان خوزستان و فارس و شوراهای اسلامی عشایر دشت آزادگان و سوسنگرد..

۲- (۲) . همان، ص۴۴۳..

۳- (۳) . همان، ج۶، ص۲۷۲؛ زمان: ۱۰ اسفند ۱۳۵۷؛ مکان: قم، مدرسهٔ فیضیه؛ موضوع: تبیین نتایج مبارزات ملّت ایران و...؛ حضار: اهالی قم و دیگر شهرستانها..

اختلافات سران کشورهای اسلامی، مشکل فلسطین را به وجود آورده است

... اگر سران کشورهای اسلامی از اختلافات داخلی دست بردارند و با اهداف عالیهٔ اسلام آشنا شوند و به سوی اسلام گرایش پیدا کنند، این گونه اسیر و ذلیل استعمار نمی شوند، این اختلافات سران کشورهای اسلامی است که مشکل فلسطین را به وجود آورده، نمی گذارد حل شود. اگر هفتصد میلیون مسلم، با این کشورهای عریض و طویل، رشد سیاسی داشتند و با هم متّحد و متشکّل شده و در صف واحد قرار می گرفتند، برای دولت های بزرگ استعمار ممکن نبود که در ممالك آن ها رخنه کنند، تا چه رسد به مُشتی یهود که از عمّال استعمارند. (۱)

مسلمانان سراسر جهان متّحد شوند

... من همواره مصرّاً خواسته ام که مسلمانان سراسر جهان متّحد شوند و بر ضدّ دشمنانشان از جمله اسرائیل مبارزه کنند، متأسّفانه دعوت های مرا رژیم های مختلف که در کشورهای مسلمان بر سر کار آمده اند، نشنیده اند. امیدوارم که بالأخره این دعوت ها شنیده شود و من در این راه پایداری خواهم کرد. (۲)

کشور نیازمند وحدت و برادری است

... من باز سفارش می کنم کشور ما در مرحله بازسازی و سازندگی، به تفکّر و به وحدت و برادری نیاز دارد. (۳)

اهل سنت برادران ما هستند

... ما برادری خودمان را به برادران اهل سنت اعلام می کنیم. دشمنان اسلامند که

۱- (۱) . صحیفهٔ امام، ج۲، ص۳۲۳؛ زمان: بهمن ماه ۱۳۴۹؛ مکان: نجف اشرف؛ موضوع: هشدار به مسلمین جهان در مورد فلسطین و افشای جنایت های رژیم شاه؛ مخاطب: زائران بیت اللّه الحرام..

۲- (۲) . همان، ج۳، ص۳۷۴؛ زمان: ۴ اردیبهشت ۱۳۵۷؛ مکان: نجف اشرف؛ موضوع: مسائل سیاسی اجتماعی ایران..

۳- (۳) . همان، ج۲۱، ص۱۸۰؛ زمان: ۱۰ آبان ۱۳۶۷؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: منشور برادری - مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی؛ مخاطب: محمّد علی انصاری، (از اعضای دفتر امام خمینی رحمه الله)..

می خواهند ما را با برادرهای خودمان مختلف کنند. دشمنهای اسلام یا گول خورده های از آنها هستند که در این وقت، مخالفت مابین دو دسته را اعلام می کنند. ما اعلام می کنیم وحدت کلمه مسلمین را. اگر مسلمین وحدت کلمه داشتند، امکان نداشت اجانب بر آنها تسلّط پیدا بکنند. (۱)

بر همهٔ مسلمین واجب است که باهم باشند

... این تفرقه در بین مسلمین است که باعث شده است که اجانب بر ما تسلّط پیدا بکنند.

این تفرقهٔ مسلمین است که از اول با دست اشخاص جاهل تحقّق پیدا کرد، و الآن هم ما گرفتار هستیم. واجب است بر همهٔ مسلمین که باهم باشند. (۲)

ما همه باهم برادریم. همهٔ ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم

یک دسته از مسلمانان، شیعه هستند و یک دسته ای از مسلمانان، سنّی، یک دسته حنفی و دسته ای حنبلی و دسته ای اخباری هستند. اصلاً طرح این معنا از اوّل درست نبود. در یک جامعه ای که همه می خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم؛ منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شُدید حنفی؛ یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق علیه السلام را عمل کردند، اینها شدند شیعه، این دلیل اختلاف نیست. ما نباید باهم اختلاف و یا یک تضادّی داشته باشیم. ما همه باهم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آنها می خواهند نه این باشد و نه آن. راه را این طور می دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجّه به

۱- (۱) . صحیفهٔ امام، ج۶، ص۸۳؛ زمان: ۱۷ بهمن ۱۳۵۷؛ مکان: تهران، مدرسهٔ علوی؛ موضوع: وحدت کلمه - برادری شیعه و سنی و...؛ حضار: مدرّسان و طلاب حوزهٔ علمیه قم و... ..

۲- (۲) . همان..

این معنا بکنیم که همهٔ ما مسلمان هستیم و همهٔ ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم. (۱)

بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد

... در اسلام بین شیعه و سنی ابداً تفرقه نیست؛ بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد؛ باید وحدت کلمه را حفظ کنید ... با هم اجتماعمان را حفظ کنیم و کسی که این اجتماع را بخواهد بهم بزند، یا جاهل است و یا مغرض و نباید به این حرفها گوش (بکنید). (۲)

مشکل عمدهٔ مسلمین همان دوری از اسلام و قرآن است

... مشکل عمدهٔ مسلمین همان دوری از اسلام و قرآن است و اگر مسلمین به حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا» (۳)؛ اگر به همین یک امر و نهی عمل می کردند، تمام مشکلاتشان، مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شان رفع می شد و هیچ قدرتی نمی توانست با آن مقابله کند. (۴)

وابستگان به قدرتهای بزرگ نقشهٔ اختلاف بین برادران را ریختند

... الآن اجتماعاتی هست که به اسم شیعه و سنی بنا بر ایجاد اختلاف دارند؛ همانطوری که وابستگان به قدرت بزرگ آمریکا... این مسأله را طرح کردند و برای خدمتگزاری به آمریکا که دنبالش خدمتگزاری به شوروی هم است، نقشهٔ اختلاف بین برادران را ریختند و دنبال او در کشور خودمان هم اشخاصی دارند همان نقشه را پیاده می کنند؛ غافل از آنکه -

---

۱- (۱) . صحیفهٔ امام، ج۱۳، ص۵۴؛ زمان: ۳۰ تیر ۱۳۵۹؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع اتّحاد شیعه و سنی؛ حضار: نمایندگان فرهنگیان و.... ..

۲- (۲) . همان، ج۶، ص۸۴؛ زمان: ۱۷ بهمن ۱۳۵۷؛ مکان: تهران، مدرسهٔ علوی؛ موضوع: وحدت کلمه، برادری شیعه و سنی و...؛ حضار: مدرّسان و طلاب حوزهٔ علمیهٔ قم و.... ..

۳- (۳) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳..

۴- (۴) . صحیفهٔ امام، ج۹، ص۱۲۹؛ زمان: ۲۶ تیر ۱۳۵۸؛ مکان: قم؛ موضوع: بیان مشکلات عمدهٔ مسلمانان؛ مخاطب: سفیر یمن شمالی..

اگر خدای نخواسته - این قدرتهای بزرگ در ایران برگردند، نه اسلامی و نه اهل سنتی و نه اهل تشیعی باقی می گذارند. (۱)

تبلیغات اجانب: شیعه یک طرف سنی یک طرف

اصل این مسأله که شیعه و سنی؛ شیعه یک طرف و سنی یک طرف، این از روی جهالت و از روی تبلیغاتی که اجانب کرده اند پیش آمده است. چنانچه بین خود شیعه هم اشخاص مختلفی را باهم به مبارزه وا می دارند و بین خود برادرهای سنی هم یک طایفه ای را به طایفهٔ دیگر، در مقابل هم قرار می دهند. امروز روزی است که تمام طوائف مسلمین مقابل هستند با قدرتهای شیطانی، که اساس اسلام را می خواهند از بین ببرند... امروز روزی است که همه به دستور اسلام، به دستور قرآن کریم (باید) باهم متّحد باشند، تنازع نکنند. (۲)

همهٔ مسلمین دست واحد شوند بر اعداء

... امیدوارم که خداوند تبارك و تعالی به ملّت قهرمان ایران سلامت بدهد و «هفتهٔ وحدت» را واقعاً وحدت درست کنند؛ نه این که فقط ما هفتهٔ وحدت می گیریم، ما محتاج به وحدت هستیم در سالیان دراز، همیشه. قرآن کریم که (به) ما دستور داده و به مسلمین دستور وحدت داده، برای یک سال و ده سال و صد سال نیست، برای سرتاسر عالم است در سرتاسر تاریخ و ما محتاج به این هستیم که عملاً ـ وحدت را محقّق کنیم و محقّق هست و نگه داریم این وحدت را. ما الآن در بین راه هستیم و باید این وحدت را حفظ کنیم و من امیدوارم که به برکت وحدت ملّت ایران، این وحدت در سایر کشورهای اسلامی هم پیدا بشود که دارد پیدا می شود و همهٔ مسلمین دست واحد بشوند بر اعداء؛ چنانچه در روایت هست. (۳)

۱- (۱) . صحیفهٔ امام، ج۱۴، ص۲۸۷؛ زمان ۲۴ فروردین ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: حفظ وحدت و آرامش، هشدار به عناصر تفرقه جو؛ حضار: کشاورزان و اهالی گرگان و... ..

۲- (۲) . همان، ج۱۳، ص۱۵۲ - ۱۵۳؛ زمان: ۴ شهریور ۱۳۵۹؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: ضرورت اتّحاد در مقابل قدرت ها - رسیدگی به مناطق محروم؛ حضار: گروهی از روحانیون و علمای استان کردستان..

۳- (۳) . همان، ج۱۹، ص۴۳۶؛ زمان: ۹ آذر ۱۳۶۴؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: بازتاب و تأثیر ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در جهان؛ مناسبت: میلاد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و امام جعفر صادق علیه السلام - هفتهٔ بسیج؛ حضار: اعضای هیئت دولت وقت، مقامات لشگری و کشوری..

خطاب به تمام مسلمانان متعهّد: به شیعیان به چشم برادری عزیز نگاه کنید

... از ملّی گرایی خطرناکتر و غم انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است و إلقاء تبلیغات فتنه انگیز و دشمنی ساز بین برادران اسلامی و ایمانی است. و بحمد اللّه تعالی در انقلاب اسلامی ایران، هیچ اختلافی بین این دو طایفه وجود ندارد و همه با دوستی و اخوّت در کنار هم زندگی می کنند. برادران اهل سنت در کشورهای اسلامی بدانند که این عمّال وابسته به قدرتهای شیطانی بزرگ، خیرخواه مسلمین و اسلام نیستند و لازم است مسلمانان از آنها تبرّی کنند و به تبلیغات نفاق افکنانهٔ آنان گوش فرا ندهند. من دست برادری به تمام مسلمانان متعهد جهان می دهم و از آنان می خواهم که به شیعیان با چشم برادری عزیز، نگاه کنند و با این عملشان همانند همیشه نقشه های شوم اجانب را خنثی کنند. (۱)

همه باهم برادر باشید تا در بهشت هم برادر باشید

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۲). این آیه را همه ملاحظه کنید، همه اعتصام به حبل اللّه بکنید، همه برادر باشید تا در بهشت هم - اخوان بر آن سروری که هستید در مقابل هم - برادر باشید. اگر اینجا برادری نباشد در آنجا هم بهشتی معلوم نیست باشد برای شما. (۳)

انسجام همهٔ اقشار جامعه در مقابل ابرقدرتها

انسجام... دانشگاه و روحانی باهم، همه با بازار، باهم، با کارگر و سایرین، اداری و غیر اداری باهم، این ها وقتی منسجم شدند حتی ابرقدرتها هم نمی توانند کاری انجام دهند. (۴)

ص:۲۹

۱- (۱) . صحیفهٔ امام، ج۱۳، ص۲۰۹ - ۲۱۰؛ زمان: ۲۱ شهریور ۱۳۵۹؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: سیاست آمریکا و ایادی آن - ایجاد اختلاف بین ملّت های اسلامی؛ مناسبت: فرا رسیدن ایّام حج؛ مخاطب: مسلمین جهان و زائران بیت اللّه الحرام..

۲- (۲) . سورهٔ حجرات، آیه ۱۰..

۳- (۳) . صحیفهٔ امام، ج۱۵، ص۴۷۶؛ زمان: ۲۰ دی ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیهٔ جماران، موضوع: تشریح برکات انقلاب اسلامی؛ مناسبت: میلاد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و امام جعفر صادق علیه السلام ؛ حضار: میهمانان خارجی و روحانیون اهل سنت و....

۴- (۴) . همان، ج۸، ص۳۱۳؛ زمان: ۶ تیر ۱۳۵۸؛ مکان: قم؛ موضوع: نقش وحدت حوزه و دانشگاه؛ حضار: دانشجویان انجمن اسلامی تربیت معلّم تهران..

مردم را دعوت کنید به این که گروه گروه نشوند

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ» (۱)... هر اجتماعی مطلوب نیست واعتصموا بحبل اللّه مطلوب است. همان است که «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ» (۲). اسم رب همان ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند. مردم را دعوت کنید به وحدت، دعوت کنید به این که گروه گروه نشوند الآن مشغولند شیاطین به این که این انسجامی که پیدا شد برای ملّت ما، - و با این انسجام پیش بردند و بحمد اللّه پیروز شدند تا اینجا، - این را به همش بزنند. (۳)

دولتهای اسلامی دست از اختلاف بردارند، مشکلات ممالک حل خواهد شد

اگر دولتهای اسلامی به وظایف اسلامی خودشان عمل کنند، دست از اختلافاتی که بین خودشان هست بردارند و همه تحت کلمهٔ اسلام مجتمع شوند، مشکلات ممالک حل خواهد شد. (۴)

دعوت به اتّحاد و برادری

... کراراً دولتهای اسلامی را دعوت به اتّحاد و برادری نموده ام در مقابل اجانب و ایادی آنها که می خواهند با ایجاد نفاق در بین مسلمین و دولتهای اسلامی، ممالك عزیز ما را در تحت اسارت و ذلّ استعمار نگه دارند. (۵)

ما با هم یکی هستیم

ما باهم یکی هستیم و ما جدا نیستیم. اختلاف، اختلاف دو تا مذهب است. این اختلاف نباید اسباب این معنی بشود که ما در اساس اسلام (اختلاف کنیم). مسألهٔ اختلاف بین پیروان دو طایفه و دو مذهب، ریشه اش از صدر اسلام است. در آن وقت خلفای اموی و خصوصاً عبّاسی

۱- (۱) . سوره آل عمران، آیه ۱۰۳..

۲- (۲) . سوره علق، آیه ۱..

۳- (۳) . صحیفهٔ امام، ج۸، ص۳۳۴؛ زمان: ۷ تیر ۱۳۵۸؛ مکان: قم؛ موضوع: راه الهی و راه شیطانی؛ حضار: طلاب مدرسهٔ فیضیه و مبلّغان..

۴- (۴) . همان، ص۳۰۷؛ زمان: ۶ تیر ۱۳۵۸؛ مکان: قم؛ موضوع: اتّحاد عامل پیروزی؛ حضار: هیأتی از کشور عمان..

۵- (۵) . همان، ج۲، ص۱۳۹؛ زمان: ۱۷ خرداد ۱۳۴۶؛ مکان: نجف؛ موضوع: تحریم رابطهٔ تجاری و سیاسی اسرائیل و... مخاطب: سران دولتهای اسلامی..

درصدد بودند که اختلاف ایجاد کنند، مجالس درست می کردند و (به اختلاف) دامن می زدند. (۱)

همهٔ ما برادریم، همه مساوی هستیم

... امیدواریم خداوند... ما را تأیید کند برای این که اسلام را آنطور که هست، در خارج محقّق کنیم تا این که همه بدانند که اسلام برای همه است و برادرهای سنی ما بدانند که تبلیغاتی که می شود که ما با آنها چه هستیم، صحیح نیست. همهٔ ما برادریم، حقوق همه محفوظ است. همه مساوی هستیم. (۲)

عدّه ای درصدد این هستند که بین مسلمین تفرقه بیاندازند

... امروز آن چیزی که تکلیف همهٔ ما است - شما برادرهای اهل سنت، اینها برادرهای اهل تشیع، همه، همهٔ افراد این ملّت تکلیف دارند، - این است که الآن توجه به این معنا داشته باشند که دستهایی در کار است که نگذارند اسلام تحقّق پیدا بکند... الآن اینها درصدد این هستند که بین مسلمین تفرقه بیندازند. (۳)

تفرقه افکنان، نه سنی هستند نه شیعه

... آنهایی که می خواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد کنند، نه سنی هستند و نه شیعه... به همهٔ آنها سفارش کنید که ماها برادر بودیم و هستیم و خواهیم بود و مصلحت شما مصلحت ماست، مصلحت ما مصلحت شماست. ما همه، قرآن شریف را باید حفظ کنیم.

ما همه، دین اسلام را باید حفظ کنیم و با وحدت ان شاءاللّه پیروز شویم. (۴)

۱- (۱) . صحیفهٔ امام، ج۶، ص۹۴ - ۹۵؛ زمان: ۱۸ بهمن ۱۳۵۷؛ مکان: تهران، مدرسهٔ علوی؛ موضوع: اختلاف شیعه و سنی؛ حضار: مفتی زاده، آقا سیّد احمد و جمعی از اهالی کردستان..

۲- (۲) . همان، ج۷، ص۳۳۶؛ زمان: ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸؛ مکان: قم؛ موضوع: برادری میان شیعه و سنی؛ حضار: خواهران اهل سنت اورامانات و.... ..

۳- (۳) . همان، ج۸، ص۱۳۱-۱۳۲؛ زمان: ۲۳ خرداد ۱۳۵۸؛ مکان: قم؛ موضوع: مقابله با اختلافات مذهبی - وحدت شیعه و سنی؛ حضار: نمایندگان عشایر خوزستان - هیأتی از ترکمن صحرا و.... ..

۴- (۴) . همان، ج۱۴ ص۳۸۱؛ زمان: ۹ خرداد ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: حفظ وحدت و جلوگیری از ایجاد اختلافات؛ حضار: روحانیون اهل سنت کردستان..

تبلیغات وسیع برای تفرقه میان برادرهای اهل تشیع و تسنن

... امید است که این پیوند تا آخر باقی باشد و برادران اهل تسنن و تشیع باهم توحید کلمه را آغاز کردند و امیدوارم که تا آخر این توحید و وحدت باقی باشد... در این پنجاه سال... با تبلیغات وسیع بین برادرهای اهل سنت و برادرهای اهل تشیع کوشش کردند که تفرقه ایجاد کنند با همهٔ وسائل کوشش کردند و این دو جناح بزرگ را از هم جدا کردند، به طوری که آن طایفه، این طایفه را حتی تکفیر می کردند. (۱)

شما خوب می دانید که چه کسانی از تفرقه سود می برند

شما می دانید که آقایان اهل سنت و علمای شیعه، مدّت هاست که زحمت می کشند که تفرقه را کنار بگذارند و (با) کسانی که پیغمبر شان و دین شان یکی است همراه و برادر باشند، لکن افرادی کوشش می کنند که تفرقه ایجاد کنند و شما خوب می دانید که چه کسانی از تفرقه سود می برند. (۲)

امیدوارم خداوند این وحدت کلمه را از ما نگیرد

... من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به ما منّت بگذارد و این انسجامی که هست الآن و این وحدت کلمه ای که هست الآن، از ما نگیرد و بین همهٔ برادرها اتّحاد و وحدت داشته باشیم و ادامه پیدا کند ان شاء اللّه. (۳)

اسلام برای همه حقوق قائل است

... حقوق همهٔ افراد، چه برادرهای اهل سنت و چه برادرهای اهل تشیع و چه آنهایی که اقلّیت مذهبی رسمی دارند؛ حقوق آنها، همه، هم در قانون اساسی ملحوظ شده است و هم

۱- (۱) . صحیفهٔ امام، ج۱۵، ص۴۶۹ - ۴۷۰؛ زمان: ۲۰ دی ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ مناسبت: میلاد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و امام جعفر صادق علیه السلام ؛ حضار: روحانیون اهل سنت شرکت کننده در اردوی وحدت - اقشار مردم و.... ..

۲- (۲) . همان، ج۱۶، ص۴۱۹؛ زمان: ۲۵ مرداد ۱۳۶۱؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: توطئهٔ ایجاد اختلاف بین اهل سنت و علمای شیعه؛ حضار: ائمهٔ جمعهٔ استان بوشهر..

۳- (۳) . همان، ج۱۵، ص۴۶۰؛ زمان: ۸ دی ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: ضرورت وحدت همبستگی و رفع اختلاف بین مسلمین؛ حضار: ائمهٔ جمعهٔ استانهای باختران و ایلام..

اسلام برای همهٔ آنها حقوق قائل است و با عدل اسلامی رفتار می کند. (۱)

تفرقه افکنان یا جاهلند و یا...

ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم، واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیهٔ شیعه و سنی اصلاً در کار نیست ما همه باهم برادریم. (۲)

ملل اسلامی با اتّحاد، استقلال خود را حفظ کنند

... امید است ملل اسلامی با اتّحاد و همبستگی در برابر توطئه گران و استعمارگران، استقلال خود را حفظ کرده، سربلند و پیروز مندانه از این مبارزهٔ اسلام و کفر جهانی بیرون آیند. (۳)

پیام برای همهٔ مسلمین

برای همهٔ مسلمین پیام من این است که با دارا بودن تمام امکانات و با جمعیّت عظیمی که مسلمین دارند و با ممالک کثیری که تحت سلطه و قدرت آنهاست، آنها باهم اتّحاد کنند. اگر متّحد شوند، هیچ یک از ابرقدرتها، قدرت اینکه به آنها تجاوز کنند ندارد. (۴)

۱- (۱) . صحیفهٔ امام، ج۱۴، ص۲۸۹ - ۲۹۰؛ زمان: ۲۴ فروردین ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: حفظ وحدت و آرامش و هشدار به عناصر تفرقه جو؛ حضار: اهالی گرگان، گنبد، ترکمن صحرا و.... ..

۲- (۲) . همان، ج۶، ص۱۳۳؛ زمان: ۲۳ بهمن ۱۳۵۷؛ مکان: تهران، مدرسهٔ علوی؛ موضوع: قیام برای ساختن ایران؛ مخاطب: ملّت ایران..

۳- (۳) . همان، ج۱۵، ص۴۰؛ زمان: ۲۰ تیر ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: پاسخ پیام تسلیت فاجعهٔ هفتم تیر؛ مخاطب: حافظ اسد رئیس جمهور سوریه..

۴- (۴) . همان، ج۴، ص۴۴۴؛ زمان: ۲۰ آبان ۱۳۵۷؛ مکان: پاریس - نوفل لو شاتو؛ موضوع: فلسطین و... مصاحبه کننده: خبرنگار روزنامهٔ لبنانی النهار..

دشمن از اختلافات نتیجه می گیرد

باید همهٔ این آقایان دست به دست هم بدهند، همهٔ اقشار باهم اتّحاد پیدا کنند...

امیدوارم که همه با وحدت کلمه، همه باهم این مسائل را حل بکنید و اختلافات نظر، اختلاف صنفی، اختلافاتی که در ایران آنها انداختند بین مردم، ... برداشته بشود که دشمن شما از اختلاف نتیجه می گیرد. (۱)

بازیابی عظمت مسلمانان در سایهٔ اتّحاد

امید است در سایهٔ اتّحاد کلمه و اعتصام بحبل اللّه المتین، دست همهٔ استعمارگران شرق و غرب را از کشورهای مسلمان کوتاه نموده عظمت از دست رفتهٔ خود را باز یابند. (۲)

باید هر روز بیدارتر شویم

ما هر روز باید به بیداری خودمان بیفزاییم و هر روز باید به وحدت و انسجام خودمان افزایش بدهیم. (۳)

ملّت، دولت، مجلس و ارتش با وحدت از لبنان و قدس پشتیبانی کنند

ملّت و دولت و مجلس و ارتش و سایر قوای مسلّح ایران که امروز با وحدت اسلامی و انسجام الهی صف واحد هستند مصمّمند که در مقابل هر قدرت شیطانی و متجاوز به حقوق انسانها بایستند و از مظلومان دفاع نمایند و تا برگشت قدس به دامن مسلمین از لبنان و قدس عزیز پشتیبانی نمایند. (۴)

۱- (۱) . صحیفهٔ امام، ج۶، ص۱۱۵ - ۱۱۶؛ زمان: ۲۰ بهمن ۱۳۵۷؛ مکان: تهران: مدرسه علوی؛ موضوع: راه سازندگی و تداوم انقلاب اسلامی؛ حضار: نمایندگان شورای هماهنگی اعتصابات..

۲- (۲) . همان، ج۱۵، ص۵۰؛ زمان: ۵ مرداد ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: پاسخ تلگراف تبریک عید سعید فطر؛ مخاطب: رئیس دولت امارات متّحدهٔ عربی..

۳- (۳) . همان، ج۱۸، ص۶۷؛ زمان: ۱ شهریور ۱۳۶۲؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: اهمّیت آشنایی به وظایف اسلامی و میهنی؛ حضار: دانشجویان شرکت کننده در مجمع جهانی حرکت اسلامی دانشجویان و... ..

۴- (۴) . همان، ج۱۵، ص۶۲؛ زمان: ۱۰ مرداد ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیهٔ جماران؛ موضوع: بیدار باش به مسلمین جهان برای قیام علیه استکبار و صهیونیسم؛ مخاطب: مسلمانان و مستضعفان ایران و جهان..

به خود وعده می دهیم انسجام بیشتر شود

... امروز ملّت ایران از سال سابق و از سابق تر، منسجم تر است و ما به خودمان وعده می دهیم که با خواست خدای تبارک و تعالی این انسجام هرچه بیشتر حاصل شود. (۱)

اخلال به وحدت، شکست به دنبال دارد

... و من به شما سفارش می کنم که بعد از اخلاص، اتّحاد را، وحدت را. اگر اخلالی به این وحدت، شیاطین پیدا کنند و بتوانند اخلال بکنند به وحدت شما رزمندگان، بدانید که شما گرفتار آن کید شیطانی شُدید و شکست همراهش است. (۲)

۱- (۱) . صحیفۀ امام، ج۱۶، ص۱۳۳؛ زمان: ۱ فروردین ۱۳۶۱؛ مکان: حسینیۀ جماران؛ موضوع: مقایسه بین جمهوری اسلامی و رژیم پهلوی؛ حضار: رئیس جمهور وقت و... ..

۲- (۲) . همان، ج۲۰، ص۷۸؛ زمان: صبح ۲۸ تیر ۱۳۶۵؛ مکان: حسینیۀ جماران؛ موضوع: اخلاص در کارها و اتّکال به خدا؛ حضار: فرماندهان سپاه و ارتش و... ..

اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی در کلام رهبر معظّم انقلاب اسلامی

اشاره

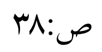
بی شک قرون گذشته شاهد تلاش های عالمان و اندیشمندان بزرگی بوده که هر کدام در زمینهٔ وحدت بخشیدن بین برادران شیعه و سنّی، در ایران و سایر کشورهای اسلامی گام برداشته اند و در حد وسع خویش موانع اتحاد را از سر راه برداشته اند. در عصر حاضر هم بزرگانی که برای این امر مهم، به جِدّ کوشیده اند کم نیستند. در این میان نقش برخی از این عالمان، به مراتب نسبت به بقیه چشمگیرتر و پرثمرتر به نظر می رسد. به حق مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای مدظله العالی را می توان به عنوان بزرگترین منادی وحدت در عصر حاضر و پرچمدار تقریب بین مذاهب معرّفی نمود.

آنچه در پی می آید گوشه هایی از فرامین ایشان است که در دو بخش به خوانندگان محترم تقدیم می شود. امید است خداوند سایهٔ ایشان را همواره بر سر مسلمانان جهان مستدام دارد.

الف) گلچینی از سخنرانی مقام معظّم رهبری...

ب) گزیدهٔ بیاناتِ معظم له پیرامون وحدت و انسجام

ص:۳۷



الف) گلچینی از سخنرانی مقام معظّم رهبری

در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهّر رضوی علیه السلام

در اولین روز سال اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی (۱۳۸۶):

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

الحمد للّه ربّ العالمین والصّلاه والسّلام علی سیّدنا ونبیّنا أبی القاسم محمّد وعلی آله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداه المهدیّین المعصومین سیّما بقیّه اللّه فی الأرضین. ربّنا علیک توکّلنا والیک انبنا والیک المصیر.

عید امسال دو تبریک دارد؛ هم تبریک عید نوروز است، هم تبریک ورود ماه ربیع المولود است؛ که ولادت نیّر اعظم و نبیّ مکرّم، حضرت محمّدبن عبداللّه صلی الله علیه و آله و سلم در آن وارد است. خود عید نوروز هم جزء اعیاد بابرکت برای ما ایرانی هاست.

مردم سال را با یاد خدا شروع می کنند و از خداوند متعال تحوّل به احسن الحال را مسئلت می کنند. امسال علاوهٔ بر اینها، ذخیرهٔ معنوی توسّلات و توجّهات ماه محرم و صفر هم بر برکات این عید افزوده است. شما جمع حاضر در این صحن هم که مشرّف به زیارت بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام هستید، برکات بیشتری دارید. برای من هم فرصتی است تا برخی از مسائلی را که در آغاز سال برای ما ان شاءاللّه مفید خواهد بود، مطرح کنم.

اول سال فرصت خوبی است برای تقویت عزم ملّی، برای برکت بخشیدن به عمر خود در این سال. اگر همهٔ آحاد ما مردم ایران از اول سال عزم خود را بر این متمرکز کنیم که با تلاش خود، با حرکت خود، سال پرباری برای خود فراهم کنیم، خدای متعال هم یقیناً کمک خواهد کرد. البته جانمایهٔ این عزم ملّی و بزرگ، نیّت پاک و تصمیم بر جلب رضای الهی است؛ تصمیم بر پیمودن صراط مستقیم؛ و آنگاه شناختن موقعیّت خود و وضع خود، جایگاه

خود در شرایط کنونی عالَم و چالشهایی که پیش روی ملّت قرار دارد، و شناختن خطوط اساسی برای مواجهۀ با چالشها. این، شرط موفّقیت یک ملّت زنده است؛ وضع خود را، جایگاه خود را، شرائط خود را درست بشناسد و برای این شرائط، برنامه ریزی داشته باشد و عزم و تصمیم قاطع بر مواجهۀ با آنچه که در این راه برای انسان به طور طبیعی پیش بیاید. من از این فرصت استفاده می کنم؛ در این ساعتی که در خدمت شما هستم، در این باره ها قدری صحبت می کنم.

آنچه که اساس مطلب برای ما ایرانی هاست - که همیشه باید این را در مدّ نظر داشته باشیم - این است که ملّت ما و مجموعۀ ما مردم ایران هدف بزرگی برای خودمان ترسیم کردیم و در طول دهه های پس از انقلاب، این هدف را دنبال کردیم. هرچه نگاه می کنیم، احساس می کنیم که ما برای رسیدن به این دو هدف، توانایی های لازم را داریم. این هدف بزرگ عبارت است از: سربلندی ایران اسلامی، الگوشدن در میان ملّتهای مسلمان، هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی. معنای این حرف این است که ملّت ما، هم از لحاظ مادی و هم از جنبه های معنوی ارتقاء پیدا کند؛ استقلال ملّی داشته باشد؛ عزّت ملّی داشته باشد؛ توان و ظرفیت ملّی داشته باشد؛ بتواند از همۀ ظرفیتهای خود استفاده کند؛ از رفاه عمومی برخوردار باشد و عدالت عمومی و اجتماعی بر زندگی او حاکم باشد. این ملّت در آن صورت می شود الگو برای همۀ جوامع مسلمان و حتّی غیر مسلمان. ملّت ایران می خواهد ملّتی باشد آزاد، مرفّه، باایمان، و کشوری داشته باشد آباد و پیشرفته؛ این هدف ملّت ایران است.

در این هدف، اختلافی هم وجود ندارد؛ دعواهای جناحی و اختلافات سیاسی در اینجا همه برطرف می شود؛ این هدف مورد قبول همۀ آحاد ملّت ایران است. کشوری آباد داشته باشیم، ملّتی آزاد و سربلند داشته باشیم، از ظرفیتهای ملّی خودمان بخوبی استفاده کنیم، بتوانیم پیشرو باشیم، پرچم عدالت اجتماعی را در دست داشته باشیم، پرچم ایمان اسلامی را در پیشاپیش همۀ ملّتهای مسلمان به دوش بگیریم؛ این چیزی است که همۀ ملّت ایران طالب و عاشق آن هستند. و می توانیم به این هدف دست پیدا کنیم؛ هم شناخت ظرفیتهای ملّی به ما

این امید را می دهد، هم تجربه ها این را تأیید می کند.

ملّت ایران یک ملّت بااستعداد است، بااستقامت است، برخوردار از غیرت دینی و غیرت ملّی است، به اسلام عمیقاً ایمان دارد، به میهن خود عشق می ورزد؛ اینها چیزهایی است که به ما این امیدواری و این اعتماد را می بخشد که ملّت ما قادر است به این هدف دست پیدا کند و برسد؛ دور از دسترس نیست. تجربه هم همین را به ما نشان می دهد.

... امروز شما نگاه کنید؛ جوانان ما در زمینهٔ انرژی هسته ای، در زمینهٔ سلولهای بنیادی، در زمینهٔ ضایعات نخاعی و در دهها زمینهٔ دیگر - که اگر ملّت ما از آنها به روشنی آگاه بشوند، شادمان خواهند شد - پیشرفت داشته اند. برجستگان علمی کشور ما امروز توانسته اند در دنیا بدرخشند و تحسین جهانیان را جلب کنند.

در میدان رقابتهای سیاسی هم همین طور. امروز دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه های سیاسی - چه در سطح منطقه، چه در سطح بین المللی، سخن او جزء سخنهای پرطرفدار است؛ سخن او یک سخن شنیدنی است. مسئولین کشور ما، هم در مجامع جهانی، هم در مسافرتهایی که به کشورهای دیگر می کنند، هم در موضعگیری هایی که می کنند، برجسته و شاخصند. این چنین وضعی برای ملّت ما نشان دهندهٔ استعداد این ملّت در پیشروی و در ورود به این میدانهاست.

ملّت ما توانسته است در فرهنگ سیاست بین المللی مفاهیم جدیدی را وارد کند. دنیا مردم سالاری دینی را نمی شناخت؛ امروز مردم سالاری دینی یک عنوان و شعار مطلوب در میان همهٔ ملّتهای اسلامی است...

و اما این راهی که ملّت ایران می خواهد برود، یک راه آسفالتهٔ بی مانع نیست؛ ما در این راه چالش هم داریم. ما دو دشمن بزرگ داریم. من این دو دشمن را امروز به اختصار برای شما معرّفی و چهره نمایی کنم تا ببینیم من و شما در مقابل این دو دشمن چه باید بکنیم. یک ملّت باید دشمن را بشناسد، نقشهٔ دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهّز کند. ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن

درونی خطرناک تر است. دشمن درونی چیست؟ دشمن درونی خصلتهای بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود – نه به شخص خود و نه به ملّت خود – اینها بیماری است. اگر این دشمنهای درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل می شود. همیشه دشمنان بیرونی ملّت ایران سعی کرده اند این میکروبها را در درون جامعهٔ ایرانی رسوخ دهند: «شما نمی توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده تان تاریک است»، «اُفقتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان درآمد». سعی این بوده است که ملّت ما را ناامید، کسل، بی اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ اینها دشمنان درونی است. در طول سالهای قبل از بروز حرکت اسلامی در کشور ما، بلای عمدهٔ ملّت ما اینها بود.

اگر ملّتی این بیماریها را داشته باشد، این ملّت پیشرفتش ممکن نیست؛ اگر ملّتی مردمش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملّتی پیش نخواهد رفت؛... اگر ما بتوانیم این دشمنها را در درون خود، در جان خود، در فرهنگ عمومی جامعهٔ خود از کار بیندازیم، دشمن بیرونی هم نمی تواند به ما صدمه و لطمه ای برساند.

و اما دشمن بیرونی. دشمن بیرونی این هدف ما عبارت است از نظام سلطهٔ بین المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه گران و سلطه پذیران تقسیم می کند. اگر ملّتی بخواهد در مقابل سلطه گران از منافع خود دفاع کند، سلطه گران با آن ملّت دشمنی می کنند؛ روی او فشار می آورند و سعی می کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمن یک ملّتی است که می خواهد مستقل و عزّتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکهٔ صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متّحدهٔ آمریکا. البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روشها تغییر می کند، اما سیاست دشمنی با ملّت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. هرچه توانسته اند، فشار وارد آورده اند، اما عبث؛ فشارهای آنها

نتوانسته است ملّت ایران را ضعیف کند یا به عقب نشینی وادار کند؛ نه تحریم اقتصادی شان، نه تهدید نظامی شان، نه فشار سیاسی شان، نه جنگ روانی شان. امروز ما از پانزده سال قبل، از بیست سال قبل، از بیست و هفت سال قبل بسیار قوی تر هستیم؛ این نشان دهندهٔ این است که دشمن در دشمنی با ملّت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناکام مانده است؛ اما این دشمنی هست.

... ما در مقابل این دو دشمن وظائفی داریم. اول دشمن را باید شناخت، بعد باید نقشهٔ او را دانست. امروز دشمنان بیرونی ما هم برای ملّت ایران نقشه دارند. ما سیاستهای پنج سالهٔ خودمان را تعریف می کنیم؛ افق چشم انداز بیست ساله را تعریف می کنیم؛ برای اینکه راه خودمان را مشخص کنیم. دشمن ما هم همین طور؛ او هم برای ما برنامه دارد؛ او هم سیاستی دارد. باید سیاست او را بشناسیم.

من برنامه های استکبار جهانی علیه ملّت ایران را در سه جمله خلاصه می کنم:

اول، جنگ روانی؛

دوّم، جنگ اقتصادی؛

و سوم، مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی. دشمنی های استکبار با ملّت ما در این سه قلم عمده خلاصه می شود. البته اینها را باید دستگاه های تبلیغاتی و رسانه ها و شخصیّت های سیاسی بیشتر برای مردم توضیح بدهند. من اجمالاً سرفصل و خلاصه ای از مطالب را به شما عرض می کنم.

جنگ روانی یعنی چه؟ هدف جنگ روانی، مرعوب کردن است. کی را می خواهند مرعوب کنند؟ ملّت که مرعوب نمی شود؛ تودهٔ عظیم مردم که مرعوب نمی شوند. چه کسی را می خواهند مرعوب کنند؟ مسئولان را، شخصیّتهای سیاسی را، به قول معروف خود ما، نخبگان را؛ اینها را می خواهند مرعوب کنند. کسانی که قابل تطمیعند، آنها را می خواهند تطمیع کنند؛ ارادهٔ عمومی را می خواهند تضعیف کنند؛ درک مردم از واقعیّتهای جامعهٔ خودشان را می خواهند تغییر دهند؛ هدف جنگ روانی این است. یک نفر که بیمار نیست،

صد بار به او بگویند آقا! شما کسالت دارید، شما مریضید، یک مقدار احساس بیماری می کند.

بعکس، اگر کسی دچار بیماری هم باشد، صد بار به او بگویند شما حالتان خوب است، احساس صحّت می کند. با تلقین می خواهند واقعیّتهای کشور ما را در نظر ملّت ما دگرگون کنند... می خواهند اعتماد ملّت را به مسئولان ضعیف کنند. اینکه مردم به دولت و مسئولانشان اعتماد داشته باشند، برای یک کشور خیلی نعمت بزرگی است؛ می خواهند این نعمت را بگیرند و مردم را بی اعتماد کنند، هم به خودشان، هم به مسئولینشان؛ مردم را با شایعه، به تحریم و خشونت تهدید کنند...

یک بخش از جنگ روانی دشمن، دامن زدن به اختلافات است. در داخل کشور ما اختلافات قومی، اختلافات مذهبی شیعه و سنی اختلافات جناحی، اختلافات صنفی و رقابتهای صنفی را ترویج و تبلیغ می کنند. در داخل، مزدوران و ایادی ای هم دارند که مقاصد آنها را در اینجا به شکلهای گوناگون عمل می کنند...

در مورد نفوذ شیعه و ترویج تشیع از سوی ایران و هلال شیعی و از این حرفها، شایعه پراکنی می کنند. یکی از شعبه های جنگ روانی اینها این است: اولاً بین ملّت ایران اختلاف بیندازند، ثانیاً بین ملّت ایران و ملّتهای دیگر مسلمان اختلاف بیندازند. سیاست آمریکا این بوده است که همسایه های ما را در خلیج فارس از نظام جمهوری اسلامی بترساند. البته بعضی از آنها آگاهانه و هوشیارانه توطئه را فهمیده اند، بعضی هم ممکن است اشتباه کنند و در دام این توطئهٔ آمریکایی بیفتند. ما به سوی همسایه های خلیج فارس - که منطقهٔ عمدهٔ نفتی دنیا متعلّق به این مجموعه است - همیشه دست دوستی دراز کرده ایم؛ الآن هم با آنها دوستیم و دست دوستی دراز می کنیم و اعتقاد ما این است که کشورهای حوزهٔ خلیج فارس باید پیمان دفاعی مشترک داشته باشند و باید با هم همکاری کنند. برای دفاع از این منطقهٔ مهم نباید آمریکا و انگلیس و بیگانگان و دیگران و طمع ورزان بیایند؛ خود ما باید امنیّت این منطقه را حفظ کنیم؛ و این با همکاری کشورهای خلیج فارس ممکن است...

جنگ اقتصادی هم یکی دیگر است.

می خواهند ملّت ایران را از لحاظ مسائل اقتصادی در تنگنا قرار دهند. من عرض می کنم میدان برای تحرّک اقتصادی ملّت ایران باز است. با سیاستهای اصل ۴۴ که ابلاغ شد و دولت هم مجّدانه دنبال این است که اینها را تحقّق ببخشد و باید هم دنبال کند، میدان کار اقتصادی باز است؛ نه فقط برای افرادی که ثروتمندند، حتّی برای آحاد مردم. سال ۸۶ و شاید تا یکی دو سال بعد، رویکرد دولت و رویکرد فعّالان کشور، باید رویکردی اقتصادی باشد. ما می توانیم اقتصاد خودمان را شکوفا کنیم. تهدید می کنند که تحریم می کنیم. تحریم نمی تواند به ما ضربه ای بزند. مگر تا حالا تحریم نکرده اند؟ ما در حال تحریم به انرژی هسته ای رسیده ایم؛ ما در حال تحریم به پیشرفتهای علمی رسیده ایم؛ ما در حال تحریم به این سازندگی های وسیع در کشور رسیده ایم. تحریم در شرائطی حتّی ممکن است به نفع ما تمام شود؛ از این جهت که همّت ما را برای تلاش و فعّالیّت بیشتر کند...

در مورد مقابلهٔ با پیشرفت علمی هم یک نمونهٔ مهمّش همین مسئلهٔ انرژی هسته ای است. در گفته ها، در گفتگوهای سیاسی و غیره می گویند دولتهای غربی با دارا بودن قدرت هسته ای در ایران موافق نیستند؛ خب نباشند. مگر ما برای به دست آوردن قدرت هسته ای از کسی اجازه خواستیم؟ مگر ملّت ایران با اجازهٔ دیگران وارد این میدان شده است که بگویند ما موافق نیستیم؟ خب موافق نباشید. ملّت ایران موافق است و مایل است این انرژی را داشته باشد. من سال گذشته هم در اجتماع روز اول فروردین در اینجا گفتم که انرژی هسته ای برای کشور ما یک ضرورت است، یک نیاز بلندمدّت است. امروز اگر مسئولین کشور در به دست آوردن انرژی هسته ای کوتاهی کنند، نسلهای بعد آنها را مؤاخذه خواهند کرد. ملّت ایران و کشور ایران به انرژی هسته ای و این توانایی برای زندگی - نه برای سلاح - احتیاج دارد. عدّه ای می نشینند همان حرف دشمن را تکرار می کنند که: آقا! چه لزومی دارد؟ آیندهٔ کشور را به خطر انداختن، نیاز فرداهای کشور را بکلّی ندیده گرفتن، این اشکالی ندارد؟ آیا مسئولین کشور حق دارند به نسلهای آینده خیانت کنند؟ امروز نفت را برداریم مصرف کنیم؛ یک روزی این نفت تمام خواهد شد...

ص:۴۵

من عرایضم را می خواهم تمام کنم. این توصیه های خادم ملّت ایران است به ملّت ایران.

توصیهٔ من این است: این شعاری که ما امسال مطرح کردیم - یعنی اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی این را رعایت کنید. اتّحاد ملّی، یعنی یکپارچگی ملّت ایران. انسجام اسلامی، یعنی ملّتهای مسلمان با هم همراه باشند. ملّت ایران رابطهٔ خود را با ملّتهای اسلامی محکمتر کند. ما اگر بخواهیم اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی تحقّق پیدا کند، باید بر اصولی که بین ما مشترک است، تکیه کنیم. نباید خودمان را سرگرم فروعی بکنیم که مورد اختلاف است.

توصیهٔ بعد این است که ملّت عزیز ما، مخصوصاً جوانان ما، اعتماد به نفس خودشان را از دست ندهند. جوانان عزیز! جوانان عزیز ملّت ایران! شما می توانید؛ می توانید کارهای بزرگ بکنید، می توانید کشور خود را به اوج إعتلاء و عزّت برسانید. اعتماد به نفس، اعتماد به مسئولین کشور، اعتماد به دولت، همان چیزی است که دشمنان می خواهند نباشد. دشمنان می خواهند مردم به دولت - که مسئولیّت ادارهٔ امور کشور را دارد - بی اعتماد باشند؛ سعی کنید این نقشهٔ دشمن را خنثی کنید. من از دولت حمایت می کنم. از همهٔ دولتهای بر سر کار و منتخب مردم حمایت کردم، بعد از این هم همین خواهد بود؛ از این دولت هم به طور خاص حمایت می کنم. این حمایت، بی دلیل و بی حساب و کتاب نیست. اولاً جایگاه دولت در نظام جمهوری اسلامی و در نظام سیاسی کشور ما جایگاه بسیار مهمّی است، ثانیاً بیشترین مسئولیّتها را دولت بر دوش دارد؛ بعد هم این جهتگیری های دینی و این ارزش گرایی انقلابی و اسلامی خیلی ارزش دارد. سختکوشی، تلاش فراوان، ارتباط با مردم، سفرهای استانی، جهتگیری عدالت، زیّ (و روش) مردمی؛ اینها خیلی قیمت دارد و من قدر این کارها را می دانم. من به خاطر این چیزها از دولت حمایت می کنم. البته این حمایت، حمایت بی حساب و کتاب نیست؛ توقّعاتی هم در مقابلش از دولت دارم. اولین توقّع من این است که به مسئولین دولتی می گویم خسته نشوند؛ اعتماد به خدا را از دست ندهند؛ به خدا اعتماد کنند و به این مردم اعتماد کنند؛ زیّ مردمی خودشان را حفظ کنند؛ در دام تجمّل گرایی هایی که افرادی می افتند، نیفتند؛ مراقب و مواظب باشند؛ در مخاصمات جناحی وارد نشوند؛ وقتشان

را بـا دعواهـای سیاسـی تلف نکننـد؛ بـا همـهٔ وجود و بـا همـهٔ توان برای این مردم کـار کننـد؛ آنچه را که با مردم در میان می گذارند، به تحقّق برسانند و دنبال کنند.

ما بایـد چشـمهای خودمان را باز کنیم. ما باید به خدا متوسّل باشـیم، متذکّر باشـیم. ملّت ایران ملّت بزرگی است، ملّت توانایی است، هدفهای بزرگی دارد، راهی هم به سوی این هدفها دارد که می تواند طی کند. من امیدوارم خدای متعال تفضّلات خود را بر شـما ملّت ایران به طور مسـتمر ببـارد؛ بـاران لطف خود را بر سـر شـما ببـارد و انشاءاللّه امروز که روز اول سال ۸۶ است، سرآغاز یک سال پربرکت برای مردم باشد.

والسّلام علیکم ورحمه اللّه وبرکاته (۱)

ص:۴۷

۱- (۱) . پایگاه اطّلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری مدّ ظلّه العالی..

ب) گزیدهٔ بیانات حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای مدّ ظلّه العالی،پیرامون وحدت ملّی و انسجام اسلامی

منشور وحدت اسلامی به همّت علمای اسلامی تدوین شود

امروز مهم ترین نیاز دنیای اسلام و علاج واقعی همهٔ مشکلات مسلمانان، اتّحاد و انسجام اسلامی است و بر همین اساس، علما و روشنفکران مسلمان باید منشور وحدت اسلامی را به عنوان مطالبه ای تاریخی، تدوین کنند.

... امّت اسلامی بعد از سالها غفلت، اکنون نگاه جدیدی به شریعت و آیین اسلام دارد، بنابراین دنیای اسلام می تواند با چنین بینش و درک نوینی، و با تمسّک به معارف دینی و سیره و کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، پیشتاز بشر به سوی کمال و تعالی باشد.

... سیاست جبههٔ استکبار، ایجاد اختلاف و نزاع قومی و مذهبی میان مسلمانان است که برای مقابله با آن باید وحدت و انسجام میان امّت اسلامی تقویت شود و بر همین اساس، امسال، سال اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی نامگذاری شده است.

تدوین منشور وحدت اسلامی به همّت علمای اسلام، ضروری و مطالبه ای تاریخی است که اگر امروز به این وظیفه عمل نشود، نسلهای بعدی ما را مؤاخذه خواهند کرد. در شرایطی که دنیای استکبار سعی در تخریب چهرهٔ مسلمانان دارد... و بیداری اسلامی در میان شیعه و سنی را برای خود خطر می داند و آن را چه با نام حماس و چه با نام حزب اللّه لبنان، آماج حمله قرار می دهد، آیا عاقلانه است که مسلمانان درگیر نزاع قومی و مذهبی شوند و دشمن مشترک خود را فراموش کنند؟

دولتهای اسلامی باید به یکدیگر نزدیک تر شوند و اگر به ملّتها و قدرت و تواناییهای

خود متّکی باشند بسیار قوی تر خواهند بود تا این که بخواهند به سیاستمداران آمریکایی اتّکا کنند. (۱)

اتّحاد، زمینه ساز رسیدن به اهداف

تقویت اعتماد به نفس ملّی، همّت، مجاهدت و اتّحاد در کشور، زمینه ساز رسیدن به اهداف والا است. (۲)

محورهای اساسی وحدت

به نظر بنده وحدت میان مسلمان ها چند محور اساسی دارد:

یکی از این ها وحدت میان مذاهب مختلف اسلامی است - عمدتاً میان اهل تسنن و اهل تشیع - همچنین میان فرقه های تسنن و تشیع و تقسیماتی از این قبیل.

محور دیگر وحدت میان مسلمین از لحاظ جغرافیایی و مرزهای جغرافیایی است؛ مانند وحدت میان مسلمانان ایران، عراق، سوریه، مصر و دیگر کشورهای اسلامی. وحدت میان مسلمانان خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی و آسیای جنوبی و مسلمانان شمال آفریقا وغیره.

محور دیگر، عبارت است از وحدت از جهت گرایش های سیاسی؛ یعنی مسلمانان با هر نوع گرایش سیاسی که بر ذهن و بر روح آنان حاکم است (یعنی) از لحاظ عملی زیر لوای اسلام با یکدیگر متّحد بشوند. اینها محورهای عمدهٔ وحدت در جامعهٔ اسلامی است.

از همه شاید مؤثّرتر، یا مؤثّرترین وحدت، از لحاظ نژاد و زبان است؛ یعنی مسلمانان فارس زبان و ترک زبان و عرب زبان و غیره با یکدیگر اتّحاد و اتّفاق پیدا کنند. وقتی می گوییم وحدت میان مسلمانان و این را شعار خودمان قرار می دهیم و به عنوان یک پیام جهانی از کشور انقلابی ایران به دنیا صادر می کنیم - و همان طور که امام راحل رحمه الله فرمودند پیام وحدت از ایران بلند می شود - و این فریاد را بلند می کنیم، معنایش این است که مسلمانان

۱- (۱) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، شنبه، ۱۸ فروردین ماه ۱۳۸۶، دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی..

۲- (۲) . همان، چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد..

بدون درنظر گرفتن این عوامل جدایی یا بهانه‌های جدایی از قبیل اختلاف مذهب، اختلاف زبان، اختلاف نژاد، اختلاف مناطق جغرافیایی و غیره، بر گرد محور لا اله الا اللّه و محمّد رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم گرد هم آیند و کنار هم قرار گیرند. (۱)

تلاش و توطئهٔ دشمن برای به راه انداختن جنگ شیعه و سنی

همان گونه که در ابتدای سال (۱۳۸۶) بیان شد، تلاش در جهت پیشرفت اقتصادی و علمی و همچنین مقابله با جنگ روانی دشمن برای ایجاد خلل در اتّحاد ملّی، سه محور اصلی است که باید مورد توجه جدّی مردم و مسئولین باشد.

دشمن تلاش دارد با ایجاد چالش های انتخاباتی بین مردم تفرقه بیاندازد اما ملّت ایران با کمک خداوند، این انتخابات (۲) را وسیلهٔ دیگری برای رشد و عزّت خود قرار خواهد داد.

دشمنان امّت اسلامی یک گروه متعصّب، متحجّر و بی خبر از حقایق عالم و معنویت را شکل داده اند تا میان مسلمانان، اختلاف و جنگ و خونریزی به راه بیافتد اما بر اساس نظر علمای حقیقی اسلام، کسانی که دست خود را به خون مسلمانان آلوده می کنند، مرتکب گناهان نابخشودنی می شوند و این کار در واقع خروج از اسلام است.

با وجود اختلاف های فکری و مذهبی بین مسلمانان، آنان باید در زیر پرچم لا اله الا اللّه و محمّد رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم ، دست در دست یکدیگر در مقابل دشمنان اسلام و امّت اسلامی ایستادگی کنند. (۳)

دین مبین اسلام زمینه ساز وحدت کشورهای اسلامی

اگر وحدت جهان اسلام محقّق شود، امّت اسلامی از توانایی درونی عظیمی برای «پیشرفت و توسعه» و ارتقای جایگاه جهانی بهره مند خواهد شد. (۴)

۱- (۱) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامهٔ چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹، ص ۷۹..

۲- (۲) . اشاره به انتخابات نهمین دورهٔ مجلس شورای اسلامی..

۳- (۳) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، چهار شنبه ۱۶ خرداد ماه ۱۳۸۶، در اجتماع پر شور مردم در سالگرد ارتحال حضرت امام رحمه الله ..

۴- (۴) . روزنامهٔ کیهان، چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶..

امروز دلارهای نفتی خرج ایجاد شکاف و اختلاف می شود

امروز دلارهـای نفتی فراوان خرج این می شود که عالِم خود فروخته و یا نویسـندهٔ وابسـته، کتابی در ردّ فلان جمعیّت اسـلامی بنویسـد و ایجاد شـکاف و اختلاف نمایـد. لذا امروز هم مانند گذشـته، هنوز اختلاف هست و یکی از مهمترین این اختلافات، سیاست های خصمانه و ضدّ اسلامی برخی از حکّام کشورهای اسلامی است.

یکی از عوامـل بزرگ اختلافات بین عالَم اسـلام در طول تاریـخ، سیاست قـدرت های جهانی بوده است. اگر ما مسـلمانان، به تاریخ خود بنگریم، فصل های خونین بسیاری مشاهده خواهیم کرد که در آن اهل توحید و قبله و عشّاق حضـرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سـلم و معتقدین به اسلام و قرآن، شمشیر در دست گرفته و به دلایل گوناگون به یکدیگر ضربه زده اند. و اگر نیروهـایی که در صـحنهٔ نظامی، سیاسـی و علمی صـرف اختلاف شـد، برای پیشـرفت مقاصـد اسـلام و مقابله با دشـمنان مصروف می شد، امروز نیروی مسلمانان از نظر کمی و کیفی به مراتب بیشتر بود.

مهمترین مسئولیّت این کنفرانس (۱) و امثال آن، شناسایی مبانی وحدت و رفع موانع آن می باشد، به اعتقاد ما کوچکترین این موانع، ذهنیّت عامه مردم است که باید اصـلاح شود و این امر جز به دست علما، روشـنفکران، نویسـندگان و کسانی که قدرت هدایت افکار عمومی را دارند میسّر نیست.

امروز سیاست های غلطِ مبتنی بر ملّیت و امثال آن، یکی از مهمترین عوامل اختلاف مسلمین می باشد. (۲)

ملّتها راهی جز اتّحاد و انسجام ندارند

در چنین شـرایطی، ملّتها و کشورهای منطقه راهی جز قوی کردن خود و اتّحاد و انسـجام و کمک به یکدیگر برای ایسـتادگی در مقابل قدرتهای زورگو ندارند. (۳)

۱- (۱) .اشاره به کنفراس وحدت اسلامی
۲- (۲) .تقریب بین مذاهب اسلامی (۱) ویزه نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی مهرماه ۱۳۶۹ص ۷۹
۳- (۳) . روزنامهٔ کیهان، چهار شنبه، ۶ تیرماه ۱۳۸۶، دیدار با رئیس جمهور عراق..

... اگر ملّتها اراده کنند هر کاری را که بخواهند می توانند انجام دهند از جمله اینکه می توانند آمریکا را به زانو درآورند. (۱)

هشدار به مدّاحان پیرامون حفظ انسجام اسلامی

یکی از چیزهایی که من بخصوص می خواهم تکیه کنم، مسئلهٔ «انسجام اسلامی» است که ما گفتیم. انسجام اسلامی یعنی عصبیّتهای بین المذاهبی مسلمانها نباید تحریک شود. شما نباید کاری کنید که عصبیّت آن مسلمان غیر شیعه علیه شما تحریک شود؛ او هم متقابلاً نباید کاری کند که غیرت و عصبیّت شما را علیه خودش تحریک کند. آنها همین را می خواهند. الآن شما ببینید دو تا گروه فلسطینی در فلسطین دارند باهم می جنگند! برای اسرائیل چه از این بهتر! به جای اینکه تفنگها به طرف آنها متوجه شود، علیه همدیگر دارند می جنگند! خوب، این خیلی چیز خوبی برای اسرائیل است.

چقدر خرج کند، می ارزد که یک چنین وضعی پیش بیاید. فرض بفرمائید در لبنان هم یک گروهی پیدا می شوند و بنا می کنند با یک گروه دیگری مبارزه کردن و جنگیدن. چه نعمتی بزرگ تر از این برای اسرائیل و آمریکا؟!؟ این بهتر است یا اینکه یک گروهی مثل حزب اللّه بیاید جلو، همه هم دنبالش - بعضی از روی دل و ایمان، بعضی هم از روی ترس از افکار عمومی - و اسرائیل را شکست بدهند؟ معلوم است که وضعیت اختلاف برای آنها بهتر است. آیا مسلمانهای مصر و اردن و پاکستان و هند و ترکیه و جاهای دیگر، اگر به خیابانها بیایند و به نفع جمهوری اسلامی شعار بدهند، برای آمریکا بهتر است یا کاری کند که اگر در یک مسئله ای، ایران اسلامی صدایی بلند کرد، همهٔ این ملّتها خاموش بشوند؛ بعضی ها اظهار مخالفت هم بکنند؟ پیداست دنبال دوّمی اند. چه جوری می شود؟ چطور ممکن است این کار؟ خیلی آسان است. کاری کنند که عصبیّتهای شیعه و سنی را زنده کنند. به آنها تفهیم کنند اینها شیعه اند؛ اینها صحابه را سبّ می کنند؛ اینها مقدّسین شما را چنین و چنان می کنند. جدایی

۱- (۱) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، چهار شنبه، ۶ تیر ماه ۱۳۸۶، دیدار با رئیس جمهور عراق..

بیاندازنـد؛ آنها این را می خواهنـد. منادی وحدت شـیعه و سـنی، از اولی که این فکرها پیدا شده، این چیزها مورد نظرش بوده است. یک عدّه ای چرا نمی فهمند؟ امام بزرگوار ما که منادی اتّحاد بین مسلمین بود، از همه اینهایی که مدّعی اند، ولایتش و اعتقادش و ارادتش و عشـقش به ائمه علیهم السـلام بیشتر بود. او بهتر می فهمیـد ولایت را، یا فلان آدم عامی که حالا به اسـم ولایت کارهای خلاف می کند؟ حرفهای بی ربط می زند در مجالس عام و خاص؟ وحدت را حفظ کنید.

اگر دیدیـد در جامعه بین شـما کسانی هسـتند که عکس این رفتار میکننـد، آنها را طرد شان کنید؛ مخالفت خودتان را به آنها ابراز و اعلام کنید؛ اینها ضربه ای به جامعه اسلامی می زنند. این از جمله مسائل بسیار مهم است.

امروز وحـدت اسـلامی به نفع نظـام اسـلامی است؛ به نفـع جمهـوری اسـلامی است. علیه این جهتگیری حرکت کردن، به نفع آمریکـاست؛ به نفع صـهیونیست هـاست؛ به نفع همـان گردن کلفت هـایی است که در دنیای اسـلام جیبهایشان را از دلارهای نفتی پر کردند و دلشان نمی خواهد که عنصـری مثل جمهوری اسـلامی، مثل ملّت ایران اصلاً وجود داشته باشد. به هرحال، از خداوند متعال می خواهیم همهٔ ما را هدایت کند. (۱)

تلاش دشمنان اسلام برای ایجاد تفرقه

دشـمنان اسـلام بـا خوی اسـتکباری و با انواع حیله ها و بهانه ها برای ایجاد تفرقه و اختلاف بین مـذاهب و گروه های اسـلامی تلاش می کنند. (۲)

کشور را به میدان رقابت سالم برای خدمت تبدیل کنید

دشـمن، وحدت و انسـجامِ پیکرهٔ واحد و نیرومند ملّت ایران را هدف گرفته است و تلاش می کند با عمده کردن خواسته های صنفی و ایجاد میدان رقابت ناسالمِ امتیازگیری در کشور،

۱- (۱) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، شنبه ۱۶ تیر ماه ۱۳۸۶، دیدار با مداحان کشور..

۲- (۲) . روزنامهٔ کیهان، شنبه ۱۶ تیر ماه ۱۳۸۶، دیدار با ذاکرین اهل بیت علیهم السلام ..

تمرکز و برنـامه ریزی دولت را مختـل کنـد، بر همین اساس همان گونه که امسال، سال اتّحاد ملّی نامگـذاری شـده است، باید همهٔ قشـرها و صـنف های مختلف با مهربانی و در یک صف متّحد و مسـتحکم، کشور را به میدان رقابت سالم برای خدمت و مجاهدت و شتاب بخشیدن به حرکت پیشرفت اقتصادی تبدیل کنند. (۱)

اشغالگران و صهیونیست ها، طرّاحان اصلی جنایت سامرا و تفرقه افکنی

برادران شیعه و سنّی به هوش باشـند که در دام توطئهٔ دشـمن نیفتند. مسلمانان در همه جای جهان بیش از گذشته باید مراقب سیاست تفرقه افکنی و جنگ افروزی دشمنان اسلام باشند.

امروز دشـمنان در عراق، در فلسـطین، در لبنان و در هر نقطه از جهان اسـلام که بتواننـد آتش افروزی می کننـد و با بهانه های گونـاگون مـذهبی و قـومی و حزبی و غیره، مسـلمانان را به صـف آرایی در برابر یکـدیگر و برادرکشـی تحریـک می نماینـد. مسـلمانان نبایـد به آنها در این هدف ننگین و خطرناک کمک کنند. علمای محترم اهل تسـنن، فاجعهٔ سامرا را محکوم کنند و صریحاً بیزاری خود را از مرتکبـان آن ابراز نماینـد و علمـای محـترم شـیعه، پیروان اهـل بیت علیهم السـلام را به خویشـتنداری دعوت کننـد و همـهٔ علما و بزرگان روحانی جهان اسـلام پیروان خود را به همدلی با برادران خود و رعایت احساسات مذهبی هر فرقه سفارش نمایند. (۲)

علمای شیعه و سنی از عراق و دولت عراق حمایت کنند

ای کـاش علمـای اهل سـنت امروز در عراق نیز همین ادراک و هوشـمندی را که قریب به ۱۰۰ سال پیش علمای شـیعه به کار گرفتند به کار بگیرند، زیرا امروز آمریکا همانند انگلیس در آن دوران، معارض دولت شـیعهٔ عراق است و علمای اهل سـنت و شیعه - چه عراقی و چه غیر عراقی - باید بایستند و از این دولت حمایت کنند. (۳)

۱- (۱) . روزنامهٔ کیهان، سه شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، در جمع کارگران سراسر کشور..

۲- (۲) . بخشـی از پیام معظم له در محکومیّت جنایت تخریب بارگاه ملکوتی امامین عسکریین علیهما السلام ، شنبه ۲۶ خرداد ماه ۱۳۸۶..

۳- (۳) . روزنامهٔ کیهان، پنج شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، دیدار با علماء و روحانیون مشهد..

ضرورت دشمن شناسی

من... به عناصر سیاسی داخلی هم دوستانه نصیحت می کنم، مراقب باشند، طوری حرف نزنند، طوری موضعگیری نکنند که به مقاصد دشمن در این جنگ روانی کمک شود. (۱)

اولین پیام انقلاب: وحدت شیعه و سنی

ملّت ایران با تکیه بر قرآن و وحدت بین شیعه و سنی، انقلاب را به پیروزی رسانده است و اولین پیام انقلاب اسلامی وحدت بین شیعه و سنی است. ما مسلمانان جمعیّتی در حدود یک میلیارد نفر را در جهان تشکیل داده ایم، ولی دشمنان بشریّت همواره سعی کرده اند تا این پیکرهٔ واحد - یعنی مسلمانان - را با تفرقه درهم بشکنند و منابع مادّی آنان را غارت کنند. (۲)

اتّحاد ملّی، نعمتی بزرگ

یکپارچگی ملّت ایران وحدتی دستوری نیست، بلکه ریشه و عقبه ای دینی دارد و در واقع این اعتقادات مذهبی است که با نزدیک کردن دلها، همه را به سمت توجّه به ذات باریتعالی جهت می دهد و اتّحاد عمیق ملّی را به همراه می آورد که این درس و نعمت بزرگ را باید حفظ کرد. (۳)

اختلاف شیعه و سنّی دستاویزی شیطانی برای ایجاد تفرقه

پیام بزرگ جمهوری اسلامی به همهٔ ملّتهای مسلمان، یکپارچگی در راه بازگشت به اسلام و اعتصام به حبل اللّه است. ما اختلاف شیعه و سنی، اختلاف عرب و فارس و ترک و دیگر ملّیتها، اختلاف نژادها و زبان ها را ردّ می کنیم و آن را دستاویزی شیطانی برای ایجاد تفرقه می شماریم. همچنین تلاش تفرقه انگیز بعضی سیاستها و نیّت ها و قلم ها را که بجای

۱- (۱) . روزنامهٔ کیهان، ۱۵ فروردین ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۷۸ .

۳- (۳) . گزیده ای از خطبهٔ نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۶ش. .

وحدت، جدایی میان مسلمین را هدف خود ساخته اند، جزئی از سیاست عمومی استکبار می دانیم و آن را محکوم می کنیم.

ما بار دیگر به همهٔ مسلمین عالم یادآور می شویم که به اسلام که مایهٔ عزّت و سعادت دنیوی و اخروی آنان است برگردند و بدانند: ان الاسلام بنی علی دعا متین (۱) کلمه التوحید وتوحید الکلمه. (۲)

اهداف و انگیزه های دشمن از ایجاد اختلاف

یک مسئله، اصلِ «ایجاد اختلاف و نگرانی» است تا با هم متحّد نشوند، تا این اتّحاد یک واحد عظیمی را - که تصوّر آن، دلهای مستکبران طمّاع را می لرزاند - به وجود نیاورد؛ یعنی واحد امّت اسلامی را. اگر امّت اسلامی به معنای واقعی کلمهٔ امّت تشکیل شود، استعمارگران و طمع ورزان و کسانی را که خواسته اند این منطقه را به نفع خودشان بفشرند و از آن بهره برداری کنند، بسیار می ترساند، آنها می خواهند این اتّفاق نیفتد.

اصلِ «ایجاد اختلاف»، یک انگیزهٔ دیگر هم دارد که آن بعد از قیام ملّت ایران و برافراشته شدن پرچم انقلاب اسلامی در این کشور به آن انگیزهٔ قبلی اضافه شد و آن این است که می ترسند از این که تفکّرات اسلام ناب، اسلام جهاد، اسلام استقلال، اسلام عزّت و هویّت، اسلامی که تسلّط بیگانگان و دشمنان را بر امّت اسلامی گناه می دانند و آن را به هیچ قیمت نمی پذیرند، از ایران به بقیهٔ جوامع اسلامی سرایت کند و مشکله را برای آنها چند برابر کند، سعی می کنند بین ایران اسلامی و بین سایر مناطق جهان اختلاف بیندازند. می دانند که تفکّراتی که یک ملّت را - یک ملّت استعمار زده مثل ملّت ما را در دوران طاغوت - بیدار می کند، به صحنه می آورد، به مجاهدت وادار می کند، ترس او را می ریزد، او را به وسط میدان کارزار عظیم بین المللی می کشاند و او را در همهٔ مراحل از میدان پیروز خارج می کند، برای

۱- (۱) . اسلام بر دو ستون تکیه دارد، کلمه توحید (لا اله الّا اللّه) و توحید کلمه (وحدت کلام مسلمین)، دعامه به معنای ستون و پایه به کار می رود..

۲- (۲) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۷۸ .

جهان خواران، برای کسانی که برنامه برای منطقهٔ خاورمیانه و برای نفت اینجا و برای بقیهٔ چیزهای اینجا دارند، خیلی خطرناک است. نمی خواهند بگذارند؛ البته خیلی هم تلاش کرده اند، موفّق هم نشده اند تا امروز. (۱)

همواره طرفدار وحدت بودیم هستیم و خواهیم بود

اصرار ما برای تحقّق وحدت که از روز اول پیروزی انقلاب نیز این اصرار را داشته ایم، براساس یک باور اعتقادی و ایدئولوژیکی و استراتژیکی است ولذا همواره طرفدار وحدت بوده ایم و هستیم و خواهیم بود. (۲)

مسألهٔ وحدت را یک اصل اسلامی و انقلابی بدانیم

وحدت را مهم بشمارید و هفتهٔ وحدت را یک هفتهٔ حقیقتاً پر محتوی و پر مغز قرار بدهید. در امور دیگر هم ما این مسألهٔ وحدت را مورد تأیید و به عنوان یک اصل اسلامی و انقلابی مورد تأکید قرار می دهیم. وقتی ما می گوئیم بین برادران شیعه و سنی و مذاهب مختلف اسلامی و انقلابی (باید همدلی باشد و آن را) مورد تأکید قرار می دهیم، وقتی ما می گوییم بین برادران شیعه و سنی و مذاهب مختلف اسلامی برای هدفهای اسلامی اتّحاد باشد، پس بطریق اولی بین قشرهای مختلف ملّت ایران، مردم فداکار و مبارز اهل هر شهری، اهل هر استانی، متکلّمین با هر زبانی و لهجه ای و قشرهای مختلف موظّف هستند... وحدت را حفظ کنند. (۳)

راهکار مقابله با توطئه های استکبار برای ایجاد تفرقه

همهٔ ملّت های مسلمان و دولت های اسلامی، باید با حفظ انسجام اسلامی، مراقب باشند که توطئه های استکبار برای ایجاد تفرقهٔ مذهبی، قومی و ملّی در جهان اسلام به نتیجه ای نرسد. (۴)

ص:۵۸

۱- (۱) . بخشی از بیانات معظم له در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام ..

۲- (۲) . گزیده ای از سخنرانی معظم له در تاریخ ۱۳۶۰/۱۰/۱۷ش..

۳- (۳) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۷۹..

۴- (۴) . در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۶ شهریور ماه ۱۳۸۶..

پیام وحدت: مسلمانان باهم دشمنی نکنند

ما در هفتهٔ وحدت و بعنوان پیام وحدت حرفمان این است که مسلمانان بیایند باهم متّحد شوند و باهم دشمنی نکنند. این حرف، بدی نیست، این حرف حرفی است که هر عاقلِ بی غرض و مُنصفی آن را قبول خواهد کرد. محور هم کتاب خدا و سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و شریعت اسلامی باشد. (۱)

ایجاد اختلاف، توطئه ای عمیق و خطرناک

یک توطئهٔ عمیق و خطرناکی - که خیلی هم قدیمی است - برای ایجاد اختلاف بین فِرَق اسلامی وجود دارد؛ حالا امروز در دنیا مسئلهٔ شیعه و سنّی را مطرح می کنند، اما این اختلاف مخصوص شیعه و سنّی نیست، بلکه می خواهند بقیهٔ فرق اسلامی هم در درون تشیع، در درون تسنن - فرقه های اصولی، فرقه های فقهی، فرقه های کلامی - در مقابل هم قرار بگیرند، گریبان هم را بگیرند، علیه هم فریاد بکشند؛ این چیزی است که دشمن می خواهد و بخصوص انگلیسها در این قضیه متبحّرند؛ خیلی مجرّبند؛ سالهای متمادی - دهها سال، شاید بشود گفت به یک معنا صدها - در این زمینه کارکرد دارند؛ خوب بلدند، نقاط ضعف را می شناسند؛ روی آنها انگشت می گذارند برای ایجاد اختلاف، الآن هم به شدّت مشغولند. البته دیگر اینجا مخصوص انگلیسها نیست؛ سرویسهای اطّلاعاتی و امنیّتی اسرائیل و آمریکا و همه هستند، برای اینکه این اختلاف را عمیق کنند. شایعات درست می کنند؛ با فلان مسئول یک کشور سنّی، طوری حرف می زنند که احساس کند شیعه به عنوان یک خطر دارد او را تهدید می کند.

اینجا با جامعهٔ شیعیان - مسئولان کشور شیعه و بقیهٔ کشورهایی که در آنها شیعه هستند - طوری حرف می زنند که احساس کنند اهل سنت دارند آنها را تهدید می کنند و هستی و هویّت آنها را از بین می برند. کارشان این است. عین همین قضیه در تواریخ سابقه هم دارد، نمونه های مشخّص و معیّنی ذکر شده است، ما هم در زمان خودمان داریم می بینیم. به فلان

۱- (۱) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۷۹..

مسئول سنّی می گوینـد چه نشسـته ای که از ایران آمدنـد چند تا روسـتا را در کشور تو شـیعه کردند! اینجا هم می آیند و به بعضـی از ما می گویند چه نشسـته اید که آمدند چند تا روسـتا از کشور شما را سنّی کردند! اینها کار دشمن است. باید این را شناخت. (۱)

پولهای نفت در دستهای شیطان

پولهای نفت امروز مصرف می شود برای کتاب نوشتن ضدّ شیعه، دلارهای آمریکایی مصرف می شود برای ردّ تشیع و به زبان عربی و زبان اردو ترجمه می شود یا نوشته می شود.

اینها دستهای شیطانند. اینها انسانهای سالمی نیستند که این چیزها را می نویسند، هر جا باشند همین جورند. ما می گوییم امروز آتش افروزی نباید کرد. هر کسی عقیدهٔ خودش را باید داشته باشد. هر کسی عقیدهٔ خودش را اثبات هم بکند.

ما نمی گوییم وقتی گویندگان از مذاهب مختلف اسـلامی بر منابر خود شان قرار می گیرند اسـتدلال نکنند و عقیدهٔ خود شان را اثبات نکننـد. البته بکننـد. اما اثبات عقیـده بحثی است و دشـمنی کردن با طرف مقابل و هم صـدا شدن با اسـتکبار جهانی و نیروها را مصرف جنگ داخلی کردن بین مسلمین بحث دیگری است. (۲)

علمای اسلام مراقب باشند

علمای اسلام باید مراقب مذاهب جعلی و دلارهای نفتی که برای ایجاد تفرقه به کار می روند، باشند و دستهای پلید و مزدوری را که برای از هم گسستن و پاره کردن عروه الوثقی بین مسـلمین تلاش می کننـد، شـناسایی و با آنان برخورد کننـد. زیرا این برخورد لازمهٔ علاقه به وحدت اسلامی است. (۳)

ص:۶۰

۱- (۱) . پایگاه اطّلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری مد ظلّه العالی، سخنرانی در تاریخ ۲۵ آبان ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۷۹. .

۳- (۳) . همان، ص ۹۱..

درصدد هستیم تا دار التقریب بین المذاهب را ایجاد کنیم

بسیاری از فتاوای علما و فقهای اسلام، اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار گیرند، می توانند به یکدیگر نزدیک شوند و ما درصدد هستیم تا دار التقریب بین المذاهب را ایجاد کرده و میزبان شخصیّتهای عالم از تمام جهان اسلام باشیم تا به این ترتیب و با کوشش فقها، متکلّمین، فلاسفه و علمای اسلام، نظرات فِرَق اسلامی در مجموعه ای واحد در اختیار همهٔ مسلمین قرار گیرد. (۱)

ندای اهل بیت علیهم السلام ندای تفرقه افکنانه نیست

امروز دنیای اسلام به پیام اهل بیت علیهم السلام نیازمند است. مسئلهٔ پیروان اهل بیت و مجمع اهل بیت و ندای اهل بیت علیهم السلام در جوامع شیعی، ندای تفرقه افکنانه نیست؛ بر خلاف آنچه که بعضی تنگ نظرها از یک طرف و بعضی مغرضها از یک طرف تصوّر می کنند و آن را در بوقهای تبلیغاتی خودشان دائم می دمند و تکرار می کنند. مسئله، مسئلهٔ نفی نیست؛ مسئله، مسئلهٔ اثبات است. مکتب اهل بیت علیهم السلام حقایقی دارد، مطالبی دارد که امروز دنیای اسلام به اینها نیازمند است. (۲)

دام خطرناک

امروز دنیای اسلام مجروح است و مفسدانی که با همهٔ مسلمانان و با اصل امّت اسلامی دشمنند، با تشدید اختلافات قومی و فرقه ای نظیر، «شیعه و سنی»، «عرب و عجم» درصددند بخشهای مختلف جهان اسلام را مقابل یکدیگر قرار دهند و متأسّفانه برخی در این دام خطرناک می افتند. اسلام عزیز به عنوان نسخهٔ منحصر به فردِ «صلاح و سعادت ملّتها» در اختیار امّت اسلامی است و دلهای آمادهٔ مسلمانان، لبریز محبّت و عشق به

۱- (۱) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۹۱..

۲- (۲) . در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام ، مرداد ماه ۱۳۸۶..

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است. بنابراین جهان اسلام می تواند با اتّحاد حول وجود پر برکت نبی مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، هوشمندانه با دشمنان خدا مقابله کند و راه سعادت و پیشرفت و تعالی را بپیماید. (۱)

جمهوری اسلامی آمادهٔ تأسیس دار التقریب بین المذاهب می باشد

به منظور ایجاد وحدت و انسجام بیش از پیش میان مسلمانان و نزدیک ساختن مذاهب مختلف اسلامی از طریق بحثهای کلامی و فقهی میان علما و اندیشمندان جهان اسلام، جمهوری اسلامی ایران آماده است «دار التقریب بین المذاهب» را تأسیس و میزبان شخصیّت های علمی اسلامی باشد. (۲)

بیداری دانشجو مفهومی بسیار عمیق دارد

بیداری دانشجو فقط در بیزاری از آمریکا خلاصه نمی شود، بلکه با توجه به برنامه های پیچیده و عمدتاً پنهانِ سیاسی و فرهنگیِ دشمن، مفهومی بسیار عمیق می یابد و هوشیاری کامل می طلبد.

... گاه دشمن برای تکمیل نقشهٔ خود درصدد آن است که حرف حقّی از زبان یک فرد یا گروهی بیان شود. بنابراین همواره باید سخت مراقب بود تا دشمن از هیچ حرف و حرکتی سوء استفاده نکند؛ که این امر نیاز به دشمن شناسی و پرهیز از هر گونه سهل انگاری دارد. (۳)

مهم ترین نیاز امروز وحدت و همدلی

امروز مهمترین نیاز دنیای اسلام وحدت و همدلی است و همه، اعم از کشور میزبان (عربستان) و حجّاج کشورهای مختلف به ویژه حجّاج ایرانی باید در جهت انسجام اسلامی و

۱- (۱) . روزنامهٔ کیهان، ۲۱ مرداد ماه ۱۳۸۶، دیدار با مردم و مسئولان نظام، در سالروز مبعث حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ..

۲- (۲) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۹۱..

۳- (۳) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱ خرداد ماه ۱۳۸۶، در جمع اعضای بسیج دانشجویی دانشگاهها..

جلوگیری از بروز هرگونه زمینهٔ اختلاف افکنی تلاش کنند. در حج امسال (۱۳۸۶) مسألهٔ انسجام اسلامی باید مورد توجه جدّی قرار گیرد و از دولت میزبان هم انتظار می رود همان دیدگاههایی را که در خصوص لزوم وحدت مسلمانان و جلوگیری از بروز زمینه های اختلاف بیان می کند در مرحلهٔ عمل نیز به اثبات برساند. (۱)

فراهم کردن زمینهٔ اختلاف گناه است

تحریک عواطف مذهبی و فراهم کردن زمینهٔ اختلاف، گناه است و کسانی که این کاررا انجام دهند در واقع به برآورده شدن هدف سازمانهای جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی کمک کرده اند و در پیشگاه الهی نیز به شدّت مؤاخذه خواهند شد. (۲)

ص:۶۳

۱- (۱) . دیدار معظم له با کارگزاران حج، ۲۳ آبان ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲) . همان..

بخش دوم:

اشاره

الف) اتّحاد و انسجام در لغت و اصطلاح

ب) اتّحاد و انسجام در آیات و روایات

ص:۶۵

الف) اتّحاد و انسجام در لغت و اصطلاح

پیش از شروع مباحث، بررسی دو واژهٔ اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی ضروری به نظر می رسد:

اتّحاد (۱)در لغت نامهٔ دهخدا آمده است:

اتّحاد: یکی شدن. یگانگی داشتن. یگانگی کردن. (۲)

گفت چون ندهی بدین سگ نان زاد گفت تا این حد ندارم اتّحاد

* * *

جان گرگان و سگان از هم جداست متّحد جانهای مردان خداست (۳)

مولوی

گاهی به جای اتّحاد وحدت به کار می رود.

وحدت: یگانه شدن. اتّحاد مقابل کثرت، یگانگی مقابل اختلاف و تفرّق. (۴)وحدت مردم: هماهنگی و اتّفاق در شئون گوناگون زندگی.

ملّی: در ترکیب اتّحاد ملّی، مضاف الیه اتّحاد، ملّی است؛ لذا به توضیح این واژه و همچنین

۱- (۱) . اتّحاد در لغت به معنای یکی شدن است و در اصطلاح متکلّمان و نیز فیلسوفان امامیّه، در معانی مختلف حقیقی و مجازی به کار می رود. (معارف و معاریف، ج۱، ص ۴۹۴).

۲- (۲) . و همچنین در معانی ذیل به کار می رود: یکی رنگی، یگانگی، یکدلی، یک جهتی، موافقت، وفق، توافق، اجتماع..

۳- (۳) . از واژه های هم خانوادهٔ اتّحاد، «متّحد» است که برای روشن شدن بیشتر معنای اتّحاد، توضیح این واژه نیز از کتابهای لغت ذکر می گردد.متّحد: از (وحد) یکی شده، مأخوذ از تازی، پیوسته و متّفق و موافقت کرده و متصّل و یکی شده و یکی کرده متّحد الشکل؛ هم شکل. هم سان. - متّحد المال؛ بخشنامه (فرهنگستان ایران) - متّحد شدن؛ پیوسته شدن، متفق شدن و یکی گشتن (ناظم الاطباء).

۴- (۴) . لغت نامهٔ دهخدا، ج ۱، ص ۸۴۴ ..

واژهٔ هم خانوادهٔ آن یعنی ملّت می پردازیم.

ملّی منسوب به ملّت است. ملّت دسته ای از افراد انسان که عموماً در خاک معیّنی [از قبایل مختلف] سکونت اختیار کرده و دارای وحدت نژاد و زبان و مذهب می باشند: به طوری که این وحدت برای آن افراد، طرز فکر و تاریخ مشترک بدانگونه ایجاد کند که پیوند همزیستی بین آنها پدید آورد. (۱)گاهی توسّعاً به برخی نهادها و سازمانهای دولتی به سبب وابستگی دولت به ملّت، نیز ملّی گویند، این کلمه در همه جا معادل ناسیونال به کار نمی رود. (۲)

۱- (۱) . لغت نامهٔ دهخدا، ج۱۳، ص ۱۸۹۹۸..

۲- (۲) . توضیح بیشتر آن که: ملّی: [م ل لی] منسوب به ملّت و آنچه که در ید و اختیار ملّت است و گاهی توسّعاً در زبان فارسی (برخی نهادها و سازمان های)دولتی را نیز به سبب وابستگی دولت به ملّت، ملّی گویند. از این روی این کلمه در همه جا معادل ناسیونال به کار نمی رود. در ترمینولوژی حقوق، تألیف دکتر جعفری لنگرودی چنین آمده: در معانی زیر به کار رود: الف) تبعه در مقابل بیگانه ب) وابسته و مرتبط به یک دولت. در این صورت به شکل صفت به کار می رود: مانند پرچم ملّی، بندر ملّی ج) وصفِ دولتِ حامیِ فرد، از آن جهت که حمایت به عهدهٔ اوست و شخص مورد حمایت تبعهٔ او می باشد و گفته می شود «اتاناسیونال» یا دولت متبوع د) صفت ملّت به معنی دسته ای از افراد انسان که دارای بعضی اوصاف مشترکند از نوع نژاد و سنن و طرز فکر. (لغت نامهٔ دهخدا، ج۱۳، ص۱۹۰۰۱) در فرهنگ معین دربارهٔ ملّی توضیح چنین آمده است: منسوب به ملّت: ۱. مربوط به ملّت (آئین، دین) ۲- مربوط به ملّت (سکنهٔ یک کشور) در زبانهای اروپایی معادل ملّی، ناسیونال است ولی به معنای دولتی (متداول در ایران) بکار می رود، زیرا دولت نمایندهٔ ملّت است. صنایع ملّی (یعنی صنایعی که در دست دولت است). مدارس ملّی (یعنی مدارس دولتی). در ایران «ملّی» را به معنای مختلف و گاه متضاد بکار می برند: الف) در موارد محدود به همان معنای اروپایی (ناسیونال) (یعنی دولتی) استعمال می کنند: صنعت ملّی نفت ب) به معنای آنچه که تعلّق به یک یا چند فرد از افراد ملّت دارد نه به همهٔ ملّت: مدرسهٔ ملّی. (فرهنگ فارسی معین، ج۴، ص ۴۳۵۴ - ۴۳۵۵). ملّت: در توضیح لغت ملّی به ملّت اشاره شد که لفظ ملّت به معانی زیر آمده است: [م ل ل] دین و کیش و شریعت (غیاث) کیش و دین و آیین و مذهب. (ناظم الاطباء). مله. ج، ملل: «فَاتّبعوا مِلهَ ابراه‍ِم حَ‍ِف‍اً» (سوره آل عمران، آیه ۹۵) . اشتقاق ملّت از امْلَلْت الکتاب است و ملّت و دین دو نامند: آن شرع را خدای عزّ وجّل نهاد میان بندگان بر زبان انبیاء. (کشف الاسرار، ج۱، ص۲۰۶) (اصطلاح حقوقی). ۱. گروهی از افراد انسانی که بر خاک معیّنی زندگی می کنند و تابع قدرت یک حکومت می باشند (ترمینولوژی حقوق، تألیف دکتر جعفری لنگرودی) ۲. در تئوری کلاسیک ناشی از انقلاب کبیر فرانسه ملّت عبارت است از شخص حقوقیی که ناشی می شود از مجموعهٔ افرادی که دولت را تشکیل می دهند و دارای حق حاکمیّت می باشند (ترمینولوژی حقوق، تألیف دکتر جعفری لنگرودی، حقوق بین الملل عمومی). ملّت: شریعت یا دین. و گویند مله و طریقه یکی است و آن اسم است از «املیت الکتاب» سپس به اعتبار اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را املاء می کند به اصول شرایع نقل شده است (از اقرب الموارد، از کشاف اصطلاحات الفنون) (لغت نامهٔ دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۸۹۹۸). «وَ مَنْ یَرغِبُ عَن مِلّهِ ابراهیم الّا مَن سَفِهَ نفسَه» (سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۳۰). «وَ قَالَ الَّذِینَ کَفَرُواْ لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّکُم مِّنْ

أَرْضِنَآ أَوْ لَتَعُودُنَّ فِى مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰٓ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّـٰلِمِينَ» (سورهٔ ابراهیم، آیـهٔ ۱۳). این کلمه ۱۳ بار در قرآن آمـده که ۸ بار آن به صورت اضافه به ابراهیم «ملّه إبراهیم» آمده است. مرحوم طبرسی گفته از این جهت قرآن دین اسلام را، ملّت ابراهیم خوانـده کـه شـریعت ابراهیـم علیه السـلام در درون شـریعت محمّـد صـلی الله علیه و آله و سـلم است ولی این سـخن به اعتبـار نزدیک نباشـد زیرا این معنی به دین ابراهیم اختصاص ندارد بلکه دین نوح و موسـی و عیسـی علیهم السـلام نیز این چنینند. در یکی از آیات آمـده «ملّه أبیکم إبراهیم» مرحوم طبرسـی گفته قرآن از این جهت ابراهیم را پـدر همه خوانـده که حرمت وی بر مسـلمانان ماننـد حرمت پـدر است بر فرزنـدان و به قولی از این جهت که عرب از نسل اسـماعیل اند. (معارف و معاریف، ج۹، ص ۵۹۳ – ۵۹۴). امـام حسـین علیه السـلام فرمود: تنها کسـی که بر ملّت ابراهیم علیه السـلام است مائیم و پیروان ما و اما سایر مردم از او بریئنـد. (معـارف و معـاریف، ج۹، ص۵۹۴؛ بحـار الانوار: ۸۷/۶۸). ملّـت: ۱. دیـن، آیین، شـریعت «و از برای تشـیید قواعد دین و ملّت و تشدید عواقد فرض و سنت، انبیاء و رسل را به خلایق فرستاد» (جوامع الحکایات ۱: ۳) ۲. پیروان یک دین «و محاسن این کتاب را نهایت نیست و کدام فضیلت از این فراتر که از امّت به امّت و از ملّت به ملّت رسـید و مردود نگشت». (کلیله. مصحح مینوی ۱۹) ۳. گروه مردم، قوم. ۴. مجموعهٔ افراد یک کشور «چون عادت دوار صاحبقران کامکار همواره چنان بود که در کفایت مصالـح و مهمّات ملک و ملّت بنفس مبارک خویش التفات فرمایـد...». (ظفر نامـهٔ یزدی. چاپ امیر کبیر ۲: ۴۱۱)؛ (فرهنگ فارسی معین، ج۴، ص۴۳۳۶).ملّت: آئین نامه ای که از جانب خدا تشریع و توسط پیامبران به خلق رسد و آنان را به قرب پروردگار نائل سازد. دین، شـریعت. این اصل معنای ملّت است ولی بعـداً این کلمه توسـعه یافته و در آئین نامه ها و ملّتهای باطله نیز استعمال شده است (مجمع البحرین)..

انسجام

انسجام در لغت به معنای روان شدن آب و اشک و جز آن... روانی کلام و غیره...

ص:۶۹

در نزد بُلغا: تُهی بودن سخن از تعقید و روانی آن است همچون آب رونده که از فرط آسانی ترکیب و روانی الفاظ، همچون سیلی است که جاری شود، مانند آیات قرآنی که همهٔ آنها منسجم است. (۱)پس انسجام اسلامی یعنی هماهنگی اهل اسلام آنچنان که تُهی از هرگونه تنش و چالش و ناهمگونی مُهلك و دردآور باشد.

گاهی گفته می شود وحدت مسلمین، وحدت مسلمین یعنی: یگانگی و هماهنگی مسلمانان در سایهٔ توحید و نبوّت و قرآن. و تکیه ننمودن آنها بر مُمیّزات مذهبی و قومی. همان امری که مجد و عظمت و شوکت آنان در گرو آن است و همان چیزی که قرآنِ مسلمانان، با لحنی بلیغ و بیانی رسا، پیروان خود را بدان دعوت می کند و می فرماید:

- «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُواْ وَاذْكُرُواْ نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَآءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَ نًا» (۲)؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هرگونه وسیلهٔ وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمتِ (بزرگِ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید.

- «شَرَعَ لَكُم مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِى أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَٰهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُواْ الدِّينَ وَ لَاتَتَفَرَّقُواْ فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِى إِلَيْهِ مَن يَشَآءُ وَ يَهْدِى إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ» (۳)؛ آئینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید. بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می کنید.

خداوند هر کس را بخواهد بر می گزیند و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می کند.

- «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۴)؛ همانا مؤمنان برادر یکدیگرند.

- و دیگر آیات بدین مضمون. (۵)

۱- (۱) . معارف و معاریف، ج۲، ص۵۱۲..

۲- (۲) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳..

۳- (۳) . سورهٔ شوری، آیهٔ ۱۳..

۴- (۴) . سورهٔ حجرات،آیهٔ ۱۰..

۵- (۵) . معارف و معاریف، ج۱۰، ص۳۲۱..

اینک در توضیح این شعار بلند سال ۱۳۸۶ش، که مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای مدظله العالی به آن دعوت فرمودند، از زبان مبارک خود ایشان بشنویم:

به نظر من امسال سال اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی است؛ یعنی در درون ملّت ما اتّحاد کلمهٔ همهٔ آحاد ملّت و قومیّت های گوناگون و مذاهب گوناگون و اصناف گوناگون ملّی و در سطح بین المللی انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانه میان آحاد امّت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمهٔ آنها. (۱)

* * *

انسجام اسلامی یعنی عصبیّتهای بین المذاهبی مسلمانها نباید تحریک شود. شما نباید کاری کنید که عصبیّت آن مسلمان غیر شیعه علیه شما تحریک شود؛ او هم متقابلاً نباید کاری کند که غیرت و عصبیّت شما را علیه خودش تحریک کند. آنها همین را می خواهند.

الآن شما ببینید دو تا گروه فلسطینی در فلسطین دارند باهم می جنگند! برای اسرائیل چه از این بهتر! به جای اینکه تفنگها به طرف آنها متوجه شود، علیه همدیگر دارند می جنگند! خوب، این خیلی چیز خوبی برای اسرائیل است. (۲)

* * *

اتّحاد ملّی، یعنی یکپارچگی ملّت ایران. انسجام اسلامی، یعنی ملّتهای مسلمان با هم همراه باشند. ملّت ایران رابطهٔ خود را با ملّتهای اسلامی محکمتر کند. ما اگر بخواهیم اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی تحقّق پیدا کند، باید بر اصولی که بین ما مشترک است، تکیه کنیم. نباید خودمان را سرگرم فروعی بکنیم که مورد اختلاف است. (۳)

۱- (۱) . بخشی از پیام نوروزی معظم له در ابتدای سال ۱۳۸۶..
۲- (۲) . دیدار معظم له با مداحان اهل بیت علیهم السلام در سالروز ولادت حضرت زهرا علیها السلام ، تیرماه ۱۳۸۶..
۳- (۳) . از بیانات معظم له در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی علیه السلام ، اول فروردین ماه ۱۳۸۶..

ب) اتّحاد و انسجام در آیات و روایات

اشاره

مسأله اتحاد و همبستگی جامعه اسلامی و پیوند افراد امت اسلامی چنان در آموزه های دینی گسترده است و چنان در تار و پود رفتار انسان مسلمان تنیده شده که اگر کسی بخواهد به همه آنها بپردازد بدون مبالغه باید پهنه ای به گستردگی تمام معارف و تعالیم دینی را بپیماید، زیرا کمتر زمینه ای از آموزه های دینی هست که نشانه ای از همگرایی و پیوند و وابستگی در آن به چشم نخورد. مثلاً عبادتی مانند روزه ماه رمضان که شاید در نظر اول چندان ارتباطی به رابطه میان افراد جامعه ندارد، وقتی به همه ابعاد آن بنگریم مانند توجه به فقرا در اثر گرسنگی، و استحباب اطعام مؤمنان و دعا برای آنها و تأکید بر صله رحم و... در ارتباط آن با مسأله اتّحاد و همبستگی روشن خواهد شد.

از این رو بنای این نوشتار بر آن نیست که تمام ابعاد این مسأله را در سراسر تعالیم دینی مورد کاوش قرار دهد، بلکه در این صدد است که به اصول کلی این امر و نمونه های واضح و روشن آن که در قرآن کریم و روایات پیامبر اعظم و امامان معصوم علیهم السلام آمده است اشاره ای گذرا داشته باشد.

آیات قرآن و روایات برای بیان مفهوم و مراد از وحدت و اتحاد و همبستگی و تشریح ابعاد این امر، به ارائه نمونه های ملموس و عینی می پردازد و برای جایگزین کردن این حقیقت در عمق جان مردم از مظاهر و نمادهای روشن و شناخته شده همبستگی بهره می گیرد، که نمونه های آن در صفحات آینده ارائه خواهد شد.

ص:۷۳

نمادهای اتّحاد

۱ – مسلمانان برادرند

(۱)

۱ - «وَاعتَصموا بحبل اللّه جميعاً وَلا تفرَّقوا وَاذكروا نعمةَ اللّه عليكم إذ كنتم أعداءً فألَّفَ بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً وَكُنتم علی شَفا حُفره من النّار فأنقذَكم منها كذلك يبيِّنُ اللّهُ لكم آياتِه لعلَّكم تهتدون» (۱).

همگی به ریسمان خدا - قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت - چنگ زنید و پراکنده نشوید. و نعمت خدا را بر خود، به یاد آرید که در گذشته با هم دشمن بودید شما را همدل ساخت، و به برکت نعمت او برادر شدید؛ و شما را که بر لب گودال آتش بودید از آن نجات داد. این چنین خداوند آیات خود را بر شما آشکار می سازد، شاید پذیرای هدایت شوید.

این آیه اوج اتحاد و همبستگی را با بکار گرفتن تعبیر برادر، نشان می دهد.

(۲) ۲ - «إنَّما المُؤمنونَ إخوَةٌ فأصلِحوا بَينَ أخَوَيكُم وَاتَّقوا اللّهَ لَعَلَّكُم تُرحَمون» (۲).

همانا مؤمنان با هم برادرند، پس دو برادر خود را آشتی دهید و از خدا پروا کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

این آیه رابطه میان اعضای جامعه را پیوند و رابطهٔ برادر با برادر می داند و این نشانگر نهایت نزدیکی و پیوستگی است.

۱- (۱) . آل عمران: ۱۰۳..

۲- (۲) . حجرات: ۱۰..

(۳) ۳- امالی طوسی: عن عَبدِاللّهِ بْنِ العَبّاسِ قال: لَمّا نَزَلَتْ «إنَّما المؤمِنونَ إخْوةٌ» (۱) آخیٰ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله بَیْنَ المُسْلِمِینَ، فآخیٰ بَیْنَ أبی بَکْرٍ وَعُمَرَ، وَبَیْنَ عُثْمانَ وَعَبْدِ الرَّحْمٰنِ، وَبَیْنَ فُلانٍ وَفُلانٍ حَتّیٰ آخیٰ بَیْنَ أَصْحابِهِ أَجْمَعِهِمْ عَلیٰ قَدرِ مَنازِلِهِمْ، ثُمَّ قالَ لِعَلِیِّ بْنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام : أَنْتَ أخِی، وَأَنا أَخُوکَ (۲).

ابن عباس گوید: هنگامی که آیه شریفه «انما المؤمنون اخوه» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم میان مسلمانان پیوند برادری برقرار ساخت. ابوبکر را با عمر و عثمان را با عبدالرحمن و آن یکی را با دیگری برادر ساخت تا آنکه میان همهٔ یارانش بر پایه منزلتشان پیوند برادری را ایجاد کرد. سپس به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: تو برادر منی و من برادر تو هستم.

این روایت و روایاتی هماننـد آن اقدام و تلاش پیامبر رحمت را در تحقّق عملی و عینی اتحاد و انسجام مسلمانان با یکدیگر، در قالب برادری و آشنا کردن آنان به عمق معنی و مفهوم اتحاد بیان می کنند.

(۴) ۴- کافی: ... قالَ [الصادق علیه السلام] : اکْتُبْ [یا سفیان الثوری] : بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ، خطبه رَسُول اللّهِ صلی الله علیه و آله فی مَسْجِدِ الخَیفِ: نَضَّرَ اللّهُ عَبْداً سَمِعَ مَقالَتِی فَوَعاها، وَبَلَّغَها مَنْ لَمْ تَبْلُغْهُ. یا أَیُّهَا النّاسُ لِیُبَلِّغِ الشّاهِدُ الغائِبَ، فَرُبَّ حامِلِ فِقْهٍ لَیسَ بِفَقِیهٍ؛ وَرُبَّ حامِلِ فِقْهٍ إلیٰ مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ.

ثَلاثٌ لا یَغُلُّ عَلَیْهِنَّ قَلْبُ امْرِیً مُسْلِمٍ: إخْلاصُ العَمَلِ لِلّهِ، وَالنَّصِیحَهُ لِأَئِمَّهِ المُسْلِمِینَ، وَاللُّزُومُ لِجَماعَتِهِمْ، فَإنَّ دَعْوَتَهُمْ مُحِیطَهٌ مِنْ وَرائِهِمْ؛ المُؤمِنُونَ إخْوَهٌ، تَتَکافیٰ دِماؤُهُمْ، وَهُمْ یَدٌ عَلیٰ مَنْ سِواهُمْ، یَسْعیٰ بِذِمَّتِهِمْ أَدْناهُمْ (۳).

... - امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری - فرمود: بنویس: بنام خداوند بخشندهٔ مهربان، سخنرانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد خیف: خداوند نیک فرجام و روسفید سازد بنده ای را که گفتار مرا بشنود و به خاطر سپارد و آن را به کسی که نشنیده برساند. ای مردم! کسی که حاضر است به غایب برساند. چه بسا حامل علمی که خود دانشمند نیست، و چه بسا نقل کنندهٔ علمی

۱- (۱) . حجرات: ۱۰..

۲- (۲) . امالی طوسی، ص ۵۸۷، ح ۱۲۱۴..

۳- (۳) . کافی، ج ۱، ص ۴۰۳، ح۲..

که آن را به عالم تر از خود می رساند. سه چیز است که دل شخص مسلمان در آنها غلّ و غشّ ندارد: کار را تنها برای خداوند انجام دادن، و خیرخواهی برای پیشوایان مسلمین، و همراهی و پیوستگی به اجتماع آنان؛ که دعای آنان پاسدار همه است. مؤمنان با یکدیگر برادرند، خونهایشان با هم برابر است و در برابر دیگران یکدست اند، پائین ترین آنان از سوی آنان امان می دهد.

(۵)

۵ - ذیل تاریخ بغداد: انَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قالَ: المُسْلِمُ أَخُ المُسْلِمِ لا یَظْلِمُهُ وَلا یَشْتِمُهُ؛ مَنْ کانَ فی حاجَةِ أَخیهِ کانَ اللّهُ فی حاجَتِهِ؛ وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ کُرْبَةً فَرَّجَ اللّهُ عَنْهُ کُرْبَةً مِنْ کُرَبِ یَوْمِ القِیامَهِ؛ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِماً سَتَرَهُ اللّهُ یَوْمَ القِیامَهِ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مسلمان برادر مسلمان است. به او ستم نمی کند و به او دشنام نمی دهد. هر کس در صدد برآوردن نیاز برادرش باشد خداوند در کار برآوردن نیاز اوست و نیازش را برآورده می سازد. و هر کس مسلمانی را از تنگنایی برهاند خداوند او را از یکی از گرفتاری های قیامت می رهاند. و هر کس مسلمانی را بپوشاند، خداوند در روز قیامت او را می پوشاند.

(۶) ۶ - تحف العقول: وَصِیَّتُهُ امیرالمؤمنین علیه السلام لِکُمَیلِ بْنِ زِیادٍ مُخْتَصَرَه... یا کُمَیْلُ، الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ الْمُؤْمِنِ، لِأَنَّهُ یَتَأَمَّلُهُ فَیَسُدُّ فاقَتَهُ وَیُجْمِلُ حالَتَهُ. یا کُمَیْلُ، المُؤْمِنُونَ إخْوَةٌ وَلا شَیْ ءَ آثَرُ عِنْدَ کُلِّ أَخٍ مِنْ أخِیهِ. یا کُمَیْلُ، إنْ لَمْ تُحِبَّ أخاکَ فَلَسْتَ أخاهُ، إنَّ المُؤْمِنَ مَنْ قالَ بِقَوْلِنا، فَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ قَصَّرَ عَنّا، وَمَنْ قَصَّرَ عَنّا لَمْ یَلْحَقْ بِنا، وَمَنْ لَمْ یَکُنْ مَعَنا فَفِی الدَّرْکِ الأَسْفَلِ مِنَ النّارِ (۲).

سفارش امیر مؤمنان علیه السلام به کمیل بن زیاد:... ای کمیل! مؤمن آینهٔ مؤمن است. زیرا به دقت در وضع او می نگرد، کاستی و نیازمندیش را برطرف می سازد و وضعش را آراسته و زیبا می کند.

ای کمیل! مؤمنان با هم برادرند، و نزد هر برادری چیزی برتر از برادرش نیست.

ص:۷۷

۱- (۱) . ذیل تاریخ بغداد، ج ۱۷، ص ۱۲۳..

۲- (۲) . تحف العقول، ص ۱۷۳..

ای کمیل! اگر برادرت را دوست نداری، پس برادرش نیستی. مؤمن کسی است که به گفتهٔ ما پایبند باشد، پس هر کس بر خلاف نظر ما رفتارکند دستش از ما کوتاه است و هر کس دستش به ما نرسد به ما نپیوسته است، و هر کس با ما نباشد در پایین ترین طبقهٔ آتش است.

(۷) ۷- تحف العقول: قال أميرالمؤمنين عليه السلام : إنَّ المُسْلِمَ أَخُ المُسْلِمِ فَلا تَخاذَلُوا وَلا تَنابَزُوا (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: به راستی مسلمان برادر مسلمان است، از یاری یکدیگر دست نکشید و به همدیگر لقب های زشت ندهید.

(۸) ۸- اصول سته عشر: قال جابر: قالَ أبو جَعْفَر عليه السلام : الْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ لِأبيهِ وَأُمِّهِ؛ وَذلِكَ أَنَّ اللّهَ خَلَقَ الْمُؤْمِنَ مِنْ طِينَهِ جِنانِ السَّماواتِ، وَأَجْرى فى صُوَرِهِمْ مِنْ رِيحِ رُوْحِهِ، فَذلِكَ هُمْ إخْوَةٌ لِأَبٍ وَأُمٍّ (۲).

جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: مؤمن برادر پدری و مادری مؤمن است، زیرا خداوند مؤمن را از سرشت بهشت های آسمانها آفرید و نسیمی از روح خود را در پیکرهای آنان روان ساخت. به این جهت آنان برادران پدری و مادریند.

(۹) ۹- کتاب المؤمن: جابِر عَنْ أبى جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: تَنَفَّسْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ، ثُمَّ قُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ هَمٌّ يُصِيبُنِى مِنْ غَيْرِ مُصِيبَهٍ تُصِيبُنِى، أَوْ أَمْرٍ يَنْزِلُ بِى، حَتّى تَعْرِفَ ذلِكَ أَهْلِى فى وَجْهِى، وَيَعْرِفَهُ صَدِيقِى. فَقالَ: نَعَمْ، يا جابِرُ. قُلْتُ: ما ذلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ؟ قالَ: وَما تَصْنَعُ بِهِ؟ قُلْتُ:

أُحِبُّ أَنْ أَعْلَمَهُ. فَقالَ: يا جابِرُ، إنَّ اللّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ طِينِ الجِنانِ، وَأَجْرى بِهِمْ مِنْ رِيحِ الجَنَّهِ رُوْحَهُ. فَكَذلِكَ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ، فَإذا أَصابَ رُوحاً مِنْ تِلْكَ الأَرْواحِ فى بَلْدَهٍ مِنَ البُلْدانِ شَىْءٌ حَزَنَتْ هذِهِ الأرْواحُ، لِأَنَّها مِنْها (۳).

جابر گوید: در محضر امام باقر علیه السلام : آهی کشیدم، سپس گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! بی آنکه دچار مصیبتی شوم یا بلایی بر سرم آید گاهی چنان اندوهگین می شوم که خانواده ام آن را از

۱- (۱) . تحف العقول، ص ۲۰۳..

۲- (۲) . اصول سته عشر، ص ۶۳..

۳- (۳) . کتاب المؤمن، ص ۳۸، ح ۸۷ ..

چهره ام در می یابند و دوستم آن را می فهمد. فرمود: جابر، درست است. عرض کردم ای فرزند رسول خدا سببش چیست؟ فرمود با آن چکار داری؟ گفتم: دوست دارم آن را بدانم، فرمود: جابر! خداوند عز و جل مؤمنان را از گل بهشت آفرید، و از نسیم بهشت روح خود را در آنان روان ساخت، و بدین گونه است که مؤمن برادر پدر و مادری مؤمن است. پس هر گاه یکی از این روح ها در هر کجا گرفتار بلایی شود همهٔ آن ارواح اندوهگین می شوند.

چون این روح از آنهاست.

(۱۰)

۱۰ - تحف العقول: قالَ أبو جَعفَر علیه السلام : إنَّ المُؤْمِنَ أَخُ المُؤْمِنِ لا يَشْتِمُهُ وَلا يَحْرِمُهُ وَلا يُسِیْ ءُ بِهِ الظَّنَّ (۱).

امام باقر علیه السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمن است؛ به او دشنام نمی دهد و او را محروم نمی کند و به او بدگمان نمی شود.

(۱۱)

۱۱ - کتاب المؤمن: عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام قالَ: المُؤْمِنوُنَ إخْوَةٌ بَنُو أبٍ وَأُمٍّ، فإذا ضَرَبَ عَلىٰ رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقٌ سَهِرَ الآخَرُونَ (۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنان برادرانی از یک پدر و مادرند، هنگامی که رگ یکی از آنان بتپد - دردمند شود - ، خواب از چشم دیگران می رود.

(۱۲) ۱۲ - عده الداعی: قالَ أبو عَبدِاللّه علیه السلام : المُؤْمِنُ أَخُ المُؤْمِنِ، وَهُوَ عَيْنُهُ، وَمِرْآتُهُ، وَدَلِيلُهُ، لا يَخُونُهُ، وَلا يَخْدَعُهُ، وَلا يَظْلِمُهُ، وَلا يَكْذِبُهُ، وَلا يَغْتابُهُ (۳).

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمن است و چشم او و آینهٔ او (۴) و راهنمایش می باشد.

به او خیانت نمی کند و او را فریب نمی دهد و به او ستم نمی کند و به او دروغ نمی گوید، و غیبت او را نمی کند.

۱- (۱) . تحف العقول، ص ۲۹۶..

۲- (۲) . کتاب المؤمن، ص ۳۸..

۳- (۳) . عده الداعی، ص ۱۷۴..

۴- (۴) . زیرا آئینه خوبیها و عیبها را بدون حسّ عیبجویی روشن می کند، مؤمن نیز خوبیهای مؤمن را بیان می کند تا تشویق شود و ادامه دهد، عیوب و بدیهای او را هم می گوید تا از آنها اجتناب ورزد..

(۱۳) ۱۳- بحار الأنوار: قالَ أبو عَبـدِاللّهِ علیه السـلام : المُؤْمِنُ أَخُ المُؤْمِنِ، لا یَظلِمُهُ، وَلا یَخْذُلُهُ، وَلا یَغُشُّهُ، وَلا یَغتابُهُ، وَلا یَخُونُهُ، وَلا یَکْذِبُهُ.

وَعَنْهُ علیه السـلام قالَ: لا تُـذْهِبِ الحِشْـمَهَ فِیما بَینَکَ وَبَینَ أخِیکَ المُؤْمِنِ، فَإنَّ ذَهابَ الحِشْـمَهِ ذَهابُ الحَیاءِ، وَبَقاءَ الحِشْـمَهِ بَقاءُ المُرُوَّهِ (۱).

امام صادق علیه السـلام فرمود: مؤمن برادر مؤمن است، به او سـتم نمی کند، و او را تنها و بی کس نمی گذارد، و به او نیرنگ نمی زند، و غیبت او را نمی کند، و به او خیانت نمی ورزد، و به او دروغ نمی گوید.

و از آن حضرت نقـل شـده که فرمود: حریم میـان خودت و برادر مؤمنت را از میان مبر، که با از میان رفتن آن حریم، حیا می رود. و با باقی ماندن آن، جوانمردی و دوستی باقی می ماند.

(۱۴) ۱۴- تفسـیر صافی: فی البَصائِرِ عَنِ الصادِقِ علیه السـلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ تَفسِیرِ هٰذَا الحَدِیثِ: «إنَّ المُؤْمِنَ یَنْظُرُ بِنُورِ اللّهِ». فَقالَ: إنَّ اللّهَ خَلَقَ المُؤْمِنَ مِنْ نُورِهِ، وَصَبَغَهُمْ فی رَحْمَتِهِ، وَأَخَذَ مِیثـاقَهُمْ لَنا بِالوَلایَهِ عَلیٰ مَعْرِفَتِهِ یَوْمَ عَرَّفَهُمْ نَفْسَهُ؛ فَالمُؤْمِنُ أَخُ المُؤْمِنِ لِأبیهِ وَأُمِّهِ: أَبُوهُ النُّورُ، وَأُمُّهُ الرَّحْمَهُ، وَإنَّما یَنْظُرُ بِذٰلِکَ النُّورِ الَّذِی خُلِقَ مِنْهُ (۲).

در بصائر است که از امام صادق علیه السـلام دربارهٔ معنای این حـدیث که «مؤمن با نور الهی می بیند» سؤال شد، آن حضـرت فرمود: خداونـد مؤمنان را از نور خود آفریـد و آنان را به رحمت خود سرشت. و روزی که خود را به آنها شـناساند، علاوه بر معرفت خویش، بر ولاـیت ما از آنان پیمان گرفت. پس مؤمن برادر پـدری و مادری مؤمن است. پـدر او نور و مادرش رحمت است، و فقط با این نوری که از آن آفریده شد [حقایق را] می بیند.

ص:۸۰

۱- (۱) . در برخی روایات به جای «المروه» «الموده» آمده است. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۸۶ ح ۱۳.مشکاه الأنوار، ص ۱۸۶ ح ۴۸۵ و ۴۸۶، و ص ۱۸۸ ح ۴۹۴ و ۴۹۵..

۲- (۲) . تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۲۰؛بصائر الدرجات، ص ۱۰۰، ح ۲..

(۱۵)

۱۵ - کتاب المؤمن: قالَ أبو عَبدِاللّهِ علیه السلام : قالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم : المُسْلِمُ أَخُو المُسْلِمِ، لا یَخُونُهُ، وَلا یَخْذُلُهُ، وَلا یَعِیبُهُ، وَلا یَحْرِمُهُ، وَلا یَغتابُهُ (۱).

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مسلمان برادر مسلمان است، به او خیانت نمی کند، و او را تنها و بی کس نمی گذارد، و بر او عیب نمی گیرد، و عیبش را به دیگران نمی گوید، و او را محروم نمی سازد، و غیبت او را نمی کند.

(۱۶)

۱۶ - کتاب المؤمن: عَنْ سَماعَةَ قالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْمٍ عِنْدَهُمْ فُضُولٌ، وَبِإخْوانِهِمْ حاجَةٌ شَدِیدَةٌ [وَلَیسَ] تَسَعُهُمُ الزَّکاهُ، وَما یَسَعُهُمْ أَنْ یَشْبَعُوا وَیَجُوعَ إخْوانُهُمْ، فَإنَّ الزَّمانَ شَدِیدٌ. فَقالَ:

المُسْلِمُ أَخُو المُسْلِمِ، لا یَظْلِمُهُ، وَلا یَخْذُلُهُ، وَلا یَحْرِمُهُ؛ وَیَحِقُّ عَلَی المُسْلِمِینَ الِاجْتِهادُ لَهُ، وَالتَّواصِلُ عَلَی العَطْفِ، وَالمُواساهُ لِأَهْلِ الحاجَهِ، وَالتَّعَطُّفُ مِنْکُمْ، یَکُونُونَ عَلَی أَمْرِ اللّهِ رُحَماءَ بَیْنَهُمْ مُتَراحِمِینَ، مُهَمِّینَ لِما غابَ عَنْکُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ، عَلَی ما مَضی عَلَیْهِ [معشر] الأَنْصار عَلَی عَهْدِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم (۲).

سماعه گوید از امام علیه السلام دربارهٔ گروهی پرسیدم که بیش از نیاز خود دارند و برادران دینیشان سخت نیازمندند و زکات به اندازه نیازشان نیست، و نمی توانند خودشان سیر و برادرانشان گرسنه باشند چرا که زمانه سخت است. فرمود: مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی کند، و او را تنها و بی کس نمی گذارد، و او را - از عطای خود - بی بهره نمی سازد؛ و بر مسلمانان است که در برآوردن نیازش بکوشند و از روی عطوفت با یکدیگر ارتباط داشته باشند، ونیازمندان را در آنچه دارند سهیم سازند. وسزاوار است به آنان عطوفت داشته باشید.

مسلمانان طبق فرمان خداوند «رحماء بینهم» با هم مهربانند و به پی جویی نیازهای پنهان آنان اهتمام می ورزند، همانگونه که جماعت انصار در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتار می کردند.

(۱۷) ۱۷ - کتاب المؤمن: قالَ أبو عَبدِاللّهِ علیه السلام : إنَّ المُسْلِمَ أَخُو المُسْلِمِ، لا یَظْلِمُهُ، وَلا یَخْذُلُهُ، وَلا یَعِیبُهُ، وَلا یَغتابُهُ، وَلا یَحْرِمُهُ، وَلا یَخُونُهُ.

۱- (۱) . کتاب المؤمن، ص ۴۳ ح ۹۸. .

۲- (۲) . همان، ص ۴۴ - ۴۳ ح ۱۰۱. .

وَقال: لِلمُسْلِمِ عَلیٰ أَخِیهِ مِنَ الحَقِّ أَنْ یُسَلِّمَ عَلَیْهِ إذا لَقِیَهُ، وَیَعُودَهُ إذا مَرِضَ، وَیَنْصَحَ لَهُ إذا غابَ، وَیُسَمِّتَهُ إذا عَطَسَ، وَیُجِیبَهُ إذا دَعاهُ، وَیُشَیِّعَهُ إذا ماتَ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: مسلمان برادر مسلمان است به او ستم نمی کند، و او را تنها نمی گذارد، و بر او عیب نمی گیرد، و غیبتش را نمی کند، و - از عطای خود - بی بهره اش نمی گذارد، و به او خیانت نمی کند.

و فرمود: برخی از حقوق مسلمان بر برادرش این است که هنگامی که او را دیدار کرد بر او سلام کند، و هنگامی که بیمار شد از او دیدن کند، و هنگامی که حاضر نیست برایش خیرخواهی کند، و هنگامی که عطسه کرد به او دعا کند (بگوید یرحمک اللّه)، و هنگامی که او را دعوت کرد بپذیرد، و هنگامی که مُرد او را تشییع کند.

این روایات که هر یک نمونه ای از ده ها روایت است بدین مضمون، ابعاد مختلف وحدت و اتحاد را نشان می دهد

ابعاد ایجابی آن از همدردی، همکاری، رسیدگی، برآوردن نیازها، عیادت هنگام بیماری و...

و ابعادی از قبیل پرهیز از ستم، غیبت، بدگویی، و عیبجویی از او، خیانت به او...

ص:۸۲

۱- (۱) . کتاب المؤمن، ص ۴۵، ح ۱۰۵..

۲ – مسلمانان اعضای یک پیکرند

تعبیر زیبای دیگری که پیوند ارتباط بسیار نزدیک و عمیقی که باید میان مسلمانان وجود داشته باشد می رساند، تشبیه جامعه مسلمان به یک پیکر است. این تعبیر نیز در روایاتی متعدد آمده که به پاره ای از آنها اشاره می شود:

(۱۸)

۱۸ – کتاب المؤمن: قالَ أبو عَبدِاللّهِ علیه السلام : المُؤْمِنُونَ فی تَبارِّهِمْ، وَتَراحُمِهِمْ، وَتَعاطُفِهِمْ کَمَثَلِ الجَسَدِ، إذَا اشْتَکی تَداعی لَهُ سائِرُهُ بِالسَّهَرِ وَالحُمّی (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنان در نیکی و مهرورزی و عطوفت به یکدیگر مانند یک بدنند، که هر گاه بیمار شود همه اعضا با شب بیداری و تب با آن همدردی می کنند.

(۱۹) ۱۹ – مستدرک الوسائل: وَعَنْهُ علیه السلام قالَ: لا وَاللّهِ لا یَکُونُ [المُؤْمِنُ] مُؤْمِناً أبَداً حَتّی یَکُونَ لِأخِیهِ المُؤْمِنِ مِثْلَ الجَسَدِ إذا ضَرَبَ عَلَیْهِ عِرْقٌ واحِدٌ، تَداعَتْ لَهُ سائِرُ عُرُوقِهِ (۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: نه به خدا مؤمن مؤمن نیست مگر آنکه نسبت به برادرش مانند بدن باشد، که هر گاه رگی از آن به درد آید، دیگر رگهایش با آن همدردی می کنند.

ص:۸۳

۱– (۱) . کتاب المؤمن، ص ۳۹، ح ۹۲..

۲– (۲) . مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۲، ح ۱۰۱۵۴؛ کتاب المؤمن، ص ۳۹، ح ۹۰..

(۲۰) ۲۰- کتاب المؤمن: عَنْ أحَدِهِما علیهما السلام أنَّه قالَ: المُؤْمِنُ [أخو المُؤْمِنِ] کَالجَسَدِ الواحِدِ، إذا سَقَطَ مِنْهُ شَیْ ءٌ تَداعی سائِرُ الجَسَدِ (۱).

یکی از دو امام (امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام) فرمود: مؤمن برادر مؤمن است - آن دو - مانند یک پیکرند، هنگامی که عضوی از آن از پای در آید، دیگر اعضای پیکر با هم به یاریش می آیند.

(۲۱) ۲۱- کتاب المؤمن: قالَ أبو عَبدِاللّهِ علیه السلام : المُؤْمِنُ أخُو المُؤْمِنِ کَالجَسَدِ الواحِدِ، إذَا اشْتَکی شَیْئاً مِنْهُ وَجَدَ [ألَمَ] ذلِکَ فی سائِرِ جَسَدِهِ، لِأنَّ أرْواحَهُمْ مِنْ رُوْحِ اللّهِ تَعالی، وَإنَّ رُوحَ المُؤْمِنِ لَأشَدُّ اتِّصالاً بِرُوْحِ اللّهِ مِنِ اتِّصالِ [شُعاعِ] الشَّمْسِ بِها (۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمن است مانند یک پیکر، هنگامی که عضوی از آن بیمار شود درد آن در همهٔ بدن احساس می شود. زیرا روح های آنان از روح خداوند متعال است. و به راستی روح مؤمن وابستگی اش به روح خدا بیشتر از وابستگی پرتو خورشید به خورشید است.

(۲۲) ۲۲- مسند احمد: قالَ [عامر] سَمِعْتُ النُّعمانَ بْنَ بَشیرٍ یَخْطُبُ یَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَقُولُ: مَثَلُ المُؤْمِنِینَ فی تَوادِّهِمْ وَتَعاطُفِهِمْ وَتَراحُمِهِمْ مَثَلُ الجَسَدِ، إذَا اشْتَکی مِنْهُ شَیْ ءٌ تَداعی لَهُ سائِرُ الجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالحُمّی (۳).

عامر گوید: شنیدم نعمان فرزند بشیر در سخنرانی خود می گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: مؤمنان در دوستی و لطف و مهربانیشان به یکدیگر همانند یک پیکرند؛ هنگامی که عضوی از آن دردمند شود، دیگر اعضای بدن با شب بیداری و تب به یاریش می شتابند.

(۲۳) ۲۳- صحیح مسلم: قالَ [النُّعمانُ بْنُ بَشِیرٍ] : قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : المُؤْمِنُونَ کَرَجُلٍ واحِدٍ، إنِ اشْتَکی رَأْسُهُ تَداعی لَهُ سائِرُ الجَسَدِ بِالحُمّی وَالسَّهَرِ (۴).

۱- (۱) . کتاب المؤمن، ص ۳۸، ح ۸۵ ..

۲- (۲) . همان، ص ۳۸، ح ۸۶ ..

۳- (۳) . مسند احمد، ج ۴، ص ۲۷۰..

۴- (۴) . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۰..

نعمان فرزند بشیر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مؤمنان مانند یک پیکرند؛ اگر سرش به درد آید، دیگر اعضا با تب و شب بیداری یاریش می کنند.

(۲۴) ۲۴ - مستدرک الوسائل: قالَ [رسول اللّه] صلی الله علیه و آله : المُؤمِنانِ کَالیَدَیْنِ، یُغْسَلُ إحداهُما بِالأُخْریَ. فإذا رَزَقَکَ اللّهُ وُدَّ أخِیکَ، فَاسْتَمْسِکْ بِمَوَدَّتِهِ (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دو مؤمن همانند دو دستند که با یکی دیگری شسته می شود. پس هنگامی که خداوند دوستی برادرت را به تو ارزانی داشت، دوستیش را محکم نگه دار.

نشان دادن شدت وابستگی افراد جامعه به یکدیگر زیباتر و دقیق تر از این ممکن نیست.

۱- (۱) . مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۹، ح ۱۰۱۶۷..

۳ – جامعه اسلامی بسان یک ساختمان

یکی دیگر از تعابیری که برای بیان ارتباط محکم و استوار میان اعضای جامعه اسلامی بکار رفته تشبیه جامعه به یک ساختمان است که اجزای آن در بر پایی و پایداری و ماندگاری آن دخیل اند و پیوستگی آنها موجب استحکام آن بنا است، و روزی که اجزا به هر سببی از هم دست بکشند ساختمان در هم فرو خواهد ریخت. و اینك روایاتی در این زمینه:

(۲۵) ۲۵– عوالی اللئالی: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : مَثَلُ المُؤْمِنِینَ فِیما بَینَهُمْ کَمَثَلِ البُنْیانِ، یُمْسِکُ بَعضُهُ بَعضاً، وَیَشُدُّ بَعْضُهُ بَعضاً (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مؤمنان نسبت به هم همچون ساختمانند که اجزای آن همدیگر را نگه می دارند و سبب استحکام یکدیگر می شوند.

(۲۶) ۲۶– مسند احمد: عَن أبی مُوسی روایَه قالَ: المُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ کَالْبُنْیانِ یَشُدُّ بَعْضُهُ بَعضاً (۲).

ابو موسی گوید: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: رابطه مؤمن با مؤمن مانند ساختمان است که اجزای آن سبب استواری یکدیگرند.

(۲۷) ۲۷– صحیح بخاری: عَنْ أبی مُوسی، عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم قالَ: إنَّ المُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ کَالبُنْیانِ، یَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضاً – وَشَبَکَ صلی الله علیه و آله و سلم أصابِعَهُ – (۳).

ص:۸۶

۱– (۱) . عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۰۷..

۲– (۲) . مسند احمد، ج ۴، ص ۴۰۴..

۳– (۳) . صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۲۹..

ابو موسی گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نسبت مؤمن با مؤمن همانند پیوند میان اجزای ساختمان است که سبب استواری یکدیگرند - و در این حال انگشتان خود را در هم داخل کرد - .

(۲۸)

۲۸ - مسند احمد: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ کَالبُنْیانِ یَشُدُّ بَعضُهُ بَعضاً (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نسبت مؤمن با مؤمن همانند پیوند میان اجزای ساختمان است که سبب استواری یکدیگرند.

(۲۹) ۲۹ - صحیح ابن حبان: عَنْ أبی مُوسی قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : مَثَلُ المُؤْمِنِینَ فِیما بَیْنَهُمْ کَمَثَلِ البُنْیانِ؛ قالَ: وَأَدْخَلَ أَصابعَ یَدِهِ فی الْأَرْضِ وَقالَ: یُمْسِکُ بَعْضُها بَعْضاً (۲).

ابو موسی گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مؤمنان نسبت به هم همچون ساختمانند - و آن حضرت انگشتان دستش را در زمین فرو برد و فرمود: - اجزای آن یکدیگر را نگه می دارد.

ص:۸۷

۱- (۱) . مسند احمد، ج ۴، ص ۴۰۵؛ الاحسان بترتیب صحیح ابن حبّان، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۲۳۱..
۲- (۲) . الاحسان بترتیب صحیح ابن حبّان، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۲۳۲..

جایگاه های تجلّی وحدت

۱ – مراسم حج

(۳۰)

۱ – «جَعَلَ اللّهُ الکَعْبَهَ البَیتَ الحَرامَ قیاماً للنّاسِ ...» (۱).

خدا (زیارت) کعبه، بیت الحرام، را وسیله سامان یافتن امور مردم قرار داد ...

(۳۱)

۲ – «وَأَذِّنْ فی النّاسِ بِالحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالاً وَعَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ * لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَیَذْکُرُوا اسْمَ اللّهِ فی أیّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلی ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَهِ الأَنْعامِ فَکُلُوا مِنْها وَأَطْعِمُوا البائِسَ الفَقِیرَ» (۲).

مردم را به حج فرا خوان تا پیاده و سوار بر شتران تکیده به تو رو آورند، و آنگاه شاهد منافع خود باشند و نام خدا را در روزهای معینی بر چار پایانی که روزی آنان کرده ببرند؛ پس از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید.

(۳۲)

۳ – کافی: عَنِ الرَّبِیعِ بْنِ خُثیم قالَ: شَهِدْتُ أبا عَبدِ اللّهِ علیه السلام وَهُوَ یُطافُ بِهِ حَوْلَ الکَعْبَهِ فی مَحْمِلٍ وَهُوَ شَدِیدُ المَرَضِ ... فَقالَ: إنِّی سَمِعْتُ اللّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ: «لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ» .

فَقُلْتُ: مَنافِعُ الدُّنیا أَو مَنافِعُ الآخِرَهِ؟ فَقالَ: الکُلُّ (۳).

۱– (۱) . مائده: ۹۷..

۲– (۲) . حج: ۲۷ و ۲۸..

۳– (۳) . کافی، ج ۴، ص ۴۲۲، ح ۱..

ربیع بن خثیم گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم به شدت بیمار بود و او را دور کعبه طواف می دادند ... فرمود: از خدای عزّ و جلّ شنیده ام که می فرماید: «لیشهدوا منافع لهم» : تا شاهد منافعی برای خویش باشند. عرض کردم: منافع دنیا یا منافع آخرت؟ فرمود: همه.

(۳۳) ۴- علل الشرائع: عَن هشام بن الحکم قال: سَأَلْتُ أبا عَبدِ اللّهِ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ: مَا العِلَّهُ الَّتی مِنْ أجْلِها کَلَّفَ اللّهُ العِبادَ الحَجَّ وَالطَّوافَ بِالبَیْتِ؟ فَقالَ: إنَّ اللّه تَعالیٰ خَلَقَ الخَلْقَ لا لِعِلَّهٍ إلّاأنَّهُ شاءَ فَفَعَلَ، فَخَلَقَهُمْ إلیٰ وَقْتٍ مُؤَجَّلٍ، وَأَمَرَهُمْ وَنَهاهُمْ ما یَکُونُ مِنْ أمْرِ الطّاعَهِ فی الدِّینِ وَمَصْلَحَتَهُمْ مِنْ أمْرِ دُنْیاهُمْ، فَجَعَلَ فِیهِ الاِجْتِماعَ مِنَ المَشْرِقِ وَالمَغْرِبِ لِیَتَعارَفُوا، وَلِیَتَرَبَّحَ کُلَّ قَوْمٍ مِنَ التِّجاراتِ مِنْ بَلَدٍ إلیٰ بَلَدٍ، وَلِیَنْتَفِعَ بِذلِکَ المُکاری وَالجَمّالُ، وَلِتَعْرِفَ آثارَ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَتَعْرِفَ أخبارَهُ، وَیُذْکَرَ وَلا یُنْسیٰ. وَلَوْ کانَ کُلُّ قَوْمٍ إنَّما یَتَّکِلُونَ عَلیٰ بِلادِهِمْ وَما فِیها، هَلَکُوا وَخَرِبَتِ البِلادُ، وَسَقَطَ الجَلَبُ وَالأَرْباحُ، وَعَمِیَتِ الأَخْبارُ، وَلَمْ یَقِفُوا عَلیٰ ذلِکَ؛ فَذلِکَ عِلَّهُ الحَجِّ (۱).

هشام بن حکم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم به چه سبب خداوند بندگان را مکلف ساخته که حج گزارند و بر گرد کعبه طواف کنند؟

فرمود: خدای متعال تحت تاثیر علتی مردم را نیافرید، جز آنکه اراده او بر آفرینش آنها تعلق گرفت و آنان را برای مدت معینی بیافرید، و در کار فرمانبری در دین و مصلحتشان در کار دنیا بایدها و نبایدها را به آنان گوشزد کرد. در حج گرد آمدن از شرق و غرب را قرار داد تا یکدیگر را بشناسند و هر گروهی از بردن کالا از شهری به شهر دیگر سود ببرند و چاروادار و شتردار ساربان از این کار بهره مند شوند، و تا آنکه شناخته شود آثار و نشانه های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (۲)، و یاد آوری شود اخبار رسول خدا صلی الله علیه و آله و فراموش نگردد. اگر هر گروهی

۱- (۱) . علل الشرائع، ج۲، ص ۴۰۵ و ۴۰۶، ح ۶..

۲- (۲) . از کلمه آثار می توان هم آثار علمی مثل اخبار و هم آثار تاریخی مثل مکانهای جنگی چون خندق و بدر و مکانهایی که منسوب به حضرت است که واقعه تاریخی در آن رخ داده مثل مکان مباهله، یا مکان تولد پیامبر صلی الله علیه و آله و هر چه که اثر باشد استفاده کرد. چون دیدن این آثار یادآور رسول خدا صلی الله علیه و آله و یادآور زحماتی است که آن بزرگوار برای اسلام متحمل گردیده است..

تنها به شهرهای خودشان و چیزهای موجود در آنها اتّکا می کردند نابود می شدند و شهرها ویران می شد و جذب کالاها و جلب منافع از میان می رفت، و خبرها - از سراسر دنیا - به آنان نمی رسید و از آنها آگاه نمی شدند. این است علت حج.

(۳۴)

۵ - علل الشرائع: عن مُحَمَّدِ بْنِ سِنان أنَّ أبَا الحَسَنِ عَلِیَّ بْنَ موسَی الرِّضا علیهما السلام کَتَبَ إلَیْهِ فِیما کَتَبَ مِنْ جَوابِ مَسائِلِهِ: أنَّ عِلَّهَ الحَجِّ الوِفادَهُ إلَی اللّهِ تَعالی، وَطَلَبُ الزِّیادَهِ، وَالخُروجُ مِنْ کُلِّ مَا اقْتَرَفَ، وَلِیَکُونَ تائِباً مِمّا مَضی، مُسْتَأْنِفاً لِما یُسْتَقْبَلُ، وَما فِیهِ مِنِ اسْتِخْراجِ الأمْوالِ، وَتَعَبِ الأبْدانِ وَحَظْرِها عَنِ الشَّهَواتِ وَاللَّذّاتِ، وَالتَّقَرُّبِ فی العِبادَهِ إلَی اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالخُضُوعِ وَالِاسْتِکانَهِ وَالذُّلِّ، شاخِصاً فی الحَرِّ وَالبَرْدِ وَالأمْنِ وَالخَوْفِ، دائِباً فی ذلِکَ دائِماً، وَما فی ذلِکَ لِجَمِیعِ الخَلْقِ مِنَ المَنافِعِ وَالرَّغْبَهِ وَالرَّهْبَهِ إلَی اللّهِ سُبْحانَهُ وَتَعالی، وَمِنْهُ تَرْکُ قَساوَهِ القَلْبِ، وَخساسَهُ (۱) الأَنْفُسِ وَنِسْیانُ الذِّکْرِ وَانْقِطاعُ الرَّجاءِ وَالأَمَلِ، وَتَجْدِیدُ الحُقُوقِ، وَحَظْرُ الأَنْفُسِ عَنِ الفَسادِ، وَمَنْفَعَهُ مَنْ فی المَشْرِقِ وَالمَغْرِبِ وَمَنْ فی البَرِّ وَالبَحْرِ مِمَّنْ یَحُجُّ وَمِمَّنْ لا یَحُجُّ مِنْ تاجِرٍ وَجالِبٍ وَبائِعٍ وَمُشْتَرٍ وَکاسِبٍ وَمِسْکِینٍ، وَقَضاءُ حَوائِجِ أهْلِ الأطْرافِ وَالمَواضِعِ المُمْکِنِ لَهُمُ الِاجْتِماعُ فِیها، کَذلِکَ «لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ» ... (۲).

محمد بن سنان گوید: امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام در پاسخ به پرسشهای او مرقوم فرمود: علت حج، ورود بر خداوند متعال و در خواست افزایش - لطف و رحمت او - و بیرون آمدن از همه گناهان است، و برای آنکه از - گناهان - گذشته توبه کند و در آینده کار - نیک - از سر گیرد. و نیز در حج هزینه کردن دارایی ها و رنج و خستگی بدنها و باز داشتن آن از خواسته ها و خوشی ها و تقرب به خدا در عبادت و خضوع و فروتنی و خواری - در برابر او - با سفر در گرما و سرما و در امنیت و ترس، و همراه با تلاشی پیوسته در این راه است. به علاوه حج منافعی برای همه مردم دارد و - در آن - امید و شوق به خدای سبحان و ترس از او، و وانهادن سنگدلی، و خوار شدن نفسها و فراموش نمودن خواسته ها و بریدن از آرزوها و

۱- (۱) . در عیون اخبار الرضا، «جساره» آمده به معنای بی باکی و پردلی..

۲- (۲) . علل الشرائع، ج۲، ص ۴۰۴ و ۴۰۵، ح ۵ ..

آمال؛ و باز پرداختن به ادای حقوق و باز داشتن جانها از فساد. و سود و منفعت کسانی است که در شرق و غرب و در خشکی و دریاینـد، چه افراد حـج گزار و چه بازرگـان و وارد کننـده و فروشـنده و خریـدار و پیشه ور و بینـوا که حـج نمی گزارنـد، و همچنین رفع نیازهای مردم اطراف و جاهایی که می توانند در آنجا گرد آیند؛ تا شاهد منافع خود باشند.

(۳۵) ۶- المیزان فی تفسیر القرآن: «وَ أَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالاً وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ» . کلمه «اذن» امر از «تاذین» است، به معنای اعلام کردن با صـدای بلند. و به همین جهت دیگران آن را به ندا تفسیر کرده اند. و کلمه «حج» در اصل لغت به معنای قصد است. و عمل مخصوصـی که اولین بار ابراهیم علیه السـلام آن را تشـریع نمود و در شریعت محمـدی صـلی الله علیه و آله و سـلم نیز جریان یافت حـج نامیـده شد، بدین جهت که هر کس بخواهد این عمل را انجام دهد قصـد خـانه خـدا می کنـد. و کلمه «رجـال» جمع «راجـل - پیـاده» است که در مقابل «راکب - سواره» است. و کلمه «ضامر» به معنای لاغری است که از زیاد راه رفتن لاغر شده باشد. و کلمه «فج عمیق» به طوری که گفته اند به معنای راه دور است.

«وَ أَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ» - یعنی در میان مردم ندا کن که قصد خانه کنند و یا عمل حج را انجام دهند. این جمله عطف است بر جمله «لا تُشْرِکْ بِی شَیْئاً» و مخاطب آن ابراهیم علیه السلام است. و اینکه بعضی از مفسرین مخاطَب آن را رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند از سیاق آیات بعید است.

«یَأْتُوکَ رِجالاً ...» - این جمله جواب امر است. یعنی در میان مردم اعلام کن که اگر اعلام کنی مردم چه پیاده و چه سوار بر اشتران لاغر از هر راه دور خواهنـد آمـد. و لفـظ «کل» در امثال این موارد معنای کثرت را افاده می کنـد، نه معنای اسـتغراق و کلیت را.

«لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللّهِ فِی أَیّامٍ مَعْلُوماتٍ ...» لام بر سـر جمله مورد بحث لام تعلیل، و یا لام غایت است. و این جار و مجرور متعلق است به جمله «یاتوک» یعنی اگر اعلام کنی، می آیند به سوی تو برای اینکه منافع خود را مشاهده کنند. و بنا بر اینکه لام غایت

باشد معنی این می شود که: می آیند به سوی تو و منافع خود را مشاهده می کنند.

[توضیحی در مورد منافع دنیوی و اخروی حج]

در این جمله «منـافع» مطلق ذکر شـده، و نفرموده منـافع دنیـایی، و یا اخروی، چون منافع دو نوع است یکی دنیوی که در همین زندگی اجتماعی دنیا سود بخشیده، و زندگی آدمی را صفا می دهد و حوائج گوناگون او را بر آورده، نواقص مختلف آن را بر طرف می سازد، ماننـد تجـارت، سیاست، امارت، تـدبیر، و اقسام رسوم و آداب و سـنن، و عادات، و انواع تعاون و یاریهای اجتماعی، و غیر آن.

و معلوم است که وقتی اقوام و امتهای مختلف از مناطق مختلف زمین با همه تفاوتها که در انساب و رنگ و سـنن و آداب آنها هست در یک جا جمع شده، و با همدیگر آشنا شوند در حالیکه که کلمه همه واحده و آن کلمه حق است، و معبود همه یکی و او خـدای عز و جـل است، و و سـمت و سوی توجه همه یکی و آن کعبه است، این اتحاد روحی آنها را به اتحاد جسـمی، و ایـن وحـدت کلمـه، آنـان را بـه تشـابه در عمـل می کشانـد. ایـن از آن دیگری آنچه می پسـندد می آمـوزد، و آن دیگری نیز خوبیهای این را می گیرد، و این به کمک آن می شـتابد و در حل مشـکلات آن قوم کمر می بنـدد و به انـدازه مقدور خود به آنهـا یـاری می دهـد، در نتیجه جـامعه های کوچک به جامعه ای بزرگ مبـدل می شود، آن وقت نیروهای جزئی نیز به نیروی کلی مبـدل می شود که کوه های بلنـد هم در مقابل آن توان مقاومت ندارند، و هیچ دشـمن نیرومندی حریف آن نمی شود. و (معلوم است که) هیـچ راهی به سوی حـل مشـکلاتماننـد تعاضـد و تعـاون نیست، و هیـچ راهی به سوی تعـاون چون تفـاهم نیست، و هیچ راهی به سوی تفاهم مانند تفاهم دینی نیست.

نـوع دوم از منـافع، منـافع اخروی است که همـان وجـود امـوری در جهت تقرب به سـوی خـدا است، اعم از قولی و عملی، که نمایـانگر عبودیت انسـان در پیشگاه اوست. و عمل حـج با مناسـکی که دارد انواع عبادتها و توجه به خـدا را شامل و متضـمن است، چون مشتمل است بر ترک تعدادی از لذایذ زندگی، و کارهای دنیایی، و گام نهادن در راه خدا با تحمل مشقتها، و

طواف پیرامون خانه او، و نماز و قربانی، و انفاق و روزه، و غیر آن.

در سابق هم گفتیم که عمل حج با ارکان و اجزایی که دارد یک دوره کامل مسیر ابراهیم خلیل علیه السلام در مراحل توحید، و نفی شرک، و اخلاص عبودیت او را مجسم می سازد.

به همین بیان روشن می شود که چرا فرمود: «در میان مردم حج را اعلام کن تا به سویت بیایند»، چون معنای آمدن مردم به سوی ابراهیم، این است که مردم به سوی خانه ای که او بنا کرده بیایند و آن را زیارت کنند. و آمدنشان مستلزم این است که این منافع اخروی و دنیوی را مشاهده کنند، و وقتی مشاهده کردند، علاقمند به آن خانه می شوند، چون خلقت انسان به گونه ای است که منفعت را دوست دارد. (۱)

۱- (۱) . المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص ۳۶۹ و ۳۷۰..

۲ – نماز جمعه و جماعت

(۳۶)

۷ – مشکاه الأنوار: عن عبدِ اللّهِ بْنِ بکیرٍ قالَ: دَخَلْتُ عَلی أبی عَبْدِ اللّهِ علیه السلام وَمَعِی رَجُلانِ، فَقالَ أحَدُهُما لأَبِی عَبْدِ اللّهِ علیه السلام : أَآتِی الجُمُعَهَ؟ فَقالَ أبو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام : إیتِ الجُمُعَهَ وَالجَماعَهَ، وَاحْضَرِ الجَنازَهَ، وَعُدِ المَرِیضَ، وَاقْضِ الحُقُوقَ. ثُمَّ قالَ: أَتَخافُونَ أنْ نُضِلَّکُمْ؟ لا وَاللّهِ لا نُضِلُّکُمْ أبَداً (۱).

عبداللّه بن بکیر گوید: به همراه دو نفر به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، یکی از آنان از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا به نماز جمعه بروم؟ امام صادق علیه السلام پاسخ داد: به نماز جمعه و جماعت برو، و بر جنازه حاضر شو، و به عیادت بیمار برو، و حقوق را بپرداز. سپس فرود آیا می ترسید گمراهتان کنیم، نه به خدا هیچگاه شما را گمراه نخواهیم کرد. (ظاهرا مراد نماز جمعه و جماعت و دیگر امور مربوط به اهل سنت است).

(۳۷)

۸ – مشکاه الأنوار: عن عُمَرَ بْنِ ابان قالَ: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام یَقُولُ: یا مَعْشَرَ الشِّیعَهِ إنَّکُمْ قَدْ نُسِبْتُمْ إلَیْنا، کُونُوا لَنا زَیْناً وَلا تَکُونُوا عَلَیْنا شَیْناً، ما یَمْنَعُکُمْ أَنْ تَکُونُوا مِثْلَ أصْحابِ عَلِیٍّ – رِضْوانُ اللّهِ عَلَیهِ – فی النّاسِ، وَإنْ کانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ لَیَکُونُ فی القَبِیلَهِ فَیَکُونُ إمامَهُمْ وَمُؤَذِّنَهُمْ، وَصاحِبَ أماناتِهِمْ وَوَدائِعِهِمْ. عُودُوا مَرْضاهُمْ، وَاشْهَدُوا جَنائِزَهُمْ، وَصَلُّوا فی مَساجِدِهِمْ، وَلا

۱– (۱) . مشکاه الأنوار، ص ۱۳۴، ح ۳۰۶؛بحارالأنوار، ج ۸۸، ص ۱۱۹ ذیل ح ۸۳ ..

یَسْبِقُوكُمْ إلَی خَیْرٍ، فَأَنْتُمْ وَاللّهِ أَحَقُّ مِنْهُمْ بِهِ (۱).

عمر بن ابان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: ای شیعیان! همانا شما را از ما می دانند، زینت ما باشید، و عار و ننگ ما نباشید. چه مانعی دارد که شما همانند یاران علی علیه السلام در میان مردم باشید؟ اگر یکی از آنان در یک قبیله بود پیش نماز و اذان گو و نگاهدار امانتها و سپرده هایشان بود. از بیمارانشان دیدن کنید، و بر جنازه هایشان حاضر شوید، و در مساجدشان نماز گزارید؛ مبادا آنان در کار خیر بر شما سبقت گیرند. چرا که به خدا شما به کار خیر از آنان سزاوارترید.

(۳۸) ۹- کنز العمال: لا تُکَفِّرُوا أَهْلَ مِلَّتِکُمْ وَإنْ عَمِلُوا الکَبائِرَ؛ وَصَلُّوا خَلْفَ کُلِّ إمامٍ؛ وَصَلُّوا عَلی کُلِّ مَیِّتٍ؛ وَجاهِدُوا مَعَ کُلِّ أمِیرٍ (۲).

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اهل دین خود را، اگر چه گناهان کبیره کنند، کافر نشمارید؛ و پشت سر هر امامی نماز گزارید؛ و بر هر مرده ای نماز بخوانید، و همراه هر فرمانروایی جهاد کنید.

(۳۹) ۱۰- کنز العمال: لا تُکَفِّرُوا أَحَداً مِنْ أَهْلِ القِبْلَهِ بِذَنْبٍ وَإنْ عَمِلُوا الکَبائِرَ؛ وَصَلُّوا مَعَ کُلِّ إمامٍ؛ وَجاهِدُوا مَعَ کُلِّ أمِیرٍ (۳).

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ یک از اهل قبله را به جهت گناه کردن کافر نشمارید اگر چه گناهان کبیره کنند، و با هر امامی نماز گزارید، و همراه هر فرمانروایی جهاد کنید.

ص:۹۶

۱- (۱) . مشکاه الأنوار، ص ۱۳۴، ح ۳۰۵..

۲- (۲) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۱۰۷۷..

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۱۰۷۸..

۱ – حق گرایی

(۴۰) ۱ – المحاسن: عن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام ، عن آبائِهِ علیهم السلام قالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله عَنْ جَماعَهِ أُمَّتِهِ، فَقالَ: جَماعَهُ أُمَّتِی أَهْلُ الحَقِّ وَإِنْ قَلُّوا (۱).

امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل می کند که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره جماعت امتش سؤال شد. آن حضرت پاسخ داد: جماعت امت من طرفداران حق هستند هر چند اندک باشند.

(۴۱)

۲ – المحاسن: قِیلَ لِرَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله : ما جَماعَهُ أُمَّتِکَ؟ قالَ: مَنْ کانَ عَلَی الحَقِّ وَإِنْ کانُوا عَشَرَهً (۲).

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند جماعت امتت کیانند؟ فرمود: کسانی هستند که بر حقند هر چند ده نفر باشند.

(۴۲)

۳ – المحاسن: عن أبی جَعْفَرٍ علیه السلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إنَّ القَلِیلَ مِنَ المُؤْمِنِینَ کَثِیرٌ (۳).

از امام باقر علیه السلام روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اندک از مؤمنان زیاد بشمار آیند.

(۴۳)

۴ – فیض القدیر: «الجَماعَهُ رَحْمَهٌ» أی لُزُومُ جماعَهِ المُؤْمِنِینَ مُوصِلٌ إلَی الرَّحْمَهِ.

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَلا تَفَرَّقُوا» (۴) ، «وَالفُرْقَهُ عَذابٌ» لِأَنَّهُ تَعالیٰ جَمَعَ المُؤْمِنِینَ

۱- (۱) . المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۲۳..

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۲۴..

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۲۵..

۴- (۴) . آل عمران: ۱۰۳..

عَلیٰ مَعْرفَهٍ واحِدَهٍ وَشَریعَهٍ واحِدَهٍ لِیَأْلَفَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِاللّهِ وَفی اللّهِ فَیَکونُونَ کَرَجُلٍ واحِدٍ عَلیٰ عَدُوِّهِمْ، فَمَنِ انْفَرَدَ عَنْ حِزْبِ الرَّحْمٰنِ، انْفَرَدَ بِهِ الشَّیْطانُ وَأَوْقَعَهُ فِیما یُؤَدِّیهِ إلیٰ عَذابِ النِّیرانِ.

قالَ العامری فی شرحِ الشّهاب: لَفْظُ الجَماعَهِ یَنْصَرِفُ لِجَماعَهِ المُسْلِمِینَ لِمَا اجْتَمَعَ فِیهِمْ مِنْ جَمِیلِ خِصالِ الإِسْلامِ وَمَکارِمِ الأَخْلاقِ، وَتَرَقِّی السّابِقِینَ مِنْهُمْ إلیٰ دَرَجَهِ الإحْسانِ وَإنْ قَلَّ عَدَدُهُمْ، حَتّیٰ لَو اجْتَمَعَ التَّقْویٰ وَالإحْسانِ - اللَّذانِ مَعَهُما الرَّحْمَهُ - فی واحِدٍ کانَ هُوَ الجَماعَهُ، فَالرَّحْمَهُ فی مُتابَعَتِهِ، وَالعَذابُ فی مُخالَفَتِهِ (۱).

«الجماعه رحمه» یعنی همراهی با جمع مومنان انسان را به رحمت می رساند، «واعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرّقوا» همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید. «و الفرقه عذاب»: تفرقه عذاب است، زیرا خدای متعال مؤمنان را بر یک شناخت و یک دین گرد آورده تا برای خدا و در راه خدا با هم همدل شوند و همه همچون یک تن در برابر دشمن باشند، پس کسی که از حزب خداوند رحمان جدا شود، شیطان او را جدا و تنها می سازد و به کارهایی وا می دارد که سر انجامش عذاب آتش است.

عامری در شرح شهاب گوید: لفظ جماعت به معنای جماعت مسلمانان است، از این رو که همه خصلت های پسندیده اسلام و اخلاق ستوده در آنان جمع است و پیشقدمان آنان به رتبه احسان صعود کرده اند، (جماعت آنانند) هر چند شمارشان کم باشد حتی اگر تقوا و احسان - که رحمت همراه آن دو است - در یک نفر باشد، همو جماعت است و پیروی از او رحمت، و مخالفت با او عذاب را به همراه دارد.

(۴۴) ۵- معانی الأخبار: جاءَ رجُلٌ إلیٰ أمِیرِ المُؤْمِنِینَ علیه السلام فَقالَ: أَخْبِرْنِی عَنِ السُّنَّهِ وَالبِدْعَهِ،

۱- (۱) . فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، ج ۳، ص ۴۵۶، ح ۲۳۲۴..

وَعَنِ الجَماعَهِ وَعَنِ الفُرْقَهِ؟ فَقالَ أَمِيرُ المُؤْمِنِينَ علیه السلام : السُنَّهُ ما سَنَّ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، وَالبِدْعَهُ ما أَحْدَثَ مِنْ بَعْدِهِ، وَالجَماعَهُ أَهْلُ الحَقِّ وَإنْ کانُوا قَلِیلًا، وَالفُرْقَهُ أَهْلُ الباطِلِ وَإنْ کانُوا کَثِیراً (۱).

مردی به محضر امیرمؤمنان علیه السلام آمد و عرض کرد: مرا از سنت و بدعت و جماعت و فرقه آگاه ساز. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «سنت» هر آن چیزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را بنا نهاده، و «بدعت» چیزی است که پس از او (در دین) پدید آمده است، و «جماعت» طرفداران حق هستند هر چند اندک باشند، و «فرقه» طرفداران باطل اند گرچه فراوان باشند.

ص:۹۹

۱- (۱) . معانی الأخبار، ص ۱۵۵، ح ۳..

۲ – حبل اللّه

(۴۵) ۶- «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَهَ اللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَكُنْتُمْ عَلى شَفا حُفْرَهٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْها كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللّهُ لَكُمْ آياتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۱).

همگی به ریسمان خدا – قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت – چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که در گذشته با هم دشمن بودید سپس شما را همدل ساخت، و به برکت نعمت او برادر شدید؛ و شما را که بر لب گودال آتش بودید از آن نجات داد. این چنین خداوند آیات خود را بر شما آشکار می سازد، شاید پذیرای هدایت شوید.

(۴۶) ۷- مجمع الزوائد: عن عَبدِ اللّهِ بْنِ مَسْعُودٍ أَنَّهُ قالَ: یا أَیُّهَا الناسُ! عَلَیْکُمْ بِالطّاعَهِ وَالجَماعَهِ؛ فَإِنَّها حَبْلُ اللّهِ الَّذِی أَمَرَ بِهِ. وَإِنَّ ما تَکْرَهُونَ فی الجَماعَهِ خَیْرٌ مِمّا تُحِبُّونَ فی الفُرْقَهِ (۲).

عبداللّه بن مسعود گفت: ای مردم! بر شما است فرمانبری و همراهی با جماعت (مسلمانان)؛ زیرا این همان ریسمان خداوند است که به چنگ زدن به آن فرمان داده است.

ناخوشی های شما در جماعت، بهتر از خوشی هایتان در تفرقه است.

(۴۷) ۸- کنز العمال: إِنَّ اللّهَ تَعالی رَضِیَ لَکُمْ ثَلاثاً، وَکَرِهَ لَکُمْ ثَلاثاً: رَضِیَ لَکُمْ أَنْ تَعْبُدُوهُ

۱- (۱) . آل عمران: ۱۰۳..

۲- (۲) . مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۲۲..

وَلا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً، وَأَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا، وَتَسْمَعُوا وَتُطِيعُوا لِمَنْ وَلّى اللّهُ أَمْرَكُمْ؛ وَكَرِهَ لَكَمْ قِيلَ وَقالَ، وَكَثْرَةَ السُّؤالِ، وَإضاعَةَ المالِ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم : خداوند متعال سه کار را از شما دوست دارد و سه کار را خوش ندارد. او می پسندد که شما او را بپرستید و چیزی را شریک او نسازید، و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید، و از کسی که خداوند حکومت شما را به او سپرده بشنوید و فرمان برید. و خداوند بگو مگو و جدال با یکدیگر، و سؤال زیاد، و تباه کردن مال را برای شما نمی پسندد.

(۴۸)

۹ - مستدرک الوسائل: قالَ - أميرُ المُؤْمِنِينَ علیه السلام - : وَعَلَيْكُمْ بِالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِ اللّهِ وَعُرْوَتِهِ، وَكُونُوا مِنْ حِزْبِ اللّهِ وَرَسُولِهِ، وَالْزَمُوا عَهْدَ اللّهِ وَمِيثاقَهُ عَلَيْكُمْ، فَإنَّ الإسْلامَ بَدَأَ غَرِيباً وَسَيَعُودُ غَرِيباً، وَكُونُوا فی أَهْلِ مِلَّتِكُمْ كَأَصْحابِ الكَهْفِ، وَإيّاكُمْ أَنْ تُفْشُوا أَمْرَكُمْ إلَى أَهْلٍ أَوْ وَلَدٍ أَوْ حَمِيمٍ أَوْ قَرِيبٍ، فإنَّهُ دِينُ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِی أَوْجَبَ لَهُ التَّقِيَّهَ لِأَوْلِيائِهِ، فَيَقْتُلُكُمْ قَوْمُكُمْ... (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام به گروهی که تازه مسلمان شده بودند و قصد مراجعت به وطنشان داشتند فرمود: باید ریسمان خداو دستاویز او را محکم بگیرید، و از حزب خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم باشید، و به عهد و پیمانی که خداوند بر شما دارد وفادار بمانید، که اسلام در آغازش بی کس بود و باز بی کس خواهد شد. در میان اهل دین (سابق) خود مانند اصحاب کهف باشید و مبادا امر (اسلام) خود را برای خانواده یا فرزند یا دوست یا خویشاوندتان آشکار سازید که قومتان شما را بکشند. چرا که خداوند عز و جل تقیه در دین را برای دوستانش واجب ساخته است. (۳)

۱- (۱) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۰۲۴..

۲- (۲) . مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۵۶، ح ۱۴۰۴۴؛ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۱۶۹..

۳- (۳) . ابتدای حدیث در مستدرک چنین است: الحسن بن أبی الحسن الدیلمی فی إرشاد القلوب، فی حدیث طویل عن سلمان الفارسی رحمه اللّه انه ذکر قدوم الجاثلیق من الروم - ومعه مائه من الاساقفه - بعد وفاه رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم الی المدینه وسؤالهم عن أبی بکر أشیاء تحیّر فیها، ثمّ ذکر قدومهم علی علیّ علیه السلام و حلّه مشاکلهم وإسلامهم علی یده، وأمره برجوعهم إلی وطنهم إلی أن قال علیه السلام «وعلیکم بالتمسّک بحبل اللّه وعروته و...»..

۳ – قرآن و عترت

(۴۹) ۱۰- تحف العقول: خُطْبَتهُ صلی الله علیه و آله و سلم فی حُجَّهِ الوَداعِ:... أَیُّهَا النّاسُ، «إنَّمَا المُؤْمِنُونَ إخْوَهٌ» (۱) وَلا یَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ مالُ أخِیهِ إلّاعَنْ طِیبِ نَفْسٍ مِنْهُ. ألا هَلْ بَلَّغْتُ؟ اللّهُمَّ اشْهَدْ، فَلا تَرْجِعُنَّ کُفّاراً یَضْرِبُ بَعْضُکُمْ رِقابَ بَعْضٍ؛ فَإنِّی قَدْ تَرَکْتُ فِیکُمْ ما إنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا: کِتابَ اللّهِ وَعِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی. ألا هَلْ بَلَّغْتُ؟ اللّهُمَّ اشْهَدْ. أَیُّهَا النّاسُ، إنَّ رَبَّکُمْ واحِدٌ، وَإنَّ أَباکُمْ واحِدٌ، کُلُّکُمْ لِآدَمَ وَآدَمُ مِنْ تُرابٍ «إنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقاکُمْ» (۲) وَلَیْسَ لِعَرَبِیٍّ عَلی عَجَمِیٍّ فَضْلٌ إلّا بِالتَّقْوی. ألا هَلْ بَلَّغْتُ؟ قالُوا: نَعَمْ. قالَ: فَلْیُبَلِّغِ الشّاهِدُ الغائِبَ (۳).

سخنرانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حجه الوداع:... ای مردم: مؤمنان با هم برادرند، و مال مسلمانی جز با رضایت او بر برادرش حلال نیست. هان! آیا رساندم؟ خداوندا گواه باش! از این پس باز کافر نشوید که گردن یکدیگر را بزنید، چرا که من در میان شما چیزی را باقی گذاشتم که اگر آن را محکم بگیرید گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم را، هان! آیا رساندم؟ خداوندا گواه باش. ای مردم به راستی پروردگار شما یکی و پدر شما یکی است.

همهٔ شما از آدم هستید و آدم از خاک است. «به راستی گرامی ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست» و عرب بر عجم برتری ندارد جز با تقوا. هان! آیا رساندم؟ گفتند: بلی. فرمود: پس حاضر به غائب برساند.

۱- (۱) . حجرات: ۱۰..

۲- (۲) . حجرات: ۱۳..

۳- (۳) . تحف العقول، ص ۳۴..

۱ - بحار الأنوار: قال حذيفه ضمن حديثه: فَقامَ [رسول اللّه صلى الله عليه و آله] وَهُوَ مَرْبُوطٌ حَتّى قَعَدَ عَلى أَدْنى مَرْقاةٍ فَحَمِدَ اللّهَ وَأَثْنى عَلَيْهِ، ثُمَّ قالَ: أيُّهَا النّاسُ! إنّى قَدْ جاءَنِى مِنْ أَمْرِ رَبِّى مَا النّاسُ إلَيْهِ صائِرُونَ، وَإنِّى قَدْ تَرَكْتُكُمْ عَلَى الحُجَّةِ الواضِحَةِ لَيْلُها كَنَهارِها، فَلا تَخْتَلِفُوا مِنْ بَعْدِى كَمَا اخْتَلَفَ مَنْ كانَ قَبْلَكُمْ مِنْ بَنِى إسْرائِيلَ. أيُّهَا النّاسُ! إنَّهُ لا أُحِلُّ لَكُمْ إلّا ما أَحَلَّهُ القُرْآنُ، وَلا أُحَرِّمُ عَلَيْكُمْ إلّاما حَرَّمَهُ القُرْآنُ، وَإنِّى مُخَلِّفٌ فِيكُمُ الثَّقَلَينِ ما إنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِما لَنْ تَضِلُّوا وَلَنْ تَزِلُّوا: كِتابَ اللّهِ وَعِتْرَتِى أَهْلَ بَيْتِى، هُمَا الخَلِيفَتانِ فِيْكُمْ، وَإنَّهُما لَنْ يَفْتَرِقا حَتّى يَرِدا عَلَىّ الحَوْضِ، فَأُسائِلُكُمْ بِماذا خَلَفْتُمُونِى فِيهِما؟ وَلَيُذادَنَّ يَوْمَئِذٍ رِجالٌ عَنْ حَوْضِى كَما تُذادُ الغَرِيبَةُ مِنَ الإبِلِ، فَتَقُولُ رِجالٌ أنا فُلانٌ وَأنا فُلانٌ، فَأَقُولُ أمّا الأسْماءُ فَقَدْ عَرَفْتُ وَلكِنَّكُمُ ارْتَدَدْتُمْ مِنْ بَعْدِى، فَسُحْقاً لَكُمْ سُحْقاً! ثُمَّ نَزَلَ عَنِ المِنْبَرِ وَعادَ إلى حُجْرَتِهِ (۱).

حذیفه - در حدیث بسیار طولانی خود در باره موضوع جانشینی امیرمؤمنان علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - گوید:... رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که سرش - به سبب بیماری - بسته بود برخاست و بر پایین ترین پله منبر نشست و خداوند را ستایش کرد و ثنا گفت، سپس فرمود: ای مردم! به راستی در آستانه رفتن از دنیا هستم که تقدیر الهی و سرنوشت همه است. و من برایتان برهانی روشن گذاشتم که نقطه تاریکی در آن نیست. با این حال پس از من اختلاف نکنید بدانگونه که بنی اسرائیل پیش از شما اختلاف کردند. ای مردم! همانا من برای شما جز آنچه را قرآن حلال کرده حلال نمی کنم و جز آنچه را قرآن حرام کرده حرام نمی کنم؛ و من در میان شما دو چیز گرانبها باقی می گذارم که اگر به آن دو چنگ زنید به گمراهی و لغزش دچار نخواهید شد: کتاب خدا و خاندانم، اهل بیتم. آنها دو جانشین من در میان شما هستند و به یقین آن دو از یکدیگر جدا نمی شوند و با هم هستند تا بر سر حوض نزد من بیایند. آنگاه من از شما خواهم پرسید که شما پس از من با آنها چگونه رفتار کردید. در آن روز کسانی را از حوض من می رانند همانسان که شتران نا آشنا را می رانند. آنان می گویند من فلانی هستم و من فلانی هستم، من در جواب می گویم نامهایتان را شناختم ولی شما پس از من دست از دین

ص:۱۰۳

۱- (۱) . بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۱۱۰ ضمن ح ۳؛ إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۰۶..

کشیدید، از رحمت خدا دور باشید! از رحمت خدا دور باشید! سپس از منبر فرود آمد و به حجره خویش باز گشت.

(۵۱) ۱۲- کنز العمال: عَن جابِر عَن النبیّ صلی الله علیه و آله قالَ: یا أَیُّهَا النّاسُ إنِّی تَرَکْتُ فِیکُمْ ما إنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا: کِتابَ اللّهِ وَعِتْرَتِی أهل بیتی (۱).

جابر: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای مردم! من در میان شما چیزی باقی گذاردم که اگر به آن چنگ زنید گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم.

(۵۲) ۱۳- کنز العمال: عَن زید بن ثابت، عَن النبیّ صلی الله علیه و آله قالَ: إنِّی تارِکٌ فِیکُمْ خَلیفتین: کِتابَ اللّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ ما بَیْنَ السَّماءِ وَالأرْضِ، وَعِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی، وَإنَّهُما لَنْ یَتفَرّقا حَتّی یَرِدا عَلَیّ الحَوْضِ (۲).

زید بن ثابت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من در میان شما دو یادگار باقی می گذارم: کتاب خدا ریسمانی که از آسمان به زمین کشیده شده، و خاندانم اهل بیتم. و به یقین آن دو از یکدیگر جدا نمی شوند و با هم هستند تا بر سر حوض نزد من بیایند.

(۵۳) ۱۴- کنز العمال: عن زید بن ارقم عَن النبیّ صلی الله علیه و آله قالَ: إنِّی تارِکٌ فِیکُمْ ما إنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِی: أَحَدُهُما أعْظَمُ مِنَ الآخَرِ: کِتابَ اللّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٍ مِنَ السَّماءِ إلَی الأرْضِ، وَعِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی، وَلَنْ یَتَفَرّقا حَتّی یَرِدا عَلَیّ الحَوْضِ، فَانْظُرُوا کَیْفَ تَخْلُفُونی فِیهِما (۳).

زید بن ارقم گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من در میان شما چیزی باقی می گذارم که اگر به آن چنگ زنید گمراه نخواهید شد. یکی از آن دو بزرگتر از دیگری است، کتاب خدا ریسمانی که از آسمان به زمین کشیده شده، و خاندانم اهل بیتم. آن دو از یکدیگر جدا نمی شوند و با هم هستند تا بر سر حوض نزد من بیایند؛ پس بنگرید که چگونه حرمت مرا در باره آنها پاس می دارید.

۱- (۱) . کنز العمّال، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۸۷۰ ..
۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۸۷۲ ..
۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۸۷۳ ..

(۵۴)

۱۵ - معانی الأخبار: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبائِهِ علیهم السلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : ما وَجَدْتُمْ فی کِتابِ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَالْعَمَلُ لَکُمْ بِهِ لا عُذْرَ لَکُمْ فی تَرْکِهِ، وَما لَمْ یَکُنْ فی کِتابِ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَکانَتْ فِیهِ سُنَّهٌ مِنِّی فَلا عُذْرَ لَکُمْ فی تَرْکِ سُنَّتِی، وَما لَمْ یَکُنْ فِیهِ سُنَّهٌ مِنِّی فَما قالَ أصْحابِی فَقُولُوا بِهِ؛ فَإنَّما مَثَلُ أصْحابِی فِیکُمْ کَمَثَلِ النُّجُوم بِأَیِّها أخَذَ اهْتَدی، وَبِأَیِّ أقاوِیلِ أصْحابِی أخَذْتُمْ اهْتَدَیْتُمْ، وَاخْتِلافُ أصْحابی لَکُمْ رَحْمَهٌ. فَقِیلَ: یا رَسُولَ اللّهِ وَمَنْ أصْحابُکَ؟ قالَ:

أهْلُ بَیْتِی (۱).

امام جعفر صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که آن حضرت فرمود هر حکمی را که در کتاب خدا یافتید بکار گیرید و در ترک آن عذری ندارید، و هر آنچه حکمش در قرآن نبود ولی در سنت من بود در ترک سنتم عذری ندارید، و آنچه حکمش در سنت من نبود هر چه اصحابم گفتند شما نیز همان را بگویید، زیرا اصحاب من در میان شما همچون ستارگانند که هر یک راه را نشان می دهند؛ به هر یک از گفته های اصحابم عمل کنید هدایت می شوید، و اختلاف اصحابم برای شما رحمت است. از آن حضرت سؤال شد که اصحاب شما کیانند؟ فرمود: اهل بیت من.

(۵۵)

۱۶ - الغارات: فَقالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام لشبث بن ربعی ومخنف بن سلیم الأزدی: مَه، تَناهَوا أَیُّهَا النّاسُ! وَلْیَرْدَعْکُمُ الإسْلامُ وَوَقارُهُ عَنِ التَّباغِی وَالتَّهاذِی، وَلْتَجْتَمِعْ کَلِمَتُکُمْ، وَالْزَمُوا دِینَ اللّهِ الَّذِی لا یُقْبَلُ مِنْ أحَدٍ غَیْرُهُ، وَکَلِمَهَ الإخْلاصِ الَّتِی هِیَ قِوامُ الدِّینِ، وَحُجَّهُ اللّهِ عَلَی الکافِرِینَ. وَاذْکُرُوا إذْ کُنْتُمْ قَلِیلاً مُشْرِکِینَ مُتَفَرِّقِینَ مُتَباغِضِینَ فَأَلَّفَ بَیْنَکُمْ بِالإسْلامِ، فَکَثُرْتُمْ وَاجْتَمَعْتُمْ وَتَحابَبْتُمْ، فَلا تَفَرَّقُوا بَعْدَ إذِ اجْتَمَعْتُمْ، وَلا تَباغَضُوا بَعْدَ إذْ تَحابَبْتُمْ. فَإذَا انْفَصَلَ النّاسُ وَکانَتْ بَیْنَهُمُ الثّائِرَهُ، فَتَداعَوا إلَی العَشائِرِ وَالقَبائِلِ، فَاقْصِدُوا لِهامِهِمْ وَوُجُوهِهِمْ بِالسُّیُوفِ، حَتّی یَفْزَعُوا إلَی اللّهِ وَکِتابِهِ وَسُنَّهِ نَبِیِّهِ. فَأمّا تِلْکَ الحَمِیَّهُ مِنْ خُطُواتِ الشَّیْطانِ، فَانْتَهُوا عَنْها - لا أباً لَکُمْ - تُفْلِحُوا وَتَنْجَحُوا (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام به شبث بن ربعی و مخنف بن سلیم الأزدی که در محضر او به بدگویی از قوم و قبیلهٔ یکدیگر پرداخته بودند فرمود: ای مردم! - از این سخنان - دست بردارید! باید

ص:۱۰۵

۱- (۱) . معانی الاخبار، ص۱۵۶..

۲- (۲) . الغارات، ص ۲۷۲..

اسلام و وقارش شما را از ستم به یکدیگر، و بدزبانی و ناسزاگویی به هم باز دارد. باید همه یک صدا باشید، و به دین خدا که جز آن از هیچ کس پذیرفته نیست، و به کلمهٔ اخلاص که ستون دین و حجّت خدا بر کافران است، پایبند باشید. و به یاد آرید آن هنگام را که شمارتان اندک بود، مشرک و پراکنده و دشمن یکدیگر بودید، و خداوند به وسیله اسلام شما را همدل ساخت، آنگاه تعداد شما افزون شد و با هم متحد شدید و به یکدیگر مهر ورزیدید. اکنون پس از اتحادتان باز پراکنده نشوید! و پس از مهر ورزیتان به یکدیگر با هم دشمنی نکنید! هنگامی که دیدید مردم از هم جدا شدند و آتش درگیری در میان آنان روشن شد، و عشایر و قبایل را به یاری فرا خواندند، با سران و بزرگانشان بجنگید تا ناچار شوند به خدا و کتابش و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گردن نهند. و اما این تعصب - و حمایت بیجا از عشیره -، از فریبهای شیطانی است - بیچاره ها - از آن دست بر دارید تا رستگار و کامیاب شوید.

(۵۶) ۱۷- المحاسن: عَنْ أبِی عَبْدِ اللّٰهِ علیه السلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله : مَنْ تَمَسَّکَ بِسُنَّتِی فی اخْتِلافِ أُمَّتِی، کانَ لَهُ أَجْرُ مِائَهِ شَهِیدٍ (۱).

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس در هنگامه اختلاف امّت من سخت به سنت من پایبند باشد، پاداش صد شهید دارد.

(۵۷) ۱۸- نهج البلاغه: قالَ أمیر المُؤمِنین علیه السلام لِلْخَوارِج:... ثُمَّ أَنْتُمْ شِرارُ الناسِ، وَمَنْ رَمیٰ بِهِ الشَّیْطانُ مَرامِیَهُ، وَضَرَبَ بِهِ تِیْهَهُ. وَسَیَهْلِکُ فِیَّ صِنْفانِ: مُحِبٌّ مُفْرِطٌ یَذْهَبُ بِهِ الحُبُّ إلیٰ غَیْرِ الحَقِّ، وَمُبْغِضٌ مُفْرِطٌ یَذْهَبُ بِهِ البُغْضُ إلیٰ غَیْرِ الحَقِّ. وَخَیْرُ النّاسِ فِیَّ حالاً النَّمَطُ الأَوْسَطُ فَالْزَمُوهُ، وَالزَمُوا السَّوادَ الأعْظَمَ؛ فَإنَّ یَدَ اللّٰهِ عَلَی الجَماعَهِ. وَإیّاکُمْ وَالفُرْقَهَ؛ فَإنَّ الشّاذَّ مِنَ النّاسِ لِلشَّیْطانِ، کَما أَنَّ الشّاذَّ مِنَ الغَنَمِ لِلذِّئْبِ. أَلا مَنْ دَعا إلیٰ هٰذَا الشِّعارِ فَاقْتُلُوهُ، وَلَوْ کانَ تَحْتَ عِمامَتِی هٰذِهِ. وَإنَّما حُکِّمَ الحَکَمانِ لِیُحْیِیا ما أَحْیَا القُرْآنُ، وَیُمِیتا ما أَماتَ القُرْآنُ.

وَإحْیاؤُهُ الِاجْتِماعُ عَلَیْهِ، وَإماتَتُهُ الِافْتِراقُ عَنْهُ؛ فإنْ جَرَّنَا القُرْآنُ إلَیْهِم اتَّبَعْناهُمْ، وَإنْ جَرَّهُمْ إلَیْنَا اتَّبَعُونا. فَلَمْ آتِ - لا أَباً لَکُمْ - بُجْراً، وَلا خَتَلْتُکُمْ عَنْ أَمْرِکُمْ، وَلا لَبَّسْتُهُ عَلَیْکُمْ (۲).

امیرمؤمنان علیه السلام به خوارج فرمود: شما بدترین مردمید. شیطان شما را به پرتگاه هایش

۱- (۱) . المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۱۴۴..

۲- (۲) . نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸ ..

افکنده، و به وادی گمراهی کشانده است.

دو گروه به جهت من تباه خواهند شد: دوستدار زیاده روی که محبت او را به راه ناحق برد، و دشمن تند روی که کینه توزیش با من او را به راه نادرست کشاند. بهترین مردم نسبت به من میانه روان هستند. پیوسته با آنها باشید، و همواره با جماعت (حق مدار) باشید که دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید، که انسانِ تنها بهره شیطان است، آنگونه که گوسفند جدا مانده از رمه، طعمهٔ گرگ است.

هان! هر کس مردم را به این شعار (لا حکم إلّالِلّه) (۱) فرا خواند او را بکشید، هر چند زیر عمامه من باشد.

همانا آن دو داور (ابوموسی و عمرو عاص) به داوری گمارده شدند تا آنچه را قرآن زنده کرده زنده سازند و آنچه را قرآن میرانده بمیرانند؛ زنده کردن قرآن به جمع شدن گرد آن و گردن نهادن به حکم آن است، و میراندن قرآن جدایی از آن و سر بر تافتن از فرمان آن است؛ پس اگر قرآن ما را به اطاعت از آنان بخواند، آنان را پیروی کنیم؛ و اگر آنان را به سوی ما سوق دهد، از ما اطاعت کنند. ای ناکسان! من شما را گرفتار بلایی نکرده ام، و شما را در کارتان فریب نداده، و آن را بر شما مشتبه نساخته ام.

(۵۸)

۱۹ - مستدرک الوسائل: وَعَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قالَ: أُمَّتِی أُمَّتِی، إِذَا اخْتَلَفَ النّاسُ بَعْدِی وَصارُوا فِرْقَةً فِرْقَةً، فَاجْتَهِدُوا فی طَلَبِ الدِّینِ الحَقِّ حَتّیٰ تَكُونُوا مَعَ أَهْلِ الحَقِّ، فَإِنَّ المَعْصِیَةَ فی دِینِ الحَقِّ تُغْفَرُ، وَالطّاعَةَ فی دِینِ الباطِلِ لا تُقْبَلُ (۲).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: امت من! امت من! (۳) هنگامی که مردم پس از من اختلاف کردند و دسته دسته شدند، پس در دستیابی به دین حق تلاش کنید تا با حق گرایان باشید زیرا گناه در دین حق آمرزیده می شود، ولی بندگی خدا در دین باطل پذیرفته نمی شود.

ص:۱۰۷

۱- (۱) . این جمله شعار خوارج بود..

۲- (۲) . جامع الأخبار، ص ۵۰۵، ح ۱۳۹۶؛بحارالأنوار، ج ۲۷، ص ۱۹۷، ح ۵۸؛مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۲۷۴..

۳- (۳) . احتمال دارد معنی چنین باشد: (آیینم را، آیینم را - بگیرید)، با توجه به آنچه طبرسی در تفسیر آیه ۹۳ سورهٔ انبیاءذکر کرده است: «إنّ هذه أمّتکم أمّه واحده» أی هذا دینکم دین واحد. خصوصاً با در نظر گرفتن نسخهٔ مستدرک الوسائل که در آن (واجتهدوا) آمده است..

۴ – رهبری

(۵۹) ۲۰ «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الأَمْرِ مِنْکُمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فی شَیْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآْخِرِ ذلِکَ خَیْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِیلاً» (۱).

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام تر است.

(۶۰) ۲۱- نهج البلاغه: قالَ أميرالمؤمنين عليه السلام عند مسير أصحاب الجمل إلى البصرة: إنَّ اللّهَ بَعَثَ رَسُولاً هادِیاً بِکِتابٍ ناطِقٍ وَأَمْرٍ قائِمٍ، لا یَهْلِکُ عَنْهُ إلّاهالِکٌ. وَإنَّ المُبْتَدَعاتِ المُشَبَّهاتِ هُنَّ المُهْلِکاتُ إلّاما حَفِظَ اللّهُ مِنْها. وَإنَّ فی سُلْطانِ اللّهِ عِصْمَةً لِأمْرِکُمْ؛ فَأَعْطُوهُ طاعَتَکُمْ غَیْرَ مَلُومَةٍ وَلا مُسْتَکْرَهٍ بِها. وَاللّهِ لَتَفْعَلُنَّ أَوْ لَیَنْقُلَنَّ اللّهُ عَنْکُمْ سُلْطانَ الإسْلامِ، ثُمَّ لا یَنْقُلُهُ إلَیْکُمْ أبَداً حَتّی یَأْرِزَ الأَمْرُ إلی غَیْرِکُمْ. إنَّ هؤُلاءِ قَدْ تَمالَأُوا عَلی سَخْطَهِ إمارَتِی، وَسَأَصْبِرُ ما لَمْ أَخَفْ عَلی جَماعَتِکُمْ. فَإنَّهُمْ إنْ تَمَّمُوا عَلی فَیالَهِ هذَا الرَّأْیِ، انْقَطَعَ نِظامُ المُسْلِمِینَ. وَإنَّما طَلَبُوا هذِهِ الدُّنْیا حَسَداً لِمَنْ أفاءَها اللّهُ عَلَیْهِ، فَأرادُوا رَدَّ الأُمُورِ عَلی أدْبارِها. وَلَکُمْ عَلَیْنا العَمَلُ بِکِتابِ اللّهِ تَعالی وَسِیرَهِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، وَالقِیامُ بِحَقِّهِ، وَالنَّعْشُ لِسُنَّتِهِ (۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام وقت حرکت اصحاب جمل به سوی بصره فرمود: همانا خداوند

۱- (۱) . نساء: ۵۹ ..

۲- (۲) . نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸۱ ..

پیامبری راهنما را با کتابی گویا و دستوری استوار برانگیخت که جز تبهکار با روی گردانی از آن تباه نگردد. به راستی آن بدعت های همرنگ حقایق دینند که هلاک کننده اند، مگر خداوند - انسان را - از آنها حفظ فرماید. همانا تنها حکومت الهی نگهبان امور شماست، پس با رغبت تمام و نه دغل کارانه و نه از روی اکراه به فرمانش گردن نهید، به خدا سوگند باید چنین کنید، و گر نه قطعاً خدا سلطنت اسلام را از شما می گیرد و دیگر هیچ گاه آن را به شما باز نمی گرداند و قدرت به دست دیگران می افتد.

همانا اینان - طلحه و زبیر و عایشه - به جهت نارضایتی از حکومت من به یکدیگر پیوسته اند، و من تا آنجا که برای حکومت (جامعه اسلامی) شما احساس خطر نکنم صبر خواهم کرد، زیرا آنان اگر اندیشه سست خود را پیش ببرند، سازمان حکومت اسلامی از هم می گسلد. آنان به سبب حسد بر کسی که خداوند حکومت را به او بر گردانده، در پی دنیا بر خاسته اند و می خواهند کار را به روال گذشته باز گردانند. حق شما بر ما این است که به کتاب خدا (قرآن) و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتار کنیم و حقش را ادا نماییم و سنتش را بر پا داریم.

(۶۱)

۲۲ - کنز العمال: عَن ابن عُمَر عن النبیّ صلی الله علیه و آله قالَ: مَنْ خَرَجَ مِنَ الجَماعَهِ قَیْدَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَهَ الإسْلامِ مِنْ عُنُقِهِ حَتّی یُراجِعَهُ، وَمَنْ ماتَ وَلَیْسَ عَلَیْهِ إمامُ جَماعَهٍ فَإنَّ مَوْتَتَهُ مَوْتَهٌ جاهِلَیَّهٌ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که به اندازه یک وجب از گروه مسلمانان دور شود، ریسمان اسلام را از گردنش در آورده و از اسلام بیرون رفته است تا آنگاه که به جمعشان باز گردد. هر کس بمیرد بی آنکه رهبر اجتماعی (امامی) داشته باشد، مرگ او همانا مرگ جاهلیت است.

(۶۲)

۲۳ - کنز العمال: عَن ابن عَبّاس عَن النّبیّ صلی الله علیه و آله قالَ: مَنْ فارَقَ المُسْلِمِینَ قَیْدَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَهَ الإسْلامِ مِنْ عُنُقِهِ؛ وَمَنْ ماتَ لَیْسَ عَلَیْهِ إمامٌ فَمِیتَتُهُ مِیتَهُ الجاهِلِیَّهِ (۲)...

ابن عباس گوید: پیامبر فرمود: کسی که به اندازه یک وجب از مسلمانان جدا شود، رشته اسلام را از گردن خود در آورده است. و کسی که بمیرد و پیشوایی نداشته باشد، مرگش مرگ جاهلیت است... .

۱- (۱) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۱۰۳۵..

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۱۰۳۷..

(۶۳) ۲۴- کنز العمال: عن ابن عُمَر، قال النبیّ صلی الله علیه و آله : مَنْ فارَقَ جَماعَةَ المُسْلِمِینَ شِبْراً أخْرَجَ مِنْ عُنُقِهِ رِبْقَهَ الإسْلامِ... وَمَنْ ماتَ مِنْ غَیْرِ إمامِ جَماعَهٍ ماتَ مِیتَهً جاهِلِیَّهً (۱).

عبداللّه بن عمر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که یک وجب از جمع مسلمانان فاصله بگیرد، رشته اسلام را از گردنش بیرون آورده است؛... و کسی که بدون پیشوا و رهبر اجتماعی بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است.

(۶۴) ۲۵- نهج البلاغه: قال علیّ علیه السلام : - وَقَد استشاره عمر بن الخطاب فی الشخوص لقتال الفرس - : إنَّ هٰذَا الأمْرَ لَمْ یَکُنْ نَصْرُهُ وَلا خِذْلانُهُ بِکَثْرَهٍ وَلا قِلَّهٍ. وَهُوَ دِینُ اللّهِ الَّذِی أظْهَرَهُ، وَجُنْدُهُ الَّذِی أعَدَّهُ وَأمَدَّهُ، حَتّیٰ بَلَغَ ما بَلَغَ وَطَلَعَ حَیْثُ طَلَعَ؛ وَنَحْنُ عَلیٰ مَوْعُودٍ مِنَ اللّهِ، وَاللّهُ مُنْجِزٌ وَعْدَهُ وَناصِرٌ جُنْدَهُ. وَمَکانُ القَیِّمِ بِالأمْرِ مَکانُ النِّظامِ مِنَ الخَرَزِ، یَجْمَعُهُ وَیَضُمُّهُ؛ فَإنِ انْقَطَعَ النِّظامُ تَفَرَّقَ وَذَهَبَ، ثُمَّ لَمْ یَجْتَمِعْ بِحَذافِیرِهِ أبَداً. وَالعَرَبُ الیَومَ وَإنْ کانُوا قَلِیلاً فَهُمْ کَثِیرُونَ بِالإسْلامِ وَعَزِیزُونَ بِالاجْتِماعِ. فَکُنْ قُطْباً، وَاسْتَدِرِ الرَّحیٰ بِالعَرَبِ، وَأصْلِهِمْ دُونَکَ نارَ الحَرْبِ، فَإنَّکَ إنْ شَخَصْتَ مِنْ هٰذِهِ الأرْضِ انْتَقَضَتْ عَلَیْکَ العَرَبُ مِنْ أطرافِها وَأقْطارِها، حَتّیٰ یَکُونَ ما تَدَعُ وَراءَکَ مِنَ العَوْراتِ أهَمَّ إلَیْکَ مِمّا بَیْنَ یَدَیْکَ. إنَّ الأعاجِمَ إنْ یَنْظُرُوا إلَیْکَ غَداً یَقُولُوا هٰذا أصْلُ العَرَبِ، فَإذا قَطَعْتُمُوهُ اسْتَرَحْتُمْ، فَیَکُونُ ذٰلِکَ أشَدَّ لِکَلَبِهِمْ عَلَیْکَ وَطَمَعِهِمْ فِیکَ. فَأمّا ما ذَکَرْتَ مِنْ مَسِیرِ القَوْمِ إلیٰ قِتالِ المُسْلِمِینَ فَإنَّ اللّهَ سُبْحانَهُ هُوَ أکْرَهُ لِمَسِیرِهِمْ مِنْکَ، وَهُوَ أقْدَرُ عَلیٰ تَغْیِیرِ ما یَکْرَهُ. وَأمّا ما ذَکَرْتَ مِنْ عَدَدِهِمْ فإنّا لَمْ نَکُنْ نُقاتِلُ فِیما مَضیٰ بِالکَثْرَهِ، وَإنَّما کُنّا نُقاتِلُ بِالنَّصْرِ وَالمَعُونَهِ (۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب عمر هنگام مشورت وی در مورد جنگ با ایرانیان چنین فرمود: پیروزی و شکست این دین در گرو زیادی و کمی افراد نبوده است، و این دین خدا است که خود آن را پیروز ساخته و سپاه او است که آن را فراهم آورده و یاری داده تا این همه گسترش یافته و شعاعش فراگیر شده است، و ما چشم به راه وعده الهی - پیروزی - هستیم، و خدا به وعده خود وفا می کند و سپاهش را یاری می نماید. و زمامدار همچون رشته ای است

۱- (۱) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱۰۳۸..

۲- (۲) . نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۹..

که مهره ها را گرد می آورد و به هم پیوند می دهد، اگر رشته پاره شود دانه ها پراکنده می شوند و هر یک به سویی می روند و دیگر هیچ گاه همه آنها جمع نخواهند شد . و امروزه عرب هر چند اندکند اما با اسلام زیادند و با همبستگی سربلندند، پس تو پایه و محور ثابت باش و به کمک عرب آسیای حکومت را بچرخان، و آنان را بدون حضور خودت به جنگ گسیل دار، زیرا اگر تو از این سرزمین - مرکز حکومت - بروی، عرب از هر سو بر تو می شورند به گونه ای که آثار زیانبار نبودنت در مرکز برایت بسی بزرگتر از سود حضورت در جبهه جنگ خواهد شد. عجم ها اگر فردا تو را ببینند می گویند این اصل و ریشه عرب است اگر آن را بکنید آسوده خواهید شد، و این امر سبب می شود که سخت تر به تو حمله کنند و در کشتنت حریص تر شوند، و اما آنچه در باره آمدن آن مردمان برای جنگ با مسلمانان گفتی همانا خداوند سبحان این آمدن آنان را بیشتر از تو خوش ندارد و او بر تغییر آنچه نمی پسندد تواناتر است، و اما آنچه در باره شمار آنان گفتی بدان که ما در گذشته با شمار فراوان نمی جنگیدیم، بلکه تنها با یاری خدا و کمک او می جنگیدیم.

ص:۱۱۱

(۶۵)

۱ - وسائل الشیعه: عَن أَبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام - فی حَدِیثٍ - قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : سِتُّ خِصالٍ مَنْ کُنَّ فِیهِ کـانَ بَیْنَ یَدَیِ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَنْ یَمِینِ اللّهِ. فَقـالَ لَهُ ابْنُ أَبِی یَعْفُور: وَمـا هُنَّ جُعِلْتُ فِداکَ؟ قالَ: یُحِبُّ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ لِأَخِیهِ ما یُحِبُّ لِأَعَزِّ أَهْلِهِ، وَیَکْرَهُ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ لِأَخِیهِ مـا یَکْرَهُ لِأَعَزِّ أَهْلِهِ، وَیُناصِحُهُ الْوَلایَهَ - إلی أَنْ قالَ: - إذا کانَ مِنْهُ بِتِلْکَ الْمَنْزِلَهِ بَثَّهُ هَمَّهُ، فَفَرِحَ لِفَرَحِهِ إنْ هُوَ فَرِحَ، وَحَزِنَ لِحُزْنِهِ إنْ هُوَ حَزِنَ، وَإنْ کـانَ عِنْدَهُ ما یُفَرِّجُ عَنْهُ فَرَّجَ عَنْهُ، وَإلّا دَعا لَهُ - إلی أَنْ قالَ: - قالَ رَسُولُ اللّهِ صـلی الله علیه و آله و سلم : إنَّ للّهِ خَلْقاً عَنْ یَمِینِ العَرْشِ بَیْنَ یَدَیِ اللّهِ وُجُوهُهُمْ أَبْیَضُ مِنَ الثَّلْجِ، وَأَضْوَءُ مِنَ الشَّمْسِ الضّاحِیَهِ، یَسْأَلُ السّائِلُ ما هؤُلاءِ؟ فَیُقالُ: هؤُلاءِ الَّذِینَ تَحابُّوا فی جَلالِ اللّهِ (۱).

امام صادق علیه السـلام می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شش ویژ گی است که در هر کس باشد در پیشگاه خداونـد عز و جـل و در طرف راست او خواهـد بود. ابن ابی یعفور از آن بزرگوار پرسـید: فـدایت شوم آنهـا چیست؟: فرمود: اینکـه انسـان مسـلمان دوست بـدارد برای برادرش آنچه را برای عزیزترین کسـانش دوست می دارد؛ و انسـان مسـلمان خـوش نداشـته باشـد برای برادرش آنچه را برای عزیزترین نزدیکانش خوش نـدارد، و دوستیش با او راست و خالصانه باشد - تا آنجا که فرمود: - اگر نسبت به او چنین باشـد اهتمامش وی را برانگیزد بگونه ای که اگر او شاد باشد انسان برای شادی او شاد می شود، و اگر غمزده باشـد برای غمش اندوه می خورد، و اگر بتواند گره از مشـکل او می گشاید و گر نه برایش دعا می کند - تا آنجا که فرمود: -

---

۱- (۱) . وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۴، ح ۱۶۰۹۳؛ کافی، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۹..

پیامبر خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: خداونـد در پیشـگاه خود در طرف راست عرش آفریـدگانی دارد که صورتشان سفیـدتر از برف و نورانی تر از خورشـید نیمروز است؛ کسـی می پرسـد: اینـان چه کسانی هسـتند؟ به او پاسـخ می دهنـد اینان کسانی هستند که در پرتو جلال و عظمت خدا به یکدیگر مهر می ورزیدند.

(۶۶) ۲- دعـائم الإسـلام: عَنْ رَسُولِ اللّهِ صـلی الله علیه و آله و سـلم أَنَّهُ قالَ: تَصافَحُوا وَتَهادُوا؛ فَإِنَّ المُصافَحَهَ تَزِیـدُ فی المَوَدَّهِ، وَالهَدِیَّهُ تُذْهِبُ الغِلَّ (۱).

پیامبر خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: با یکـدیگر دست دهید؛ و به همدیگر هدیه دهید، که دست دادن بر دوستی می افزاید؛ و هدیه کینه را از میان می برد.

(۶۷) ۳- دعائم الإسـلام: وَعَنْهُ صـلی الله علیه و آله و سلم أَنَّهُ قالَ: یا أَهْلَ القَرابَهِ! تَزاوَرُوا وَلا تَتَحاوَرُوا وَتَهادُوا؛ فَإِنَّ الزِّیارَهَ تَزِیدُ فی المَوَدَّهِ، وَالمُحاوَرَهَ تُحْدِثُ القَطِیعَهَ، وَالهَدِیَّهَ تُزِیلُ الشَّحْناءَ (۲).

پیامبر خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: ای خویشاونـدان! از همـدیگر دیـدن کنیـد و با هم بحث و بگو مگو نکنید، و به یکدیگر هدیه دهید که دیدنی بر دوستی می افزاید؛ و بحث و جدل سبب قطع پیوند می گردد؛ و هدیه کینه را می زداید.

(۶۸) ۴- کنز العمـال: عَنْ هشـام بن عروه، عن النبیّ صـلی الله علیه و آله : رَحِمَ اللّهُ مَنْ کَفَّ لِسانَهُ عَنْ أَهْلِ القِبْلَهِ إلّا بِأَحْسَنِ ما یَقْدِرُ عَلَیْهِ (۳).

از هشام بن عروه نقل شده که پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: خداوند رحمت کند کسی را که در باره اهل قبله، جز به نیکوترین سخن که قادر است کلامی نگوید.

(۶۹) ۵- مسند الشهاب: عن جابر قال: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : المُؤْمِنُ إلْفٌ مَأْلُوفٌ؛ وَلا خَیْرَ فی مَنْ لا یَأْلَفُ؛ وَخَیْرُ النّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنّاسِ. المُؤْمِنُ مَنْ أَمَّنَهُ النّاسُ عَلی أمْوالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ (۴).

جابر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مؤمن الفت گیر و الفت پذیر است و کسی که انس

۱- (۱) . دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۱۲۳۲..

۲- (۲) . همان، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۱۲۳۳..

۳- (۳) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۱۰۷۹..

۴- (۴) . مسند الشهاب، ج ۱، ص ۱۰۸..

نمی گیرد خیری در او نیست. خوب ترین مردم آن کس است که برای مردم سودمندتر باشد.

مؤمن کسی است که مردم او را بر مال و جانشان امین بدانند.

(۷۰)

۶ – تحف العقول: قالَ أميرالمؤمنين عليه السلام : طُوبیٰ لِمَنْ يَأْلَفُ النّاسَ وَيَأْلَفُونَهُ عَلیٰ طاعَهِ اللّهِ (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خوشا به حال کسی که او بر پایه اطاعت از خدا با مردم، و مردم با او انس می گیرند.

(۷۱)

۷ – امالی طوسی: عن عليّ بنِ أبی طالبٍ عليه السلام قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله عليه و آله يَقُولُ: الْمُؤْمِنُ غِرٌّ كَرِيمٌ، وَالفاجِرِ خَبٌّ لَئِيمٌ؛ وَخَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كانَ مَأْلَفَهً لِلْمُؤْمِنِينَ، وَلا خَيْرَ فِيمَنْ لا يَأْلَفُ وَلا يُؤلَفُ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود: مؤمن ساده دل و بزرگوار است و گنهکار فریبکار و پست است؛ بهترین مؤمنان کسی است که جایگاه الفت و انس مؤمنان باشد، و کسی که انس نمی گیرد و انس نمی پذیرد خیری ندارد.

(۷۲)

۸ – نهج البلاغه: قال أميرالمؤمنين عليه السلام : قُلُوبُ الرِّجالِ وَحْشِيَّهٌ، فَمَنْ تَأَلَّفَها أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: دلهای مردان گریزان و فراری است، هر کس با آنها الفت گیرد و از آنها دلجویی کند به او رو می آورند.

(۷۳)

۹ – کافی: عَن شُعيب العَقرقوفی قالَ سمعتُ أبا عبدِ اللّهِ عليه السلام يَقولُ لِأصحابِهِ: اتَّقُوا اللّهَ وَكُونُوا إخْوَهً بَرَرَهً، مُتَحابِّينَ فی اللّهِ، مُتَواصِلِينَ، مُتَراحِمِينَ، تَزاوَرُوا وَتَلاقُوا وَتَذاكَرُوا أمْرَنا وَأَحْيُوهُ (۴).

شعیب عقرقوفی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام به یاران خویش می فرمود: از خدا پروا کنید و برادرانی نیکوکار باشید، برای خدا با همدیگر دوستی کنید، و با هم پیوند داشته باشید، و با یکدیگر مهربان باشید، به دیدن همدیگر بروید و در ملاقات با هم در باره امر ما گفتگو کنید و آن را زنده نگه دارید.

۱- (۱) . تحف العقول، ص ۲۱۷..

۲- (۲) . امالی طوسی، ص ۴۶۲، ح ۱۰۳۰..

۳- (۳) . نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۴..

۴- (۴) . کافی، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۱..

(۷۴) ۱۰- کافی: عن أبی عبدِ اللّهِ علیه السلام قال: تَواصَلُوا وَتَبارُّوا وَتَراحَمُوا، وَكُونُوا إخْوَةً بَرَرَةً كَما أَمَرَكُمُ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: با هم پیوند داشته باشید و به یکدیگر خوبی کنید، و با هم مهربان باشید، و همانگونه که خداوند عزوجل به شما فرمان داده؛ برادرانی نیکوکار باشید.

(۷۵) ۱۱- کافی: عبدُ اللّهِ بن یحیی الکاهلی قال: سَمِعْتُ أبا عَبدِ اللّهِ علیه السلام یَقُولُ: تَواصَلُوا وَتَبارُّوا وَتَراحَمُوا وَتَعاطَفُوا (۲).

عبد اللّه بن یحیی کاهلی گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: با هم پیوند داشته باشید، و به هم خوبی کنید، و به یکدیگر رحم کنید، و با همدیگر مهربان باشید.

(۷۶) ۱۲- وسائل الشیعه: عن أبی المأمونِ الحارثی قال: قُلْتُ لِأَبی عَبْدِ اللّهِ علیه السلام : ما حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَی الْمُؤْمِنِ؟ قالَ: إنَّ مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَی الْمُؤْمِنِ المَوَدَّةَ لَهُ فی صَدْرِهِ، وَالْمُواساةَ لَهُ فی مالِهِ، وَالخَلَفَ لَهُ فی أَهْلِهِ، وَالنُّصْرَةَ لَهُ عَلی مَنْ ظَلَمَهُ؛ وَإنْ كانَ نافِلَةٌ فی الْمُسْلِمینَ وكانَ غائِباً أَخَذَ لَهُ بِنَصیبِهِ؛ وَإذا ماتَ الزِّیارَةَ لَهُ إلی قَبْرِهِ، وَأَنْ لا یَظْلِمَهُ، وَأَنْ لا یَغُشَّهُ، وَأَنْ لا یَخُونَهُ، وَأَنْ لا یَخْذُلَهُ، وَأَنْ لا یَكْذِبَهُ، وَأَنْ لا یَقُولَ لَهُ: أُفٍّ. وَإذا قالَ لَهُ: أُفٍّ، فَلَیْسَ بَیْنَهُما وَلایَةٌ؛ وَإذا قالَ لَهُ: أَنْتَ عَدُوّی، فَقَدْ كَفَرَ أَحَدُهُما؛ وَإذَا اتَّهَمَهُ انْماثَ الإیمانُ فی قَلْبِهِ كَما یَنْماثُ المِلْحُ فی الماءِ (۳).

ابو المأمون حارثی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: حق مؤمن بر مؤمن چیست؟ فرمود:

همانا حق مؤمن بر مؤمن این است که او را قلباً دوست بدارد، و مالش را در اختیار او قرار دهد، و در غیابش سرپرست خانواده اش باشد، و در برابر کسی که به او ستم می کند او را یاری دهد، و اگر به مسلمانان عطایی داده می شود و او حاضر نیست سهم او را برایش بگیرد، و پس از مردنش برای زیارت او به کنار قبرش برود، و به او ستم نکند، و او را فریب ندهد، و به او خیانت نکند، و او را بی یار و یاور نگذارد، و به او دروغ نگوید، و به او افّ نگوید، و اگر به او

۱- (۱) . کافی، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۲..

۲- (۲) . همان، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۳..

۳- (۳) . وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۷، ح ۱۶۱۰۰؛ کافی، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۷..

اف گویـد میـان آن دو دوستی نیست، و اگر بگویـد: تو دشـمن من هستی یکی از آن دو ناسپاسـی کرده است، و هر گاه به او نسبت ناروا دهد ایمان از دل او زایل می شود همانگونه که نمک در آب ناپدید می شود.

(۷۷)

۱۳ - کافی: عن أبی عبدِ اللّهِ علیه السلام قالَ: یَحِقُّ عَلَی المُسْلِمینَ الِاجْتِهادُ فی التَّواصُلِ، وَالتَّعاوُنِ عَلَی التَّعاطُفِ، وَالمُؤاساهُ لِأهْلِ الحـاجَهِ، وَتَعـاطُفُ بَعْضِهِمْ عَلیٰ بَعْضٍ، حَتّیٰ تَکُونُوا کَمـا أمَرَکُمُ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «رُحَماءُ بَیْنَهُم» (۱) مُتَراحِمِینَ، مُغْتَمِّینَ لِمـا غابَ عَنْکُمْ مِنْ أمْرِهِمْ، عَلیٰ ما مَضیٰ عَلَیْهِ مَعْشَرُ الأنْصارِ عَلیٰ عَهْدِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله (۲).

امـام صـادق علیه السـلام فرمود: بر مسـلمانان لازم است که برای ارتبـاط با یکـدیگر تلاش کننـد، و همـدیگر را در عطوفت و رسیدگی به هم مدد رسانند، و نیازمندان را در آنچه دارند سهیم سازند، و با هم به عطوفت رفتار کنند تا همانگونه که خداوند عز و جل فرموده «با هم مهرباننـد» با هم مهربان باشـید، و از بی خبری از وضع نیازمنـدان انـدوهگین شویـد؛ هماننـد روشـی که جماعت انصار در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشتند.

(۷۸)

۱۴ - الخصال: عن مُـدْرِکِ بنِ الْهَزْهازِ قالَ: قالَ أبو عَبْدِ اللّهِ علیه السـلام : یا مدرکُ، رَحِمَ اللّهُ عَبْداً اجْتَرَّ مَوَدَّهَ النّاسِ إلیٰ نَفْسِهِ، فَحَدَّثَهُمْ بِما یَعْرِفُونَ، وَتَرَکَ ما یُنْکِرُونَ (۳).

مـدرک گویـد: امام صادق علیه السـلام فرمود: ای مـدرک! خدا رحمت کند کسـی را که دوستی مردم را به سوی خود جلب کند؛ که آنچه را که درست و خوب می دانند برایشان بگوید و آنچه را ناروا می دانند وا نهد.

(۷۹)

۱۵ - مشـکاه الأنوار: عن معاویهَ بنِ وهبٍ قالَ: قُلْتُ لِأبی عَبْـدِ اللّهِ علیه السـلام : کَیْفَ نَصْـنَعُ فِیما بَیْنَنا وَبَیْنَ قَوْمِنا وَفِیما بَیْنَنا وَبَیْنَ خُلَطائِنا مِمَّنْ لَیْسَ هُوَ عَلیٰ إثْرِنا؟

قالَ: تَنْظُرُونَ أَئِمَّتَکُمْ الَّذِینَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ، فَتَصْنَعُونَ کَمِثْلِ ما یَصْنَعُونَ. فَوَاللّهِ إنَّهُمْ لَیَعُودُونَ

۱- (۱) . فتح: ۲۹..

۲- (۲) . کافی، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۴..

۳- (۳) . خصال، ص ۲۵، ح ۸۹ ..

مَرْضاهُمْ، وَيَشْهَدُونَ جَنائِزَهُمْ، وَيُقِيمُونَ الشَّهادَهَ لَهُمْ وَعَلَيْهِم، وَيُؤَدُّونَ الأمانَهَ إلَيْهِمْ (۱).

معاویه بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: با خویشاوندان و همکارانمان - معاشرانمان - که راه و روش ما را ندارند - شیعه نیستند - چگونه رفتار کنیم؟

فرمود: به امامان خویش که پیروشان هستید بنگرید، و همانند آنان رفتار کنید. به خدا سوگند آنان به دیدن بیمارانشان می روند، و بر جنازه هایشان حاضر می شوند، و به نفع و ضررشان گواهی می دهند، و امانت را به آنان بر می گردانند.

(۸۰) ۱۶- مشکاه الأنوار: عنِ الکاظم، عن أبیهِ، عن جَدِّهِ علیهم السلام قالَ: إنَّ عَلِیَّ بْنَ الحُسَیْنِ علیهما السلام أخَذَ بِیَدَیْ جَدّی، ثُمَّ قالَ: یا بُنَیَّ، افْعَلِ الخَیْرَ إلی کُلِّ مَنْ طَلَبَهُ مِنْکَ، فَإنْ کانَ أهْلَهُ فَقَدْ أصَبْتَ مَوْضِعَهُ، وَإنْ لَمْ یَکُنْ بِمَوْضِعٍ کُنْتَ أهْلَهُ، وَإنْ شَتَمَکَ رَجُلٌ عَنْ یَمِینِکَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إلی یسارِکَ فَاعْتَذَرَ إلَیْکَ فَاقْبَلْ مِنْهُ (۲).

امام کاظم علیه السلام از پدرش و او از جدش روایت می کند که فرمود: علی بن الحسین علیهما السلام دو دست جدم را گرفت و گفت پسرم! به هر کس که از تو خوبی می خواهد خوبی کن، که اگر سزاوار آن باشد بجا خوبی کرده ای و اگر بجا نباشد تو شایستهٔ آنی. اگر کسی در سمت راستت به تو ناسزا گفت سپس به سمت چپت رفت و پوزش خواست، از او بپذیر.

(۸۱) ۱۷- تحف العقول: قال الحسن بن علیّ العسکری علیهما السلام لِشیعَتِهِ: أُوصِیکُمْ بِتَقْوَی اللّهِ، وَالوَرَعِ فی دِینِکُمْ، وَالِاجْتِهادِ لِلّهِ، وَصِدْقِ الحَدِیثِ، وَأداءِ الأمانَهِ إلی مَنِ ائْتَمَنَکُمْ مِنْ بَرٍّ أوْ فاجِرٍ، وَطُولِ السُّجُودِ، وَحُسْنِ الجِوارِ، فَبِهذا جاءَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله . صَلُّوا فی عَشائِرِهِمْ، وَاشْهَدُوا جَنائِزَهُمْ، وَعُودُوا مَرْضاهُمْ، وَأدُّوا حُقُوقَهُمْ، فَإنَّ الرَّجُلَ مِنْکُمْ إذا وَرَعَ فی دِینِهِ، وَصَدَقَ فی حَدِیثِهِ، وَأدَّی الأمانَهَ، وَحَسُنَ خُلْقُهُ مَعَ النّاسِ قِیلَ: هذا شِیعِیٌّ فَیَسُرُّنی ذلِکَ. اتَّقُوا اللّهَ وَکُونُوا زَیْناً وَلا تَکُونُوا شَیْناً، جُرُّوا إلَیْنا کُلَّ مَوَدَّهٍ وَادْفَعُوا عَنّا کُلَّ قَبِیحٍ، فَإنَّهُ ما قِیلَ فِینا مِنْ حُسْنٍ فَنَحْنُ أهْلُهُ، وَما قِیلَ فِینا مِنْ سُوءٍ فَما نَحْنُ کَذلِکَ. لَنا حَقٌّ فی کِتابِ اللّهِ، وَقَرابَهٌ مِنْ رَسُولِ اللّهِ، وَتَطْهِیرٌ مِنَ

۱- (۱) . مشکاه الأنوار، ص ۱۳۴، ح ۳۰۷..

۲- (۲) . همان، ص ۱۳۷، ح ۳۱۵؛ کافی، ج ۸، ص ۱۵۲، ح ۱۴۱ .

اللّهِ لا یَدَّعِیهِ أَحَدٌ غَیْرُنا إلّاکَذّابٌ. أَکْثِرُوا ذِکْرَ اللّهِ، وَذِکْرَ المَوْتِ، وَتِلاوَهَ القُرْآنِ، وَالصَّلاهَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله ، فَإنَّ الصَّلاهَ عَلی رَسُولِ اللّهِ عَشْرُ حَسَناتٍ. احْفَظُوا ما وَصَّیْتُکُمْ بِهِ، وَأسْتَوْدِعُکُمُ اللّهَ، وَأَقْرَأُ عَلَیْکُمُ السَّلامَ (1).

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به شیعیان فرمود: شما را سفارش می کنم به پروای از خداوند عز و جل، و ورع در دینتان، و سخت کوشی در بندگی خداوند، و راستگویی، و برگرداندن امانت به امانت گذار، چه نیکوکار باشد چه بدکار، و سجدهٔ طولانی و خوشرفتاری با همسایه که اینها را محمد صلی الله علیه و آله و سلم آورده است. با جماعت آنان نماز گزارید، و در مراسم مردگانشان حاضر شوید، و به دیدن بیمارانشان بروید، و حقوق آنان را ادا نمائید. زیرا هر گاه فردی از شما در دین خود پروا کند، و راست بگوید، و امانت را برگرداند، و با مردم خوشرفتار باشد می گویند: این شیعه است؛ و این مرا شاد می سازد. از خدا پروا کنید، و - برای ما - زینت باشید و نه ننگ و عار. همه محبت ها را به سوی ما بکشید؛ و نگذارید هیچ ناروایی را به ما نسبت دهند، که به راستی هر چه از خوبی ما گفته شود، - بجا است و - ما شایسته آنیم، و هر بدی به ما نسبت داده شود - نادرست است و - ما چنین نیستیم. در کتاب خدا ما صاحب حقیم، و خویشاوند پیامبر خداییم، و خداوند ما را پاک کرده است، و غیر ما کسی به جز دروغگو ادعای آن را ندارد. زیاد به یاد خدا و به یاد مرگ باشید، و بسیار قرآن بخوانید، و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فراوان درود فرستید که درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ده حسنه است. چیزهایی را که به شما سفارش کردم پاس دارید؛ شما را به خدا می سپارم و بر شما درود می فرستم.

۱- (۱) . تحف العقول، ص ۴۸۷..

(۸۲)

۱ - امالی طوسی: عَن علیّ بن أبی طالب علیه السلام قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: شِرارُ النّاسِ مَنْ یُبْغِضُ المُؤْمِنِینَ وَتُبْغِضُهُ قُلُوبُهُمْ، المَشّاؤنَ بِالنَّمِیمَهِ، المُفَرِّقُونَ بَیْنَ الأَحِبَّهِ، الباغُونَ لِلبُرآءِ الْعَنَتَ؛ أُولئِکَ لا یَنْظُرُ اللّهُ إلَیْهِمْ وَلا یُزَکِّیهِمْ یَوْمَ القِیامَهِ، ثُمَّ تَلا علیه السلام «هُوَ الَّذِی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَبِالمُؤْمِنِینَ * وَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ» (۱). (۲)

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: بدترین مردم آنانند که با مؤمنان دشمنی می کنند و کینه آنان را به دل می گیرند، خبر چینی می کنند، میان دوستان تفرقه می اندازند، و (با عیبجویی) در پی آزرده کردن آنانند که عیبی بر آنان نیست. خداوند در روز قیامت به آنان نظر نمی کند و آنان را پاک نمی گرداند، سپس تلاوت فرمود: «او است که با یاریش و به وسیلهٔ مومنان تو را کمک کرد و میان آنان دلبستگی پدید آورد».

(۸۳)

۲ - بحار الأنوار: قال النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله : لا تَباغَضُوا وَلا تَحاسَدُوا وَلا تَدابَرُوا وَلا تَقاطَعُوا؛ وَکُونُوا - عِبادَ اللّهِ - إخْواناً .(۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: با همدیگر دشمنی نکنید، و به هم حسد نورزید، و به یکدیگر پشت نکنید، و پیوندتان را با هم نگسلید؛ و ای بندگان خدا با یکدیگر برادر باشید.

۱- (۱) . انفال: ۶۲ و ۶۳..

۲- (۲) . امالی طوسی، ص ۴۶۲، ح ۱۰۳۰..

۳- (۳) . بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۸؛القواعد والفوائد، ج ۲ ص ۱۶۰، قاعدة ۲۰۹..

(۸۴) ۳- مستدرک الوسائل: قالَ صلی الله علیه و آله : عَلَيْكُمْ بِالتَّواصُلِ وَالتَّباذُلِ، وَإِيّاكُمْ وَالتَّقاطُعَ وَالتَّحاسُدَ وَالتَّدابُرَ، وَكُونُوا - عِبادَاللّهِ - إخْواناً؛ فَإنَّ المُؤْمِنَ أخُو المُؤْمِنِ، لا يَخُونُهُ، وَلا يَخْذُلُهُ، وَلا يَحْقِرُهُ، وَلا يَقْبَلُ عَلَيْهِ قَوْلَ مُخالِفٍ لَهُ (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بر شما است که با هم ارتباط و به یکدیگر بخشش داشته باشید؛ و از بریدن از هم، و حسد ورزیدن به هم، و پشت کردن به یکدیگر بپرهیزید؛ ای بندگان خدا با هم برادر باشید که مؤمن برادر مؤمن است، به او خیانت نمی کند، و او را بی کس و تنها رها نمی سازد، و او را کوچک و خوار نمی کند، و سخن مخالفش را که به ضرر او است نمی پذیرد.

(۸۵) ۴- مسند احمد: عن أبی هريرةَ عنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم أنَّهُ قالَ: لا تَقاطَعُوا وَلا تَباغَضُوا وَلا تَحاسَدُوا وَلا تَدابَرُوا؛ وَكُونُوا إخْواناً كَما أمَرَكُمُ اللّهُ (۲).

ابو هریره گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پیوندتان را نگسلید، و با همدیگر دشمنی نکنید، و به هم حسد نورزید، و به یکدیگر پشت نکنید؛ و همانگونه که خدا به شما فرمان داده با یکدیگر برادر باشید.

(۸۶) ۵- مسند احمد: حدَّثَنا إسماعيلُ بْنُ عُمَرَ وَأبو نُعيم قالا حدَّثَنا... عن أبی هريرةَ أنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قالَ: لا تَناجَشُوا وَلا تَباغَضُوا وَلا تَدابَرُوا وَلا تَحاسَدُوا، وَلا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلى بَيْعِ بَعْضٍ، وَكُونُوا - عِبادَ اللّهِ - إخْواناً. المُسْلِمُ أخُو المُسْلِمِ لا يَظْلِمُهُ وَلا يَحْقِرُهُ وَلا يَخْذُلُهُ. كُلُّ المُسْلِمِ عَلَى المُسْلِمِ حَرامٌ دَمُهُ. - قالَ إسماعيلُ فی حديثِهِ: - وَمالُهُ وَعِرْضُهُ. التَّقْوى هاهُنا، التَّقْوى هاهُنا - يُشِيرُ إلى صَدْرِهِ ثَلاثاً - . حَسْبُ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أنْ يَحْقِرَ أخاهُ المُسْلِمَ (۳).

اسماعیل بن عمر و ابو نعیم از... از ابوهریره نقل کرده اند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در داد و ستد، با رقابت با یکدیگر، قیمت را بالا نبرید، و با هم دشمن نشوید، و به یکدیگر پشت نکنید، و به یکدیگر حسد نورزید، و روی معاملهٔ برادر خود معامله نکنید. و ای بندگان خدا! با یکدیگر برادر باشید. مسلمان برادر مسلمان است؛ به او ستم نمی کند، و او را کوچک و

۱- (۱) . مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۹، ح ۱۰۱۶۸؛ به نقل از کتاب الأخلاق..

۲- (۲) . مسند احمد، ج ۲، ص ۴۸۰..

۳- (۳) . همان، ج ۲، ص ۳۶۰..

خوار نمی کند، و او را تنها و بی کس رها نمی سازد. هر مسلمانی خونش بر مسلمان حرام است. اسماعیل در حدیث خود گوید - پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمود - و مال و آبرویش؛ و با سه بار اشاره به سینهٔ خود فرمود: تقوا این جاست تقوا این جاست؛ برای بدی یک انسان همین بس که برادر مسلمانش را خوار کند.

(۸۷)

۶ - مجمع الزوائد: عَنِ النعمانِ بنِ بشیرٍ قالَ: قالَ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَلیٰ هٰذِهِ الأعْوادِ أَوْ عَلیٰ هٰذَا المِنْبَرِ: مَنْ لَمْ یَشْکُرِ القَلِیْلَ لَمْ یَشْکُرِ الکَثِیرَ، وَمَنْ لَمْ یَشْکُرِ النّاسَ لَمْ یَشْکُرِ اللّهَ عَزَّ وَجَلَّ.

وَالتَّحَدُّثُ بِنِعْمَهِ اللّهِ شُکْرٌ، وَتَرْکُها کُفْرٌ. وَالجَماعَهُ رَحْمَهٌ، وَالفُرْقَهُ عَذابٌ (۱).

نعمان بن بشیر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر روی این چوبها یا بر این منبر فرمود: آن کس که برای کم سپاسگزار نباشد برای زیاد هم سپاس نخواهد گزارد؛ و کسی که از مردم شکرگزاری نکند از خداوند عز و جل نیز شکرگزاری نخواهد کرد. بیان نعمت خداوند سپاسگزاری، و نگفتن آن ناسپاسی است. و با جمع و گروه بودن رحمت، و جدایی از همدیگر عذاب است.

(۸۸)

۷ - کتاب السنه: عن عُمَرَ أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله و سلم قالَ: عَلَیْکُمْ بِالجَماعَهِ وَإِیّاکُمْ وَالفُرْقَهَ، فَإِنَّ الشَّیطانَ مَعَ الواحِدِ، وَهُوَ مِنَ الإثْنَیْنِ أَبْعَدُ. وَمَنْ أرادَ بَحْبَحَهَ الجَنَّهِ فَعَلَیْهِ بِالجَماعَهِ (۲).

عمر گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: باید با جماعت باشید و مبادا از جمع جدا شوید، که شیطان با یک نفر است و از دو تا دورتر است. و هر کس وسط بهشت را می خواهد باید با جماعت باشد.

(۸۹)

۸ - السنن الکبری: عن عَبدِ اللّهِ بنِ عُمَر قالَ: خَطَبَنا عُمَرُ بِالجابِیهِ، فَقالَ: إِنِّی قُمْتُ فِیکُمْ کَمَقامِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فِینا فَقالَ: أُوصِیْکُمْ بِأَصْحابِی ثُمَّ الَّذِینَ یَلُونَهُمْ، ثُمَّ یَفْشُو الکَذِبُ حَتّیٰ یَحْلِفَ الرَّجُلُ وَلا یُسْتَحْلَفُ، وَحَتّیٰ یَشْهَدَ وَلا یُسْتَشْهَدُ. عَلَیْکُمْ بِالجَماعَهِ، وَإِیّاکُمْ وَالفُرْقَهَ؛ فَإِنَّ الشَّیْطانَ مَعَ الواحِدِ وَهُوَ مِنَ الإثْنَیْنِ أَبْعَدُ. لا یَخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَهٍ - ثَلاثَ مِرارٍ - إلّا

۱- (۱) . مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۱۷..

۲- (۲) . کتاب السنه، ص ۴۲، ح ۸۸ ..

كانَ ثالِثَهُما شَيْطانٌ. مَنْ أرادَ بُحْبُوحَهَ الجَنَّهِ فَلْيَلْزَمِ الجماعَهَ. مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَساءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَذٰلِكَ المُؤمِنُ (۱).

عبد اللّٰه بن عمر گويد: عمر براى ما در جابيه سخنرانى كرد، و گفت: من در ميان شما ايستاده ام همانگونه كه پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم در ميان ما ايستاد، و فرمود: در باره يارانم و بعد كسانى كه در پى آنان مى آيند به شما سفارش مى كنم، پس از آن دروغ رواج مى يابد به آنگونه كه شخص قسم مى خورد بى آنكه از او بخواهند، و گواهى مى دهد بى آنكه از او گواهى بخواهند. شما بايد با جماعت باشيد و از جدايى بپرهيزيد، كه شيطان به همراه يك نفر است، و از دو نفر دورتر است. هر گز مرد و زنى با يكديگر خلوت نمى كنند - اين را سه بار فرمود - مگر آنكه سومين آنان شيطان است. هر كس وسط بهشت را مى خواهد بايد با جماعت باشد. هر كس از كار خوب خود شاد و از كار بد خويش ناراحت شود همو مؤمن است.

(۹۰) ۹- المعجم الكبير: رسول اللّٰه صلى الله عليه و آله : يا هؤُلاء أَبِهٰذا بُعِثْتُم أَمْ بِهٰذا أُمِرْتُمْ؟! لا تَرْجِعُوا بَعْدِى كُفّاراً يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقابَ بَعْضٍ (۲).

پيامبر اعظم صلى الله عليه و آله و سلم به كسانى كه در مورد بعضى آيات قرآن بگو مگو داشتند، فرمود: آيا به اين امر بر انگيخته شده ايد يا به آن فرمان يافته ايد؟! هان آگاه باشيد! پس از من باز كافر نشويد كه گردن يكديگر را بزنيد!

(۹۱) ۱۰- نهج البلاغه: إنَّ الشَّيطانَ يُسَنِّى لَكُمْ طُرُقَهُ، وَيُرِيدُ أنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَهً عُقْدَهً، وَيُعْطِيَكُمْ بِالجَماعَهِ الفُرْقَهَ. فَاصْدِفُوا عَنْ نَزَغاتِهِ وَنَفَثاتِهِ. وَاقْبَلُوا النَّصِيحَهَ مِمَّنْ أهْداها إلَيْكُمْ، وَاعْقِلُوها عَلىٰ أَنْفُسِكُمْ (۳).

امير مؤمنان عليه السلام فرمود: همانا شيطان راه هاى خود (راه هاى انحراف) را بر شما هموار مى كند، و مى خواهد گره هاى محكم دين شما را يكى پس از ديگرى بگشايد، و به جاى پيوستگى شما را پراكنده سازد. پس، از وسوسه ها و دمدمه هاى افسونگر او روى برتابيد، و نصيحت آن كس را كه خيرخواه شما است قبول كنيد، و آن را با جان و دل بپذيريد.

۱- (۱) . السنن الكبرى، ج ۵، ص ۳۸۸، ح ۹۲۲۵..

۲- (۲) . المعجم الكبير، ج ۶، ص ۳۷، ح ۵۴۴۲ ..

۳- (۳) . نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۵..

۱۱ – نهج البلاغه: ... وَاحْذَرُوا ما نَزَلَ بِالأُمَمِ قَبْلَكُمْ مِنَ المَثُلاتِ بِسُوءِ الأَفْعالِ وَذَمِيمِ الأَعْمالِ. فَتَذَكَّرُوا فی الخَيْرِ وَالشَّرِّ أَحْوالَهُمْ. وَاحْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا أمْثالَهُمْ. فَإِذا تَفَكَّرْتُمْ فی تَفاوُتِ حالَيْهِمْ فَالْزَمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ العِزَّهُ بِهِ شَأْنَهُمْ، وَزاحَتِ الأَعْداءُ لَهُ عَنْهُمْ، وَمُدَّتِ العافِيَهُ فِيهِ عَلَيْهِمْ، وَانْقادَتِ النِّعْمَهُ لَهُ مَعَهُمْ، وَوَصَلَتِ الكَرامَهُ عَلَيْهِ حَبْلَهُمْ، مِنَ الاِجْتِنابِ لِلْفُرْقَهِ، وَاللُّزُومِ لِلأُلْفَهِ، وَالتَّحاضِّ عَلَيْها وَالتَّواصِی بِها؛ وَاجْتَنِبُوا كُلَّ أَمْرٍ كَسَرَ فَقْرَتَهُمْ، وَأَوْهَنَ مُنَّتَهُمْ مِنْ تَضاغُنِ القُلُوبِ، وَتَشاحُنِ الصُّدُورِ، وَتَدابُرِ النُّفُوسِ، وَتَخاذُلِ الأَيْدِی (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: از کیفرهایی که بر اثر کردار بد و کارهای ناپسند بر امّتهای پیشین فرو آمد، خود را حفظ کنید. نیک و بد احوالشان را به یاد آورید، و مراقب باشید همانند آنان نشوید. آنگاه که با تأمّل در خوشبختی و بدبختی شان نگریستید، به کارهایی دل بندید که آنان را سربلند ساخت، و دشمنان را از سر راهشان برداشت، و زندگی بی گزند را برایشان ماندگار کرد، و برخورداری از نعمت و آسایش را برایشان فراهم نمود، و با بزرگواری چنان پیوندشان را استوار ساخت که از پراکندگی دوری گزیدند، و پایبند الفت شدند و یکدیگر را به آن ترغیب و سفارش کردند.

و از هر کاری که پشتشان را شکست و آنان را ناتوان ساخت، همچون کینه یکدیگر به دل گرفتن، با هم دشمنی کردن، از هم بریدن و دست از یاری یکدیگر کشیدن، بپرهیزید.

(۹۳) ۱۲ – نهج البلاغه: ... وَإِنَّما أَنْتُم إِخْوانٌ عَلی دِينِ اللّهِ، ما فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلّاخُبْثُ السَّرائِرِ، وَسُوءُ الضَّمائِرِ، فَلا تَوازَرُونَ وَلا تَناصَحُونَ، وَلا تَباذَلُونَ وَلا تَوادُّونَ... وَما يَمْنَعُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْتَقْبِلَ أخاهُ بِما يَخافُ مِنْ عَيْبِهِ إِلّامَخافَهَ أَنْ يَسْتَقْبِلَهُ بِمِثْلِهِ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: همانا شما برادران دینی هستید، چیزی جز پلیدی نهادها و بدی نیّتها شما را از هم جدانکرده است، نه یکدیگر را یاری می کنید و نه خیرخواه یکدیگرید و نه به همدیگر می بخشید و نه به هم مهر می ورزید... و چیزی شما را باز نمی دارد از آنکه عیب

ص:۱۲۵

۱– (۱) . نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۰..

۲– (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۲۲، خ ۱۱۳؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۲، خ ۱۱۳..

برادر - دینی - خود را که از آن می ترسد رو در رو به او بگویید مگر ترس از اینکه او هم چنین عیبی را - که در شماست - رو در رو به شما بگوید.

(۹۴) ۱۳- بحار الأنوار: عَن أميرالمؤمنين عليه السلام قالَ: لَوْ سَكَتَ الجاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النّاسُ (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: اگر نادان خاموش می ماند، مردم اختلاف و درگیری پیدا نمی کردند.

(۹۵) ۱۴- نهج البلاغه: أيُّهَا النّاسُ! شُقُّوا أَمْواجَ الفِتَنِ بِسُفُنِ النَّجاهِ؛ وَعَرِّجُوا عَنْ طَريقِ المُنافَرَهِ؛ وَضَعُوا عَنْ تيجانِ المُفاخَرَهِ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ای مردم امواج فتنه ها را با کشتی های نجات بشکافید؛ و از راه مخالفت و دشمنی با یکدگر بر گردید؛ و تاج فخر فروشی و برتری جویی بر یکدیگر را از سر فرو نهید.

(۹۶) ۱۵- نهج البلاغه: أَلا وَإِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطّاعَهِ، وَثَلَمْتُمْ حِصْنَ اللّهِ المَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأحْكام الجاهِلِيَّهِ، فَإِنَّ اللّهَ سُبْحانَهُ قَدِ امْتَنَّ عَلى جَماعَهِ هذِهِ الأُمَّهِ فِيما عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هذِهِ الأُلْفَهِ الَّتِی يَنْتَقِلُونَ فی ظِلِّها، وَيَأْوُونَ إلى كَنَفِها، بِنِعْمَهٍ لا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ المَخْلُوقِينَ لَها قِيمَهً، لِأَنَّها أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ، وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ. وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ صِرْتُمْ بَعْدَ الهِجْرَهِ أعْراباً، وَبَعْدَ المُوالاهِ أحْزاباً، ما تَتَعَلَّقُونَ مِنَ الإِسْلامِ إلّاباسْمِهِ، وَلا تَعْرِفُونَ مِنَ الإيمانِ إلّارَسْمَهُ، تَقُولُونَ: النّارُ وَلا العارُ؛ كَأَنَّكُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تُكْفِئُوا الإسْلامَ عَلى وَجْهِهِ، انْتِهاكاً لِحَرِيمِهِ، وَنَقْضاً لِمِيثاقِهِ الَّذِی وَضَعَهُ اللّهُ لَكُمْ حَرَماً فی أرْضِهِ، وَأَمْناً بَيْنَ خَلْقِهِ (۳).

هان! همانا شما سر از فرمانبری برتافتید و با زنده کردن ارزشهای جاهلیت، در دژی خدایی که پیرامونتان بود رخنه انداختید، همانا خداوند سبحان با ایجاد رشته الفت میان جمع این امت - که در سایه آن زندگی کنند و در آغوش آن بیارمند - نعمتی به آنان بخشید که هیچ

۱- (۱) . بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۸۱ ح ۷۵؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۱۳۹..

۲- (۲) . نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۰..

۳- (۳) . همان، ج ۲، ص ۱۵۴؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۱، خ ۱۹۲..

یک از آفریدگان ارزش آن را نداند، زیرا از هر بهایی برتر و از هر چیز گرانقدری والاتر است.

بدانید که پس از هجرت از جاهلیت به اسلام و ادب آموختن از شریعت، به خوی جاهلیت باز گشته اید؛ و پس از پیوند دوستی دسته دسته شده اید، به اسلام جز به اسم آن دل نبسته اید، و از ایمان جز آداب ظاهری آن را نمی شناسید. می گویید: به آتش می رویم و ننگ را نمی پذیریم، گویا می خواهید اسلام را واژگون کنید تا بتوانید پرده حریمش را بدرید، و پیمانی که خداوند آن را پناهگاه شما مسلمانان و سبب امنیت میان مردم قرار داده بشکنید.

(۹۷)

۱۶ - کافی: عن أبی الرَّبیع الشّامی قالَ: دَخَلْتُ عَلی أبِی عَبْدِ اللّهِ علیه السلام وَالبَیْتُ غاصٌّ بِأهْلِهِ، فِیهِ الخَراسانِیُّ وَالشّامِیُّ وَمِنَ أَهْلِ الآفاقِ، فَلَمْ أَجِدْ مَوْضِعاً أَقْعُدُ فِیهِ؛ فَجَلَسَ أبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام وَکانَ مُتَّکِئاً، ثُمَّ قالَ: یا شِیعَهَ آلِ مُحَمَّدٍ! اعْلَمُوا أَنَّهُ لَیْسَ مِنّا مَنْ لَمْ یَمْلِکْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ، وَمَنْ لَمْ یُحْسِنْ صُحْبَهَ مَنْ صَحِبَهُ، وَمُخالَقَهَ مَنْ خالَقَهُ، وَمُرافَقَهَ مَنْ رافَقَهُ، وَمُجاوَرَهَ مَنْ جاوَرَهُ، وَمُمالَحَهَ مَنْ مالَحَهُ. یا شِیعَهَ آلِ مُحَمَّدٍ! اتَّقُوا اللّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ! وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ (۱).

ابو الربیع شامی گوید: به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم اتاق پر از جمعیت بود، در میان آنها خراسانی، شامی و مردمان دیگر مناطق بودند. جایی نیافتم بنشینم. امام صادق علیه السلام که تکیه داده بود راست نشست و فرمود: ای شیعیان آل محمد! آگاه باشید از ما نیست آن کس که هنگام خشم بر خود مسلّط نباشد، و کسی که رفتار شایسته با همنشین خود نداشته باشد، و با کسی که با او خوش خلقی می کند خوش خلقی نکند، و با رفیق خود خوب رفاقت نکند، و با همسایه خود خوب همسایگی نکند، و حق همنمک خود را رعایت نکند. ای شیعه آل محمد! تا توان دارید از خدا پروا کنید! و جنبش و نیرویی جز از خداوند نیست.

(۹۸)

۱۷ - مشکاه الأنوار: عنْ علیِّ بنِ یقطین قالَ: قالَ أبُو الحَسَنِ مُوسی علیه السلام : مُرْ أصْحابَکَ أَنْ یَکُفُّوا مِنْ أَلْسِنَتِهِمْ، وَیَدَعُوا الخُصُومَهَ فی الدِّینِ، وَیَجْتَهِدُوا فی عِبادَهِ اللّهِ، وَإذا قامَ أَحَدُهُمْ فی صَلاهٍ فَرِیضَهٍ فَلْیُحْسِنْ صَلاتَهُ، وَلِیُتِمَّ رُکُوعَهُ وَسُجُودَهُ، وَلا یَشْغَلْ قَلْبَهُ شَیءٌ مِنْ أمُورِ الدُّنْیا؛ فَإنّی

۱- (۱) . کافی، ج ۲، ص ۶۳۷، ح ۲..

سَمِعْتُ أَبا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام یَقُولُ: إنَّ مَلَکَ المَوْتِ یَتَصَفَّحُ وُجُوهَ المُؤْمِنِینَ مِنْ عِنْدِ حُضُورِ الصَّلَواتِ المَفْرُوضاتِ (۱).

علی بن یقطین گوید: امام ابوالحسن موسی علیه السلام فرمود: به یاران خود فرمان ده که زبان خویش را نگاه دارند، و کشمکش در دین را رها کنند، و در عبادت خدا بکوشند. و هرگاه یکی از آنان به نماز واجبی پرداخت، باید نمازش را درست بجا آورد و رکوع و سجود آن را کامل کند، و در نماز دلش مشغول به کارهای دنیا نباشد که به راستی از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: همانا فرشته مرگ هنگامی که وقت نمازهای واجب می رسد با دقت به چهره های مؤمنان می نگرد.

۱- (۱) . مشکاه الأنوار، ص ۱۳۵..

آثار پر خیر و برکت اتحاد

(۹۹)

۱ - «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعاً وَلا تَفَرَّقُوا وَاذْکُرُوا نِعْمَهَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إذْ کُنْتُمْ أعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إخْواناً وَکُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَهٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ» (۱).

همگی به ریسمان خدا - قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت - چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا بر خود را به یاد آرید که شما را که در گذشته با هم دشمن بودید همدل ساخت، و به برکت نعمت او برادر شدید؛ و شما را که بر لب گودال آتش بودید از آن نجات داد. این چنین خداوند آیات خود را بر شما آشکار می سازد، شاید پذیرای هدایت شوید.

(۱۰۰)

۲ - دعائم الإسلام: عن علیّ بنِ الحسَینِ علیهما السلام أَنَّهُ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : إذا کانَ یَوْمُ القِیامَهِ... ثُمَّ یُنادِی مُنادٍ: لِیَقُمْ جِیرانُ اللّهِ فی دارِ السَّلام. فَیَقُومُ فِئامٌ مِنَ النّاسِ، فَتَسْتَقْبِلُهُمُ المَلائِکَهُ یُبَشِّرُونَهُمْ بِالجَنَّهِ، وَیَقُولُونَ: ما فَضْلُکُمْ هذَا الَّذی جاوَرْتُمْ بِهِ اللّهَ فی دارِ السَّلامِ؟ فَیَقُولُونَ: کُنّا نَتَحابُّ فی اللّهِ، وَنَتَزاوَرُ فی اللّهِ، وَنَتَواصَلُ فی اللّهِ، وَنَتَباذَلُ فی اللّهِ. فَیُقالُ لَهُمْ:

ادْخُلُوا الجَنَّهَ؛ فَأَنْتُمْ جِیرانُ اللّهِ فی دارِ السَّلام (۲).

امام سجاد علیه السلام فرمود: که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: روز قیامت... سپس منادی ندا می کند:

آنانکه در دارالسلام در جوار خدایند برخیزند. پس گروهی از مردم بر می خیزند، فرشتگان به

۱- (۱) . آل عمران: ۱۰۳..

۲- (۲) . دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۲۵، ح ۱۲۲۶..

استقبال آنان می روند و آنان را به بهشت مژده می دهند؛ و می پرسند: چه امتیازی داشتید که به سبب آن در دارالسلام در جوار خدا قرار گرفتید؟ در جواب می گویند: ما برای خدا با هم دوستی می کردیم؛ و برای خدا به دیدن یکدیگر می رفتیم؛ و برای خدا با همدیگر پیوند داشتیم؛ و برای خدا به یکدیگر می بخشیدیم. پس به آنان گفته می شود: به بهشت در آیید، که شما در جوار خدا در دارالسلام هستید.

(۱۰۱) ۳- الاستذکار: عن أبی إدریسَ الخولانی أنّهُ قالَ: دَخَلْتُ مَسْجِدَ دِمَشْقَ فَإذا فَتیً شابٌّ... فَسَأَلْتُ عَنْهُ، فَقِیلَ هذا مَعاذُ بْنُ جَبَلٍ... فَسَلَّمْتُ عَلَیْهِ ثُمَّ قُلْتُ: وَاللّهِ لَأُحِبُّکَ للّهِ... وَقالَ أَبْشِرْ فَإنِّی سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَقُولُ: قالَ اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالی: وَجَبَتْ مَحَبَّتِی لِلْمُتَحابِّینَ فِیَّ، وَالمُتَجالِسِینَ فِیَّ، وَالمُتَزاوِرِینَ فِیَّ، وَالمُتَباذِلِینَ فِیَّ (۱).

ابو ادریس خولانی گوید:... وارد مسجد دمشق شدم در آنجا مرد جوانی را دیدم که...

پرسیدم کیست؟ گفتند معاذ بن جبل است... بر او سلام کردم سپس گفتم به خدا سوگند، ترا برای خدا دوست دارم و او... و گفت: ترا مژده باد که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود:

خداوند تبارک و تعالی فرمود: کسانی که به جهت من به یکدیگر دوستی می ورزند و با یکدیگر می نشینند و به دیدن همدیگر می روند و به یکدیگر می بخشند، محبت من به آنان قطعی و حتمی است.

(۱۰۲) ۴- الجامع الصغیر: الجماعه برکه (۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جماعت برکت است و خیر و خوبی فراوان دارد.

(۱۰۳) ۵- کشف الخفاء: اَلْبَرَکَهُ مَعَ الجَماعَهِ، وَعَلَیْکُمْ بِالجَماعَهِ، فَإنَّ یَدَ اللّهِ عَلَی الفُسْطاطِ (۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: برکت و خیر و خوبی فراوان با جماعت است. حتما با جمع - مسلمانان - باشید که دست لطف و حمایت خدا بر اجتماع و مجامع عمومی است.

۱- (۱) . الاستذکار، ج ۸، ص ۴۵۱؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۲۳۳..

۲- (۲) . الجامع الصغیر، ص ۲۲۰، ح ۳۶۲۳..

۳- (۳) . کشف الخفاء، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۸۹۷ . و در ذیل حدیث در توضیح «فسطاط» آمده است که آن به معنای شهری است که در آن مردم گرد آیند..

(۱۰۴)

۶ - مسند الشهاب: عنِ النَّبیِّ صلی الله علیه و آله و سلم أنَّهُ قالَ عَلَی المِنْبَرِ: الجَماعَهُ رَحْمَهٌ، وَالفُرْقَهُ عَذابٌ (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر بالای منبر فرمود: جماعت [سبب جلب] رحمت است و پراکندگی عذاب آور است.

(۱۰۵)

۷ - مسند احمد: عنْ محمَّدِ بنِ جبیرِ بنِ مطعم، عنْ أبیهِ قالَ: قامَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم بِالخَیْفِ مِنْ مِنیً، فَقالَ: نَضَّرَ اللّهُ امْرَأً سَمِعَ مَقالَتِی فَوَعاها ثُمَّ أدّاها إلی مَنْ لَمْ یَسْمَعْها، فَرُبَّ حامِلِ فِقْهٍ لا فِقْهَ لَهُ، وَرُبَّ حامِلِ فِقْهٍ إلی مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ. ثَلاثٌ لا یَغُلُّ عَلَیْهِنَّ قَلْبُ المُؤْمِنِ: إخْلاصُ العَمَلِ، وَالنَّصِیحَهُ لِوَلِیِّ الأمْرِ، وَلُزُومُ الجَماعَهِ؛ فَإنَّ دَعْوَتَهُمْ تَکُونُ مِنْ وَرائِهِ (۲).

جبیر بن مطعم گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خیف منی به پا ایستاد و فرمود: خدا روسفید و سعادتمند کند کسی را که گفتار مرا بشنود و آن را به خاطر سپارد و سپس آن را به کسی که نشنیده برساند؛ چه بسا نقل کننده علمی که خود عالم نیست، و چه بسا نقل کننده علمی که آن را به عالمتر از خود می رساند. سه چیز است که دل مؤمن در آنها غلّ و غشّ ندارد: انجام کار فقط برای خدا، و خیر خواهی برای حاکم مسلمانان، و همراهی با جمع مسلمانان، که دعای آنان فراگیر او است.

(۱۰۶)

۸ - نهج البلاغه: قالَ علیّ علیه السلام فی خطبته القاصعه: فَانْظُرُوا کَیْفَ کانُوا حَیْثُ کانَتِ الأَمْلاءُ مُجْتَمِعَهً، وَالأَهْواءُ مُؤْتَلِفَهً، وَالقُلُوبُ مُعْتَدِلَهً، وَالأَیْدِی مُتَرادِفَهً، وَالسُّیُوفُ مُتَناصِرَهً، وَالبَصائِرُ نافِذَهً، وَالعَزائِمُ واحِدَهً؛ أَلَمْ یَکُونُوا أرْباباً فی أقْطارِ الأَرَضِینَ، وَمُلُوکاً عَلی رِقابِ العالَمِینَ؟ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه قاصعه اش فرمود: پس بنگرید، آنگاه که جمعیّتها با هم متحد، خواسته ها همساز، دلها هماهنگ، دستها پشتیبان هم، شمشیرها مددکار یکدیگر، بینشها ژرف و دقیق و اراده ها یکی بود آنان چگونه بودند! آیا آنان در آن حال فرمانروایان سراسر زمین نبودند و بر جهانیان پادشاهی نمی کردند؟!

۱- (۱) . مسند الشهاب، ج ۱، ص ۴۳، ح ۱۵؛ الجامع الصغیر، ص ۲۲۰، ح ۳۶۲۴..

۲- (۲) . مسند احمد، ج ۴، ص ۸۰ ..

۳- (۳) . نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۲؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۱، خ ۱۹۲..

(۱۰۷) ۹- نهج البلاغه: ... فَتَذَكَّرُوا فى الخَيْرِ وَالشَّرِّ أحْوالَهُمْ ... فإذا تَفَكَّرْتُمْ فى تَفاوُتِ حالَيْهِمْ فَالْزَمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ العِزَّةُ بِهِ شَأْنَهُمْ، وَزاحَتِ الأَعْداءُ لَهُ عَنْهُمْ، وَمُدَّتِ العافِيَهُ فِيهِ عَلَيْهِمْ، وَانْقادَتِ النِّعْمَهُ لَهُ مَعَهُمْ، وَوَصَلَتِ الكَرامَهُ عَلَيْهِ حَبْلَهُمْ، مِنَ الاِجْتِناب لِلْفُرْقَهِ، وَاللُّزُومِ لِلأُلْفَهِ، وَالتَّحاضِّ عَلَيْها، وَالتَّواصِى بِها (۱)...

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ... نیک و بد احوال امّتهای پیشین را به یاد آورید، ... آنگاه که با تامل در خوشبختی و بدبختی شان نگریستید، به کارهایی دل بندید که آنان را سربلند ساخت، و دشمنان را از سر راهشان برداشت، و زندگی بی گزند را برایشان ماندگار کرد، و برخوداری از نعمت و آسایش را برایشان فراهم نمود، و با بزرگواری چنان پیوندشان را استوار ساخت که از پراکندگی دوری گزیدند، و پایبند الفت شدند و یکدیگر را به آن ترغیب و سفارش کردند.

(۱۰۸) ۱۰- نهج البلاغه: ... فَانْظُرُوا إلىٰ مَواقِعِ نِعَمِ اللّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إلَيْهِمْ رَسُولاً فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طاعَتَهُمْ، وَجَمَعَ عَلىٰ دَعْوَتِهِ أُلْفَتَهُمْ، كَيْفَ نَشَرَتِ النِّعْمَهُ عَلَيْهِمْ جَناحَ كَرامَتِها، وَأَسالَتْ لَهُمْ جَداوِلَ نَعِيمِها، وَالْتَفَّتِ المِلَّهُ بِهِمْ فى عَوائِدِ بَرَكَتِها؛ فَأَصْبَحُوا فى نِعْمَتِها غَرِقِينَ، وَعَنْ خُضْرَهِ عَيْشِها فَكِهِينَ؛ قَدْ تَرَبَّعَتِ الأُمُورُ بِهِمْ فى ظِلِّ سُلْطانٍ قاهِرٍ، وَآوَتْهُمُ الْحالُ إلىٰ كَنَفِ عِزٍّ غالِبٍ، وَتَعَطَّفَتِ الأُمُورُ عَلَيْهِمْ فى ذُرىٰ مُلْكٍ ثابِتٍ. فَهُمْ حُكّامٌ عَلَى العالَمِينَ، وَمُلُوكٌ فى أطْرافِ الأَرَضِينَ. يَمْلِكُونَ الأُمُورَ عَلىٰ مَنْ كانَ يَمْلِكُها عَلَيْهِمْ؛ وَيُمْضُونَ الأَحْكامَ فِيمَنْ كانَ يُمْضِيها فِيهِمْ؛ لا تُغْمَزُ لَهُمْ قَناهٌ، وَلا تُقْرَعُ لَهُمْ صَفاهٌ... (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: حال به بزرگی و جایگاه نعمتهایی که خداوند با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنان ارزانی داشت بنگرید، که چگونه - خداوند - با دین خود همه آنان را فرمانبر ساخت، و با دعوتش - به همبستگی - آنان را همدل و همداستان نمود. چگونه نعمت کرامت بال و پر خود را بر آنان گسترد، و جویبارهای رفاه و آسایش را بر ایشان روان ساخت، و آئین حق با برکاتش آنان را در بر گرفت. در نعمت دین غوطه ور گشتند، و از شادابی زندگی در سایه آن شادمان بودند، امور - دولت - آنان در سایه قدرتی چیره استوار گشت، و در آغوش عزّتی

۱- (۱) . نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۱..
۲- (۲) . همان، ج ۲، ص ۱۵۴. .

پیروزمند آسودند، و در پناه حکومتی پایدار جریان امور بر وفق مرادشان گشت. اینان اکنون فرمانروایان جهانیان و پادشاهان سراسر زمینند، و بر فرمانروایان گذشته خود فرمانروایی می کنند، و بر کسانی حکم می رانند که پیشتر بر آنان حکم می راندند، کسی قدرت در هم شکستن نیروی آنان را ندارد، و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی پروراند.

(۱۰۹)

۱۱ - نهج البلاغه: مِنْ وَصِيَّةٍ لَهُ عليه السلام لِلْحَسَنِ وَالحُسَينِ عليهما السلام : أُوصِيكُما وَجَمِيعَ وَلَدِى وَأَهْلِى وَمَنْ بَلَغَهُ كِتابِى بِتَقْوَى اللّهِ، وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ، وَصلاحِ ذاتِ بَيْنِكُمْ، فَإِنّى سَمِعْتُ جَدَّكُما صلى الله عليه و آله و سلم يَقُولُ:

«صَلاحُ ذاتِ البَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عامَّةِ الصَّلاةِ وَالصِّيام» (۱).

از وصیّتهای امیر مؤمنان علیه السلام به امام حسن و امام حسین علیهما السلام : شما دو تن و همه فرزندان و خاندانم و کسانی را که از نوشته من آگاه می شوند به پروای از خدا و نظم کارتان و سازگاریتان با همدیگر سفارش می کنم. چرا که از جدتان شنیدم می فرمود: سازگاری با همدیگر از هر نماز و روزه ای بهتر است.

(۱۱۰)

۱۲ - وقعه صفین: قالَ نَصْرٌ: ثُمَّ قامَ الحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ علیهما السلام خَطيباً فَقالَ: الحَمْدُ للّهِ لا إلَهَ غَيْرُهُ وَحْدَهُ لا شَرِيْکَ لَهُ وأُثنى عَلَيْهِ بما هُوَ أَهْلُه. ثُمَّ قالَ: إنَّ مِمّا عَظَّمَ اللّهُ عَلَيْكُمْ مِنْ حَقِّهِ، وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِهِ ما لا يُحْصى ذِكْرُهُ، وَلا يُؤَدّى شُكْرُهُ، وَلا يَبْلُغُهُ صِفَةٌ وَلا قَوْلٌ؛ وَنَحْنُ إنَّما غَضِبْنا للّهِ وَلَكُمْ... فإنَّهُ لَمْ يَجْتَمِعْ قَوْمٌ قَطُّ عَلى أَمْرٍ واحِدٍ إلَّااشْتَدَّ أَمْرُهُمْ، وَاسْتَحْكَمَتْ عُقْدَتُهُمْ. فَاحْتَشِدُوا فى قِتالِ عَدُوِّكُمْ مُعاوِيَهَ وَجُنُودِهِ فإنَّهُ قَد حضر، وَلا تَخاذَلُوا؛ فَإِنَّ الخِذْلانَ يَقْطَعُ نِياطَ القُلُوبِ، وَإِنَّ الإقْدامَ عَلَى الأَسِنَّهِ نَجْدَهٌ وَعِصْمَهٌ، لأَنَّهُ لَمْ يَمْتَنِعْ قَوْمٌ قَطُّ إلّارَفَعَ اللّهُ عَنْهُمُ العِلَّهَ، وَكَفاهُمْ جَوائِحَ الذِّلَّهِ، وَهَداهُمْ إلى مَعالِمِ المِلَّهِ.

وَالصُّلْحُ تَأْخُذُ مِنْهُ ما رَضِيتَ بِهِ وَالحَرْبُ يَكْفِيكَ مِنْ أَنْفاسِها جُرَعُ (۲)

نصر بن مزاحم گوید: سپس حسن بن علی علیهما السلام برخاست و گفت: ستایش مخصوص

۱- (۱) . نهج البلاغه، ج ۳، ص ۷۶؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۲ ر ۴۷..

۲- (۲) . وقعه صفین، ص ۱۱۳؛شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۸۵؛بحارالأنوار، ج ۳۲، ص ۴۰۳ - ۴۰۵ .

خداست، خدایی جز او نیست و شریکی ندارد و ثنایش می گویم به آنچه او شایستهٔ آن است.

سپس فرمود: حق بزرگی که خداوند بر شما دارد و نعمتهای فراوانی که به شما ارزانی داشته آن چنان است که نتوان آن را بر شمرد و شکر آن را گزارد، و به گفتار و وصف در نیاید، و ما فقط برای خدا که نافرمانی می شود - و برای شما - که حقتان پایمال می گردد - برآشفته و خشمناکیم... هیچگاه گروهی در کاری متحد نشده اند مگر آنکه کار آنان استوار و پیوندشان محکم گردیده است؛ پس در جنگ با دشمن خویش معاویه و سپاهش همه توان خود را بکار گیرید که او اکنون آمده است، و از همیاری و همکاری دست نکشید که بی کسی و بی یاوری بند دلها را می بُرد. و به راستی بر نیزه و شمشیر تاختن مایه فخر و مباهات و نگهدارنده از خطر دشمن است، زیرا که هیچ گروهی و ملّتی جانانه نجنگیده است مگر آنکه خداوند گرفتاری را از آنان بر داشته و فتنه ها و بلاهای خوار کننده را از ایشان دور ساخته و آنان را به نشانه های روشن دین هدایت نموده است. [آنگاه این شعر را خواند]:

از صلح هر چه می پسندی بر می گیری ولی دمی چند از جنگ برایت بس است

(۱۱۱) ۱۳- عدّه الداعی: قالَ الصادقُ علیه السلام : أَيُّما مُؤْمِنِينِ أَوْ ثَلاثَةٍ اجْتَمَعُوا عِنْدَ أخٍ لَهُمْ يَأْمَنُونَ بَوائِقَهُ، وَلا يَخافُونَ غَوائِلَهُ، وَيَرْجُونَ ما عِنْدَهُ، إنْ دَعَوُا اللّهَ أجابَهُمْ، وَإنْ سَأَلُوهُ أعْطاهُمْ، وَإنِ اسْتَزادُوا زادَهُمْ، وَإنْ سَكَتُوا ابْتَدَأَهُمْ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: هر دو نفر مؤمن یا سه نفری که نزد برادری از خودشان که از شر او آسوده خاطرند و از بلا و بدی او نمی ترسند و امید به خیر او دارند جمع شوند، و خدا را بخوانند دعایشان را اجابت می کند، و اگر چیزی از او بخواهند به آنان عطا می کند، و اگر از او زیاده بخواهند به آنان می دهد، و اگر از خواستهٔ خود دم فرو بندند خداوند بدون درخواست به آنان می بخشد.

۱- (۱) . عده الداعی، ص ۱۸۸؛ کافی، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۱۴؛ بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۳۴۹، ح ۱۴، و ص ۳۵۵ ح ۳۵..

۱۴ - مشکاه الأنوار: عن زیدٍ الشّحام قالَ: قالَ أبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام : اصْبِرْ یا زَیْدُ عَلی أَعْدائِکَ، فَإنَّکَ لَنْ تُکافِیَ مَنْ عَصَی اللّهَ [فیک] بِأکْثَرَ مِنْ أَنْ تُطِیعَ اللّهَ فِیهِ، إنَّ اللّهَ یَذُودُ عَبْدَهُ المُؤْمِنَ عَمّا یَکْرَهُ کَما یَذُودُ أحَدُکُمُ الجَمَلَ الغَرِیبَ الَّذِی لَیسَ لَهُ عَنْ إبِلِهِ. یا زَیْدُ إنَّ اللّهَ اصْطَفَی الإسْلامَ وَاخْتارَهُ، فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخاءِ وَحُسْنِ الخُلُقِ (۱).

زید شحام می گوید: امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود:

ای زید! بر آزار دشمنانت شکیبا باش! زیرا تو با کسی که نسبت به تو خدا را نافرمانی کرده برخوردی بالاتر از اطاعت خدا نخواهی داشت. همانا خداوند بنده مؤمنش را از ناراحتی ها دور می کند، همانگونه که انسان شتر غریبه ای را که مال او نیست از رمه شترش دور می کند.

ای زید! به راستی خدا اسلام را برگزید و انتخاب کرد، پس با بخشندگی و خوش خلقی برایش یار خوبی باشید.

ص:۱۳۵

۱- (۱) . مشکاه الأنوار، ص ۱۳۵، ح ۳۰۹؛ کافی، ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۸؛ بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۴۱۱، ح ۲۶..

(۱۱۳)

۱ – «قُلْ هُوَ القادِرُ عَلیٰ أَنْ یَبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِکُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أرْجُلِکُمْ أَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعاً وَیُذِیقَ بَعْضَکُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ کَیْفَ نُصَرِّفُ الآیاتِ لَعَلَّهُمْ یَفْقَهُونَ» (۱).

بگو او قادر است که عذابی از فراز سرتان یا از زیر پایتان بر شما بفرستد یا شما را دسته دسته کند و به برخی خشونت و عذابِ برخی دیگر را بچشاند. بنگر چگونه آیات را گونه گون بیان می کنیم، شاید بفهمند.

(۱۱۴)

۲ – تفسیر قمی: قَوْلُهُ «قُلْ هُوَ القادِرُ عَلیٰ أَنْ یَبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِکُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِکُمْ أَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعاً وَیُذِیقَ بَعْضَکُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» فَقَوْلُهُ «یَبْعَث عَلَیْکُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِکُم» قالَ: السُّلطانُ الجائِرُ؛ «أَوْ مِنْ تَحْتِ أرْجُلِکُم» قالَ: السَّفَلَهُ وَمَنْ لا خَیْرَ فِیهِ؛ «أَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعاً» قالَ: العَصَبِیَّهُ؛ «وَیُذِیقَ بَعْضَکُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» قالَ: سُوءُ الجِوارِ.

وَفی رِوایَهِ أَبِی الجارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فی قَوْلِهِ «وَهُوَ القادِرُ عَلیٰ أَنْ یَبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِکُمْ» هُوَ: الدُّخانُ (۲) وَالصَّیْحَهُ؛ «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِکُمْ» وَهُوَ الخَسْفُ؛ «أَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعاً» وَهُوَ اخْتِلافٌ فِی الدِّینِ، وَطَعْنُ بَعْضِکُمْ عَلیٰ بَعْضٍ؛ «وَیُذِیقَ بَعْضَکُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» وَهُوَ أَنْ یَقْتُلَ بَعْضُکُمْ بَعضاً؛ وَکُلُّ هٰذا فی أَهْلِ القِبْلَهِ (۳).

خداوند متعال فرموده: «بگو او قادر است که عذابی را از بالا یا از زیر پایتان بر شما بفرستد

۱– (۱) . انعام: ۶۵ ..

۲– (۲) . در بحارالأنوار «دجال» ذکر شده است..

۳– (۳) . تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۰۳؛بحارالأنوار، ج ۹، ص ۲۰۵، ح ۶۹، و ج ۵۲، ص ۱۸۱ ح ۴. و در تفسیر تبیان، ج ۴، ص ۱۶۳ تا (سوء الجوار) از امام صادق علیه السلام روایت شده است..

یا شما را گروه گروه به هم اندازد و به برخی عذاب برخی را بچشاند» - امام باقر علیه السلام - فرمود:

منظور از «عذابی از بالا بر شما بفرستد» زمامدار ستمگر است و «یا از زیر پایتان» فرومایگان و کسانی که خیری در آنها نیست «یا شما را گروه گروه به هم اندازد» گروه گرایی طایفه گرایی «و به برخی عذاب برخی را بچشاند» بد همسایگی.

و در روایت ابو الجارود از امام باقر علیه السلام است که در تفسیر فرمودهٔ خدای متعال «بگو او قادر است که عذابی را از بالا بر شما بفرستد» فرمود: این عذاب دود و صیحه آسمانی است، «یا از زیر پایتان» آن فرو بردن به زمین است، «یا شما را گروه گروه به هم آمیزد» آن اختلاف و درگیری در دین و بدگویی از یکدیگر است، «و به برخی عذاب برخی را بچشاند» این است که یکدیگر را بکشند. و همه اینها در مورد مسلمانان و اهل قبله است.

(۱۱۵) ۳- جامع البیان: زیدُ بنُ أسلَمَ قالَ: لَمّا نَزَلَتْ: «قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذاباً من فوقکم أو من تَحتِ أرجلکم أو یَلبِسکُم شیعاً ویذیق بعضکم بأس بعض» ، قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم :

لا تَرْجِعُوا بَعْدِی کُفّاراً یَضْرِبُ بَعْضُکُمْ رِقابَ بَعْضٍ بِالسُّیُوفِ. فَقالُوا: وَنَحْنُ نَشْهَدُ أنْ لا إلَهَ إلّا اللّهُ، وَأنَّکَ رَسُولُ اللّهِ؟ قالَ: نَعَمْ، فَقالَ بَعْضُ النّاسِ: لا یَکُونُ هَذا أبَداً. فَأنْزَلَ اللّهُ: «اُنْظُرْ کَیْفَ نُصَرِّفُ الآیاتِ لَعَلَّهُمْ یَفْقَهُونَ * وَکَذَّبَ بِهِ قَوْمُکَ وَهُوَ الحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَیْکُمْ بِوَکِیلٍ * لِکُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» (۱) . (۲)

زید بن اسلم گوید: هنگامی که آیه شریفهٔ «قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم أو من تحت ارجلکم أو یلبسکم شیعاً ویذیق بعضکم باس بعض» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پس از من دگر باره کافر نشوید که با شمشیر گردن یکدیگر را بزنید. عرض کردند: - ممکن است چنین شود - با آنکه ما گواهی می دهیم که جز خدای یگانه خدایی نیست و اینکه تو پیامبر خدا هستی؟ فرمود: آری. برخی از مردم گفتند: هر گز چنین نمی شود. در این هنگام خدا این آیات را فرو فرستاد «انظر کیف نصرّف الآیات لعلّهم یفقهون * و کذّب به قومك وهو الحقّ قل لست علیکم بوکیل لکلّ نبأ مستقر و سوف تعلمون»: بنگر که چگونه

۱- (۱) . انعام: ۶۵ - ۶۷..

۲- (۲) . جامع البیان، ج ۵، ص ۲۲۲، ح ۱۳۳۸۱..

آیات را گونه گون بیان می کنیم شاید بفهمند. قوم تو آن – عذاب – را دروغ شمردند با آنکه حق است، بگو من گمارده و نگهبان بر شما نیستم و برای هر خبر (و وعد و وعیدی) وقتی مقرر است و به زودی خواهید دانست.

(۱۱۶)

۴ – تفسیر مقاتل بن سلیمان: «قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذاباً من فوقکم» یَعْنِی الحَصبَ بِالحِجارَهِ کَما فَعَلَ بِقَوْمِ لُوطٍ، فَلا یَبْقی مِنْکُمْ أَحَدٌ، «أو من تحت أرجلکم» ، یَعْنِی الخَسْفَ کَما فَعَلَ بِقارُونَ وَمَنْ مَعَهُ، ثُمَّ قالَ: «أو یلبسکم شیعاً» ، یَعنِی فِرَقاً أحْزاباً أَهْواءَ مُخْتَلِفَهٍ کَفِعْلِهِ بِالأُمَمِ الخالِیَهِ، «ویذیق بعضکم بأس بعض» ، یَقُولُ: یَقْتُلُ بَعْضُکُمْ بَعْضاً، فَلا یَبْقی مِنْکُمْ أَحَدٌ إلّاقَلِیلٌ.

فَقالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم وَهُوَ یَجُرُّ رِداءَهُ، وَذلِکَ بِاللَّیْلِ، وَهُوَ یَقُولُ: لَئِنْ أَرْسَلَ اللّهُ عَلی أُمَّتِی عَذاباً مِنْ فَوْقِهِمْ لِیُهْلِکَنَّهُمْ، أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، فَلا یَبْقی مِنْهُمْ أَحَدٌ ، فَقامَ صلی الله علیه و آله و سلم فَصَلّی وَدَعا رَبَّهُ أَنْ یَکْشِفَ ذلِکَ عَنْهُمْ، فَأَعْطاهُ اللّهُ اثْنَتَیْنِ: الحَصبَ وَالخَسْفَ کَشَفَهُما عَنْ أُمَّتِهِ؛ وَمَنَعَهُ اثْنَتَیْنِ:

الْفُرْقَهَ وَالقَتْلَ فَقالَ: أَعُوذُ بِعَفْوِکَ مِنْ عِقابِکَ، وَأَعُوذُ بِمُعافاتِکَ مِنْ غَضَبِکَ، وَأَعُوذُ بِکَ مِنْکَ، جَلَّ وَجْهُکَ، لا أَبْلُغُ مِدْحَتَکَ وَالثَّناءَ عَلَیْکَ، أَنْتَ کَما أَثْنَیْتَ عَلی نَفْسِکَ . قالَ: فَجاءَهُ جِبْرِیلُ علیه السلام ، فَقالَ: إنَّ اللّهَ قَدِ اسْتَجابَ لَکَ وَکَشَفَ عَنْ أُمَّتِکَ اثْنَتَیْنِ وَمُنِعُوا اثْنَتَیْنِ «أُنْظُرْ» یا مُحَمَّدُ «کیف نصرِّف الآیات» ، یَعْنِی العَلاماتِ فی أُمُورٍ شَتّی مِنْ أَلْوانِ العَذابِ، «لعلّهم» ، یَقُولُ: لِکَیْ، «یفقهون» عَنِ اللّهِ فَیَخافُوهُ وَیُوَحِّدُوهُ (۱).

«بگو او قادر است که عذابی را از بالا بر شما بفرستد» یعنی با بارش سنگ، همان کاری که با قوم لوط کرد، تا کسی از شما نماند «یا از زیر پایتان» یعنی فرو بردن در زمین همان کاری که با قارون و همراهانش کرد. سپس فرمود «یا شما را گروه گروه به هم اندازد» یعنی فرقه ها و گروه ها با آراء و خواسته های ناسازگار. کاری که با امّتهای گذشته کرد «و به برخی خشونت و عذاب برخی را بچشاند» می فرماید یکدیگر را می کشند و از شما جز شمار اندکی به جا نمی مانند.

ص:۱۳۹

۱- (۱) . تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۵۶۵ ..

پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود (۱)، در حالی که ردایش را می کشید (۲)، و این پیش آمد شب هنگام بود، می فرمود: اگر خدا بر امتم عذابی از بالای سرشان بفرستد تا آنها را هلاک کند یا از زیر پایشان عذاب بفرستد کسی از آنهانخواهد ماند... در این حال او به نماز ایستاد و از پروردگارش تقاضا کرد که آن عذابها را از آنان بردارد، و خداوند خواسته اش را در باره دو چیز که بارش سنگ و فرو بردن در زمین باشد پذیرفت و آن دو را از امتش برداشت، و بر داشتن دو عذاب دیگر را که چند دستگی و کشتار باشد از او دریغ نمود. آنگاه پیامبر - به پیشگاه خداوند - عرضه داشت: به عفو تو از عقابت پناه می برم، و از عصمت تو به گذشتت پناهنده می شوم، و از تو به خودت پناه می برم، جلالت و بزرگی از آن توست. مدح تو نتوانم کرد، و ثنای تو آنچنان است که تو خود را ثنا گفته ای.

- راوی - گوید در آن هنگام جبرئیل به محضر آن بزرگوار آمد و گفت: همانا خدا دعایت را اجابت کرد و از امتت دو عذاب را برداشت، و رفع دو عذاب دیگر از آنان دریغ شد. «بنگر - ای محمد - چگونه آیات را گونه گون می آوریم» یعنی نشانه هایی که در عذابهای گوناگون و رنگارنگ است «شاید» یعنی برای این که «بفهمند» از خدا است و از او بترسند و تنها او را بپرستند.

(۱۱۷) ۵- تخریج الأحادیث و الآثار: ابنُ عبّاس قالَ: لَمّا نَزَلَتْ هٰذِهِ الآیَهُ «قل هو القادر علیٰ أن یبعث علیکم عذاباً من فوقکم أو من تحت أرجلکم أو یلبسکم شیعاً ویذیق بعضکم بأس بعض»، قالَ: فَقامَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم فَتَوَضَّأَ ثُمَّ قالَ: «اَللّٰهُمَّ لا تُرْسِلْ عَلیٰ أُمَّتِی عَذاباً مِنْ فَوْقِهِمْ وَلا مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَلا تَلْبِسْهُمْ شِیَعاً وَلاتُذِقْ بَعْضَهُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»، قالَ: فَأَتاهُ جِبْرِیلَ فَقالَ: «یا مُحَمَّدُ! إنَّ اللّٰهَ قَدْ أَجارَ أُمَّتَکَ أَنْ یُرْسِلَ عَلَیْهِمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِهِمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (۳).

۱- (۱) . با توجه به سیاق احتمالا «فقال النبی» محرف «فقام النبی» است؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پا خاست و در حالی که ردایش را می کشید و شب هنگام بود می فرمود: ....

۲- (۲) . تعبیر «و هو یجر رداءه» با توجه به موارد استعمال آن، کنایه است از حرکت همراه با عجله و یا ترس و یا خشم و یا خوشحالی و ... که شخص توجه و فرصت پوشیدن ردا به طور معمول را ندارد..

۳- (۳) . تخریج الأحادیث و الآثار، ج ۱، ص ۴۴۰، ح ۴۴۸؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۰۶۸؛الدرّ المنثور، ج ۳، ص ۳۳..

ابن عباس گوید: همینکه این آیه نازل شد «بگو او قادر است که عذابی را از بالا یا از زیر پایتان بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم انـدازد و به برخی عـذاب برخی را بچشاند» پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم بلند شد و پس از آنکه وضو گرفت گفت: «بـار الاهـا بر امت من نه از بالاـ و نه از زیر پایشـان عـذاب نفرست، و آنـان را گروه های در گیر با هم نساز، و به برخی عـذاب برخی دیگر را نچشان». پس جبرئیل به نزد او آمد و گفت: «ای محمد! به راستی خداوند امتت را از فرسـتادن عذاب از بالا یا زیر پایشان در امان داشت».

(۱۱۸)

۶ - تخریـج الأحادیث و الآثار: عنْ رَسُولِ اللّهِ صـلی الله علیه و آله و سـلم : سَأَلْتُ اللّهَ أَنْ لا یَبْعَثَ عَلی أُمَّتِی عَذاباً مِنْ فَوْقِهِمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ فَأعْطانِی ذلِکَ، وَسَأَلْتُهُ أَنْ لا یَجْعَلَ بَأْسَهُمْ بَیْنَهُمْ فَمَنَعَنِی، وَأَخْبَرَنِی جِبْرِیلُ أَنَّ فَناءَ أُمَّتِی بِالسَّیْفِ (۱).

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: از خـدا خواسـتم که امتم را از بالا و زیر پایشان عذاب نکند، این خواسـته ام را پـذیرفت؛ و از او خواسـتم کـه جنـگ داخلی برایشـان پیش نیـاورد ولی آن را از مـن دریـغ کرد، و جیرئیـل به من خـبر داد که نابودی امتم با شمشیر است.

(۱۱۹)

۷ - مجمع البیـان: فی تَفْسِیرِ الکلبِیِّ: إنَّهُ لَمّا نَزَلَتْ هذِهِ الآیَهُ قامَ النَّبِیُّ صـلی الله علیه و آله و سـلم فَتَوَضَّأَ وَأَسْبَغَ وُضُوءَهُ، ثُمَّ قامَ وَصَلّی فَأَحْسَنَ صَلاتَهُ، ثُمَّ سَأَلَ اللّهَ سُبْحانَهُ أَنْ لا یَبْعَثَ عَلی أُمَّتِهِ عَذاباً مِنْ

۱- (۱) . تخریج الأحادیث و الآثار، ج ۱، ص ۴۴۰، ح ۴۴۸؛ تفسیر ثعلبی، ج ۴، ص ۱۵۶؛تفسیر النسفی، ج ۱، ص ۳۲۶..

فَوْقِهِمْ، وَلا مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَلا يَلْبِسَهُمْ شِيَعاً، وَلا يُذِيقَ بَعْضَهُمْ بَأْسَ بَعْضٍ.

فَنَزَلَ جَبْرائِيلُ عليه السلام فَقالَ: يا مُحَمَّدُ! إنَّ اللّهَ تَعالیٰ سَمِعَ مَقالَتَکَ، إنَّهُ قَدْ أجارَهُمْ مِنْ خَصْلَتَيْنِ، وَلَمْ يُجِرْهُمْ مِنْ خَصْلَتَيْنِ: أجارَهُمْ مِنْ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْهِمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِهِمْ، أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَلَمْ يُجِرْهُمْ مِنَ الخَصْلَتَيْنِ الأُخْرَيَيْنِ.

فَقالَ صلی الله علیه و آله و سلم : يا جَبْرائِيلُ! ما بَقاءُ أُمَّتِي مَعَ قَتْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً؟! فَقامَ وَعادَ إلَى الدُّعاءِ، فَنَزَلَ:

«الم * أَ حَسِبَ النّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنّا وَهُمْ لا يُفْتَنُونَ» (۱) الآيَتين. فَقالَ: لا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ تُبْتَلیٰ بِها الأُمَّهُ بَعْدَ نَبِيِّها، لِيَتَبَيَّنَ الصادِقُ مِنَ الكاذِبِ، لِأَنَّ الوَحْىَ انْقَطَعَ، وَبَقِیَ السَّيْفُ وَافْتِراقُ الكَلِمَهِ إلیٰ يَوْمِ القِيامَهِ (۲).

در تفسیر کلبی آمده است: آنگاه که این آیه «قل هو القاهر علی أن یبعث عذاباً...» فرود آمد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پا خاست و وضوی شادابی گرفت سپس به نماز ایستاد و نمازی نیکو گزارد پس از آن از خداوند سبحان درخواست کرد که عذابی از بالا یا از پایین بر امت او نفرستد و آنها را گروه های درگیر با هم نسازد و به برخی عذاب برخی را نچشاند.

در آن هنگام جبرئیل نازل شد و گفت ای محمد خدای متعال دعایت را شنید، او امت را از دو بلا نگه می دارد، و از دو بلا مصون نخواهد داشت: آنها را از عذاب از بالا و آسمانی و از عذاب زیر پایشان و زمینی حفظ می کند، و از دو بلای دیگر مصون نمی دارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای جبرئیل! پس امت من با کشتار یکدیگر چگونه خواهند ماند؟! دگر باره برخاست و دست به دعا برداشت که این دو آیهٔ شریفه فرود آمد: «الم * أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا آمنّا و هم لا یفتنون» آیا مردم پنداشتند همینکه گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمون قرار نمی گیرند؟ - پس از نزول این آیات - پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آری باید آزمونی باشد که امت پس از پیامبر خود با آن آزمایش گردد، تا راستگو از دروغگو بازشناخته شود؛ زیرا وحی پایان می گیرد ولی درگیری و شمشیر و پراکندگی و اختلاف کلمه تا روز قیامت باقی می ماند.

(۱۲۰) ۸- جامع البيان: عَنْ مجاهد: «أو يَلبِسَكُمْ شِيَعاً» : الأهْواءُ المُفْتَرِقَهُ (۳).

مجاهد می گوید: «أو يَلبِسَكُمْ شِيَعاً» یعنی آراء و عقاید مختلف.

(۱۲۱) ۹- جامع البيان: عنِ السدى: «أو يلبسكم شيعاً» قال: يُفَرِّقُ بَيْنَكُم (۴).

سدی در بیان «أو يَلبِسَكُمْ شِيَعاً» می گوید: میان شما تفرقه و جدایی اندازد.

(۱۲۲) ۱۰- جامع البيان: قالَ ابنُ زَيدٍ فی قَولِهِ: «أو يلبسكم شيعاً» ، قالَ: الَّذِی فِيهِ النّاسُ اليَوْمَ مِنَ الِاخْتِلافِ وَالأَهْواءِ وَسَفْكِ دِماءِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً (۵).

۱- (۱) . عنكبوت: ۱ و ۲..

۲- (۲) . مجمع البيان، ج ۴، ص ۸۴؛ بحارالأنوار، ج ۹، ص ۸۸ ..

۳- (۳) . جامع البيان، ج ۵، ص ۲۱۸، ش ۱۳۳۵۴..

۴- (۴) . همان، ج ۵، ص ۲۱۸، ش ۱۳۳۵۵..

۵- (۵) . همان، ج ۵، ص ۲۱۹، ش ۱۳۳۵۷..

ابن زید در باره فرموده ی خدای متعال «او یلبسکم شیعاً» می گوید: همین اختلاف و گرایشهای باطل و ریختن خون یکدیگر است که امروزه در میان مردم وجود دارد.

(۱۲۳)

۱۱ - جامع البیان: عنِ ابنِ عبّاسٍ: «أو یلبسکم شیعاً» یَعْنِی بِالشِّیَعِ الأَهْواءَ المُخْتَلِفَهَ. وَأمّا قَوْلُهُ: «ویذیق بعضکم بأس بعض» فَإنَّهُ یَعْنِی: بِقَتْلِ بَعْضِکُمْ بِیَدِ بَعْضٍ (۱).

ابن عباس می گوید: مراد از شیع در «أو یلبسکم شیعاً» گرایشها و مسلک های مختلف است. و معنای «و یذیق بعضکم باس بعض» کشته شدن برخی به دست برخی دیگر است.

(۱۲۴)

۱۲ - تفسیر صافی: ... وَکانَ مِنْ قَوْلِهِ فی خُطْبَتِهِ بِمِنیً أَنْ حَمِدَ اللّهَ وَأثْنیٰ عَلَیْهِ ثُمَّ قالَ: ... ألا أَیُّهَا النّاسُ! إنَّ المُسْلِمَ أَخُ المُسْلِمِ حَقّاً، وَلا یَحِلُّ لِامْرِیً مُسْلِمٍ دَمُ امْرِیً مُسْلِمٍ وَمالُهُ إلّاما أعْطاهُ بِطِیبَهِ نَفْسٍ مِنْهُ؛ وَإنِّی أُمِرْتُ أَنْ أُقاتِلَ النّاسَ حَتّیٰ یَقُولُوا لا إلٰهَ إلّااللّهُ؛ فَإذا قالُوها فَقَدْ عَصَمُوا مِنِّی دِماءَهُمْ وَأَمْوالَهُمْ إلّابِحَقِّها وَحِسابُهُمْ عَلَی اللّهِ، ألا فَهَلْ بَلَّغْتُ أَیُّهَا النّاسُ؟! قالُوا نَعَمْ. قالَ اللّهُمَّ اشْهَدْ. ثُمَّ قالَ أَیُّهَا النّاسُ! احْفَظُوا قَوْلِی تَنْتَفِعُوا بِهِ بَعْدِی وَافْقَهُوهُ تَنْتَعِشُوا؛ ألا لا تَرْجِعُوا بَعْدِی کُفّاراً یَضْرِبُ بَعْضُکُمْ رِقابَ بَعْضٍ بِالسَّیْفِ عَلَی الدُّنْیا، فَإنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ ذٰلِکَ - وَلَتَفْعَلُنَّ - لَتَجِدُونِی فی کَتِیبَهٍ بَیْنَ جَبْرَئِیلَ وَمِیکائِیلَ أَضْرِبُ وُجُوهَکُمْ بِالسَّیْفِ. ثُمَّ الْتَفَتَ عَنْ یَمِینِهِ وَسَکَتَ ساعَهً، ثُمَّ قالَ إنْ شاءَ اللّهُ؛ أو عَلِیُّ بْنُ أبی طالِبٍ (۲). ثُمَّ قالَ: ألا وإنِّی قَدْ تَرَکْتُ فِیکُمْ أَمْرَیْنِ إنْ أَخَذْتُمْ بِهِما لَنْ تَضِلُّوا: کِتابَ اللّهِ وَعِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی صَلَواتُ اللّهِ عَلَیْهِمْ؛ فَإنَّهُ قَدْ نَبَّأَنِی اللَّطِیفُ الخَبِیرُ أَنَّهُما لَنْ یَفْتَرِقا حَتّیٰ یَرِدا عَلَیَّ الحَوْضَ؛ أَلا فَمَنِ اعْتَصَمَ بِهِما فَقَدْ نَجا، وَمَنْ خالَفَهُما فَقَدْ هَلَکَ، أَلا هَلْ بَلَّغْتُ؟ قالُوا نَعَمْ. قالَ اللّهُمَّ اشْهَدْ. ثُمَّ قالَ ألا وإنَّهُ سَیَرِدُ عَلَیَّ الحَوْضَ مِنْکُمْ رِجالٌ یُعْرَفُونَ فَیُدْفَعُونَ عَنِّی، فَأَقُولُ: رَبِّ أَصْحابِی! فَیُقالُ: یا مُحَمَّدُ إنَّهُمْ قَدْ أَحْدَثُوا بَعْدَکَ وَغَیَّرُوا سُنَّتَکَ. فَأَقُولُ: سُحْقاً سُحْقاً (۳).

بخشی از خطابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در منی:.... هان ای مردم! به راستی مسلمان برادر مسلمان

۱- (۱) . جامع البیان، ج ۵، ص ۲۱۹، ش ۱۳۳۵۸..

۲- (۲) . شیخ حرّ عاملی در کتاب الإیقاظ من الهجعه، ص ۳۳۰ حدیثی بدین مضمون آورده که فرمود: ... فی کتبه أضرب وجوهکم بالسیف ورقابکم. فقال جبرئیل: یا محمّد! إن شاء اللّه أنت أو علیّ بن أبی طالب. فقال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : أو علیّ بن أبی طالب....

۳- (۳) . تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۶۲..

است، خون و مـال مسلمان بر مسلمان دیگر حلال نیست مگر مالی که خودش با رضایت بدهـد. و من فرمان دارم که با مردم بجنگم تا لا اله الّا اللّه بگویند. هر گاه آن را گفتند خونها و دارایی هایشان از سوی من مصون است - مگر به مقتضای حق -، و حساب آنان با خداست.

هان ای مردم آیا رساندم؟ گفتند: بلی. فرمود: بار الها گواه باش. سپس فرمود: ای مردم! سخن مرا به خاطر سپارید که پس از من از آن بهره خواهید برد، و آن را خوب بفهمید تا سر بلند وآسوده زندگی کنید.

هان! پس از من باز کافر نشوید که بر سر دنیا گردن یکدیگر را بزنید. اگر چنین کنید - و حتماً خواهید کرد - مرا در سپاهی میان جبرئیل و میکائیل خواهید یافت که بر صورتهای شما شمشیر می زنم. سپس رو به سمت راست خود کرد و اندکی ساکت شد سپس فرمود: - اگر خدا بخواهد؛ یا علی بن ابی طالب [چنین خواهد کرد]. پس از آن فرمود: آگاه باشید! من در میان شما دو چیز را باقی گذاشته ام؛ اگر آن دو را محکم بگیرید گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم - اهل بیتم - درودهای خداوند بر آنان، همانا خداوند لطیف و خبیر به من خبر داد که آن دو از یکدیگر جدا نمی شوند، و با هم بر سر حوض نزد من می آیند. بدانید کسی که خود را در پناه این دو بدارد به راستی نجات می یابد، و کسی که با این دو مخالفت کند نابود می شود. هان! آیا رساندم؟ گفتند: بلی. فرمود: بارالها گواه باش. سپس فرمود: آگاه باشید! گروهی از سرشناسان شما بر سر حوض نزد من می آیند ولی آنان را از من دور می کنند، من می گویم: پروردگارا! اصحابم!؟ به من گفته می شود: ای محمد! آنان پس از تو کارهای ناروا کردند و سنتت را دگرگون ساختند. من هم می گویم: از رحمت خدا دور باشید! از رحمت خدا دور باشید!

(۱۲۵) ۱۳- التمهید: عَن الحرثَ (الحارث) الأشعریَّ أَنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قالَ: إنَّ اللّهَ أَمَرَ یَحْیَی بْنَ زَکَرِیا بِخَمْسِ کَلِماتٍ، یَعْمَلُ بِهِنَّ وَیَأْمُرُ بَنِی إسْرائیلَ أَنْ یَعْمَلُوا بِهِنَّ... فَجَمَعَ النّاسَ فی بَیْتِ المَقْدِسِ حَتّی امْتَلَأَ وَقَعَدَ النّاسُ عَلَی الشُّرُفِ. فَقالَ: إنَّ اللّهَ أَمَرَنِی بِخَمْسِ کَلِماتٍ أَنْ أَعْمَلَ بِهِنَّ وَآمُرَکُمْ أَنْ تَعْمَلُوا بِهِنَّ: أَنْ تَعْبُدُوا اللّهَ وَلا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً، وَإنَّ مَثَلَ مَنْ أَشْرَکَ بِاللّهِ کَمَثَلِ رَجُلٍ اشْتَرَیً عَبْداً مِنْ خالِصِ مالِهِ بِذَهَبٍ أَوْ وَرَقٍ، فَقالَ هذِهِ دارِی وَهذا عَمَلِی، فَاعْمَلْ وَأدِّ

إلَیَّ؛ فَجَعَلَ العَبْدُ یَعْمَلُ وَیُؤَدّی إلیٰ غَیْرِ سَیِّدِهِ. فَأیُّکَم یَسُرُّهُ أنْ یَکونَ عَبْدُهُ کَذٰلِکَ؛ و إنَّ اللّٰهَ خَلَقَکَمْ وَرَزَقَکَمْ فَلا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً.

وَآمُرَکُمْ بِالصَّلاهِ، فَإذا صَلَّیْتُمْ فَلا تَلْتَفِتُوا، فَإنَّ اللّٰهَ یَنْصِبُ وَجْهَهُ لِعَبْدِهِ ما لَمْ یَلْتَفِتْ فی صَلاتِهِ. وَإنَّ اللّٰهَ أَمَرَکُمْ بِالصِّیام. وَإنَّ مَثَلَ الصِّیامِ کَمَثَلِ رَجُلٍ مَعَهُ صُرَّهٌ فِیها مِسْکٌ فی عِصابَهٍ کُلُّهُمْ یُعْجِبُهُ أَنْ یَجِدَ رِیحَها؛ وَإنَّ الصِّیامَ عِنْدَ اللّٰهِ أَطْیَبُ مِنْ رِیحِ المِسْکِ.

وَآمُرَکُمْ بِالصَّدَقَهِ؛ وإنَّ مَثَلَ ذٰلِکَ کَمَثَلِ رَجُلٍ أَسَرَهُ العَدُوُّ فَأَوْثَقُوهُ إلیٰ عُنُقِهِ وَقَرَّبُوهُ لِیَضْرِبُوا عُنُقَهُ، فَقالَ لَهُمْ: هَلْ لَکُمْ أَنْ أَفْدِی نَفْسِی مِنْکُمْ، فَجَعَلَ یُعْطِیهِمُ القَلِیلَ وَالکَثِیرَ حَتّیٰ فَدیٰ نَفْسَهُ مِنْهُمْ.

وَآمُرَکُمْ بِذِکْرِ اللّٰهِ کَثِیراً؛ وَإنَّ مَثَلَ ذٰلِکَ کَرَجُلٍ أصابَهُ العَدُوُّ سِراعاً فی إثْرِهِ حَتّیٰ أتیٰ عَلیٰ حِصْنٍ حَصِینٍ فَأَحْرَزَ نَفْسَهُ فِیهِ؛ وَکَذٰلِکَ العَبْدُ لا یُحْرِزُ نَفْسَهُ مِنَ الشَّیْطانِ إلّابِذِکْرِ اللّٰهِ.

فَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله و سلم : وَأنا آمُرُکُمْ بِخَمْسٍ أمَرَنِی اللّٰهُ بِهِنَّ: الجَماعَهُ، وَالسَّمْعُ، وَالطّاعَهُ، وَالهِجْرَهُ وَالجِهادُ فی سَبِیلِ اللّٰهِ؛ فَمَنْ فارَقَ الجَماعَهَ قَیْدَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَهَ الإسْلامِ مِنْ رَأْسِهِ إلّا أنْ یَرْجِعَ؛ وَمَنْ دَعا بِدَعْوَی الجاهِلِیَّهِ فَإنَّهُ مِنْ حَثاءِ جَهَنَّم.

قالَ رَجُلٌ: وَإنْ صامَ وَصَلّیٰ؟

قالَ: وَإنْ صامَ وَصَلّیٰ؛ أُدْعُوا بِدَعْوَی اللّٰهِ الَّذی سَمّاکُمُ المُؤْمِنِینَ، عِبادَ اللّٰهِ! (۱).

حرث (حارث) اشعری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود خدا یحیی بن زکریا را به پنج چیز فرمان داد که به آنها عمل کند، و به بنی اسرائیل دستور دهد که به آنها عمل کنند... آنگاه یحیی مردم را در بیت المقدس گرد آورد، و آنجا آنچنان پر شد که مردم روی کنگره ها نشستند.

سپس گفت: به راستی خدا مرا به پنج چیز فرمان داده که به آنها عمل کنم، و به شما دستور دهم که به آنها عمل کنید: یکی آنکه خدا را بپرستید، و چیزی را شریک او نسازید. کسی که شریک برای خدا قرار می دهد مانند کسی است که برده ای را به زر یا سیم از مال خالص خودش می خرد، و به او می گوید: این خانه من است و این هم کار من. کار کن و در آمد آن را به

۱- (۱) . التمهید، ج ۲۱، ص ۲۷۹؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۸۲ ، ح ۱۵۳۴ با کمی اختلاف؛ مسند ابی یعلی موصلی، ج ۲، ص ۵۲ ، ح ۱۵۷۲..

من بـده. اما بنـده کار کنـد و حاصل آن را به غیر مالک خود بپردازد، کـدام یک از شـما می پسـندد که بنده اش چنین باشد؟ همانا خداوند شما را آفریده، و به شما روزی داده است، پس چیزی را شریک او نسازید.

و اینکه شـما را به نمـاز فرمان دهم؛ هنگامی که نماز می خوانیـد به چیزی جز نماز توجه نکنیـد؛ زیرا تا زمانی که بنـده حضور قلب دارد خداوند به او توجه دارد.

خدا شما را به روزه فرمان داده است؛ مثل روزه مثل مردی است که در میان یک جمع همیانی دارد که در آن مشک است که همه آنها دوست دارند آن را ببویند.

و شـما را به صـدقه فرمان می دهم؛ کسـی که صدقه می دهد بسان مردی است که او را اسـیر کرده و دسـتهایش را به گردنش بسته اند، و او را آورده اند که گردنش را بزنند؛ و او در این حال می گوید: آیا می پذیرید که خودم را با دادن فدا آزاد کنم؟ و شروع کند هر چه دارد، از ریز و درشت، به آنها بدهد تا خود را با دادن فدا آزاد کند.

شما را فرمان می دهم به این که زیاد به یاد خدا باشـید. کسـی که به یاد خدا باشد همانند مردی است که دشمن شتابان در پی او است – و او گریزان – تا اینکه به دژ محکمی می رسد، و جان خود را در پناه آن حفظ می کند؛ همچنین بنده نیز نمی تواند جز با ذکر خدا خود را حفظ کند.

سپس پیـامبر صـلی الله علیـه و آلـه و سـلم فرمـود: من نیز شـما را به پنـج چیز فرمـان می دهم که خـدا به من فرمـان داده است: جماعت، و پذیرش، و فرمانبری، و هجرت، و جهاد در راه خدا. کسی که به اندازه یک وجب از جمع مسلمانان دور شود رشته اسلام را از سر خود گشوده است، مگر آنکه برگردد.

کسـی که به کارهای جاهلیت – مانند زنده کردن تعصبات قبیله ای – فرا خواند، همانا از توده جهنمیان است. مردی پرسید هر چنـد نماز گزارد و روزه یگیرد؟ فرمود هر چنـد نماز بگزارد و روزه بگیرد. ای بنـدگان خدا! به چیزی فراخوانید که خدا به آن فرا خوانده، خدایی که شما را مؤمنان نامیده است.

(۱۲۶) ۱۴– کنز العمال: عَن ابن عمرو: إنَّما هَلَکَ مَنْ کانَ قَبْلَکُمْ بِاخْتِلافِهِمْ فی الکِتابِ (۱).

۱– (۱) . کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۰، ح ۹۱۲ .

ابن عمرو گوید: که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: امّتهای پیشین تنها به سبب این که در کتاب دینی خود اختلاف کردند نابود شدند.

(۱۲۷)

۱۵ - کنز العمال: عَن سعد: أَذَهَبْتُمْ مِنْ عِنْدِی جَمِیعاً وَجِئْتُمْ مُتَفَرِّقِینَ؟! إنَّما أَهْلَکَ مَنْ کانَ قَبْلَکُمْ الفُرْقَهُ (۱).

سعد گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از نزد من دستجمعی رفتید و پراکنده آمدید. امتهای پیش از شما را تنها تفرقه نابود کرد.

(۱۲۸)

۱۶ - کنز العمال: عَن ابن مسعود: إنَّما أَهْلَکَ مَنْ کانَ قَبْلَکُمُ الِاخْتِلافُ (۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تنها اختلاف بود که مردمان پیش از شما را نابود کرد.

(۱۲۹)

۱۷ - کنز العمال: عَن عُمَر: مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّهٌ بَعْدَ نَبِیِّها إلّاظَهَرَ أَهْلُ باطِلِها عَلیٰ أَهْلِ حَقِّها (۳).

عمر گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ امّتی پس از پیامبر خود اختلاف پیدا نکردند

۱- (۱) . کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۲، ح ۹۲۰. .

۲- (۲) . همان، ص ۱۹۲، ح ۹۷۱. .

۳- (۳) . همان، ص ۱۸۳، ح ۹۲۹..

مگر آنکه باطل گرایان آن امت بر حق گرایانش پیروز شدند.

(۱۳۰)

۱۸ - کنز العمال: عن النبیّ صلی الله علیه و آله : یَدُ اللّهِ عَلَی الجَماعَهِ؛ فَإذَا اشْتَذَّ الشّاذُّ مِنْهُمُ اخْتَطَفَهُ الشَّیْطانُ کَما یَخْتَطِفُ الذِّئْبُ الشّاهَ الشّاذَّهَ مِنَ الغَنَمِ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دست [لطف و کمک] خدا بر سر جماعت (۲) است. پس هر گاه کسی از جمع جدا و تنها شود شیطان او را می رباید چنانکه گرگ گوسفند جدا و دور مانده از گله را می رباید.

(۱۳۱) ۱۹- العهود المحمدیه: رَوی أبُو داوُدَ وَغَیْرُهُ مَرْفُوعاً: عَلَیْکُمْ بِالجَماعَهِ، فَإنَّما یَأْکُلُ الذِّئْبُ مِنَ الغَنَمِ القاصِیَهَ (۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم : باید همراه جماعت باشید که گرگ فقط گوسفند جدا و دور مانده از گله را می خورد.

(۱۳۲) ۲۰- کنز العمال: عَنِ الحارثِ بنِ الحارثِ الأشعری قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : إنَّ اللّهَ عَزَّ وَجَلَّ أمَرَنِی أنْ آمُرَکُمْ بِخَمْسِ کَلِماتٍ: عَلَیْکُمْ بِالجِهادِ وَالسَّمْعِ وَالطّاعَهِ وَالهِجْرَهِ (۴)؛ فَمَنْ فارَقَ الجَماعَهَ قَیْدَ قَوْسٍ لَمْ یَقْبَلْ مِنْهُ صَلاهً وَلا صِیاماً، وَأُولئِکَ هُمْ وَقُودُ النّارِ (۵).

حارث بن حارث اشعری گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند عز و جل به من فرمود که شما را به پنج کار فرمان دهم: بر شما است جهاد و پذیرش و فرمانبری و هجرت؛ پس هر کس از جماعت (گروه و جمع مسلمانان) به اندازهٔ کمانی دور شود، خداوند نماز و روزه ای را از او نمی پذیرد، و چنین افرادی سوختِ دوزخند.

(۱۳۳) ۲۱- کنز العمال: عَن معاویه: مَنْ فارَقَ الجَماعَهَ شِبْراً دَخَلَ النّارَ (۶).

معاویه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم : هر کس از جماعت (گروه مسلمانان) به اندازهٔ یک وجب دور شود وارد آتش می شود.

۱- (۱) . همان، ص ۲۰۷ - ۲۰۶، ح ۱۰۳۲..

۲- (۲) . روشن است که در جمعیت، باید گرایش به حق منظور شود، وگرنه جمعیت فراوان به تنهایی کارساز نیست. روایت شده که شخصی به حضور امیر مؤمنان علیه السلام آمد و از مفهوم «سنت»، «بدعت»، و «جماعت» و «فرقه» سؤال کرد. حضرت فرمود: سنّت آن چیزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرسوم کرده است، و بدعت آن چیزی است که بعد از آن حضرت حادث شده است، و منظور از جماعت اهل و طرفداران حق اند اگرچه اندک باشند، و فرقه طرفداران باطل اند اگرچه زیاد باشند. (الجماعه أهل الحقّ وإن کانوا قلیلاً والفرقه أهل الباطل وإن کانوا کثیراً) «معانی الاخبار: ۱۵۴ - ۱۵۵». از این رو می بینیم که در فیض القدیر نیز جماعت را انصراف داده به گروهی که از فسق و گناه دور بوده و محسن باشند، اگرچه عدد

آنها کم باشد..

۳- (۳) . العهود المحمدیه، ص ۶۸۷، این روایت را زیر عنوان «النهی عن التهاون بصلاه الجماعه» آورده است..

۴- (۴) . به قرینه جملهٔ بعد ظاهراً مورد پنجم (والجماعه) است، همانگونه که در مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۳۹۱ح ۹۰۹۴ هم آمده است. .

۵- (۵) . کنز العمال، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۱۶۶۵. .

۶- (۶) . همان، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱۰۳۹. .

(۱۳۴)

۲۲ – کنز العمال: مَنْ فارَقَ الجَماعَهَ شِبْراً، فارَقَ الإسْلامَ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم : آن کس که از جماعت (جمع مسلمانان) جدا شود از اسلام جدا شده است.

(۱۳۵)

۲۳ – المعجم الکبیر: عَن ابن عبّاس قالَ: قالَ رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : مَنْ شَقَّ عَصَا (۲) المُسْلِمِینَ – وَالمُسْلِمُونَ فی إسْلامٍ دامج – فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَهَ الإسْلامِ مِنْ عُنُقِهِ (۳).

ابن عباس گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس اتحاد و یکپارچگی اسلامی مسلمانان را که در گسترهٔ اسلام گرد آمده اند بر هم زند، رشته اسلام را از گردن خود گشوده است.

(۱۳۶)

۲۴ – المصنف: عن أبی هُریرهَ قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَقُولُ: مَنْ فارَقَ الجَماعَهَ وَخَرَجَ مِنَ الطّاعَهِ فَماتَ، فَمِیتَتُهُ جاهِلِیَّهٌ. وَمَنْ خَرَجَ عَلیَ أُمَّتِی بِسَیْفِهِ فَیَضْرِبَ بَرَّها وَفاجِرَها، لا یَتَحاشی مُؤْمِناً لِإیمانِهِ، وَلا یَفِی لِذِی عَهْدٍ بِعَهْدِهِ، فَلَیْسَ مِنْ أُمَّتِی. وَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رایَهٍ عَمْیَهٍ یَغْضَبُ لِلعَصَبِیَّهِ، أَوْ یُقاتِلُ لِلعَصَبِیَّهِ، أَوْ یَدْعُو إلَی العَصَبِیَّهِ، فَقَتْلَتُهُ جاهِلِیَّهٌ (۴).

ابو هریره گوید: شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: هر کس از جماعت (جمع مسلمانان) جدا شود و – از حاکم مسلمانان – فرمان نبرد و بمیرد، مرگ او مرگ جاهلیت است. هر کس به روی امت من شمشیر بکشد و نیک و بدشان را بکشد، و برای ایمان مؤمن اهمیت و ارزشی نبیند، و به پیمانی که با کسی بسته وفا ننماید از امت من نیست. هر کس زیر پرچم باطل و لوای فتنه و آشوب برای عصبیت بر آشوبد یا بجنگد یا به عصبیت فراخواند و کشته شود، کشته جاهلیت است.

۱– (۱) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱۰۴۲. .

۲– (۲) . معنای (شق عصا) در ص ۱۹۸ خواهد آمد..

۳– (۳) . المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۲۱، ح ۱۰۹۲۵. .

۴– (۴) . المصنف، ج ۱۱، ص ۳۳۹، ح ۲۰۷۰۷..

(۱۳۷) ۲۵- نهج البلاغه: فَانْظُرُوا إلیٰ ما صارُوا إلَیْهِ فی آخِرِ أُمُورِهِمْ، حِینَ وَقَعَتِ الفُرْقَهُ، وَتَشَتَّتَتِ الأُلْفَهُ، وَاخْتَلَفَتِ الکَلِمَهُ وَالأَفْئِدَهُ، وَتَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِینَ، وَتَفَرَّقُوا مُتَحازِبِینَ، قَدْ خَلَعَ اللّٰهُ عَنْهُمْ لِباسَ کَرامَتِهِ، وَسَلَبَهُمْ غَضارَهَ نِعْمَتِهِ، وَبَقِیَ قَصَصُ أَخْبارِهِمْ فِیکُمْ عِبَراً لِلْمُعْتَبِرِینَ (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام : ... پس به سر انجام آنان - یعنی امتهای پیشین - ، در پایان کارشان، بنگرید، آنگاه که میانشان جدایی افتاد، و رشته وابستگی شان از هم گسست، و سخنها و دلهاشان با هم ناسازگار شد، و دسته دسته از هم جدا شدند و گروه های پراکنده ای گشتند که خداوند لباس کرامت خود را از تنشان بیرون کرده، و نعمت فراخ خویش را از چنگشان در آورده بود، و - تنها - داستانشان در میان شما ماند، تا پندگیران از آن درسها گیرند.

(۱۳۸) ۲۶- نهج البلاغه: إنَّهُ لا غَناءَ فی کَثْرَهِ عَدَدِکُمْ مَعَ قِلَّهِ اجْتِماعِ قُلُوبِکُمْ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:... تا همدلی شما اندک است شمار فراوانتان کارساز نیست.

(۱۳۹) ۲۷- کافی: عن عبدِ الأعلیٰ قالَ: سَمِعْتُ أبا عَبدِ اللّٰهِ علیه السلام یَقُولُ: إنَّهُ لَیْسَ مِنِ احْتِمالِ أَمْرِنا التَّصْدِیقُ لَهُ وَالقَبُولُ فَقَطّ، مِنِ احْتِمالِ أَمْرِنا سَتْرُهُ وَصِیانَتُهُ مِنْ غَیْرِ أَهْلِهِ؛ فَاقْرَأْهُمُ السَّلامَ وَقُلْ لَهُمْ: رَحِمَ اللّٰهُ عَبْداً اجْتَرَّ مَوَدَّهَ النّاسِ إلیٰ نَفْسِهِ، حَدِّثُوهُمْ بِما یَعْرِفُونَ، وَاسْتُرُوا عَنْهُمْ ما یُنْکِرُونَ.

ثُمَّ قالَ: وَاللّٰهِ مَا النّاصِبُ لَنا حَرْباً بِأَشَدَّ عَلَیْنا مُؤُونَهً مِنَ النّاطِقِ عَلَیْنا بِما نَکَرَهُ؛ فَإذا عَرَفْتُمْ مِنْ عَبدٍ إذاعَهً فَامْشُوا إلَیْهِ وَرُدُّوهُ عَنْها، فَإنْ قَبِلَ مِنْکُمْ، وَإلّا فَتَحَمَّلُوا عَلَیْهِ بِمَنْ یَثْقُلُ عَلَیْهِ وَیَسْمَعُ مِنْهُ؛ فَإنَّ الرَّجُلَ مِنْکُم یَطْلُبُ الحاجَهَ فَیَلْطُفُ فِیها حَتّیٰ تُقْضیٰ لَهُ، فَالْطُفُوا فی حاجَتِی کَما تَلْطُفُونَ فی حَوائِجِکُمْ، فَإنْ هُوَ قَبِلَ مِنْکُمْ وَإلّا فَادْفِنُوا کَلامَهُ تَحْتَ أَقْدامِکُمْ، وَلا تَقُولُوا:

إنَّهُ یَقُولُ وَیَقُولُ؛ فَإنَّ ذٰلِکَ یُحْمَلُ عَلَیَّ وَعَلَیْکُمْ.

أَما وَاللّٰهِ لَوْ کُنْتُمْ تَقُولُونَ ما أَقُولُ لَأَقْرَرْتُ أَنَّکُمْ أَصْحابِی. هٰذا أبُو حَنِیفَهَ لَهُ أَصْحابٌ، وَهٰذَا

۱- (۱) . نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۲؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۱، خ ۱۹۲..

۲- (۲) . نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۲؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۵، ک ۱۱۹..

الحَسَنُ البَصْرِيُّ لَهُ أَصْحابٌ، وَأنـا امْرُؤٌ مِنْ قُرَيْشٍ، قَدْ وَلَدَنِی رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله وَعَلِمْتُ كِتابَ اللّهِ وَفِيهِ تِبْيانُ كُلِّ شَیءٍ، بَدْؤُ الخَلْقِ وَأَمْرُ السَّماءِ وَأَمْرُ الأَرْضِ وَأَمْرُ الأَوَّلِينَ وَأَمْرُ الآخِرِينَ وَأَمْرُ ما كانَ وَأَمْرُ ما يَكُونُ، كَأَنِّی أَنْظُرُ إِلی ذلِکَ نُصْبَ عَيْنِی (۱).

عبد الاعلی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: تحمّل امر ما - شیعه ما شدن - تنها به باور کردن و پذیرفتن آن نیست؛ از شرائط تحمل امر ما پنهان کردن و دور نگهداشتن آن از غیر اهلش می باشد. پس به آنان سلام برسان و به ایشان بگو: خدا بنده ای را رحمت کند که مردم را به دوستی خود بر انگیزد؛ از آنچه خوب و درست می دانند با آنان سخن بگویید و آنچه را بد و نادرست می شمارند از آنان پنهان کنید.

سپس فرمود: به خدا، دشمنی که با ما می جنگد زبانش برای ما بیش از زبان کسی نیست که سخنی از ما می گوید که - گفتن - آن را خوش نداریم. پس هنگامی که دیدید کسی رازی را فاش می کند، نزد او بروید و او را از آن کار بازدارید، اگر از شما پذیرفت چه بهتر و گر نه به وسیله کسی که پیش او بزرگ است و از او فرمان می برد او را باز دارید. هر گاه شما خواسته ای داشته باشید در مورد آن با لطف و مدارا رفتار می کنید تا به خواسته خود برسید؛ پس در مورد خواستهٔ من نیز همانند نیازهای خود ملاطفت به خرج دهید. با این حال اگر او از شما پذیرفت که چه بهتر و گر نه سخن او را - نشنیده گرفته - در زیر پایتان دفن کنید؛ و نگویید که او چنین و چنان می گوید، زیرا آن را به پای من و شما می گذارند.

هان به خدا سوگند، اگر آنچه را من می گویم می گفتید، من اقرار می کردم که شما یاران من هستید. این ابوحنیفه است که یارانی دارد، و این حسن بصری است که یارانی دارد، و من مردی از قریشم، و زاده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستم، و به کتاب خدا آگاهم کتابی که در آن بیان هر چیز هست؛ شروع آفرینش و کار آسمان و کار زمین و کار پیشینیان و پسینیان و امر آنچه بوده و آنچه خواهد بود؛ آنگونه به آن آگاهم که گویا جلوی چشم من است و به آن می نگرم.

(۱۴۰)

۲۸ - وسائل الشيعه: عنِ ابنِ أبی عُمَيرٍ، عنْ بَعضِ أصحابِهِ، عن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام قالَ: مَنْ قالَ فی

۱- (۱) . کافی، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۵ ..

مُؤْمِنٍ ما رَأَتْهُ عَیْناهُ وَسَمِعَتْهُ أُذُناهُ، فَهُوَ مِنَ الَّذِینَ قالَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الَّذِینَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الفاحِشَهُ فِی الَّذِینَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ» (۱) . (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در باره مؤمنی آنچه را به چشم خود دیده و به گوش خود شنیده - به دیگران - بگوید، از کسانی است که خدای عزّ و جلّ می فرماید «همانا کسانی که دوست دارند که کار زشت در میان مؤمنان رواج پیدا کند عذابی دردناک خواهند داشت».

۱- (۱) . نور: ۱۹. .

۲- (۲) . وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۰، ح ۱۶۳۰۵..

نظر علامه طباطبایی رضوان اللّه تعالی علیه در باره روایاتی که می گویند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از نزول آیه شریفه از خداوند متعال درخواست کرد که امتش را از این عذابها نگهدارد:

- تفسیر المیزان: وقدْ رَوَی السّیوطِی فی الدُّرِّ المنثورِ، وَابنُ کثیرٍ فی تفسیرهِ أخباراً کثیرهً دالَّهً عَلیٰ أنَّهُ لَمّا نَزَلَتِ الآیَهُ: «قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلیٰ أَنْ یَبْعَثَ عَلَیْکُمْ» إلیٰ آخِرِها، اسْتَعاذَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم إلی ربّه و دعاه أن لا یعذّب امّته بما أوعدهم من أنواع العذاب، فأجابه ربّه إلی بعضها و لم یجبه إلی بعض آخر، و هو أن لا یلبسهم شیعاً ولا یذیق بعضهم بأس بعض.

و هذه الروایات - علی کثرتها - وإن اشتملت علی القویّه والضعیفه من حیث أسنادها موهونه جمیعاً بمخالفتها لظاهر الآیه فإنّ قوله تعالی فی الآیتین التالیتین: «وَ کَذَّبَ بِهِ قَوْمُکَ وَ هُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَیْکُمْ بِوَکِیلٍ * لِکُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ» (۱) تهدید صریح بالوقوع و قد نزلت الآیات - وهی من سوره الأنعام - دفعه و قد أمر اللّه تعالی نبیّه صلی الله علیه و آله و سلم أن یبلّغ ذلک امّته ولو کان هناک بداء برفع البلاء لکان من الواجب أن نجده فی کلامه الذی لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه، ولیس من ذلک أثر بل الأمر علی خلافه کما تقدّم فی البیان السابق أنّ عدّه من آیات القرآن الکریم تؤیّد هذه الآیات فی مضمونها کالّتی فی سوره یونس و الروم و غیرهما.

علیٰ أنّها تعارض روایات اخر کثیره من طرق الفریقین دالّه علی وقوع ذلک و نزوله علی الاُمّه فی مستقبل الزمان... (۲)

سیوطی در الدر المنثور و ابن کثیر در تفسیر خود روایات فراوانی را آورده اند که دلالت دارد بر اینکه هنگامی که آیه شریفه «قل هو القادر علی ان یبعث عذاباً من فوقکم....» فرود آمد

ص:۱۵۳

۱- (۱) . انعام: ۶۵ و ۶۶..

۲- (۲) . المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۵۰ - ۱۵۲..

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خدا پناه برد و از او خواست که امتش را به عذابهای گوناگونی که آنان را به آن تهدید کرده گرفتار نکند و پروردگارش خواسته اش را در باره رفع پاره ای از عذابها پذیرفته، ولی نپذیرفته است که آنان را دسته دسته با هم در گیر نکند و آنان گرفتار شکنجه و کشتار یکدیگر نسازد.

این روایات - با آنکه فراوانند - و در بین آنها هم روایات قوی و هم ضعیف - از نظر سند - وجود دارد ولی به سبب مخالفت آنها با ظاهر آیه شریفه همه آنها فاقد اعتبارند، زیرا فرموده خدای متعال در دو آیه بعد: «وَ كَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَ هُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ * لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ» تهدید صریح است به وقوع آنها، و چون سوره انعام یک باره نازل شده - پس این دو آیه ناظر به همان عذابها است - و خداوند متعال به پیامبرش فرمان داده که آن - وعده عذابها - را به امتش ابلاغ کند، و اگر بدایی در کار بود باید ما آن را در کلام او که به هیچ وجه باطل در آن راه ندارد می یافتیم، با آنکه اثری از آن نیست بلکه بر عکس چنانکه در گفتار سابق گذشت شماری از آیات قرآن کریم مانند آیاتی که در سوره یونس و روم و جز آن آمده مضمون این آیات را تایید می کند.

به علاوه این روایات با روایات فراوان دیگری که شیعه و سنی نقل کرده اند - که بر وقوع و نزول این عذابها بر امت در آینده دلالت دارد - در تعارض است، از این گذشته این روایات با آنکه فراوانند و بسیاری از آنها اتفاق دارند بر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پی نزول این آیه «قل هو القادر علی ان یبعث...» این امور را از خدا خواست، تعداد درخواستها در همه این روایات یکسان نیست: در برخی سه درخواست آمده و در برخی چهار. و همچنین تعداد درخواست پذیرفته شده در همه مساوی نیست، در بعضی از آنها یکی است و در برخی دو تا. و نیز در اینکه درخواستها چه بوده اختلاف دارند برخی گویند ایمنی از سنگباران شدن از آسمان و غرق در زمین و در امان ماندن از پراکندگی و جنگ و درگیری بوده است، و در بعضی دیگر آمده که آن درخواستها ایمنی از غرق و قحطی و جنگ داخلی بوده، و در برخی دیگر حفظ از قحطی فراگیر و تسلط دشمنان خارجی و جنگ داخلی بوده است. و پاره ای دیگر گوید درخواستها این است که امتش را بر گمراهی همداستان نسازد و دشمنی از غیر خودشان را بر

آنان چیره نکنـد و با قحطی هلاکشان ننماید و آنان را به جان هم نیندازد و گرفتار جنگ داخلی نکند. و در برخی دیگر آمده که دشـمنان بیگانه را بر آنان مسـلط نکنـد و آنان را با غرق نابود نسازد و ایشان را به جنگ داخلی گرفتار ننمایـد. و در برخی است که آنـان را به عـذابهایی که پیشـینیان را بـا آن نـابود کرده از بین نبرد و دشـمن بیگـانه را بر آنان مسـلط نکنـد و آنان را پراکنده نسازد و دچار جنگ و خشونت نسـبت به یکدیگر نکند. و در بعضی است که درخواستش این بوده که بر آنان از فراز سرشان (آسـمان) و از زیر پایشان (زمین) عذاب نفرستد و آنان را گروه گروه نسازد و دچار جنگ داخلی و خشونت نسبت به یکدیگر نکند.

از اینها گذشـته در بسیاری از آنها آمده است که دعای آن حضرت در حره بنی معاویه - که یکی از روستاهای متعلق به انصار در عالیه است - بوده که در این صورت بایـد بعد از هجرت باشد، با آنکه سوره شـریفه انعام پیش از هجرت در مکه یکباره و یکجا نازل شده است. در این روایات اختلافهای دیگری نیز هست که هر کس به آنها رجوع کند برایش روشن می شود.

اگر به ناچار باید یکی از این روایات را برگزینیم، بهتر از همه روایتی است که او - سـیوطی - از عبد الرزاق و عبد بن حمید و ابن المنذر و ابن مردویه از شداد بن اوس - مرفوعاً - از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود: خداوند زمین را چنـان به من نمود که از مشرق تـا مغرب آن را دیـدم و به یقین دامنه سـلطهٔ امت من به جاهـایی که دیـدم گسـترش خواهد یافت. دیگر آنکه به من دو گنج داده شد یکی سـفید و دیگری سرخ، و من از پروردگارم خواستم که امتم را به قحطی فراگیر نابود نکنـد، و آنان را گروه گروه نسازد و گرفتار خشونت و جنگ داخلی نکنـد؛ خداونـد در جوابم فرمود: محمد! قضایی که گذرانده باشم بازگشت ندارد، و همانا من این خواسته ات را در باره امتت بر آوردم که آنان را به قحطی عمومی نابود نکنم و دشـمنی بیگانه بر آنان چیره نکنم که آنان را نابود کند، تا اینکه خودشان یکدیگر را نابود کنند و بکشـند و به اسارت بگیرند. سپس پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: من بر امتم از پیشوایان گمراه کننده می ترسم. و آنگاه که در میان امتم شمشیر کشیده شد، تا روز قیامت از آنها برداشته نخواهد شد.

این روایت و روایاتی همانند آن بیشتر اشـکالات گذشـته را ندارد و اینها نمی گویند که دعا در پی نزول آن آیه بوده است. با این همه باید گفت منظور روایت مصون ماندن امت از

نابودی همگانی و قحطی فراگیری است که همه را نابود می کنـد، وگرنه قحطی ها و بلاها و کشـتارهای سـنگین و بی رحمانه ای که در جنگ های مغول و صـلیبی و در انـدلس و غیر آن برای مسـلمانان پیش آمـد انکارپذیر نیست. و همچنین باید گفت که این دعا و درخواست در آغاز بعثت پیش از نزول سوره انعام بوده؛ چرا که نمی شود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آن معرفتی که به مقام پروردگارش دارد و با آن قدر و منزلتش پس از دریافت این آیات از راه وحی، از پروردگارش بخواهد که قضایی را که گذرانده و او را به تبلیغ و انذار امت به آن فرمان داده تغییر دهد.

با این همه حرفها قرآن شـریف با آیات خود حقیقت امر را نشان می دهد که: این دین تا روز رستاخیز پا بر جاست، و این امت همگی نابود نمی شوند، لکن از هر بلایی نیز مصون نیست بلکه بلاهایی که خداوند امتهای گذشـته را به آنها گرفتار کرد، بی کم و زیاد و بدون برو و برگرد بر سـر این امت نیز خواهد آمد؛ و روایات بسـیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان اهل بیت که صدور و دلالت آنها یقینی است همین را می گوید.

- تفسیر نمونه: در تفسیر آیه ذکر شده (آیهٔ ۶۵ سورهٔ انعام)

در اینجا باید به چند نکته توجه کرد:

۱ - در اینکه منظور از «عـذاب» از طرف «بالا» و «پائین» چیست در میان مفسـران گفتگو است، ولی ظاهر این است که این دو کلمه (فوق و تحت) معنی بسیار وسیعی دارند هم طرف بالا و پائین حسی را شامل می شوند، یعنی مجازاتهایی مانند صاعقه ها و رگبارهای خطرناک و طوفانها از طرف بالا، و زلزله ها و شکافهای ویرانگر زمینی و طغیان رودها و دریاها از طرف پائین، را در بر می گیرد.

و نیز عذابهای دردناکی را که از طرف طبقه حکام و قشـرهای بالای اجتماع بر سر بعضی از ملتها فرو می ریزد، و ناراحتی ها و شکنجه هـایی که از طرف بعضـی از کـارگران وظیفه نشـناس دامنگیر مردم می شـود که گـاهی کمـتر از عـذابهای دسـته اول نیست، شامل می گردد.

همچنین ممکن است سـلاحهای جنگی مخوف عصـر مـا که از هوا و زمین زنـدگانی بشـر را به صورت وحشـتناکی در هم می کوبـد و در مـدت کوتـاهی آبادترین شـهرها را از طریق بمبارانهای هوایی و حمله های زمینی و مین گـذاریها و زیر دریایی ها تبدیل به تل خاکستری

می کند در مفهوم وسیع آیه داخل باشد.

۲ - یَلْبِسَـکُمْ از مـاده لَبْس (بر وزن حبس) به معنی اختلاط و بهم آمیختن است نه از ماده «لُبْس» بر وزن «قرص» به معنی لباس پوشیدن، بنا بر این معنی جمله چنین می شود: او می تواند شما را به صورت گروه ها و دسته های مختلف به هم بیامیزد.

۳ - مسأله اختلاف کلمه و پراکندگی در میان جمعیت به قدری خطرناک است که در ردیف عذابهای آسـمانی و صاعقه ها و زلزلـه هـا قرار گرفته است، و راستی چنین است، بلکه گـاهی ویرانیهـای ناشـی از اختلاف و پراکنـدگی به درجـات بیشـتر از ویرانیهای ناشی از صاعقه ها و زلزله ها است، کراراً دیده شده است کشورهای آباد در سایه شوم نفاق و تفرقه به نابودی مطلق کشیده شده است و این جمله هشداری است به همه مسلمانان جهان!

این احتمـال نیز در تفسـیر این جمله وجود دارد که: خداونـد در برابر عـذابهای آسـمانی و زمینی دو عـذاب دیگر را بیان کرده یکی اختلاف عقیده و فکر (که در حقیقت همانند مجازاتهای از طرف بالا است) و دیگر اختلافهای در ناحیه عمل و روشـهای اجتمـاعی که منجر به جنگ و خونریزی می شود (که شبیه مجازاتهـای از طرف پـائین است)، بنـابر این به چهـار نوع مجازات طبیعی و دو نوع مجازات اجتماعی در آیه اشاره شده است.

۴ - اشـتباه نشـود، اینکه آیه مورد بحث می گویـد: خداونـد تفرقه در میـان شـما بیفکنـد، نه به این معنی است که خداونـد بی جهت مردم را گرفتار نفاق و اختلاف می کنـد، بلکه این نتیجه اعمال سوء مردم و خودخواهیها و خودپرستیها و سود جوییهای شخصی است که نتیجه آن به صورت نفاق و تفرقه بروز می کند، و نسبت دادن آن به خدا به خاطر آن است که او چنین اثری را در این اعمال زشت قرار داده است.

۴ - با توجه به اینکه روی سـخن در این آیات به مشرکان و بت پرستان است چنین نتیجه می گیریم: یک جامعه مشرک که از مسـیر توحیـد و یکتـا پرستی منحرف شـده است، هم گرفتـار ظلم و سـتم طبقـات بالا، و هم وظیفه نشناسـی طبقـات پائین، هم اختلاف عقیده و هم کشمکشهای خونین اجتماعی می شود، همانطور که جوامع مادی دنیای امروز که تنها در برابر بت صنعت و ثروت سجده می کنند، گرفتار تمام این بلاهای بزرگ هستند و در میان آن دست و پا می زنند.

ملتهایی نیز سراغ داریم که دم از توحید و خدا پرستی می زنند ولی عملاً مشرک و

بت پرست می باشند، چنین ملتهایی نیز به همان سرنوشت مشرکان گرفتار خواهند شد. و اینکه در بعضی از اخبار می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: « کل هذا فی اهل القبله - همه این کیفرها در مسلمانان واقع می شود - » ممکن است اشاره به همین باشد، یعنی هر گاه مسلمانان از مسیر توحید انحراف یابند، خود خواهی و خودپرستی جای اخوت اسلامی را گرفت، منافع شخصی بر منافع عمومی مقدم داشته شد و هر کس به فکر خویشتن بود، و دستورات خداوند به دست فراموشی سپرده شد، آنها نیز گرفتار چنین سرنوشتی خواهند شد! (۱)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۸۳ - ۲۸۵ ..

فراخوانی مردم به اتحاد و دوری از اختلاف

۱- امر به اتحاد و نهی از تفرّق

(۱۴۱)

۱- «قُلْ یا أَهْلَ الکِتابِ تَعالَوْا إلیٰ کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَبَیْنَکُمْ أَلّا نَعْبُدَ إلّااللّٰهَ وَلا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئاً وَلا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أرْباباً مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَإنْ تَوَلَّوا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنّا مُسْلِمُونَ» (۱).

بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر امری که در میان ما و شما یکسان است همداستان شویم، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم، و برخی برخی را به جای خدا به ربوبیّت تعظیم نکنیم، هر گاه سر باز زنند بگویید: گواه باشید که ما (در برابر خدا) سر به فرمانیم.

(۱۴۲)

۲ - «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِیعاً وَلا تَفَرَّقُوا وَاذْکُرُوا نِعْمَهَ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ إذْ کُنْتُمْ أعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إخْواناً وَکُنْتُمْ عَلیٰ شَفا حُفْرَهٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها کَذٰلِکَ یُبَیِّنُ اللّٰهُ لَکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ» (۲).

همگی به ریسمان خدا - قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت - چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا بر خود را به یاد آرید که شما را که در گذشته با هم دشمن بودید همدل ساخت، و به برکت نعمت او برادر شدید؛ و شما را که بر لب گودال آتش بودید از آن نجات داد. این چنین خداوند آیات خود را بر شما آشکار می سازد، شاید پذیرای هدایت شوید.

۱- (۱) . آل عمران: ۶۴..

۲- (۲) . آل عمران: ۱۰۳..

(۱۴۳) ۳- «وَلا تَکُونُوا کَالَّذِینَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَیِّناتُ وَأُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ» (۱).

همچون کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف کردند؛ آنان عذابی سهمگین دارند.

(۱۴۴) ۴- «وَأَطِیعُوا اللّهَ وَرَسُولَهُ وَلا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِیحُکُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللّهَ مَعَ الصّابِرِینَ» (۲).

از خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم فرمان برید، و با هم کشمکش نکنید که سست شوید و قدرت و شوکت شما از میان برود؛ و شکیبایی کنید که خداوند با شکیبایان است.

(۱۴۵) ۵- «شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ ما وَصّی بِهِ نُوحاً وَالَّذِی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ وَما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهِیمَ وَمُوسی وَعِیسی أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ وَلا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ اللّهُ یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَنْ یَشاءُ وَیَهْدِی إِلَیْهِ مَنْ یُنِیبُ» (۳).

آیینی را برای شما قرار داد که به نوح توصیه کرد و به تو وحی نمودیم و به ابراهیم وموسی و عیسی سفارش کردیم که دین را بر پا دارید و در آن دسته دسته نشوید. بر مشرکان پذیرش آنچه را به سویش می خوانی گران است، خداوند هر کس را بخواهد برمی گزیند، و راه می نماید به کسی که به سوی او باز گردد.

(۱۴۶) ۶- «وَإِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَیْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَی الْأُخْری فَقاتِلُوا الَّتِی تَبْغِی حَتّی تَفِیْ ءَ إِلی أَمْرِ اللّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَیْنَهُما بِالعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ * إِنَّما الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَیْنَ أَخَوَیْکُمْ وَاتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ» (۴).

هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ پردازند آنان را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کرد، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد، و هر گاه بازگشت آن

۱- (۱) . آل عمران: ۱۰۵..

۲- (۲) . انفال: ۴۶..

۳- (۳) . شوری: ۱۳..

۴- (۴) . حجرات: ۹ و ۱۰..

دو را دادگرانه سازش دهید؛ و دادگری کنید که خداوند دادگران را دوست می دارد.

همانا مؤمنان با هم برادرند، پس دو برادر خود را آشتی دهید و از خدا پروا کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

(۱۴۷)

۷- مسند احمد: أنَس، عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم قالَ: لا تَقاطَعُوا وَلا تَباغَضُوا وَلا تَدابَرُوا وَلا تَحاسَدُوا؛ وَکُونُوا عِبادَ اللّهِ إخْواناً، وَلا یَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أنْ یَهْجُرَ أخاهُ فَوْقَ ثَلاثٍ (۱).

انس گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پیوندتان را با هم نگسلید، و دشمن همدیگر نباشید و به یکدیگر پشت نکنید، و به هم حسد نورزید. و ای بندگان خدا با یکدیگر برادر باشید. بر مسلمان روا نیست که بیش از سه روز از برادرش کناره گیرد.

(۱۴۸)

۸ - مسند احمد: عن عبدِ اللّهِ قالَ: سَمِعْتُ رَجُلاً یَقْرَأُ آیَهً عَلی غَیْرِ ما أقْرَأَنِی رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ، فَأَخَذْتُ بِیَدِهِ فَأَتَیْتُ بِهِ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله و سلم ، فَقالَ: کِلاکُما قَدْ أحْسَنَ. قالَ: وَغَضِبَ حَتّی عُرِفَ الغَضَبُ فی وَجْهِهِ. قالَ شُعبَهُ: أکْبَرُ ظَنِّی أنَّهُ قالَ: لا تَخْتَلِفُوا؛ فَإنَّ مَنْ قَبْلَکُمُ اخْتَلَفُوا فِیهِ، فَهَلَکُوا (۲).

عبداللّه بن مسعود گوید: شنیدم مردی آیه ای را به گونه ای می خواند که با آنچه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برایم خوانده بود تفاوت داشت، دست او را گرفتم و نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آوردم. آن حضرت فرمود: هر دو درست می خوانید (۳). عبداللّه گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این ماجرا چنان خشمناک شد که آثار خشم در چهره اش نمایان بود. شعبه - که یکی از راویان در سلسه سند است - گوید: گمان قوی دارم - در ادامه روایت - حضرت فرمود: اختلاف نکنید؛ که امتهای پیش از شما در کتاب دینی خود اختلاف کردند و به این سبب نابود شدند.

(۱۴۹) ۹ - مسند احمد: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : لا تَحاسَدُوا وَلا تَناجَشُوا وَلا تَباغَضُوا وَلا تَدابَرُوا وَلا یَبِعْ أحَدُکُمْ عَلی بَیْعِ أخِیهِ، وَکُونُوا - عِبادَ اللّهِ - إخْواناً. المُسْلِمُ أخُو المُسْلِمِ لا یَظْلِمُهُ وَلا یَخْذُلُهُ وَلا یَحْقِرُهُ، التَّقْوی هاهُنا - وَأشارَ بِیَدِهِ إلی صَدْرِهِ ثَلاثَ مَرّاتٍ - . حَسْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ

۱- (۱) . مسند احمد، ج ۳، ص ۱۱۰..

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۴۱۲..

۳- (۳) . نگاه کن عمده القاری، ج ۱۲، ص ۲۴۹ - ۲۵۰..

مِنَ الشَّرِّ أنْ یَحْقِرَ أخاهُ المُسْلِمَ. کُلَّ المُسْلِمِ عَلَی المُسْلِمِ حَرامٌ، دَمُهُ وَمالُهُ وَعِرْضُهُ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به یکدیگر حسد نورزید و در داد و ستد در رقابت با یکدیگر قیمت را بالا نبرید، و با هم دشمن نشوید، و به یکدیگر پشت نکنید، و بر روی معاملهٔ برادر خود داد و ستد نکنید، ای بندگان خدا با یکدیگر برادر باشید. مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی کند و او را تنها و بی کس رها نمی سازد، و او را کوچک و خوار نمی کند، - و سه مرتبه با دست خویش به سینه اش اشاره کرد و فرمود - تقوا این جاست. برای بدی یک مسلمان همین بس که برادر مسلمانش را خوار کند. خون و مال و آبروی هر مسلمانی بر مسلمان دیگر حرام است.

(۱۵۰) ۱۰- السنن الکبری: الزهری قالَ: أَخْبَرَنِی أَنَسُ بنُ مالِکٍ أَنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قالَ: لا تَباغَضُوا وَلا تَحاسَدُوا وَلا تَدابَرُوا وَکُونُوا - عِبادَ اللّهِ - إخْواناً؛ وَلا یَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أنْ یَهْجُرَ أخاهُ فَوْقَ ثَلاثِ لَیالٍ، یَلْتَقِیانِ یَصُدُّ هذا وَیَصُدُّ هذا؛ وَخَیْرُهُما الَّذِی یَبْدَأُ بِالسَّلامِ (۲).

انس بن مالک گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دشمن همدیگر نباشید، و به هم حسد نورزید، و به یکدیگر پشت نکنید، و ای بندگان خدا با یکدیگر برادر باشید. بر مسلمان روا نیست که بیش از سه شب از برادرش کناره گیرد که هنگام دیدار با هم هر یک از دیگری روی برتابد ؛ بهترین آنها کسی است که اول سلام کند.

(۱۵۱) ۱۱- المصنف: قالَ عبدُ اللّهِ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَقُولُ: إنَّ مَنْ قَبْلَکُمُ اخْتَلَفُوا فِیهِ فَأَهْلَکَهُمْ؛ فَلا تَخْتَلِفُوا فِیهِ - یَعْنِی القُرْآنَ - (۳).

عبداللّه بن مسعود گوید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود: کسانی که پیش از شما بودند در کتاب خدا اختلاف کردند، و این اختلاف آنان را نابود کرد، پس در آن - یعنی قرآن - اختلاف نکنید.

۱- (۱) . مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷۷..

۲- (۲) . السنن الکبری، ج ۱۵، ص ۳۴۶، ح ۲۱۶۶۴..

۳- (۳) . المصنف، ج ۷، ص ۱۸۹، ح ۶..

(۱۵۲)

۱۲ – کنز العمال: عَنِ ابْنِ مَسْعُود: لا تَخْتَلِفُوا فَإنَّ مَنْ کانَ قَبْلَکُمُ اخْتَلَفُوا فَهَلَکُوا (۱).

عبداللّه بن مسعود گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: با یکدیگر اختلاف نکنید که آنهایی که پیش از شما بودند اختلاف کردند و به این سبب هلاک شدند.

(۱۵۳)

۱۳ – کنز العمال: عَنِ البراء: لا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُکُمْ (۲).

براء گوید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: با یکدیگر اختلاف نکنید که دلهای شما با هم مخالف شوند.

(۱۵۴)

۱۴ – مسند الشامیین: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَلیٰ مِنْبَرِه: یا أَیُّهَا النّاسُ! لا تَقاطَعُوا وَلا تَدابَرُوا؛ فَإنَّ اللّهَ عَزَّ وَجَلَّ جامِعٌ – یَوْمَ القِیامَهِ – التَّقاطُعَ وَالتَّدابُرَ فَیَجْعَلُهُ فی النّارِ (۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر بالای منبر فرمود: ای مردم، پیوندتان را با هم نگسلید و به یکدیگر پشت نکنید، که خداوند عز و جل در روز قیامت، بریدن پیوند و پشت کردن به یکدیگر را جمع کرده و آن را در آتش می گذارد.

(۱۵۵)

۱۵ – کنز العمال: عن عمر بن مالک الأنصاری: آمُرُکُم بِثَلاثٍ وَأَنْهاکُمْ عَنْ ثَلاثٍ: آمُرُکُم أَنْ لا تُشْرِکُوا بِاللّهِ شَیْئاً، وأنْ تَعْتَصِمُوا بِالطّاعَهِ جَمیعاً حَتّیٰ یَأْتِیَکُمْ أَمْرٌ مِنَ اللّهِ وَأَنْتُمْ عَلیٰ ذٰلِکَ، وَأَنْ تُناصِحُوا وُلاهَ الأمْرِ مِنَ الَّذینَ یَأْمُرُونَکُمْ بِأَمْرِ اللّهِ؛ وَأَنْهاکُمْ عَنْ قِیل وَقال، وَکَثْرَهِ السُّؤالِ، وَإضاعَهِ المالِ (۴).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شما را به سه چیز فرمان می دهم و از سه چیز باز می دارم: فرمان می دهم که هیچ شریکی برای خدا قرار ندهید و همگی به فرمانبری (از حکومت) چنگ زنید تا آنکه امر خدا برایتان بیاید و شما بر این حال باشید، و برای زمامدارانی که شما را به انجام فرمان خدا دستور می دهند خیرخواهی کنید؛ و شما را از جار و جنجال و بگو مگو و کثرت سؤال و تباه کردن مال نهی می کنم.

۱- (۱) . کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۸۹۴ ..

۲- (۲) . همان، ص ۱۷۷، ح ۸۹۵ ..

٣- (٣) . مسند الشاميين، ج ٢، ص ٣٩٥، ح ١٥٦٥..

٤- (٤) . كنز العمال، ج ١، ص ٢٠٥، ح ١٠٢٣..

(۱۵۶) ۱۶- کنز العمال: عن جابِر: إنَّکُمُ الیَوْمَ عَلیٰ دِینٍ، وَإنّی مُکاثِرٌ بِکُمُ الأمَمَ، فَلا تَمْشُوا بَعْدُ القَهْقَریٰ (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم : همانا امروزه شما بر مدار دین هستید و من بر فزونتر بودنتان بر امتهای دیگر می بالم؛ پس از این به عقب بر نگردید.

(۱۵۷) ۱۷- نهج البلاغه: وَالْزَمُوا السَّوادَ الأَعْظَمَ؛ فَإنَّ یَدَ اللّهِ مَعَ الجَماعَهِ، وَإیّاکُمْ وَالفُرْقَهَ، فَإنَّ الشّاذَّ مِنَ النّاسِ لِلشَّیْطانِ، کَما أَنَّ الشّاذَّ مِنَ الغَنَمِ لِلذِّئْبِ (۲).

همواره با سواد اعظم (جمعیت حق مدار) باشید زیرا دست [کمک و حمایت] خدا با جماعت است. از پراکندگی و جدایی بپرهیزید، زیرا انسانِ تنها مانده نصیب شیطان است همانگونه که گوسفند تنها و جدا مانده نصیب گرگ است.

(۱۵۸) ۱۸- نهج البلاغه: وَالْزَمُوا ما عُقِدَ عَلَیْهِ حَبْلُ الجَماعَهِ، وَبُنِیَتْ عَلَیْهِ أرْکانُ الطّاعَهِ (۳).

همواره پایبند چیزی باشید که اتحاد و همبستگی جامعه را فراهم می آورد، و پایه های فرمانبری از خدا بر آن نهاده شده است.

(۱۵۹) ۱۹- کافی: عن هشام الکندی قالَ: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام یَقُولُ: إیّاکُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلاً یُعَیِّرُونا بِهِ؛ فَإنَّ وَلَدَ السَّوءِ یُعَیِّرُ والِدَهُ بِعَمَلِهِ. وَکُونُوا لِمَنِ انْقَطَعْتُمْ إلَیْهِ زَیناً، وَلا تَکُونُوا عَلَیْهِ شَیْناً.

صَلُّوا فی عَشائِرِهِمْ، وَعُودُوا مَرْضاهُمْ، وَاشْهَدُوا جَنائِزَهُمْ، وَلا یَسْبِقُونَکُمْ إلیٰ شَیْ ءٍ مِنَ الخَیْرِ، فَأَنْتُمْ أَوْلیٰ بِهِ مِنْهُمْ... (۴).

هشام کندی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: مبادا کاری کنید که ما را سرزنش کنند، زیرا به سبب کار فرزند ناشایست پدر را سرزنش می کنند، برای کسی که از همه بریده و به او دل بسته اید - یعنی برای ما - زینت و آبرو باشید نه مایه ننگ. با جماعت آنان نماز گزارید، از

۱- (۱) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۱۰۶۶..

۲- (۲) . نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸ ؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۱، خ ۱۲۷..

۳- (۳) . نهج البلاغه، ج ۲، ص ۳۹..

۴- (۴) . کافی، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۱۱..

بیمارانشان دیدن کنید، در مراسم مردگانشان حاضـر شوید؛ مبادا آنان در کار خیر بر شـما پیشـی گیرند، که شـما به انجام کار خیر از آنان شایسته ترید...

(۱۶۰)

۲۰ – کـافی: عن أبی عبـدِ اللّهِ علیه السـلام قـالَ: کانَ أبُو جَعْفَرٍ صَـلَواتُ اللّهِ عَلَیْهِ یَقُولُ: عَظِّمُوا أصْـحابَکُمْ وَوَقِّرُوهُمْ، وَلا یَتَجَهَّمْ بَعْضُکُمْ بَعْضاً، وَلا تَضارُّوا وَلا تَحاسَدُوا؛ وَإیّاکُمْ وَالبُخْلَ؛ کُونُوا عِبادَ اللّهِ المُخْلَصِینَ (۱).

امام صادق علیه السـلام می فرماید: امام باقر علیه السلام می فرمود: به یاران خود احترام بگذارید و آنان را گرامی بدارید، و به یکـدیگر پرخاش نکنیـد، و به هم زیان نرسانیـد، و نسـبت به همـدیگر حسـد نورزیـد، و از بخل بپرهیزیـد، بنـدگان پاک و بی آلایش خداوند باشید.

۱- (۱) . کافی، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۲..

۲ – تشویق و ترغیب به اتحاد و تحذیر از اختلاف

(۱۶۱) ۲۱- «إِنَّ الَّذِینَ فَرَّقُوا دِینَهُمْ وَکانُوا شِیَعاً لَسْتَ مِنْهُمْ فی شَیْ ءٍ إِنَّما أَمْرُهُمْ إِلَی اللّهِ ثُمَّ یُنَبِّئُهُمْ بِما کانُوا یَفْعَلُونَ» (۱).

کسانی که دین خود را پاره پاره کردند و فرقه فرقه شدند، تو را با آنان کاری نیست؛ کارشان تنها با خداست، آنگاه او آنان را از آنچه می کردند آگاه خواهد نمود.

(۱۶۲) ۲۲- «إِنَّ هٰذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَأنا رَبُّکُمْ فَاعْبُدُونِ» (۲).

این است امت شما امتی واحد و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید.

(۱۶۳) ۲۳- «وَإِنَّ هٰذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَأنا رَبُّکُمْ فَاتَّقُونِ * فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَیْنَهُمْ زُبُراً کُلُّ حِزْبٍ بِما لَدَیْهِمْ فَرِحُونَ * فَذَرْهُمْ فی غَمْرَتِهِمْ حَتّیٰ حِینٍ» (۳).

و این است امت شما امتی واحد و من پروردگار شما هستم، پس از من پروا کنید، اما آنان کار دینشان را در میان خود پاره پاره کردند و هر گروهی به آنچه خود دارند دلخوشند. آنها را واگذار که تا زمانی (معین) در ورطه گمراهیشان بمانند.

(۱۶۴) ۲۴- «وَالمُؤْمِنُونَ وَالمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ المُنْکَرِ

۱- (۱) . انعام: ۱۵۹..

۲- (۲) . أنبیاء: ۹۲..

۳- (۳) . مؤمنون: ۵۲ - ۵۴ ..

وَيُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَيُطِيعُونَ اللّهَ وَرَسُولَهُ أُولئِکَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (۱).

مردان و زنان با ایمان یار و پاسدار یکدیگرند، به کار پسندیده وا می دارند و از کار ناپسند باز می دارند نماز می گزارند و زکات می پردازند و خداوند و رسولش را فرمان می برند. آنان را خداوند مورد رحمت قرار خواهد داد و خداوند توانا و حکیم است.

(۱۶۵) ۲۵ – «وَما تَفَرَّقُوا إِلّامِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ العِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ وَلَوْلا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى لَقُضِىَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الكِتابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِی شَکٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ» (۲).

پراکنده نشدند مگر پس از آنکه علم برایشان آمد آن هم به جهت حسد و برتری جویی، و اگر نبود قضای پیشین پروردگارت به بقای آنان تا سر آمد معینی، میانشان داوری (و کارشان یکسره) می شد. و کسانی که پس از اینان میراثدار کتاب شدند شکی سخت نسبت به آن دارند.

(۱۶۶)

۲۶ – «وَما كانَ النّاسُ إِلّاأُمَّةً واحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَولا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ لَقُضِىَ بَيْنَهُمْ فِيما فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (۳).

جامعه انسانی (در آغاز) جز یک امت نبود سپس با هم اختلاف پیدا کردند؛ و اگر قضای پیشین پروردگارت نبود، در میان آنان در باره آنچه اختلاف دارند داوری (و کار یکسره) می شد.

(۱۶۷)

۲۷ – تحف العقول: من مواعظ النبی علیه السلام : قالَ: خِيارُكُمْ أَحاسِنُكُمْ أَخْلاقاً، الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَيُؤْلَفُونَ (۴).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: برگزیده ترین شما خوش خلق ترین شمایند، آنان که الفت می گیرند و الفت می پذیرند.

۱– (۱) . توبه: ۷۱..

۲– (۲) . شوری: ۱۴..

۳– (۳) . یونس: ۱۹..

۴– (۴) . تحف العقول، ص ۴۵..

(۱۶۸) ۲۸- مستدرک الوسائل: عَنْ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، أَنَّهُ قالَ: أَقْرَبَكُمْ مِنِّی مَجْلِساً فی الجَنَّهِ، أَحْسَنُكَمْ أَخْلاقاً فی الدُّنْیا، المُوطِّئُونَ أَكْنافَهُمْ، الَّذِینَ یَأْلَفُونَ وَیُؤْلَفُونَ (۱).

رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمود: از شما آن کس جایگاهش در بهشت به من از همه نزدیکتر است که در دنیا اخلاقش از همه پسندیده تر است؛ آنان که زمینه ساز دوستی دیگران با خویش اند، آنها که الفت می گیرند و الفت می پذیرند.

(۱۶۹) ۲۹- مستدرک الوسائل: عن جعفرِ بنِ محمَّدٍ، عن آبائِهِ، عن أميرِ المؤمنينَ عليهم السلام ، قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ: المُؤْمِنُ غِرٌّ كَرِيمٌ، وَالفاجِرُ خَبٌّ لَئِيمٌ، وَخَيْرُ المُؤْمِنِينَ مَنْ كانَ مَأْلَفَهً لِلْمُؤْمِنِينَ، وَلا خَيْرَ فِيمَنْ لا يَأْلَفُ وَلا يُؤْلَفُ (۲).

امام صادق علیه السلام از پدرانش از امیر مؤمنان علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: شنیدم پیامبر خدا صلى الله عليه و آله و سلم می فرمود: مؤمن ساده دل و بزرگوار است، و بدکارِ آشکار دغل و پست است، بهترین مؤمنان کسی است که جایگاه انس و الفت مؤمنان باشد، و کسی که نه انس گیرنده است و نه انس پذیرنده خیری در او نیست.

(۱۷۰) ۳۰- مستدرک الوسائل: عن رسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، قالَ: خِیارُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلاقاً، الَّذِینَ یَأْلَفُونَ وَیُؤْلَفُونَ (۳).

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمود: بهترین شما خوش خلق ترین شمایند، آنان که انس می گیرند و انس می پذیرند.

(۱۷۱) ۳۱- کنز العمال: أَیُّهَا النّاسُ! عَلَیْكُمْ بِالجَماعَهِ؛ وَإِیاكُمْ وَالفُرْقَهَ (۴).

پیامبر اعظم صلى الله عليه و آله و سلم : ای مردم! بر شما لازم است که با جماعت باشید و از جدایی و پراکندگی بپرهیزید.

۱- (۱) . مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۵۰، ح ۹۹۶۸..

۲- (۲) . همان، ص ۴۵۰، ح ۹۹۷۰،امالی طوسی، ج ۲، ص ۷۷..

۳- (۳) . مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۵۱، ح ۹۹۷۱؛مشکاه الأنوار، ص ۱۸۰..

۴- (۴) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۰۲۸. .

(۱۷۲)

۳۲ - کنز العمال: مَنْ فارَقَ أُمَّتَهُ أَوْ عادَ أَعْرابِیاً بَعْدَ هِجْرَتِهِ، فَلا حُجَّهَ لَهُ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که از امت خود جدا شود یا پس از هجرتش - از رسوم بادیه نشینی و جاهلیت به فرهنگ اسلام - دو باره به روش و منش بادیه نشینی بر گردد عذری ندارد.

(۱۷۳)

۳۳ - کتاب السنه: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : مَنْ أرادَ بُحْبُوحَهَ الجَنَّهِ فَلْیَلْزَمِ الجَماعَهَ (۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس وسط بهشت را می خواهد، باید با جمع مردم باشد.

(۱۷۴) ۳۴ - کنز العمال: یا خبابُ! خَمْسٌ إنْ فَعَلْتَ بِهِنَّ رَأَیْتَنِی، وَإنْ لَمْ تَفْعَلْ بِهِنَّ لَمْ تَرَنِی: تَعْبُدُ اللّهَ وَلا تُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً وَإنْ قُطِّعْتَ وَحُرِّقْتُ؛ وَتُؤْمِنُ بِالقَدَرِ خَیْرِهِ وَشَرِّهِ، تَعْلَمُ أنَّ ما أصابَکَ لَمْ یَکُنْ لِیُخْطِئَکَ، وَما أَخْطَأَکَ لَمْ یَکُنْ لِیُصِیبَکَ؛ وَلا تَشْرَبُ الخَمْرَ، فَإنَّ خَطِیئَتَها تَفْرَعُ الخَطایا کَما أنَّ شَجَرَتَها تَعْلُو الشَّجَرَ؛ وَبِرُّ والِدَیْکَ وَإنْ أمَراکَ أنْ تَخْرُجَ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ مِنَ الدُّنْیا؛ وَتَعْتَصِمُ بِحَبْلِ الجَماعَهِ، فَإنَّ یَدَ اللّهِ مَعَ الجَماعَهِ. یا خبابُ! إنَّکَ إنْ رَأَیْتَنِی یَوْمَ القِیامَهِ لا تُفارِقُنِی (۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای خباب! پنج چیز است که اگر آنها را انجام دهی مرا می بینی، و اگر انجام ندهی مرا نخواهی دید: خدا را بپرست و شریکی برایش قرار مده اگر چه ترا تکه تکه کنند و بسوزانند؛ و به تقدیر الهی در خیر و شر ایمان داشته باش، تا بدانی هر چه برایت پیش می آید نمی شد پیش نیاید، و آنچه برایت اتفاق نمی افتد نمی شد اتفاق بیفتد؛ و شراب ننوش که گناه آن گناهان دیگری را در پی می آورد همانگونه که درخت آن از درختها بالا می رود؛ و به پدر و مادرت نیکی کن هر چند آنان از تو بخواهند که از همه دنیایت دست بکشی؛ و به ریسمان جماعت (جمع حق گرایان و جمع مسلمانان) چنگ زن که دست خدا همراه جماعت است. ای خباب! اگر در روز قیامت مرا دیدی دیگر از من جدا نخواهی شد.

(۱۷۵)

۳۵ - کنز العمال: عن معاذ: إنَّ الشَّیْطانَ ذِئْبُ الإنْسانِ کَذِئْبِ الغَنَمِ یَأْخُذُ الشّاهَ الشّاذَّهَ

۱- (۱) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱۰۴۰..

۲- (۲) . کتاب السنه، ص ۴۲، ح ۸۷ ..

۳- (۳) . کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۴۱ - ۲۴۲، ح ۴۴۳۱۰..

القاصِیَهَ وَالنّاحِیَهَ، وَإِیّاکُمْ وَالشِّعابَ، وَعَلَیْکُمْ بِالجَماعَهِ وَالعامَّهِ وَالمَسْجِدِ (۱).

معاذ گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شیطان گرگ انسان است مانند گرگ گوسفند که گوسفند جدای دور افتاده و کنار مانده را شکار می کند. از دسته دسته شدن بپرهیزید و با جماعت و عموم مردم و با مسجد باشید.

(۱۷۶) ۳۶- کنز العمال: اَلشَّیْطانُ ذِئْبُ الإِنْسانِ کَذِئْبِ الغَنَمِ، یَأْخُذُ الشاهَ الشّاذَهَ وَالقاصِیَهَ وَالنّاحِیَهَ، فَعَلَیْکُمْ بِالجَماعَهِ وَالأُلْفَهِ وَالعامَّهِ وَالمَساجِدِ؛ وَإِیّاکُمْ وَالشِّعابَ (۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم : شیطان گرگ انسان است مانند گرگ گوسفند که گوسفند جدای دور افتاده و کنار مانده را شکار می کند. با جماعت باشید و با هم الفت بگیرید و با عامه مردم و اهل حضور در مساجد باشید، و از دسته دسته شدن بپرهیزید.

(۱۷۷) ۳۷- مجمع الزوائد: عَنِ الأَشْتَرِ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الخَطّابِ ذَکَرَ أَنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قالَ لَهُمْ: إِنَّ یَدَ اللّهِ عَلَی الجَماعَهِ، وَالفَذَّ مَعَ الشَّیْطانِ، وَإِنَّ الحَقَّ أَصْلٌ فی الجَنَّهِ، وَإِنَّ الباطِلَ أَصْلٌ فی النّارِ (۳).

اشتر از عمر بن خطاب روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آنها فرمود: به راستی دست (لطف و حمایت) خدا بر سر جمع است و انسان تک و تنها با شیطان است، و همانا حق ریشه در بهشت و باطل ریشه در آتش دارد.

(۱۷۸) ۳۸- کنز العمال: عن جابر: مَنْ لَمْ یَشْکُرِ القَلِیلَ لَمْ یَشْکُرِ الکَثِیرَ، وَمَنْ لَمْ یَشْکُرِ النّاسَ لَمْ یَشْکُرِ اللّهَ، وَما تَکْرَهُونَ فی الجَماعَهِ خَیْرٌ مِمّا تُحِبُّونَ فی الفُرْقَهِ، فی الجَماعَهِ رَحْمَهٌ وَفی الفُرْقَهِ عَذابٌ (۴).

جابر گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آن کس که برای کم سپاسگزار نباشد برای زیاد هم سپاس نخواهد گزارد، و کسی که شکر مردم را نگزارد شکر خدا نیز نخواهد گزارد. و ناخوشیهای شما در جماعت بهتر از خوشیهایتان در تفرقه است. در جماعت رحمت و در تفرقه و چند دستگی عذاب است.

۱- (۱) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۰۲۶..

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۰۲۷..

۳- (۳) . مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۲۵..

۴- (۴) . کنز العمال، ج ۳، ص ۲۶۶، ح ۶۴۸۰..

(۱۷۹)

۳۹ - کنز العمال: عن انس: إنَّ أُمَّتِی لَنْ تَجْتَمِعَ عَلیٰ ضَلالَهٍ؛ فَإذا رَأَیْتُمُ اخْتِلافاً فَعَلَیْکُمْ بِالسَّوادِ الأَعْظَمِ (۱).

انس گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: قطعاً امت من بر گمراهی و باطل هم نظر و همداستان نخواهند شد، هر گاه دیدید اختلاف است بر شما است که همراه سواد اعظم (گروه حق مدار) باشید.

(۱۸۰)

۴۰ - التمهید: وَرُوِیَ مِنْ حدیثِ أبی ذرٍّ وَأبی هریرهَ وَابنِ عبّاسٍ بمعنیً واحدٍ عنِ النَّبیِّ صلی الله علیه و آله و سلم أَنَّهُ قالَ: مَنْ خَرَجَ مِنَ الطّاعَهِ وَفارَقَ الجَماعَهَ فَماتَ، فَمِیتَتُهُ جاهِلِیَّهٌ (۲).

ابوذر و ابو هریره و ابن عباس هر سه راویت کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که از فرمان (امام) سر بر تافت و از جماعت مسلمانان جدا شد و مُرد، مرگش مرگ جاهلیت است.

(۱۸۱)

۴۱ - صحیح ابن حبّان: عنْ أبی هریرهَ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : مَنْ خَرَجَ مِنَ الطّاعَهِ وَفارَقَ الجَماعَهَ فَماتَ فَمِیتَهٌ جاهِلِیَّهٌ؛ وَمَنْ خَرَجَ عَلیٰ أُمَّتِی یَضْرِبُ بَرَّها وَفاجِرَها لا یَتَحاشیٰ مِنْ مُؤْمِنَها وَلا یَفِی بِذِی عَهْدِها فَقَتْلَهٌ جاهِلِیَّهٌ؛ وَمَنْ قاتَلَ تَحْتَ رایَهٍ عَمْیَهٍ یُقاتِلُ لِعُصْبَهٍ أَوْ یَغْضَبُ لِعُصْبَهٍ فَقَتْلُهُ قَتْلَهٌ جاهِلِیَّهٌ (۳).

ابو هریره گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که از فرمانبری سر برتابد و از جماعت مسلمانان جدا شود و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است، و کسی که بر امت من بشورد و خوب و بدشان را سرکوب کند از - کشتن - مؤمنشان باکی نداشته باشد و با پیمان بسته اش بر سر پیمان نماند - اگر کشته شود - کشته جاهلیت است، و کسی که زیر لوای باطل و گمراهی به جهت تعصب گروهی بجنگد یا به انگیزه فرقه گرایی بر آشفته و خشمگین شود اگر کشته شود کشتهٔ جاهلیت است.

۱- (۱) . کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۰، ح ۹۰۹. .

۲- (۲) . التمهید، ج ۲۱، ص ۲۸۱، ح ۹۹. .

۳- (۳) . الاحسان بترتیب صحیح ابن حبّان، ج ۵، ص ۳۷، ح ۴۵۸۶..

(۱۸۲) ۴۲- مجمع الزوائد: عنْ عرفجهَ قالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَقُولُ: یَدُ اللّهِ مَعَ الجَماعَهِ، وَالشَّیْطانُ مَعَ مَنْ خالَفَ یَرْکُضُ (۱).

عرفجه گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود: دست خدا با جماعت است و شیطان همراه مخالفِ جماعت می دود.

(۱۸۳) ۴۳- کنز العمال: عَن أبی هریره: اثْنانِ خَیْرٌ مِنْ واحِدٍ، وَثَلاثَهٌ خَیْرٌ مِنِ اثْنَیْنِ، وَأَرْبَعَهٌ خَیْرٌ مِنْ ثَلاثَهٍ؛ فَعَلَیْکُمْ بِالجَماعَهِ، فَإنَّ یَدَ اللّهِ عَلَی الجَماعَهِ، وَلَمْ یَجْمَعِ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ أُمَّتِی إلّاعَلی هُدیً، وَاعْلَمُوا أنَّ کُلَّ شاطِنٍ هَوی (۲).

ابو هریره گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دو تا بودن بهتر از تک بودن است و سه تا بودن از دو تا بودن بهتر است و چهار تا بودن از سه تا بودن بهتر است؛ پس بر شما لازم است که با جماعت باشید. و خداوند امت مرا جز بر درستی و هدایت همرأی و همداستان نمی سازد، و بدانید که هر شخص حق گریز و هواپرست در آتش است.

(۱۸۴) ۴۴- مسند احمد: عنْ أبی ذرٍّ عنِ النَّبیِّ صلی الله علیه و آله و سلم أنَّهُ قالَ: اثْنانِ خَیْرٌ مِنْ واحِدٍ، وَثَلاثٌ خَیْرٌ مِنِ اثْنَیْنِ، وَأَرْبَعَهٌ خَیْرٌ مِنْ ثَلاثَهٍ؛ فَعَلَیْکُمْ بِالجَماعَهِ، فَإنَّ اللّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَنْ یَجْمَعَ أُمَّتِی إلّا عَلی هُدیً (۳).

اباذر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دو تا بودن بهتر از تک بودن است و سه تا بهتر از دو تا و چهار تا بهتر از سه تا است؛ پس بر شما لازم است با جماعت باشید که یقیناً خدای عزّ و جلّ امّت مرا جز بر کار درست همرأی و همداستان نمی سازد.

(۱۸۵) ۴۵- کنز العمال: عنْ حُذَیفَهَ قالَ: مَنْ فارَقَ الجَماعَهَ شِبْراً، خَلَعَ رِبْقَهَ الإسْلامِ مِنْ عُنُقِهِ (۴).

حذیفه گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس از جماعت (جمع مسلمانان) یک وجب دور شود، رشته اسلام را از گردنش گشوده است.

۱- (۱) . مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱..
۲- (۲) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۰۲۵..
۳- (۳) . مسند احمد، ج ۵، ص ۱۴۵..
۴- (۴) . کنز العمال، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۱۶۶۶..

(۱۸۶)

۴۶ - کتاب السنه: عنْ فضالَهَ بنِ عُبيدٍ، عنْ رسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أنَّهُ قالَ: ثَلاثَهٌ لا يُسْأَلُ عَنْهُمْ: رَجُلٌ فارَقَ الجَماعَهَ وَعَصى إمامَهُ وَماتَ عاصِياً... (۱).

فضاله بن عبید گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سه کس - گناهشان چنان بزرگ و روشن است که - در باره آنها جای پرسش نیست: مردی که از جماعت (جمع مسلمانان) جدا شود، و از فرمان رهبرش سرپیچی کند، و در حال نافرمانی بمیرد...

(۱۸۷)

۴۷ - مجمع الزوائد: عنْ أُسامهَ بنِ شريكٍ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : يَدُ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الجَماعَهِ؛ فَإذا شَذَّ الشّاذُّ مِنْهُمُ اخْتَطَفَهُ الشَّيْطانُ كَما يَخْتَطِفُ الذِّئْبُ الشّاهَ مِنَ الغَنَمِ (۲).

اسامه بن شریک گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دست (لطف و حمایت) خدای عز و جل بر سر جماعت (مسلمانان) است. هر گاه کسی از آنان جدا شود، شیطان او را می رباید همانگونه که گرگ گوسفند جدا افتاده از گله را می رباید.

(۱۸۸)

۴۸ - کافی: قالَ علیّ علیه السلام فی وصیّته لبنیه: عَلَيْكُمْ يا بَنِيَّ بِالتَّواصُلِ وَالتَّباذُلِ وَالتَّبارِّ، وَإيّاكُمْ وَالتَّقاطُعَ وَالتَّدابُرَ وَالتَّفَرُّقَ، وَتَعاوَنُوا عَلَى البِرِّ وَالتَّقْوى وَلا تَعاوَنُوا عَلَى الإثْمِ وَالعُدْوانِ؛ وَاتَّقُوا اللّهَ إنَّ اللّهَ شَدِيدُ العِقابِ، حَفِظَكُمُ اللّهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ وَحَفِظَ فِيكُمْ نَبِيَّكُمْ. أَسْتَوْدِعُكُمُ اللّهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلامَ وَرَحْمَهَ اللّهِ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام در وصیّت به فرزندانش فرمود: فرزندانم! باید به پیوند با هم و بخشش و نیکی به یکدیگر اهتمام ورزید؛ و از گسستن پیوند و پشت کردن به یکدیگر و جدا شدن از هم بپرهیزید، و در خوبی و پرهیزگاری یکدیگر را کمک نمایید، و در گناه و دشمنی همدیگر را یاری نکنید و از خدا پروا کنید؛ به راستی خداوند به سختی کیفر می کند. خداوند شما خاندان را محافظت کند و شما را به جهت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مورد لطف قرار دهد. شما را به خدا می سپارم و سلام و رحمت خدا را بر شما می فرستم.

۱- (۱) . کتاب السنه، ص ۴۲۲، ح ۹۰۰. .
۲- (۲) . مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۱۸. .
۳- (۳) . کافی، ج ۷، ص ۵۲ ضمن ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۴۹، ضمن ح ۵۱ ..

(۱۸۹) ۴۹- نهج البلاغه: قالَ علیّ علیه السلام فی خطبته القاصعه: ... احْذَرُوا ما نَزَلَ بِالأُمَمِ قَبْلَكُمْ مِنَ المَثُلاتِ بِسُوءِ الأَفْعالِ وَذَمِيمِ الأَعْمالِ. فَتَذَكَّرُوا فی الخَيْرِ وَالشَّرِّ أَحْوالَهُمْ، وَاحْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا أَمْثالَهُمْ؛ فَإِذا تَفَكَّرْتُمْ فی تَفاوُتِ حالَيْهِمْ فَالْزَمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ العِزَّةُ بِهِ شَأْنَهُمْ، وَزاحَتِ الأَعْداءُ لَهُ عَنْهُمْ، وَمُدَّتِ العافِيَةُ فِيهِ عَلَيْهِمْ، وَانْقادَتِ النِّعْمَةُ لَهُ مَعَهُمْ، وَوَصَلَتِ الكَرامَةُ عَلَيْهِ حَبْلَهُمْ: مِنَ الِاجْتِنابِ لِلْفُرْقَةِ، وَاللُّزُومِ لِلأُلْفَةِ، وَالتَّحاضِّ عَلَيْها وَالتَّواصِی بِها؛ وَاجْتَنِبُوا كُلَّ أَمْرٍ كَسَرَ فِقْرَتَهُمْ، وَأَوْهَنَ مُنَّتَهُمْ: مِنْ تَضاغُنِ القُلُوبِ، وَتَشاحُنِ الصُّدُورِ، وَتَدابُرِ النُّفُوسِ، وَتَخاذُلِ الأَيْدِی.

وَتَدَبَّرُوا أَحْوالَ الماضِينَ مِنَ المُؤْمِنِينَ قَبْلَكُمْ كَيْفَ كانُوا فی حالِ التَّمْحِيصِ وَالبَلاءِ. أَلَمْ يَكُونُوا أَثْقَلَ الخَلائِقِ أَعْباءً، وَأَجْهَدَ العِبادِ بَلاءً، وَأَضْيَقَ أَهْلِ الدُّنْيا حالاً؟ اتَّخَذَتْهُمُ الفَراعِنَةُ عَبِيداً فَسامُوهُمْ سُوءَ العَذابِ، وَجَرَّعُوهُمُ المُرارَ، فَلَمْ تَبْرَحِ الحالُ بِهِمْ فی ذُلِّ الهَلَكَةِ وَقَهْرِ الغَلَبَةِ؛ لايَجِدُونَ حِيلَةً فی امْتِناعٍ، وَلا سَبِيلاً إِلی دِفاعٍ. حَتّی إِذا رَأَی اللّهُ جِدَّ الصَّبْرِ مِنْهُمْ عَلَی الأَذی فی مَحَبَّتِهِ، وَالِاحْتِمالَ لِلْمَكْرُوهِ مِنْ خَوْفِهِ، جَعَلَ لَهُمْ مِنْ مَضايِقِ البَلاءِ فَرَجاً، فَأَبْدَلَهُمُ العِزَّ مَكانَ الذُّلِّ، وَالأَمْنَ مَكانَ الخَوْفِ، فَصارُوا مُلُوكاً حُكّاماً، وَأَئِمَّةً أَعْلاماً، وَبَلَغَتِ الكَرامَةُ مِنَ اللّهِ لَهُمْ ما لَمْ تَبْلُغِ الآمالُ إِلَيْهِ بِهِمْ.

فَانْظُرُوا كَيْفَ كانُوا حَيْثُ كانَتِ الأَمْلاءُ مُجْتَمِعَةً، وَالأَهْواءُ مُتَّفِقَةً، وَالقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً، وَالأَيْدِی مُتَرادِفَةً، وَالسُّيُوفُ مُتَناصِرَةً، وَالبَصائِرُ نافِذَةً، وَالعَزائِمُ واحِدَةً، أَلَمْ يَكُونُوا أَرْباباً فی أَقْطارِ الأَرَضِينَ، وَمُلُوكاً عَلی رِقابِ العالَمِينَ؟! فَانْظُرُوا إِلی ما صارُوا إِلَيْهِ فی آخِرِ أُمُورِهِمْ حِينَ وَقَعَتِ الفُرْقَةُ، وَتَشَتَّتَتِ الأُلْفَةُ، وَاخْتَلَفَتِ الكَلِمَةُ وَالأَفْئِدَةُ، وَتَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ، وَتَفَرَّقُوا مُتَحازِبِينَ، قَدْ خَلَعَ اللّهُ عَنْهُمْ لِباسَ كَرامَتِهِ، وَسَلَبَهُمْ غَضارَةَ نِعْمَتِهِ، وَبَقِیَ قَصَصُ أَخْبارِهِمْ فِيكُمْ عِبَراً لِلْمُعْتَبِرِينَ. فَاعْتَبِرُوا بِحالِ وَلَدِ إِسْماعِيلَ وَبَنِی إِسْحاقَ وَبَنِی إِسْرائِيلَ عليهم السلام . فَما أَشَدَّ اعْتِدالَ الأَحْوالِ، وَأَقْرَبَ اشْتِباهَ الأَمْثالِ. تَأَمَّلُوا أَمْرَهُمْ فی حالِ تَشَتُّتِهِمْ وَتَفَرُّقِهِمْ لَيالِیَ كانَتِ الأَكاسِرَةُ وَالقَياصِرَةُ أَرْباباً لَهُمْ، يَحْتازُونَهُمْ عَنْ رِيفِ الآفاقِ، وَبَحْرِ العِراقِ، وَخُضْرَةِ الدُّنْيا، إِلی مَنابِتِ الشِّيحِ، وَمَهافِی الرِّيحِ، وَنَكَدِ المَعاشِ؛ فَتَرَكُوهُمْ عالَةً مَساكِينَ إِخْوانَ دَبَرٍ وَوَبَرٍ، أَذَلَّ الأُمَمِ

داراً، وَأَجْدَبَهُمْ قَراراً، لا يَأْوُونَ إلىٰ جَناحِ دَعْوَةٍ يَعْتَصِمُونَ بِها، وَلا إلىٰ ظِلِّ أُلْفَةٍ يَعْتَمِدُونَ عَلىٰ عِزِّها؛ فَالأحْوالُ مُضْطَرِبَةٌ، وَالأيْدِي مُخْتَلِفَةٌ، وَالكَثْرَةُ مُتَفَرِّقَةٌ، فى بَلاءِ أَزَلٍ، وَإطْباقِ جَهْلٍ مِنْ بَناتٍ مَوْؤُودَةٍ، وَأَصْنامٍ مَعْبُودَةٍ، وَأَرْحامٍ مَقْطُوعَةٍ، وَغاراتٍ مَشْنُونَةٍ.

فَانْظُرُوا إلىٰ مَواقِعِ نِعَمِ اللّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إلَيْهِمْ رَسُولاً، فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طاعَتَهُمْ، وَجَمَعَ عَلىٰ دَعْوَتِهِ أُلْفَتَهُمْ، كَيْفَ نَشَرَتِ النِّعْمَةُ عَلَيْهِمْ جَناحَ كَرامَتِها، وَأَسالَتْ لَهُمْ جَداوِلَ نَعِيمِها، وَالْتَفَّتِ المِلَّةُ بِهِمْ فى عَوائِدِ بَرَكَتِها؛ فَأَصْبَحُوا فى نِعْمَتِها غَرِقِينَ، وَعَنْ خُضْرَةِ عَيْشِها فَكِهِينَ؛ قَدْ تَرَبَّعَتِ الأُمُورُ بِهِمْ فى ظِلِّ سُلْطانٍ قاهِرٍ، وَآوَتْهُمُ الحالُ إلىٰ كَنَفِ عِزٍّ غالِبٍ، وَتَعَطَّفَتِ الأُمُورُ عَلَيْهِمْ فى ذُرىٰ مُلْكٍ ثابِتٍ. فَهُمْ حُكّامٌ عَلَى العالَمِينَ، وَمُلُوكٌ فى أَطْرافِ الأَرَضِينَ؛ يَمْلِكُونَ الأُمُورَ عَلىٰ مَنْ كانَ يَمْلِكُها عَلَيْهِمْ؛ وَيُمْضُونَ الأَحْكامَ فِيمَنْ كانَ يُمْضِيها فِيهِمْ؛ لا تُغْمَزُ لَهُمْ قَناةٌ، وَلا تُقْرَعُ لَهُمْ صَفاةٌ.

ألا وَإنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطّاعَةِ؛ وَثَلَمْتُمْ حِصْنَ اللّهِ المَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأَحْكامِ الجاهِلِيَّةِ. فَإنَّ اللّهَ سُبْحانَهُ قَدِ امْتَنَّ عَلىٰ جَماعَةِ هٰذِهِ الأُمَّةِ - فِيما عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هٰذِهِ الأُلْفَةِ الَّتِى يَنْتَقِلُونَ فى ظِلِّها، وَيَأْوُونَ إلىٰ كَنَفِها بِنِعْمَةٍ لا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ المَخْلُوقِينَ لَها قِيمَةً؛ لِأَنَّها أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ، وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ. وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ صِرْتُمْ بَعْدَ الهِجْرَةِ أَعْراباً، وَبَعْدَ المُوالاةِ أَحْزاباً؛ ما تَتَعَلَّقُونَ مِنَ الإسْلامِ إلّابِاسْمِهِ، وَلا تَعْرِفُونَ مِنَ الإيمانِ إلّارَسْمَهُ؛ تَقُولُونَ:

النّارُ وَلا العارُ؛ كَأَنَّكُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تُكْفِئُوا الإسْلامَ عَلىٰ وَجْهِهِ، انْتِهاكاً لِحَرِيمِهِ، وَنَقْضاً لِمِيثاقِهِ الَّذِى وَضَعَهُ اللّهُ لَكُمْ حَرَماً فى أَرْضِهِ، وَأَمْناً بَيْنَ خَلْقِهِ.

وَإنَّكُمْ إنْ لَجَأْتُمْ إلىٰ غَيْرِهِ، حارَبَكُمْ أَهْلُ الكُفْرِ، ثُمَّ لا جَبْرائِيلُ وَلا مِيكائِيلُ وَلا مُهاجِرُونَ وَلا أَنْصارٌ يَنْصُرُونَكُمْ إلَّاالمُقارَعَةَ بِالسَّيفِ، حَتّىٰ يَحْكُمَ اللّهُ بَيْنَكُمْ. وَإنَّ عِنْدَكُمُ الأَمْثالُ مِنْ بَأْسِ اللّهِ وَقَوارِعِهِ، وَأَيّامِهِ وَوَقائِعِهِ. فَلا تَسْتَبْطِئُوا وَعِيدَهُ جَهْلاً بِأَخْذِهِ، وَتَهاوُناً بِبَطْشِهِ، وَيَأْساً مِنْ بَأْسِهِ؛ فَإنَّ اللّهَ سُبْحانَهُ لَمْ يَلْعَنِ القَرْنَ الماضِىَ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إلّالِتَرْكِهِمُ الأَمْرَ بِالمَعْرُوفِ وَالنَّهْىَ عَنِ المُنْكَرِ، فَلَعَنَ اللّهُ السُّفَهاءَ لِرُكُوبِ المَعاصِى، وَالحُلَماءَ لِتَرْكِ التَّناهِى ... (1).

١- (١) . نهج البلاغه، ج ٢، ص ١٥٠ - ١٥۶..

امیر مؤمنـان علیه السـلام فرمود: از کیفرهایی که بر اثر کردار بـد و کارهای ناپسـند، بر امتهای پیشـین فرود آمـد، خود را حفظ کنید. نیک و بد احوالشان را به یاد آورید، و مراقب باشـید همانند آنان نشوید. آنگاه که با تأمّل در خوشـبختی و بدبختی شان نگریستیـد، به کارهـایی دل بندیـد که آنـان را سـربلند سـاخت، و دشـمنان را از سـر راهشـان برداشت، و زنـدگی بی گزنـد را برایشان ماندگار کرد، و برخوداری از نعمت و آسایش را برایشان فراهم نمود، و با بزرگواری چنان پیوندشان را استوار ساخت که از پراکندگی دوری گزیدند، و پایبند الفت شدند و یکدیگر را به آن ترغیب و سفارش کردند.

و از هر کاری که پشتشان را شـکست و آنان را ناتوان ساخت، همچون: کینه یکـدیگر به دل گرفتن، با هم دشـمنی کردن، از هم بریدن و دست از یاری یکدیگر کشیدن، بپرهیزید.

و در حالات مؤمنان پیش از خود نیک بنگریـد که در آزمون و گرفتاری چگونه بودنـد، آیا گرانبارترین آفریـدگان و بلاکش ترین بندگان و بیچاره ترین مردمان جهان نبودند؟

فرعونهـا آنـان را برده ساختنـد، و به سـختی شـکنجه شـان کردنـد، و تلخی را جرعه جرعه به آنـان نوشانیدنـد. نابودی ذلّتبار و إسـارت در چنگـال قـدرت پیوسـته دامنگیرشـان بود، نه چـاره ای برای سـر پیچی می یافتنـد و نه راهی برای دفاع. تا آنگاه که خداوند دید آنان در راه دوستی او بر آزار سـخت شکیبایند، و از بیم او ناخوشایند را پذیرایند؛ آنان را از تنگناهای بلا رهانید، و پس از خواری سـربلندشان سـاخت و آسودگی را جـایگزین ترسـشان کرد. از آن پس پادشاهـان فرمانروا و پیشوایان نامـدار گشتند، و کرامت خدا به آنان بدان پایه رسید که خیال آن را هم در سر نمی پروراندند.

پس بنگریـد آنگـاه که گروه هـا یکپـارچه، خواسـته هـا بـا هم سازگار، دلها هماهنگ، دسـتها پشتیبان هم، شمشـیرها مـددکار یکـدیگر، بینشـها ژرف و دقیق و اراده ها یکی بود آنان چگونه بودنـد؟! آیا آنان فرمانروایان سراسـر زمین نبودند و بر جهانیان پادشاهی نمی کردند؟! سپس به سر انجام آنان در پایان کارشان بنگرید، آنگاه که میانشان جدایی افتاد، و رشته وابستگی شان از هم گسـست، و سـخنها و دلهاشان با هم ناسازگار شـد، و دسـته دسـته از هم جدا شدند و گروه های پراکنده ای گشـتند که خداونـد لبـاس کرامت خود را از تنشـان بیرون کرده، و نعمت فراخ خویش را از چنگشان در آورده، و - تنها - داسـتانشان در میان شما ماند، تا پندگیران از آن

درسها گیرند. پس، از حال فرزندان اسماعیل و فرزندان اسحاق، و فرزندان اسرائیل - درود بر آنان باد - پند گیرید، که سرگذشت ملّتها چسان همانندند و داستانهایشان چقدر شبیه به هم. در کار آنان به هنگام پراکندگی و جدایی شان بیندیشید، روزگار تاریکی که کسراها و قیصرها بر آنان پادشاهی می کردند، و آنان را از سرزمین های آباد، و کناره دریای عراق - دجله و فرات - و سبزه زار گیتی - سر زمین شام - ، به بیابان هایی که رویشگاه درمنه و وزشگاه بادها و تنگنای زندگی بود کوچاندند، و آنان را مستمند و بینوا و شتر چران بادیه نشین ساختند، که در میان ملتها پَست ترین خانه ها و بی حاصل ترین سرزمین ها را داشتند، نه به زیر پر و بال (دعوتی و دینی) جای می گرفتند تا خود را در پناهش نگه دارند، و نه زیر سایه همدلی و همبستگی می رفتند تا به عزّت آن تکیه زنند، اوضاعشان آشفته، و تلاششان بر ضدّ یکدیگر و جمعیّت بسیارشان پراکنده بود، در بلا-یی سخت و در فضایی آکنده از نادانی و نابخردی می زیستند که نمود آن دختران زنده به گور، بتان پرستیده، خویشاوندیهای از هم گسسته، و غارتگریهای پیاپی بود.

حال به (بزرگی و جایگاه) نعمتهایی که خداوند با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنان ارزانی داشت بنگرید، که چگونه - خداوند - با دین خود همه آنان را فرمانبر ساخت، و با دعوتش - به همبستگی - آنان را همدل و همداستان نمود. چگونه نعمت بال کرامت خود را بر آنان گسترد، و جویبارهای رفاه و آسایش را بر ایشان روان ساخت، و آئین حق با برکاتش آنان را در بر گرفت. در نعمت دین غوطه ور گشتند، و از شادابی زندگی در سایه آن شادمان بودند، امور - دولت - آنان در سایه قدرتی چیره استوار گشت، و در آغوش عزّتی پیروزمند آسودند، و در پناه حکومتی پایدار جریان امور بر وفق مرادشان گشت. اینان اکنون فرمانروایان جهانیان و پادشاهان سراسر زمینند، و بر فرمانروایان گذشته خود فرمانروایی می کنند، و بر کسانی حکم می رانند که پیشتر بر آنان حکم می راندند، کسی قدرت در هم شکستن نیروی آنان را ندارد و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی پروراند.

هان! همانا شما یکسره از فرمانبری دست کشیده اید، و با زنده کردن ارزشهای جاهلیت، در دژی خدایی که پیرامونتان بود رخنه انداخته اید، همانا خداوند سبحان با ایجاد رشته الفت میان جمع این امت - که در سایه آن زندگی کنند و در آغوش آن بیارمند - نعمتی به آنان بخشید

ص:۱۷۷

که هیچ یک از آفریدگان ارزش آن را نداند؛ چرا که از هر بهایی برتر و از هر چیز گرانقدری والاتر است. بدانید که پس از هجرت - و ورود به فرهنگ والای دین - به خوی نکوهیده بادیه نشینی باز گشته اید، و پس از دوستی و همبستگی دسته دسته شده اید، به اسلام جز به اسم آن دل نبسته اید، و از ایمان جز آداب ظاهری آن را نمی شناسید. می گویید به آتش می رویم و ننگ را نمی پذیریم. گویا می خواهید اسلام را واژگون - و آن را از حقیقتش تهی - کنید، تا پرده حریمش را بدرید، و پیمانی که خداوند آن را پناهگاه شما مسلمانان، و سبب امنیّتتان در بین مردم قرار داده بشکنید. به یقین اگر شما به غیر اسلام پناه برید، کافران به نبرد شما می آیند، آنگاه نه جبرئیلی و نه میکائیلی، نه مهاجرانی و نه انصاری هست که شما را یاری کند؛ و چاره ای جز نبرد با شمشیر ندارید تا خداوند در میان شما کار را یکسره کند.

داستانهای عذاب الهی و کیفرهای سنگین او و روزهای - نزول عذاب - او - بر اقوام گذشته - و برخوردهای سخت او در دسترس شما است، با ناآگاهی از کیفر دادن او، و سبک شمردن عقوبت سخت او، و به پندار نبود عذاب او مَینگارید که وعده عذاب نخواهد رسید و در عذابتان درنگ خواهد شد؛ چرا که خدای سبحان مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت مگر برای ترک امر بـه معروف و نهی از منکر؛ خداونـد، بی خردان را برای نافرمانی از رحمتش دور ساخت و خردمندان را برای باز نداشتن دیگران از گناه.

(۱۹۰) ۵۰- شرح نهج البلاغه: من کلام له لجماعه من الصحابه: لَقَدْ قُبِضَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَإِنَّ رَأْسَهُ لَفِی حِجْرِی، وَلَقَدْ وُلِّیتُ غُسْلَهُ بِیَدِی وَحْدِی، تُقَلِّبُهُ المَلائِکَهُ المُقَرَّبُونَ مَعِی. وَأَیمُ اللّهِ مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّهٌ قَطُّ بَعْدَ نَبِیِّها إلّاظَهَرَ أَهْلُ باطِلِها عَلی أَهْلِ حَقِّها، إلّاما شاءَ اللّهُ (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام برای گروهی از صحابه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سرش در دامنم بود که قبض روح گردید. و من به تنهایی با دست خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را غسل دادم، و فرشتگان مقرّب با من آن حضرت را به این سو و آن سو می گرداندند. و به خدا سوگند هر گز امّتی پس از پیامبر خود با هم اختلاف نکردند مگر آنکه باطل گرایان آن امت بر حق طلبانش پیروز گشتند، مگر آنچه خدا بخواهد.

۱- (۱) . شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۸۱..

(۱۹۱)

۵۱ – نهج البلاغه: من وصيّته عليه السلام للحسن والحسين عليهما السلام لمّا ضربَه ابنُ مُلجم لَعَنهُ اللّه قالَ:

عَلَيْكُمْ بِالتَّواصُلِ وَالتَّباذُلِ، وَإِيّاكُمْ وَالتَّدابُرَ وَالتَّقاطُعَ. لا تَتْرُكُوا الأَمْرَ بِالمَعْرُوفِ وَالنَّهْىَ عَنِ المُنْكَرِ فَيُوَلّى عَلَيْكُمْ شِرارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلا يُسْتَجابُ لَكُمْ (۱).

امير مؤمنان عليه السلام در وصيّتش به حسنين عليهما السلام بعد از ضربت خوردنش فرمود: بايد به ارتباط با هم و بخشش به يكديگر اهتمام ورزيد و از پشت كردن و بريدن از يكديگر بپرهيزيد و امر به معروف و نهى از منكر را وامگذاريد؛ كه بدان بر شما حاكم خواهند شد و آنگاه دعا مى كنيد ولى مستجاب نمى شود.

(۱۹۲)

۵۲ – عيون الحكم والمواعظ: قالَ أَمِيرُ المُؤْمِنِينَ عليه السلام : عَلَيْكُمْ بِالتَّواصُلِ وَالمُوافَقَهِ، وَإِيّاكُمْ وَالمُقاطَعَهَ وَالمُهاجَرَهَ (۲).

امير مؤمنان عليه السلام فرمود: بايد به پيوند با يكديگر و سازش با هم اهتمام ورزيد؛ و از گسستن پيوند و كناره گيرى از يكديگر بپرهيزيد.

(۱۹۳)

۵۳ – المحاسن: قالَ أَمِيرُ المُؤْمِنِينَ عليه السلام : ثَلاثٌ مُوبِقاتٌ: نَكْثُ الصَّفْقَهِ، وَتَرْكُ السُّنَّهِ، وَفِراقُ الجَماعَهِ (۳).

اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: سه چيز نابود كننده است: بيعت شكنى، وانهادن سنّت پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم ، و جدا شدن از جمع مسلمانان.

(۱۹۴)

۵۴ – نهج البلاغه: خالِطُوا النّاسَ مُخالَطَهً إِنْ مُتُّمْ مَعَها بَكَوا عَلَيْكُمْ، وَإِنْ عِشْتُمْ حَنُّوا إِلَيْكُمْ (۴).

امير مؤمنان عليه السلام فرمود: با مردم چنان رفتار كنيد كه اگر مرديد بر شما بگريند، و اگر زنده بوديد مشتاق و علاقمند به شما باشند.

۱– (۱) . نهج البلاغه، ج ۳، ص ۷۷؛المعجم الموضوعى لنهج البلاغه، ص ۳۴۱..

۲– (۲) . عيون الحكم والمواعظ، ص ۳۴۰، ح ۵۸۰۴ . .

۳– (۳) . المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۲۲..

۴- (۴) . نهج البلاغه، ج ۴، ص ۴؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۷۲، ح ۱۰ ..

(۱۹۵) ۵۵- نهج البلاغه: ... فَإِیّاکُمْ وَالتَّلَوُّنَ فی دِینِ اللّهِ، فَإِنَّ جَماعَةً فِیما تَکْرَهُونَ مِنَ الحَقِّ خَیْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِیما تُحِبُّونَ مِنَ الباطِلِ. وَإِنَّ اللّهَ سُبْحانَهُ لَمْ یُعْطِ أحَداً بِفُرْقَةٍ خَیْراً مِمَّنْ مَضی وَلا مِمَّنْ بَقِیَ (۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زینهار از رنگارنگ شدن و اختلاف در دین خدا، زیرا همبستگی و اجتماع در باره حقی که ناخوشایند شما است بهتر است از پراکندگی به جهت باطلی که دلپسند شما است. و به راستی خدای سبحان از جدایی و پراکندگی خیری نصیب هیچ کس از گذشتگان و بر جای ماندگان نکرده است.

(۱۹۶) ۵۶- نهج البلاغه: قال علیه السلام فی الحضّ علی الجهاد: إنَّهُ لا غَناءَ فی کَثْرَةِ عَدَدِکُمْ مَعَ قِلَّةِ اجْتِماعِ قُلُوبِکُمْ. لَقَدْ حَمَلْتُکُمْ عَلَی الطَّرِیقِ الواضِحِ الَّتِی لا یَهْلِکُ عَلَیْها إلّاهالِکٌ؛ مَنِ اسْتَقامَ فَإلَی الجَنَّةِ، وَمَنْ زَلَّ فإلَی النّارِ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام در تشویق به جهاد فرمود: با همدلی اندک شما، شمار فراوانتان کارآمد نیست، من شما را به راهی روشن بردم که در آن راه به جز تبهکار نابود نشود؛ آن کس که پایداری کند به بهشت رود، و آن کس که بلغزد در آتش افتد.

(۱۹۷) ۵۷- التمهید: وروی أبو صادقٍ، عنْ علیِّ بنِ أبی طالبٍ علیه السلام أنَّهُ قالَ: إنَّ الإسْلامَ ثَلاثُ أثافِیّ:

الإیمانُ وَالصَّلاةُ وَالجَماعَةُ؛ فَلا تُقْبَلُ الصَّلاةُ إلّابِإیمانٍ، وَمَنْ آمَنَ صَلّی وَجامَعَ، وَمَنْ فارَقَ الجَماعَةَ قَیْدَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الإسْلامِ مِنْ عُنُقِهِ (۳).

ابو صادق از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت می کند که آن بزرگوار فرمود: اسلام سه پایه دارد: ایمان و نماز و جماعت. نماز جز با ایمان پذیرفته نگردد، و کسی که ایمان بیاورد نماز می گزارد و همراه جمع است، و آن کس که یک وجب از جمع مسلمانان فاصله بگیرد رشته اسلام را از گردن خویش بیرون آورده است.

۱- (۱) . نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۶؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۱..

۲- (۲) . نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۲. .

۳- (۳) . التمهید، ج ۲۱، ص ۲۸۱، ذیل ح ۱۰۰..

(۱۹۸)

۵۸ - کافی: عنْ أبی عبدِ اللّهِ علیه السلام قالَ: المُسْلِمُ أخُو المُسْلِمِ، لا یَظْلِمُهُ وَلا یَخْذُلُهُ وَلا یَخُونُهُ؛ وَیَحِقُّ عَلَی المُسْلِمینَ الاِجْتِهادُ فی التَّواصُلِ، وَالتَّعاوُنُ عَلَی التَّعاطُفِ، وَالمُؤاساهُ لِأَهْلِ الحاجَهِ، وَتعاطُفُ بَعْضِهِمْ عَلیٰ بَعْضٍ، حَتّیٰ تَکُونُوا کَما أَمَرَکُمُ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ رُحَماءَ بَیْنَکُمْ، مُتَراحِمینَ مُغْتَمِّینَ لِما غابَ عَنْکُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ عَلیٰ ما مَضیٰ عَلَیْهِ مَعْشَرُ الأَنْصارِ عَلیٰ عَهْدِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی کند و او را تنها و بی کس نمی گذارد و به او خیانت نمی کند، و بر مسلمانان است که برای ارتباط با یکدیگر تلاش کنند و همدیگر را در عطوفت و رسیدگی به هم مدد رسانند و نیازمندان را در آنچه دارند سهیم سازند. و با هم به عطوفت رفتار کنند تا همانگونه که خداوند عز و جل به مهرورزی به یکدیگر فرمانتان داده با هم مهربان باشید، و از بی خبر ماندن از کار نیازمندان اندوهگین شوید؛ همانند روشی که جماعت انصار در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشتند.

(۱۹۹) ۵۹ - وسائل الشیعه: عنْ أبی عبدِ اللّهِ علیه السلام قالَ: رَحِمَ اللّهُ عَبْداً اجْتَرَّ مَوَدَّهَ النّاسِ إلیٰ نَفْسِهِ؛ فَحَدَّثَهُمْ بِما یَعْرِفُونَ، وَتَرَکَ ما یُنْکِرُونَ (۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا بنده ای را رحمت کند که مردم را به دوستی خود بر انگیزد؛ آنچه را خوب و درست می دانند برایشان بگوید، و آنچه را بد و نادرست می شمارند وانهد.

(۲۰۰)

۶۰ - کافی : عنْ أبی عبدِ اللّهِ علیه السلام قالَ: مَنْ فارَقَ جَماعَهَ المُسْلِمینَ قَیْدَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَهَ الإسْلامِ مِنْ عُنُقِهِ (۳).

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که یک وجب از جمع مسلمانان دور شود، رشته اسلام را از گردن خود در آورده است.

(۲۰۱)

۶۱ - المحاسن : عنْ أبی عبدِ اللّهِ علیه السلام قالَ: مَنْ خَلَعَ جَماعَهَ المُسْلِمینَ قَدْرَ شِبْرٍ خَلَعَ ربقَ

۱- (۱) . کافی، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۱۵..

۲- (۲) . وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۲۰، ح ۲۱۴۰۵..

۳- (۳) . کافی، ج ۱، ص ۴۰۵، ح ۴..

الإیمانِ مِنْ عُنُقِهِ، وَمَنْ نَکَثَ صَفْقَهَ الإمامِ جاءَ إلَی اللّهِ أَجْذَمَ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به اندازه یک وجب از جماعت کناره گیرد رشته ایمان را از گردن خود در آورده است. و آن کس که بیعت با امام را بشکند با دست بریده به پیشگاه خدا خواهد آمد.

(۲۰۲) ۶۲- کافی: عنْ أبی عبدِ اللّهِ علیه السلام قالَ: مَنْ فارَقَ جَماعَهَ المُسْلِمِینَ، وَنَکَثَ صَفْقَهَ الإمامِ جاءَ إلَی اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَجْذَمَ (۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از جمع مسلمانان جدا شود، و بیعتش با امام را بشکند، با دست بریده به پیشگاه خداوند عز و جل خواهد آمد.

(۲۰۳) ۶۳- عده الداعی: قالَ عبدُ المؤمنِ الأنصاری: دَخَلْتُ عَلَی أبی الحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام وَعِنْدَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّهِ الجَعْفَرِیُّ فَتَبَسَّمْتُ إلَیْهِ، فَقالَ علیه السلام : أَتُحِبُّهُ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، وَما أَحْبَبْتُهُ إلّا لَکُمْ. فَقالَ علیه السلام : هُوَ أَخُوکَ وَالمُؤْمِنُ أَخُ المُؤْمِنِ لِأَبِیهِ وَأُمِّهِ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنِ اتَّهَمَ أخاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ غَشَّ أخاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ یَنْصَحْ أخاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنِ اسْتَأْثَرَ عَلَی أخِیهِ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنِ احْتَجَبَ عَنْ أخِیهِ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنِ اغْتابَ أخاهُ (۳).

عبدالمؤمن انصاری گوید: به محضر امام موسی بن جعفر علیهما السلام شرفیاب شدم؛ محمد بن عبداللّه جعفری نزد آن حضرت بود؛ با دیدن او لبخند زدم. امام علیه السلام فرمود: آیا او را دوست می داری؟ گفتم: بلی و او را فقط به جهت شما دوست می دارم. امام علیه السلام فرمود: او برادر توست و مؤمن برادر پدر و مادری مؤمن است. از رحمت خدا دور است از رحمت خدادور است کسی که به برادر خود تهمت زند. از رحمت خدا دور است از رحمت خدا دور است آن کس که به برادرش نیرنگ زند، از رحمت خدا دور است از رحمت خدا دور است کسی که خیرخواه برادرش نباشد. از رحمت خدا دور است از رحمت خدا دور است کسی که خود را بر برادرش مقدم بدارد. از رحمت خدا دور است از رحمت خدا دور است آن کس که خود را

۱- (۱) . المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۱۲۱..

۲- (۲) . کافی، ج ۱، ص ۴۰۵، ح ۵ ..

۳- (۳) . عده الداعی، ص ۲۱۹..

از برادرش پنهان کند، از رحمت خدا دور است از رحمت خدا دور است آن کس که غیبت برادرش را بکند.

(۲۰۴)

۶۴ - الصحیفه السجادیه: اَللّهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّنی بِحُلْیَهِ الصّالِحینَ، وَأَلْبِسْنی زینَهَ المُتَّقینَ فی بَسْطِ العَدْلِ، وَکَظْمِ الغَیْظِ، وَإِطْفاءِ النّائِرَهِ، وَضَمِّ أَهْلِ الفُرْقَهِ، وَإِصْلاحِ ذاتِ البَیْنِ، وَإِفْشاءِ العارِفَهِ، وَسَتْرِ العائِبَهِ، وَلینِ العَریکَهِ، وَخَفْضِ الجَناحِ، وَحُسْنِ السّیرَهِ، وَسُکُونِ الرّیحِ، وَطیبِ المُخالَقَهِ، وَالسَّبْقِ إِلَی الفَضیلَهِ، وَإِیثارِ التَّفَضُّلِ، وَتَرْکِ التَّعْییرِ، وَالإِفْضالِ عَلیٰ غَیْرِ المُسْتَحِقِّ، وَالقَوْلِ بِالحَقِّ وَإِنْ عَزَّ، وَاسْتِقْلالِ الخَیْرِ وَإِنْ کَثُرَ مِنْ قَوْلی وَفِعْلی، وَاسْتِکْثارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلی وَفِعْلی؛ وَأَکْمِلْ ذٰلِکَ لی بِدَوامِ الطّاعَهِ، وَلُزُومِ الجَماعَهِ، وَرَفْضِ أَهْلِ البِدَعِ، وَمُسْتَعْمِلِ الرَّأْیِ المُخْتَرَعِ (۱).

بار الاها! بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا به زیور شایستگان بیارای، و زینت پرهیزگاران را به من بپوشان با توفیق در گسترش عدل و داد، و فروخوردن خشم، و فرونشاندن آتش درگیری، و پیوند دادن جدا شدگان، و سازش و آشتی دادن ستیزه گران، و آشکار کردن خوبیها و پوشاندن کاستی ها، و نرمخویی و فروتنی و نیک سیرتی و وقار و متانت و خوش خلقی، و پیشی گرفتن و پیشقدمی در فضیلت، و ایثار بخشندگی، و خودداری از سرزنش، و بخشش به آن کس که شایسته آن نیست، و حق گویی هر چند دشوار باشد، و ناچیز شمردن خوبیهای خود در گفتار و کردار هر چند زیاد باشد، و زیاد شمردن سخن و کار بد خود هر چند اندک باشد، و این صفات را در من به کمال رسان با فرمانبری همیشگی از خود، و پیوستگی به جماعت، و وانهادن بدعت گرایان و پیروان پندارهای ساختگی.

(۲۰۵)

۶۵ - نهج البلاغه: مَا اخْتَلَفَتْ دَعْوَتانِ إِلّاوَکانَتْ إِحْداهُما ضَلالَهً (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: دو دعوت با هم ناسازگار نمی شوند مگر آنکه یکی از آنها گمراهی است.

ص:۱۸۳

۱- (۱) . صحیفه سجادیه، ص ۱۱۲، دعای ۵۵ ..

۲- (۲) . نهج البلاغه، ج ۴، ص ۴۳، ح ۱۸۳؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۲، خ ۱۸۳..

۳ – اقدام عملی در جهت اتحاد

(۲۰۶) ۶۶- امالی طوسی: عـنْ سـعدِ بـنِ حُـذیفهَ بنِ الیمـان، عن أبیهِ، قـالَ: آخیٰ رَسُـولُ اللّهِ صـلی الله علیه و آله بَیْنَ الأنْصـارِ وَالمُهاجِرِینَ أُخُوَّهَ الدِّینِ؛ وَکانَ یُؤاخِی بَیْنَ الرَّجُلِ وَنَظِیرِهِ، ثُمَّ أَخَذَ بِیَدِ عَلِیٍّ بْنِ أَبِی طالِبٍ علیه السلام فَقالَ: هٰذا أَخِی.

قالَ حُذَیفَهُ: فَرَسُولُ اللّهِ صـلی الله علیه و آله سَیِّدُ المُرْسَلِینَ، وَإمامُ المُتَّقِینَ، وَرَسُولُ رَبِّ العالَمِینَ، الَّذِی لَیْسَ لَهُ فی الأنامِ شِبْهٌ وَلا نَظِیرٌ، وَعَلِیُّ بْنُ أَبِی طالِبٍ أَخُوهُ (۱).

سعد بن حذیفه بن یمان از پدرش نقل می کند که گفت: پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله و سلم میان انصار و مهاجرین برادری دینی برقرار کرد، و آن حضـرت هر دو نفری را کـه همطراز بودنـد بـا هم برادر می کرد. سـپس دست علی بن ابی طـالب علیه السلام را گرفت و فرمود: این برادر من است.

حذیفه گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم سرور پیامبران و پیشوای پرهیزگاران و فرستاده پروردگار جهانیان است که در میان آفریدگان مانند و همتایی ندارد، و علی بن ابی طالب علیه السلام برادر اوست.

(۲۰۷) ۶۷- کافی: عنْ معاویهَ بنِ وهبٍ قالَ: قُلْتُ لَهُ [الصادق علیه السـلام] : کَیْفَ یَنْبَغِی لَنا أَنْ نَصْـنَعَ فِیما بَیْنَنا وَبَیْنَ قَوْمِنا وَبَیْنَ خُلَطائِنا مِنَ النّاسِ مِمَّنْ لَیْسُوا عَلیٰ أَمْرِنا؟ قالَ: تَنْظُرُونَ إلیٰ أئِمَّتِکُمْ الَّذِینَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ، فَتَصْنَعُونَ ما یَصْنَعُونَ؛ فَوَاللّهِ إنَّهُمْ لَیَعُودُونَ مَرْضاهُمْ، وَیَشْهَدُونَ جَنائِزَهُمْ،

۱- (۱) . امالی طوسی، ص ۵۸۷، ح ۱۲۱۵..

وَیُقِیمُونَ الشَّهادَهَ لَهُمْ وَعَلَیْهِمْ، وَیُؤَدُّونَ الأمانَهَ إلَیْهِمْ (1).

معاویه بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم با نزدیکان و همکارانمان از مردم که با ما هم عقیده نیستند شایسته است چه رفتاری داشته باشیم؟ فرمود: به پیشوایانی که پیروشان هستید بنگرید و همانند آنان رفتار کنید؛ به خدا آنان به دیدن بیمارانشان می روند، و بر جنازه هایشان حاضر می شوند، و به نفع و ضررشان گواهی می دهند، و امانت را به آنان بر می گردانند.

۱- (۱) . کافی، ج ۲، ص ۶۳۶، ح ۴..

۴ – توبیخ بر افتراق

(۲۰۸) ۶۸- سنن ترمذی: عَن أبی هریره: أَبِهٰذا أُمِرْتُم أَمْ بِهٰذا أُرْسِلْتُ إِلَيْكُمْ؟! إِنَّما هَلَكَ مَنْ كانَ قَبْلَكُمْ حِينَ تَنازَعُوا فی هٰذا الأمْرِ. عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ أنْ لا تَنازَعُوا فِيهِ (۱).

ابوهریره گوید (هنگام مشاجره بعضی اصحاب در مسأله قَدَر): پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

آیا به این کار – اختلاف و درگیری – فرمان یافته اید؟! یا من برای آن بر شما مبعوث شده ام؟! همانا آنان که پیش از شما بودند هنگامی که در این امر با هم درگیر شدند نابود گشتند. شما را سوگند داده و مصرانه از شما می خواهم که در آن نزاع نکنید.

(۲۰۹) ۶۹- نهج البلاغه: وَإِنِّی وَاللّٰهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هٰؤُلاءِ القَوْمَ سَيُدالُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِماعِهِمْ عَلىٰ باطِلِهِمْ، وَتَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ، وَ... (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: به خدا سوگند می دانم که آنها – معاویه و یارانش – با اتحادشان در راه باطلی که در پیش گرفته اند و جدایی شما از یکدیگر در راه حقی که دارید بر شما چیره خواهند شد – و حکومت را از شما خواهند گرفت – .

ص:۱۸۶

۱- (۱) . سنن ترمذی، ج ۴، ص ۴۴۳، ح ۲۱۳۳؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۹۶۸..

۲- (۲) . نهج البلاغه، ج ۱، ص ۶۴؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۵، خ ۲۵ ..

(۲۱۰)

۷۰ – نهج البلاغه: فَيا عَجَباً عَجَباً! وَاللّهِ يُمِيتُ القَلْبَ وَيَجْلِبُ الهَمَّ مِن اجْتِماعِ هؤُلاءِ القَوْمِ عَلى باطِلِهِمْ، وَتَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام : شگفتا، شگفتا، به خدا سوگند همبستگی این گروه در باطل خود و پراکندگی شما در حق خود، دل را می میراند، و غم و اندوه می آورد.

(۲۱۱)

۷۱ – نهج البلاغه: وَأَحُثُّكُمْ عَلى جِهادِ أَهْلِ البَغْيِ، فَما آتِی عَلى آخِرِ قَوْلِی حَتّى أراكُمْ مُتَفَرِّقِينَ أيادِیَ سَبأ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام : شما را به جهاد با سرکشان بر می انگیزم، هنوز گفتارم را به پایان نبرده ام که شما را همچون قوم سبأ پراکنده می بینم.

(۲۱۲)

۷۲ – نهج البلاغه: لِلّهِ أَنْتُمْ! أَما دِينٌ يَجْمَعُكُمْ، وَلا حَمِيَّةٌ تَشْحَذُكُمْ؟! أَوَ لَيسَ عَجَباً أَنَّ مُعاوِيَةَ يَدْعُو الجُفاةَ الطَّغامَ، فَيَتَّبِعُونَهُ عَلى غَيْرِ مَعُونَةٍ وَلا عَطاءٍ؛ وَأنا أَدْعُوكُمْ – وَأَنْتُمْ تَرِيكَةُ الإِسْلامِ، وَبَقِيَّةُ النّاسِ – إِلَى المَعُونَةِ، أَوْ طائِفَةٍ مِنَ العَطاءِ، فَتَفَرَّقُونَ عَنِّی وَتَخْتَلِفُونَ عَلَیَّ. إِنَّهُ لا يَخْرُجُ إِلَيْكُمْ مِنْ أَمْرِی رِضىً فَتَرْضَوْنَهُ، وَلا سُخْطٌ فَتَجْتَمِعُونَ عَلَيْهِ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: شما چگونه مردمی هستید! آیا دینی نیست که شما را گرد آورد، و غیرتی نیست که شما را برای جنگ با دشمن بسیج کند؟! شگفت آور نیست که معاویه جفاکاران فرومایه را فرا می خواند، و آنها بدون دریافت کمک و بخششی از او پیروی می کنند؛ و من شما را – که بازماندگان اسلام و یادگار مسلمانان پیشین هستید – ، با کمک و عطایا فرا می خوانم، ولی از اطراف من پراکنده می شوید و به تفرقه و اختلاف رو می آورید.

فرمانی از من به شما نمی رسد که نشانهٔ خشنودی باشد و آن را بپسندید یا نشانهٔ آزردگی و در آن یک سخن باشید.

۱– (۱) . نهج البلاغه، ج ۱، ص ۶۹؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۵، خ ۲۷..

۲– (۲) . نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۸؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۵، خ ۹۷..

۳– (۳) . نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۰۰؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۶، خ ۱۸۰..

(۲۱۳) ۷۳- نهج البلاغه: هٰذا جَزاءُ مَنْ تَرَکَ العُقْدَهَ... إنَّ الشَّیْطانَ یُسَنِّی لَکَمْ طُرُقَهُ، وَیُرِیدُ أَنْ یَحُلَّ دِینَکَمْ عُقْدَهً عُقْدَهً، وَیُعْطِیَکَمْ بِالجَماعَهِ الفُرْقَهَ، وَبِالفُرْقَهِ الفِتْنَهَ، فَاصْدِفُوا عَنْ نَزَغاتِهِ وَنَفَثاتِهِ، وَاقْبَلُوا النَّصِیحَهَ مِمَّنْ أَهْداها إلَیْکُمْ، وَاعْقِلُوها عَلیٰ أَنْفُسِکُمْ (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: این سزای کسی است که پیمان خود را وانهد... شیطان راه های خود (راه های انحراف) را بر شما هموار می نماید، و می خواهد گره های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید، و بجای پیوستگی شما را پراکنده سازد، و با پراکندگی شما را به فتنه و آشوب گرفتار نماید. پس، از وسوسه ها و دمدمه های افسونگر او روی برتابید و نصیحت آن کس را که خیر خواه شما است قبول کنید، و آن را با جان و دل بپذیرید.

(۲۱۴) ۷۴- نهج البلاغه: تَرِبَتْ أَیْدِیکُمْ! یا أَشْباهَ الإبِلِ غابَ عَنْها رُعاتُها، کُلَّما جُمِعَتْ مِنْ جانِبٍ تَفَرَّقَتْ مِنْ آخَرَ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: دستانتان تهی باد ای مردمی که همانند رمه شترانِ بی ساربانید که هر گاه از یک سو جمع آوری شوند از دیگر سو پراکنده می گردند.

(۲۱۵) ۷۵- نهج البلاغه: وَما أَنْتُمْ بِرُکْنٍ یُمالُ بِکُمْ، وَلا زَوافِرِ عِزٍّ یُفْتَقَرُ إلَیْکُمْ، ما أَنْتُمْ إلّاکَإبِلٍ ضَلَّ رُعاتُها، فَکُلَّما جُمِعَتْ مِنْ جانِبٍ انْتَشَرَتْ مِنْ آخَرَ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: شما نه پشتوانه ای هستید که بتوان به آن تکیه کرد، و نه سپاهیان شکست ناپذیر و عزّتمندی که به شما نیاز باشد. به رمه شتران بی ساربان می مانید که هر گاه از یک سو جمع آوری شوند از سوی دیگری پراکنده می گردند.

۱- (۱) . نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۴؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۶، خ ۱۲۱..

۲- (۲) . نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۹؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۵، خ ۹۷..

۳- (۳) . نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۳ ؛المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۵، خ ۳۴..

۷۶ - نهج البلاغه: أَلا وَإِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطّاعَهِ؛ وَثَلَمْتُمْ حِصْنَ اللّهِ المَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأَحْكامِ الجاهِلِيَّهِ. فَإِنَّ اللّهَ سُبْحانَهُ قَدِ امْتَنَّ عَلىٰ جماعَهِ هٰذِهِ الأُمَّهِ - فِيما عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هٰذِهِ الأُلْفَهِ الَّتِى يَنْتَقِلُونَ فى ظِلِّها، وَيَأْوُونَ إِلىٰ كَنَفِها - بِنِعْمَهٍ لا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ المَخْلُوقِينَ لَها قِيمَهً؛ لِأَنَّها أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ، وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ. وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ صِرْتُمْ بَعْدَ الهِجْرَهِ أَعْراباً، وَبَعْدَ المُوالاهِ أَحْزاباً؛ ما تَتَعَلَّقُونَ مِنَ الإِسْلامِ إِلّاباسْمِهِ، وَلا تَعْرِفُونَ مِنَ الإيمانِ إِلّارَسْمَهُ؛ تَقُولُونَ: النّارُ وَلَا العارُ؛ كَأَنَّكُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تُكْفِئُوا الإِسْلامَ عَلىٰ وَجْهِهِ، انْتِهاكاً لِحَرِيمِهِ، وَنَقْضاً لِمِيثاقِهِ الَّذِى وَضَعَهُ اللّهُ لَكُمْ حَرَماً فى أَرْضِهِ، وَأَمْناً بَيْنَ خَلْقِهِ، وَإِنَّكُمْ إِنْ لَجَأْتُمْ إِلىٰ غَيْرِهِ، حارَبَكُمْ أَهْلُ الكُفْرِ، ثُمَّ لا جَبْرائِيلُ وَلا مِيكائِيلُ وَلا مُهاجِرُونَ وَلا أَنْصارٌ يَنْصُرُونَكُمْ إِلّاالمُقارَعَهَ بِالسَّيْفِ، حَتّىٰ يَحْكُمَ اللّهُ بَيْنَكُمْ.

وَإِنَّ عِنْدَكُمُ الأَمْثالَ مِنْ بَأْسِ اللّهِ وَقَوارِعِهِ، وَأَيّامِهِ وَوَقائِعِهِ. فَلا تَسْتَبْطِئُوا وَعِيدَهُ جَهْلًا بِأَخْذِهِ، وَتَهاوُناً بِبَطْشِهِ، وَيَأْساً مِنْ بَأْسِهِ؛ فَإِنَّ اللّهَ سُبْحانَهُ لَمْ يَلْعَنِ القَرْنَ الماضِىَ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلّا لِتَرْكِهِمُ الأَمْرَ بِالمَعْرُوفِ وَالنَّهْىَ عَنِ المُنْكَرِ، فَلَعَنَ اللّهُ السُّفَهاءَ لِرُكُوبِ المَعاصِى، وَالحُلَماءَ لِتَرْكِ التَّناهِى.

أَلا وَقَدْ قَطَعْتُمْ قَيْدَ الإِسْلامِ، وَعَطَّلْتُمْ حُدُودَهُ، وَأَمَتُّمْ أَحْكامَهُ.

أَلا وَقَدْ أَمَرَنِى اللّهُ بِقِتالِ أَهْلِ البَغْىِ وَالنَكْثِ وَالفَسادِ فى الأَرْضِ. فَأَمّا الناكِثُونَ فَقَدْ قاتَلْتُ، وَأَمّا القاسِطُونَ فَقَدْ جاهَدْتُ، وَأَمّا المارِقَهُ فَقَدْ دَوَّخْتُ، وَأَمّا شَيْطانُ الرَّدْهَهِ فَقَدْ كَفَيْتُهُ بِصَعْقَهٍ سَمِعْتُ لَها وَجْبَهَ قَلْبِهِ وَرَجَّهَ صَدْرِهِ؛ وَبَقِيَتْ بَقِيَّهٌ مِنْ أَهْلِ البَغْىِ، وَلَئِنْ أَذِنَ اللّهُ فى الكَرَّهِ عَلَيْهِمْ، لَأُدِيلَنَّ مِنْهُمْ إِلّاما يَتَشَذَّرُ فى أَطْرافِ البِلادِ تَشَذُّراً. أَنا وَضَعْتُ فى الصِّغَرِ بِكَلاكِلِ العَرَبِ، وَكَسَرْتُ نَواجِمَ قُرُونِ رَبِيعَهَ وَمُضَرَ ... (۱).

هان! همانا شما دست از رشتهٔ فرمانبری کشیدید و با زنده کردن ارزشهای جاهلیت، در دژی خدایی که پیرامونتان بود رخنه انداختید، همانا خداوند سبحان با ایجاد رشته الفت میان جمع این امت - که در سایه آن زندگی کنند و در آغوش آن بیارمند - نعمتی به آنان بخشید که هیچ یک از آفریدگان ارزش آن را نداند زیرا از هر بهایی برتر و از هر چیز گرانقدری والاتر

ص:۱۸۹

۱- (۱) . نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۴ - ۱۵۵..

است. بدانید که پس از هجرت از جاهلیت به اسلام، به خوی جاهلیت باز گشته اید و پس از پیوند دوستی دسته شده اید، به اسلام جز به اسم آن دل نبسته اید و از ایمان جز آداب ظاهری آن را نمی شناسید. می گویید: به آتش می رویم و ننگ را نمی پذیریم، گویا می خواهید اسلام را واژگون کنید تا بتوانید پرده حریمش را بدرید و پیمانی که خداوند آن را پناهگاه شما مسلمانان و سبب امنیت میان مردم قرار داده بشکنید.

به یقین اگر شما به غیر اسلام پناه برید، کافران به نبرد شما می آیند، آنگاه نه جبرئیلی و نه میکائیلی، نه مهاجرانی و نه انصاری هست که شما را یاری کند؛ و چاره ای جز نبرد با شمشیر ندارید تا خداوند در میان شما کار را یکسره کند.

داستانهای عذاب الهی و کیفرهای سنگین او و روزهای - نزول عذاب - او - بر اقوام گذشته - و برخوردهای سخت او در دسترس شما است، با ناآگاهی از کیفر دادن او، و سبک شمردن عقوبت سخت او، و به پندار نبود عذاب او مینگارید که وعده عذاب نخواهد رسید و در عذابتان درنگ خواهد شد؛ چرا که خدای سبحان مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت مگر برای ترک امر بـه معروف و نهی از منکر؛ خداونـد، بی خردان را برای نافرمـانی از رحمتش دور ساخت و خردمندان را برای باز نداشتن دیگران از گناه.

آگاه باشید! شما رشته پیوند با اسلام را قطع، و اجرای حدود الهی را تعطیل و احکام اسلام را به فراموشی سپرده اید.

بدانید! خداوند مرا به جنگ با سرکشان، پیمان شکنان و فسادکنندگان در زمین فرمان داده است. و من با پیمان شکنان (اصحاب جمل) جنگیدم، و با حق ستیزان (معاویه و پیروانش) جهاد کردم، و از دین برون شدگان را خوار و زبون ساختم. و اما آنچه مرا از پرداختن به شیطان - مرده - در مغاک (رهبر خوارج) آسوده ساخت بانگی - سهمگین - بود که قلبش را به تپش و سینه اش را به لرزش انداخت و کارش را بساخت. اینک تنها ته مانده ای از سرکشان و ستمگران به جا مانده اند، که اگر خداوند فرصت دهد بر آنان می تازم و قدرت و حکومت را از دستشان می گیرم - و نابودشان می کنم - به جز افراد اندکی که در اطراف پراکنده شوند. من در دوران کمسالی خود بزرگان عرب را به خاک افکندم و شجاعان دو قبیلهٔ معروف «ربیعه» و «مضر» را درهم شکستم.

۵ – تاکید ائمه علیهم السلام بر اتحاد، و سازگاری شیعیان با دیگر مسلمانان

(۲۱۷) ۷۷ – مشکاه الأنوار: عنْ أبی بَکرٍ الحضرمیِّ قالَ: قالَ أخِی عَلْقَمَهُ لِأبِی جَعْفَرٍ علیه السلام إنَّ أبا بَکْرٍ قالَ:

یُقاتَلُ النّاسُ فی عَلِیٍّ، فَقالَ علیه السلام : إنِّی أراکَ لَوْ سَمِعْتَ رَجُلًا سَبَّ عَلِیّاً فاسْتَطَعْتَ أَنْ تَقْطَعَ أَنْفَهُ فَعَلْتَ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ. قالَ لِی: لا تَفْعَلْ؛ فَإنِّی أَسْمَعُ الرَّجُلَ یَسُبُّ عَلِیّاً جَدِّی، فَأَتَواریٰ عَنْهُ، فَإذا فَرَغَ أَتَیْتُهُ فَصافَحْتُهُ (۱).

ابو بکر حضرمی می گوید: برادرم علقمه به امام باقر علیه السلام عرض کرد: ابوبکر می گوید که به جهت علی علیه السلام باید با مردم درگیر شد و جنگید. آن حضرت فرمود: ببینم اگر بشنوی کسی به علی علیه السلام ناسزا گفته چنانچه بتوانی بینی او را می بری؟ گفتم: آری. امام به من فرمود: این کار را نکن؛ همانا من وقتی می شنوم کسی به جدم علی علیه السلام ناسزا می گوید، خود را از او پنهان می کنم، هنگامی که ناسزا گوییش تمام شد نزد او می روم و با او دست می دهم.

(۲۱۸)

۷۸ – مشکاه الأنوار: عنْ أبی أُسامَهَ قالَ: دَخَلْتُ عَلَیٰ أَبِی عَبْدِ اللّهِ علیه السلام لِأُوَدِّعَهُ. فَقالَ لِی: یا زَیدُ...

إِنَّکَ تَقْدِمُ غَداً الکُوفَهَ، فَیَأْتِیکَ إخْوانُکَ وَمَعارِفُکَ فَیَقُولُونَ: ما حَدَّثَکَ جَعْفَرٌ؟ فَما أَنْتَ قائِلٌ؟

قالَ: أَقُولُ لَهُمْ ما تَأْمُرُنِی بِهِ، لا أقصُرُ عَنْهُ وَلا أعْدُوهُ إلَیٰ غَیْرِهِ.

قالَ علیه السلام : أقْرِئْ مَنْ تَریٰ أَنَّهُ یُطِیعُنِی وَیَأْخُذُ بِقَوْلِی مِنْهُمُ السَّلامَ، أُوصِیهِمْ بِتَقْوَی اللّهِ، وَالوَرَعِ فی دِینِهِمْ، وَالِاجْتِهادِ للّهِ، وَصِدْقِ الحَدِیثِ، وَأداءِ الأَمانَهِ، وَطُولِ السُّجُودِ، وَحُسْنِ الجِوارِ،

۱- (۱) . مشکاه الأنوار، ص ۱۳۷؛محاسن، ص ۲۶۰، ح ۳۱۴..

فَبِهٰذا جاءَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلم ، وَأَدُّوا الأمانَهَ إلیٰ مَنِ ائْتَمَنَکَمْ عَلَیْها مِنْ بَرٍّ أَوْ فاجِرٍ؛ فَإنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله کانَ یَأْمُرُ بِرَدِّ الخَیْطِ وَالمِخْیَطِ. صَلُّوا فی عَشائِرِهِمْ، وَاشْهَدُوا جَنائِزَهُمْ، وَعُودُوا مَرْضاهُمْ، وَأدُّوا حُقُوقَهُمْ، فَإنَّ الرَّجُلَ مِنْکُمْ إذا وَرَعَ فی دِینِهِ وَصَدَقَ الحَدِیثَ وَأدَّی الأمانَهَ وَحَسُنَ خُلقُهُ مَعَ النّاسِ، قِیلَ: «هٰذا جَعْفَرِیٌّ» فَیَسُرُّنی ذٰلِکَ، [و] قالُوا: «هٰذا أَدَبُ جَعْفَرٍ»؛ وَإذا کانَ عَلیٰ غَیْرِ ذٰلِکَ دَخَلَ عَلَیَّ بَلاؤُهُ وَعارُهُ.

وَاللّهِ لَقَدْ حَدَّثَنِی أبِی أنَّ الرَّجُلَ کانَ یَکُونُ فی القَبِیلَهِ مِنْ شِیعَهِ عَلِیٍّ - رِضْوانُ اللّهِ عَلَیْهِ - فَکانَ أَقْضاهُمْ لِلْحُقُوقِ، وَأدّاهُمْ لِلأمانَهِ، وَأَصْدَقَهُمْ لِلْحَدِیثِ، إلَیْهِ وَصایاهُمْ وَوَدائِعُهُمْ، یُسْأَلُ عَنْهُ فَیُقالُ: مَنْ مِثْلُ فُلانٍ؟

فَاتَّقُوا اللّهَ وَکُونُوا زَیْناً وَلاٰ تَکُونُوا شَیْناً، جُرُّوا إلَیْنا کُلَّ مَوَدَّهٍ وَادْفَعُوا عَنّا کُلَّ قَبِیحٍ، فَإنَّهُ ما قِیلَ لَنا فَما نَحْنُ کَذٰلِکَ، لَنا حَقٌّ فی کِتابِ اللّهِ وَقَرابَهٌ مِنْ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله وَتَطْهِیرٌ مِنَ اللّهِ وَوِلادَهٌ طَیِّبَهٌ، لاٰ یَدَّعِیها أَحَدٌ غَیْرُنا إلّا کَذّابٌ. أَکْثِرُوا ذِکْرَ اللّهِ، وَذِکْرَ المَوْتِ، وَتِلاوَهَ القُرْآنِ، وَالصَّلاهَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله ؛ فَإنَّ الصَّلاهَ عَلَیْهِ عَشْرُ حَسَناتٍ، خُذْ بِما أَوْصَیْتُکَ بِهِ وَأَسْتَوْدِعُکَ اللّهَ (۱).

ابو اسامه گوید: به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم تا با آن بزرگوار وداع کنم. آن حضرت به من فرمود: ای زید!... تو فردا به کوفه می روی در آنجا برادران و آشنایانت نزد تو می آیند و می پرسند، جعفر به تو چه گفت؟ تو چه می گویی؟

گفتم: به آنان همان چیزهایی را می گویم که به من فرمودی نه از آن کم می کنم و نه به آن می افزایم.

آن حضرت فرمود: به هر کس از آنان که دیدی فرمان مرا می برد و سخنم را می پذیرد سلام مرا برسان، - و بگو - آنان را به پروای از خدا و ورع در دینشان و جدّیت در کار برای خدا و راستگویی و ادای امانت و سجدهٔ طولانی و خوشرفتاری در همسایگی سفارش می کنم، که اینها را محمد صلی الله علیه و آله و سلم آورده است، امانت را به امانتگذار چه نیکوکار باشد چه بدکار، بازگردانید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم حتی به برگرداندن نخ و سوزن فرمان می داد. با جماعت آنان [مسلمانان] نماز گزارید، و در مراسم مردگانشان حاضر شوید، و از بیمارانشان دیدن کنید، و حقوق آنان

۱- (۱) . مشکاه الأنوار، ص ۱۳۲ - ۱۳۱؛ کافی، ج ۲، ص ۶۳۶، ح ۵ ..

را ادا کنید. زیرا هر گاه یک نفر از شما در دینش ورع داشته و راستگو باشد و امانت را بازگرداند و با مردم نیک رفتار باشد می گویند: این جعفری است و این مرا شاد می سازد، و می گویند این ادب جعفر است، و اگر جز این باشد گرفتاری و ننگ آن به من می رسد.

به خدا سوگند پدرم علیه السلام برای من نقل کرد که یک تن از شیعیان علی علیه السلام که در یک قبیله بود، بهترین آنان در ادای حقوق و امانتدارترین آنان و راستگوترینشان بود، به او وصیت می کردند و نزد او سپرده می گذاشتند. چنانچه از آن قبیله در بارهٔ او سؤال می شد آنان می گفتند: مانند ندارد!

پس از خدا پروا کنید و زینت – ما باشید و ننگ – و سبب بدنامی ما – نباشید. همه را به محبت ما راغب سازید، و نگذارید هیچ زشتی و بدی را به ما نسبت دهند، که به راستی، آنچه به ما نسبت داده شده نادرست است و ما چنین نیستیم. برای ما در کتاب خدا حقی هست و با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خویشاوندیم و خداوند ما را پاک کرده است و به پاکی زاده شده ایم، و غیر ما هیچ کسی به جز دروغگو ادعای آن را ندارد. زیاد به یاد خدا و به یاد مرگ باشید و بسیار قرآن بخوانید، و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فراوان درود فرستید که درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ده حسنه است.به آنچه سفارشت کردم عمل کن؛ تو را به خدا می سپارم.

(۲۱۹)

۷۹ – کافی: عَن معاویه بن وهب. قال: قُلْتُ لِأَبی عَبْدِ اللّهِ علیه السلام : کَیْفَ یَنْبَغِی لَنا أنْ نَصْنَعَ فِیما بَیْنَنا وَبَیْنَ قَوْمِنا وَفِیما بَیْنَنا وَبَیْنَ خُلَطائِنا مِنَ النّاسِ؟ قالَ: فَقالَ: تُؤَدُّونَ الأَمانَهَ إلَیْهِمْ، وَتُقِیمُونَ الشَّهادَهَ لَهُمْ وَعَلَیْهِمْ، وَتَعُودُونَ مَرْضاهُمْ، وَتَشْهَدُونَ جَنائِزَهُمْ .(۱)

معاویه بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم با خویشاوندانمان و همکارانمان (شریکانمان) از مردم (مسلمان غیر شیعه) چگونه رفتار کنیم؟ آن حضرت فرمود: امانتشان را بر می گردانید، و به نفع و ضررشان گواهی می دهید، و به دیدن بیمارانشان می روید، و در مراسم مردگانشان حاضر می شوید.

(۲۲۰)

۸۰ – بحارالأنوار: عنْ أبی بصیرٍ، قالَ: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام یَقُولُ: اتَّقُوا اللّهَ، وَعَلَیْکُمْ بِالطّاعَهِ

۱- (۱) . کافی، ج ۲، ص ۶۳۵، ح ۲..

لِأَئِمَّتِکَمْ: قُولُوا ما یَقُولُونَ، وَاصْمُتُوا عَمّا صَمَتُوا؛ فَإِنَّکَمْ فی سُلْطانِ مَنْ قالَ اللّهُ تَعالی: «وَإِنْ کانَ مَکْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الجِبالُ» (۱) . یَعْنِی بِذلِکَ وُلْدَ العَبّاسِ. فَاتَّقُوا اللّهَ، فَإِنَّکُمْ فی هُدْنَهٍ؛ صَلُّوا فی عَشائِرِهِمْ، وَاشْهَدُوا جَنائِزَهُمْ، وَأَدُّوا الأَمانَهَ إِلَیْهِمْ... (۲).

ابوبصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: از خدا پروا کنید، و بر شما است فرمانبری از امامانتان، آنچه آنان می گویند بگویید و از آنچه لب فرو بستند لب فرو بندید؛ زیرا شما زیر سلطه کسانی هستید که خداوند متعال فرمود: «و اگر چه نیرنگ آنان کوه ها را از جا برکند» - منظورش بنی عباس بود - . از خدا پروا کنید! زیرا شما در این زمان در حال سازش با مخالفان هستید؛ با جماعت آنان نماز گزارید، و بر جنازه هایشان حاضر شوید، امانت را به آنان باز گردانید...

(۲۲۱) ۸۱- من لا یحضره الفقیه: روی حَمّادُ بنُ عُثمانَ عن الصّادق علیه السلام أَنَّهُ قالَ: مَنْ صَلّی مَعَهُمْ فِی الصَّفِّ الأَوَّلِ، کانَ کَمَنْ صَلّی خَلْفَ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله فی الصَّفِّ الْأَوَّلِ (۳).

حمّاد بن عیسی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر کس همراه آنان (مخالفان و اهل سنت) در صف اول نماز گزارد، مانند کسی است که پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز گزارد.

(۲۲۲) ۸۲- تهذیب الأحکام: عَنْ إِسحاقَ بْنِ عَمّارٍ قالَ: قالَ لی أَبُوعَبْدِاللّهِ علیه السلام : یا إِسْحاقُ أَتُصَلِّی مَعَهُمْ فِی الْمَسْجِدِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قالَ: صَلِّ مَعَهُمْ، فَإِنَّ الْمُصَلِّی مَعَهُمْ فِی الصَّفِّ الْأَوَّلِ، کَالشّاهِرِ سَیْفَهُ فی سَبِیلِ اللّهِ (۴).

اسحاق بن عمار می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای اسحاق! با آنان (مخالفان) در مسجد نماز می گزاری؟ گفتم: آری. فرمود: با آنان نماز بگزار، که هر کس با آنان در صف اول نماز گزارد، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده باشد.

(۲۲۳) ۸۳- کافی: قالَ أَبُو عبدِ اللّهِ علیه السلام : عَلَیْکُمْ بِالصَّلاهِ فی المَساجِدِ، وَحُسْنِ الجِوارِ لِلنّاسِ، وَإِقامَهِ

۱- (۱) . ابراهیم: ۴۶..

۲- (۲) . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۱۶۲، ح ۱؛امالی طوسی، ص ۶۶۷، ح ۱۳۹۸..

۳- (۳) . من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۰، ح ۱۱۲۶..

۴- (۴) . تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۷۷، ح ۸۰۹ ..

الشَّهادَهِ، وَحُضُورِ الجَنائِزِ، إنَّهُ لابُدَّ لَكَمْ مِنَ النّاسِ، إنَّ أحداً لا يَسْتَغْنِي عَنِ النّاسِ حَياتَهُ، وَالنّاسُ لابُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: بر شما لازم است که در مساجد نماز بگزارید، و با مردم (عموم مسلمانان) خوب همسایگی کنید، و در مورد آنها گواهی بدهید، و بر جنازه هایشان حاضر شوید. همانا شما چاره ای جز زندگی در میان مردم ندارید. هیچ کس در زندگیش از مردم بی نیاز نیست و مردم ناگزیر به یکدیگر نیازمندند.

(۲۲۴)

۸۴ - کافی: عنْ حبیبِ الخثعميّ قالَ: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ: عَلَيْكُمْ بِالوَرَعِ وَالِاجْتِهادِ، وَاشْهَدُوا الجَنائِزَ، وَعُودُوا المَرْضى، وَاحْضَرُوا مَعَ قَوْمِكُمْ مَساجِدَكُمْ، وَأَحِبُّوا لِلنّاسِ ما تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ. أما يَسْتَحْيِی الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يَعْرِفَ جارُهُ حَقَّهُ وَلا يَعْرِفَ حَقَّ جارِهِ (۲).

حبیب خثعمی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: بر شما است که با ورع و پارسا باشید، و در بندگی خدا بکوشید. در مراسم مردگان حاضر شوید، و از بیماران دیدن کنید، و با قوم خود در مسجدهایتان حاضر شوید، و برای مردم همان را بخواهید که برای خودتان می خواهید. آیا انسان شرم نمی کند که همسایه حق او را بشناسد و رعایت کند، ولی او نسبت به همسایه حق ناشناس باشد و حق همسایه را رعایت نکند؟!

(۲۲۵)

۸۵ - مشکاه الأنوار: عنْ مرازم قالَ: حَمَّلَنِي أبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام رِسالَهً، فَلَمّا خَرَجْتُ دَعانِي فَقالَ: يا مرازم! لِمَ لا يَكُونُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ النّاسِ إلّاخَيْراً وَإنْ شَتَمُونا؟! (۳)

مرازم می گوید: امام صادق علیه السلام نامه ای به من داد - که برای کسی ببرم -، همینکه بیرون شدم مرا صدا زد و فرمود: مرازم! چرا با مردم (غیر شیعه) خوب نباشی هر چند آنان به ما ناسزا بگویند؟!

۱- (۱) . کافی، ج ۲، ص ۶۳۵، ح ۱..

۲- (۲) . همان، ص ۶۳۵، ح ۳..

۳- (۳) . مشکاه الأنوار، ص ۱۳۶، ح ۳۱۴..

چند نکته و حدیث دیگر

۱ – مراد از «اختلاف امتی رحمه»

(۲۲۶) ۱- علل الشرائع: عن عبدالمؤمن الأنصاری قالَ: قُلْتُ لِأبی عَبْدِ اللّهِ علیه السلام : إنَّ قَوْماً یَرْوُونَ أنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله قالَ: اخْتِلافُ أُمَّتی رَحْمَهٌ، فَقالَ: صَدَقُوا. فَقُلْتُ: إنْ کانَ اخْتِلافُهُمْ رَحْمَهً فَاجْتِماعُهُمْ عَذابٌ! قالَ: لَیْسَ حَیْثُ تَذْهَبُ وَذَهَبُوا، وَإنَّما أرادَ قَوْلَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَلَوْلا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فی الدِّینِ وَلِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إذا رَجَعُوا إلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ» (۱). فَأَمَرَهُمْ أنْ یَنْفِرُوا إلی رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله وَیَخْتَلِفُوا إلَیْهِ فَیَتَعَلَّمُوا، ثُمَّ یَرْجِعُوا إلی قَوْمِهِمْ فَیُعَلِّمُوهُمْ. إنَّما أَرادَ اخْتِلافَهُمْ مِنَ البُلْدانِ لَااخْتِلافاً فی دِینِ اللّهِ، إنَّمَا الدِّینُ واحِدٌ، إنَّمَا الدِّینُ واحِدٌ (۲).

عبدالمؤمن انصاری گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گروهی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند که فرمود: اختلاف امتم رحمت است. فرمود راست می گویند. گفتم: اگر اختلافشان رحمت است پس باید اجتماعشان عذاب باشد! فرمود: معنایش آن نیست که به ذهن تو و آنان آمده، بلکه منظورش فرموده ی خدای عز و جل است: «پس چرا از هر فرقه ای دسته ای کوچ

۱- (۱) . توبه: ۱۲۲. .

۲- (۲) . علل الشرائع، ج ۱، ص ۸۵، ح ۴..

نمی کنند تا دین را با شناخت و درک عمیق بیاموزند و آنگاه که بازگشتند قوم خویش را بیم دهند شاید آنان بترسند». پس فرمان می دهد که به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سفر و به محضرش رفت و آمد کنند تا - معارف و... دین را بیاموزند و پس از آن به میان قوم خویش بر گردند و به آنان یاد دهند. منظور رفت و آمد از شهرها است نه اختلاف در دین خدا. به راستی دین یکی است، به یقین دین یکی است.

ص:۱۹۷

۲ – معنای شقّ عصا

(۲۲۷) ۲- المجازات النبویه: وَمِنْ ذلِکَ [قوله] عَلَیْهِ الصَّلاهُ وَالسَّلامُ: مَنْ أتاکُمْ وَأَمْرُکُمْ جَمْعٌ یُرِیدُ أَنْ یَشُقَّ عَصاکُمْ، وَیُفَرِّقَ جَماعَتَکُمْ فَاقْتُلُوهُ.

فَقَوْلُهُ عَلَیْهِ الصَّلاهُ وَالسَّلامُ «یُرِیدُ أَنْ یَشُقَّ عَصاکُمْ» اسْتِعارَهٌ، وَالمُرادُ بِهِ تَفْرِیقُ أَمْرِهِمْ، وَتَشْتِیتُ جَمْعِهِمْ. فَشَبَّهَ ذلِکَ بِشَقِّ العَصا، لِأَنَّ عَنْ شَقِّها یَکُونُ تَشَظِّیها، وَتَطایُرُ الصُّدُوعُ فِیها.

قالَ الرّاعی:

فَتَشَقَّقَتْ مِنْ بَعْدِ ذاکَ عَصاهُمْ شِقَقاً وَغُودِرَ جَمْعُهُمْ مَفْلُولا

أَیْ انْتَشَرَتْ أُمُورُهُمْ وَتَفَرَّقَتْ جُمُوعُهُمْ. وَمِثْلُ ذلِکَ مِنْ کَلامِهِمْ قَوْلُهُمْ: فَضَّ اللّهُ مُرُوَّتَهُمْ، وَهِیَ الصَّخْرَهُ، وَفَضَّ اللّهُ خِدْمَتَهُمْ، وَهِیَ الحَلَقَهُ. فَکَأَنَّهُمْ شَبَّهُوا الْتِئامَ جُمُوعِهِمْ بِالصَّخْرَهِ المَلْمُومَهِ، وَشَبَّهُوا الْتِحامَ شُؤُونِهِمْ بِالحَلَقَهِ المَأْطُورَهِ. وَیَجُوزُ أَنْ یَکُونُ لِشَقِّ العَصا وَجْهٌ آخَرُ، وَهُوَ أَنْ یُرادُ بِهِ فَلُّ شَوْکَتِهِمْ وَإِیهانُ قُوَّتِهِمْ، لِأَنَّ العَصا لِصاحِبِها قُوَّهٌ یَدْفَعُ بِها، وَبَسْطَهٌ یُعَوِّلُ عَلَیْها. أَلا تَریٰ إِلیٰ قَوْلِهِ تَعالیٰ – حاکِیاً عَنْ مُوسیٰ علیه السلام : «هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّأُ عَلَیْها وَأَهشُّ بِها عَلیٰ غَنَمِی وَلِیَ فِیها مَآرِبُ أُخْریٰ» . فَیَجْعَلُ مِنْ مَرافِقِها الِاعتِمادَ عَلَیْها وَالهَشَّ عَلَی الغَنَم بِها، وَمِنَ المَآرِبِ الأُخْریٰ الَّتِی فِیها أنْ تَکُونَ آلَهَ لِدِفاعِهِ وَعُدَّهً لِقِراعِهِ، وَهِیَ بَعْدُ عَوْنٌ لِلماشِی وَهِدایَهٌ للعاشِی وَسَلاطَهٌ لِلرّاعِی (۱).

یکی از آن مجازات فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که: «در زمانی که وحدت بر شما حاکم است هر کس می خواهد عصای شما را در هم بشکند و جمع شما را پراکنده سازد او را بکشید».

ص:۱۹۸

۱- (۱) . المجازات النبویه، ص ۱۶۱ – ۱۶۳، ح ۱۲۲..

جمله «می خواهد عصای شما را در هم بشکند»، استعاره است، و منظور از آن به هم زدن حکومتشان و پراکنده کردن اجتماعشان می باشد. از این رو آن را به در هم شکستن عصا تشبیه کرده که پی آمد در هم شکستنش پیدایش شکافها و تکه ها و لاشه های جدا شده از آن است.

راعی گوید: «فتشققت من بعد ذاک عصاهم شققا و غودر جمعهم مفلولا» پس از آن عصایشان شکست و تکه تکه شد، و جمعشان شکست خورده و فراری گشت.

یعنی امورشان پراکنده شد و جمعشان متفرق گشت. مشابه این تعبیر در زبان عرب دو عبارت «فض اللّه مروتهم» و «فض اللّه خدمتهم» است - که هر دو در معنای «خدا جمعشان را بپراکند» بکار می روند -؛ با آنکه معنای اصلی «مروه» و «خدمه» به ترتیب «سنگ سخت» و «حلقه» است. گویا انسجام و همبستگی گروه هایشان را به صخره سخت و محکم؛ و یکپارچگی آنان در کارها را به حلقه بسته تشبیه کرده اند. بکارگیری «شق عصا» در اینگونه موارد می تواند وجه دیگری داشته باشد، و آن اینکه کنایه باشد از شکستن شوکت و سست کردن قدرتشان. زیرا عصا برای صاحبش نیرویی است که با آن خطر را دفع می کند و قدرتی است که به آن اتکا می کند؛ چنانکه خدای متعال از زبان موسی می فرماید: «آن عصای من است که به آن تکیه می دهم، و با آن برای گوسفندانم برگ از درخت فرو می ریزم، و در نیازهایی دیگر به کارم می آید». تکیه بر آن و فروریختن برگ درخت برای گوسفند را از منافع آن قرار می دهد؛ و فوائد دیگری که دارد این است که ابزار دفاع او و وسیله مناسب برای زدن است؛ و با این همه مددکار پیاده و راهنمای کم بینا و ابزار قدرت شبان نیز می باشد.

ص:۱۹۹

۳ – اهل باطل را هم اختلاف نابود می کند

(۲۲۸) ۳- الملاحم و الفتن: عنْ عبیدهَ قالَ: سَمِعْتُ عَلِیّاً علیه السلام یَقُولُ: لا یَزالُ هٰؤُلاءِ آخِذِینَ بِثَبَجِ هٰذَا الأَمْرِ ما لَمْ یَخْتَلِفُوا بَیْنَهُمْ؛ فَإِذا اخْتَلَفُوا خَرَجَتْ مِنْهُمْ، فَلَمْ تَعُدْ إِلَیْهِمْ إِلیٰ یَوْمِ القِیامَهِ - یَعْنِی بَنِی أُمَیَّهَ - (۱).

عبیده گوید: از علی علیه السلام شنیدم می فرمود: اینان - یعنی بنی امیه - تا وقتی با هم اختلاف پیدا نکرده اند اساس حکومت را در دست دارند؛ آنگاه که اختلاف پیدا کردند حکومت از دستشان خارج می شود، و تا روز قیامت دیگر به آنان باز نخواهد گشت.

(۲۲۹) ۴- الملاحم و الفتن: قالَ ابْنُ عَبّاسٍ: لا یَزالُ هٰذَا الأمْرُ فی بَنِی أُمَیَّهَ ما لَمْ یَخْتَلِفْ بَیْنَهُمْ رُمْحانِ؛ فَإِذَا اخْتَلَفوا بَیْنَهُمْ، خَرَجَتْ مِنْهُمْ إِلیٰ یَوْمِ القِیامَهِ (۲).

ابن عباس گفت: کار حکومت در میان بنی امیه تا هنگامی می پاید که رو در روی یکدیگر نایستاده اند؛ هنگامی که میان آنان درگیری پیش آمد حکومت تا روز قیامت از دستشان خارج خواهد شد.

۱- (۱) . الملاحم و الفتن، ص ۳۱؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۳۶۴، ح ۳۱۷۵۷..

۲- (۲) . الملاحم و الفتن، ص ۳۱..

۴ – چند تشبیه

(۲۳۰)

۵ – مستدرک الوسائل: عَنْ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قالَ: الْمُؤْمِنُونَ کَأَسْنانِ الْمُشْطِ، یَتساوَونَ فی الحُقُوقِ بَیْنَهُمْ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مؤمنان مانند دانه های شانه هستند؛ بر همدیگر حقوقی یکسان دارند.

(۲۳۱)

۶ – تحف العقول: قالَ الصّادِقُ علیه السلام : إنَّ سُرْعَةَ ائْتِلافِ قُلُوبِ الأَبْرارِ إذا الْتَقَوا وَإنْ لَمْ یُظْهِرُوا التَّوَدُّدَ بِأَلْسِنَتِهِمْ کَسُرْعَهِ اخْتِلاطِ ماءِ السَّماءِ بِماءِ الأَنْهارِ؛ وَإنَّ بُعْدَ ائْتِلافِ قُلُوبِ الفُجّارِ إذَا الْتَقَوا وَإنْ أَظَهَرُوا التَّوَدُّدَ بِأَلْسِنَتِهِم کَبُعْدِ الْبَهائِمِ مِنَ التَّعاطُفِ، وَإنْ طالَ اعْتِلافُها عَلی مِذْوَدٍ واحِدٍ (۲).

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: به راستی شتاب دلبسته شدن نیکان به یکدیگر هنگام دیدار همچون شتاب آمیختن آب آسمان با آب رودها است، هر چند به زبان اظهار دوستی نکنند؛ و به راستی دوری دلهای بدکاران از یکدیگر هنگام دیدار همانند دوری چهار پایان از مهر ورزی به یکدیگر است، هر چند مدتی طولانی از یک آخور علف بخورند.

(۲۳۲)

۷ – مطالب السؤول: إزالَهُ الرَّواسِی أَسْهَلُ مِنْ تَأْلِیفِ القُلُوبِ المُتَنافِرَهِ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام : از جا کندن کوه ها آسانتر است از پدید آوردن الفت میان دلهایی که از هم متنفرند و با هم دشمنند.

ص:۲۰۱

۱- (۱) . مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۹، ح ۱۰۱۶۶..

۲- (۲) . تحف العقول، ص ۳۷۳..

۳- (۳) . مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، ج ۱، ص ۲۳۴..

۵. چند حدیث

(۲۳۳) ۸- کتاب المؤمن: عَنْ أَبِی عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قالَ: الأَرْواحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَهٌ تَلْتَقِی فَتَتَشامُّ کَما تَتَشامُّ الخَیْلُ، فَما تَعارَفَ مِنْها ائْتَلَفَ، وَما تَناکَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ، وَلَوْ أَنَّ مُؤْمِناً جاءَ إلی مَسْجِدٍ فِیهِ أُناسٌ کَثِیرٌ لَیسَ فِیهِمْ إلّاَ مُؤْمِنٌ واحِدٌ، لَمالَتْ رُوحُهُ إلی ذٰلِکَ المُؤْمِنِ حَتّی یَجْلِسَ إلَیْهِ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: روحها سپاهیانی گروه بندی شده اند و چون به هم رسند همانند اسبان یکدیگر را می بویند؛ آنهایی که یکدیگر را می شناسند (خود را از یک گروه می یابند) به هم دلبسته می شوند، و آنهایی که همدیگر را نمی شناسند (خود را از یک گروه نمی یابند)، با هم ناسازگار می گردند. اگر مؤمنی به مسجدی برود که جمع زیادی در آن باشند و در میان آنها جز یک مؤمن نباشد، روح او چنان به آن مؤمن متمایل می شود که می رود و در کنارش می نشیند.

(۲۳۴) ۹- نهج البلاغه: أمّا بَعْدُ، فَإنَّ اللّهَ سُبْحانَهُ بَعَثَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله نَذِیراً لِلْعالَمِینَ، وَمُهَیْمِناً عَلَی المُرْسَلِینَ، فَلَمّا مَضی علیه السلام تَنازَعَ المُسْلِمُونَ الأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ؛ فَوَاللّهِ ما کانَ یُلْقی فی رَوْعِی وَلا یَخْطُرُ بِبالِی أنَّ العَرَبَ تُزْعِجُ هٰذَا الأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ صلی الله علیه و آله عَنْ أَهْلِ بَیْتِهِ، وَلا أَنَّهُمْ مَنَحُوهُ عَنِّی مِنْ بَعْدِهِ (۲).

امام علیه السلام هنگام نصب مالک اشتر به حکومت مصر فرمود: پس از حمد و ثنای الهی همانا خداوند سبحان محمد را بر انگیخت تا بیم دهنده جهانیان و گواه بر رسولان باشد، همینکه آن بزرگوار از این جهان رفت مسلمانان در باره حکومت پس از او به نزاع بر خاستند. به خدا

ص:۲۰۲

۱- (۱) . کتاب المؤمن، ص ۳۹ ح ۸۹؛بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۲۷۳، ح ۱۶..

۲- (۲) . نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۱۸..

سوگند نه به قلبم خطور می کرد و نه به ذهنم می آمد که عرب پس از آن حضرت حکومت را از دست خاندانش به در آورد و یا آن را از من دور کند.

(۲۳۵)

۱۰ - کافی: عن أبی بَصِیرٍ قالَ: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام یَقُولُ: رَحِمَ اللّهُ عَبْداً حَبَّبَنا إلَی النّاسِ وَلَمْ یُبَغِّضْنا إلَیْهِمْ، أما وَاللّهِ لَوْ یَرْوُونَ مَحاسِنَ کَلامِنا لَکانُوا بِهِ أَعَزَّ وَما اسْتَطاعَ أَحَدٌ أَنْ یَتَعَلَّقَ عَلَیْهِمْ بِشَیْ ءٍ، وَلکِنْ أَحَدُهُمْ یَسْمَعُ الکَلِمَهَ فَیَحُطُّ إلَیْها عَشْراً .(۱)

ابو بصیر گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: خداوند بنده ای را رحمت کند که ما را محبوب مردم سازد و آنان را با ما دشمن نکند. هان! به خدا، اگر سخنان خوب و زیبای ما را نقل می کردند با این کار عزیزتر بودند، و کسی نمی توانست به هیچ وجهی به آنان دست اندازی کند، ولی یکی از آنان سخنی را می شنود و از خود ده تا روی آن می گذارد.

(۲۳۶)

۱۱ - نهج البلاغه: وَقالَ لَهُ بَعْضُ الیَهُودِ: ما دَفَنْتُمْ نَبِیَّکُمْ حَتَّی اخْتَلَفْتُمْ فِیهِ. فَقالَ علیه السلام لَهُ: إنَّما اخْتَلَفْنا عَنْهُ لا فِیهِ؛ وَلکِنَّکُمْ ما جَفَّتْ أَرْجُلُکُمْ مِنَ البَحْرِ حَتّی قُلْتُمْ لِنَبِیِّکُمْ: «اِجْعَلْ لَنا إلهاً کَما لَهُمْ آلِهَهٌ قالَ إنَّکُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (۲). (۳)

یکی از یهودیان به امیر مؤمنان علیه السلام عرض کرد: شما پیامبرتان را دفن نکرده دربارهٔ او اختلاف کردید. امیرمؤمنان علیه السلام به او پاسخ داد: ما اختلافمان در چیزهایی بود که از او رسیده نه دربارهٔ خود او. و اما شما پاهایتان از آب دریا خشک نشده بود که به پیامبرتان گفتید:

«همانگونه که آنان خدایانی دارند، برای ما خدائی قرار ده. و او گفت: به راستی شما گروهی نادان هستید».

(۲۳۷)

۱۲ - معانی الأخبار: عَنْ عاصِمِ بْنِ حُمیدٍ رَفَعَهُ قالَ: جاءَ رَجُلٌ إلی أمیرِ المُؤمِنین علیه السلام فَقال:

أخبِرنی عَنِ السُّنَّهِ وَالْبِدْعَهِ وَعَنِ الْجَماعَهِ وَعَنِ الفُرقَهِ؟ فَقال أمیرُ المُؤمِنین علیه السلام : السُّنَّهُ ما سَنَّ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، وَالْبِدْعَهُ ما احدِث مِنْ بَعْدِهِ، وَالْجَماعَهُ أهْلُ الْحَقّ وَإن کانُوا قَلیلًا، وَالفِرقَه أهْل الباطِل وَإن کانُوا کَثیراً (۴).

۱- (۱) . کافی، ج ۸ ، ص ۲۲۹، ح ۲۹۳..

۲- (۲) . اعراف: ۱۳۸..

۳- (۳) . نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۵، ح ۳۱۷..

۴- (۴) - معانى الأخبار: ۱۵۴ - ۱۵۵..

عـاصم بن حميـد روايت كرده كه شخصـی به حضور امير مؤمنان عليه السـلام آمـد و از مفهوم «سـنت»، «بـدعت»، «جماعت» و «فرقه» سؤال كرد. حضـرت فرمود: سنّت آن چيزی است كه رسول خدا صلی الله عليه و آله مقرّر فرمود، بدعت آن چيزی است كه پس از پيامبر صـلی الله عليه و آله پديد آمد، و جماعت، طرفداران حق اند هرچند اندك باشـند، و فرقه، طرفداران باطل اند هرچند بسيار باشند.

ص:۲۰۴

بخش سوم:

اشاره

الف) پیشینهٔ اندیشهٔ تقریب بین مذاهب اسلامی

ب) معرّفی منادیان وحدت اسلامی

ص:۲۰۵

الف) پیشینهٔ اندیشهٔ تقریب، بین مذاهب اسلامی

اشاره

(۱)

نخستین منادیان وحدت

دعوت به همبستگی و پرهیز از تشتّت و تفرقه، از مسائل مهمی بوده که مکرّر در کلام خدا و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم بر آن تأکید شده است. به موازات پیدایش خط تفرقه در جامعهٔ اسلامی و نشو و نمای حرکتهای برخاسته از هواهای نفسانی از قبیل: کینه های دیرین جاهلی، حسادتها، قدرت طلبی ها، برتری جویی های فردی، قومی و قبیله ای که منازعاتی را بوجود می آورْد و آتش اختلاف را شعله ور می ساخت، و صفوف به هم فشردهٔ مجاهدان اسلام را از هم می پاشید و موجب تضعیف آن می گردید، ندای وحدت، اتّحاد و توحید کلمه، هم از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و هم از اصحاب اصلاح طلب و بزرگوار ایشان نیز شنیده می شد و مانع از گسستگی امّت اسلام می گردید.

اما پس از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، نخستین شکاف عمیق در میان صحابهٔ بزرگ آن حضرت بر سر مسئلهٔ رهبری و جانشینی امّت اسلامی بوجود آمد، که گرچه پر اهمّیت بود و هر کدام به دلایل مختلفی در این باره تمسّک می جستند، ولی پس از ماجرای سقیفه و تعیین نخستین خلیفه، بسیاری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله ، با همهٔ اختلاف سلیقه و بینشی که داشتند، تمکین و یا سکوت اختیار کردند و مانع از هم پاشیدگی و تفرقه در جامعهٔ اسلامی

۱- (۱) . با اندکی تلخیص، نوشتهٔ استاد محمّد جواد صاحبی، تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامهٔ چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹، ص ۴۸ - ۵۷، مدارک ذکر شده در این مقاله تا ص ۲۱۳ از منبع مذکور نقل می شود..

شدند. چنانکه حضرت امام محمّد باقر علیه السلام فرموده است: موقعی که مردم با ابوبکر بیعت کردند، امیر المؤمنین علی علیه السلام از ادّعای خلافت دست کشیدند، زیرا بیم آن داشتند که مسلمین یکباره به سوی بت پرستی بازگردند و ندای لا اله الا اللّه و محمّد رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم فراموش شود (۱) حتی در برابر کسانی که ایشان را به مقاومت و لشکرکشی فرا می خواندند فریاد زدند:

أَیُّهَا النّاسُ، شُقُّوا أَمْواجَ الفِتَنِ بِسُفُنِ النَّجاه...

... آنگاه از دلاوریها و شجاعتهای خویش یاد کرده و با تأکید بر اینکه از هیچ حادثه ای حتی مرگ هراسی به دل راه نمی دهند، اما به خاطر علمی که در سینهٔ خویش دارند و دیگران از آن محروم هستند از برافراشتن عَلَم مخالفت عذر می خواهند. (۲)... امام علی علیه السلام برای حفظ وحدت داخلی مسلمانان، که متضمّن حفظ نظام اسلامی است، و بی تردید ایمان و اعتقاد مردم و احکام شرعی مرهون مقبولیّت عمومی و قدرت آن است، از هرگونه حرکتی که به تضعیف نظام و یا تشتّت و ازهم پاشیدگی صفوف مسلمانان بیانجامد، پیروان خویش را برحذر می داشت. آن حضرت با وجود پیروان و دوستداران فراوانی که داشت، نه تنها به مخالفت آشکارا با خلفا و پیروان آنها نپرداخت، بلکه از هیچ گونه رایزنی و مساعدت فکری به آنها کوتاهی نکرد تا جایی که خلیفهٔ دوّم بارها گفت: «لولا علیّ لهلک عمر». (۳) و نیز این گفتهٔ او که:«مشکلی برایم نماند که ابو الحسن علی علیه السلام آن را نگشاید». (۴)گزارشات تاریخی حاکی از آن است که مشورت با امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مهام امور و در بسیاری از موارد، دستگاه خلافت را از لغزشهای اصولی بازداشته و بویژه سازمان قضایی حکومت را بر استیفای حقوق مردمان وامی داشت و این روش تا زمان تبدیل خلافت به سلطنت اشرافی اموی ادامه داشت... .

۱- (۱) . صحیح کافی، حدیث ۴۴۰۷. .

۲- (۲) . نهج البلاغه، (شرح محمّد عبده)، ج ۱، ص ۴۰..

۳- (۳) . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص۱۸؛ کافی، ج۷، ص۴۲۴، حدیث ۶..

۴- (۴) . امیر المؤمنین علیه السلام اسوهٔ وحدت، محمّد جواد شری، ص۲۴۵، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی علیه السلام ، ۱۳۶۶..

با مرگ صحابه و تابعین، به دلیل دور شدن از عصر نزول وحی، استظهارات و برداشتهای عالمان دینی از کتاب و سنت، برای بدست آوردن احکام شرعی متفاوت گشت و همین امر سبب ظهور و بروز مذاهب فقهی گردید. البته نه بگونه ای که ناسازگاری در اجتماع مسلمانان ایجاد کند. زیرا دست کم دو تن از ائمۀ مذاهب فقهیِ اهل سنت، از شاگردان مبرّز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بوده اند، و هر دو از آن حضرت به نیکی یاد کرده اند، و گویا میان آنها مراوده و مباحثۀ علمی نیز وجود داشته است، چنانکه ابوحنیفه در حضور منصور دوانیقی، چهل مسأله از امام صادق علیه السلام پرسید، و آن حضرت به یک یک آنها جواب داد، و علاوه بر پاسخ او، نظر علمای عراق و علمای حجاز و آنچه را که اهل بیت علیهم السلام دربارۀ یک یک آن مسائل معتقدند بیان کرد و ابو حنیفه در پایان بحث اظهار داشت:

«به راستی داناترین مردم، کسی است که به اختلاف نظرهای مردم آگاهی داشته باشد». (۱)مالک نیز از شاگردان امام صادق علیه السلام ، و با آن حضرت در رفت و آمد بوده و پیوسته ایشان را ستوده، چنانکه خود گفته است:

«من نزد جعفر بن محمّد علیهما السلام می رفتم و مدّتی نزد او رفت و آمد داشتم، او را جز با یکی از سه ویژگی ندیدم؛ یا در حال نماز، یا روزه دار، و یا در حال خواندن قرآن، و هیچ وقت ندیدم از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیثی را نقل کند مگر با طهارت، و سخنی را که مربوط به او نبود هرگز نمی گفت. او از جمله عبّاد و زهّادی بود که از خدای متعال ترس و خشیت داشت و من هیچ وقت به دیدار او نرفتم مگر اینکه متکا را از پشت سر خود بر می داشت و پشت سر من می گذاشت». (۲)البته دو پیشوای دیگر اهل سنت یعنی احمد حنبل و شافعی نیز احادیث و اشعاری در مدح اهل بیت پیامبر علیهم السلام نقل کرده اند (۳)؛ ولی مراد ما در اینجا این نیست، زیرا که قاطبۀ اهل

۱- (۱) . الامام الصادق علیه السلام ، محمّد ابو زهره، ص۲۷..

۲- (۲) . همان، ص۷۶ و۷۷..

۳- (۳) . المسند، ج۵، ص۱۸۱؛ الصواعب المحرقه، ابن حجر، ص۱۰۸..

سنت، آن بزرگواران را ستوده اند و اگر افراد انگشت شماری در این باره جانب ادب را نگاه نداشته اند، ربطی به پیشوایان و عالمان وارستهٔ این مذاهب ندارد ... .

بنیانگذاران تقریب بین مذاهب اسلامی

در قرن حاضر از جهان تسنن، اقبال لاهوری، مودودی پاکستانی، حسن البنا و سیّد قطب مصری پیوسته شعار وحدت را زمزمه کردند... ولی اینان نیز به دلیل شرایط حاکم و درگیری با استبداد داخلی و استعمار خارجی، از مبادلهٔ علمی و فکری و تفاهم با عالمان مذاهب دیگر بازماندند.

همزمان با این بزرگواران در جهان تشیع نیز آرمانگرایان و اصلاح طلبانی چون علّامه شهید مرتضی مطهّری، آیت اللّه سیّد محمود طالقانی، آیت اللّه شهید دکتر بهشتی و... با مصلحان اهل سنت همنوا گردیدند.

اما باید بپذیریم که هیچکدام از اینان نفوذ کلمهٔ مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی و شیخ عبد المجید سلیم و شیخ محمود شلتوت را نداشتند و به حق این سه تن حرکتی را آغاز کردند و به ثمر رساندند که در دنیای اسلام بی نظیر بود. زیرا در جهان تشیع شخصیّتی چون مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی با عنوان مرجع عام شیعیان از اعتبار ویژه و گسترده ای برخوردار بود. ایشان با توجه و علاقهٔ فراوانی که به مسئلهٔ وحدت اسلامی و حُسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامیه داشت، یکی از پر شکوهترین حماسه های تاریخ اسلام را آفرید. این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود، می دانست که سیاست حکّام گذشته، در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف، چه اندازه تأثیر داشته است و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز، سیاستهای استعماری از این تفرقه حد اکثر استفاده را می کنند و بلکه آن را دامن می زنند و نیز توجه داشت که بُعد و دوری شیعه از سایر فِرق سبب شده که آنها شیعه را نشناسند و دربارهٔ آنها تصوّراتی دور از حقیقت بنمایند، به این جهت بسیار علاقمند بود که حُسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود، تا از طرفی وحدت

اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدّس است، تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه، فقه شیعه و معارف شیعه آنطور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می دهند معرّفی شود.

از حُسن تصادف چند سال قبل از زعامت و ریاست معظّم له - زمانی که هنوز ایشان در بروجرد بودند - دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه به همّت جمعی از روشنفکران سنی و شیعه تأسیس شد. معظّم له در دورهٔ زعامت خود تا حد ممکن به این فکر و به این مؤسسه کمک و همکاری کرد... برای اولین بار بعد از چندصد سال بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی سنی شیخ عبد المجید سلیم و بعد از فوت او به فاصلهٔ دو سال شیخ محمود شلتوت، مفتی مصر و رئیس جامع الازهر، روابط دوستانه برقرار شد و نامه ها مبادله گردید. شهید آیت اللّه مطهّری دربارهٔ دلبستگی مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی به وحدت اسلامی و دار التقریب می نویسد:

«معظّم له را نباید گفت نسبت به این مسئله علاقمند بود بلکه باید گفت عاشق و دلباخته این موضوع بود و مرغ دلش برای این موضوع پر می زد. عجیب این است که از دو منبع موثّق شنیدم که در حادثهٔ قلبی اخیر که منجر به فوت ایشان شد، بعد از حملهٔ قلبی اولی که عارض شد و مدّتی بی هوش بودند و بعد به هوش آمدند، قبل از آنکه توجّهی به حال خود بکنند و در این موضوع حرفی بزنند، موضوع تقریب و وحدت اسلامی را طرح می کنند و می گویند:

من آرزوها در این زمینه داشتم». (۱)اهمّیت علاقه و نظر مرحوم آیت اللّه بروجردی نسبت به مسئلهٔ وحدت اسلامی، هنگامی بیشتر جلب نظر می کند که به خاطر آوریم ایشان هنگام وفات نزدیک به ۸۷ سال داشته است، و این اندیشه را پس از هفتاد سالگی دنبال کرده است.

علمای بزرگ اهل سنت نیز در همان زمان پا به پای این بزرگ مرجع شیعی در عصر

۱- (۱) . مرجعیّت و روحانیّت، گروهی از اندیشمندان اسلامی، ص۲۱۸ - ۲۱۹..

حاضر، در راه وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب، به پیش آمدند تا جائیکه اندیشمند بزرگ سنی شیخ عبد المجید سلیم، در پاسخ به پیام شفاهی آیت اللّه بروجردی که توسط شیخ محمّد تقی قمی به وی ابلاغ گردیده بود، چنین می گوید:

«بهترین آرزوی من (اتّحاد مسلمین جهان) است که می خواهم مادام العمر آن را عملی سازم، و پیوسته از باریتعالی مسئلت دارم که آرزوی مرا برآورد. وکسانی را که در این راه مقدّس جدّیت دارند تأیید کند». (۱)شیخ عبدالمجید سلیم به این پیمان وفادار ماند اما افتخار صدور فتوای رسمیّت مذهب تشیع، نصیب جانشین وی شیخ محمود شلتوت گردید.

این فتوای تاریخی که بین سالهای ۱۳۳۸ - ۱۳۳۹ش صادر شده است دارای اهمّیت ویژه ای است و مهمترین فراز آن «جواز پیروی از مذهب مشهور به امامیه اثناعشریه» است. (۲) - (۳)شیخ شلتوت یادآور شده است که: اجتهاد، ابتدا منبع توافق و تجمّع آراء بود نه مایهٔ تعارض، چنانکه مذاهب مختلف در زیر چتر حجیّت کتاب و سنت باهم گرد آمده بودند.

آنگاه می گوید فقهای مسلمان، باید به دور از تعصّبها و هواهای نفسانی، هر رأی و اندیشه ای که در تحکیم مبانی اسلام مؤثّرتر است و رفاه خانواده و ا جتماع را بهتر تأمین می کند، از یکدیگر بپذیرند. برای نمونه فتوای خود را در دفاع از رأی شیعه که منکر اعتبار «طلاق معلّق» و سه طلاق در یک مجلسند، بیان می کند، شلتوت در یک فتوای صریحتر که «جواز تعبّد بر وفق مذهب شیعهٔ امامیه» را صادر کرده، همین بحثها را پیش کشیده است.

تأیید و انتشار دو کتاب وسائل الشیعه و مجمع البیان که از منابع مهم فرهنگ شیعه به شمار می آید، در راستای ایدهٔ شیخ شلتوت صورت پذیرفت که در مصر به چاپ رسید.

به هر حال این تلاش ها با همکاری عالم ایرانی شیعی، شیخ محمّد تقی قمی به بار نشست

۱- (۱) . خاطرات زندگانی آیت اللّه العظمی بروجردی، محمّد حسین علوی طباطبایی، ص۱۱۸..

۲- (۲) . همان، ص ۱۲۰..

۳- (۳) . متن کامل این فتوا در صفحهٔ ۳۶۵ همین کتاب آمده است..

و به قول خود شلتوت « بزودی توانستند پیروان مذاهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی در کنار برادران شیعی خود از اثناعشری و زیدی در فضایی مملو از روح اخوّت و مهر و رفاقت، به بحث بپردازند». (۱)افسوس که این فعّالیّتها، سالهاست که تعطیل مانده است، گرچه موج اخوّت و اتّحادی که توسط انقلاب اسلامی ایجاد شده است، می رود تا بزودی بگونهٔ یک حرکت سیاسی فرهنگی نیرومند حماسه های گذشتهٔ اسلام را تجدید نماید.

براستی در این موج اخیر نقش بیدارگرانهٔ حضرت امام خمینی رحمه الله آنچنان عظیم و پر ارج است که بررسی آن نیاز به رساله ای جداگانه دارد. دفاع امام راحل رحمه الله از مسلمانان مظلوم سراسر گیتی بدون درنظر داشتن مذهب و ملّیت خاص، نشانه ای از اعتقاد عمیق ایشان به این مسئله است... .

پس از ایشان بزرگترین منادی وحدت اسلامی و پرچمدار تقریب بین مذاهب، رهبر عظیم الشأن جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای مدّ ظلّه العالی هستند که با تأکید بر وحدت و اتّحاد اسلامی و تأسیس مجمع التقریب بین المذاهب، به آرزوهای علمای مجاهد و مصلحان مسلمان و بویژه آرمانهای بلند حضرت امام خمینی رحمه الله جامهٔ عمل پوشانده اند.

۱- (۱) . اندیشهٔ سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت، ترجمهٔ بهاء الدین خرمشاهی، ص۹۲..

ب) معرّفی منادیان وحدت اسلامی

اشاره

در این بخش، به معّرفی بزرگـان و اندیشـمندان جهـان اسـلام از ملیّت های مختلف در ۱۲۰۰ سـال اخیر پرداخته و به برخی از خدمات پر ارج آنان در راه وحدت امّت اسلامی اشاره می کنیم.

روشن است پرداختن به بیوگرافی عالمـانی که در این زمینه، گامهای بزرگی برداشـته انـد، از حـد کتاب خارج است و ما فقط اختصاراً به زندگی نامه، اندیشه ها و تلاش های حدود صد تن از شخصیّت ها و منادیان وحدت اکتفا می نمائیم، و به روشنی درمی یابیم که این افراد در بین اختلاف نظرهای علمی و فرقه ای خود بر این مسأله پافشاری دارنـد که امّت اسـلامی هماهنگ و منسجم در صفی واحد برای مقابله با کفر و رسیدن به عزّت و کرامت باید بسیج شوند.

ص:۲۱۵

ابراهیم بن هلال ثقفی

متوفای: ۲۸۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: ابراهیم، نام پدر: محمّد، ولادت: اوائل قرن سوم قمری، محل تولّد: عراق، کوفه.

تحصیلات: وی پس از دوران کودکی بر اثر اشتیاق به تحصیل علوم اسلامی به حضور اساتید عصر خود شتافته و از محضر آنان علوم حدیث و تاریخ را فرا گرفت. از قرائن تاریخی بر می آید که او در سالهای (۲۰۰ تا ۲۶۰)، عصر امامت امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم السلام در کوفه و اصفهان می زیسته اما بنا بر عللی که بر ما معلوم نیست، نتوانسته است به حضور آن بزرگواران رسیده و از آنان مستقیماً بهره مند شود.۱

اساتید: حسین بن هاشم، محمّد بن هاشم مرادی، علی بن قادم خزاعی، علی بن هلال احمسی، ابراهیم بن عمرو بن مبارک، احمد بن عمران انصاری، بشیر بن خیثمه، حکم بن سلیمان کندی، یوسف بن کلیب مسعودی و... .

شاگردان: ابراهیم بن هشام قمی، احمد بن علویه اصفهانی، احمد بن محمّد بن خالد برقی، حسن بن علی بن عبدالکریم زعفرانی، سعد بن عبداللّه اشعری قمی، محمّد بن حسن الصفّار، محمّد بن زید الرطّاب و... .۲

آثار قلمی: المعرفه فی المناقب والمثالب، المبتدأ، السیره، معرفه فضل الأفضل، المغازی، السقیفه، الردّه، مقتل عثمان، الشوری، بیعه أمیر المؤمنین علیه السلام ، الجمل، الصفین، الحکمین، النهروان، و ده ها اثر ارزشمند دیگر.۳

سرانجام: این عالم پر تلاش و نویسندهٔ مجاهد و احیاگر معارف اهل بیت علیهم السلام ، در قرن سوم هجری و عصر خفقان، بعد از پرورش عدّه ای از دانشمندان و حدیث شناسان ممتاز و تعلیم دین و نشر احکام، در سال ۲۸۳ در شهر اصفهان رحلت نمود.۴

۱. گلشن ابرار، ج ۴، ص ۱۰.

۲. همان، ص ۱۳.

۳. همان، ص ۱۴ – ۱۵.

۴. همان، ص ۱۷.

تلاش ها

- وی عاشق جمع آوری، تدوین و نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام بود. او نه تنها به منابع و شخصیّتهای شیعی برای یافتن مطالب و احادیث مورد نیاز خود رجوع می نمود بلکه به محدّثین و دانشمندان مورد اعتماد اهل سنت و سایر فرقه ها نیز توجه نموده و از حضور آنان کسب علم می کرد، لذا اعتماد ابن ابی الحدید (شارح نهج البلاغه) به مطالب ابن هلال و نقل بسیار او از کتاب الغارات در شرح نهج البلاغه، در همین راستا است.

- ابن هلال ثقفی به جهت احاطه بر تاریخ اسلام و اطّلاعات وسیعی که در این زمینه داشته مورد توجه دانشمندانی از اهل تسنن قرار گرفته است، اما به علّت شیعه بودن برخی از آنان وی را مورد بی مِهری قرار داده اند. (۱)- قابل ذکر است ابن هلال ثقفی در ابتدا زیدی مذهب بوده و سپس به مذهب حقهٔ امامیه اثنی عشریه مشرّف شده است. (۲)

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج۴، ص۱۲ و۱۷..

۲- (۲) . پایگاه اطّلاع رسانی تبیان، بهمن ماه ۱۳۸۶..

شیخ صدوق

متوفای: ۳۸۱ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد، نام پدر: علی بن بابویه ولادت: ۳۰۶ق، محل تولّد: ایران، قم.

تحصیلات: او در سنین کودکی فراگیری دانش دینی را نزد پدر آغاز نمود و تحصیلات ابتدایی و رشد اولیهٔ او در علوم به انجام رسید. محمّد عمدهٔ مطالب را از پدر خود علی بن بابویه آموخت و افزون بر آن در مجالس و محافل درسی بزرگان علم و ادب حاضر شد. شیخ صدوق پس از آنکه به مرتبهٔ بالایی از تحصیل رسید برای درک محضر اساتید بزرگ و حدیث شناسان آن دوران، سفرهای علمی خود را به مناطق گوناگون آغاز نمود، از سفرهای وی می توان به ری، بلخ، کوفه، بغداد، مکّه، مدینه، مشهد، نیشابور، مرو، سرخس، سمرقند، فراعنه و گرگان اشاره نمود.۱

مشایخ و اساتید: در مقدمهٔ کتاب الهدایه نام حدوداً ۲۶۰ نفر آمده که بیش از ۲۰۰ نفر آنها مورد تأیید قرار گرفته اند. از جمله اساتید شیخ صدوق را می توان محمّد بن حسن بن ولید، احمد بن علی بن ابراهیم قمی، محمّد بن یحیی بن عطار اشعری قمی، حسن بن ادریس قمی و حمزه بن محمّد علوی نام برد.

شاگردان: عدد شاگردان و مجازان از وی را متجاوز از صدها تن نوشته اند اما بجز شیخ مفید از جمله شاگردان صدوق را می توان برادر وی حسین بن علی بن بابویه قمی، هارون بن موسی تلعکبری و حسین بن عبید اللّه غضائری، معرّفی نمود.

آثار قلمی: مرحوم شیخ طوسی در کتاب الفهرست نوشته است: وی (صدوق) نزدیک به سیصد کتاب تألیف کرده است.۲ در عین حال ما به برخی از اهم آثار ایشان اشاره می نماییم: من لا یحضره الفقیه، کمال الدین و تمام النعمه، معانی الاخبار، عیون اخبار الرضا علیه السلام ، خصال، امالی (مجالس)، علل الشرایع، ثواب الاعمال، عقاب الاعمال، المقنع۳، الهدایه۴ و...

سرانجام: شیخ صدوق پس از عمری تلاش و تحقیق در سنگر علم و فرهنگ اسلامی، در سال ۳۸۱ق در سنین حدود ۷۵ سالگی دعوت حق را لبیک گفت و در جوار رحمت حق آرمید.

مقبره: ایران، شهر ری.

۱. گلشن ابرار، ج۱، ص۲۵ – ۲۸.

۲. الفهرست، ص۲۰۴.

۳. تصحیح و تحقیق این کتاب، توسط مؤسسهٔ امام هادی علیه السلام – قم انجام و در سال ۱۳۷۴ش موفّق به دریافت لوح تقدیر و جایزهٔ تشویقی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران گردید.

۴. تصحیح و تحقیق این کتاب، توسط مؤسسهٔ امام هادی علیه السلام - قم انجام و در سال ۱۳۷۷ش موفّق به دریافت لوح تقدیر و جایزهٔ تشویقی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران گردید.

ص:۲۱۹

تلاش ها

– وی دوستدار اتّحاد و انسجام مسلمین بود و محور اتّحاد را قرآن و اهل بیت علیهم السلام می دانست.

– ایشان با علمای اهل سنت ارتباط نزدیک داشت، از آنها أخذ حدیث می کرد و در کتبش نقل می نمود لذا شیخ صدوق به هر شهر که وارد می شد علمای اهل سنت به دیدار او می آمدند و با هم تجازی روایی داشتند، در عین حال برای روشن شدن حقیقت در مجالس رسمی مباحثه و مناظره با آنان بحث و گفتگو داشت که بعضی از مجالس مباحثات وی اکنون در دست است.

– در مجالس المؤمنین و مقدمهٔ کتاب الهدایه، برخی مناظرات ایشان در مجلس رکن الدولهٔ دیلمی در شهر ری نقل شده است.

ص:۲۲۰

علّامه طبرسی

متوفای: ۵۴۸ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: ابو علی فضل بن حسن، نام پدر: حسن بن فضل، ولادت: ۴۶۸ (یا ۴۶۹ق)، محل تولّد: ایران، مشهد مقدّس، طبرس.

تحصیلات: او دوران کودکی خود را در کنار بارگاه امام هشتم علیه السلام گذرانید و پس از چند سال حضور در مکتب و فراگیری خواندن و نوشتن و آموختن قرائت قرآن، به منظور تحصیل علوم اسلامی آماده گردید و در فراگیری علومی چون ادبیات عرب، قرائت، تفسیر، حدیث، فقه، اصول و کلام، فوق العاده تلاش کرد تا جایی که خود در آن علوم صاحب نظر گردید.

اساتید: ابو علی طوسی (فرزند شیخ طوسی)، جعفر بن محمّد دوریستی، عبد الجبّار مقری نیشابوری، امام موفق الدین حسین واعظ بکر آبادی جرجانی، سیّد محمّد قصبی جرجانی، عبداللّه قشیری، ابو الحسن عبیداللّه محمّد بیهقی، سیّد مهدی حسینی قاینی، موفق عارف نوقانی، تاج القرّاء کرمانی.۱

شاگردان : رضی الدین حسن طبرسی (فرزند طبرسی)، قطب الدین راوندی، محمّد بن علی بن شهر آشوب، ضیاء الدین فضل اللّه حسنی راوندی، شیخ منتجب الدین قمی، سیّد شرف شاه حسینی افطسی نیشابوری، برهان الدین قزوینی همدانی.۲

آثار قلمی : الآداب الدینیه للخزانه المعینیه، اسرار الامامه، اعلام الوری باعلام الهدی، حقایق الامور، عده السفر وعمده الحضر، کنوز النجاح، مجمع البیان، مشکوه الانوار فی الاخبار، الکافی الشافی، جوامع الجامع.

سرانجام: امام مفسّران، امین الاسلام طبرسی پس از هفتاد و نه (یا هشتاد) سال زندگی با برکت و سراسر خدمت به اسلام و مردم، در شب عید قربان سال۵۴۸ ق در شهر سبزوار به دیار حق شتافت و جهان اسلام را در عزایش سیه پوش ساخته، در سوگ نشاند. برخی از نویسندگان اسلامی، شیخ طبرسی را به عنوان «شهید» یاد کرده اند.۳

مرقد: ایران، مشهد مقدّس، باغ رضوان.۴

۱. گلشن ابرار، ج۱، ص۸۸.

۲. ریاض العلماء، ج۴، ص۳۴۱ - ۳۴۲؛ مقابس الانوار، شیخ اسد اللّه تستری، ص۱۴.

۳. ریاض العلماء، ج۴، ص۳۴۰؛ روضات الجنات، ج۵، ص۳۵۷.

۴. آرامگاه او تا سال ۱۳۷۰ش در ابتدای خیابان طبرسی مشهد مقدّس قرار داشت ولی به دلیل طرح توسعهٔ حرم مطهر رضوی علیه السلام به باغ رضوان انتقال داده شد و اکنون در ساختمانی مخصوص مقبره وی زیارتگاه مؤمنین است. (روزنامهٔ

جمهوری اسلامی، شمارۀ ۳۶۶۰ ص۴).

ص:۲۲۱

اندیشه ها

- وی همواره در پی رشد و احیای اندیشهٔ وحدت فکری و تفاهم مذهبی بود.

- او معتقد بود در جهت کاستن اختلافهای موجود باید به میدان ائتلاف وارد گشت و از قرآن مجید که مورد احترام و قبول همهٔ مذاهب اسلامی است شروع نمود.

- ایشان در تألیف کتاب شریف مجمع البیان، در نقل عقیده و دیدگاه مخالفان تا آنجا که از نظر اصولی به عقیده و مبانی مکتبش خدشه وارد نمی شد دریغ نمی ورزید.

- به عقیدهٔ وی دفاع از عقاید شیعه باید با حفظ اعتدال، نداشتن تعصّب و افراط و پرهیز ازغرور در آمیخته باشد.

تلاش ها

- شیخ در جریان تألیف تفسیر مجمع البیان، خدمتی پر ارج را در نزدیک ساختن افکار و اندیشه های مذاهب اسلامی به انجام رسانید و نام خود را در میان شیعیان و دانشمندان منصف اهل سنت جاودانه ساخت. (۱)- اکنون به نظرات دو تن از بزرگان شیعه و سنی دربارهٔ این اقدام شیخ طبرسی می پردازیم.

علّامه سیّد محسن امین عاملی در این باره چنین می نگارد:

«... بزرگی، عظمت، تبحّر در علوم و وثاقت او امری است که نیاز به بیان ندارد و مجمع البیان بهترین شاهد بر این مدّعاست؛ کتابی که انواع علوم را در آن جمع ساخته، نظرات پراکنده در تفسیر را بیان نموده و در هر مقام به احادیث اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیات قرآن اشاره کرده است. او دلائل روشن و مورد قبول را با حفظ اعتدال، گزینش نیکو در اقوال، رعایت ادب و حفظ و نگهداری گفتار، در مقابل مخالفان فکری جمع کرده است، به نحوی که در کلامش جمله ای که نفرت از خصم را حکایت کرده یا مشتمل بر تقبیح آنها باشد

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۱، ص۹۴..

یافت نمی شود و این خصیصه و امتیاز در آثار کمتر مؤلّف و مصنّفی یافت می شود. به گفتار او در مقدمهٔ جوامع الجامع بنگرید که چگونه به تعظیم و ثنای علم و دانشِ صاحب الکشاف برخاسته است؛ تا بدانید که آن امر، از بزرگی انصاف و پاکی نفس او می باشد». (۱) شیخ محمود شلتوت، رئیس سابق دانشگاه الازهر، نیز علّامه طبرسی و آثارش را چنین معرّفی می کند:

«شیخ طبرسی اگرچه به بیان نظرات اختصاصی شیعه در احکام و آراء مورد اختلاف اهتمام می ورزد - به نحوی که گاه آثار عواطف مذهبی در آن پیداست - ولی در این عاطفه طریق افراط در پیش نمی گیرد و مخالفان خود و مذهب خود را مورد حمله قرار نمی دهد.

واقعیّت آن است که باید به این شیوه تا آنجا که به اصول مذاهب و مسائل ریشه ای آن مربوط می شود نگاهی آرام و با اغماض داشته باشیم... .

وی به آنچه داشت و آنچه از دانش شیخ امّت و مرجع بزرگ آن در تفسیر یعنی «امام طوسی» صاحب کتاب «تبیان» گرد آورد، بسنده نکرد؛ تا آنکه به دانش جدید که بدان آگاهی یافت روی آورد و آن دانش صاحب کشّاف بود که شیخ طبرسی این اطّلاعات جدید را با اطّلاعات قدیم خود پیوند داد و اختلاف میان او و این کار مانع نشد، چنانکه اموری که از تعصّب بر می خاست نیز مانع چنین امری نشد و حجابِ هم عصری میان آنها حائل نشد و حال آنکه هم عصری نیز خود نوعی مانع است...». (۲)

۱- (۱) . اعیان الشیعه، ج۸، ص۳۹۸؛ گلشن ابرار، ج۱، ص۹۵..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج ۱، ص ۹۵، به نقل از مجلّهٔ مشکوه، ش۳۰، ص۱۳ - ۱۲..

محدّث علی بن عیسی ارْبِلی

متوفای: ۶۹۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: علی بن عیسی، نام پدر: فخر الدین ابو الفتح، ولادت: قرن هفتم هجری، محل تولّد: عراق، اربل۱.

تحصیلات: وی بعد از اتمام تحصیلات و کسب علوم رایج عصر خویش در نزد اساتید فن و نخبگان آن دوران به ترویج فرهنگ اسلام پرداخت. او در فن نگارش، شعر و ادب، مورد توجه عالمان دانش دوست و حاکمان عالم پرور قرار گرفت. در دوران جوانی و اواخر خلافت حکمرانان بنی عباس، در زادگاه خویش به فن کتابت و نویسندگی اشتغال داشت.۲

اساتید: رضی الدین سیّد علی بن طاووس، سیّد جلال الدین علی بن عبد الحمید بن فخّار موسوی، تاج الدین ابو طالب علی بن انجب، حافظ ابو عبد اللّه محمد گنجی شافعی و... .

شاگردان: علّامهٔ حلّی، شیخ رضی الدین (برادر علامهٔ حلی)، سیّد شمس الدین محمد بن فضل علوی حسنی، تاج الدین محمد بن علی اربلی (فرزند علی بن عیسی) و... .

آثار قلمی: المقامات، رساله الطیف یا طیف الانشاء، دیوان اشعار، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام .

سرانجام: وی پس از سالها تلاش و کوشش در راه دین، مذهب تشیع و اعتلای پرچم پر افتخار اهل بیت علیهم السلام در سال ۶۹۳ق دار فانی را وداع و به دیدار معبود شتافت.

مقبره: عراق، بغداد، منزل شخصی وی.

۱. اربل یکی از شهرهای شمال عراق در نزدیک موصل و منطقه ای کرد نشین است و امروزه به آن اربیل گفته می شود و مرکز استانی به همین عنوان است.

۲. گلشن ابرار، ج۵، ص۶۲.

۳. همان، ص۷۳.

- وی هنگامی که برای تنظیم و تکمیل کتاب شریف کشف الغمه به منابع اهل سنت مراجعه می کند، به غیر از مناقب و فضائل حضرت علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام ، در مورد سایر ائمه علیهم السلام با کمبود مطلب مواجه می شود. او متوجّه می گردد که آگاهان آنان نیز در این مورد سهل انگاری کرده اند. به این جهت با ابراز شگفتی و اظهار تأسّف از این همه بی مِهری نسبت به ائمه هدی علیهم السلام می گوید:

«چگونه از منظر دانشمندان اهل سنّت نام، یاد، شرح حال، سخنان و حسب و نسب آن گرامیان پوشیده مانده است؟! در حالی [که] آنان در طول تاریخ تلاش می کرده اند اسامی و سخنان ناقلین اخبار و اشعار و امثال را در کتاب های مفصّل خود بگنجانند حتّی نام و گفتار و حرکات مجانین، آوازه خوان ها، لطیفه گویان، افسانه پردازان، بذله گویان و سایر صنف های عرب در متن تألیفات و تواریخ قید شده است؛ تا آن جا که از افرادی که فقط یک بیت شعر و یا یک ضرب المثل گفته[اند]؛ به توضیح و تفصیل سخن رانده اند و در مورد آشنایی با ابعاد و نسبت اصوات آوازه خوانان و مغنّیان به بحث نشسته اند؛ امّا بسی جای شگفتی و تأسّف است که مؤلفّین و قلم پردازانی که با آن همه حرص و ولع این حوادث و نکات غیر مهم را ثبت کرده اند در مورد طایفه ای از عرب که جدّ آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، پدر شان وصیّ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، مادر آنان فاطمه علیها السلام و مادر بزرگشان خدیجه علیها السلام و... و قرآن به پاکی و طهارت آنان شهادت داده و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر دوستی و مودّت آنان تشویق و امر کرده است، هیچ سخنی قابل عرضه به میان نمی آورند.

من به چشم خود مشاهده کردم که در زمان ما قضات و مدرّسین آنان زیارت امام موسی بن جعفر علیهما السلام را نمی پسندیدند و برای ما جایز نمی شمردند و هرگاه ما همراه آنان بودیم و در سر راه به زیارت آن حضرت مشرّف می شدیم آنان در بیرون توقّف کرده و بعد با ما مراجعه می کردند. این درحالی بود که خود آنان به زیارت قبور صوفیه و برخی قبور ناشناخته می رفتند. ما به خداوند متعال از هواهای نفسانی پناه می بریم». (۱)

۱- (۱) . کشف الغمه، ج۱، ص۵..

- رعایت ادب و احترام در تألیفات و گفتار؛ لذا علمای شیعه جز ثناگویی هیچ دربارهٔ آن بزرگ مرد ندارند و حتّی عالمی متعصّب از اهل تسنّن چون «فضل بن روزبهان» که در ردّ علامهٔ حلّی کتاب نوشته، وقتی به نام اربلی می رسد، می گوید: امامیّه متّفقند که علی بن عیسی اربلی از بزرگ ترین علمای آنهاست و آثارش هیچگاه کهنه و پوسیده نمی شود. او قابل اعتماد و مورد وثوق در نقل است. (۱)- تألیف کتاب گرانسنگ کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام : از مهمترین ویژه گی های این کتاب به موارد ذیل می توان اشاره نمود:

۱. احترام به آراء و افکار اهل تسنن و تقدیم منابع آنان - در استنادات فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام - بر روایات شیعی. این جهت در پذیرش کتاب و محتوای آن برای اهل سنت دارای اهمّیت ویژه ای است.

۲. آزاد اندیشی و دوری از هر گونه تعصّب خشک و تندروی. (۲)۳. مرحوم اربلی در تمام بخش های کتاب سعی می کند نخست فضائل و مناقب هر معصوم علیه السلام را از منابع مورد قبول اهل سنّت بیان کند و سپس به احادیث و روایات شیعی استناد نماید. او به این وسیله سخن حقّ را از زبان مخالفین آن بیان کرده و آنان را از انکار آن باز می دارد. نمونه ای از استنادهای اربلی را در این رابطه می آوریم:

الف) محدّث اربلی در باب فضیلت بنی هاشم بعد از نقل سخنانی از ابی عثمان عمرو بن جاحظ - که چکیدهٔ دو رسالهٔ وی است - می گوید:

«ابن جاحظ از مردان نامدار جهان اسلام و از افرادی است که در فضل و علم و هوشیاری و اطّلاعات گستردهٔ وی و آشنایی [او] با دقیق ترین مسائل ریز و درشت تردیدی وجود ندارد.

وی شیعه هم نبوده تا متّهم شود بلکه فردی عثمانی و مروانی است. تألیفات فراوان وی شاهد این حقایق است؛ امّا با همهٔ این ها او در دو رسالهٔ خویش با استدلال های قرآنی

۱- (۱) . پایگاه اطّلاع رسانی تبیان، بهمن ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج۵، ص۶۶..

و برهانی، فضیلت خاندان بنی هاشم و برتری امیر مؤمنان علی علیه السلام را با وجوهی غیر قابل انکار اثبات می کند؛ به گونه ای که هیچ شک و تردیدی در مخاطب خود باقی نمی گذارد و حقیقت، مانند صبحِ روشن بر وی آشکار می گردد. اگر اعتقاد وی هم، چنین بود چه بهتر؛ امّا مطمئناً - به گواهی آثارش - او این اعتقاد را قبول نداشته بلکه خداوند متعال زبان وی را به اظهار حقّ ناطق گردانیده تا حجّتی باشد بر وی در دنیا و آخرت...». (۱)ب) اربلی خطبهٔ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که در نوع خود بی نظیر است و از جهات متعّددی برای اثبات حقّ، گویاترین و محکم ترین سند است، از افراد معتبر اهل تسنّن به روایت عمر بن شبّه از کتاب «السّقیفه عن عمر بن شبه»، تألیف ابی بکر احمد بن عبد العزیز جوهری نقل می کند. (۲) عمر بن شبه در وثاقت نقل و صدق حدیث در میان اهل سنّت معروف است. (۳)

۱- (۱) . کشف الغمّه، ج۱، ص۳۸..

۲- (۲) . همان، ص۴۸..

۳- (۳) . تهذیب التهذیب عسقلانی، ج ۶، ص ۶۶..

ابن ابی جمهور احسائی

متوفای: ۹۴۰ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد، نام پدر: علی، ولادت: نیمهٔ نخست قرن نهم قمری، محل تولّد: بحرین، احساء.

تحصیلات: وی تحصیلات مقدّماتی علوم حوزوی را در زادگاهش نزد اساتید آن دیار شروع نمود، او بعد از طی مراحل اولیه برای کسب مراحل عالی، راهی شهر علم و اجتهاد نجف اشرف گردید، تا اینکه پس از سالها تحصیل و تحقیق به درجات عالی علم و کمال دست یافت و در ردیف مجتهدان و عالمان بزرگ دنیای اسلام قرار گرفت.۱

اساتید: علی بن ابراهیم احسائی (پدر)، حسن بن عبدالکریم فتال غروی،۲ علی بن هلال جزائری، شیخ حرز الدین اوالی (بنابر نقل برخی از منابع «اوابلی» است۳، عبداللّه بن فتحان قمی و... .

شاگردان: سیّد محسن رضوی مشهدی، شیخ ربیعه جزائری، شیخ محمّد بن صالح غروی، سیّد محمّد طالقانی.

آثار قلمی: الاقطاب الفقهیه والوظائف الدینیه علی مذهب الامامیه، اسرار الحج، بدایه النهایه فی الحکمه الاشراقیه، شرح علی رساله معین الفکر، رساله فی العمل باخبار اصحابنا، رساله المناظره مع الفاضل الهروی، المجلی لمرآه المنجی، رساله التحفه الکلامیه، عوالی اللئالی العزیزه فی الاحادیث الدینیه و... .

سرانجام: تاریخ دقیق وفات ابن ابی جمهور مشخص نیست؛ اما مرحوم آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی که در این زمینه دارای تخصص و دقّت بیشتری بود، سال وفات او را ۹۴۰ معرّفی نموده است.۴

مرقد: محل دفن وی به طور مطلق مجهول است.

(همانطور که در مورد فرزندان و بازماندگان وی خبری در کتابهای تراجم یافت نمی شود).۵

۱. بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۸۳.

۲. اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۱.

۳. بحارالانوار، ج ۱۰۵، ص ۸.

۴ و ۵ . گلشن ابرار، ج ۴، ص ۱۱۰.

- وی در سال ۸۸۸ ق به قصد زیارت آستان قدس رضوی علیه السلام ، راهی دیار طوس شد. سفری که جلوه های شخصیّتی و علمی او را بیش از پیش برای عالَم اسلام و آیندگان روشن ساخت.

او در این سفر ضمن تألیف و تفسیر علوم اسلامی و تربیت شاگردان در مشهد مقدّس، به دفاع از حریم مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پرداخت؛ چرا که با عالمان سرشناس اهل سنت در آن دیار به مناظره پرداخت و در ترویج مکتب تشیّع، نقش به سزایی ایفا کرد. (۱)- ابن ابی جمهور از مشهد مقدّس به شهرهای مجاور مسافرت های متعدّد به قصد تبلیغ مکتب تشیّع و مناظره با عالمان اهل سنت انجام داد که جز اجمال این سفر از کم و کیف آن ها خبری در کتاب های تراجم یافت نمی شود. (۲)- ایشان با دانشمندان اهل سنت در شرق ایران، مشهد مقدّس و شهرهای مجاور آن در موضوعات مختلف فقهی و اعتقادی به بحث و مناظره پرداخت. مشهورترین آن ها، مناظره با فاضل هروی (۳) در سه جلسهٔ طولانی است. جلسهٔ اول در منزل عالم بزرگ سیّد محسن رضوی، جلسهٔ دوّم در مدرسهٔ شادخ در جوار حرم مطهّر علی بن موسی الرضا علیهما السلام و جلسهٔ سوم در مکان دیگری بوده است که نام آن ذکر نشده است. در هر سه جلسه، عالمان سنی و شیعهٔ بسیاری ناظر بر گفت و گوی بین وی و فاضل هروی بودند.

موضوع این چند جلسه، امامت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام ، بی اساس بودن اجماع در سقیفه، و... بوده است.

از مجموع این مناظرات به دست می آید که ابن ابی جمهور، شخصیّتی علمی، کامل و محیط بر اصطلاحات، مسائل و مطالب علوم مختلف اسلامی مثل تفسیر، فقه، اصول فقه،

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۴، ص۱۰۳، به نقل از نامهٔ دانشوران، ج۳، ص۳۷۹..

۲- (۲) . همان، ص ۱۰۳، به نقل از دائره المعارف الاسلامیه الکبری، ج۲، ص۲۹۴..

۳- (۳) . با این که طرف مناظره به نام «فاضل هروی» مشهور است، ولی تا به حال مشخّص نشده است که این دانشمندِ اهل«هرات»، چه کسی بوده است، امّا احتمال دارد که او احمد بن یحیی بن سعد الدین تفتازانی است که حدود سی سال قضاوت در شهر هرات را به عهده داشته است. همان، ص ۱۰۵، به نقل از دائره المعارف الاسلامیه الکبری، ج۲، ص۲۹۴..

تاریخ، کلام و مسلّط بر مبانی فقهی و کلامی اهل سنت بوده و نیز بر شبهات موجود در جامعهٔ اسلامی آن روز و بر شبهه افکنان، إشراف کامل داشته و توانایی کافی برای ارائهٔ جواب های منطقی، متقن و جامع در مقابل آن شبهات داشته است.

نکتهٔ جالب اخلاقی که در مناظرات او با فاضل هروی به دست می آید این است که او در هیچ مناظره ای شروع کننده نبوده، بلکه با درخواست طرف مقابل به بحث و گفت و گو می پرداخت و به دور از هر گونه تعصّب نابجا، در تمام آن مناظرات، اخلاق اسلامی، ادب در گفتار و حفظ شؤون علمی و اجتماعیِ طرف گفت و گو را رعایت می کرد و در صورت غلبه بر طرف مناظره، به تحقیر و استهزاء نپرداخته، بلکه با سکوت او سکوت می کرد؛ تا فرصت دفاع داده باشد و اتمام حجّت صورت گیرد.

در این جا ذکر قسمتی از مناظره وی با فاضل هروی که در منزل سیّد محسن رضوی برگزار شد خالی از لطف نیست:

ابن ابی جمهور: دربارهٔ حدیث شریف «مَن مات وَلَم یَعرِف إمامَ زَمانِهِ ماتَ مَیتَهً جاهِلِیَّه» (۱) چه می گویی؟ آیا آن را (از نظر سند) صحیح می دانی یا خیر؟

فاضل هروی: بله

ابن ابی جمهور: پس بگو امام تو کیست؟

فاضل هروی: از این حدیث، معنای خلاف ظاهر شده است و منظور از «امام»، «قرآن» است یعنی: اگر کسی بمیرد و قرآن را نشناسد، مثل مردگان زمان جاهلیّت است.

ابن ابی جمهور: اگر منظور از امام، قرآن است، پس بایستی شناخت و یادگرفتن قرآن، بر همهٔ مسلمانان واجب عینی باشد که کسی چنین نگفته است.

فاضل هروی: منظور تمام قرآن نیست، بلکه حمد و سوره است چرا که صحیح بودن نماز بستگی به آن دو دارد، که همه اتّفاق نظر دارند که آن دو را باید یاد گرفت.

ابن ابی جمهور: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این حدیث «امام» را به «زمانه» اضافه کرده است یعنی:

«امام زمانش» را بشناسد و این دلیل بر آن است که در هر زمانی، امامی مخصوص است و

۱- (۱) . مناقب ابن شهرآشوب، ج ۱، ص۲۱۲؛ با کمی تفاوت در مسند احمد، ج ۴، ص ۹۶..

مردم مکلّفند آن امام را بشناسند و اگر منظور از امام، فاتحه الکتاب بود، تخصیص امام به «زمانش» بی فایده بود.

فاضل هروی: بنابر مقتضای این روایت (آن طور که شما معنی می کنید) در این زمان بین من و شما فرقی نخواهد بود.

ابن ابی جمهور: خیر (من با شما مساوی نیستم) چه اینکه مراد از روایت، امامی است که با دلائل بسیار او را شناخته و به او اعتقاد دارم ولی تو چنین اعتقادی نداری.

فاضل هروی: آن امامی که تو بر امامت او اعتقاد داری، هرگز او را نمی بینی، جا و مقام او را نمی دانی، فتوای مسائل را از او نمی توانی بپرسی و در دین از او بهره نمی بری، از این رو حال من و تو با هم مساوی است.

ابن ابی جمهور: هرگز آن حدیث دلالت ندارد بر این که باید جا و محل اقامت آن امام را دانست و فتوای مسائل را از او شنید. بلکه این قدر دلالت می کند که باید او را شناخت. الحمد للّه من او را می شناسم و دلیل های روشنی بر وجوب وجودش، امام بودنش، لزوم متابعت او، امکان ملاقات با او، و این که روزی ظهور خواهد کرد، دارم ولی تو این عقیده را نداری.

فاضل هروی: من در طلب شناخت امام هستم. شنیده ام که در ولایت یمن مردی ادّعای امامت می کند، می خواهم خود را به او برسانم و هرگاه دیدم که در ادّعایش صادق است، از او تبعیّت خواهم کرد.

ابن ابی جمهور: پس شما در این زمان (که هنوز امام را نشناخته ای) از مردمان جاهلیّت هستی و اگر بمیری در زمرهٔ مردگان زمان جاهلیّت محشور می شوی. چرا که شناخت امام زمانت را عملاً نپذیرفته ای و به وجود او در هر زمانی باور پیدا نکرده ای.

در این هنگام فاضل هروی از جواب بازماند و دیگر سخن نگفت. (۱)ابن ابی جمهور احسائی می گوید: بعد از جریان مناظره در سه جلسه و درماندن او نسبت به مطالب و سؤال های من، دیگر با وی ملاقات نکردم ولی بعد از چند روز

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۴، ص ۱۰۶ به نقل از نامهٔ دانشوران، ج۳، ص۳۸۶..

سیّد محسن رضوی او را دیده بود و می گفت: فاضل هروی را در مذهب تشیّع متردّد یافتم چرا که می گفت:

«من قصـد زیارت حسـین بن علی علیهما السـلام را دارم، اگر راستیِ گفته های شـما بر من ظاهر شد، در این صورت از مذهب اهل سنت برائت جسته، مذهب تشیّع را اختیار خواهم کرد».

پس از آن دیگر از وی اطلاعی حاصل نکردم. (۱)

ص:۲۳۲

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۴، ص ۱۰۶..

شهید ثانی

شهادت: ۹۶۶ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: زین الدین، نام پدر: نور الدین علی، ولادت:

۹۱۱ق، محل تولّد: لبنان، شهرک جبع.

تحصیلات: وی در نه سالگی پس از یادگیری روخوانی قرآن کریم، تحصیلات خود را آغاز کرد.

نخستین معلّم وی پدرش علی بن محمّد عاملی بود که زین الدین ادبیّات عرب، کتابهای مختصر النافع و اللمعه الدمشقیه را نزد وی آموخت. او مدتی بعد به روستای میس، واقع در جبل عامل رفته و مدّت هشت سال در نزدِ یکی از دانشمندان و محقّقان بزرگوار زانوی ادب زد و مجدداً پس از مدتی روستای میس را به قصد روستای کرک نوح ترک گفت. عطش سیراب ناپذیری شهید ثانی نسبت به دانش فلسفه و حکمت و کسب معارفهای والای اسلامی وی را در سال ۹۳۷ق به شهر دمشق کشانید. ایشان سفرهای دیگری نیز به مناطق گوناگون جهت تحصیل علم از جمله قاهره، دمشق، مکّه و مدینه داشته است.

اساتید: علی بن احمد عاملی (پدر)، شیخ علی بن عبد العالی، سیّد بدر الدین حسن اعرجی، شمس الدین محمّد بن مکی، شهاب الدین، احمد رملی، ملّا حسین جرجانی، ناصر الدین طبلاوی، عبد الحمید سنهوری، محمّد بن عبد القادر شافعی و... .

شاگردان: شیخ حسین بن عبد الصمد (پدر شیخ بهایی)، علی بن زهره جبعی، ابن عودی، سیّد نور الدین علی عاملی جبعی (پدر صاحب مدارک)، محمّد بن حسین ملقب به حر عاملی مشغری (جد پدری صاحب وسائل الشیعه) و... .

آثار قلمی: وی بیش از ۷۰ کتاب و رساله در موضوعات گوناگون تألیف نموده که بخشی از آنان شامل: شرح لمعه، مسالک، منیه المرید، اسرار الصلاه، البدایه فی الدرایه، حاشیه القواعد، رساله فی صلاه الجمعه و... .۱

سرانجام: در سال ۹۶۶ق، دست ناپاکِ فردی شیطان صفت از مأموران سلطان سلیم، آن فقیه بزرگ و عالم ربانی را به شهادت رساند و سر از بدن آن فرزانه جدا نمود.۲

مقبره: پیکر شریف شهید ثانی پس از آن که سه روز بر زمین ماند، توسط نامردان بیگانه به دریا افکنده شد.۳

۱. گلشن ابرار، ج۱، ص۱۷۷.

۲. همان، ص۱۷۸.

۳. پایگاه اطّلاع رسانی تبیان، بهمن ماه ۱۳۸۶.

اندیشه ها

- وی دوستدار اتّحاد و انسجام مسلمین بر محور قرآن و اهل بیت علیهم السلام بود، او خواهان همزیستی مسالمت آمیز مسلمین بود، و همهٔ مسلمین را ید واحد و مشت گره کرده ای در مقابل مشرک و کفر می دانست و با اشراف بر مبانی فقهی و استدلالی اهل سنت، مفتی همهٔ فرق و مذاهب اسلامی به شمار می رفت.

تلاش ها

- شهید در طول زندگی خویش به کشورهای سوریه، عراق، مصر، حجاز، ترکیه و فلسطین سفر کرد (و از نزدیک با دانشمندان و علمای این مناطق مباحثات علمی نمود). وی همچنین در راه ادای وظیفهٔ خویش به شهرهای زیر نیز مسافرت کرد: میس، کرک نوح، دمشق، قاهره، مکّه، مدینه، کربلا، نجف، سامرا، کاظمین، بغداد، حلّه، کوفه، بیت المقدس، سیواس، اسکدار، ازغین، توقات، ملاطیه، استانبول و بعلبک. (۱)- استفاده از محضر درس اکثر اساتید برجسته در مذاهب پنج گانهٔ اسلامی در مسافرت های متعدّد خود.

- آغاز تدریس جامعی در بعلبک: توضیح آن که چون نسبت به مذاهب پنج گانهٔ جعفری، حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی از لحاظ آگاهی علمی کاملاً محیط و مسلّط بود، بر اساس تمام این مذاهب پنج گانه تدریس می نمود و در حقیقت فقه مقارن و عقاید تطبیقی را تدریس می کرد.

- مرجعیّت در سایهٔ شهرت علمی؛ لذا دانشمندان فرزانه و فضلای آن دیار از دورترین بلاد برای استفاضهٔ علمی به محضر او روی می آوردند و از برکات اخلاقی ایشان بهره می گرفتند. (۲)- (یکی از دلائل مسافرتهای زیاد شهید ثانی) آن بود که می خواست با روشهای تنوّع

۱- (۱) . دیدار با ابرار (۲۱) شهید ثانی مشعل هدایت، ص۷۶..

۲- (۲) . پایگاه اطّلاع رسانی تبیان، بهمن ماه ۱۳۸۶..

تـدریس علوم آشـنا گردد و دربارهٔ مـذاهب و مکاتب مختلف فکری احاطه ای به هم رسانـد و افق های گوناگون اندیشه های علمی را بازیابد. (۱)- ابن عودی می گویـد: «شـهید ثانی در والاترین جایگاه علمی و اجتماعی و در مقام مرجعیّت دینی مردم بود و پناهگاه خاص و عام به شـمار می رفت. او، مرجع و مفتی همهٔ فرق و مذاهب اسلامی بود و برای هر فرقه ای طبق مذهب خود آنـان فتوا می داد و کتابهـای آنـان را تـدریس می کرد. بـازار دانش وی در مسـجد اعظم بعلبـک رونق پیـدا کرده بود به طوری که فضـلا و دانشمندان از دورترین نقاط آن دیار به بعلبك (نزد شهید ثانی) روی می آوردند». (۲)- مسلمان شدن عده ای از یهود به دست شهید ثانی و گرویدن آنان به آئین مقدّس تشیّع را از دیگر اقدامات مهم ایشان می توان برشمرد. (۳)

۱- (۱) . دیدار با ابرار (۲۱)، ص ۳۰. .

۲- (۲) . همان، ص۹۶..

۳- (۳) . پایگاه اطّلاع رسانی شعائر، بهمن ماه ۱۳۸۶. .

علّامه محمّد باقر مجلسی

متوفای: ۱۱۱۰ق

چکیده ای از زندگی نامه۱

نام: محمّد باقر، نام پدر: محمّد تقی، ولادت: ۱۰۳۷ق (مساوی با عدد ابجدی جملهٔ جامع کتاب بحارالانوار)،۲ محل تولّد: ایران، اصفهان.

تحصیلات: وی درس و بحث را از چهار سالگی نزد پدر آغاز نمود،۳ نبوغ سرشار او به حدی بود که در چهارده سالگی از ملّا صدرا اجازهٔ روایت گرفت.۴ محمّد باقر توانست در اندک زمانی بر دانش های صرف، نحو، معانی و بیان، لغت، ریاضی، تاریخ، فلسفه، حدیث، رجال، درایه، اصول، فقه و کلام احاطهٔ کامل پیدا نماید. وی در مدرسهٔ ملّا عبداللّه به تدریس و اقامهٔ نماز اشتغال داشت و در پای درس او بیش از هزار نفر طلبه تلمّذ می نمودند.

اساتید: مولی محمّد تقی مجلسی (پدر)، علّامه حسن علی شوشتری، امیر محمّد مؤمن استرآبادی، ملّا محسن فیض کاشانی، ملّا صالح مازندرانی.۵

شاگردان: مولی ابراهیم جیلانی، مولی محمّد ابراهیم بواناتی، میرزا ابراهیم حسینی نیشابوری، مولی محمّد تقی رازی، محمّد طاهر اصفهانی، سیّد عزیز اللّه جزائری، شیخ بهاء الدین محمّد جیلی، مولی محمود طبسی، محمّد یونس قزوینی، میرزا محمّد تقی الماسی، محمّد یوسف قزوینی و... .۶

آثار قلمی: بحارالانوار، مرآه العقول فی شرح أخبار الرسول صلی الله علیه و آله و سلم ، شرح أربعین، رساله الاوزان، الفوائد الطریقه فی شرح صحیفه السجادیه، حیوه القلوب، مشکوه الانوار، رساله در زکاه، رساله در شکوک، رساله در جفر، شرح دعای جوشن کبیر، مقیاس المصابیح، تحفه الزائر و بسیاری از کتب ارزشمند دیگر ایشان.۷

سرانجام: عالِم وارسته، خادم دین و شریعت و منادی وحدت، علّامه محمّد باقر مجلسی در ۲۷ رمضان ۱۱۱۰ق، چشم از جهان فانی فرو بست و به سرای ابدیّت شتافت.

مرقد: ایران، اصفهان، مسجد جامع.

۱. شرحی جامع و دقیق از زندگی ایشان، توسط مؤسسه امام هادی علیه السلام در مقدمهٔ کتاب تحفه الزائر نگاشته شده است.

۲. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۴۹، به نقل از ریحانه الأدب، محمّد علی مدّرس تبریزی، ج۵، ص۱۹۶.

۳. همان، ص ۲۵۰، به نقل از زندگی نامهٔ علّامه مجلسی، ج۱، ص۵۵.

۴. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۰، به نقل از زندگی نامهٔ علّامه مجلسی، ص ۴۲۶.

۵. همان، به نقل از یادنامهٔ علّامه مجلسی، ص ۵ .

۶. زندگی نامهٔ علّامه مجلسی، ص۴ – ۱۱۵.

۷. مقدمهٔ تحفه الزائر، ص ۱۱۷ – ۱۳۰.

ص:۲۳۶

از جمله اقدامات وی در راه وحدت اسلامی، می توان به مورد زیر اشاره نمود:

- در سال ۱۰۹۰ ق - در منصب شیخ الاسلامی - ، طی پیشنهادی به پادشاه ایران، گفت:

«تقاضا دارم شاه فرمانی صادر نماید و جنگ میان فرقه ها ونوشیدن مسکرات و... را نهی فرماید»؛ شاه نیز با رضایت خاطر پذیرفت. (۱)- نکتهٔ مهمی که در زمان شیخ الاسلامی علّامهٔ مجلسی در حوزهٔ سیاست وی به چشم می خورد این است که هیچ برخوردی بین ایران و همسایگان اهل سنت رخ نداد و به هیچ یک از ولایتهای اهل تسنن ایران، از سوی شیعیان، تعدّی نشد. (۲)- علّامهٔ مجلسی،با ترجمهٔ عهد نامهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر و چند حدیث دیگر سعی نمود شیوهٔ حکومتی را بر محور حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام حرکت دهد و با این کار وحدت، انسجام و عدالت را در جامعهٔ اسلامی پیاده کند.

شاید به نظر رسد اگر علامه مجلسی این چنین منادی وحدت بوده چرا در برخی کتابهای خود مطالب تندی نسبت به غیر شیعه مطرح کرده است؟

جواب این است که حفظ اساس اسلام و جامعه اسلامی از اجانب و کفّار غیر از استدلال بر مذهب حق می باشد، منظور از وحدت این نیست که فرق اسلامی از عقاید خود دست بردارند بلکه مقصود این است که همگی ید واحده باشند در مقابل دشمنان و به جای توجّه به اخلافات، در نقاط اشتراک که فراوان است تمرکز کنند. علمای روشن بین از جمله مرحوم مجلسی این چنین بودند، لازم بذکر است که این رفتار وحدت آفرین علامه مجلسی رحمه الله دورانی بوده که در بعضی از کشورهای اسلامی وجود عالمی شیعه مذهب را تحمل نمی کردند، و به جرم شیعه بودن بزرگانی چون شهید اول و شهید ثانی٠ به شهادت می رسیدند، یا همچون پدر شیخ بهایی رحمه الله و علمای دیگر مجبور به هجرت می شدند.

در چنین دورانی علامه مجلسی رحمه الله افکار و نظریات خود را در کتب علمی اظهار می داشت، در عین حال با کمال صداقت و تدبیر و هشیاری برای ایجاد وحدت جامعه اسلامی تلاش می نمود.

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج۱ ص۲۵۶، به نقل از انقراض سلسلهٔ صفویه، ص۴۳..

۲- (۲) . قصص العلماء، میرزا محمّد تنکابنی، ص۲۰۵. .

آیت اللّه شیخ یوسف بحرانی

متوفای: ۱۱۸۶ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: یوسف، نام پدر: شیخ احمد، ولادت: ۱۱۰۷ق، محل تولّد: بحرین، قریهٔ ماحوز.

تحصیلات: وی با سپری کردن دوران کودکی، خواندن و نوشتن آموخت و مِهر قرآن و نماز را در دل خویش جای داد. یوسف با تمام توان به یادگیری علوم حوزوی در محضر پدر که از مجتهدان بود پرداخت. او شش سال در بحرین در درس شیخ احمد عبداللّه بلادی شرکت نمود. پس از آن به قطیف رفت و دو سال نیز در آنجا ماند، شوق تحصیل او را به شیراز کشاند. وی در کنار تحصیل به تدریس برای طلاب علوم دینیه پرداخت. شیخ یوسف پس از ۱۴ سال در سال ۱۱۵۶ق به فسا رفت. او در مدّت ۸ سالی که در فسا بود مشغول تألیف کتاب گران مایهٔ الحدائق الناظره فی أحکام العتره الطاهره علیهم السلام بود. سفرهای دیگر وی به شهرهای گوناگون، در راه تحصیل و تدریس از این قرارند:

اصطهبانات، قم، مشهد، بهبهان و کربلاء.۱

اساتید: شیخ ابراهیم، شیخ احمد (پدر)، شیخ احمد بن عبداللّه بلادی، شیخ حسین ماحوزی.

شاگردان: میرزاابوالقاسم گیلانی (معروف به میرزای قمی)، سیّد مهدی طباطبایی (معروف به بحر العلوم)، ملّا مهدی نراقی (مؤلّف جامع السعادات)، سیّد علی طباطبایی (معروف به صاحب ریاض)، ابو علی حائری.۲

آثار قلمی: اجوبه المسائل البحرانیه، اجوبه المسائل البهبهانیه، اجوبه المسائل الشیرازیه، اجوبه المسائل الکازرونیه، الحدائق الناظره فی أحکام العتره الطاهره علیهم السلام ، سلاسل الحدید فی تقیید لابن أبی الحدید، لؤلؤه البحرین فی الاجازه لقرّتی العین، کشکول بحرانی، الخطب و... .۳

سرانجام: صاحب حدائق در ربیع الاول ۱۱۸۶ق پس از ۷۹ سال تلاش در جهت تبلیغ دین اسلام و شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم دار فانی را وداع گفت و در جوار رحمت حق و بارگاه سالار شهیدان علیه السلام آرمید.

مقبره: عراق، کربلا، حرم مطهّر امام حسین علیه السلام .

۱. گلشن ابرار، ج۱، ۲۷۲ – ۲۷۴.

۲. همان، ص ۲۷۵، به نقل از مقدمه الفاخره، ص۲۳۵ – ۲۳۶.

۳. همان، ص ۲۷۶، به نقل از مقدمه الفاخره، ص ۲۸۰ – ۳۰۱.

- ایشان کراراً بر وحدت مسلمانان جهان اسلام تأکید می نمود و می گفت: وظیفهٔ همه است که در یک صف، در خدمت اسلام قرار گیریم و اختلافات جزئی را که به اسلام ضربه می زند، کنار بگذاریم. (۱)تلاش ها

در اینجا داستانی از برخورد وی (آیت اللّه بحرانی) با آیت اللّه وحید بهبهانی در جهت اتّحادامّت اسلامی و عدم توجه به اختلافات ریز و درشت مسلمین را ذکر می کنیم تا معلوم شود مسألهٔ وحدت تا چه اندازه مورد توجه عالمان و بزرگان دین بوده است.

- آیت اللّه محمّد باقر بن محمّد اکمل اصفهانی، معروف به «وحید بهبهانی» در سال ۱۱۵۹ ق به کربلا رفت و به مبارزهٔ علمی با اخباری گری (۲) پرداخت. روزی به درس صاحب حدائق حاضر شد. روبروی در صحن مطهّر ایستاد و در جمع عالمان اظهار داشت:

« من حجّت خدا بر شما هستم. اگر شیخ یوسف بحرانی (صاحب حدائق) چند روزی کرسی درس خود را در اختیار من قرار دهد، حجّتم را بیان خواهم داشت». چون این خبر به شیخ یوسف بحرانی رسید، پیشنهاد وحید بهبهانی را پذیرفت. سه روز وحید بهبهانی به درس ادامه داد، که در نتیجه آن، دو سوّم شاگردان شیخ یوسف بحرانی از اخباری گری روی گردان شده به شیوهٔ اجتهاد و اصول روی آوردند.

ص:۲۳۹

۱- (۱) . حدائق الناظره، شیخ یوسف بحرانی، ج۱ ص۱۶۷..

۲- (۲) . اخباریون معتقدند که چون قرآن دارای مضامین عالی است و هر کس نمی تواند آن را بفهمد، بنابراین ظاهر الفاظش حجّت نیست و نمی توان الفاظ آن را بر معنای ظاهری حمل کرد و آن را حجّت قطعی دانست. در مقابل این گروه، عدّه ای از علمای شیعه هستند که به اصولیین معروف بوده و در استنباط احکام شرعی «قرآن، سنت، عقل و اجماع» را مورد استناد قرار داده و از علم اصول فقه استفاده می کنند. اخباریون فقط قرآن و سنت را منبع احکام شرعی دانسته و اجتهاد را حرام می دانند. برای اطّلاع بیشتر رجوع کنید به: ریحانه الادب، ج۱، ص۵۱؛ فرهنگ فرق اسلامی، محمّد جواد مشکور، واژهٔ اخباریه. (دیدار با ابرار، میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف، پاورقی ص ۴۲).

مرحوم محدّث قمی در کتاب فوائد الرضویه از قول صاحب تکمله، نقل کرده است که خادم حرم شریف حضرت سیّد الشهداء علیه السلام می گوید:

«مشغول خدمت در حرم بودم که شب فرا رسید و خبر تعطیل شدن حرم مطهّر اعلام شد. آیت اللّه وحید بهبهانی و آیت اللّه شیخ یوسف بحرانی را دیدم که در حال قدم زدن، مشغول بحث علمی بوده، از رواق خارج شدند و در صحن به بحث خود ادامه دادند تا این که صحن خالی شد و می خواستم درهای صحن را ببندم. آن دو بزرگوار از صحن خارج شده، در پشت صحن به مباحثه ادامه دادند.

من درها را بستم وبه منزل رفتم. قبل از طلوع فجر، برای باز کردن درهای صحن بازگشتم. با کمال تعجّب دیدم که آنها هنوز مشغول بحث هستند. بهت زده، آنان را می نگریستم که چه اندازه برای مسائل علمی ارزش و اهمّیت قائل اند. در این هنگام صدای اذان بلند شد و آن دو، به اقامه نماز ایستادند».

وحید بهبهانی در کانون اخباری گری بحران ایجاد کرد. بهترین شاگردان صاحب حدائق از اخباری گری دست برداشته، در درس وحید بهبهانی شرکت کردند. صاحب حدائق که مرجع تقلید و مدرّس بزرگ حوزهٔ علمیهٔ کربلا بود، از این شکست علمی ناراحت نشد، بلکه به خاطر آشنایی بیشتر با مبانی «اصولیّون» خوشحال هم بود.

استعمار هماره در طول تاریخ به وسیلهٔ مذهب به جنگ مذهب رفت. ساختن مذهبها، ایجاد اختلاف، پخش شایعه، و دامن زدن به بحثهای علمی جنجال برانگیز، از شگردهای دشمنان اسلام بوده و هست. دشمنان اسلام قرنها جنگ بین شیعه و سنی را گرم نگه داشته، بدین وسیله بر کشورهای مسلمان سیطره یافتند. در اختلافهای علمی بین عالمان شیعه نیز، هماره مترصد (و منتظر) فرصتی بودند تا از این راه به وحدت شیعیان ضربه بزنند. اما مراجع تقلید شیعه با تیزبینی، نقشه های آنان را خنثی می کردند و گاه دشمن به موفّقیت هایی دست می یافت. جدال بین دو شیوهٔ اخباری گری و اجتهاد، فرصت طلایی برای استعمار بود. برخورد نادرست پیشوای اخباری گری، ملّا محمّد امین استرآبادی و برخوردهای غیر منطقی هواداران او در توهین به اجتهادیون، آسمان اندیشه ها را کدر ساخته بود. ولی صاحب حدائق با

خویشتن داری به موقع و زیرک بینی فوق العاده اش، توانست جلوی حوادث ناگوار را بگیرد.

او نظریـهٔ علّامهٔ مجلسـی را در [ردّ] اخباری گری می پذیرد و از جمود و تنگ نظری اخباری های متعصّب انتقاد می کند. او از پرخاشـهای تند برخی از اندیشـمندان نسبت به یکدیگر، بسیارآزرده خاطر بود و توهین را شایستهٔ بحثهای علمی نمی دانست و هتّاکی به فقها را فرو ریختن استوانه های دین می دانست.

علمای شیعه هماره در طول تاریـخ آزاد انـدیش بودند. هرگز ذهنها را در حصار تکبّر محبوس نکردند و به دنبال یافتن بهترین روش فهم دین بودند. آنگاه که به اشـتباه خود پی می بردند، بی مهابا به خطای خود اعتراف می کردند. صاحب حدائق نیز در زمرهٔ این آزاد اندیشان است که در مقدمهٔ حدائق می نویسد:

« من قبلاً ـ از روش اخباری دفاع می کردم. اما بعـد از تأمّل زیاد و بحثهای فراوان با بعضـی مجتهـدان اصولی، به نقصان آن پی بردم و دیگر از آن دفاع نمی کنم. وظیفـهٔ همه است که در یک صف، در خدمت اسـلام قرار بگیریم و اختلافات جزئی را که به اسلام ضربه می زند، کنار بگذاریم. (۱)- صاحب حدائق که زندگی اش سراسر وحدت آفرین بود، مرگش را نیز این گونه رقم زد.

او وصیّت نمود که علّامه وحید بهبهانی بر جنازه اش نماز بگذارد، با این که اختلاف نظر بین آنها برای همگان روشن بود، اما برای حفظ وحدت و پرهیز از اختلافات، او را برای اقامهٔ نماز انتخاب نمود. (۲)

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۷۵، به نقل از وحید بهبهانی، ص ۱۲۳ - ۱۲۴؛ حدائق الناظره، ج ۱، ص ۱۶۷..

۲- (۲) . همان، ص ۲۷۷، به نقل از وحید بهبهانی، ص ۱۲۴؛ گلشن ابرار، ج ۱، ص۲۷۷..

علّامه سیّد محمّد مهدی طباطبایی

(بحرالعلوم)

متوفای: ۱۲۱۲ق

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام

نام: سیّد محمّد مهدی، نام پدر: سیّد مرتضی، ولادت:

شب جمعهٔ ماه شوال ۱۱۵۵ق، محل تولّد: عراق، کربلای معلّی.۱

تحصیلات: محمّدمهدی از دوران کودکی در دامن پرمهر و محبّت مادر پاکدامنش و در پرتو توجّهات پدر بزرگوارش با آداب و اخلاق اسلامی خو گرفت و رفته رفته رشد یافت. پس از گذراندن دوره های مقدماتی و سطح (فقه و اصول) در آغاز بلوغ به درس خارج که از سوی پدرش تدریس می شد راه پیدا نمود و پس از پنج سال درس و بحث فشرده به مقام بلند اجتهاد نائل آمد.۲

اساتید، حضرات آیات: سیّد مرتضی طباطبایی (پدر)، محمّدباقر وحید بهبهانی، شیخ یوسف بحرانی، محمّد تقی دروقی نجفی، مهدی فتونی نباطی عاملی،۳ میرزا ابوالقاسم مدّرس، میرزا مهدی اصفهانی خراسانی.

شاگردان، آیات عظام: شیخ جعفر نجفی (معروف به کاشف الغطاء)، سیّد محمّد جواد عاملی (معروف به صاحب مفتاح الکرامه)، ملّا احمد نراقی، محمّد باقر شفتی، سیّد یعقوب کوه کمری، سیّد صدر الدین عاملی، شیخ محمّد ابراهیم کلباسی، شیخ عبدالحسین الاعم، سیّد عبداللّه شبّر، سیّد محمّد مجاهد، محسن اعرجی، شیخ حسین نجف و... .۴

آثار قلمی: المصابیح فی الفقه، الفوائد فی الاصول، مشکاه الهدایه، الدرّه النجفیه، رساله فی الفقیر والغنی، مناسک حج، حاشیه بر کتاب شرایع، کتاب الرجال، دیوان شعر و رساله ای فارسی در شناخت خدا و... .۵

سرانجام: علّامه بحرالعلوم، این فقیه وارسته و مجاهد، در روز ۲۴ ذیحجه (یا رجب) سال ۱۲۱۲ق، رُخ از دیار فانی برتافت و روح پاکش به ملکوت اعلی پرواز نمود.

مرقد: عراق، نجف، جنب مقبرهٔ شیخ طوسی.۶

۱. فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی، ص۶۷۶؛ مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج۳، ص۳۸۳.

۲. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۹۴، به نقل از فقهای نامدار شیعه، عقیقی بخشایشی، ص ۲۹۱.

۳. همان، ص ۲۹۴، به نقل از سیّد بحر العلوم دریای بی ساحل، نور الدین علی لو، ص۲۵ - ۳۲.

۴. همان، ص ۲۹۶، به نقل از معارف الرجال، محمّد حرز الدين، ج۲، ص ۵۹ .

۵. اعیان الشیعه، ج۱۰، ص۱۶۰.

۶. گلشن ابرار، ج۱، ص۳۰۰.

- تسلّط ایشان به فقه اهل سنت و حسن معاشرت و سخاوتش او را چنان در میان ساکنان حجاز، بخصوص اهل علم آن دیار، محبوب ساخت که هر روزه شماری از مردم و دانشمندان به دیدنش می رفتند و از وی کسب فیض می نمودند. شگفت آنکه پیروان هر کدام از مذاهب، چنین می پنداشتند که بحر العلوم پایبند مذهب ایشان است. ایشان تمام مدّت اقامت خود در حجاز را با تقیه گذرانید و جلسهٔ درس او در علم کلام طبق مذاهب چهارگانه دایر بود.

وی در اواخر اقامت در مکّه، مذهب خود را اعلان نمود. وقتی خبر اظهار مذهب او به گوش پیروان مذاهب دیگر رسید، از اطراف به دور او ریخته و با وی به مناقشه پرداختند و او با دانش انبوه خود بر تمامی آنها برتری پیدا کرد و همهٔ آنها را با دلیل های قوی و منطقی، به سوی حقیقت اسلام مجذوب ساخت. (۱)- تعیین و تثبیت جایگاه انجام اعمال حج و مرکزیّت دادن به مواقیت احرام به طوری که از نظر شرعی صحیح واقع شود و هم چنین اصلاح مواقف حج، یکی دیگر از گامهای ارزشمند سیّد بحر العلوم بود؛ زیرا این مکانهای مقدّس، قبل از ایشان چندان مشخص نبود.

- علاوه بر اینها، سنگهای فرش شده در حرم را که حُجّاج بر آن اقامه نماز می کردند تعویض نمود و سنگهای معدنی را خارج کرد و سنگهایی را که از نظر شیعه سجده بر آنها صحیح است جایگزین نمود. از آثار معنوی حضور این مرد بزرگ در حجاز، شیعه شدن امام جمعهٔ مکّه در هشتاد سالگی است. (۲)- بخشندگی آن بزرگمرد چنان بود که هرگز کسی را به سبب کردار یا باوری خاص، از دریای گشاده دستی اش محروم نمی ساخت. بازرگانان، کشاورزان، کارگران، شیعیان و سنّیان، همه از محبّت و بخشش بی پایانش بهره مند می شدند. روزی به یکی از راهبران مذهبی

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۹۵، به نقل از مقدمهٔ فوائد الرجالیه..

۲- (۲) . همان، به نقل از مکارم الآثار، ج ۱، ص۴۱۷..

برادران اهل سنت کردستان، دو هزار تومان هدیه داد. (۱) روزی دیگر، که مصادف با عید غدیر بود، بر منبر فراز آمد، انبوه کیسه های طلا و نقره را در برابرش قرار داد، تهیدستان را فرمود کنار یکی از درهای مسجد گرد آیند و یک یک وارد شده، بهرهٔ خویش برگیرند و از در دیگر بیرون روند. بدین ترتیب در حدود یک ساعت همهٔ کیسه ها تهی شد و هیجده هزار تومان زر و سیم به پا برهنگان رسید. (۲)

۱- (۱) . تاریخ اصفهان، حسن خان شیخ جابری انصاری، چاپ سنگی، ص۹۷..

۲- (۲) . قصص العلماء، ص۱۴۹..

آیت اللّه العظمی حجّه الاسلام

سیّد محمّد باقر شفتی

متوفای: ۱۲۶۰ق

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام کاظم علیه السلام

نام: سیّد محمّد باقر، نام پدر: سیّد نقی، ولادت:

۱۱۷۵ق، محل تولّد: ایران، زنجان، روستای چرزه۱.

تحصیلات: محمّد باقر اندک اندک رشد نمود و توانست درس زندگی و کمال را از پدر فرا گیرد. در سال ۱۱۹۲ق به کربلا رفت۲ و از اساتید آنجا بهره جست.

یک سال بعد به نجف هجرت نمود. وی تا سال ۱۲۰۴ق به تحصیل در نجف ادامه داد۳ و پس از مدّتی برای بهره گیری از محضر دانشور برجسته، محسن اعرجی رهسپار کاظمین گردید. سپس بار دیگر بار سفر بست و در حدود ۱۲۰۵ق راه ایران پیش گرفت. سیّد محمّدباقر ابتدا به حلقهٔ درس محقّق قمی در قم رفت سپس به کاشان و در نهایت در سال ۱۲۰۶ق رهسپار اصفهان گردید.

اساتید، حضرات آیات: سیّد علی طباطبایی، شیخ جعفر کاشف الغطاء، محمّد ابراهیم کلباسی، علّامه بحر العلوم، سیّد محسن اعرجی، میرزاابوالقاسم بن ملّا محمّد گیلانی، ملّا مهدی نراقی.۴

شاگردان، حاج محمّد جعفر آباده ای، محمّد شفیع جاپلقی، صفر علی لاهیجی، ملّا صالح برغانی قزوینی، ملّا جعفر نظرآبادی، محمّد تنکابنی، سیّد محمّد باقر خوانساری، سیّد علی طباطبایی زواره ای (علویجه ای) و ده ها شاگرد دیگر.۵

آثار قلمی: تحفه الابرار المستنبط، شرح تهذیب الاصول علّامه حلّی، رساله ای در مشتق، رساله ای در احکام شک و سهو در نماز، جوابات المسائل، حواشی بر فروع کافی و... .

سرانجام: در سال ۱۲۶۰ق، بیماری بر پیکر پیر فرزانهٔ سپاهان، پنجه افکند و در یکی از روزهای ربیع الثانی پس از نماز ظهر، روان پاکش سمت محفل سبز کامروایانِ سپید دست، پر کشید.۶

مرقد: ایران، اصفهان، مسجد سیّد.۷

۱. چرزه روستایی است در ناحیهٔ طارم علیا، که آن را از آبادی های منطقهٔ زنجان شمرده اند و در پنجاه کیلومتری این شهر واقع است. فاصلهٔ این آبادی تا شفت که در جنوب غربی رشت واقع شده، شصت کیلومتر است.

۲. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۴۳، به نقل از معارف الرجال، ج۱، ص۱۹۵.

۳. اعیان الشیعه، محسن امین، ج۹، ص۱۸۸.

۴. گلشن ابرار، ج۱، ص۳۴۳ - ۳۴۴.

۵. همان، ص ۳۴۵، به نقل از تذکره القبور، عبدالکریم جزی، ص۳۱ - ۱۵۹.

۶. قصص العلما، ص۱۶۸.

۷. علمای مجاهد، محمّدحسن رجبی، ص۲۶۸.

تلاش ها

- در سفری که ایشان به حجاز جهت انجام مراسم حج داشتند عدّه ای از دانشمندان حجاز از وی تقاضای بحث و تبادل نظر در رابطه با مسائل اعتقادی نمودند.

سیّد با روی گشاده و آغوش گرم این درخواست ها را پذیرفت و محفل اندیشمندانِ مذاهب، در فضای آکنده از برابری و برادری و جمعیّت شکل گرفت. محفلی که سیّد و دانشوران حجاز در برابر یکدیگر نشسته بودند و حاج محمّد جعفر آباده ای (آشپز و خدمت کار) با پیش بند و کارد ویژۀ آشپزی اندکی دورتر از آنها آشپزخانه را اداره می نمود و بساط نوشیدنی مهیّا می ساخت.

دانشمندان حجاز مسائل خود را مطرح کرده با برهان به اثبات درستی راه خویش پرداختند. چون گفتار آنان به پایان رسید؛ سیّد فقیهان شیعه، حاجی آباده ای را مخاطب قرار داد و گفت: جعفر آشپز! بیا این مسائل را پاسخ گو. حاجی نزد سیّد شتافت و همۀ برهانها و پرسشهای آنان را با استناد به سخنان رهبران بزرگشان پاسخ گفت. این بحث علميِ سراسر دوستی همراه با گشاده دستی های ویژۀ مرجع پاکدل اصفهان، علمای حجاز را سخت تحت تأثیر قرار داد به گونه ای که دانشمندان آن دیار، وی را بزرگ شمرده، گرامی داشتند. (۱)

ص:۲۴۶

۱- (۱) . یکی از نتایج این دیدار آن بود که علمای مذاهب گوناگون، میخهایی را که در راستای مشخص ساختن حدود طواف، بر زمین کوبیده شده بود را، بدون هیچ تردیدی پذیرفتند. (دیدار با ابرار (۶۹)، آیت اللّه سیّد باقر شفتی، ص ۴۰ - ۴۱).

آیت اللّه میرزا مسیح مجتهد استرآبادی

متوفای: ۱۲۶۳ق

چکیده ای از زندگی نامه۱

نام: مسیح، نام پدر: قاضی سعید، ولادت: ۱۱۹۳ق، محل تولّد: ایران، استرآباد (گرگان فعلی).

تحصیلات: او پس از ۷ سالگی، تمرینهای دینی و آموزش حکمت را آموخت. پس از مدّتی با ارشاد پدر، به مدرسهٔ علوم دینی پا نهاد و مقدّمات دروس را با شوق زیاد فرا گرفت. او برای تکمیل دانشهای خود به قم رفت و در محضر میرزای قمی تلمّذ نمود. میرزا مسیح، فقه، اصول، کلام و عقاید را از استاد آموخت و پس از پی گرفتن تحصیل تا مرز اجتهاد، تهران را به عنوان محل سکونت خویش برگزید.

اساتید: میرزای قمی.

شاگردان: حاج میرزا نصر اللّه مشهدی (تربتی)، حاج میرزا احمد ساوجی، مولانا عبد الرحمان شیخ الاسلام.

آثار قلمی: المصباح لطریق الفلاح، کشف النقاب فی شرح اللمعه الدمشقیه، شرح کتاب المعاطاه، شرح مختصر النافع، و... .۲

سرانجام: میرزا مسیح پس از آنکه مدّتی در بستر بیماری افتاد، در سال ۱۲۶۳ق، پس از عمری تلاش و خدمت در راه اسلام دار فانی را وداع و به سرای باقی شتافت.

مرقد: عراق، نجف اشرف، حرم مطهّر امیر المؤمنین علیه السلام ، یکی از حجره های بالاسر صحن.۳

۱. میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف، غلامرضا گلی زواره، ص۱۷ - ۶۹.

۲. گلشن ابرار، ج۱، ص۳۲۶.

۳. همان، ص۳۳۱، به نقل از تاریخ علمای خراسان، ص۲۰۸ - ۲۰۹.

- وی به نشر احکام دین و پاسخگویی به مشکلات فقهی مردم می پرداخت و اوضاع محرومان را مورد بررسی قرار می داد. میرزا مسیح در حل گرفتاری های مسلمین، از هیچ گونه کوششی دریغ نداشت و به امور جامعهٔ اسلامی به دقّت مراقبت و نظارت می نمود. او اگر در جایی خلافی می دید یا متوجّه می شد که احکام اسلامی نادیده انگاشته شده و یا اهانتی متوجّه مقدّسات اسلام گشته، چون تندر می غرّید و با حرکتی شجاعانه اما عالمانه و خردمندانه، به مقابله با آن می پرداخت و از این طریق فرهنگ جامعه را اصلاح می کرد. (۱)- میرزا مسیح در جهت ایفای رسالت خطیر خویش، مسجد را به عنوان مهمترین کانون تبلیغی، اعتقادی و مبارزاتی انتخاب نمود... تا از این مکان مبارک به تبلیغ دین و ارشاد مردم پرداخته و از این رهگذر، زمینهٔ وحدت و همبستگی مردم را فراهم سازد. مسجدی که کانون تلاش های تبلیغی، اعتقادی و مبارزاتی وی بود به مسجد جامع عتیق تهران معروف است. (۲)تلاش ها

نقل است که آقا محمود بن آقا محمّد علی بن محمّد باقر بهبهانی، فاضل و جامع که مسلک اخباری (۳) داشته، توسط حاج میرزا مسیح به دلیل اصرار بر این رویهٔ غلط تکفیر و مطرود گردید... .

روزی آقا محمود به زیارت قم رفته به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام حاضر گردید تا نماز را به جماعت بخواند. از یکی از مأمومین پرسید: امام جماعت کیست؟ او پاسخ داد:

حاج میرزا مسیح. گرچه آقا محمود از این جواب کمی متغیّر شد و گویی آشفته به نظر می رسید، لیکن جهت رسیدن به ثواب نماز جماعت و درک این فیض معنوی به او اقتدا کرد و پس از اتمام نماز به منزل خود بازگشت. گروهی از اطرافیانش سؤال کردند: چرا به کسی که

۱- (۱) . میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف، ص ۵۱ - ۵۲..

۲- (۲) . همان، ص۴۴ - ۴۵..

۳- (۳) . چکیدهٔ عقیده اخباریون و اصولیون در پاورقی شمارهٔ ۲ ص ۲۳۹ گذشت..

تو را تکفیر نموده اقتـدا کردی؟ وی در جواب گفت: چه منافـاتی وجود دارد بین این که او به کفر من حکم داده و امر برایش مشتبه شده و من اعتقاد به عدالت او داشته باشم و هر دو داخل در ثواب و مأجور گردیم؟.

چون خبر این سؤال و جواب به گوش میرزا مسـیح رسـید، از اخلاق و وسـعت نظر و خوش بینی آقا محمود شـگفت زده شد و خود به منزلش رفت و از او دلجویی به عمـل آورد و کـدورت بین این دو، به رفتارهـای عاطفی و برخوردهای نیکو و صادقانه تبدیل گردید. (۱)

ص:۲۴۹

۱- (۱) . قصص العلماء، میرزا محمّد تنکابنی، ص۱۴۶ - ۱۴۷، تلخیص..

علّامه سیّد جعفر کشفی

متوفای: ۱۲۶۷ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد جعفر، نام پدر: سیّد یعقوب، ولادت:

۱۱۸۹ق، محل تولّد: ایران، فارس، اصطهبانات.

تحصیلات: او پس از پشت سر گذاشتن ایّام کودکی، تحصیلات مقدماتی را آغاز نمود، سیّد جعفر اندکی از دروس مقدماتی را نزد مادر دانشمندش (دختر شیخ حسین بحرانی) گذرانید. سیّد پس از رحلت مادر رهسپار حوزهٔ علمیهٔ یزد گردید و در آنجا دورهٔ سطح را در طول چهار سال به پایان رسانید و در ۱۹ سالگی به نجف اشرف مهاجرت نمود. وی در مدّت کوتاهی به مدارج والای اخلاقی و علمی رسید و از مدرّسان نجف اشرف محسوب شد.۱

اساتید: علّامه سیّد مهدی بحر العلوم، دختر شیخ حسین بحرانی (مادر سیّد جعفر).

شاگردان: سیّد حسین بروجردی، ملّا عبداللّه بروجردی،۲ حاج میرزا صالح لرستانی، اورنگ زیب میرزا، شیخ عبدالحسین بروجردی و... .

آثار قلمی: اجابه المضطرین، البرق والشرق، الشریفیه، البلد الامین فی اصول الدین، کفایه الایتام، صید البحر، الرطب الیابس فی الاجماع المتخالف المتعاکس.۳

سرانجام: علّامه سیّد جعفر کشفی پس از سالها تحصیل، تدریس، تحقیق، خدمت به جامعه و گسترش مذهب تشیع، در سال ۱۲۶۷ق بدرود حیات گفت و به لقاء اللّه پیوست.

مرقد: ایران، بروجرد، جنب مسجد دو خواهران.

۱. گلشن ابرار، ج۴، ص۲۳۸.

۲. همان، ص ۲۴۱، به نقل از تاریخ بروجرد، ج ۲، ص ۲۶۲.

۳. همان، ص ۲۳۹، به نقل از اندیشهٔ سیاسی سیّد جعفر کشفی، ص۳۱.

اندیشه ها

- علّامهٔ کشفی معتقد بود عدم تفرقه و وحدت در جامعه بسیار مهم است به گونه ای که یکی از عوامل اصلی بقای دولت را مشروط بر همین امر تلقّی می نمود. (۱)تلاش ها

- از جمله اقدامات وحدت آفرین ایشان را می توان تألیف کتاب تحفه الملوک فی السیر والسلوک (در دو جلد)، نام برد. این اثر در سال ۱۲۳۳ق به درخواست حسام الدین سلطنه به نگارش درآمده است. علّامه کشفی در آخرین بخش این کتاب به بحث (بررسی جنگ میان دو دولت اسلامی) اشاره می نماید. وی کشته شدگان دولتی را که هدفش از جنگ، اقامهٔ سنّت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و اعتلای دین حق است، مجاهد و شهید می داند. او در این کتاب بر صلح و دوری از جنگ بین دولتهای اسلامی، تأکید می کند و فوائد و ثمرات آن را برمی شمارد. (۲)

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج۴، ص۲۴۴..

۲- (۲) . همان، ص۲۴۰، به نقل از اندیشهٔ سیاسی سیّد جعفر کشفی، ص۲۶..

علّامه محمّد اقبال لاهوری

متوفای: ۱۳۵۴ق

چکیده از زندگی نامه

نام: محمّد، نام پدر: نور محمّد، ولادت: ۱۲۸۹ق۱ یا ۱۲۹۳ق۲، محل تولّد: هند، شهر سیالکوت.

تحصیلات: وی در سنین کودکی به تحصیل علم پرداخت، قرآن را در یکی از مساجد فرا گرفت و در محضر میر حسین شمس العلما، برخی ازعلوم اسلامی را آموخت. او ۲۲ سال بعد اولین امتحان دانشگاهی را پس از طی دورهٔ (اسکاج متن کالج) و دو سال بعد به أخذ درجهٔ (M. نائل آمد. اقبال چندی بعد اوّلین شعر خود را در مجمع بزرگی قرائت کرد.۳ او در سال ۱۲۸۷ش بعد از اتمام تحصیلات به لاهور بازگشت و مدّتی شغل وکالت پیشه کرد اما همواره در فکر گسترش فرهنگ اتّحاد مسلمانان جهان بود. در سال ۱۲۹۰ش، استادِ فلسفه در دانشگاه لاهور شد و شاگردان بی شماری را با فکر و فلسفهٔ خود آشنا ساخت.

اساتید: میر حسین شمس العلماء.

آثار قلمی: پیام مشرق، احیای فکر دینی در اسلام، زبور عجم اسرار خودی و رموز بی خودی، بانگ دار، علم و اقتصاد، جاویدنامه، تاریخ هند و بسیاری آثار دیگر.۴

سرانجام: علّامه اقبال لاهوری پس از سالها تبلیغ و تحقیق در کشورهای مختلف جهان، در اول اردیبهشت ماه ۱۳۱۷ مطابق با ۵۱۳۵۷ چشم از جهان فرو بست.

مقبره: هند، شهر سیالکوت.

۱. معارف و معاریف، ج۲، ص۳۴۵.

۲. دائره المعارف بزرگ زرّین، ج۱، ص۲۴۱.

۳. معارف و معاریف، ج۲، ص۳۴۵ – ۳۴۶.

۴. دائره المعارف بزرگ زرّین، ج ۱، ص ۲۴۱.

۵. احیاء تفکّر دینی، سیّد محمّد برهانی، ص ۱۵۴.

- وی همواره در فکر گسترش فرهنگ و اتّحاد مسلمانان جهان بود. او با این که به اردو شعر می گفت، اما زبان اصلی شعرش فارسی بود.

اقبال بدین سبب فارسی را برگزیده بود تا با کمک گستردگی و نفوذ زبان فارسی در هند، پاکستان، افغانستان، ایران و تاجیکستان...، اندیشه های خویش را با وسعت بیشتری گسترش دهد.

- وی قصد اتّحاد مسلمین و خیزش فکری آنها را داشت. لذا زمانی که از اتّحاد مسلمانان شبه قارهٔ هند و هندوان ناامید گشت، درصدد احیاء و ایجاد اندیشهٔ اتّحاد مسلمانان در یک کشور مستقل برآمد که بعدها کشور پاکستان متولّد گشت. (۱)- او عقیده داشت که شخصیّت بشر فقط در محیط آزاد می تواند رشد کند و بدین جهت می کوشید تا حقوق اولیّهٔ بشری برای همهٔ ملّتها و همهٔ مردم جهان، بدون توجه به نژاد یا مذهب یا طبقهٔ خاص تأمین شود. (۲)تلاش ها

- شرکت در کنگرهٔ اسلامی فلسطین: اقبال به نمایندگی مسلمینِ هند در اوّلین کنگرهٔ اسلامی فلسطین، در شهر بیت المقدس، به همراه جمعی مرکّب از مولوی شوکت علی، مرحوم کاشف الغطاء (مجتهد بزرگ نجف)، آقای سیّد ضیاء الدین طباطبایی، امین الحسینی (مفتی فلسطین)، محمّد علی علویه (پاشای مصری) و سایر برگزیدگان کشورهای اسلامی برای مدّت یک ماه، شرکت نمود که رجال بزرگ اسلامی که در آن کنگره شرکت داشتند، نبوغ فکری او را ستودند.

مرحوم علویه پاشا دربارهٔ جلوهٔ شخصیّت اقبال در کنفرانس می گوید:

«اقبال در ضمن اولین خطابه ای که ایراد کرد، بصیرت، تعمّق و افق وسیع ادراک و دریافت

۱- (۱) . دائره المعارف بزرگ زرّین، ج۱، ص۲۴۱..

۲- (۲) . کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، مقدمه، ص۳۴..

خودش را در احاطهٔ به معارف اسلامی نشان داد و حدیثی را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد که تا آن تاریخ نشنیده بودم و آن حدیث این است که فرمود: اناحظکم من الانبیاء وانتم حظی من الامم. (۱) آنگاه ضمن تشریح این معنا، با توجه به این همه انحطاط و تأخّر مسلمین، همهٔ نمایندگان را سرافکنده و شرمنده ساخت». (۲)

۱- (۱) . یعنی در میان پیغمبران من به سهم شما افتادم و در میان ملل جهان، شما مسلمانان به سهم من افتادید. (مبسوطسرخسی، ج ۳۰، ص۲۵۴؛ مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص۶۸).

۲- (۲) . کلیّات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، مقدمه، ص۳۴..

علّامه میر حامد حسین موسوی

متوفای: ۱۳۰۶ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: میر حامد حسین (مهدی)، نام پدر: علّامه سیّد محمّد قلی، ولادت: ۱۲۴۶ق، محل تولّد: هند، میرته.

تحصیلات: وی وقتی به هفت سالگی رسید پدرش او را به مکتب گذاشت، او مقدمات و دروس ابتدایی را خواند، آنگاه وارد مراحل بالاتری شد. میر حامد حسین پس از آموختن «مقامات حریری» و «دیوان متنبّی»، نهج البلاغه را درس گرفت و سپس به فراگیری علوم عقلی و شرعی پرداخت. وی پس از سالها تلاش و همّت تحصیلات خود را با موفقیّت به اتمام رساند.۱

اساتید: سیّد برکت علی صاحب، سیّد عبّاس شوشتری، سیّد مرتضی خلاصه العلماء، سیّد محمّد سلطان العلماء، سیّد حسین سیّد العلماء.

آثار قلمی: استقصاء الافحام، شوارق النصوص، افحام اهل المین، اسفار الانوار، کشف المعضلات فی حل المشکلات، النجم الثاقب فی مسأله الحاجب، عبقات الانوار فی مناقب الائمه الاطهار علیهم السلام و برخی کتب ارزشمند دیگر.۲

سرانجام: علّامه میر حامد حسین موسوی فرزند بزرگ شیعه و مدافع مجاهد اهل بیت پیامبر علیهم السلام ، در هجدهم صفر سال ۱۳۰۶ق، در لکهنو چشم از جهان فرو بست و در حسینیهٔ خود مدفون گردید.۳

۱. گلشن ابرار، ج۱، ص۳۷۳ - ۳۷۴.

۲. همان، ص ۳۷۵.

۳. همان، ص ۳۷۸، به نقل از علماء معاصرین، ملّا علی واعظ خیابانی تبریزی، ص۳۱؛ اعیان الشیعه، سیّد محسن امین عاملی، ج۴، ص ۳۸۱.

- علّامه میر حامد حسین در راه احیای فرهنگ شیعی، رنجهای فراوان را به جان خرید.

وی هنگامی که با خبر شد تنها نسخهٔ کتاب مورد نیازش نزدِ یک عالِم سنی مذهب در رابغ (۱)موجود است و آن عالم به هیچ وجه کتاب مذکور را در دسترس کسی قرار نمی دهد، عازم سفر حجاز شد و با مشقّت فراوان، رنج پیمودن کوهها و بیابانها را به جان خرید و خود را به مکّه رساند و سپس با لباس مبدّل وارد دهکدهٔ رابغ شد. میر حامد حسین نزد عالم سنّی رفت و به او گفت: «من یک نفر کارگر و خدمتگزار هستم اگر مایل هستید چند صباحی برای شما در منزلتان مشغول خدمت شوم». سیمای ملکوتی و سخنان مؤدّبانهٔ وی، در قلب عالم سنی مؤثّر افتاد. میر حامد حسین در منزل عالم سنّی به خدمت پرداخت. عالم سنی از ادب کامل و رفتار و کردار نیک وی لذّت برد و به او علاقه مند گشت. چند روز بعد، میرحامد حسین به آن عالم گفت: «من شبها خوابم نمی برد و از این مسئله در رنجم. اگر امکان دارد تعدادی کتاب در اختیار من بگذارید تا اوقات فراغتِ شب را با مطالعهٔ آنها سپری کنم».

صاحب خانه گفت: «این کتابخانهٔ من در اختیار شما، هرچه می خواهید بفرمایید».

هنگامی که شب فرا رسید و صاحبخانه به خواب رفت، میر حامد حسین در کتابخانهٔ او به تفحّص پرداخت، تا این که گمشده و محبوبش، کتاب مورد نیاز را پیدا نمود. بعد کاغذ و قلمی را که برای همین کار همراه آورده بود بیرون آورده و مشغول استنساخ کتاب شد. هر شب از آن کتاب رونویسی کرد. پس از پایان استنساخ به صاحب خانه گفت: «اگر اجازه بفرمائید، من مرخّص می شوم». صاحب خانه گفت: «مانعی ندارد»، پس خداحافظی کرده و به هندوستان برگشت. آنگاه در نامه ای به آن عالم سنی نوشت: «دوست عزیز اینجانب کارگر نبودم. من میر حامد حسین هندی صاحب عبقات هستم. چون شنیده بودم فلان کتاب نزد شما است و شما هم به هیچ وجه راضی نمی شوید که آن را در اختیار کسی بگذارید، با این برنامه آمدم، کتاب را استنساخ کردم، پس خواهشمندم مرا حلال بفرمایید». عالم مذکور تا نامهٔ میرحامد حسین

۱- (۱) . رابغ: دهکده ای است نزدیک شهر مکّه که غدیر خم در نزدیکی آن است..

را مطالعه کرد بهت زده شد و سپس نامه ای در پاسخ او به هند ارسال نمود و ضمن اینکه رضایت خود را از کار مزبور اعلام داشت، نوشت: «من از همّت والای شما همّت گرفتم و درس آموختم و از این پشتکار شما بس در شگفتم». (۱)- (میر حامد حسین کتابهای فراوانی تألیف نمود. در بین تألیفات وی، کتاب گرانسنگ عبقات الانوار فی امامه الأئمه الاطهار علیهم السلام درخشندگی خاصی دارد) این اثر از بزرگترین و ارجمندترین کتاب های اوست که از شاهکارهای علمی و اعتقادی شیعه به شمار می رود.

علّامه میر حامد حسین این کتاب شریف را در ردّ کتاب ضدّ شیعی و تفرقه افکن «تحفهٔ اثنی عشریه، یعنی هدیه ای برای شیعیان دوازده امامی» تألیف نمود. نویسندهٔ این کتاب عبد العزیز دهلوی معروف به سراج الهند (چراغ هند) بود وی که از عالمان برجسته و فاضل شبه قارهٔ هند و از اهل سنت بود، بدون توجه به آیات وحدت بخش قرآن و سفارشهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، در این کتابش عقاید و آراء شیعه را به طور عموم و فرقهٔ اثنی عشریه را بالخصوص در اصول، فروع، اخلاق، آداب و سننِ مناظره مورد حمله و اعتراض قرار داد. او، کتابش را مملّو از افتراآت و تهمتهای شنیعه ساخته و باعث تشتّت جبههٔ اسلامی هند گردید. (۲) از آثار بسیار منفی و مخرّب این کتاب ضالّه آن بود که برادران مسلمان شیعه و سنّی نسبت به یکدیگر کدورت و کینه پیدا نمودند؛ اما شاهکار علّامه میر حامد حسین موسوی این کینه ها را از میان برد.

۱- (۱) . کیهان فرهنگی، ش ۵۰، ص۳۹..

۲- (۲) . میر حامد حسین، محمّد رضا حکیمی، ص۸۶ - ۸۸؛ گلشن ابرار، ج۱، ص۳۷۵..

آیت اللّه العظمی آخوند ملّا حسینقلی همدانی

متوفای: ۱۳۱۱ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: حسین قلی (نوکر امام حسین علیه السلام)، نام پدر:

رمضان علی، ولادت: ۱۲۳۹ق، محل تولّد: ایران، همدان، روستای شوند درگزین.

تحصیلات: او پس از گذراندن ایّام کودکی در زادگاه خویش، دروس ابتدایی را آموخت سپس برای ادامهٔ تحصیلات به تهران رفت. وی دروس سطح را در حوزهٔ علمیهٔ تهران آموخت و در مدرسهٔ مروی در درس آیت اللّه شیخ عبدالحسین طهرانی (شیخ العراقین) شرکت کرد. او سپس در درسهای ملّا هادی سبزواری در سبزوار حاضر شد. ملّا حسین قلی پس از نوشیدن جرعه ها از حکمت و معرفت راهی نجف گردید و در دروس شیخ انصاری شرکت نمود.

اساتید، حضرات آیات: شیخ عبدالحسین طهرانی، حاج ملّا هادی سبزواری، شیخ مرتضی انصاری، سیّد علی شوشتری، سیّد محمّد سلطان آبادی، صاحب جواهر، ملّا علی رازی، میرزا محمّد حسن شیرازی.۱

شاگردان، آیات عظام: آقا شیخ محمّد بهاری همدانی، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، سیّد احمد کربلایی طهرانی، سیّد محمّد سعید حبوبی، سیّد عبدالحسین موسوی لاری، سیّد جمال الدین اسدآبادی، سیّد محسن امین عاملی (نویسندهٔ اعیان الشیعه)، سیّد مرتضی کشمیری، و نیز صدها انسان ره یافته، که از محضر آخوند بهره مند شدند.۲

سرانجام: آخوند ملّا حسین قلی همدانی، پس از عمری تلاش در راه کمال و تربیت انسانهای صالح، به تاریخ ۲۸ شعبان ۱۳۱۱ق ندای پروردگارش را در کربلا لبیک گفت و در جوار رحمت حق آرمید.

مرقد: عراق، کربلا، صحن مطهّر امام حسین علیه السلام ، حجرهٔ چهارم.

۱. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۱۶۲.

۲. همان، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

اندیشه ها

- وی معتقد بود: خیلی کارها از اتّحاد قلوب ساخته گردد که از متفرّد بر نمی آید. (۱)- ایشان هرچند خود از بزرگان اخلاقی بود و همواره خود را موظّف به تربیت نفوس انسان هایی پاک می دانست، اما از مسائل اجتماعی و مهم مکتب اسلام و قرآن، هم چون وحدت برادران مسلمان با یکدیگر غافل نبود.

از خط مشی و شیوهٔ رفتاری تربیت یافتگان مکتب آخوند ملّا حسینقلی همدانی و حضور فعّال آن ها در صحنهٔ سیاست و وقایع اجتماعی، می توان نقش و تأثیر استاد بزرگ آنها را در این مسیر تشخیص داد.

تلاش ها

- تربیت شاگردانی روشن بین و آگاه به مسائل اجتماعی که هر کدام در مقاطع حسّاس تاریخی، قدم به عرصهٔ سیاست گذاشته و رهبری مردم را در حوادث سیاسی بر عهده گرفتند.

یکی از این فرزانگان مصلح، سیّد جمال الدین اسد آبادی است که خود از بزرگ ترین مصلحان و منادیان اتّحاد مسلمین جهان به شمار می رود. (۲) سیّد محمّد سعید حبوبی (۳) نیز یکی دیگر از شاگردان بزرگ مرد آخوند بود.

هم چنین شیخ محمّد باقر بهاری (۴) و سیّد عبدالحسین لاری (۵) از دیگر شاگردان انقلابی و مجاهد آخوند همدانی به شمار می رفتند.

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۳، ص ۱۶۷..

۲- (۲) . شرح مناسبی از زندگی نامه و اقدامات سیّد جمال، در صفحهٔ ۲۶۵ همین کتاب خواهد آمد..

۳- (۳) . وی که از جمله مصلحان و منادیان وحدت بود مردم را به توحید و حفظ رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و احکام دین و قواعد شرع سفارش می کرد و می گفت: بشتابید به سوی جهاد در راه خدا و با یکدیگر متّحد گردید و از تفرقه دوری جویید و وحدت کلمه و بخشش مال را پیشهٔ خود سازید و هشیارانه گام بردارید. (علمای مجاهد، ص ۱۷۰).

۴- (۴) . از جمله اقدامات مهم این عارف سالک و مجتهد مجاهد را، مقاومت در برابر تجاوزات امپراتوری روسیه و تحریم اجناس روسی، می توان عنوان نمود. او در این راه علناً با دشمنان اسلام به مبارزه برخاست و با تلگراف به سران کشورهای اسلامی، خطر تهاجم روسیه به ایران و ترکیه را به آنان گوشزد نمود و با تلاش های پی گیر خویش، در برابر دشمنان متجاوز مقاومت کرد و آن ها را از حمله به کشور اسلامی منصرف ساخت. (گلشن ابرار، ج۳، ص۱۶۷) بخشی از شرح حال و اقدامات وی، در صفحهٔ ۲۸۲ همین کتاب خواهد آمد..

۵- (۵) . جهت اطّلاع از زندگینامه و بخشی از اقدامات وی، به صفحهٔ ۲۹۸ همین کتاب مراجعه نمایید..

آیت اللّه العظمی میرزا محمّدحسن شیرازی

متوفای: ۱۳۱۲ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد محمّد حسن، نام پدر: میرزا محمود، ولادت: نیمهٔ جمادی الاولی ۱۲۳۰ق، محل تولّد: ایران، شیراز.۱

تحصیلات: وی در چهار سالگی به مکتب رفت و در شش سالگی وارد حوزهٔ علمیه گردید. او هنوز کودکی ۸ ساله بود که بر فراز منبر مسجد وکیل شیراز رفت و همانند واعظان با تجربه، کتاب اخلاقی ابواب الجنان را برای مردم خواند. سیّد محمّد حسن در نوجوانی به تدریس لمعه پرداخت. در سال ۱۲۴۸ق بنابه پیشنهاد استاد، به اصفهان رفت. وی پس از مدّتی تحصیل در اصفهان، در سن بیست سالگی از آیت اللّه سیّد حسن بیدآبادی اجازهٔ اجتهاد گرفت. سیّد محمّد حسن مدّتی بعد به کربلا رفت، چیزی نگذشت که وی قصد برگشتن به زادگاه را نمود. او قبل از رفتن به شیراز، به نجف رفت تا اینکه دیدار او با شیخ انصاری سبب گشت که از تصمیمش منصرف شود و در نجف به ادامهٔ تحصیل بپردازد. میرزای شیرازی در سال ۱۲۸۱ق با فوت شیخ انصاری زعامت مرجعیّت شیعه را به عهده گرفت.

اساتید، حضرات آیات: شیخ محمّد تقی اصفهانی، سیّد حسن بیدآبادی، شیخ حسن کاشف الغطاء، شیخ حسن نجفی (صاحب جواهر)، سیّد ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط)، شیخ مرتضی انصاری.

شاگردان، آیات عظام: میرزا محمّد تقی شیرازی، شیخ عبدالکریم حائری، میرزا حسین نائینی، شهید شیخ فضل اللّه نوری، سیّد محمّد کاظم یزدی.۲

سرانجام: ایشان پس از یک عمر مجاهدت، تلاش و نیز صدور بیانیه ها و فتاوای مهم و تاریخی که هر کدام به نوبهٔ خود سهم زیادی در پیشرفت اسلام داشت، خصوصاً فتوای تحریم تنباکو، در سال ۱۳۱۲ق و در ۸۲ سالگی یاران را وداع و جانان را لبیک گفت و به سوی لقاء اللّه پر کشید.

مرقد: عراق، نجف اشرف، کنار درب شیخ طوسی که به حرم امیر المؤمنین علیه السلام باز می گردد.

۱. گلشن ابرار، ج۱، ص۳۸۵.

۲. همان، ص ۳۸۷.

اندیشه ها

- میرزا با توجه به موقعیّت و زعامتی که بر عهده داشت، همواره در فکر وحدت و همدلی مسلمانان بود.

- ایشان با اندیشه ها و طرحهای گوناگون، عملاً گامهای بزرگی در راه اتّحاد بین مذاهب اسلامی خصوصاً شیعه و سنّی برداشت که در بسیاری از مواقع، این گونه برنامه ریزی ها باعث دفع نقشه های بیگانگان می گردید.

تلاش ها

- ایجاد وحدت تشیع و تسنن: از مهمترین عوامل بقاء عزّت و عظمت جامعه اسلامی، وحدت تمامی گروههای مسلمین است. همانگونه که عامل ذات و تباهی این امّت نیز تفرقه و جدایی اقشار آن می باشد. میرزای شیرازی با نقشه ها و طرحهای مختلف سعی در ایجاد وحدت میان برادران شیعه و سنی داشت که از آن جمله به اقدامات ذیل می توان اشاره کرد (۱):

- مقابله با طرحهای استعمارگرایانهٔ انگلیس: در زمان میرزای شیرازی، پیر استعمارگر «انگلستان» در هر کجای وطن اسلامی، افرادی جیره خوار و مزدور داشت که به گونه ای سعی در از بین بردن وحدت مسلمانان و بر باد دادن عزّت و عظمت و تباه نمودن سرمایه های مادی و معنوی و انسانی آنان داشت. از آن جمله در افغانستان فردی بنام «عبد الرحمن محمّد زایی» با دامن زدن به اختلاف شیعه و سنی و کشتار بیرحمانه و مظلومانهٔ شیعیان، سعی در پیاده کردن نقشه های شوم انگلستان را داشت. تا آنجا که در یک کشتار دسته جمعی آنقدر از شیعیان را کشت که از سرهای آنان تپه ای تشکیل شد که بعدها بنام تپهٔ سرها (۲)معروف گشت.

میرزای شیرازی پس از اطّلاع از این واقعهٔ ناگوار، دست به اقدامات مهمّی زد، از جمله در تلگرافی به ملکهٔ انگلستان، خواستار قطع دست این نوکرجنایتکار سیاست انگلیس شد. این اقدام میرزا موجب پایان گرفتن این اعمال جنایتکارانه شد.

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۸۸ .

۲- (۲) . اصطلاح افغانستانی تپّه سرها «کلّه منار» است..

- انتقال حوزهٔ علمیهٔ تشیّع از شهر نجف به شهر سنی نشین سامرّاء.

- پرداخت مستمری و کمکهای مادی به طلاب و علمای سنی همانند طلاب و علماء شیعه.

- ایجاد امکانات رفاهی برای برادران اهل سنت و تشیع بصورت یکسان.

- خنثی سازی نقشه های مختلف دشمن برای ایجاد اختلاف و تحمّل کردن مشکلات این مسیر، از جمله به شهادت رسیدن فرزند ایشان.

- برخورد با افراد نا آگاه و عالِم نما که تحت عنوان محبّت به اهل بیت علیهم السلام و اظهار نفرت از دشمنانشان، قصد اختلاف افکنی میان شیعه و سنی داشتند. (۱)- سکونت در روستایی که هیچ کس از شیعیان در آنجا زندگی نمی کرد. (یکی از علل این هجرت، ایجاد وحدت و اخوّت بین شیعیان و اهل سنت بود). (۲)- خاموش نمودن آتشهای فتنه بین مرجعیّت شیعیان و اهل سنت که در آن روز حربهٔ استعمارگران به حساب می آمد. (۳)- اصلاح ذات البین و برقراری آشتی در ماجرایی بین طلبهٔ شیعه و طلبهٔ سنی توسط ایشان. (۴)- جلوگیری از دامنهٔ اختلافات مسلمانان (شیعه و سنی) افغانستان.

- ارائهٔ نقشه ها و طرحهای گوناگون در جهت ایجاد وحدت میان برادران شیعه و سنی.

ص:۲۶۲

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۸۹..

۲- (۲) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، ص۱۲..

۳- (۳) . یکی از فتنه هایی که عوامل و مأمورین دولت بریتانیا در پی اجرای آن بودند، تلاش برای ایجاد درگیری بین میرزا و اهل سنت عراق بود که پیامد آن از بین رفتن اقتدار دولت عثمانی بود. اما در این میان تقوا و تدبیر میرزای شیرازی بر آن مکرهای شیطانی فائق آمد. در سال ۱۳۱۱ق، حسن پاشا والی دولت عثمانی به دیدار مرجع تقلید شیعیان عراق رفت ولی ایشان به او توجّهی نکرد. این رفتار، کینهٔ والی را علیه میرزا برانگیخت و او عدّه ای را علیه شیعه تحریک کرد که بدنبال آن فتنه ای پدید آمد و دامنهٔ آن تا بغداد را فرا گرفت. سفیر انگلیس به طرفداری میرزای شیرازی و اطرافیان او تظاهر کرد و به سامرّا رفت و از میرزا اجازه ملاقات خواست، ولی میرزا به او اعتنایی نکرد و البته ماجرا ختم به خیر شد و امنیّت سامرا برگشت. (روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، ص۱۲، به نقل از معارف الرجال، ج۲، ص۲۳۵).

۴- (۴) . همان، به نقل از حماسهٔ فتوا، ص ۱..

حاج ملّا عبداللّه بن نجم الدین

معروف به (فاضل قندهاری)

متوفای: ۱۳۱۲ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: عبداللّه، نام پدر: نجم الدین، ولادت: ۱۲۲۷ق، محل تولّد: افغانستان، قندهار.

تحصیلات: وی که در خانواده ای فرهیخته و دانشمند به دنیا آمد پس از طی علوم مقدّماتی، مبادی فقه، اصل، تفسیر و حدیث را نزد پدرش ملّا نجم الدین که از عالمان متنفذ و به نام شیعهٔ قندهار بود فرا گرفت و به مقام و مرتبهٔ بالایی در علوم دینی رسید.۱ سپس به عتبات عالیات رفته و در محضر استادان و عالمان شیعه و سنی تلمّذ نمود. پس از چندی به کابل رفت و به تبلیغ دین مبین اسلام پرداخت.

اساتید، حضرات آیات: ملّا نجم الدین (پدر)، شیخ انصاری، سیّد محمّد باقر شفتی و برخی از علمای اهل سنت.

شاگردان: فاضل قندهاری که از بارزترین مراجع شهر به شمار می آمد، مدرسه ای پررونق و شاگردان فراوان داشت. شاگردان او از دروس فقه، اصول، حدیث، تفسیر، کلام، عقاید، حکمت، تاریخ، ادبیات و... استاد فاضل خود استفاده می کردند.

آثار قلمی: البرهان فی قطع شبهه الشیطان، تجوید القرآن، تحریر الاصول در فقه، تذکره العلماء، خوان الالوان، دلاله السالکین در قواعد عارفین، الفوائد البهیّه و... .۲

سرانجام: فاضل قندهاری که در نوشته ها و آثارش، خود را با تخلّص «وصال» و «مهجور» نام می برد، در سال ۱۳۱۲ق در ۸۵ سالگی جهان فانی را وداع و به لقاء اللّه پیوست.

مقبره: ایران، مشهد مقدّس، جوار ملکوتی بارگاه امام رضا علیه السلام ، دار الضیافه.

۱. علمای مجاهد، ص ۳۳۴.

۲. مشاهیر مدفون در حرم مطهّر رضوی علیه السلام ، ج ۱، ص ۲۳۰.

ص:۲۶۳

تلاش ها

- تبلیغ برادری و وحدت: فاضل قندهاری پس از اشغال افغانستان توسط سپاهیان انگلیس به کابل رفت و مدّتی در آن جا علیه انگلیس به تبلیغ پرداخت و قدمهای مثبتی در راستای وحدت شیعه و اهل سنت برداشت. (۱)- قطع نهال خبیثهٔ نفاق و دشمنی: ملّا عبداللّه عالمی بلند نظر و دوراندیش بود؛ از این رو با درایتی بسیار توانست نهال دشمنی را از میان اهل سنت و شیعیان کابل برداشته و آنان را با یکدیگر آشتی دهد.

- دعوت از عموم مردم شیعه و سنّی به وحدت و مبارزه: در ۱۲۵۴ق انگلیسی ها به بهانهٔ حمایت از شاه شجاع به افغانستان تاختند و قندهار و کابل را اشغال کردند. این امر موجب نفرت افغانها از انگلیسی ها گردید.

ملّا عبداللّه فاضل قندهاری پس از اطّلاع، بلافاصله از قندهار به سوی کابل حرکت کرد.

به محض ورود به پایتخت بر ضدّ انگلیسی ها شروع به فعّالیّت نمود و در مساجد و تکایا عموم مردم از شیعه و سنّی را به وحدت مبارزه و جهاد علیه انگلیسی ها دعوت کرد. (۲)

۱- (۱) . مشاهیر مدفون در حرم مطهّر رضوی علیه السلام ، ج۱، ص ۲۳۰..

۲- (۲) . علمای مجاهد، ص ۳۳۴..

سیّد جمال الدین اسدآبادی

متوفای: ۱۳۱۴ق

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام سجاد علیه السلام

نام: سیّد جمال الدین، نام پدر: سیّد صفدر، ولادت: شعبان المعظم سال ۱۲۵۴ق، محل تولّد: ایران، همدان، روستای اسد آباد (محلهٔ امام زاده احمد).

تحصیلات: وی در سال ۱۲۶۴ق به تحصیل علوم پرداخت و دو سال بعد با پوشیدن لباس مقدّس روحانیّت به دست استاد خود، تحصیل علوم حوزوی را آغاز نمود. او سپس به نجف اشرف هجرت کرد و تحصیلات خود را در رشته های علوم تفسیری، حدیث، فقه، اصول، کلام، منطق، فلسفه، ریاضی، طب، تشریع، نجوم، هیئت و... ادامه داد. در تمام مدّت حضور در نجف، مخارج سیّد را شیخ انصاری به عهده گرفت و در نهایت درجات علمی او را تصدیق و به فتوا دادن در امور شرعی اجازه فرمود. وی در راه اهداف خویش در طول ۶۰ سال عمر خود به کشورهای هند، افغان، عربستان، سوریه، بغداد، اردن، مصر و انگلیس، سفر نمود.

اساتید ، حضرات آیات: آقا سیّد محمّد صادق طباطبایی همدانی، شیخ مرتضی انصاری، ملّا حسینقلی همدانی، سیّد احمد تهرانی، سیّد سعید حبّوبی دوستی.

برخی از شاگردان و مریدان ایشان در مناطق مختلف: شیخ محمّد عبده: عالم بزرگ و مفتی اعظم مصر، سعد زغلول پاشا:

از شخصیّتهای معروف مصر، فرصت شیرازی: مؤلّف کتاب آثار العجم و دبستان الفرصه ومقالات علمی و سیاسی،۱ میرزا نصر اللّه اصفهانی مشهور به ملک المتکلمین:

مشهورترین واعظ مشروطیت، سیّد صادق طباطبایی: از برجسته ترین مجتهدین فعّال در حمایت از انقلاب مشروطیت، سیّد هبه الدین شهرستانی،۲ محمّد اقبال،شوکت علی، محمّد علی جناح،۳ حاجی ملّا فیض اللّه دربندی: دانشمند پرهیزکار و واعظ، شیخ عبد القادر مغربی، ادیب اسحق، ابو تراب عارف افندی۴، سیّد عبد الرحمان کواکبی،۵ سیّد محمّد رشید رضا، مولانا ابو الکلام، شیخ حسین جسر، آقا خان کرمانی، امیر شکیب ارسلان، میرزا محمّد باقر بواناتی، خبیر الملک، شیخ احمد روحی و... .

آثار قلمی: تتمه البیان فی تاریخ الافغان، القضا والقدر، اسلام و علم، نیجریه یا ناتورالیسم، الوحده الاسلامیه، الواردات فی سر التجلیات.

سرانجام: سیّد جمال الدین اسدآبادی، این منادی مصلح، با قلبی مالامال از عشق به وحدت مسلمین جهان، پس از ۶۰ سال مجاهدت، با طرفندی که توسط سلطان عبد الحمید برنامه ریزی شد، مسموم گردید و در سال ۱۳۱۴ق به دیدار معبود شتافت.

مقبره: استانبول، شهر بندری، قبرستان شیخ لرمزاری.

۱. شرح حال و آثار سیّد جمال الدین اسد آبادی، میرزا لطف اللّه اسد آبادی، ص۲۲.

۲. شرح حال وی در صفحه ۳۷۱ همین کتاب خواهد آمد.

۳. گزیده ای از زندگی نامه و اقدامات محمّد علی جناح، در صفحهٔ ۳۱۷ همین کتاب خواهد آمد.

۴. گلشن ابرار، ج۱، ص۴۰۵.

۵. عبدالرحمن کواکبی از جمله منادیان وحدت و مصلحان جهان اسلام به شمار می رود که در صفحهٔ ۲۷۳ همین کتاب به بخشی از زندگی نامه و تلاش های وی در این راه پرداخته شده است.

ص:۲۶۵

اندیشه ها

- سیّد خود را متعلّق به همهٔ مسلمانان می دانست و می گفت: من خود را مدافع منافع تمام مسلمانان جهان می دانم.

- سیّد به نقش علما در ایجاد وحدت ویگانگی میان مسلمانان اشاره می کند و می گوید:

«من یقین دارم اگر علمای فعّال اسلام، خود را معطوف به این سازند که صدای بعضی از مسلمانان را به گوش مسلمانان دیگر برسانند، موّفق خواهند شد که آمال و هدفهای افراد مسلمین را در نزدیک ترین مدّت، باهم مربوط سازند و آنان را با یکدیگر متّحد نمایند».

- وی در یکی از نامه هایش چنین می نویسد: «من صدر اعظم نمی خواهم بشوم، من وزیر نمی خواهم بشوم، من ارکان دولت نمی خواهم بشوم، من وظیفه نمی خواهم، من عیال ندارم، من ملک ندارم و نمی خواهم که داشته باشم... بسیار اشخاص به واسطهٔ من به رتبهٔ بیگی و پادشاهی رسیده اند و بسیار اشخاص به توسط من به مواجب های باهظه رسیده اند ولکن خود من همیشه به یک حالت بوده و خواهم بود؛ جز نصیحت و اصلاح مقصد دیگری ندارم».

- او در نامهٔ دیگرش می نویسد: «مرا در این جهان چه در غرب باشم و چه در شرق مقصدی نیست جز آنکه در اصلاح دنیا و آخرت مسلمانان بکوشم و آخر آرزویم آن است که چون شهدای صالحین خونم در این راه ریخته شود».

تلاش ها

- ارسال نامه ای بسیار مهم به مرحوم آیت اللّه العظمی میرزای شیرازی که به سبب آن نامه، میرزا حکم تاریخی تحریم تنباکو را صادر نمود.

- تأسیس جبههٔ واحد اسلامی.

- نوشتن نامه هایی به بسیاری از شخصیّتهای سیاسی، مذهبی و فرهنگی جهان اسلام به زبانهای فارسی، عربی، هندی و ترکی، از جمله کشورهای ایران، هندوستان، مصر، الجزایر، طرابلس، شامات، حجاز و سایر قلمرو اسلامی.

- انتشار روزنامۀ العروه الوثقی لانفصام لها. (۱)- ارائۀ پیشنهاد تشکیل کنفرانس اسلامی با مرکزّیت شهر مکّه در شمارۀ اول روزنامۀ عروه.

- ارتباط مستمر با علمای بزرگ و مراجع شیعه در نهایت احترام و نصیحت عالمانی که در وظیفۀ خطیرشان کوتاهی می کردند.

- متّحد نمودن روشنفکران و اصلاح طلبان با علما.

در نگاه دیگران

- علّامه شهید مطهّری: «روش سیّد جمال در قبال روحانیّت شیعه تأثیر فراوانی داشت، هم در جنبش تنباکو که منحصراً بوسیلۀ علما صورت گرفت و مشتی آهنین بود بر دهان استبداد داخلی و استعمار خارجی و هم در نهضت مشروطیّتِ ایران که به رهبری و تأیید علما صورت گرفت. سیّد جمال الدین با تیغ زبان و نوک قلم خود زمینه سازی کرد و شالودۀ اصلی قبول حکومت مشروطۀ جدید را در ذهن علمای روحانیِ مملکت فراهم آورد... آری سیّد با فکر روشن و توانا و ارادۀ نیرومند و عقیدۀ ثابت و زبان گویا و قلم نیرومندش، کاری را در خاورمیانه عملی ساخت که در نقاط دیگر جهان بی کمک توپ و تفنگ میسّر نمی شد» همان کاری که به بهترین وجه در انقلاب اسلامی ایران صورت گرفت و سیّدی روح اللّه نام آن را رهبری و هدایت کرد.

- شیخ محمّد عبده (در نامۀ خصوصی اش به سیّد جمال الدین): از سوی تو به من حکمتی رسیده است که با آن دلها را منقلب می کنم، عقول را در می یابم و در خاطره های مردم تصرّف می کنم. روح حکمت تو مردگان ما را زنده کرد و عقل های ما را روشن ساخت. ما برای تو

۱- (۱) . این نشریه از تاریخ ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۰۱ق به مدّت ۸ ماه منتشر شد. به طور خلاصه هدفهایی که عروه الوثقی تعقیب می کرد بدین شرح می باشند: آزاد سازی کشورهای اسلامی از ذلّت استعمار، اتّحاد اسلامی و وضع داخل ممالک اسلامی و... . برخی از موضوعات عروه الوثقی عبارت بود از: اسلام و حل مسألۀ نژاد، حکومت صالح اسلامی، وحدت اسلامی، وحدت بنیان سیادت، حکومت مستبدانه در امّت اسلام و ده ها مسأله از این قبیل..

اعدادیم و تو (برای ما) واحدی و... .

- علّامهٔ محقّق شیخ آقا بزرگ تهرانی: (سیّد جمال الدین) در شمار بزرگترین فیلسوفان قرار داشت و از مصلحان بزرگ شیعه بود.

- دکتر علی شریعتی: این سیّد جمال، آخوند قدیمی دهاتی است، پروردهٔ ده اسدآباد همدان که پیش از همهٔ رهبران مترّقی آسیا و آفریقا خطر را پیش از وقوعش احساس می کند و به شامّهٔ بومی و شخصیّت امّی خودش بو می برد که این تجدّد بازی عاقبتش چه خواهد بود. (۱)

ص:۲۶۸

۱- (۱) . سیّد جمال الدین اسدآبادی، مصلحی متفکّر و سیاستمدار، سیّد احمد موثّقی، ص۱۱۱..

حکیم میرزا ابو الحسن جلوه

متوفای: ۱۳۱۴ق

چکیده ای از زندگی نامۀ۱ فرزندی از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام

نام: ابو الحسن، نام پدر: سیّد محمّد، ولادت ۱۲۳۸ق، محل تولّد: هند، احمد آباد گجرات.۲

تحصیلات: او علوم مقدماتی، قرائت و ادبیّات فارسی و مقداری از علوم عربی و حتی خط و کتابت را در زواره فرا گرفت، چندی بعد به اصفهان آمد و در محضر بزرگان آن دیار تلمّذ نمود. مسائل گوناگونی سبب آن گردید تا جلوه، اصفهان را به قصد تهران ترک گوید.

میرزا ابو الحسن مدّت ۴۱ سال در مدرسه دارالشفای تهران به تدریس حکمت و فلسفه مشغول بود.

اساتید، حضرات آیات: میرزا حسن نوری، میرزا حسن چینی، ملّا عبد الجواد تونی خراسانی.

شاگردان، آیات عظام: میرزا محمّد طاهر تنکابنی، میرزا ابراهیم حکمی زنجانی، عماد العلماء، میرزا محمّد علی شاه آبادی، آقا سیّد حسین بادکوبه ای، ملّا محمّد هیدجی زنجانی، میرزا محمود مدرس کهکی قمی و ده ها نفر از شاگردان دیگر ایشان.

آثار قلمی: حاشیه بر شفا، حواشی بر کتاب اسفار ملّا صدرا،۲ اثبات الحرکه الجوهریه، حاشیه بر شرح الهدایه الاثیریه، بیان استجابت دعا.۳

سرانجام: حکیم فرزانه و متألّه، میرزا ابوالحسن جلوه در ۱۳۱۴ق با دیار مادّیت خداحافظی نمود و به لقاء اللّه پیوست.

مرقد: ایران، شهر ری، قبرستان ابن بابویه.

۱. شرحی از زندگی نامۀ ایشان به سبک رجالی در مقدمۀ کتاب رساله فی بیان استجابت الدعا، نشر پیام امام هادی علیه السلام – قم گردآوری شده است.

۲. از منابع تاریخی این چنین برداشت می شود که موطن اصلی اجداد جلوه و همچنین محل سکونت خود او در زوارۀ اصفهان بوده لیکن محلّ تولد وی را احمدآباد گجرات معرّفی نموده اند.

۳. رساله فی بیان استجابه الدعاء، ص ۵۲ – ۵۵ .

۴. گلشن ابرار، ج۱، ص۳۹۸؛ مقدمۀ رساله فی بیان استجابه الدعاء.

- از خصوصیّات بارز میرزای جلوه آن بود که به هنگام افاضه به شاگردان، مراقب بود که از سخنان تفرقه انگیز و مطالبی که علما و فقها را ناخوش آید پرهیز کند. (۱)- سیّد احمد ادیب پیشاوری حکایت نموده که وقتی سیّد جمال الدین اسد آبادی به تهران آمد و در خانهٔ امین الضّرب وارد شد، خیلی تمایل داشت که با میرزا ابو الحسن جلوه دیدار و ملاقاتی داشته باشد تا آنکه پس از چندی جلوه به دیدار سیّد جمال الدّین اسدآبادی رفت.

سیّد جمال در آن جلسه برای حاضرین که جلوه از جملهٔ آنان بود خطابه ای پرشور و هیجان انگیز در خصوص اتّحاد اسلام و اغراض و حیله های استعمار ایراد نمود و لازمهٔ آزادی مسلمانان را از یوغ استعمار تبیین کرد.

حکیم جلوه در مدتی که سیّد جمال مشغول سخنرانی بود سکوت اختیار کرد و آرام و خاموش نشسته بود. پس از پایان آن سخنرانی، جلوه از جای برخاست و جلسه را ترک نمود، حاضرین علّت رفتن حکیم را جویا شدند؟! جلوه گفت: «می روم کفنی برای خود بدست آورم تا جهاد کنم». (۲)

۱- (۱) . دیدار با ابرار (۳۵)، میرزا ابو الحسن جلوه حکیم فروتن، ص۷۹..

۲- (۲) . اعیان الشیعه، ذیل ابو الحسن طباطبایی؛ دیدار با ابرار (۳۵)، ص ۱۶۱ - ۱۶۲..

آیت اللّه میرزا صادق آقا تبریزی

(معروف به مجتهد تبریزی)

متوفای: ۱۳۱۵ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: میرزا صادق، نام پدر: میرزا محمّد آقا، ولادت:

۱۲۷۴ق، محل تولّد: ایران، تبریز.

تحصیلات: وی در اوان نوجوانی وارد مدرسهٔ علوم دینی گردید و تحصیلات ابتدایی را که شامل آشنایی با ادبیّات قرآن و سطح ابتدایی فقه و اصول بود فرا گرفت و ۱۸ بهار از عمرش در این سامان سپری شد. او در ۱۲۸۸ق به حوزهٔ علمیهٔ نجف هجرت نمود. میرزا صادق ۲۴ سال در نجف ماند. وی در این مدّت استعداد و روح تشنه اش به دانش و معنوّیت به بار نشسته و سیراب گشت و به قلّهٔ اجتهاد دست یافت.۱

اساتید، حضرات آیات: شیخ حسین اردکانی، ملّا محمّد فاضل ایروانی، محمّد فاضل شربیانی، محمّد حسن مامقانی، شیخ هادی طهرانی.۲

شاگردان، صاحب الذریعه می نویسد: جمع کثیری از حوزهٔ درس او فارغ التحصیل شده اند که در میان آنان برخی امروزه صاحب وجاهت و مکانت علمی هستند.۳

آثار قلمی: شرح تبصرهٔ علّامه حلی، رساله شرایط عوضین، رساله در ربا، واجبات احکام، رساله الغریه در مباحث الفاظ، مباحث مشتّقات.۴

سرانجام: آیت اللّه میرزا صادق آقا تبریزی، در ششم ذی القعده ۱۳۱۵ق، چراغ پر فروغ عمرش خاموش گردید و جامعهٔ اسلامی را در غم و اندوه فرو برد.

مرقد: ایران، قم، جوار حرم مطهّر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام .

۱. ستارگان حرم، ج۱، ص۱۱۳-۱۱۴.

۲. همان، ص ۱۱۴، به نقل از علمای معاصرین، ملّا علی واعظ خیابانی، ص۱۵۳.

۳. همان، ص ۱۱۵، به نقل از کیهان اندیشه، ش۱۶، ص ۸۰، به نقل از مبانی حقوق، موسی جوان، ج۲، ص۱۳۸.

۴. همان، ص ۱۱۴، به نقل از طبقات اعلام الشیعه، ج۲، ص۸۷۳.

- در حالات وی در برخی منابع مانند کتاب علمای معاصرین این گونه آمده که وی «بنا به موجبی به بلدهٔ سنندج، مقر حکومت کردستان مسافرت نمود» (۱) و سپس اضافه می کند که اهالی آنجا با اینکه از جماعت عامه و اهل سنت شافعیه هستند به زیارت او آمدند و تکریم و تجلیل به جای آوردند. (۲)- (فعّالیّتهای وحدت آفرین آیت اللّه مجتهد تبریزی در ایجاد تفاهم بین شیعه و سنی در مدّت اقامت ایشان در سنندج، به گونه ای بود) که علمای آن دیار هر روز به دیدار او می رفتند و به قدوم او در بلد شان افتخار می نمودند. حتی شیخ اجل، شیخ شکر اللّه امام جمعهٔ سنندج خطاب به مجتهد تبریزی می گوید: اگر ذبح ولد شرعی بود من یکی از اولادم را ذبح می کردم. (۳)این گونه رفتارها از علمای اهل سنت، نشان از عملکرد مثبت بزرگان شیعه در راستای ایجاد وحدت بین شیعیان و برادران اهل سنت بوده است.

۱- (۱) . ستارگان حرم، ج ۱، ص ۱۲۲، به نقل از علمای معاصرین، ص ۱۵۴..

۲- (۲) و ۳. ستارگان حرم، ج۱، ص۱۲۲..

۳- (۳) .

سیّد عبد الرحمان کواکبی

متوفای: ۱۳۲۰ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: عبد الرّحمن، نام پدر: احمد، ولادت: ۱۲۶۵ق، محل تولّد: سوریه، حلب.۱

تحصیلات: وی پس از گذراندن دوران کودکی در زادگاه خود به کسب دانش پرداخت. مدّتی بعد پدرش او را به انطاکیه فرستاد. عبد الرحمان از همان اوان تحصیل از خود استعداد نشان داد و پس از چندی تحصیلات عالیه خود را در مدرسه کواکبیّهٔ حلب که پدرش مدیر آن بود به انجام رساند. علوم جدید را نزدِ یکی از ادیبان برجسته به اتمام رسانید و در بیست سالگی با عضویّت در هیئت تحریریهٔ روزنامهٔ رسمی فرات در سلک روزنامه نگاران درآمد.

اساتید: شیخ محمّد عبده، استاد خورشید.

آثار قلمی: امّ القری،۲ طبائع الاستبداد.۳ و ۴

سرانجام: وی با اندیشه هایی مملو از روحیهٔ اتّحاد و همدلی مسلمانان، درحالی که مقاله ها و کتابهایش، او را به نام یکی از پیشروان تجدید فکر دینی مشهور نموده بود، در سال ۱۳۲۰ق در قاهره درگذشت.۵

مرقد: مصر، قاهره.

۱. لغت نامهٔ دهخدا، ج ۱۱، ص۱۶۴۵۸.

۲. کلیّات این کتاب انتقادی است از جهان اسلام که در قالب گفتگوهایی در یک کنگرهٔ خیالی منعقد در مکهٔ مکرّمه (امّ القری) صورت گرفته و نمایندگان کشورهای مسلمان در آن شرکت داشتند.

۳. این کتاب شاید نخستین کتاب در ادبیّات معاصر عرب است که موضوع آن تماماً سیاسی است، زیرا تا زمان کواکبی، نویسندگان معاصر عرب، مسائل سیاسی را به طور مستقل بررسی نمی کردند، بلکه در ضمن رسالات خود، دربارهٔ اخلاق، دین و ادب از آن سخن می گفتند. (علمای مجاهد، ص۴۰۳ - ۴۰۴)

۴. المنجد فی الاعلام، ص۵۹۶.

۵. علمای مجاهد، ص ۴۰۳.

اندیشه ها

- کواکبی که از سلسلهٔ مصلحان و احیاگران دینیِ مشهور تاریخ معاصر اسلام به شمار می رود، از پیروان برجستهٔ سیّد جمال الدین اسدآبادی و از شاگردان محمّد عبده و همراهان رشید رضا بود.

- اهمّیت وی در این سلسله، بیشتر از جهت اندیشه های سیاسی بوده که کمتر گذشتگان به این سبک بیان کرده اند و نیز تأیید آرمانهای سیّد جمال الدین در لزوم حکومت قانونِ اتّحاد اسلامی و احساس نگرانی از عقب ماندگی جوامع اسلامی است.

- به عقیدهٔ او اختلافات مذهبی و مشاجرات تفرقه انگیز سیاسی امّت، از دردهای بزرگ جامعهٔ اسلامی به شمار می رود.

- کواکبی از سران کشورهای اسلامی ناامید شده بود و بر خلاف مُصلحین پیشین، به اتّحاد دولتهای آنان خوشبین نبود. بویژه آنکه وی با دولت عثمانی درگیر شده بود.

تلاش ها

- عبدالرحمن کواکبی تا آخر عمر هرگز از آرمان اتّحاد اسلامی دست بر نداشت. عشق او به این هدف تا به آنجا بود که آرزوی خویش را به گونهٔ کنگره ای در راه وحدت اسلامی بر روی کاغذ آورد و تحت عنوان ام القری منتشر ساخت. برخی بر آنند که آنچه کواکبی در کتاب ام القری مطرح ساخته بعید نیست که صورت خارجی هم داشته است. او در کتاب ام القری، کنگره ای را ترسیم می سازد که از همهٔ اقوام و ملل مسلمان، نماینده ای در آنجا حضور یافته است و با کنار نهادن اختلافات فرقه ای، به بررسی دردهای جامعهٔ اسلامی و شیوهٔ درمان آنها پرداخته اند. (۱)- وی ابتدا در مجلّهٔ «الشهباء» به عنوان یک منتقد سیاسی، از حاکمّیت ترکان انتقاد می نمود. عبد الرّحمان در آن مجلّه به کمک دولت، در صیانت از حقوق شهروندان و بیان

۱- (۱) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامهٔ چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹، ص۵۳..

حاجت ها و نیازهای مردم و شرح حوادث سیاسی، دعوت به عدالت، آزادی، ترویج الفت و اتّحاد می نمود. (۱)- تألیف کتاب گرانمایهٔ ام القری: او در کتابش از دردهایی که گریبان گیر ملّتهای اسلامی به ویژه عرب شده است و منشأ ضعف و فساد آن ها گردیده سخن می گوید و راه حل های آن را مورد بررسی قرار می دهد. وی در این کتاب تخیّل می کند که کنفرانسی در مکّه بین همهٔ اقشار مسلمانان، تحت شعار «لا تعبِد إلّااللّه» برگزار شده است. کواکبی خود را در این کتاب به عنوان سیّد فراتی معرّفی کرده است و از زبان نمایندگان مختلف کشورهای اسلامی دردهای جهان اسلام را بر شمرده و آن را ثبت می کند.

۱- (۱) . عبد الرّحمان کواکبی، اعمال الکامله، به کوشش محمّد جمال طحان، ص۶۶ - ۶۷..

آیت اللّه العظمی آخوند خراسانی

متوفای: ۱۳۲۹ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد کاظم، نام پدر: ملّا حسین، ولادت:

۱۲۵۵ق، محل تولّد: ایران، مشهد مقدّس.

تحصیلات: وی در ۱۲ سالگی وارد حوزهٔ علمیهٔ مشهد گردید. ادبیّات عرب، منطق، فقه و اصول را در آن حوزه فرا گرفت. در ۲۲ سالگی عازم نجف گشت اما در راه از کاروان جدا شد و نزد ملّا هادی سبزواری به سبزوار رفت. پس از چند ماه استفاده از محضر ملّا هادی، به تهران رفت و در مدرسهٔ صدر مشغول تحصیل شد. پس از چندی تهران را به قصد نجف اشرف ترک نمود و راهی دیار علم و معرفت گردید. وی در سال ۱۲۸۷ق به مدّت ۱۳ سال در درس بزرگان حوزه شرکت نمود و از سال ۱۲۹۱ق، تدریس را در حوزهٔ علمیهٔ نجف آغاز کرد و پس از فوت میرزای شیرازی در سال ۱۳۱۲ق، زعامت شیعه را به عهده گرفت.

اساتید، حضرات آیات: ملّا هادی سبزواری، ملّا حسین خویی، میرزا ابو الحسن جلوه،۱ شیخ انصاری، میرزای شیرازی،۲ آخوند اردکانی، سیّد علی شوشتری، شیخ راضی بن محمّد نجفی، سیّد مهدی مجتهد قزوینی.

شاگردان، آیات عظام: سیّد ابو الحسن اصفهانی، شیخ ابوالقاسم قمی، سیّدابوالقاسم کاشانی، میرزا احمد خراسانی، سیّد محمّد تقی خوانساری، سیّد جمال الدین گلپایگانی، محمّد جواد بلاغی، شیخ عبدالکریم حائری، آقا بزرگ تهرانی، حاج آقا حسین بروجردی، سیّد محمود شاهرودی و... .۳

آثار قلمی: کفایه الاصول، ذخیره العباد فی یوم المعاد، روح الحیاه فی تلخیص نجاه العباد، القضاء والشهادات، و... .

سرانجام: ایشان پس از سالیان متمادی تحصیل، تدریس، تحقیق و تألیف در چهار شنبه ۲۱ ذی الحجه ۱۳۲۹ق پس از اقامه نماز صبح، چشم از جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت.۴

مرقد: عراق، نجف اشرف، باب الذهب، مقابل ایوان طلا.۵

۱. کفایه الاصول، محمّد کاظم خراسانی، مقدمه.

۲. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۵.

۳. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۳۴، به نقل از مرگی در نور، ص ۱۰۲ – ۱۱۹ و ۱۲۲؛ آخوند خراسانی آفتاب نیمه شب، محمّد رضا سماک امانی، ص ۹۷.

۴. گلشن ابرار، ج۱، ص ۴۴۴.

۵. سرزمین آرزوها، ص ۶۸.

اندیشه ها

- وی عقیده داشت ایذاء و تحقیر زردشتیه و سایر اهل ذمّه... حرام و به تمام مسلمین واجب است که وصایای حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم را در حسن سلوک و تألیف قلوب و حفظ نفوس و اعراض و اموال ایشان، کما ینبغی رعایت نمایند. (۱)- آخوند اختلافات و جنگهای خانگی را سبب ضربه زدن به استقلال مملکت و اسلام می دانست و مردم را به وحدت و یکپارچگی در مقابل دشمن بیرونی فرا می خواند.

تلاش ها

- ارسال تلگراف هایی به مجلس، مجتهدان، عموم امرا و سرداران، رؤسای عشایر و طبقات: لذا طی اعلامیهٔ مشترکی، اتّفاق نظر همهٔ مذاهب اسلامی را در صیانت از اسلام و دفع تجاوز دشمنان اسلام اعلام داشت. (۲)- احترام به دانشمندان و علمای مسلمان اهل سنّت؛ داستان ذیل نمونه ای از این رفتار مثبت آیت اللّه آخوند خراسانی را نشان می دهد:

هنگامی که آوازهٔ علمی آخوند خراسانی از مرزها گذشت، روزی شیخ الاسلام امپراتوری عثمانی که در آن زمان به عراق آمده بود، به همراه شماری از همراهان، در درس آخوند شرکت کرد. همهمه بین طلاب بلند شد و همه به احترام او برخاستند. شیخ الاسلام نزدیکتر رفت و آخوند با دیدن وی، درس را به بررسی نظر ابوحنیفه در یکی از مسائل علم اصول کشاند.

مرجع تقلید شیعیان عراق، ابتدا نظرات ابوحنیفه را بیان نمود و دلیلهایش را برشمرد، شرخ الاسلام سنی در شگفت بود که چگونه استاد شیعی، نظر پیشوای اهل سنت را پذیرفته است؟! اما اندکی بعد سخنان آخوند، او را متوجه اشتباهش ساخت. آخوند خراسانی چند اشکال علمی بر نظر ابوحنیفه وارد ساخت و سپس نظر مجتهدان شیعه را در آن مسأله بیان نمود. سپس از شیخ الاسلام خواست تا به بالای منبر رود و شروع به ایراد سخنرانی نماید تا

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۱، ص۴۴۳..

۲- (۲) . علمای مجاهد، ص ۸ ..

همه از سخنانش استفاده برند. اما روحانی اهل سنت به احوال پرسی با آخوند بسنده کرد.

شیخ الاسلام از قدرت علمی و احترام آخوند به وجد آمده بود که تا مدّتها بعد همواره از آن دیدار به یاد ماندنی سخن می گفت. (۱)- صدور بیانیه ها و پیامهای مهم در زمان مشروطه که از آن جمله می توان به بخشی از دو پیام ذیل اشاره نمود:

بر کافّهٔ مسلمین واضح است که نفاق و اختلافات داخلیهٔ ایران عَبَدِهٔ صلیب را کامیاب نموده... . بر قاطبهٔ مسلمین و صاحبان فطرت اسلامیّت، و عِرق دیانت خصوصاً عشایر ایلات با جمعیّت، واجب عینی است که در مقام دفاع از بیضهٔ اسلام و رفع حملات ظالمانه... ، اتّفاق و اتّحاد حقیقی نموده؛ از اتمام اغراض شخصی که منشأ این همه خرابی هاست، اغماض نمایند و دعوت اسلام را اجابت و استغاثهٔ شریعت محمّدیه صلی الله علیه و آله و سلم را لبیک بگویند. (۲) به تمام مردم، بویژه عشایر، ایلات و مرزبانان واجب است که تفرقه را کنار بگذارند و دست در دست یکدیگر... به پاسداری از آب و خاک ایران بپردازند. (۳)

۱- (۱) . پایگاه اطّلاع رسانی حوزه، بهمن ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲) . شهدای روحانیّت شیعه در یک صد سالهٔ اخیر، ج۱، ص۱۳۳..

۳- (۳) . گلشن ابرار، ج۱، ص ۴۴۰ - ۴۴۱..

شیخ محمّد عبده

متوفای: ۱۳۳۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد، نام پدر: عبده، ولادت: ۱۲۶۶ق، محل تولّد:

مصر، استان بحیره، محلهٔ نصر به مرکزیّت شبراخیت.۱

تحصیلات: محمّد در ۱۰ سالگی به مکتب خانه رفت و توانست در مدّت ۲ سال کل قرآن را حفظ نماید. در ۱۵ سالگی شروع به خواندن ادبیّات عرب نمود. او پس از مدّتی در ۱۲۸۲ق به دانشگاه الازهر، در قاهره رفت. شیخ محمّد چندی بعد در پی عدم تدریس علوم عقلی در دانشگاه، خود تدریس کتب ابن سینا و منطق ارسطو را آغاز نمود.

اساتید: سیّد جمال الدین اسدآبادی، شیخ درویش، شیخ حسن الطویل.

شاگردان: مصطفی عبد الرزاق، محمّد رشید رضا،۲ مصطفی لطفی مَنفَلوطی، سعد زغلول،۳ طه حسین، شیخ عبد القادر المغربی، شیخ محمّد مصطفی المراغی.

آثار قلمی: شرح بر نهج البلاغه، مقتبس السیاسه (پیرامون نامهٔ امام علی علیه السلام به مالک اشتر)،۴ حاشیه بر العقائد العضدیه، علم الاجتماع والعمران، و... .

سرانجام: شیخ محمّد عبده این منادی مصلح، پس از مدّتی مریضی طولانی (از ناحیهٔ معده و کبد)، در ساعت ۵ بعد از ظهر روز هشتم جمادی الاولی ۱۳۲۳ق، در سن ۵۶ سالگی فوت نمود.۵

مقبره: اسکندریه، مقبرهٔ العفیفی.

۱. طلایه داران تقریب (۴)، شیخ محمّد عبده رایت اصلاح، ص ۱۸، به نقل از الاعمال الکامله لامام الشیخ محمّد عبده، ج۲، ص۳۱۵.

۲. وی در راه اتّحاد مسلمین و تقریب مذاهب، گام مؤثّری برنداشت. اگرچه در نوشته های خود از آرزوی یگانگی همهٔ مسلمانان دم می زند اما مخالفت هایی که از خلال برخی نوشته هایش بر ضدّ شیعیان پیداست و حاکی از تعصّب یا نادانی اوست، با این آرزو سازگاری ندارد و جز دامن زدن به اختلافات شیعه و سنّی نتیجهٔ دیگری دربر نداشت. مرحوم علامهٔ امینی در کتاب معروف «الغدیر» از روش ضدّ شیعی رشید رضا بحث کرده و نادرستی داوری های او را نشان داده است. رشید رضا در رساله ای به عنوان (السنه والشیعه) اتهاماتی از این قبیل به شیعیان می زند: شیعه به تحریف قرآن و کتمان برخی آیات اعتقاد دارند. عمل به کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار، من لا یحضره الفقیه) را واجب می دانند. پایهٔ مذهبشان را بر رقعه هایی قرار داده اند که مهدی منتظر علیه السلام در شکاف درختان در پاسخ پرسشهای مردم می گذارد و... .

شهیـد مطهّری در این باره می گویـد: پس از سیّد جمال و عبـده و کواکبی که در جامعهٔ عربی... قهرمان اصـلاح بودند، کس دیگری را نمی شود قهرمان نامید. اگر چه عدّه ای ادّعا می کردند که پیرو آنان هستند اما آن اهمّیت را نیافتند.

بلکه برخی از آن ها در اثر برخی انحرافات به جای آن که اصـلاح کننـد افساد کرده انـد. محمّد رشـیدرضا از این جمله اسـت (طلایه داران تقریب (۴)، ص۴۷ – ۴۸).

۳. همان، ص ۴۹، به نقل از دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۸، ص۶۴ – ۶۹.

۴. همان، ص ۶۹، به نقل از ریحانه الادب، ج۴، ص۹۶ – ۹۸.

۵. طلایه داران تقریب (۴)، ص ۱۵۱.

ص:۲۷۹

– عبده از جمله اوّلین کسانی بود که شیوه های تغییر انعطاف ناپذیر را (که از زمان اوّلین خلفا، در مذهب تسنن حاکم بود) کنار گذاشت. به عقیدهٔ وی، ادلّهٔ انسانی، تنها ابزار مناسب برای بهره گیری از حقایق اساسی قرآن و سنت است.

– او عقیده داشت مذاهب اسلامی و حتی فراتر از آن ادیان بزرگ الهی، باید با یکدیگر وحدت داشته و باهم همکاری نزدیکی داشته باشند. (۱)- وی مانند استادش سیّد جمال، در پی وحدت دنیای اسلام بود و با تعصّب های فرقه ای میانهٔ خوشی نداشت. وقتی که به قول خودش نهج البلاغه را کشف کرد، درصدد شرح و نثر آن برآمد و در تحشیه و پاورقی به همهٔ آن کتاب، حتی به خطبه هایی که علیه خلفا بود درنگ نکرد، همچنان که از ستایش سخنان علی علیه السلام خودداری ننمود. (۲)- عبده معتقد بود که بایستی عدّه ای را پروراند و سپس از آنان به عنوان اشاعه دهندگان پیام احیاء و اصلاح استفاده کرد.

– از دیدگاه وی، وهابیّت یکی از پدیده هایی است که می توان گفت با وحدت مسلمین عملاً مقابله می کند.

– شیخ محمّد به افراطیون و غلو کنندگان وهابیّت اعتراض دارد که چه حاجتی به انهدام مقبرهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؟ چرا باید به تمام مسلمین غیر از این مذهب کافر گفته شود؟ و چرا باید با زور شمشیر و سلاح، مسلمانان را به فرمان برداری وادار کرد؟

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۴)، ص۱۳۲..

۲- (۲) . همان، ص ۱۲۷، به نقل از نهضتهای اسلامی در صد سالهٔ اخیر، ص۳۶..

- عضویّت در حزب وطنی به عنوان شخصیّت دوّم این حزب.

- ایجاد جمعیّه التقریب بین الادیان والمذاهب در بیروت. (۱)- نقش او به عنوان سردبیر در نشریهٔ عروه الوثقی که برخی از مقالات آن از این قرار بود:

۱) النصرانیه والاسلام واهلهما (مسیحیّت و اسلام و پیروان آن دو).

۲) الوحده الإسلامیه.

۳) دعوه الفرس الی الاتّحاد مع الافغان (دعوت مردم ایران برای اتّحاد با افغانها). (۲)

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۴)، ص ۱۳۳..

۲- (۲) . همان، ص ۹۹، به نقل از شیخ محمّد عبده، مصلح بزرگ مصر، ص۶۲..

آیت اللّه شیخ محمّد باقر بهاری

متوفای: ۱۳۳۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد باقر، نام پدر: محمّد جواد، ولادت:

۱۲۷۵ق۱ یا ۱۲۷۷ق۲، محل تولّد: ایران، همدان، بهار.

تحصیلات: وی دروس مقدماتی را در شهر بهار زیر نظر پدر بزرگوارش گذرانید. پس از اتمام دروس مقدماتی به همدان رفت و ضمن تحصیل به تدریس نیز پرداخت. محمّدباقر مقدّمات عربی، فقه و اصول را در مدرسهٔ آخوند ملّا محمّد حسین همدانی فرا گرفت و پس از مدّتی عازم بروجرد گردید و در آن دیار در درس فقه و اصول مرحوم حاج میرزا محمود بروجردی شرکت کرد و از ایشان اجازهٔ اجتهاد گرفت. شیخ محمّد باقر در ۲۲ سالگی عازم نجف گردید و مدّت ۲۰ سال در نجف ماند. او در مدّت اقامتش در نجف اشرف، از محضر اساتید بزرگ علمی آنجا استفاده ها برد و از تعدادی از آنان نیز اجازهٔ اجتهاد و روایت أخذ نمود.۳

اساتید، حضرات آیات: ملّا عباسعلی بهاری، شیخ محمّد جواد (پدر)، ملّا اسماعیل همدانی، میرزا محمود طباطبایی، میرزا حسن شیرازی، محدّث نوری، ملّا محمّد شربیانی، فاضل ایروانی، میرزا حبیب اللّه رشتی، آخوند خراسانی.

آثار قلمی: النور فی الامام المستور، تسدید المکارم وتفضیح الظالم، ترجمهٔ مکارم الاخلاق، الوجیزه، بسط نور، شرح قطر النّدی، حاشیه ای بر البهجه المرضیه، الدره الغرویّه والتحفه الحسینیه علیه السلام ، مستدرک الدره، روح الجوامع، و ده ها کتاب ارزندهٔ دیگر.۴

سرانجام: آیت اللّه شیخ محمّد باقر بهاری در سال ۱۳۳۳ق و بنا بر نقلی ۱۳۲۲ق در همدان دار فانی را وداع و به سرای ابدیّت سفر نمود.

مقبره: ایران، همدان، کنار مقبرهٔ امام زاده عبداللّه علیه السلام .

۱. اعیان الشیعه، ج۳، ص۱۰۹.

۲. همان، ص۵۳۷.

۳. گلشن ابرار، ج۳، ص۲۷۲ - ۲۷۳.

۴. همان، ص۲۷۹ - ۲۸۰.

- ایشان در سال ۱۳۲۷ق با آمدن حکمران جدید (مشیر السلطان) لوایحی انقلابی منتشر ساخت و طی آن مردم را به اتّحاد ملّی دربرابر تطاول همسایگان دعوت نمود و داد وطن خواهی و شوکت ایرانیّت سر داد. (۱)- این عارف سالک و مجتهد مجاهد، در برابر تجاوزات امپراتوری روسیه مقاومت نمود و با تحریم اجناس روسی، علناً با دشمنان اسلام به مبارزه برخاست. او با تلگراف به سران کشورهای اسلامی، خطر تهاجم روسیه به ایران و ترکیه را به آنان گوشزد نمود و با تلاش های پی گیر خویش، در برابر دشمنان متجاوز مقاومت کرد و آن ها را از حمله به کشور اسلامی منصرف ساخت. (۲)

ص:۲۸۳

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج۳، ص۲۷۵..

۲- (۲) . همان، ص۱۶۷..

آیت اللّه میرزا محمّد تقی شیرازی

شهادت: ۱۳۳۸ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد تقی، نام پدر: میرزا محبّ علی،۱ ولادت:

۱۲۵۸ق، محل تولّد: ایران، شیراز.

تحصیلات: او دوران کودکی را در زادگاهش گذرانید و آنگاه پدرش او را برای فراگیری علوم دینی به کربلا- برد. محمّد تقی مقدّمات علوم را آموخت و سپس در دروس اصولِ اساتید آن دیار شرکت کرد. وی پس از مدّتی به سامرا هجرت کرد و خود را از بهترین شاگردان میرزای بزرگ نمود. پس از درگذشت میرزای شیرازی مشغول تدریس گردید و بعد از فوت مرحوم آیت اللّه سیّد محمّد کاظم یزدی، مرجعیّت جهان تشیع را به عهده گرفت.

اساتید، حضرات آیات: سیّد علی نقی طباطبایی، فاضل اردکانی، میرزا محمّد حسن شیرازی (میرزای بزرگ).

شاگردان، آیات عظام: شیخ آقا بزرگ تهرانی، شیخ عبدالکریم حائری، شیخ محمّد جواد بلاغی نجفی، حاج آقا حسین طباطبایی قمی، شیخ محمّد کاظم شیرازی، شیخ محمّد علی شاه آبادی، سیّد شهاب الدین مرعشی نجفی.

آثار قلمی: حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، حاشیه بر فرائد الاصول شیخ انصاری، شرح الارجوزه الرضاعیه، القصاعد الفاخره فی مدح العتره الطاهره علیهم السلام ، حاشیه بر عروه الوثقی، ذخیره العباد لیوم المعاد.۲

سرانجام: میرزا محمّد تقی شیرازی، رهبر فقیه و مجاهد بزرگ انقلاب اسلامی عراق، پس از عمری مجاهدت و تلاش به بیماری مبتلا گشت و مدّتی بعد در شب چهار شنبه ۱۳ ذیحجهٔ ۱۳۳۸ق درحالی که عطّاری در داروهای میرزا سمّ ریخته بود، شربت شهادت را نوشید.

مرقد: عراق، کربلاء، صحن مطهّر امام حسین علیه السلام (سمت شرقی قبله).۳

۱. نقباء البشر، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۲۶۳.

۲. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۵۳.

۳. همان، ص ۴۵۷، به نقل از الامام القاعد، ص ۴۴؛ نقباءالبشر، ج ۱، ص ۲۶۳.

- میرزا در برابر دشمنان متجاوز، ستمگران (و تفرقه افکنان)، کاملاً با ابهّت و صلابت بود و حاضر نبود با هیچ یک از سران انگلیس در هر رتبه ای که باشد ملاقات نماید. (۱)- وی معتقد بود که دولتهای غربی و مخالفان اسلام بخصوص بریتانیای چپاولگر، برای دستیابی به مقاصد شوم خویش و استعمار کشورهای مسلمان، از اتّحاد آنان سخت در بیم و هراسند.

- میرزا می دانست دشمنان با تمام قوا درصدد تفرقه افکنی بین ملّت مسلمان، خصوصاً شیعه و برادران اهل سنت هستند. (۲)تلاش ها

- دعوت از عموم عشایر و آحاد مسلمانان به وحدت کلمه و مبارزه به هر صورت ممکن بر ضدّ اشغالگران انگلیسی.

- موضعگیری در قبال اشغال عراق که حاوی دو نکتهٔ مهم بود: اول ضرورت وحدت مسلمانان شیعه و سنّی؛ و دوم ضرورت تلاش همهٔ نیروها در سراسر کشور در برابر اشغالگران.

- میرزا در پیام مهمی که در دهم رمضان ۱۳۳۸ق برای مردم عراق ارسال کرد چنین نوشت: با یکدیگر اتّفاق داشته باشید و از اخلال در امنیّت و مخالفت و مشاجره با یکدیگر

۱- (۱) . نمایندهٔ بریتانیا در آن زمان در عراق بنام «سرپرسی کاکس» بارها از وی درخواست ملاقات کرد ولی همواره از جانب میرزا جواب رد شنید. وقتی کاکس از گرفتن وقت ملاقات با او نا امید شد، تصمیم گرفت بدون وقت قبلی ناگهانی با او دیدار کند. وقتی به این عمل اقدام ورزید، نه تنها با خوشامدگویی میرزا مواجه نشد بلکه ایشان با چهرهٔ گرفته و آکنده از خشم و نفرت، پشت به او کرد و کاکس با حالتی شکست خورده از آنجا خارج شد. عکس العمل میرزا محمّد تقی در مقابل او نه به این دلیل بود که کاکس فردی خارجی به شمار می آمد، بلکه به این سبب بود که او نمایندهٔ رژیمی بود که به سرزمین اسلامی تجاوز کرده و دستش تا مرفق به خون مسلمانان آغشته بود. (گلشن ابرار، ج۱، ص۴۵۴) .

۲- (۲) . همان..

بپرهیزید، چون تفرقه به مقاصد شما ضرر می زند و حقوقتان را که اینک زمان دستیابی به آن است ضایع می کند. (۱)- تلاش های فراوان در جهت برقراری اتّحاد میان برادران شیعه و سنی و نقش بر آب نمودن دسیسه های شوم استعمار.

- تأسیس تشکیلات «جمعیّه الاسلامیّه» زیر نظر میرزا و با سرپرستی میرزا محمّد رضا (فرزند وی).

- صـدور فتوایی که بعـدها به فتوای دفاعیّه شـهرت یافت: آیت اللّه میرزا محمّد تقی شـیرازی در این فتوا مجوّزی رسـمی برای نهضت مسلّحانه مردم عراق صادر نمود. (۲)

۱- (۱) . علمای مجاهد، ص ۴۹۲ - ۴۹۴..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج ۱، ص۴۵۵ - ۴۵۶..

آیت اللّه العظمی سیّد اسماعیل صدر

متوفای: ۱۳۳۸ق

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام هفتم علیه السلام

نام: سیّد اسماعیل، نام پدر: سیّد محمّد (معروف به صدرالدین عاملی)، ولادت: ۱۲۵۸ق، محل تولّد: ایران، اصفهان.

تحصیلات: او از همان کودکی به فراگیری علوم صرف، نحو، بیان و منطق همّت ورزید. در سال ۱۲۸۱ق به نجف مهاجرت نمود و پس از چندی در سال ۱۳۰۷ق به همراه استاد خویش میرزا محمّد حسن شیرازی به سامرا رفت. سیّد اسماعیل مدّتی بعد به حوزهٔ علمیهٔ کربلا هجرت و تا آخر عمر در آنجا مشغول تدریس شد. پس از فوت میرزای مجدّد، مرحوم میرزا محمّد تقی شیرازی در سال ۱۳۳۸ق، مردم نزد سیّد اسماعیل آمدند و از وی خواستند تا رسالهٔ عملیهٔ خویش را در اختیار همگان قرار داده اما او این پیشنهاد را نپذیرفت و تنها رسالهٔ عملیه اش را برای مشتاقان منتشر ساخت.۱

اساتید، حضرات آیات: سیّد محمّد علی (برادر ایشان)، شیخ محمّد باقر اصفهانی، شیخ راضی بن شیخ محمّد (معروف به فقیه عراق)، شیخ مهدی آل کاشف الغطاء، میرزا محمّد حسن شیرازی.

شاگردان، آیات عظام: شیخ عبدالحسین کرخی، میرزا محمّد حسین نائینی، سیّدابوالقاسم دهکردی، محمّد هادی بیرجندی معروف به (هادوی)، شیخ موسی بن محمّد جعفر کرمانشاهی، محمّد حسین طبسی، غلامحسین مرندی حائری، سیّد علی سیستانی (پدر بزرگ آیت اللّه العظمی سیّد علی سیستانی)، سیّد حسین بن سیّد ابراهیم فشارکی اصفهانی، شیخ محمّد علی بن شیخ عبّاس هروی (هراتی) خراسانی.۲

آثار قلمی: از سیّد اسماعیل صدر آثار بسیاری به یادگار نمانده است. تنها رسالهٔ عملیهٔ وی که حاشیه ای بر کتاب «انیس التجّار» نوشتهٔ ملّا مهدی نراقی است و در زمینهٔ احکام بازرگانان نگارش یافته به چاپ رسیده است.۳

سرانجام: ایشان پس از عمری تلاش و کوشش در راه اسلام در سن ۸۰ یا ۸۱ سالگی در روز سه شنبه ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۳۳۸ یا ۱۳۳۹ق چشم از جهان فرو بست و به ملکوت اعلی پیوست.۴

مرقد: عراق، کاظمین، (اتاقی در پائین پای رواق مطهّر حرم کاظمین علیهما السلام).

۱. اعیان الشیعه، ج۳، ص۴۰۴.

۲. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۲۲۴، به نقل از معارف الرجال، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳. همان، ص ۲۲۳.

۴. همان، ص ۲۲۷.



اندیشه ها

- یکی از عوامل شکست مسلمانان در مقابل دشمنان بیگانه، نداشتن وحدت کلمه و اتّحاد است.

- در نگاه او عدم رعایت این اصل مهم (وحدت و انسجام) در صحنهٔ زندگی اجتماعی مسلمانان، باعث عدم اعتماد به یکدیگر و شکست آنان در مقابل دشمنان می گردد.

تلاش ها

- مقابله با دولت های غربی که به دنبال تجزیه و تصرّف کشورهای اسلامی بودند.

- صدور بیانیه های گوناگون در مقاطع حسّاس که هر کدام به نحوی سنگری بود در مقابل تهاجمات دشمنان؛ از جملهٔ این بیانیه ها، اعلامیه ای است که آیت اللّه سید اسماعیل صدر به همراه حضرات آیات: حاج آقا نور اللّه اصفهانی، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ عبداللّه مازندرانی در ۱۳۲۹ق آن را صادر کرده و طی آن خطوط سیاسی - فکری وحدت اسلامی را تبیین و ترسیم نمودند.

متن اعلامیه به شرح زیر است:

«چون دیدیم که اختلاف فرقه های پنج گانهٔ مسلمین، اختلافاتی که مربوط به اصول دیانت نیست، موجب انحطاط دول اسلام و استیلاء اجانب شده، به جهت حفظ کلمهٔ جامع دینیه و دفاع از شریعت محمّدیه صلی الله علیه و آله و سلم ، فتاوای مجتهدین عظام که رؤسای شیعهٔ جعفریه علیه السلام هستند با مجتهدین اهل سنت، اتّفاق نموده بر وجوب تمسّک به حبل اسلام، چنانکه خداوند عزّ وجلّ در آیهٔ شریفه فرموده: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا» (۱) و اتّفاق شد بر وجوب اتّحاد تمام مسلمین در حفظ بیضهٔ اسلام و نگهداری جمیع مملکت های اسلامی از عثمانی و ایرانی از تشبّثات دول بیگانه و حمله های سلطنت های صلیبیّه؛ متّحد شد رأی ما جمیعاً برای حفظ حوزهٔ اسلامیه بر اینکه تمام قوّت و نفوذ خود را بر این خصوص مبذول داریم». (۲)

۱- (۱) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج۳، ص۲۲۲ - ۲۲۳، به نقل از حاج آقا نور اللّه اصفهانی، موسی نجفی، ص۴۲..

آیت اللّه العظمی شیخ الشریعه اصفهانی

متوفای: ۱۳۳۹ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: فتح اللّه، نام پدر: محمّد جواد، ولادت: ۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۶ق، محل تولّد: ایران، اصفهان.

تحصیلات: وی پس از سپری کردن دوران کودکی، راهی کلاس قرآن شد، او ابتدا حوزهٔ علمیهٔ اصفهان را برای تحصیل انتخاب نمود. استعداد فتح اللّه سبب شد تا با سرعت بتواند مقدّمات علوم اسلامی را فرا گرفته و در درس فقه و اصول بزرگان حوزهٔ علمیه زانوی ادب بزند. پس از چندی به مشهد مقدّس رفت و از محضر اساتید برجستهٔ آن دیار فیض برد تا اینکه خود از اساتید حوزهٔ علمیهٔ آنجا گردید. سپس به اصفهان بازگشت و در سال ۱۲۹۵ق نجف اشرف را جهت ادامهٔ تحصیل برگزید. ملّا فتح اللّه در محضر مراجع تقلید آن زمان حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمّی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه در آن شرکت می نمودند. در ۱۳۱۳ق به مکّه رفت و پس از بازگشت، حلقهٔ درسی خود را مجدّداً دائر نمود.۱

اساتید، حضرات آیات: میرزا نصر اللّه مدرس، محمّد ابراهیم بروجردی، سیّد مرتضی حائری، شیخ محمّد حسین کاظمی، میرزا حبیب اللّه رشتی، محمّد تقی هروی، شیخ عبد الجواد خراسانی، ملّا احمد سبزواری، ملّا حیدر علی اصفهانی و...۲

شاگردان، آیات عظام: شیخ عبدالکریم حائری، سیّدابوالقاسم خویی، محمّد علی شاه آبادی، سیّد محمّد کوه کمره ای، سیّد عبد الهادی حسینی شیرازی، سیّد شهاب الدین مرعشی نجفی، سیّد محمّد تقی خوانساری و...

آثار قلمی: از ایشان آثاری در علوم تفسیر، فلسفه، کلام، ادبیات عرب و... به یادگار مانده است.

سرانجام: روح پر فتوح آیت اللّه شریعه اصفهانی پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن، در شب یک شنبه ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۹ق، از قفس تن رهایی یافت و آن نفْس مطمئنّه به سوی پروردگارش پرکشید.

مقبره: عراق، نجف اشرف، جوار قبر شریف امیر المؤمنین علی علیه السلام .

۱. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۷۱ – ۴۷۲.

۲. همان.

- وی معتقد بود استعمارگران اصل شعار «تفرقه بیانداز و حکومت کن» را به کار برده و بدان وسیله بسیاری از سرزمینهای اسلامی را اشغال کرده اند. (۱)تلاش ها

- مقابله با تهاجمات و شبیخون های دشمنان تفرقه افکن با اطّلاعیه های گوناگون که دردمندانه از مسلمانان و ایرانیان خواست تا در صف واحد در برابر دشمن متجاوز بایستند (۲)، از جملهٔ این اطّلاعیه ها می توان به اعلامیه ای که وی به همراه جمعی از علما (۳) صادر نمودند اشاره نمود.

متن آن بدین صورت است:

«بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

از علمای نجف به همهٔ مسلمانان و تمام کسانی که دین محمّد صلی الله علیه و آله و سلم ، ما و آنها را به هم پیوند می دهد.

درود بر شما حامیان توحید و مدافعان دین و حافظان کیان اسلام.

بر شما پوشیده نیست که جهاد و بیرون راندن کافران از کشورهای اسلامی، از مواردی است که مسلمانان در مورد آن اتّفاق نظر دارند و واجب بودن آن از نظر دین، بدیهی و انکارناپذیر است، خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید: «انْفِرُوا خِفافاً وَ ثِقالاً وَ جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ» (۴). هم اینک سپاهیان ایتالیا به طرابلس غربی که از بزرگترین و مهمترین سرزمینهای اسلامی است یورش برده، خانه ها را ویران کرده و مردان و زنان و کودکان را به قتل رسانده اند. شما را چه شده که دعوت اسلام را اجابت نمی کنید و

۱- (۱) . علمای مجاهد، ص ۲۶۲..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج۱، ص۲۷۳، به نقل از ایران و جهان اسلام، ص ۲۰۰..

۳- (۳) . حضرات آیات شیخ محمّد کاظم خراسانی، شیخ عبد اللّه مازندرانی، شیخ علی رفیش، سیّد محمّد سعید حبوبی،سیّد مصطفی کاشانی و شیخ حسن صاحب جواهر..

۴- (۴) . سورهٔ توبه، آیهٔ ۴۱..

فریاد مسلمانان را پاسخ نمی دهید؟ آیا نشسته اید تا دشمن به خانهٔ خدا و حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام حمله کند و دین اسلام و دولت عثمانی را از شرق تا غرب برچیند و شما مسلمانان خوارتر از قوم سبا گردید؟.

پس، شما را به توحید و حفظ رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و احکام دین و قواعد شرع، سفارش می کنیم. بشتابید به سوی جهاد درراه خدا، و با یکدیگر متّحد گردید و از تفرقه دوری جویید و وحدت کلمه و بخشش مال را پیشهٔ خود سازید و هوشیارانه گام بردارید «وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدْوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (۱)، تا اینکه فرصت دفاع را به خاطر غفلت و سهل انگاری از دست ندهید و از جهاد عقب نمانید. پس آنان که از امر خدا سر باز می زنند، بدانند که بلایی بر سر شان می آید و یا به عذابی دردناک گرفتار خواهند آمد». (۲)- انتشار کتابچه ای به زبان فارسی که در آن مسلمانان را به دوری از اختلاف و نفاق و نیز اتّحاد و همبستگی برای حفظ استقلال کشور و رویارویی با فعّالیّتهای استعمارگرانی که طرابلس غربی و ایران و کشورهای اسلامی را هدف قرار داده اند فرا خواند. (۳)- نوشتن نامه ای بسیار مهم، خطاب به ملّت ایران و دعوت از آنان به وحدت (به منظور مبارزه با طرحهای استعماریِ روسیه و انگلیس) به همراه حضرات آیات: سیّد اسماعیل صدر، شیخ عبداللّه مازندرانی و شیخ محمّد حسین حائری در تاریخ اول ربیع الثانی ۱۳۳۰ق.

در بخشی از نامه چنین آمده است:

«اوضاع مسلمانان، به ویژه در ایران، و نیز متوّسل شدن آنان به انواع نیرنگها و توطئه ها به منظور محو استقلال و شعائر مسلمانان و به بردگی کشاندن آنان، امری بدیهی است و نیازی به توضیح ندارد. مهمترین وسیله ای که این دشمنان را به هدفشان می رساند، ایجاد

۱- (۱) . سورهٔ انفال، آیهٔ ۶۰..

۲- (۲) . نقش علمای شیعه در رویارویی با استعمار، سلیم الحسنی، ص ۶۰ - ۶۱، به نقل از المصلح المجاهد الشیخ محمّد کاظم الخراسانی، عبد الرحیم، ص ۱۸۴ - ۱۸۵..

۳- (۳) . همان، ص ۶۴، به نقل از الثوره العراقیه الکبری، عبداللّه فیاض، ص۲۶..

اختلاف و تفرقه و بریدن ریسمان وحدت میان مسلمانان است. آنها پس از کاشتن بذر اختلاف و تفرقه میان سران عشایر و دیگران، با تمام توان و بدون مانعی توانستند نیروهای خود را وارد ایران کنند و هر آنچه که می خواستند انجام دهند و در این میان کسی را یارای جلوگیری از اقدامات آنان و بیرون راندن شان از کشور نبود. نظر به این که حفظ کیان اسلام نخستین فریضهٔ مسلمانان، به ویژه علمای دین است، از این رو ما از سیّد صدر الاسلام... و حاج محمّد باقر... خواستیم تا خود را آماده سفر و عزیمت به منطقه ای خارج از شهر بوشهر نمایند تا همهٔ خانها و سران عشایر را گرد هم آورند و با یکدیگر پیمان اتّحاد و همبستگی و دوری از دشمنیهای شخصی و ریشه دار منعقد نمایند و رضای خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمهٔ اطهار علیهم السلام را مطمح توجه قرار دهند و به نابودی شعائر اسلامی و چیرگی بیگانگان بر خاک مقدّس سرزمینهای اسلامی تن در ندهند. همهٔ کسانی که در دامن اسلام پرورش یافته اند در برابر این حملات ویرانگر که دین و کشور را تهدید می کند نباید سکوت نمایند. (۱)(۲)- سفر به مکّه معظّمه در سال ۱۳۱۳ق، ایشان در طول مدّت اقامت به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه ای که آنها از احاطهٔ کامل شیخ به کتابهای اهل تسنن در شگفت شدند. (۳)- از دیگر اقدامات وحدت آفرین ایشان و علمای معاصر خود، می توان به پیشنهاد طرح اتّحاد دنیای اسلام اشاره نمود که خود گامی برای پیشبرد اهداف اسلام به شمار می رفت.

۱- (۱) . نقش علمای شیعه در رویارویی با استعمار، سلیم الحسنی، ص۷۶، به نقل از هجوم روس به ایران و اقدامات رؤساء دین در حفظ ایران، نظام الدین زاده، ص۲۲۲..
۲- (۲) . این نامه نشانگر آن است که علمای شیعه تا چه اندازه به موضوع استقلال سیاسی کشورهای اسلامی اهمّیت قائل بودند. افزون بر این که آشکار می نماید آنها تا چه میزان در تشخیص دقیق شیوه های استعماری در ایجاد اختلاف میان مسلمانان به خاطر تضعیف قوای داخلی آنان و هموار شدن راه نفوذ و سلطه بر آنها، موفّق بوده اند..
۳- (۳) . گلشن ابرار، ج۱، ص۴۷۱، به نقل از علمای معاصرین، ص۱۲۴..

میرزا کوچک خان جنگلی

متوفای: ۱۳۰۰ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: یونس، نام پدر: میرزا بزرگ، ولادت: ۱۲۹۸ق، محل تولّد: ایران، رشت، محلهٔ استادسرا.۱

تحصیلات: یونس پس از آنکه خواندن و نوشتن را فرا گرفت در سنین نوجوانی یا جوانی وارد حوزهٔ علمیهٔ رشت شد و به فراگیری علوم اسلامی اشتغال ورزید. او ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول، صرف و نحو، معانی و بیان را خواند و در سال ۱۳۲۲ در عالی ترین درس دورهٔ سطح حوزهٔ علمیه، کفایه الاصول شرکت کرد. وی در مدرسهٔ صالحیهٔ قزوین۲ و مدّتی نیز در مدرسهٔ محمودیهٔ تهران۳ ادامهٔ تحصیل داد. از سرگذشت زندگی او می توان گمان برد که وی ده سال (از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۴ق) در درس خارج فقه و اصول شرکت نموده است.

اساتید: آیت اللّه سیّد عبد الوهاب صالح ضیاء بری.۴

سرانجام: سردار جنگل پس از عمری خدمت و تلاش برای احیاء اسلام و قرآن، در یازدهم آذر ماه ۱۳۰۰ در کوه های گلیوا، جان به جان آفرین تسلیم کرد و به لقاء معبود شتافت.

مقبره: ایران، رشت، سلیمان داراب.۵

۱. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۷۷، به نقل از سردار جنگل، ابراهیم فخرایی، ص ۳۵.

۲. دائره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۷۸، به نقل از سردار جنگل، ص ۳۵؛ سیاست دولت شوروی در ایران، م.ع؛ منشور گرگانی، ص ۳۰.

۴. همان، ص ۴۷۸.

۵. همان، ص ۴۸۹.

- او معتقد بود ما قبل از هر چیز طرفدار استقلال مملکت ایرانیم. استقلالی به تمام معنی کلمه. یعنی بدون اندک مداخلهٔ هیچ دولت اجنبی. اصطلاحات اساسی مملکت، و رفع فساد تشکیلات دولتی که هر چه بر سر ایران آمده، از فساد تشکیلات است. ما طرفدار یگانگی عموم مسلمانانیم. این است نظریات ما که تمام ایرانیان را دعوت به هم صدایی کرده، خواستار مساعدتیم. (۱)تلاش ها

- میرزا کوچک خان در قسمتی از فعّالیّتهای گستردهٔ خویش، درصدد بود با گردآوری مجتهدان گیلانی در یک مبارزه، با اشغالگران خارجی و دولت مستبد، همهٔ گیلانیان را به قیام فرا خواند. بدین منظور هیئت اتّحاد اسلام را تشکیل داد. (۲)- در کتاب معارف و معاریف چنین آمده است: «میرزا کوچک خان می خواست مرکز اتّحاد اسلام تأسیس کند از این رو برای ایجاد مرکز عملیّات خود، همراه یک تن از مجاهدان مشروطیّت، یعنی میرزا علی خان دیو سالار، به سوی مازندران حرکت کرد، اما به عللی از دیو سالار جدا شد و به لاهیجان رفت و با دکتر حشمت الاطباء، طبیب آن شهرستان ملاقات کرد و به یاری او و گروهی دیگر نیرویی تشکیل داد و در جنگلهای شمال به مبارزه بر ضدّ نفوذ بیگانگان پرداخت. (۳)

۱- (۱) . علمای مجاهد، ص ۴۸۷..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج۱، ص۴۸۱، به نقل از تاریخ معاصر ایران، کتاب نهم، ص ۲۸۴..

۳- (۳) . معارف و معاریف، ج۸، ص۵۹۸..

استاد حسن البنّا

شهادت: ۱۳۲۷ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: حسن، نام پدر: احمد، ولادت: ۱۳۲۳ق، محل تولّد: مصر، بحیره، دلتای نیل، دهکدهٔ محمودیه.

تحصیلات: وی حفظ و قرائت قرآن کریم را نزد پدر آموخت و در طول عمر خود از کتابخانهٔ غنی او استفادهٔ شایانی برد. در سال ۱۳۳۹ق وارد «مدرسه المعلمین الاولیه» شد و پس از اتمام تحصیلات در شانزده سالگی به قاهره رفت تا در دارالعلوم که مؤسس آن شیخ محمّد عبده بود تحصیل نماید. او علاوه بر مطالعات درسی، به مطالعات دیگر هم علاقه نشان می داد. حسن البنّا دارای حافظه ای بسیار قوی بود به طوری که مجموعهٔ زیادی شعر و نثر را از حفظ داشت و با ادبیات عرب، حدیث، علوم دینی و فقه مذاهب اسلامی آشنایی داشت.

اساتید: محمّد رشید رضا، شیخ عبدالوهاب حصافی، احمد سکری، شیخ محمد ابو شوشه، احمد البنّا (پدر)

آثار قلمی: أحادیث الجمعه، اخوان المسلمون تحت رایه القرآن، الی أی شیء ندعو الناس، بین الامس والیوم، دعوتنا، رساله الجهاد، العقاید، النظام الاقتصادی.

سرانجام: استاد حسن البنا بنیانگذار و رهبر سازمان اسلامی اخوان المسلمین، پس از انجام خدمات شایانی در راه برادری و اتّحاد شیعه و سنّی انجام داد، در تاریخ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۲۷ هدف ترور شخصی از عوامل دولت قرار گرفت و به شهادت رسید.

۱. علمای مجاهد، ص ۱۱۹ - ۱۲۰.

اندیشه ها

- به نظر وی بین جوامع موجود اسلامی و اسلام واقعی فاصله ای افتاده که عقب ماندگی مسلمانان را موجب شده است.

- حسن البنّا در صدد احیای اسلام بود تا نه تنها مسلمانان را از چنگ جهان خواران رهایی بخشد بلکه انسانیّت را نیز زنده کند.

- او بر این عقیده بود که اسلام هیچ گونه مرز جغرافیایی، یا اختلافات نژادی یا شهروندی را به رسمیّت نمی شناسد.

- از گفته های اوست: تمام مسلمانان یک امّت و کشورهای مسلمان تنها یک کشور محسوب می شوند. (۱)- استاد می گفت: ما فراخوان خود را متوجه تمام کسانی می کنیم که أشهد أنّ لا إله الّا اللّه و انّ محمّد رسول اللّه صلی الله علیه و آله سر می دهند. هرچند به لحاظ تعالیم و اندیشه های اسلامی قصوری نیز داشته باشند. آنچه ما از آنها می خواهیم، پیوند برادری اسلامی با ما، برای عمل در راستای بازیابی عظمت و شکوه اسلام است. این دعوت هیچ شرط و شروطی جز شهادتین ندارد که لبیک گویان به آن نیز، گروههایی با درجات مختلف ایمان به آموزه های اسلامی و عمل به آنها را در برمی گیرد. (۲)تلاش ها

- چاپ تمامی مناسک حج مورد اتّفاق شیعه و سنی در روزنامهٔ خود (اخوان المسلمین):

او پس از این کار روزنامه ها را در موسم حج وارد عربستان نمود و در میان حجاج پخش کرد که اثر بسیار جالب و مثبتی در میان مسلمانان گذاشت. (۳)- راه اندازی مجلّهٔ اسلامی الفتح و مجلّهٔ جمعیّت الشبان المسلمین.

۱- (۱) . علمای مجاهد، ص ۱۲۰..

۲- (۲) . خبرگزاری تقریب، به نقل از الاخوان المسلمون، رویه من الداخل، ج ۲، ص ۳۵۵..

۳- (۳) . خبرگزاری تقریب، به نقل از پروندهٔ تقریب مذاهب، محمّدعلی آذرشب، ص ۱۳۷..

– همکاری در امر مهم تأسیس مرکز دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه با عالمان برجستهٔ ایران، مصر، لبنان و... (۱) و (۲)– تأسیس جمعیّت اخوان المسلمین در ۱۳۰۶ش.

– دیدار و گفتگو با برجسته ترین رهبر مذهبی سیاسی ایران در آن زمان (آیت اللّه کاشانی) در ۱۳۲۷ش در مکهٔ مکرّمه، پیرامون وحدت، تقریب و برادری مسلمانان جهان. (۳)– همکاری تنگاتنگ با دارالتقریب برای رساندن صدای آن به عربستان سعودی که در آن زمان سخن گفتن از تقریب اهل سنت و شیعه در آن جا ممنوع شده بود. (۴)

۱– (۱) . برخی مؤسّسین دارالتقریب عبارت بودند از: استاد محمّد علی علویه پاشا؛ شیخ عبدالمجید سلیم شیخ الازهر؛ حاج امین الحسینی مفتی فلسطین؛ شیخ محمد عبدالفتاح العنانی عضو هیئت کبار العلماء و رهبر مالکی ها؛ شیخ عیسی منون عضو هیئت کبار العلماء و از علمای شافعی؛ شیخ محمود شلتوت شیخ الازهر و از علمای حنفی؛ شیخ محمّد تقی قمی از علمای امامی؛ شیخ عبدالوهاب خلاف از علمای بزرگ اصولی متأخرین؛ شیخ علی الخفیف شیخ الازهر؛ شیخ علی بن اسماعیل المؤید از علمای زیدی؛ شیخ محمّد عبداللطیف السبکی استاد الازهر از حنبلی ها؛ شیخ محمّد محمّد المدنی روحانی برجسته؛ شیخ محمّدحسین آل کاشف الغطاء از مراجع تقلید شیعه در نجف اشرف؛ سیّد هبه الدین الشهرستانی از علمای کاظمین؛ علّامه عبدالحسین شرف الدین روحانی برجسته و معروف شیعیان..

۲– (۲) . مقالهٔ آیت اللّه تسخیری پیرامون شخصیّت استاد حسن البنّا، خبرگزاری تقریب، ۲۳ اسفندماه ۱۳۸۶..

۳– (۳) . علمای مجاهد، ص ۱۱۹ – ۱۲۰..

۴– (۴) . خبرگزاری تقریب، اسفندماه ۱۳۸۶..

آیت اللّه سیّد عبدالحسین لاری

متوفای: ۱۳۴۲ق

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام کاظم علیه السلام

نام: سیّد عبدالحسین، نام پدر: آقا سیّد عبداللّه، ولادت: ۱۲۶۴ق. محل تولّد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: وی بعد از اتمام دورهٔ مقدماتی و سطح در درسهای خارج فقه و اصول حوزهٔ علمیهٔ نجف حاضر گردید. اساتید او که در اندک مدّتی، از هوش سرشار شاگردشان آگاهی یافتند وی را مورد تجلیل قرار دادند.

سیّد عبدالحسین در ۲۲ سالگی قلهٔ منیع فقاهت و اجتهاد را فتح نمود.

اساتید، حضرات آیات: میرزای شیرازی، شیخ محمّد حسین کاظمی، محمّد فاضل ایروانی، شیخ لطف اللّه مازندرانی، شیخ حسینعلی همدانی.۱

شاگردان، آیات عظام: سیّد عبدالباقی موسوی شیرازی، سیّد عبدالمحمّد موسوی لاری، سیّد محمّد حسین مجتهد لاری، سیّد احمد مجتهد فال اسیری، سیّد عبدالمحسن مهدی، سیّد اسداللّه اصفهانی، سیّد ابوالحسن لاری، سیّد محمّدعلی شریعتمداری جهرمی و... .

آثار قلمی: معارف السلمانی بمراتب الخلفاء الرّحمانی، رساله در عقوبت حبّ دنیا، اکسیر السعاده فی أسرار الشهاده، استخاره نامه، آیات الظّالمین، قانون در اتّحاد دولت و ملّت، قانون مشروطهٔ مشروعه... .۲

سرانجام: آیت اللّه لاری پس از ۷۸ سال تلاش و خدمت شبانه روزی در راه اسلام و شریعت محمّدی صلی الله علیه و آله و سلم ، پس از اقامهٔ نماز جمعه در تاریخ چهارم شوال ۱۳۴۲ق دعوت حق را لبیک گفته و به دیار باقی شتافت.

مرقد: ایران، جهرم، مشهور به مقبرهٔ آقا.

۱. امانتدار پیامبران، نقش آیت اللّه لاری در مبارزات اسلامی قرن اخیر، سیّد محمّد تقی آیت اللّهی، ص۱۷ - ۱۹.

۲. گلشن ابرار، ج۲، ص۵۲۹ - ۵۴۱ .

ص:۲۹۸

- وی اهمّیت بسیار زیادی برای وحدت مسلمین قائل بود. تا جایی که اتّحاد دولت های مسلمان و تشکیل جبهۀ متّحد در برابر دشمنان را واجب شرعی اعلام نمود.

- در نگاه ایشان لازمۀ اتّحاد جهانی اسلام و همکاری و مودّت مسلمانان این بود که اسباب تفرقه، جدایی، نفاق، تک روی و آنچه با کمال اتّحاد و اتّفاق منافی است، از میان برداشته شود. (۱)- سیّد عبدالحسین در آغاز نهضت مشروطیّت، هنگامی که می خواستند قانون بنویسند و پیش نویس قانون اساسی مشروطیت را تهیّه کنند اعلام نمود: قانون ملّی برای خاتمه بخشیدن به موجبات جدایی دولت و ملّت تدوین گردیده و بر اتّحاد ملل مسلمان تأکید دارد. (۲)- آیت اللّه لاری معتقد بود استبداد طلبان با مغلطه کاری بر مشروطیّت خرده می گیرند و در پی آنند که آتشکدۀ استبداد را بیافروزند و بیش از گذشته بر فتنه و فساد و کشتار و چپاول مردم و ویرانی شهرها بپردازند و آتش نمرود و شدّاد و یزید و ابن زیاد را شعله ور سازند و همکاری، همبستگی، مودّت و اتّحاد مردم را برهم زده و آنها را به تفرقه بکشانند، تکیه گاه مسلمین، یعنی اتّحاد و همبستگی جامعۀ اسلامی را از بین ببرند و در میان مؤمنان جدایی افکنند. (۳)- ایشان عقیده داشت: قانون ملّی برای این است که مصالح شریعت و ملّت و دولت را در نظر گیرد و با تکیه بر نصوص قرآنی، تفرقه، جدایی و تک روی افراد را از بین ببرد، و همه را با نیروی اتّحاد و استمداد به مدد الهی عزّت بخشد و برای جهاد با دشمنان اسلام و دفاع از سرزمین های اسلامی، جبهه ای متّحد، از همه اقشار مردم، از دور و نزدیک، از داخل و خارج (و در یک کلام) همۀ مسلمین اعم از شیعه و سنی و...، بوجود آورد و ناموس و شرف اسلام و مسلمین را، از هر جهت با تشکیل جبهه متّحد اسلامی، حفظ و نگهداری کند که خدای بزرگ فرموده است:

۱- (۱) . امانتدار پیامبران، ص۱۰. .

۲- (۲) . همان، ص۱۵۱..

۳- (۳) . همان، ص۱۷۰..

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَتِلُونَ فِى سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْيَنٌ مَّرْصُوصٌ» (۱)؛ (خدا، مؤمنانی را که در صف جهاد با کافران پیکار می کنند و همچون سدّی آهنین و بنایی استوار همدست و پایدارند، بسیار دوست دارد).

«إِن تَنصُرُواْ اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (۲)؛ (اگر خدا را یاری دهید، خدا شما را یاری خواهد کرد و به پیروزی خواهد رساند و گامهای شما را استوار می گرداند).

و همچنین حضرت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

الجهادُ بابٌ من أبواب الجنّه،... هو لباسُ التقوی وَدِرْعُ اللّه الحصینه و جنّته الوثیقه فمن ترکه رغبهً عنه البسه اللّه ثوب الذّل و شمله البلاء و دُيِّثَ بالصَغار (۳)؛ (جهاد دری از درهای بهشت و لباس پرهیزگاری و سپر نیرومند الهی و پیمان نیکو است و هر کس جهاد را ترک کند، خداوند لباس ذلّت و زبونی به او می پوشاند).

چنانچه حکومت داوود و فرمانروایی طالوت به قتل جالوت و ولایت جمیع انبیاء و رسل علیهم السلام ، خصوصاً فتوحات اسلام، از صدر آن تا کنون، یکی پس از دیگری بخاطر اتّحاد و جهاد در راه خدا بوده است، و استواری اساس دین، آئین، اقتدار، عزّت، دوام ملک و دولت، همه، مبتنی بر جهاد و اتّحاد با اهل ملّت، و نفی هرگونه انفراد، تک روی و تفرقه بوده است». (۴)- در اندیشهٔ آیت اللّه سیّد عبدالحسین لاری قانون ملّی برای آنست که، بنا به تکلیف شرعی - ملّی - اسلامی، میثاقِ اتّحاد و اتّفاق را بین دولت های مسلمان منعقد سازد. اتّحاد دولتهای مسلمان و تشکیل جبههٔ متّحد در برابر دشمنان واجب شرعی است. این اتّحاد و اتّفاق، باید در جهات مختلف بوجود آید و در زمینه های همکاری، تقویّت، عقد اخوّت، مشورت، مصلحتِ دولت و حکومت و نیز در شعار و آنچه که باعث سرفرازی مسلمانان می شود و همچنین در نبرد و پیکار با دشمنان مشترک گسترش یابد، به گونه ای که، همهٔ ملل اسلامی به صورت

۱- (۱) . سورهٔ صف، آیهٔ ۴..

۲- (۲) . سورهٔ محمّد صلی الله علیه و آله ،آیهٔ ۷..

۳- (۳) . نهج البلاغه (صبحی الصالح)، خطبهٔ ۲۷، ص۶۹..

۴- (۴) . امانتدار پیامبران، ص ۱۵۹، به نقل از قانون مشروطهٔ مشروعه، سیّد عبدالحسین لاری، ص۳۲ - ۳۴..

واحدی درآیند. چه آنکه، خدای کریم فرموده است:

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا» (۱)؛ (همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید).

لـذا معاهـده، پیمان وحـدت، ایجاد مودّت، اتّحاد، نفی جـدایی و انفراد، از مهمترین و لازم ترین و اساسـی ترین امور ضـروری بوده و ارزنده ترین فائده ها را برای عزّت و اقتدار دولت اسلامی و سربلندی مسلمانان در جهان دربر خواهد داشت.

- ایشان می گفت: لازمهٔ ایجادِ اتّحاد جهانی اسـلام و همکاری و مودّت مسـلمانان این است که، اسـباب تفرقه، جدایی، شقاق، نفاق، تک روی و آنچه که با کمال اتّحاد و اتّفاق منافی است، از میان برداشـته شود. از جملهٔ این اسباب آن است که تفتیش و تفحّص، که در گمرگات و بنادر، از کتب علمی و مذاهب گوناگون اسـلامی به عمل می آید و آثار کتب را، مصادره و ضبط کرده و می سوزانند، از میان برداشته شود. چنانکه خدای تعالی تکلیف دولت اسلامی را تعیین فرموده است که:

«وَأَصْلِحُواْ ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُواْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ» (۲)؛ (اگر مؤمن هستیـد، روابط خویش را اصـلاح کنیـد و خدا و پیامبر را فرمان برید).

پس، وظیفه دولت اسـلامی، اصـلاح بین مسـلمین است و در هیچ دولتی کتب علمیه را تفتیش و بازرسی نمی کنند و آنها را از بین نمی برنـد. بویژه آنکه، اغلب این کتب، تفاسیر قرآن و احکـام حضـرت سـبحان و پیـامبر آخر الزمـان صـلی الله علیه و آله است، که از بین بردن آنهـا، هتک حرمت شـعائر اسـلام والا مقام بوده، و عقوبت، کیفر و انتقام در پی خواهـد داشت. و بـدین خاطر است که جدایی دول اسـلامی، نپرداختن به دشمنان مشترک و آزار به مسلمین، سبب شده است که روسیه با مسلمانان به جنگ برخیزد و هزاران هزار مسلمان را از بین ببرد. (۳)

۱- (۱) . سورهٔ آل عمران،آیهٔ ۱۰۳..

۲- (۲) . سورهٔ انفال،آیهٔ ۱..

۳- (۳) . امانتدار پیامبران، ص ۱۶۲، به نقل از قانون مشروطهٔ مشروعه، سیّد عبدالحسین لاری، ص۳۸ - ۴۰..

آیت اللّه شیخ محمّد مهدی خالصی کاظمی اسدی

متوفای: ۱۳۴۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد مهدی، نام پدر: شیخ حسین، ولادت:

۹ ذی الحجه ۱۲۷۶ق، محل تولّد: عراق، کاظمین، کرخ.

تحصیلات: وی با پشت سر گذراندن ایّام کودکی، مشغول تحصیل مقدمات علوم اسلامی گردید. او در شهرهایی نظیر نجف اشرف و کاظمین، به تلمذّ و فراگیری دروس حوزوی پرداخت و از عالمان بزرگ و فضلای سرآمد روزگار گردید.۱

اساتید: حضرات آیات: میرزا حبیب اللّه رشتی، آخوند خراسانی، میرزای شیرازی.۲

آثار قلمی: حاشیه الالفیه،۳ تلخیص الرسائل، الوجیزه فی المواریث، عناوین الاصول، القواعد الفقهیه، پاسخنامه ای به شیخ محمّد حسن در زمینهٔ مسائل تقلید، الحسام البتار فی جهاد الکفار و... .۴

سرانجام: این عالم بزرگ در شامگاه یازدهمین روز ماه مبارک رمضان ۱۳۴۳ق، به سکتهٔ قلبی دچار شد و با لقای معبود، دار فانی را وداع گفت.۵

مقبره: ایران، مشهد مقدس، جوار مرقد شریف امام هشتم علیه السلام .

۱ - ۴. گلشن ابرار، ج۱، ص۵۰۰.

۵. همان، ص ۵۱۲ .

تلاش ها

- از جملهٔ فعّالیّتهای وی صدور بیانیه ای بود که در اوائل سال ۱۳۴۳ق به کشورهای مسلمان نشین جهان فرستاد. وی در این بیانیّه مسلمانان را به عضویّت در جمعیّت استخلاص الحرمین الشریفین و بین النهرین که خود مؤسّس این جمعیّت بود دعوت نمود. ولی عمر او کفاف نکرد و در روز ۱۱ رمضان ۱۳۴۳ق درگذشت. (۱)

ص:۳۰۲

۱- (۱) . مشاهیر مدفون در حرم رضوی علیه السلام ، ج۱، ص۱۳۰؛ گلشن ابرار، ج۱، ص۵۱۱..

آیت اللّه العظمی حاج آقا نور اللّه اصفهانی

متوفای: ۱۳۴۶ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: مهدی (مشهور به نور اللّه)، نام پدر: آقا محمّد باقر، ولادت: ۱۲۷۸ق، محل تولّد: ایران، اصفهان.

تحصیلات: وی پس از گذراندن دوران کودکی رفته رفته در شمار دانش آموزان جای گرفت و سپس در محفل علمی پدر حضور یافت. در ۱۲۹۵ق راه عراق را پیش گرفت.۱ او چندی در نجف ماند، مدّتی در سامرا و سپس در حریم ملکوتی کاظمین علیهما السلام به دانش اندوزی پرداخت. سرانجام تلاش های شبانه روزی آن دانشجوی روشن بین در حدود ۱۳۰۴ق به بار نشست و حاج آقا نوراللّه در شمار دانشمندان و فقیهان جهان تشیع جای گرفت.

اساتید، حضرات آیات: میرزا محمّد حسن شیرازی، میرزا حبیب اللّه رشتی، محمّد طه نجف، سیّد صدر الدین کاظمینی، میرزا حسین بن میرزا خلیل تهرانی، سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی.۲

آثار قلمی: رسالهٔ مکالمات مقیم و مسافر.

سرانجام: دانشمند بزرگ و سیاستمدار روشن بین ایران، پس از حدود هفتاد سال تلاش، تربیت دانشوران وارسته، نگارش صدها اطلاعیهٔ کوبنده، انجام سخنرانیهای پرشور و سازمان دادن مؤسسه های اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی و نظامی، در بامداد اول رجب ۱۳۴۶ق به دیدار حق شتافت.۳

مرقد: عراق، نجف اشرف.۴

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۱۹، به نقل از تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، سیّد مصلح الدین مهدوی، ج۲، ص۱۱ و ۱۷.

۲. همان، ص ۵۲۰ .

۳. همان، ص ۵۲۸ .

۴. علمای مجاهد، ص۶۵.

- در اندیشهٔ حاج آقا نور اللّه، وحدت شیعه و سنی به گونه ای بود که به نفع هردو تمام و از تضعیف هر یک جلوگیری می شد، ضمن آنکه خود در حفظ آرمانها و تقویت اصول و ضوابط تشیع از طریق فرهنگی کوتاهی نداشت.

- ایشان اتّحاد دو کشور ایران و عثمانی را نیز، نوعی وحدت سیاسی در مقابل قدرتهای استعماریِ مغرب زمین تلقّی می کرد، نه اینکه سلطه عثمانی را بر ایران بپذیرد بلکه در نگاه او هر اقدامی که به حیثیت و استقلال ایران لطمه می زد، مردود بود.

- وی با وجود آن که همهٔ فعّالیّت هایش حول استقلال کشور و منافع ملّی بود، از پراکندگی مسلمانان و دولتهای اسلامی در رنج بود و به اتّحاد مسلمانان در برابر استعمارگران اروپایی باور نداشت. اما این امر موجب نمی گردید تا مداخلات و تجاوزات نیروهای عثمانی را در کشور نادیده بگیرد. بلکه از سهل انگاری دولت در آن زمینه به شدّت انتقاد نمود و آشکارا به نیروهای عثمانی هشدار داد. (۱)تلاش ها

- از ویژگیهای بارز حاج آقا نور اللّه، موضعگیری و عملکرد مناسب در موقعیّت ها و مقاطع حسّاس بوده است. (۲)

۱- (۱) . علمای مجاهد، ص۶۵..

۲- (۲) . وی در مقابل استعمار و استبداد، به تناسب از مبارزهٔ فکری، تحریم اقتصادی، افشاگری و در صورت لزوم از اقدام مسلّحانه استفاده کرده اما در موقعیّتی که اقدام فرهنگی را ضروری و مناسب می دانست، از آن رویگردان نبوده، بدان می پرداخت. از جمله فعّالیّتهای او در زمانی که فعّالیّت تبلیغی مسیحیان در شرق گسترش می یافت، تشکیل مجالس برخورد آراء، مناظره با مبلّغان و رهبران آنها و ایجاد انجمن صفاخانه بعنوان تشکیلاتی برای این منظور و حتی نشر مجلّه جهت روشنگری علاقمندان بود. در سال ۱۳۲۱ق با تلاش های او و مرحوم آقا نجفی و مرحوم رکن الملک شیرازی در محلّهٔ ارامنهٔ اصفهان، انجمن صفاخانه را تأسیس و با حمایت نامبردگان، مجلّهٔ «الاسلام» را منتشر و جلسات مناظره بین داعی مسیحی و عالم مسلمان را ترتیب داد. متن مناظرات را از طریق مجلّه در سطحی وسیع پخش می نمودند و در همین زمینه از مرحوم محمّد علی داعی الاسلام که در زمینه کتب عهد عتیق و علم الادیان مطالعات فراوانی داشت می خواهند تا با داعیان مسیحی به مناظره بپردازند که مباحثات آنها در مجلّهٔ «الاسلام» در آن دوران منعکس است. تأثیر این اقدام فرهنگی تا آنجا بود که نسخه های مجلّه (چنانچه از نامه های واصله به مجلّه معلوم است) در لندن و بعضی پایتخت های اروپایی، همچنین مصر، بمبئی، حجاز و عثمانی، مورد استفادهٔ وسیع متفکّرین مسلمان در برخورد با آراء مسیحیت قرار گرفت. بعدها مرحوم داعی الاسلام بنا به تقاضای مردم شبه قاره در منطقهٔ پاکستان امروزی، سُکنی گزیده بعد از فراگیری زبان اردو، مجلّهٔ «الاسلام» را به دو زبان فارسی و اردو منتشر می نماید که این اقدام ابتکاری در جهت غنای فرهنگی تا سالیان سال اثرات عمیق خویش را در برخوردهای فکری و ایدئولوژیک حفظ می کند و هم اکنون نسخه های این مجلّه برای اهل تحقیق در این زمینه بسیار حائز اهمیّت است..

- اقدام اساسی این عالم مجاهد در توجّه به وحدت امّت اسلامی و پیکرهٔ واحد بودنِ جامعهٔ مسلمان در مقابل اجانب و استعمارگران حائز اهمیّت بوده است. حاج آقا نوراللّه اگر چه به امپراطوری و شخص سلطان عثمانی انتقاداتی داشت و آنها را هنگامی که تجاوزاتی را مرتکب می شدند مورد سرزنش و حمله قرار می داد، ولی در جنگ جهانی اول در اصفهان و چهار محال بختیاری و... به نفع آنها به جمع آوری نیرو و نهایتاً جنگ پرداخت و سعی در تقویت کشور عثمانی، علیه روس و انگلیس را داشت.

- در سال ۱۳۲۵ق که قشون عثمانی به اطراف کردستان و آذربایجان، تجاوزات مرزی نمودند، وی قُوایی نزدیک به پنجاه هزار نفر گرد آورد و به حکومت عثمانی هشدار داد.

- در سال ۱۳۲۹ق که او هجرتی به عراق داشت، در اماکن مقدّسه سُکنی گزید و همراه با آیات عظام: آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی، سیّد اسماعیل صدر، شیخ الشریعهٔ اصفهانی و شیخ عبداللّه مازندرانی، طیّ اعلامیه ای خطوط سیاسی فکری وحدت اسلامی را تبیین و ترسیم نمود. (۱)

۱- (۱) . متن اعلامیه در صفحهٔ ۲۸۸ گذشت..

آیت اللّه شهید سیّد حسن مدرّس

شهادت: ۱۳۱۶ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام مجتبی علیه السلام

نام: سیّد حسن، نام پدر: سیّد اسماعیل، ولادت:

۱۲۷۸ق، محل تولّد: ایران، اصفهان، زواره.

تحصیلات: سیّد حسن شش ساله بود که پدرش وی را نزد میر عبدالباقی جهت تحصیل نهاد. در چهارده سالگی به اصفهان رفت و مدّت سیزده سال در حوزهٔ علمیهٔ این شهر، محضر بیش از سی استاد را درک نمود.۱ او ابتدا به خواندن جامع المقدمات (ادبیات عرب) مشغول شد و سپس کتابهای شریف شرح لمعه، قوانین و فصول را خواند۲ و در نهایت از علوم حکمت و فلسفه و عرفان خوشه چید. پس از مدّتی در ۱۳۱۱ق به منظور تکمیل تحصیلات خویش، عازم نجف اشرف شد و از محضر اساتید آن دیار بهره جست. طی هفت سال اقامت شهید مدرّس در نجف، او به مقام منیع اجتهاد دست یافت و سپس به قمشه جهت تدریس علوم دینیه برگشت و به مدرّس مشهور شد.

اساتید، حضرات آیات: میرزا جهانگیرخان قشقایی، سیّد محمّدباقر دُرچه ای، شیخ مرتضی ریزی، میرزای شیرازی، سیّد محمّد فشارکی، شریعت اصفهانی و... .۳

شاگردان، آیات عظام: حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، سیّد مرتضی پسندیده (برادر بزرگتر امام خمینی رحمه الله)، میرزا علی آقا شیرازی و... .۴

آثار قلمی: کتاب حجیه الظّن، رساله ای در شرط متأخر، کتاب مبحث الاستصحاب، رساله فی شرایط الامام والمأموم، رساله ای در عقود و ایقاعات و... .۵

سرانجام: آن فقیه فرزانه پس از ۹ سال اسارت در قلعهٔ خواف، به دنبال اجرای نقشهٔ رضاشاه روانهٔ کاشمر گردید و در حوالی غروب ۲۸ رمضان ۱۳۵۰ق،۶ مطابق با ۱۰ آذر ۱۳۱۶ش، سه جنایتکار از نوکران رضاخان نزد مدرّس آمده و چای سمّی را به اجبار به او دادند و چون دیدند از اثر سمّ خبری نیست، عمامهٔ سیّد را در حین نماز از سرش برداشته به گردنش انداختند و آن فقیه بزرگوار را به شهادت رساندند.۷

مرقد: ایران، خراسان، کاشمر.۸

۱. اعیان الشیعه، سیّد محسن امین، ج۵، ص۲۱.

۲. دیدار با ابرار (۶۷)، شهید مدرّس ماه مجلس، ص۳۰.

۳. همان، ص ۲۹ - ۳۵.

۴. همـان، ص ۵۳، به نقل از مقالـۀ شخصـیّت علمی و فقهی مـدرّس، حجّه الاسـلام والمسـلمین ابوالفضل شـکوری، مندرج در کتاب مدرّس، ج ۲.

۵. شهدای روحانیّت شیعه در یکصد سال اخیر، ج ۱، ص ۱۸۶.

۶. اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۲۱.

۷. دیدار با ابرار (۶۷)، ص ۱۹۰ - ۱۹۱.

۸. علمای مجاهد، ص ۴۵۹.

- مرحوم مدرّس پیوسته ضمن سخنان خود، ضرورت همبستگی مسلمانان جهان را برای حفظ حیثیت و شرافت خود یادآور می شد و از این که دولتهای اسلامی با یکدیگر اتّحاد ندارند یا دول غربی درصدد استعمار آنان می باشند، به شدّت متأثّر بود.

- از جمله گفتارهای اوست: اسلام یک مدّت در دنیا ترقّی و توسعه پیدا کرد و آن همان مدّتی بود که جامعه (و ملّت یکپارچگی و وحدت) خودشان را حفظ کردند و بزرگانشان را اطاعت کردند، مساوات کردند، برادری کردند و بر اکثر دنیا در زمان کمی مسلّط شدند. (۱)- و در جای دیگر می گوید: ما خیلی همبستگی اسلامی خود را از دست دادیم، بلأخره باید بیدار شده، هوشیار شویم و جامعهٔ خودمان را حفظ کنیم. (۲)- آیت اللّه مدرّس هرچند برای سیّد جمال الدّین اسدآبادی احترام فراوانی قائل بود ولی برخی رفتارهایش را مورد انتقاد قرار داده و درباره اش می گفت: او باید خود را آوازهٔ همهٔ جهان نمی کرد و برای رفتن (از این دنیا) آماده می شد و ملّت و مردم ایران را با نفوذ کلامی که داشت مستعد و متّحد می کرد، باید در کنار فقرا می نشست و در میان مردم می رفت و می گفت؛ کما اینکه در مصر در کارش تا اندازه ای موفّق بود.

و در سخن دیگر می گوید: سیّد چرا اتّحاد اسلام و آزادی ملل اسلامی را، از دربارها و مراکز قدرتهای قاهره (ابرقدرتها) می خواهد؟ (۳)تلاش ها

- در گیرودار جنگ جهانی اول، ایشان به همراه عدّه ای دیگر از رجال نامی عازم قلمرو عثمانی شد و در نهایت ساده زیستی به محض ورود به استامبول، در مدرسهٔ ایرانیان این شهر به تدریس علوم دینی پرداخت، ولی پس از مدتی سلطان محمّد پنجم پادشاه عثمانی از وی

۱- (۱) . دیدار با ابرار (۶۷)، ص ۶۵، به نقل از مدرّس، ج۲، ص۲۹۱..

۲- (۲) . همان، ص ۶۴، به نقل از نطق ۸ شهریور ۱۳۰۴ش؛ به نقل از یادنامهٔ مدرّس، ص۱۶۵..

۳- (۳) . همان، ص ۶۹، به نقل از مجلّهٔ مجلس و پژوهش، شمارهٔ هفتم، سال دوّم، فروردین ۱۳۷۳..

دعوت کرد تا برای ملاقات و مذاکره در قصر او حضور یابد. شهید مدرّس در این ملاقات با استقامت و شجاعت و اعتماد به نفس شگفت انگیزی سخن گفت و از دولت عثمانی خواست تا از الحاق قسمتی از خاک آذربایجان به کشورش جلوگیری به عمل آورد. (۱) مرحوم آیت اللّه مدرّس در ملاقات با دیگر شخصیّتهای این کشور از وحدت مسلمین و زمینه های اقتدار مسلمانان و پیشرفت اسلام سخن گفت. (۲)- در دیداری که ایشان با خلیفهٔ عثمانی داشتند، وی شهید مدرّس را بسیار احترام نموده و می گوید: «اگر از تمامی کشورهای اسلامی دولتی بزرگ و با وحدت به وجود آید سبب پیشرفت اسلام و مسلمین است و این تنها دوای درد مسلمانها می باشد». مرحوم مدرّس در جواب می گوید: «بلی صحیح است ولی اگر مرام یا دین، مبنای وحدت جامعه قرار گیرد باید در همه جا به یکسان جامهٔ عمل بپوشد و وحدتی که در یک جامعه افراد قوی حاکم، و بقیه محکوم باشند وحدت نیست». (۳)

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج۲، ص۵۶۷، به نقل از مدرّس قهرمان آزادی، حسین مکّی، ج۱، ص۱۴۰ - ۱۴۱..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج۲، ص۵۶۷، به نقل از مدرّس مجاهدی شکست ناپذیر، ص۴۲..

۳- (۳) . دیدار با ابرار (۶۷)، ص۱۱۳، به نقل از مدرّس مجاهدی شکست ناپذیر، ص۴۲..

علّامه محمّدجواد بلاغی

متوفای: ۱۳۵۲ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد جواد، نام پدر: شیخ حسن، ولادت:

۱۲۸۲ق۱، محل تولّد: عراق، نجف اشرف، محلّهٔ براق.

تحصیلات: وی دوران کودکی را پشت سر نهاد و در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد. علوم مقدّماتی را در حضور نورانی علمای نجف فرا گرفت و تا ۲۴ سالگی از اساتید بزرگ آن حوزهٔ عظیم، استفاده های علمی و معنوی فراوان برد.۲ در سال ۱۳۰۶ق به کاظمین رفت و مدّت شش سال عمر پربرکتش را در آن شهر به تحصیل و تهذیب پرداخت. پس از آن مجدّداً به نجف باز گشت و در سال ۱۳۲۶ق وارد شهر سامرا گردید. این دانشمند وارسته آنچنان شیفتهٔ دانش و یادگرفتن بود که تا ۵۴ سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت می نمود.

اساتید، حضرات آیات: محمّد طه نجف، محمّد کاظم خراسانی، سیّد حسن صدرالدین کاظمی، شیخ محمّدحسین مامقانی، میرزا حسین نوری، میرزا محمّدتقی شیرازی و... .۳

شاگردان، آیات عظام: سیّد شهاب الدین مرعشی نجفی، سیّد ابوالقاسم خویی، سیّد هادی میلانی، سیّد محمّدصادق بحرالعلوم، محمّد مهدوی لاهیجی، میرزا محمّد علی ادبی تهرانی و... .

آثار قلمی: تفسیر آلاء الرحمن، الرحله المدرسیه یا المدرسه السیّاره، الهدی الی دین المصطفی صلی الله علیه و آله ، التوحید والتثلیث، انوار الهدی، نصایح الهدی، المسیح والانجیل، مصباح الهدی، نور الهدی، داروین واصحابه و... .۴

سرانجام: علّامه بلاغی، این چکاد تعبّد و تخصّص، فقیه و ادیب فرزانه، در شعبان المعظم ۱۳۵۲، ندای حضرت دوست را لبیک گفت و در آستان دوست جای گرفت.

مرقد: عراق، نجف، اشرف، حرم مطهّر امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، حجرهٔ جنوبی سوم در سمت غربی صحن.

۱. طبقات اعلام الشیعه، آقابزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۳۲۳.

۲. گلشن ابرار، ج۲، ص ۵۴۲.

۳. الکنی والالقاب، شیخ عبّاس قمی، ج۲، ص ۹۴.

۴. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۵۶.

تلاش ها

- تلاش های پیگیر و دفاع از اسلام در زمانی که تبلیغات ضدّ اسلامی - بعضاً با پشتوانه اهداف استعمارگرانه و به منظور تفرقه افکنی میان مسلمانان - صورت می گرفت. (۱)- تألیف چندین کتاب در راستای وحدت امّت اسلام: او پس از مشاهده نمودن اقدامات زهرآگین مستکبران در دامن زدن به آتش اختلافهای داخلی و ایجاد سنّت های جدید و تقویت آن مسلکهای مرموز و استعماری برای نشر دوگانگی در میان مسلمانان؛ به جهاد عظیم و مداوم خویش مشغول گشت و با تألیف کتابهایی چند - که از نظر علم و نقد و تحقیق نیز بهترین نمونه اند - به مبارزه با استعمار شوم پرداخت.

- تدوین رساله ها و کتابهای بسیار در نشر و تبیین معتقدات شیعه و ردّ و انکار مادیّون، مشرکان و گروههای ضالّه چون بهائیه، بابیه و قادیانیه و نیز پاسخ به شکوک و شبهات مبلّغان این مذاهب و فِرَق. (۲)- تألیف کتاب شریف الاحتجاج و رسالهٔ علمی رضاع: وی در این اثر علمی خود، آنچه از فروع فقهی در مذهب جعفری، یکتا و منحصر به فرد است را از کتاب و سنت و نیز از کتابهای مسند و صحاح اهل سنّت، دلیل می آورد. رسالهٔ رضاع نیز که از شاهکارهای دیگر وی در فقه مقارنه است که بنابر مذهب امامیه و اهل سنّت تألیف شده است.

۱- (۱) . علمای مجاهد، ص ۱۱۴..

۲- (۲) . همان..

عبدالحمید بن بادریس۱

متوفای: ۱۳۵۹ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: عبدالحمید، نام پدر: بادریس، ولادت: ۱۳۰۷ق، محل تولّد: قُسنطینه، الجزایر.

تحصیلات: وی مقدّمات ادب و علوم اسلامی را در زادگاه خود فرا گرفت و در ۱۳ سالگی تمام قرآن کریم را حفظ نمود. در ۱۳۲۶ق برای ادامهٔ تحصیل به تونس رفت، پس از چندی عازم حج گردید و در بازگشت به لبنان، سوریه و مصر سفر نمود و از عالمان آنجا اجازهٔ حدیث گرفت. ابن بادریس سپس به زادگاه بازگشت و در مسجد الاخضر به تربیت شاگردان و مبارزه با خرافه پرستی همت گماشت.

اساتید، شیخ محمّد نخلی قیروانی، محمّد طاهر بن عاشور، شیخ محمّد خضر حسین، شیخ سالم النیفر.

آثار قلمی: المنتقد، السنه، الصراط، الشریعه، الشهاب، تفسیر ابن بادریس فی مجالس التذکیر من کلام الحکیم، من الهدی النبوی صلی الله علیه و آله ، عقیده التوحید من القرآن والسنه.

سرانجام: ابن بادریس در ۱۳۵۹ق در حالی که پنجاه و دو بهار زندگی اش را پشت سر گذاشته بود، در قسنطینه درگذشت و برخی گفته اند که به دست عوامل حکومت فرانسه مسموم شد.

۱. علمای مجاهد، ص ۲۳ - ۲۵.

اندیشه ها:

– ابن بادریس همچون همهٔ مصلحان سدهٔ اخیر به تبلیغ شعار «بازگشت به قرآن و سنّت سلف صالح» روی آورد.

– از دید او چنین بازگشتی تنها آنگاه حرکت آفرین خواهد بود که اسلام موروثی مبتنی بر جمود، تقلید و جهل را نفی کند.

– او در زمینهٔ خلافت، نظری خاص داشت. در آن دوران بیشتر سلفیان اهل سنت برای تحقّق حکومت شرعی، به نظام خلافت چشم دوخته بودند، اما او به جای خلافت ایجاد «جماعه المسلمین» را پیشنهاد کرد.

– شعار عبدالحمید بن بادریس در زمان مبارزه تنها این جمله بود که: اسلام دین من، عربی زبان من، الجزایر میهن من.

– ابن بادریس اگر چه مالکی مذهب بود اما بر مذاهب دیگر احاطه داشت. با این همه آنچه او را به صورت یکی از چهره های برجستهٔ اصلاح طلبی در تاریخ معاصر درآورد، مبارزهٔ اساساً فرهنگی او با استعمار فرانسه و خرافه پرستی و عقب ماندگی مسلمانان بود.

تلاش ها

– تأسیس جمعیّت علمای الجزایر: بی گمان در میان کارهای ابن بادریس از همه مهمتر، تأسیس همین جمعیّت بود. این جمعیّت اگرچه در آغاز کار هدف اخلاقی داشت و شاید الگوی آنان جماعت «المنار» رشید رضا در مصر بود، اما به تدریج در پرتو اندیشه ها و کارهای ابن بادریس گامهای بلندتری برداشت و سرانجام به مهمترین سازمان سیاسی برای مقاومت در برابر استعمار و فرانسه تبدیل شد. بیشتر کسانی که به این جمعیّت پیوستند، کسانی بودند که تحت تأثیر اندیشه های (وحدت آفرین منادیان وحدت امّت اسلام یعنی) سیّد جمال الدین اسدآبادی، شیخ محمّد عبده و شکیب ارسلان قرار داشتند.

– ارسال برخی از طلاب به مراکز مهم علمی مانند الازهر، زیتونه، قرویین و...

– دیدار با شیخ محمّد عبده مصلح و مفتی بزرگ مصر و نیز مطالعهٔ دو مجلّهٔ المنار و عروه الوثقی که در اندیشه های اصلاح طلبانهٔ ابن بادریس تأثیر بسزایی گذاشت.

آیت اللّه ابو عبداللّه زنجانی

متوفای: ۱۳۶۰ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: ابو عبداللّه، نام پدر: میرزا نصراللّه، ولادت:

۱۳۰۹ق، محل تولّد: ایران، زنجان.

تحصیلات: وی در سنین جوانی به حوزه علمیّه وارد شد و در رشته های فلسفه، کلام، ادبیات عرب، مبادی فقه و اصول، ریاضیات و علوم فلک، شروع به تحصیل نمود. در سال ۱۳۲۹ق به تهران رفت و مدّت کمی در مدرسهٔ فرانسوی سنلوئیی به تحصیل پرداخت۱.

ابوعبداللّه چندی بعد به زنجان بازگشت و سپس با برادر دانشمند خویش، زنجان را به قصد حوزهٔ علمیهٔ نجف ترک گفت. او پس از مدّتی تحصیل در نجف و استفاده از استادان آن دیار، به ملکهٔ اجتهاد دست یافت و از محضر عالمان و مجتهدانی چون: سیّد ابوالحسن اصفهانی، سیّد محمّد فیروز آبادی، هبه الدّین شهرستانی، شیخ الشّریعه اصفهانی و شیخ عبدالکریم حائری در سال ۱۳۳۸ق اجازهٔ اجتهاد دریافت نمود.

اساتید، حضرات آیات: میرزا ابراهیم فلکی (از شاگردان فیلسوف بزرگ ابو الحسن جلوه)، سیّد کاظم یزدی، شیخ الشّریعه اصفهانی، سیّد ابو الحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی، میرزا حسین نائینی۲.

آثار قلمی: تاریخ القرآن، الفیلسوف الفارسی الکبیر صدر الدین شیرازی، طهارت اهل کتاب، زندگی محمّد صلی الله علیه و آله و سلم ، عظمت حسین بن علی علیهما السلام ، سرّ انتشار اسلام، مقایسه حال المسلمین فی هذه الاعصار مع الازمنه السابقه فی العز والذّل، و چندین کتاب ارزشمند دیگر.۳

سرانجام: آیت اللّه استاد ابو عبداللّه زنجانی پس از عمری تلاش و مجاهدت علمی در جهت گسترش معارف الهی، در روز پنج شنبه ۷ جمادی الثانی سال ۱۳۶۰ق، روح پاکش به سوی حضرت حق پرواز نمود.

مرقد: عراق، نجف اشرف، آرامگاه خانوادگی ایشان.

۱. گلشن ابرار، ج ۴، ص ۳۲۹، به نقل از کیهان اندیشه، «شرح حال و آثار عبداللّه زنجانی»، نوشتهٔ سیّد صالح شهرستانی (از دوستان و شاگردان زنجانی)، ترجمهٔ آرش مردانی پور، ش۶۱، ص۱۴؛ علمای نامدار زنجان در قرن چهاردهم، زین العابدین احمدی زنجانی، ص۶۹.

۲. همان، ص ۳۳۰، به نقل از کیهان اندیشه، ش۶۱، ص۱۴.

۳. همان، ص ۳۳۶ - ۳۳۷.

- آیت اللّه زنجانی وظیفهٔ خویش را تبلیغ و نشر معارف الهی و تلاش در جهت گسترش وحدت بین مسلمانان می دانست.

- ایشان وحدت بین حوزه و دانشگاه را امری بسیار مهم برمی شمرد و تلاش هایی نیز در این راستا نمود.

- استاد زنجانی عقیده داشت نباید مرزهای زبانی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی، این امّت واحده را گرفتار کشاکش و تشتّت سازد و خود به جِدّ در این راه کوشید. (۱)- چنانکه علّامهٔ زنجانی اشاره دارد ایشان (آیت اللّه ابوعبداللّه زنجانی) در صدد نگاشتن تفسیری بوده که ظاهراً اجل فرصت نداده تا این قصد را عینیّت بخشد. (اما همّت او در تألیف) کتاب تاریخ قرآن، در میان سُنیان تأثیر بسزایی داشته و مورد اهتمام عالمان و روشنفکران آنان قرار گرفته است. دکتر احمد امین، نگارندهٔ کتاب فجر الاسلام، آن را گامی در راه وحدت اسلامی به شمار آورده است. (۲)تلاش ها (۳)

- سفرهای متعدّد و گفتگو با عالمان اهل سنت در جهت وحدت اسلامی.

- سفر به قاهره در سال ۱۳۵۴ق: وی در این سفر مورد استقبال استادان بسیاری از دانشگاه الازهر قرار گرفت.

- کنفرانس استاد زنجانی در مرکز علمی «دار الهدایه الاسلامی»: متن این کنفرانس در نشریهٔ مصری الفتح به چاپ رسید.

- دیدار با مصطفی مراغی رئیس دانشگاه الازهر در خصوص وحدت فرقه های اسلامی.

- گفتگو با عبدالرحمن شهبندر، عبد الوهاب غرام و عدّه ای دیگر از استادان، پیرامون ایجاد اتّحاد بین مسلمانان.

- اقدام در جهت وحدت بخشیدن بین دو سرچشمهٔ علم یعنی حوزه و دانشگاه.

ص:۳۱۴

۱- (۱) . میعاد با سپیده گشایان، آرش مردانی پور، ص ۱۰..

۲- (۲) . همان، ص ۱۹، به نقل از ترجمهٔ فارسی کتاب تاریخ قرآن، ابو عبداللّه زنجانی..

۳- (۳) . گلشن ابرار، ج۴، ص۳۲۹ - ۳۳۷؛ میعاد با سپیده گشایان، آرش مردانی پور، ص ۱۰ - ۱۹..

آیت اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی

متوفای: ۱۳۲۵ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام مجتبی علیه السلام

نام: سیّد حسین، نام پدر: سیّد محمود،۱ ولادت: ۲۸ رجب ۱۲۸۲ق، محل تولّد: ایران، قم.۲

تحصیلات: پس از گذراندن دوران کودکی راهی مکتب خانه شد و به ادبیات عرب مشغول گردید. پس از چند سال جهت تکمیل تحصیلات راهی تهران شد و کتابهایی چون معالم، قوانین، شرح لعمه، رسائل و مکاسب را نزد اساتید آن دیار به اتمام رسانید. پس از ۲ سال به تهران آمد و در حوزهٔ شهر، از محضر بزرگان حوزه استفاده برد. پنج سال بعد مجدداً به نجف اشرف، نزد اساتید بزرگ شتافت. حاج آقا حسین در مدّتی که در آن شهر حضور داشت از تمام اساتید خود اجازهٔ اجتهاد گرفت.۳

اساتید در تهران، نجف و سامرا؛ حضرات آیات:

میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا هاشم رشتی، شیخ علی نوری، شیخ فضل اللّه نوری، میرزا محمّد حسن آشتیانی، میرزا محمود قمی،۴ میرزا حبیب اللّه رشتی، محمّد کاظم خراسانی، سیّد محمّد کاظم یزدی، سیّد احمد کربلایی، آخوند ملّا علی نهاوندی، میرزا محمّد تقی شیرازی و... .

شاگردان در تهران و کربلاء، آیات عظام: میرزا حسن بجنوردی، ملّا عبّاس تربتی، شیخ فاضل قفقازی، سیّد صدر الدین جزائری، شیخ عباسعلی اسلامی، سیّد حسن طباطبایی قمی، شیخ کاظم دامغانی، شیخ علی توحیدی بسطامی،۵ سیّد زین العابدین کاشانی حائری، شیخ محمّد حسین صدقی مازندرانی و... .۶

آثار قلمی: حاشیه بر صحه المعاملات، هدایه الانام فی المسائل الحلال والحرام، ذخیره العباد، طریق النجاه، منتخب الاحکام، حاشیه بر مجمع المسائل، مختصر الاحکام، مناسک حج، حاشیه بر رسالهٔ ارث و نفقات و... .۷

سرانجام: ایشان پس از عمری تلاش و خدمت به اسلام، ۱۴ ربیع الاول ۱۳۶۶ق، در ۸۴ سالگی به دیار باقی شتافت و روح پاکش در اعلی علیّین جای گرفت.

مقبره: عراق، نجف اشرف، حرم مطهّر امیر المؤمنین علی علیه السلام ، مقبرهٔ شیخ الشریعه اصفهانی واقع در صحن.

۱. موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۴/۱، ص۲۳۸

۲. فوائد الرضویه، شیخ عبّاس قمی، ص۳.

۳. الغدیر، علّامهٔ امینی، ج۴، ص۴۰۴؛ گلشن ابرار، ج۲، ص ۵۹۱ - ۵۹۲.

۴. نقباء البشر، آقا بزرگ تهرانی، ج۲، ص۶۵۳.

۵. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۹۳، به نقل از حاج آقا حسین قمی، قامت قیام، محمّد باقر پور امینی، ص ۴۴ - ۵۲ .

۶. همان، ص ۵۹۳ .

۷. معجم المؤلّفین، عمر رضا کحاله، ج ۴، ص ۶۱؛ نقباء البشر، ج ۲، ص ۶۵۵.

تلاش ها

- بـا شـروع جنـگ جهانی دوّم در سال ۱۳۶۰ق، نیروهـای مهاجم انگلیسـی به کشور عراق حمله کردنـد، لیکن با مقابلـهٔ مردم مواجه شدنـد و نبردهـای شدیـدی بین آنـان صورت گرفت. به گواهی تاریـخ، علمـای آن عصـر، نقش سـرنوشت سازی را در تهییج مردم در مقابله با آنان (نیروهای انگلیسـی) داشتند. آیت اللّه قمی با صدور فتوایی مردم را به مقابله با نیروهای مهاجم فرا خوانده و دفاع از کیان اسـلام را جزء بهترین عبادتها شـمرد. ایشان ضمن دعوت مردم و نیروهای دفاعی به هماهنگی و وحدت نسبت به تلاش برای اختلاف اندازی و تفرقه میان نیروهای مسلمان، هشدار داده بود. (۱)

ص:۳۱۶

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۹۸..

محمّد علی جناح

متوفای: ۱۳۶۶ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد علی، نام پدر: یونجاجنه، ولادت: ۱۲۹۴ق، محل تولّد: پاکستان، کراچی.

تحصیلات: او پس از گذراندن ایّام کودکی، دروس ابتدایی و راهنمایی را در یکی از مدارس مسلمانان به اتمام رسانید، سپس در مدرسهٔ بزرگ «سند» ادامهٔ تحصیل داد. محمّد علی ۱۶ ساله بود که به لندن مراجعت نمود و در دانشکدهٔ حقوق به ادامهٔ تحصیل پرداخت و با دریافت گواهینامهٔ حقوق به شهر کراچی مراجعت نمود.۱ سخت کوشی و انضباط فکریِ او، صعودش را به مراکز قدرت آسان نمود، تا اینکه در سال ۱۹۰۵م به طور رسمی وارد عرصهٔ سیاست گردید.۲

سرانجام: محمّدعلی جناح رهبر مسلمانان شبه قارهٔ هند پس از عمری تلاش خستگی ناپذیر در راه اتّحاد امّت اسلام و خدمات ارزنده ای همچون تشکیل حکومت مستقل و اسلامی پاکستان، در ۷۲ سالگی در اثر سکتهٔ قلبی دارفانی را وداع و به سرای باقی شتافت.۳

۱. اعیان الشیعه، ج۹، ص۴۲۸.

۲. پایگاه اطّلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، شهریور ماه ۱۳۸۶.

۳. اعیان الشیعه، ج۹، ص۴۲۹.

- وی معتقد بود که قدرت جهان اسلام وابسته به همبستگی دولتها و ملّتهای اسلامی است.

- او می گفت: وظیفهٔ ماست که به برادران مسلمانمان در هر جای دنیا که هستند کمک کنیم، از چین تا پرو، چرا که اسلام به ما توصیه می کند تا وظیفهٔ خود را برای نجات برادران مسلمان خود ادا کنیم.

- جناح از همهٔ مسلمانان به نیکی یاد می کرد و آنان را به سوی وحدت و تشکیل امّت اسلامی فرا می خواند. (۱)تلاش ها

- پیگیری های فراوان جهت تشکیل حکومت مستقل و اسلامی در پاکستان.

- قرار گرفتن در رأس حکومت پاکستان به مدّت ۱۳ ماه.

- تلاش جهت برطرف ساختن نزاع و درگیری بین دو کشور کشمیر و هندوستان و نیز ایجاد روابط دوستانهٔ متقابل.

- صدور قانون اوقاف مسلمین که مسلمانها با شادمانی از او استقبال نمودند.

- حمایت همه جانبهٔ مسلمانان از فعّالیّتهای جناح: در آن زمان دولت هند درصدد تشکیل قانون اتّحاد و ایجاد فرمانداری های محّلی گردید که همهٔ مسلمانان، محمّد علی جناح را در تأسیس کارهایش تأیید نمودند. (۲)- دعوت از مسلمانان مصر، اندونزی، ایران، عربستان و افغانستان برای همکاری و مساعدت به هم دیگر.

۱- (۱) . پایگاه اطّلاع رسانی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، شهریور ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲) . اعیان الشیعه، ج۹، ص ۴۲۸-۴۲۹..

در نگاه دیگران

- اقبال لاهوری: وی منجی مسلمانان هند و حتی منجی تمام هندوستان می باشد.

- گاندی: جناح سرسخترین فرد ملّی و مایهٔ امید هند است.

- علاوه بر افراد مذکور افرادی مثل دکتر زوار زیدی، استلی ولپرت، بیورلی نیکولس و... از جناح به عنوان فردی سیاستمدار، صادق، وفادار به مردم، با انصاف نسبت به دیگران یاد کرده اند.

ص:۳۱۹

آیت اللّه العظمی میرزا محمّدعلی شاه آبادی

متوفای: ۱۳۶۹ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد علی، نام پدر: میرزا محمّد جواد، ولادت:

۱۲۹۲ق، محل تولّد: ایران، اصفهان.

تحصیلات: وی مقدّمات علوم را نزد پدرش گذراند و سپس در کلاس درس برادر بزرگتر خویش شرکت نمود، مدّتی بعد در درس آیت اللّه میرزا هاشم خوانساری حضور به هم رسانید. در ۱۳۰۴ق در درس فقه و اصول آیت اللّه میرزا حسن آشتیانی و نیز عرفان میرزا ابو الحسن جلوه که در تهران برگزار می شد شرکت نمود و در ۱۸ سالگی به درجهٔ اجتهاد نائل آمد.۱

اساتید، در اصفهان، تهران، نجف و سامرا، حضرات آیات: میرزا محمّد جواد بیدآبادی (پدر)، شیخ احمد مجتهد (برادر)، میرزا هاشم خوانساری، میرزا حسن آشتیانی، میرزا ابو الحسن جلوه، آخوند خراسانی، شیخ الشّریعه اصفهانی، میرزا محمّد حسن خلیلی، میرزا محمّد تقی شیرازی، سیّد اسماعیل صدر.

شاگردان، آیات عظام: امام خمینی رحمه الله ، سیّد شهاب الدین مرعشی نجفی، حاج میرزا هاشم آملی، شیخ محمّد رضا طبسی نجفی، حاج محمّد ثقفی تهرانی (پدر همسر حضرت امام رحمه الله).۲

آثار قلمی: شذرات المعارف، رشحات البحار، مفتاح السعاده فی احکام العباده، حاشیه نجاه العباد، منازل السالکین، حاشیهٔ کفایه الاصول آخوند خراسانی، حاشیه فصول الاصول، رساله العقل والجهل و... .۳

سرانجام: در ساعت ۲ بعد از ظهر روز سوم صفر ۱۳۶۹ق پس از هفتاد و هفت سال عمر پر برکت، روح استادِاخلاقِ حضرت امام خمینی رحمه الله ، به ملکوت اعلی پرواز کرد و در جوار رحمت حق آرمید.

مرقد: ایران، شهر ری، بارگاه حضرت عبد العظیم علیه السلام ، مقبرهٔ شیخ ابو الفتح رازی.

۱. گلشن ابرار، ج۲، ص۶۰۱ - ۶۰۲.

۲. همان، ص۶۰۶.

۳. همان، به نقل از آئینهٔ دانشوران، سیّد علی رضا ریحان یزدی، به کوشش باقر بیدهندی، ص۱۸۵؛ مجلّهٔ تاریخ و فرهنگ معاصر، ش ۵، ص۱۹۱ - ۱۹۲.

- ایشان تفرقه را سبب ناتوانی مسلمین در مقابل دشمنان اسلام می دانست و آن را موجب ضعف مادی و معنوی به شمار می آورد. او اخوّت و برادری را بهترین سلاح برای پیروزی مسلمین معرّفی می نمود.

به جهت حفظ امانتداری کلام بزرگان، عین سخنان ایشان را در اینجا ذکر می کنیم هرچند شیوهٔ ادبیاتی ایشان، تاحدی سنگین و رایج عصر خود بوده است.

ایشان می گفت: «یکی از اسباب ممرضهٔ مسلمین، افتراق مسلمین و انفصام خیط اخوّت از میانهٔ آنهاست. به واسطهٔ اختلاط با اجانب که موجب اضمحلال هر یک شده معاشاً و معاداً، حتی آن که اجتماعات مختلفه المسالک موجب ضعف و اختلال است. فضلاً عن الانفراد (۱) و هرچه انفراد بیشتر شود اختلال و انحلال (۲) شدّت نماید تا به سرحدّ انعدام همهٔ جهات و حیثیّات رسد؛ چنان چه حس اعداء این جهت را، موجب هیجان و حرکت سریعهٔ آن ها گردیده (۳) و البته با این حالت حاضره اساس زندگی دینی و دنیوی شما را برچیده و مصداق آیهٔ کریمهٔ «خَسِرَ الدُّنْیا وَ الآخِرَهَ ذلِکَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِینُ» (۴) خواهد گردید. (۵)در نتیجه باید بگوئیم «لا عدّه الا بالاُخوّه» (۶) زیرا که عدد، اگرچه فوقِ حدّ نهایت بوده باشد، ولی مادامی که مرتبط نشوند به خیط اخوّت، در حکم غیریّت و مباینت است چنان چه دانه های تسبیح، مادامی که به واسطهٔ خیطی منتظم نشوند حرکت هیچ کدام باعث حرکت دیگری نگردد. (۷)

۱- (۱) . اجتماعاتی که متّحد و متّفق هستند لکن دارای مسلک های گوناگون می باشند، در معرض خطر ضعف و از هم پاشیدگی قرار دارند، چه رسد به جوامعی که اتّحاد و یگانگی در آنها وجود نداشته باشد و دچار تکروی و انفراد باشند..

۲- (۲) . اختلال: اضطراب و ناپایداری؛ انحلال: از هم پاشیدگی..

۳- (۳) . دشمنان دین این مطلب را فهمیده اند که رمز موفقیّت آنان در تفرقه و پراکندگی مسلمانان است (فَرِّق تَسِدْ: تفرقه بینداز - حکومت کن)..

۴- (۴) . سورهٔ حج، آیهٔ ۱۱..

۵- (۵) . عارف کامل (آیت اللّه میرزا علی شاه آبادی)، ص ۱۸۱..

۶- (۶) . یعنی: عدّه حاصل نیاید، مگر به اخوّت و برادری..

۷- (۷) . همان، ص ۱۸۴..

آیت اللّه سیّد محسن امین

متوفای: ۱۳۷۱ق

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام سجّاد علیه السلام

نام: سیّد محسن، نام پدر: عبدالکریم، ولادت:

۱۲۸۴ق، محل تولّد: لبنان، جبل عامل، روستای شقرا.

تحصیلات: او در کودکی قرآن را آموخت و شش ساله بود که به فراگیری نحو و خوشنویسی روی آورد.

دروس مقدّمات را طی نمود و سپس در سال ۱۳۰۱ق به بنت جبیل رفت و از محضر عالمان آن دیار بهره جست.

سیّد محسن در سال ۱۳۰۸ق راهی دریای علوم و معارف یعنی نجف اشرف گشت و در درس بزرگان حوزه حضور یافت. پس از آموختن کتابهای لمعه، قوانین و رسائل، در درس خارج فقه و اصول شرکت نمود.

اساتید، حضرات آیات: سیّد علی بن سیّد محمود عاملی، سیّد احمد کربلایی، شیخ محمّد باقر نجم آبادی، شیخ الشریعه اصفهانی، شیخ محمّد کاظم خراسانی، حاج آقا رضا همدانی، شیخ محمّد طه نجف.

آثار قلمی: از آن بزرگ مرد حدود صد جلد کتاب و رساله برجای مانده است که به برخی از آنان اشاره می گردد: اعیان الشیعه، تاریخ جبل عامل، البحر الزخار فی شرح احادیث الائمه الاطهار علیهم السلام ، حذف القتول عن علم الاصول، حاشیه بر عروه الوثقی، المجالس السنیه فی مناقب ومصائب العتره النبویه علیهم السلام ولواعج الاشجان.

سرانجام: ایشان ۸۷ ساله بود که پس از سالها تلاش در جهت خدمت به اسلام و مسلمین در ماه رجب المرجب سال ۱۳۷۱ق، پس از مدّتی بیماری، چشم از جهان هستی فرو بست و در جوار مرقد دخت گرامی أمیر المؤمنین علی علیه السلام آرمید.۱

مرقد: سوریه، دمشق، زینبیه علیها السلام .

۱. گلشن ابرار، ج۲، ص۶۱۶.

اندیشه ها

- آیت اللّه امین معتقد بود اختلاف نژادها و مذهبها موجب دشواری و تنگناست. (۱)- در نگاه آسمانی او همهٔ کشورهای اسلامی وطن شمرده می شدند و همهٔ ساکنان آن برادران یکدیگر به شمار می آمدند. (۲)- به عقیدهٔ وی نبرد و درگیری میان شیعه و سنی شایستهٔ مقام انسانیّت نیست.

- ایشان خود را پدری پیر و مهربان برای همهٔ مسلمانان و بلکه همهٔ انسانها به شمار می آورد.

تلاش ها

- تشکیل صفوف وحدت و بجای آوردن فریضهٔ نماز جماعت در مسجد صخره - فلسطین. (۳)- استفادهٔ همزمان از اساتید شیعه و سنی در مدرسهٔ علویه که خود مؤسّس آن بود (در جهت تحکیم وحدت مسلمانان).

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۱۳..

۲- (۲) . روزی یکی از برادران اهل سنت نزد آیت اللّه امین رفت و گفت: می خواهم شیعه شوم. سیّد فرمود: فرقی میان شیعه و سنی نیست. هر وقت خواستی می توانی به نظرات مجتهدان شیعه عمل کنی. مرد که هرگز گمان نمی کرد بدین سادگی در جمع شیعیان جای گیرد، همچنان از سیّد می خواست او را شیعه کند. مرجع مسلمانان نگاهی مهرآمیز به وی افکنده، فرمود: بگو لا اله الا اللّه، محمّد رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم . چون این مرد این کلمات بر زبان راند، سیّد فرمود: اینک شیعهٔ جعفری شدی. مرد شگفت زده و ناباورانه مجلس را ترک گفت. (همان، ص ۶۱۵)..

۳- (۳) . در سفر ایشان به فلسطین چون هنگام نماز عصر فرا رسید، خدمتکار مسجد صخره، که بزرگی و دانش سیّد را دریافته بود، آنها را به گوشه ای از مسجد برد تا با خاطری آسوده به عبادت پردازند. سیّد محسن پرسید: چرا ما را بدین جای آورده ای؟ می خواهیم در نماز جماعت شرکت کنیم. خادم گفت: آقای من! شما با ما نماز می گزارید؟ مرجع شیعیان جنوب لبنان و دمشق پاسخ داد: چرا با شما نماز نگزاریم؟ آیا ما و شما هردو مسلمان نیستیم؟ آنگاه همگی برخاسته، همراه امام مسجد، نماز جماعت را به جای آوردند. (گلشن ابرار، ج۲، ص ۶۱۴)..

- ایســتادگی در برابر تفرقـه انگیزان فرانسـوی. (۱)- دعـوت مردم به وحـدت و برادری: ایشـان همواره بـا سـخنان روشـنگرانهٔ خویش، مردم را به سوی استقلال و رهایی از بند بیگانگان و نیز وحدت فرا می خواند.

- دفـاع از جـدا سازی برادران اهل سـنت با شـیعیان، در اعتراض به تصـمیم دولت سوریه؛ لـذا هنگامی که دولت سوریه قانون انتخابات را تصویب کرد، دولت سوریه در اطّلاعیه ای اعلام داشت که تعـدادی از کرسـیهای مجلس را در اختیار اهل سـنت و بقیه را در اختیار اقلّیتهای مذهبی قرار داده است. آیت اللّه سیّد محسن امین این مرجع بزرگ شیعه در برابر این قانونِ آشکار و نفـاق آمیز، - که شـیعه را از برادران اهـل سـنت جـدا ساخته و در گروه اقلّیتها قرار می داد - ، ایسـتادگی کرد و در نامه ای به سران دمشق یادآور شد که شـیعه، مسلمانان را یک گروه می داند و هرگز خود را از برادران اهل سنت جدا نمی شمارد. بدین ترتیب ایشان قانونِ حکومت را اصلاح کرد و شیعه و سنی را در یک گروه جای داد.

مجموعه تلاش های آن فقیه وارسـته در قبل و بعد از استقلال سوریه، دولت را بر آن داشت که نام محلّهٔ زندگی آن آفتاب بی غروب را به محلّهٔ امین تغییر دهد. (۲)

۱- (۱) . برای مثـال فرانسوی هـا قـانون ضـدّ اسـلامی وضع می کردنـد و چون بـا مخالفت دانشـمندان دینی و مردم روبرو می شدنـد، اهـل سـنت را از اجرای آن معـاف می ساختنـد. بـدین ترتیب دو گروه مسـلمان شـیعی و سـنی را از یکـدیگر جـدا می ساختند. (گلشن ابرار، ج۲، ص ۶۱۴)..

۲- (۲) . همان، ص ۶۱۵ - ۶۱۶..

آیت اللّه سیّد عبداللّه بلادی بوشهری

متوفای: ۱۳۷۲ق

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام کاظم علیه السلام

نام: سیّد عبداللّه، نام پدر: سیّدابوالقاسم، ولادت: دوم جمادی الثانی، ۱۲۹۱ق، محل تولّد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: وی خواندن کتب فارسی، خط، املا و انشاء را نزد اساتید محلی خود آموخت. در ۱۳۰۰ق به همراه خانواده به بوشهر رفت و دروس مقدماتی حوزوی از قبیل صرف و نحو و... را یاد گرفت. سیّد عبداللّه پس از اتمام مقدمات در ۱۳۱۱ق به زادگاهش نجف اشرف بازگشت. او سه سال در آنجا به درس و بحث مشغول بود، اما در سال ۱۳۱۴ق به بوشهر و پس از دو سال به شیراز و در نهایت در سال ۱۳۱۹ق برای دومین بار برای تکمیل دروس عالیهٔ خود به نجف بازگشت. سیّد عبداللّه بلادی پس از سالها تلاش در ۱۳۲۴ق به درجهٔ رفیع اجتهاد نائل آمد.۱

اساتید، حضرات آیات: شیخ محمّد رحیم کازرونی، حبیب اللّه سلطان آبادی، سیّد محمّد مهدی بلادی، سیّد محمّد علی بهبهانی، سیّد سلیمان ملقّب به صدر الاسلام بهبهانی،۲ سیّد عبّاس کربلایی، آخوند خراسانی، سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ عبدالهادی بغدادی همدانی، سیّد محمّد بحر العلوم، شیخ الشریعه اصفهانی و... .

آثار قلمی: آیت اللّه سیّد عبداللّه بلادی در طول حیات پر برکت خویش بیش از ۸۰ کتاب و رساله در موضوعات مختلف تألیف نمود که برخی از آنان از این قرارند: الردود الستّه، رحله الحرمین، سدول الجلباب فی فوائد الحجاب، کشف الاسرار، تشجیع دلیران یا نهضت ایران، الفصول الخمسه، کتاب الابرار، الدعوات النوریّات، ثابت القدم فی شکر النعم، بروج الفحول فی علم الاصول و... .۳

سرانجام: آیت اللّه سیّد عبداللّه بلادی بوشهری پس از عمری مجاهدت علیه استعمار و تلاش در عرصهٔ فرهنگ تشیع و خدمت به مردم، در سن ۸۳ سالگی برابر با ۲۳ محرم ۱۳۷۲ق بر اثر عارضهٔ سکتهٔ قلبی در بوشهر، به سرای باقی شتافت.۴

مقبره: عراق، نجف اشرف، وادی السلام.۵

۱. گلشن ابرار، ج ۴، ص ۳۹۶، به نقل از نگاهی به مبارزات و اندیشه های سیّد عبداللّه بلادی بوشهری، ص۲۴.

۲. همان، به نقل از نگاهی به بوشهر، ص ۲۲.

۳. همان، ص ۴۰۰ – ۴۰۳.

۴. همان، ص ۴۰۴، به نقل از نگاهی به مبارزات و اندیشه های سیّد عبد للّه بلادی بوشهری، ص ۵۰.

۵ . همان، ص ۴۰۴.

– وی در سال ۱۳۲۶ق (یعنی سالهای اوج انقلاب مشروطه) به عنوان نمایندهٔ آخوند خراسانی، عازم بوشهر شد و در آنجا با عضویّت در انجمن اتّحاد اسلام (۱) خدمات فراوانی را در این راه به ثمر رسانید. (۲)– در ۱۶ شعبان سال ۱۳۰۳ق؛ سیّد جمال الدّین اسدآبادی که قصد مسافرت به عربستان سعودی را داشت، در بوشهر توقّف می کند و با علما و شخصیّتهای آن دیار، دیدار و افکار و نظریات خود را در جمع آن ها بیان می کند.

آیت اللّه سیّد ابوالقاسم بلادی به همراه فرزندش سیّد عبداللّه بلادی نیز در این جلسه شرکت می کند. همین ملاقات، آن هم در سنین نوجوانی باعث رویش و رشد بذر انقلاب و جهاد با کفر و ظلم در دل سیّد عبداللّه گردید و از او مبارزی نستوه ساخت. آیت اللّه بلادی بعدها در کتابها و سخنرانی های خود از سیّد جمال الدّین به خوبی یاد کرده و از این که معاصران وی، پیامش را درک نکرده اند اندوهگین شده و ابراز تأسّف می کرد. (۳)– دفاع از اسلام و شریعت: آیت اللّه سیّد عبداللّه بلادی در تمام عمر با برکتش، از اسلام و فرهنگ تشیّع دفاع کرد و در مقابل هجوم دشمنان دین علیه مقدّسات اسلامی ایستادگی نمود.

نمونه های این اقدامات را در کتابهای تاریخ می توان یافت. (۴)

ص:۳۲۶

۱- (۱) . انجمنی که به طرفداری از مشروطه در بوشهر به وجود آمد..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج ۴، ص ۳۹۷، به نقل از نگاهی به مبارزات و اندیشه های آیت اللّه بلادی بوشهری، ص ۳۰..

۳- (۳) . همان، به نقل از نگاهی به مبارزات و... ، ص ۲۱..

۴- (۴) . به عنوان نمونه در سال ۱۳۴۶ق، در راستای تضعیف فرهنگ تشیّع و ترویج فرقهٔ ضالّهٔ بهائیت، به دستور دولت مرکزی، یک بهایی به سِمت فرماندار بوشهر منصوب شد. این تصمیم با مخالفت آیت اللّه بلادی روبرو شد. او علیه فرقهٔ بهائیت و فرماندار بهایی بوشهر سخنرانی کرد و مردم را به مخالفت با فرماندار فرا خواند. مردم هم تظاهرات به راه انداختند و هم صدا با سرودن اشعار طنزآمیزی مخالفت خود را با فرماندار بهایی اعلام کردند. به عنوان مثال همگی فریاد می زدند: حاکم بابی نمی خواهیم دستمال آبی نمی خواهیم پس از مدّتی با مقاومت مردم، فرماندار بهایی عوض شد. (همان، ص ۳۹۹، به نقل از نگاهی به مبارزات و...، ص ۴۷).

- تألیف کتاب الردود الستّه: این کتاب که در شش فصل تدوین شده، ردّی است بر کتاب ابن تیمیّه که علیه شیعه تألیف کرده است.

آیت اللّه بلادی بوشهری علّت تألیف را چنین می نگارد:

بعضـی از دوسـتان من به سـفر حجاز رفتنـد و در ایّامی که در حجاز بودند، کتاب ابن تیمیّه را خریداری کرده، با خود به ایران آوردنـد و به من دادنـد. من از اوّل تـا آخر کتـاب را به دقّت مطـالعه کردم. تاکنون کتابی ندیـدم که در آن این قـدر اهانت و عتاب علیه شیعه شده باشد. تصمیم گرفتم تا جواب او را از قرآن و روایات متواتر بدهم تا حق از باطل شناخته شود. (۱)

ص:۳۲۷

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۴، ص ۴۰۱، به نقل از الردود الستّه، ص ۱..

آیت اللّه العظمی سیّد محمّد تقی خوانساری

متوفای: ۱۳۳۱ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام موسی کاظم علیه السلام

نام: سیّد محمّد تقی، نام پدر: سیّد اسد اللّه، ولادت:

۱۲۶۷ق، محل تولّد: ایران، اصفهان، خوانسار.

تحصیلات: وی پس از گذراندن نونهالی به مکتب خانه رفت، او تا قبل از سن ۱۷ سالگی ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدّماتی علوم اسلامی و نیز قسمتهایی از فقه و اصول را در حوزهٔ خوانسار خواند.۱ پس از آن، عازم نجف گردید و مدّت ۴ سال در درس آخوند خراسانی شرکت کرد. وی مدّتی نیز در دروس آیت اللّه آقا ضیاء عراقی شرکت نمود و هنگامی که او بعدها به ایران بازگشته بود، آقا ضیاء، اجتهاد نامهٔ شاگردش سیّد محمّد تقی خوانساری را برایش فرستاد.۲

اساتید، حضرات آیات: آخوند خراسانی، سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی، آقا ضیاء عراقی و... .۳

شاگردان، آیات عظام: محمّد علی اراکی، آقا مجتبی عراقی و... .۴

آثار قلمی: تقریرات کتاب الطهاره، منتخب الأحکام(رسالهٔ عملیّه).۵

سرانجام: آیت اللّه العظمی خوانساری پس از حدودیک قرن زندگی وحدت آفرین، ظهر هفتم ذیحجه ۱۳۷۱ق، به احرام جانان درآمد و لبیک گویان به سرای او شتافت.

مقبره: ایران، قم، بالا سر حرم مطّهر حضرت معصومه علیها السلام .۶

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۱۷، به نقل از مجلّهٔ مجموعهٔ حکمت، سال اول، ش۱۲، ص۱۲ - ۱۷؛ آثار الحجه، محمّد شریف رازی، ج ۱، ص۱۴۳.

۲. نقباء البشر، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص۲۴۶.

۳. گلشن ابرار، ج۲، ص۶۱۸ - ۶۱۹.

۴. همان، ص ۶۲۰، به نقل از مجلّهٔ مجموعهٔ حکمت، ص ۲۰ - ۲۲؛ علماء معاصرین، ص۳۱۱.

۵. علمای مجاهد، ص۱۹۹.

۶. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۲۳، به نقل از مجلّهٔ مجموعهٔ حکمت، ص ۴۹ - ۵۱؛ مجلّهٔ حوزه، ش ۱۲، ص ۴۳.

- حضور در مراسم پرشور حج: آیت اللّه خوانساری در شهریور ماه ۱۳۲۸ش، برای حضور در مراسم وحدت آفرین حج، راهی مکّه معظمه شد. در همان روزهای نخست ورود او به مکّه، روزنه های امیدبخش اتّحاد پدیدار گشت و با اعلام ثبوت رؤیت ماه از طرف ایشان، اختلاف بین مسلمانان رخت بربست.

- شرکت در نماز جماعت برادران اهل سنت: او هنگامی که جمعی از شیعیان از ایشان تقاضای برپایی نماز جماعت نمودند، بی اعتنا به درخواست آنان به نماز جماعت برادران اهل سنت رفت. چه آنکه این حج، برای همبستگی بود و دلبستگی و دمیدن روح برادری، تا در سایهٔ وحدتی ظاهری، روح ها به وحدت رسند.

- دیدار و گفتگو با علمای اهل سنت مصر: در مدینه محل اقامت آیت اللّه خوانساری، جای آمد و شد هیأتها و کاروانهای مذاهب مختلف بود. از جملهٔ آنها هیئت علمای مصر به سرپرستی شیخ حسن البناء مرشد عام جمعیّت اخوان المسلمین بود. گفت و گوهای دوستانه ای میان او و آیت اللّه خوانساری آغاز گشت و تلاش مرجع تقلید شیعیان در نزدیکی و ایجاد تفاهمِ هرچه بیشتر بود. (۱)- اقامهٔ نماز پرشکوه و تاریخی باران در ۱۳۲۳ش: این اقدام مرحوم آیت اللّه خوانساری را می توان گام مهمی در راه وحدت و برادری مؤمنین قم دانست، به گونه ای که در کتب تاریخی نوشته اند جمعیّتی حدود ۲۰ هزار نفر یعنی دو سوّم مردم شهر در آن نماز شرکت داشتند. چند روز پس از برگزاری این مراسم عبادی و وحدت آفرین و نیز پس از آن که باران مفصّلی در شهر قم بارید، رسانه های اروپایی و آمریکایی این خبر را در سطح جهان منعکس نمودند.

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج۲، ص۶۲۲، به نقل از مجلّهٔ مجموعهٔ حکمت، ص۴۳ - ۴۶؛ آثار الحجه، ج۱، ص۱۵۳ - ۱۵۴..

علّامه شیخ محمّد حسین کاشف الغطاء

متوفای: ۱۳۷۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد حسین، نام پدر: شیخ علی کاشف الغطاء،۱ ولادت: ۱۲۹۴ق، محلّ تولّد: عراق، نجف، محلّهٔ عماره.

تحصیلات: محمّد حسین پس از گذراندن ایام کودکی، در ۱۰ سالگی وارد حوزهٔ علمیه نجف شد، و در ۱۸ سالگی پس از پایان دروس سطح به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات:

سیّد محمّد کاظم یزدی و آخوند خراسانی راه یافت و پس از چندی توانست قلّهٔ اجتهاد را فتح نماید. پس از فوت آیت اللّه سیّد محمّد کاظم یزدی در سال ۱۳۳۷ق، شمار زیادی از مسلمانان ایران، هند، افغانستان، لبنان و سوریه او را به عنوان مرجع تقلید خویش برگزیدند.۲

اساتید، حضرات آیات: سیّد محمّد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، مصطفی تبریزی، حاج آقا رضا همدانی، محمّد تقی شیرازی، میرزا محمّد باقر اصطهباناتی، احمد شیرازی، علی محمّد نجف آبادی، ملّا علی اصغر مازندرانی، محدّث نوری.

شاگردان، آیات عظام: سیّد محسن حکیم، قاضی طباطبایی (شهید محراب)، شیخ محمّد جواد مغنیه.

آثار قلمی: الدعوه الاسلامیه، اصل الشیعه واصولها، خطبه الاتّحاد والاقتصاد، خطبه الباکستان، الخطب الاربع و... .

سرانجام: ایشان پس از عمری تلاشِ خستگی ناپذیر در راه اعتلای کلمهٔ اللّه و سردادن ندای اتّحاد مسلمین جهان، در ذیقعدهٔ ۱۳۷۳ق، یعنی در سن ۷۹ سالگی، پس ازیک ماه بستری شدن در بیمارستان کرخ بغداد،۳ بعد از نماز صبح (بین الطلوعین) جان به جان آفرین تسلیم کرد.

مرقد: عراق، نجف اشرف، وادی السلام.

۱. ایشان نیز از جمله افرادی بودند که همواره ندای وحدت و همبستگی مسلمانان را سرمی داد، لذا از وی به طور رسمی برای دومین کنگرهٔ تحقیقات اسلامی دعوت شد، رادیو قاهره با ایشان مصاحبه ای ترتیب داد که همان روز در یک برنامه عمومی پخش شد، او در قسمتی از مصاحبه چنین گفت: اینک همبستگی مسلمانان در زیر یک پرچم و هم کلامی آنان بر یک راه و یک روش ضروریست، زیرا در وحدت آنان قدرتی است که هجوم دشمنان را دفع نماید و نیرنگ و فریب آنان را درهم شکنند. (طلایه داران تقریب (۳)، کاشف الغطاء اذان بیداری، محمّد رضا سماک امانی، ص۱۹)

۲. همان، ص۲۲ – ۲۸.

۳. مرحوم کاشف الغطاء روی تخت بیمارستان بستری بود که جنگ فرقه ای بین طوایف بحرین رخ داد، ایشان از روی تخت

بیمارستان پیامی مهم برای مسلمانان بحرین فرستاد و خواستار پایان جنگ شد. در قسمتی از این پیام آمده است:

«هر انسان آگاهی می داند که امروز، مسلمانان بیش از همه چیز به اتّحاد، همدلی و برادری نیازمندند، باید دشمنی ها را کنار گذاشت، استعمارگران همیشه از اختلاف بین مسلمانان سود می برند. آنان با دامن زدن به آتش اختلاف بین مسلمانان، فتنه و آشوب برپا می کنند. دشمنان اسلام جنگ شیعه و سنی به راه می اندازند. چرا باید مسلمانان به جان یکدیگر بیفتند؟ اگر کسی می خواهد کتابی بنویسد، چرا به بزرگان مذهب دیگران بدگویی می کند؟ باید مسلمانان محبّت و مهر برادران دینی خود را در دل داشته باشند».

(همان، ص ۱۱۴، به نقل از آوای بیداری، ص۸۲).

– علّامه کاشف الغطاء تنها عامل ضعف مسلمانان را ضعف دینی و نفوذ روح غربی در آنها می دانست و برای مقابله با آن، تحقّق وحدت مسلمانان را پیشنهاد می کرد.

– او تأکید بر اتّحاد میان فرقه های مسلمان داشت. هرچند مانند بسیاری دیگر از منادیان وحدت اسلامی تعریف و تفسیر روشنی در این زمینه ارائه ننمود، اما می خواست که مسلمانان به این دعوت پاسخ مثبت دهند. او تا آنجا به نقش اتّحاد اسلامی اهمیّت می داد که جنگهای صلیبی، حملهٔ مغولان به امپراطوری اسلامی و نفوذ استعمار نوین غربی در جهان اسلام را معلول فقدان اعتماد میان مسلمانان می دانست. از این رو تلاش وی در دفاع از تشیّع و شناساندن آن نیز به انگیزهٔ زدودن غبارهای سوء تفاهم بین دو مذهب بزرگ اسلامی و نزدیک کردن شیعه و سنّی بود. لذا علمای فِرق مختلف اسلامی به او احترام می گذاشتند. (۱)– در نگاه ایشان اسلام بر دو پایه استوار است، کلمهٔ توحید و توحید کلمه. او می گفت:

«اسلام آئین یکتاپرستی و تساوی مردم دربرابر قانون است... .

– کاشف الغطاء همواره بیمناک تفرقهٔ مسلمانان بود، و در پاسخ استفتائی که از ایشان شده بود نوشت...، «از تفرقه بپرهیزید و با دست خود تان موجب شکست خود تان نشوید». (۲)– به عقیدهٔ وی بیگانگان بر مسلمانان حکومت می کنند، آنان را به بردگی می برند، سرزمین هایشان را اشغال می کنند و... تنها علّت این بدبختی ها، تفرقهٔ مسلمانان است.

– او می گفت: جای بسی تأسّف است که پیروان ادیان آسمانی، به جای اینکه همانند یک روح در چند پیکر باهم متّحد باشند، گرفتار جدایی و دشمنی با یکدیگرند.

– ایشان نقشهٔ استعمارگران را در شعار «اختلاف بینداز و حکومت کن» می دانست. (۳)– نگاه آسمانی وی اینگونه بود که: بیگانگان، فقر و نادانی و عقب ماندگی ما را می خواهند و ما خواهان دانش، سعادت و پیشرفتیم. آنها می خواهند که ما به جان یکدیگر بیفتیم ولی ما به دنبال برادری و اتّحاد هستیم.

۱– (۱) . علمای مجاهد، ص ۳۸۴ و ۳۸۶..

۲– (۲) . طلایه داران تقریب (۳)، ص۴۴..

۳– (۳) . همان، ص ۸۱ ، سخنرانی در کنفرانس اسلامی، پاکستان، ۱۳۷۱ق..

- از منظر علّامه کاشف الغطاء هر ملّت ضعیفی به وسیلهٔ اتّحاد می تواند قوی شود. (۱)- ایشان همواره بر این مطلب تأکید داشت که: بر تمام فرق اسلامی لازم است که جدالها و اختلافات را کنار بگذارند زیرا اگر این عمل، بذاته حرام نباشد مسلّماً در این عصر که دشمن از هر طرف ما را احاطه کرده حرام است.

تلاش ها

- سخنرانی تاریخی او در مسجد جامع کوفه: وی در این سخنان عظمت دینی اسلامی را به یاد آورد و دربارهٔ عقب ماندگی کنونی امّت مسلمان مطالبی گفت. (۲)- تألیف کتاب الدّین والاسلام در جهت معرّفی ادیان آسمانی، بویژه دین مبین اسلام.

- اقدام جهت تألیف نقدی بر کتاب «تاریخ آداب اللّغه العربیه»، در جهت مقابله با اقدام مصنِّفِ این کتاب (جرجی زیدان)، بخاطر اهانتهایی به مکتب تشیع.

- گفتگو پیرامون وحدت اسلامی با دانشمندان سنی در سفر به حجاز.

- بررسی مشکلات جهان اسلام و لزوم اتّحاد مسلمانان در دیدار وی با علمای سنی دمشق.

- دیدار و گفتگو با شیخ سالم بشری و شیخ محمّد نجیت مطیعی (مفتی حقّانیه) در صیدا.

- سخنرانی بسیار مهم در جمع ۷۰/۰۰۰ نفر از شخصیّتهای مذهبی و سیاسی جهان اسلام از فرقه های حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، وهابی، ناصبی، خوارج، اسماعیلیه، حنفیه، زیدیه و شیعهٔ دوازده امامی در بیت المقدس.

بخاطر اهمّیت والای این سخنرانی به گوشه ای از آن اشاره می نمائیم:

«اختلاف و جدایی از خصلتهایی است که در درون ما ریشه دوانیده است و ما را بیچاره ساخته است. خداوند ما را به اتّحاد و همبستگی فرمان می دهد و برادری و مسئولیّت در برابر یکدیگر را وظیفهٔ ما قرار می دهد. تردیدی نیست که ما پیش از آنکه سنی و یا شیعه باشیم، مسلمانیم. مسلمانان برادران یکدیگرند. آیا برادر با برادر دشمنی می ورزد؟ بر هر

۱- (۱) . قسمتی از پاسخ مرحوم کاشف الغطاء به دعوت کنگرهٔ بحمدون..

۲- (۲) . علمای مجاهد، ص ۳۸۵..

مسلمانی به ویژه رهبران و دانمشندان لازم است که در این دوران بسیار سرنوشت ساز، تمام تلاش خود را برای وحدت میان مسلمانان به کار گیرند. معنای وحدت بین شیعه و سنی این نیست که به شیعیان بگوئیم عقیدهٔ اهل سنت را بپذیرید و به سنی ها بگوئیم عقیدهٔ شیعیان را بپذیرید، اتّحاد این است که با یکدیگر دشمنی نورزیم... کوشش کنید تا مسلمانان با یکدیگر متّحد شوند... ای یکتاپرستان! یکی شوید. ای مسلمانان! اگر سخنان ما یکی نشود باید با اسلام وداع کنیم...». (۱)- سخنرانی در کنفرانس اسلامی در پاکستان (۱۳۷۱ق). (۲)- سخنرانی در جهت جلوگیری از توهین به اهل سنت در ایّام نهم ربیع در صحن حرم علوی علیه السلام .

- ارسال پیام برای سربازان ارتش مصر و سوریه و تشویق آنان به اخراج صهیونیستها از فلسطین.

- تألیف کتاب «اصل الشیعه واصولها» که در ایجاد وحدت بین مسلمانان نقش بسزایی داشت. (۳)

۱- (۱) . سخنان پر شور علّامه کاشف الغطاء مورد استقبال علما و مردم قرار گرفت، کاشف الغطاء چنان محبوب قلبها شد که دانشمندان حاضر در کنگره پس از آن، تا روزی که کاشف الغطاء در فلسطین بود نماز جماعت و جمعه را به او اقتدا کردند. حتی علمای وهابی، ناصبی و خوارج نیز نماز را به امامت او به جای آوردند. (طلایه داران تقریب (۳)، ص ۵۰) .

۲- (۲) . گزیده ای از این سخنرانی در بخش اندیشه ها گذشت..

۳- (۳) . تجدید چاپ این کتاب در کشورهای سنی نشین، نشانگر استقبال علمای اهل سنت از این کتاب است..

شیخ عبد المجید سلیم

متوفای: ۱۳۷۴ق

چکیده ای از زندگی نامه۱

نام: عبد المجید، ولادت: ۱۳۰۴ق، محل تولّد:

مصر.

تحصیلات: او پس از گذراندن دوران مقدّماتی، وارد دانشگاه الازهر گردید. پس از چندی در ۱۳۳۰ق از دانشگاه الازهر فارغ التحصیل شد. شیخ عبدالمجیدپس از اتمام تحصیلات، به عنوان قاضی، مدرّس و عضو هیئت فتوا مشغول به فعّالیّت گردید.

اساتید: شیخ محمّد عبده،۲ حسن طویل، احمد ابی خطوه.۳

شاگردان: شیخ محمود شلتوت.۴

سرانجام: شیخ عبد المجید سلیم پس از سالها تلاش در عرصهٔ تقریب و وحدت اسلامی، در روز پنج شنبه دهم صفر ۱۳۷۴ق دار فانی را وداع گفت.۵

۱. طلایه داران تقریب (۲)، شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت، ص۲۳ - ۲۴.

۲. شرح حال وی در ص ۲۷۹ همین کتاب گذشت.

۳. پایگاه اطّلاع رسانی مجمع تقریب مذاهب اسلامی، آبان ماه ۱۳۸۶.

۴. شرح حال وی در ص ۳۶۰ همین کتاب خواهد آمد.

۵. طلایه داران تقریب (۲)، ص ۲۴، به نقل از الازهر فی الف عام، ج۱، ص۳۰۶.

- به عقیدهٔ او «دانشـمندان و علماء که پرچمداران رسالت اسـلامی هستند و به شهادت قرآن، با خدا و فرشتگان، قیام به عدالت دارنـد و وظیفـهٔ خطیر و مهمّی بر عهـده گرفته انـد، لازم است که در تبلیغ این رسالت جهانی (اتّحاد و همبسـتگی)، با یکدیگر همکاری کنند و با همهٔ دوری راهها و اختلاف ملّتها، در اوضاع اسـلامی تبادل نظر نمایند. (۱)- شیخ عبدالمجید معتقد بود که اولیـن وظیفـه ای که بر عهـدهٔ مـا علمـای اسلامی است، خـواه شـیعه باشـیم یـا سـنّی، این است که از اذهـان و افکـار مردم، ... (اختلافات و جدال ها) را پاک کنیم. (۲)- وی نسبت به خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از احساسات عاطفی و دلسوزانه ای برخوردار بود. هنگـامی که او به حافظـهٔ تـاریخی خود دربـاره اهـل بیت علیهم السـلام و پیروان آن هـا رجوع می کرد، نسـبت به ظلم، زنـدان، آواره گی، شـکنجه و کشـته شدن آن ها در طول قرن ها در دوران حکومت اموی و عبّاسـی درد شدیـدی را احساس، و تلاش می کرد که این ظلمِ تاریخی را از مکتب اهل بیت علیهم السـلام و پیروان آن ها دور کند. همین امر رمز پافشاری این مرد بود که توانست بخشـی از موانع تفرقهٔ بین اهل سنت و شیعه را از بین ببرد. (۳)- وی در رابطه با عشق و علاقـهٔ خویش نسـبت به فعّالیّت در زمینـهٔ وحـدت، در پاسـخ به پیـام شـفاهی آیت اللّه العظمی بروجردی، چنین می گویـد: بهـترین آرزوی مـن اسـت کـه می خـواهم مـادام العمر، آن را عملی سـازم و پیوسـته از باریتعـالی مسـئلت دارم که آرزوی مرا برآورد، و کسانی را که در این راه مقدّس جدیّت دارند تأیید کند. (۴)

۱- (۱) . بخشی از پیام وی به مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی، جمادی الثانی ۱۳۷۱ق..

۲- (۲) . همان. .

۳- (۳) . پیشینهٔ تقریب، محمّد علی آذر شب، ص۱۷۴ - ۱۷۵..

۴- (۴) . همان، ص ۲۱۳؛ طلایه داران تقریب (۱)، آیت اللّه بروجردی آیت اخلاص، ص ۶۹..

- ارتباط با «جمعیّت همبستگی» در جهت اهتمام به موضوع تقریب و وحدت اسلامی.

- مکاتبه های مستمر و ثمر بخش، با مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی: شیخ عبد المجید سلیم از نخستین کسانی بود که به آیت اللّه سیّد حسین بروجردی در قم نامه نوشت. در آن زمان این مکاتبه بین دو شخصیّت بزرگ اهل سنت و شیعه از اهمّیت خاصی بشمار می آمد.

این مکاتبه ها همیشه از طریق علّامه شیخ محمّد تقی قمی یا مسافران بین مصر و ایران ادامه داشت و آیت اللّه العظمی بروجردی با تمام احترام و تکریم به نامه های او پاسخ می داد. (۱)- تلاش در جهت تأسیس جماعت تقریب مذاهب اسلامی.

- ارائهٔ تفسیر گرانمایهٔ مجمع البیان به صحنهٔ جهان اسلام: زمانی که شیخ سلیم بر این تفسیر اطّلاع حاصل نمود، آرزوهای خود را در آن نیز یافت. او مجمع البیان را تفسیری دید که از ژرفای علمی، وسعت و محتوای جامع و روشن و راهنما و دور از تعصّب برخوردار است که آرای اهل سنت و شیعه را در خود جمع کرده بود. لذا نامه ای به دار التقریب نوشت و این تفسیر را مورد ستایش قرار داد و جمعیّت دارالتقریب را وادار به چاپ آن نمود و در پیشگفتاری بر این تفسیر نوشت: «مجمع البیان تفسیری، با جایگاه عظیم، دانش سرشار، فواید بسیار، حُسن ترتیب و نظم است و اگر بگوییم که این تفسیر در زمرهٔ تفاسیر برتر قرار دارد و به خاطر علوم و تحقیقات آن، این تفسیر مأخذ و مرجع تفاسیر می باشد، سخن گزاف نگفته ام».

این پافشاری و اصرار بود که شیخ محمود شلتوت را بر آن داشت تا این تفسیر را با دقّت بسیار مطالعه نموده و مشتاق و بی قرارِ این تفسیر شود که از پیش گفتار تاریخیِ او بر این تفسیر، این موضوع روشن و آشکار است. چاپ تفسیر، عملی شد و سال ها این تفسیر با بهترین چاپ همراه با نامهٔ شیخ سلیم و مقدمهٔ شیخ شلتوت در صفحهٔ نخست آن منتشر گردید. (۲)

۱- (۱) . متن کامل یکی از نامه های وی در ص ۳۵۴ همین کتاب خواهد آمد..

۲- (۲) . پیشینهٔ تقریب، ص ۱۷۸..

- ترویج فقه مقارن در دانشگاه الازهر.

- تصمیم به صدور فتوای جواز پیروی از مکتب شیعه: در این رابطه توجه شما را به جریان زیر جلب می نمائیم:

شیخ عبد المجید سلیم پس از چندی، اذهان و افکار اعضای همبستگی را برای این موضوع (صدور فتوای جواز پیروزی از مکتب تشیّع) آماده کرد و به بررسی چهارچوب فتوا در جلسه ای که زمان آن را معیّن کرد، مقرّر نمود. پیش از یک هفته از این جلسهٔ تعیین شده، به تمام اعضای جمعیّت دارالتقریب، بسته هایی پی در پی از پایتخت های مختلف اروپا ارسال شد. بسته ها به آدرس افراد در محل کار خودشان فرستاده شده بود و مرسوله های مشابه با آدرس آن ها به منازل گسیل گردید که محتوای آن، دیدگاه صدور فتوا را برباد می داد.

موضوع، عجیب، و توطئه، دقیق و پی گیریِ نیروی شیطانی در مورد گرایش همبستگی، فتنه انگیزانه بود. نامه ها درست در زمان تعیین شده واصل شد و این نیرو به منظور جلوگیری از یکی از اقدام های مهم، به حرکت درآمد. اعضا در جلسه مقرّر حاضر شدند و در حالی که هر یک از آن ها پاکتهایی را در دست داشتند، خشم بر چهرهٔ آن ها ظاهر بود.

شیخ عبد المجید در صدر مجلس نشست. ناگهان اعضا، یکباره صدای خود را بلند کردند و با لهجهٔ خشمناکی شروع به صحبت نمودند و می گفتند: آیا می خواهید ما فتوایی را در جواز عمل به فقه شیعه صادر کنیم، حال این که شیعه دشمنان صحابه هستند؟!؟ آن گاه هر یک از آن ها بسته ها را باز کردند و در آن کتابی منتسب به یکی از علمای شیعه را بیرون آورده که در آن بر دو خلیفه اول و دوّم توهین شده بود و گفتند: این سندی است که سرشت و افکار شیعه را نسبت به خلفا روشن می کند؛ لذا شما چه می گویید؟!؟

علّامه شیخ محمّد تقی قمی می گوید: «سکوت بر من مستولی شد و دیگر قادر به سخن در این فضای متشنّج نشدم. به شیخ عبد المجید نگاه کردم و او را دیدم که با هر یک از افرادی که صحبت می کرد، آنها را به آرامش و اعتماد فرا می خواند و گویی می خواست که از دوش آن ها

ص:۳۳۷

این بار خشم را بردارد. زمانی که همهٔ آن ها صحبت خود را تمام کردند و بر فضا آرامش نسبی حاکم شد، شیخ سلیم شروع به صحبت کرد و با وقار و متانت گفت: آیا از خود پرسیده اید که این بسته ها از کجا آمده اند؟ هدف ارسال کنندهٔ این ها چیست؟ چرا آن ها دقیقاً در این زمان این بسته ها را فرستادند؟ آن گاه به صحبت خود ادامه داد و گفت: اگر بین شیعه و اهل سنت اختلافی نبود، ما به همبستگی و گروه همبستگی و دار التّقریب و مجلّهٔ رساله الاسلام نیاز نداشتیم. ما، پس از آگاهی خود از وجود اختلاف، به این اقدام دست زدیم تا بر نقطه نظرهای مشترک تأکید، و اختلاف را کم کرده و بدگمانی را از بین ببریم. پس به دستانی فکر کنید که با چاپ کتابی، احساسات اهل تسنن را در مقابل تشیع در اروپا بر می انگیزانند و آن کتاب را در این وقت حسّاس برای شما می فرستند. آیا این کار وفاداری به اهل سنت است؟ کدامین به صلاح و مصلحت مسلمانان است؟ آیا در مورد صحّت استناد این کتاب به مؤلّف آن از خود سؤال کرده اید؟ و اگر هم فرض بشود که این استناد درست باشد، آیا در این کتاب آمده است که مسلمان از دایرهٔ اسلام خارج است و پیوند برادری اسلامی آن ها را از هم می گسلد؟! او با زبانی باوقار و رسا به صحبت خود ادامه داد. فضا آرام گرفت، ولی (این اقدام تفرقه افکنان و بیگانگان سبب گردید) صدور فتوا ده سال به تأخیر افتاد تا این که شیخ محمود شلتوت بر تنفیذ این اقدام، پیش گام گردید. (۱)در نگاه دیگران

آیت اللّه العظمی بروجردی: از خداوند مسألت دارم شما (شیخ عبد المجید سلیم) را در خدمت به اسلام و مسلمانان توفیق بدارد و در این برهه از زمان درامر امّت، اهتمام شما را موجب شود. حضرت عالی خود را در خدمت این امّت وقف نمودید و از مفسدان و ملحدان جلوگیری به عمل آوردید. خداوند نزدیک و اجابت کننده است. (۲)

۱- (۱) . پیشینهٔ تقریب، ص ۱۷۵ - ۱۷۷..
۲- (۲) . بخشی از نامهٔ آیت اللّه بروجردی به شیخ عبد المجید سلیم، ۱۷ رمضان ۱۳۷۰ق؛ پیشینهٔ تقریب، ص ۲۱۶..

شیخ مراغی: اگر ابو حنیفه زنده بود، برای مدرسهٔ فقهی خود جز شیخ عبد المجید سلیم - به خاطر آگاهی کامل و دقّت و وسعت علمی او به فقه حنفی - جانشین دیگری انتخاب نمی کرد. لذا چون او دارای ویژه گی های اصیل بود برای دو دوره به ریاست الازهر انتخاب گردید. (۱) شیخ شلتوت: او مردی با ایمان و عالم به علوم مختلف اسلام و محیط به مذاهب فقهی در اصول و خروج، همچون کوهی عظیم، ثابت و پایدار بود. مردی که در تأسیس پایه های تقریب گامهای بسیار برداشت. (۲)

۱- (۱) . همان، ص۱۷۴..

۲- (۲) . طلایه داران تقریب (۲)، شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت، ص۶۸..

مجاهد شهیدحجّه الاسلام والمسلمین نوّاب صفوی

شهادت: ۱۳۳۴ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد مجتبی، فامیل: میرلوحی، نام پدر: آقا سیّد جواد، ولادت: ۱۳۰۳ش، محل تولّد: ایران، تهران.

تحصیلات: وی پس از گذراندن دوران کودکی و شرکت در مجالس قرآنی در ۷ سالگی راهی دبستان شد. پس از اتمام دورهٔ ابتدایی در مدرسهٔ صنعتی آلمانیها، مشغول تحصیل گردید. سیّد مجتبی تحصیلات خود را به پایان برده و در خردادماه ۱۳۲۲ش در شرکت نفت استخدام شد. پس از مدّتی، اتّفاقاتی سبب گشت تا راهی نجف گردد.۱ سیّد مجتبی پس ازورود به نجف دروس فقه، اصول، تفسیر قرآن، اصول سیاسی و اعتقادی، اصول فلسفهٔ سیاسی اسلام و فقه سیاسی را نزد اساتید خود آموخت.

اساتید، حضرات آیات: علّامه امینی، حاج آقا حسین قمی، آقا شیخ محمّد تهرانی.۲

سرانجام: ۲۵ دی ماه ۱۳۳۴ش بیدادگران دژخیم، به سیّد مجتبی نواب صفوی و سه یار فدا کارش حکم اعدام دادند.۳ آنان در ۲۷ همان ماه مطابق با سالگرد شهادت حضرت زهرا علیها السلام به خیل شهداء پیوستند.

مرقد: ایران، قم، وادی السلام.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۴۴ - ۶۴۵.

۲. همان، ص ۶۴۵.

۳. آن سه مجاهد و بزرگ مرد عبارت بودند از: سیّد محمّد واحدی، مظفر ذوالقدر، خلیل طهماسبی، روحشان متنعّم از الطاف الهی.

- شرکت در کنگرهٔ اسلامی فلسطین: در ۲۷ رجب سال ۱۳۵۰ق، از اندیشمندان اسلامی دورترین نقاط جهان دعوت به عمل آمد تا در کنگرهٔ اسلامی در فلسطین شرکت نمایند. شهید نوّاب نیز یکی از مدعوّین این جلسه بود. او در اولین جلسه از جلسات شش روزهٔ کنگره عظیم اسلامی، با نطقهای حماسی خویش به زبان عربی، فریاد بیدار باش سر داد. پس از پایان کنگره، نمایندهٔ جمعیّت اخوان المسلمین مصر، با نوّاب صفوی آشنا شد و از او دعوت نمود تا در دانشگاه الازهر مصر، به ایراد سخنرانی بپردازد. (۱)- سخنرانی در کشورهای عربی و تشویق افرادی چون ابو عمّار (یاسر عرفات) و... به جهاد و مبارزه در جهت آزادی قدس شریف.

- سخنرانی های متعدّد در دانشگاههای کشورهای اسلامی (که به قول پروفسور حامد لیگارو، نقطهٔ انعطافی در مبارزات مکتبی اسلام بود). (۲)- تأسیس سازمان اسلامی فدائیان اسلام: ایشان در جریان تأسیس و راه اندازی این جمعیّت می گوید: «در خواب جدّم سیّد الشهدا علیه السلام را دیدم که بازوبندی به بازویم بست و روی آن نوشته شده بود فدائیان اسلام. (۳)- انتشار اطّلاعیه های گوناگون در راستای شناساندن چهرهٔ واقعی اسلام و حفظ وحدت مسلمانان: در یکی از این اطّلاعیه ها، رهبر فدائیان اسلام چنین نوشت:

«مصلحت مسلمین دنیا، پیوستن و تمایل به هیچ یک از دو بلوک نظامی جهان و پیمانهای دفاعی نبوده، باید برای حفظ تعادل نیروهای دنیا و استقرار صلح و امنیّت، یک اتّحادیهٔ دفاعی و نظامی مستقلی تشکیل دهند». (۴)- مبارزه با فعّالیّتها و نوشته های ضدّ اسلامیِ احمد کسروی: ایرادهای کسروی به اسلام، بیشتر از کتب مبلّغین آمریکایی و مستشرقین أخذ شده بود و اشکال هایی را که متوجّه

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج۲ ص۶۵۱ - ۶۵۲..

۲- (۲) . شهدای روحانیّت شیعه در یکصد سالهٔ اخیر، علی ربانی خلخالی، ج۱، ص۲۱۱..

۳- (۳) . گلشن ابرار، ج۲، ص۶۴۶..

۴- (۴) . همان، ص۶۵۳..

مذهب تشیع می ساخت، غالب آنها را از علمای متعصّب سنی، مانند ابن حجر و موسی جار اللّه (عالمان سنّی معاصر) برگرفته بود. (۱)شهید حجّه الاسلام و المسلمین نوّاب، که در آن وقت برای تحصیل به نجف رفته بود با قاطعیّتی تمام وسائل زندگی را جمع کرده، به طرف ایران حرکت نمود، او که در بین راه اطّلاع یافت کسروی در آبادان است، به آبادان رفت. سپس در یکی از مساجد بزرگ شهر سخنرانی کرد و او را به مناظره فرا خواند. ولی کسروی به تهران رفته بود. شهید نوّاب نیز به تهران رفت و با تنی چند از آقایان تماس گرفت و پس از مشورت به این نتیجه رسید تا با وی به بحث بنشیند. مرحوم آیت اللّه طالقانی نیز مرحوم نوّاب را تشویق به این امر نمود تا اینکه سیّد مجتبی به کلوپ کسروی رفت.

با هماد آزادگان، نام باشگاه کسروی بود. نوّاب چند روزی در مورد دین و مسائل اجتماعی با وی بحث نمود. لیکن او قانع نشد، دو دستگی در جمع حاکم گردید. حرف آخر سیّد به کسروی این بود که:

«من به تو اعلام می کنم و تو را به عنوان یک مانع نسبت به مذهب، حتی نسبت به مملکتم می دانم». (۲)

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۴۵، به نقل از رجال آذربایجان، مهدی مجتهدی، ص۱۲۶ - ۱۳۱..

۲- (۲) . همان، ص ۶۴۶، به نقل از ناگفته ها، خاطرات شهید حاج مهدی عراقی، ص۲۵..

محیی الدین ابوالکلام آزاد

متوفای: ۱۳۷۷ق

چکیده ای از زندگی نامه۱

نام: محیی الدین، نام پدر: خیرالدین، ولادت:

۱۳۰۵ق، محل تولّد: عربستان، مکّهٔ مکرّمه.

تحصیلات: وی دروس مقدّماتی را تحت نظر پدرش به پایان رسانید. ۱۶ ساله بود که به خواندن کتابهای مطوّل، حاشیه میر زاهد، هدایه و... مشغول شد و آن گاه به عنوان «مولانا»۲ مشهور گشت. انتظار می رفت که محیی الدین مانند همتایان خویش، به تدریس، امامت یا خطابت در مدارس و مساجد بپردازد، اما او چنین نکرد.

آزاد ۲۰ سال بیشتر نداشت که برای دستیابی به کرانه های آگاهی و فرهنگ، رهسپار سرزمینهای اسلامی عراق، مصر، شام و ترکیه گردید.

آثار قلمی: ابوریحان البیرونی و جغرافیه العالم، هند آزادی گرفت، اتّحاد اسلامی، ترجمان القرآن (۲ جلد)، شهید اعظم (پیرامون شخصیت حضرت امام حسین علیه السلام)، غبار خاطر و کاروان خیال، باقیات ترجمان القرآن، اصحاب کهف و... .

سرانجام: محیی الدین ابوالکلام آزاد پس از ۷۴ سال زندگی، کاسهٔ عمرش لبریز و در سال ۱۳۷۷ق در دهلی درگذشت.

مقبره: هندوستان، دهلی.۳

۱. علمای مجاهد، ص ۲۶ – ۳۶.

۲. این عنوان، شهرتی است تقریباً معادل عناوینی چون روحانی و آخوند در ایران.

۳. آرامگاه ساده و زیبایش، نزدیک مسجد جامع و قلعهٔ سرخ واقع است. دولت هند برای گرامیداشت خاطرهٔ او، هر سال در روز مرگش یادبودی ترتیب می دهد که یکی از شخصیّت های ممتاز فرهنگی هند یا جهان در آن سخن می راند.

ص:۳۴۳

- او با تأثیر از افکار سیّد جمال الدین اسدآبادی و شیخ محمّد عبده، همواره در پی چاره جویی نسبت به بی توجّهی مسلمانان هند به مسائل سیاسی جهان اسلام بود.

- عمدهٔ محورهای فعالیّت آزاد پیرامون مسألهٔ خلافت، پان اسلامیسم (اتّحاد اسلامی)، احیای اسلام و تجدّد فکر دینی بود.

- وی در یکی از شماره های هفته نامهٔ الهلال چنین نوشت: الهلال جز این هدفی ندارد که مسلمانان را به تمسّک به کتاب خدا و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در همهٔ اعتقادات و اعمال فرا خواند.

- محیی الدین هنگامی که به جرم سخنرانی تحریک آمیز زندانی گشت، در بخشی از دفاعیّات خویش چنین گفت: من نمی توانم آرام باشم، زندگی برای من انقلاب و مرگ من در راه آن است. إنّ صلاتی ونُسُکی ومَحیایَ وَمَماتی لِلّهِ رَبِّ العالمین.

- به عقیدهٔ او جنبش های اصلاح طلبانهٔ اسلامی معاصر بر سه دسته اند:

جنبش تجدّدخواهی غرب گرایان؛ رهبران: محمّدعلی پاشا (مصر)، فؤاد پاشا (ترکیه)، سیّد احمدخان (هندوستان) و...

جنبش اصلاح سیاسی، دفاع و احیاء؛ رهبران: سیّد جمال الدین اسدآبادی (ایران)، مدحت پاشا (ترکیه)

جنبش اصلاح دینی؛ رهبران: شیخ محمّد عبده (مصر)، عبدالرحمان کواکبی (سوریه)، شیخ صدرالدین (روسیه) و...

ابوالکلام آزاد، خود را جزء دستهٔ سوم می دانست.

- وی در زمینهٔ سیاسی، با پیشنهاد پان اسلامیسم، میان دو نوع نیروی متضّاد امتیاز می نهاد: نوع وحدت بخش و نوع تجزیه گر.

نوع نخست مستلزم رهبری واحد سازمانِ اجتماعی مسلمانان «جماعت» است و دیگری موجب عدم وحدت و اغتشاش و جدایی از جماعت.

تلاش ها

- ایراد نطق و سخنرانی در اجلاس سالانهٔ «انجمن حمایت اسلام» در دوازده سالگی.

- دیدار و گفتگو با سازمان سیاسی الحزب الوطنی در مصر و جمعیّت اتّحاد و ترقّی در ترکیه.

- چاپ هفته نامهٔ الهلال به سبک نشریهٔ عروه الوثقی در جهت نشر آرای خویش و بیدار ساختن هم کیشان که به سبب زندگی در محیط بستهٔ فئودالی، از آنچه در جهان می گذشت ناآگاه بودند. (۱۳۳۰ق)

- بنیانگذاری جمعیّت حزب اللّه (در ۱۳۴۰ق): از اهداف این جمعیّت، یکپارچگی مسلمانان هند، تحت رهبری امامی واحد، امضای موافقت نامه با هندوها و اعلام جهاد علیه حکومت انگلیس بود.

- ارائهٔ طرحی برای قانون اساسی کشور بر مبنای فدرالیسم: به گفتهٔ وی این طرح می توانست ضمن تأمین خود مختاری کامل ایالاتی که مسلمانان در آنها اکثریّت داشتند وحدت را نیز حفظ کند و بیم مسلمانان را از سلطهٔ هندوان بر آنان برطرف سازد. (۱)

ص:۳۴۵

۱- (۱) . منابع: علمای مجاهد، ص ۲۶ - ۳۶، به نقل از جنبش های اسلامی معاصر، ص ۲۸۹ - ۲۹۵؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۳۰۶ - ۳۱۵؛ مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، ص ۱۶۲ - ۱۶۳..

آیت اللّه علّامه شرف الدّین عاملی

متوفای: ۱۳۷۷ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد عبدالحسین، نام پدر: سیّد یوسف، ولادت:

۱۲۹۰ق، محل تولّد: عراق، کاظمین.۱

تحصیلات: او در شش سالگی وارد مکتب خانه ای در نجف اشرف شد. در هشت سالگی به خواندن ادبیات عرب مشغول گشت. او پس از خواندن کتابهای بسیار در علوم ادبیات، منطق، اصول، فقه، اخلاق، اعتقادات، تفسیر و... در سال ۱۳۱۰ق به سامرا مراجعت نمود. در آنجا از محضر اساتید معروف حوزهٔ علمیه، بهره جست. پس از گذشت یک سال به نجف رفت تا از درسهای میرزای شیرازی استفاده نماید، سیّد عبدالحسین در سن ۳۲ سالگی به قلّهٔ اجتهاد رسید و پس از آن به ارشاد مردم، تدریس، تعلیم و تعلّم پرداخت.

اساتید، حضرات آیات: شیخ حسن کربلایی، شیخ باقر حیدر، شیخ فتحعلی سلطان آبادی، میرزای شیرازی، آقا رضا اصفهانی، شیخ محمّد طه نجف، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی، شیخ عبداللّه مازندرانی، سیّد محمّد کاظم طباطبایی، میرزا حسین نوری.

آثار قلمی: با توجه به اینکه فرانسویان در آن عصر آثار بسیاری از ایشان را به آتش کشیدند، اما خوشبختانه برخی از شاهکارهای علمی، دینی، ادبی و تاریخی او به یادگار ماند، که به برخی از آنان اشاره می گردد:۲ الکلمه الغراء فی تفضیل الزهراء علیها السلام ، المراجعات، النص والاجتهاد، ابو هریره،۳ مقدمهٔ المجالس الفاخره فی ماتم العتره الطاهره علیهم السلام ، کلمه حول الرؤیه، ثبت الاثبات فی سلسله الرواه و...

سرانجام: ایشان در صبح روز دو شنبه ۸ جمادی الثانی ۱۳۷۷ق، شعلهٔ فروزانش خاموش گشت و مردم برای همیشه در حسرت دیدن دوبارهٔ آن چهرهٔ درخشان الهی و امید دلها سوختند.۴

مرقد: عراق، نجف اشرف، سمت جنوبی صحن علوی علیه السلام ، مجاور مرقد فقیه بزرگ سیّد محمّد کاظم یزدی.

۱. نقباء البشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج۳، ص۱۰۸۰.

۲. برای آشنایی بیشتر با آثارِ به جا مانده و از بین رفتهٔ علّامه شرف الدّین، علاوه بر آثار چاپی مراجعه شود به: شرف الدین، ص۱۰۳ – ۱۳۹؛ النص والاجتهاد (مقدمه).

۳. کتابی است تحقیقی پیرامون او.

۴. گلشن ابرار، ج۲، ص۶۶۱.

ص:۳۴۶

– باید دانست که اتّحاد اسـلامی را که علّامه شرف الدین در پی تحقّق آن بود، تنها جنبهٔ سیاسی و اجتماعی و مقطعی نداشت، بلکه از حقایق اسـلام و وقایع تاریخی آن سرچشـمه می گرفت. (۱)- علّامه شـرف الدین نه تنها به اصـلاح و سازندگی جوامع شیعی می اندیشـید، بلکه از آغازِ اقدامهای اجتماعی و دینی خود، در اندیشهٔ اصـلاح و عزّت بخشـی به همهٔ ممالك اسلامی و ایجاد اتّحاد و برادری در بین فرقه های مختلف مسلمانان بود.

– وی همواره از روزگار جوانی، از اوضاع نابسامان و آشـفتهٔ آن روزِ جوامع اسـلامی و اختلافات بیهوده و تأسّف بار مسلمانان رنج می برد و در پی چاره ای برای این مهم می گشت.

– او در سفری که به مصر داشت دریافته بود که بهترین نقطهٔ حرکتش در راه وحدت اسلامی، دانشگاه الازهر، بزرگترین مرکز علمی و دینی مسلمانان اهل سنت است.

– شـرف الـدّین معتقـد بود: شـیعه و سـنی را روز نخست، سـیاست (و مطـامع سیاسـی) از هم جـدا کرده است و اکنون نیز باید سیاست (و مصالح سیاسی اسلام و مسلمانان) آن دو را در کنار هم بنشاند و متّحدشان کند. (۲)تلاش ها

– کوشـش همه جـانبه و راستین او در طول نیم قرن مبـارزه برای ایجـاد وحـدت اسـلامی و اتّحاد امّت مسـلمان جهان (شـیعه و سنّی).

– استفادهٔ مثبت ابزاری از فنّ نویسندگی در جهت آگاهی دادن به مسلمین: او با قلم توانا و ادیبانهٔ خود می کوشید تا مسلمانان جهان، (شیعه و سنّی) تعصّبات مذهبی و گروهیِ رایج و

۱- (۱) . علمای مجاهد، ص ۲۵۹..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۵۸، به نقل از النص والاجتهاد، ص۱۴؛ شرف الدین، ص۱۷۵..

تفرقه افکن را کنار گـذارده و حقایق اسـلام را درک کننـد و واقعیّتهایی را که بعد از رحلت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم رخ داد و موجب غصب خلافت و انحراف حکومت اسلامی از مسیر خود شد با دلیل و برهان بپذیرند. (۱)- وی نیم قرنِ تمام، بـا همـهٔ توان علمی و معنوی اش و بـا قلمِ بیـان و عمـلِ صادقانه اش، در متّحـد ساختن امّت محمّـد صـلی الله علیه و آله و سـلم کوشید و از هیچ سعی و تلاشی دریغ نورزید. (۲)- دیدار از مصر و آشنایی با علمای دینی، دانشمندان، متفکّران و نویسندگان آن دیار و مساعد کردن زمینهٔ ایجاد اتّحاد ملّت اسلام، در سال ۱۳۲۹ق.

- تـألیف کتـاب گرانقـدر «الفصول المهمّه فی تـألیف الامّه» در سال ۱۳۲۷ق (۳): این اقـدام وی به عنوان نخستین گـام بلنـد و سنگین وی در راه وحدت امّت اسلامی به شمار می رفت.

- دیدار با مفتی بزرگ و اسـتاد معروف دانشـگاه الازهر، شـیخ سلیم بِشری مالکی؛ ثمرهٔ این دیدار علمی و مذهبی، مباحثات و مکاتبات شورانگیز و شـگفتی زایی بود که در تاریخ اسـلام می تواند در راه اتّحاد ملل مسلمان و دست یافتن به حقایق و وقایع تاریخ، سرمشق عالمان و متفکّران مسلمان باشد.

- تنظیم و چاپ کتاب شریف «المراجعات». (۴)

ص:۳۴۸

۱- (۱) . علمای مجاهد، ص ۲۵۸ و ۲۵۹. .

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۵۶، به نقل از شرف الدین عاملی، چاووش وحدت، ص۷۳ - ۷۴..

۳- (۳) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۵۶، به نقل از نقباء البشر، ص ۱۰۸۲..

۴- (۴) . در سال ۱۳۵۵ق، علّامه شـرف الدین مجموعهٔ مکاتبات خود با شـیخ سـلیم (مفتی و استاد دانشگاه الأزهر مصر) را که ۱۱۲ نامه بود، به همراه مقدمه ای روشن، به صورت کتابی با نام «المراجعات»، در شـهر صیدا به چاپ رساند. از ویژگیهای این کتاب، افزون بر جنبه های علمی و اسـتدلالی، کاربرد واژه های نو و پر معنا، جملات کوتاه و آهنگین، تعبیرات بدیع و دلنشـین و پربار کردن مطالب از اشعار و امثال عرب می باشد. (برای اطّلاع بیشتر به المراجعات و یا ترجمه های آن، به قلم آقای محمّد جعفر امامی تحت عنوان «رهبری امام علی علیه السـلام » و دیگری به قلم مرحوم مصطفی زمانی به نام «مذهب و رهبر ما» و نیز به کتاب ارزشمند «شرف الدین» اثر استاد محمّد رضا حکیمی، ص۱۲۹ - ۱۳۲ مراجعه شود)..

- دیدار و گفتگو و مباحثات علمی و دینی با شیخ محمّد نجیب، شیخ محمّد سلموطی، شیخ محمّد عبده و شیخ عبدالکریم الکتانی ادریسی، که آنان با نوشتن اجازات و تأییدات علمی، مقام علمی و فکری شرف الدین را گرامی داشته و از وی تجلیل کردند.

- تألیف کتاب گرانقدر و شگفت انگیز النص (۱) والاجتهاد، یکی دیگر از آثار وحدت آفرین اوست. (۲)

ص:۳۴۹

۱- (۱) . اعمال نظر شخصی در مقابل کلام صریح پیامبر صلی الله علیه و آله را اجتهاد در مقابل نص گویند..

۲- (۲) . در این کتاب وی حدود ۱۰۰ مورد اجتهاد در مقابل نص را که خلفاء، حاکمان و برخی از بستگان آنان در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یا بعد از رحلت آن حضرت مرتکب شدند، براساس کتابهای معتبر اهل سنت بر می شمارد و در مورد هر یک، نظرات علمی، تحقیقی و منتقدانهٔ فرد را بیان می کند، نوشتن چنین کتابی در ادامهٔ راه اصلاح و سازندگی فرهنگی امّت جدّش، آخرین کار جاودان و حُسن ختامِ یک عمر تلاش او برای خوشبختی و سعادت و وحدت مسلمانان جهان محسوب می شود..

آیت اللّه العظمی سیّد حسین بروجردی

متوفای: ۱۳۴۰ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام

نام: سیّد حسین، نام پدر: حاج سیّد علی، ولادت:

۱۲۹۲ق، محل تولّد: ایران، بروجرد.

تحصیلات: سیّد حسین پس از دوران کودکی اندک اندک رشد نمود. جامع المقدمات، سیوطی، منطق، گلستان سعدی، صرف، نحو، فقه و اصول را در زادگاه آموخت و سپس عازم اصفهان گردید. مدّتی در دروس بزرگان و علمای اصفهان تلمّذ نمود. او پس از بازگشت به بروجرد و توقّف کوتاهی در آنجا، در ۱۳۲۰ق به حریم امیر المؤمنین علی علیه السلام مشرّف گشت. وی که مجتهدی جوان به شمار می آمد پس از ۸ سال تحصیل و تحقیق در سال ۱۳۲۸ق به زادگاه خویش بازگشت.۱

اساتید، در اصفهان و نجف حضرات آیات: میرزا ابوالمعالی کلباسی، سیّد محمّد باقر دُرچه ای، ملّا محمّد کاشانی،۲ سیّد محمّد تقی مدرس، جهان گیر خان قشقایی، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی.

شاگردان، در بروجرد و قم؛ آیات عظام و حجج اسلام: شیخ محمّد ابراهیم مدرسی، شیخ حسن کمره ای خاتمی بروجردی، شیخ محمّد رضا خاتمی بروجردی، سیّد اسماعیل گلپایگانی بروجردی، میرزا محمود رازینی، شیخ فخر الدین محسنی جناتی، سیّد محسن شریعتمداری، سیّد ابوالفضل مجاهدی، میرزاابوالقاسم محقّق رازانی، شیخ آقا حسین بروجردی، شیخ علی اصغر غفوری، میرزا علی محمّد مروّج، شیخ بهاء الدین حجّتی، شیخ حسن امام جمعه، سیّد جلال الدین علوی طباطبایی۳؛ امام خمینی رحمه الله ، سیّد موسی شبیری زنجانی، جواد تبریزی، عبد الرحیم ربّانی شیرازی، علی پناه اشتهاردی، علی صافی گلپایگانی، لطف اللّه صافی گلپایگانی، حسین علی منتظری، محمّد فاضل لنکرانی، حسین نوری، ابراهیم امینی، سیّد محمّد حسین دُرچه ای، محمّد مؤمن قمی، محمّد علی ابطحی اصفهانی، ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، سیّد حسین بُدلا، سیّد جعفر احمدی، احمد جنّتی، محسن حرم پناهی، محمّد تقی ستوده، علی قدوسی، محمّد باقر ابطحی اصفهانی، حسن نائینی، و... .

سرانجام: ایشان پس از ۷۰ سال تلاش و خدمت در عرصه های گوناگون بویژه در راه وحدت فرق اسلامی و اتّحاد عمومی، در صبح روز پنج شنبه دهم فروردین ماه ۱۳۴۰، درحالی که ۸۸ بهار زندگی را پشت سر می گذاشت چشم از جهان فرو بست و ملّتی رادر غم فقدان خویش عزادار نمود.

مقبره: ایران، قم، بالاسر حرم مطهّر حضرت معصومه علیها السلام جنب درب ورودی مسجد اعظم.

۱. گلشن ابرار، ج۲، ص۶۶۲ و۶۶۳.

۲. طلایه داران تقریب (۱)، آیت اللّه بروجردی آیت اخلاص، ص ۱۸، به نقل از مجلّهٔ حوزه، ش ۵۳، ص ۵۲ و ۵۷.

۳. همان، ص ۲۱ - ۲۳.

- آنچه مخصوصاً ایشان بدان می اندیشید این بود که زمینه را برای پخش و انتشار معارف اهل بیت علیهم السلام در میان برادران اهل سنت فراهم کند و معتقد بود که این کار جز با ایجاد حُسن تفاهم امکان پذیر نیست. توفیقی که آن مرحوم در طبع برخی کتب فقهی شیعه در مصر به دست خود مصریان در اثر حُسن تفاهمی که به وجود آورده بود کسب کرد، از مهمترین موفّقیتهای علمای شیعه است. جزاه اللّه عن الاسلام و المسلمین خیر الجزاء. (۱)- ایشان بر کتب و آراء فقهی علمای اهل سنت تسلّط عجیبی داشت، او در اثر مطالعات و تحقیقات گسترده ای که در این وادی داشت به این نتیجه رسیده بود که با آگاهی از محتوای روایات و فتاوای رایج اهل سنت در زمان امامان معصوم علیهم السلام ، بهتر، راحت تر و دقیق تر می شود محتوای روایات و منظور فرمایشات ائمه معصومین علیهم السلام را دریافت. در همین راستا جملهٔ معروفی از ایشان نقل است که: «فقه شیعه در حاشیهٔ فقه اهل سنت است». (۲)توضیح: این جمله بیانگر غنای فقهی شیعه و تفوّق آن بر فقه زمان صدور روایت است.

زیرا در طول تاریخ زندگانی معصومین علیهم السلام ، شیعیان جز چند سال بیشتر حکومت نداشتند و اغلب حکومت، در دست بنی امیّه و بنی عبّاس و مخالفین اهل بیت علیهم السلام بود، و فتاوای اهل سنت در میان مردم رواج داشت، محّدثان و اصحاب امامان علیه السلام نیز با توجه به فضای حاکم بر جامعهٔ آن روز از ائمه علیهم السلام سؤال می کردند و امامان علیهم السلام هم با توجه به همین معنا پاسخ می دادند.

به عبارت دیگر فقه شیعه ناظر بر فقه اهل سنت است، زیرا جوابها و فرمایشات امامان علیهم السلام ناظر بر فتاوای فضای حاکم می باشد، این سخن برای فقهاء راه گشاست که هنگام فتوا دادن به فضای حاکمِ زمانِ صدورِ روایت توجّه و دقّت کنند.

- آیت اللّه بروجردی سعی داشت تا به ادلّهٔ اهل سنت دست یابد و موضوع و مسأله را درست بررسی و ریشه یابی نماید.

۱- (۱) . اتّحاد اسلامی و تمّسک به قرآن و عترت علیهم السلام از دیدگاه امام خمینی رحمه الله و استاد مطهّری، ص ۸.
۲- (۲) . طلایه داران تقریب (۱)، ص ۶۳، به نقل از زندگی آیت اللّه بروجردی، ص ۸۴.

- ایشان وحدت میان مذاهب را از وظایف حیاتی هر عالم شیعی می دانست و به همین جهت علاقه مند بود تا حُسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود تا از طرفی وحدت اسلامی که منظورِ بزرگ این دین مقدّس است تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه، فقه شیعه و معارف شیعه آن طور که هست به جامعه تسنّن که اکثریّتِ مسلمانان را تشکیل می دهند معرّفی شود.

تلاش ها

- حمایت، کمک و همکاری با دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه.

- ارتباط مکاتبه ای با شیوخ وقت الازهر مصر؛ شیخ عبد المجید سلیم و بعد از وی شیخ محمود شلتوت.

- گماردن نمایندگانی به عنوان رابط میان خود و دار التقریب مانند مرحوم شیخ محمّد تقی قمی.

- دستور جمع آوری طُرق و سلسله اسناد حدیث ثقلین.

- ارسال نامه ای به ملک سعود پادشاه وقت عربستان، با هدف برگزاری مراسم مشترکِ کنگرهٔ بزرگ حج، طبق روایات و مبانی مشترکِ مورد قبول شیعه و سنی، که محتوای آن حدیث مفصلی از امام صادق علیه السلام بود و حدود ۴۰۰ حکم از احکام مربوط به مناسک حج را دربرداشت.

ثمرهٔ اقدامات و تأثیر آن

- آشنا شدن بسیاری از شخصیّت های برجستهٔ دار التقریب با فقه و مبانی شیعه.

- برقراری روابط دوستانه و علاقه مندانه با شیوخ وقتِ الازهر مصر، که پس از آن نامه های زیادی مبادله گردید. (۱)- فتوای تاریخی شیخ شلتوت، در به رسمیّت شناختن مذهب شیعه و تشکیل کرسی تدریسِ مستقل در دانشگاه الازهر برای آن. (۲)

۱- (۱) . متن برخی از نامه ها در صفحات آینده خواهد آمد..

۲- (۲) . متن این فتوای تاریخی در صفحهٔ ۳۶۵ خواهد آمد..

شیوهٔ پیشنهادی آیت اللّه العظمی بروجردی پیرامون وحدت بین مذاهب

به طور خلاصه می توان گفت که شیوهٔ پیشنهادی ایشان این بود که موارد اختلافیِ میان شیعه و سنی، در دو نکتهٔ اساسی نهفته است: یکی جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامت و رهبری مسلمانان است و دیگر اینکه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسلمانان در عمل به احکام، به چه کسی رجوع نمایند.

اولاً تجربه نشان داده که طرح این سری از مسائل، همیشه سبب درد سر و اختلافات شدید و منشأ سوء استفاده های دشمنان بوده است.

ثانیاً آنچه امروز خیلی مهم است و می تواند نقطهٔ مشترک میان شیعه و سنی باشد، بعد از کتاب آسمانی قرآن، محوریّت اهل بیت علیهم السلام است که دلیل آن حدیث «ثقلین» می باشد و از طریق فریقین با سلسله سند صحیح، نقل شده است و همه هم آن را قبول دارند. (۱)هدف ایشان از وحدت اسلامی، هرگز این نبود که یک گروه در گروه دیگر هضم شود و همهٔ آنها یک گروه و یک فرقه شوند، بلکه تأکید داشت با بیان نقاط مشترک همهٔ گروهها، دوستی، محبّت و صمیمیّت در میان آنها بوجود آید و همه در برابر دشمنان اسلام به ید واحده تبدیل گردند. در نظر مرحوم آیت اللّه بروجردی، نیل به این هدف مقدّس، از راه تمسّک به حدیث ثقلین و معرّفی امامان معصوم علیهم السلام به عنوان مصداق بارز اهل بیت علیهم السلام ، بهترین، آسانترین، کم هزینه ترین و معقول ترین راه می باشد.

متن نامه های شیوخ الازهر مصر به آیت اللّه العظمی بروجردی

برای آگاهی از عمق روابط و نقش مثبت و کارساز آیت اللّه بروجردی، در اینجا متن دو نامهٔ تاریخی، که یکی از شیخ عبد المجید سلیم و دیگری از شیخ محمود شلتوت برای ایشان فرستاده شده است را مرور می کنیم:

۱- (۱) . جهت آگاهی بیشتر پیرامون این موضوع، به کتاب چشم و چراغ مرجعّیت، مصاحبه های حضرات آیات: اشتهاردی، سبحانی و... مراجعه نمایید..

نامهٔ اول از شیخ عبدالمجید سلیم

بسم اللّه الرحمن الرحیم

خدمت آیت اللّه السیّد الجلیل حاج آقا حسین بروجردی حفظه اللّه

سلام علیکم ورحمه اللّه

اما بعد، استاد محترم، حضرت شیخ محمّد تقی قمی دبیر کل دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه، پیام شفاهی آن جناب را که دستور داده بودید به من برسانند، ابلاغ نمودند.

شما اظهار لطف نموده و به ایشان از تقدیر و تشکّر خود دربارهٔ کوششهایی که ما و جماعت تقریب بین المذاهب اسلامی، در راه خدمت به اسلام و مسلمین می کنیم و از تأثیر این کوششها در راه وحدت کلمهٔ مسلمین و ایجاد تفاهم بیشتر و هماهنگی بهتر و اصلاح فسادی که مغرضین به وجود آورده اند، سخن گفته اید. خدا می داند که این امر، بهترین و عزیزترین آرزوهای من در زندگی است و تا زنده ام به خاطر آن و در راه آن کار می کنم و از خدای بزرگ مسئلت دارم که به این آرزوها جامهٔ عمل بپوشاند و کسانی را که در راه آن می کوشند تأیید فرماید.

از اعتماد و وثوق حضرتعالی نسبت به شخص من و از این عطف توجه به کوششهایم تشکّر می کنم. من با آنچه که از شما می دانم و سراغ دارم، همکاری شما را در این جهاد بزرگ خدایی بسیار بزرگ می شمارم؛ زیرا که شما با علم و دانش و مقام و نفوذی که در ایران و غیر ایران دارید همیشه در راه اصلاحِ امرِ امّت اسلام، کار می کنید.

فکر تقریب بین مذاهب اسلامی، از توجّه و عنایت شما بسیار بهره مند بوده و از کمک ها و مساعدت های پر ارزش شما، در مناسبات مختلف، برخوردار بوده است.

زیرا همان طور که از امثال جناب عالی انتظار می رود، با علم و تقوی و بصیرتی که دارید، ارزش و اهمّیت بزرگداشت مقام مسلمین و تقویت شوکت و عظمت آنان و رساندن آنان را به مقام شامخ ولایتی که بایست بدان برسند، به خوبی درک کرده اید:

«وَ لِلّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (۱).

آقای بزرگوار! دانشمندان و علماء که پرچمدار رسالت اسلامی هستند و به شهادت قرآن، با خدا و فرشتگان، قیام به عدالت دارند و وظیفهٔ خطیر و مهمّی بر عهده

۱- (۱) . سورهٔ منافقون، آیهٔ ۸..

گرفته اند، لازم است که در تبلیغ این رسالت جهانی، با همدیگر همکاری کنند و با همهٔ دوری راه ها و اختلاف ملّت ها، در اوضاع اسلامی تبادل نظر نمایند.

روزگاری بر مسلمین گذشت که مردم در آن آماج بسیاری از دسیسه های فکری بودند و می خواستند آنان را از حق و حقیقت دور ساخته و به سوی باطل بکشانند و از دعوت به سوی خدا و جهاد در راه او بازداشته و مشغول به خود کنند و آنان را طوری با اختلافات و جدال ها از هم دور نمایند، که به کلی نابود شوند و از بین بروند. هنوز هم آثار این دسیسه ها، بصیرت ها و عقل ها را تاریک ساخته و قلب ها و دل ها را به خود مشغول نموده و در میان بسیاری از مردم رسوخ دارد و آنان را از فهم صحیح حقیقت دین و درک اسرار و حقایق آن و قربانی دادن در راه اعتلای نام آن باز می دارد؛ پس اولین وظیفه ای که به عهده ما علمای اسلامی است، خواه شیعه باشیم یا سنی، این است که از اذهان و افکار مردم، این مطلب را پاک کنیم و حقایق ارج دار و روشن اسلام و اصول محکم و شریعت سهل و ساده آن را طوری نشر دهیم که مردم را با حقیقت و هدایت خداوند بیدار و بینا سازد و آنان را با قدرت و جمال دل آرایی که دارد دربرگیرد. آنان را طوری تربیت کند که از روی فهم و محبّت و علاقه، پذیرای اسلام باشند، نه از روی تقلید و وراثت؛ زیرا هر کس که حق را بفهمد آن را دوست دارد و کسی که آن را دوست داشت، ایمان می آورد، ایمانی که با وجود آن فداکاری و از خودگذشتگی آسان می شود و هیچ یک از زرق و برق های دنیای مادی و فانی مانع راه آن نمی تواند بشود.

دیگر این که اخیراً، از فوت عالم جلیل مرحوم سیّد محسن امین عاملی با خبر شدم.

من وقتی از علم و اخلاص و جهاد او در راه این دین و ملّت، مطالبی شنیدم، از خبر وفات آن مرحوم سخت متأسّف شدم.

و اکنون خالص ترین تسلیت های خود را به حضور جنابعالی و به همه برادران شیعهٔ امامیه اعلام می دارم و از خدای بزرگ می خواهم که آن فقید محترم را غریق رحمت نماید و به ما و شما در این مصیبت، اجر و ثواب صابرین عطا فرماید.

والسلام علیکم ورحمه اللّه وبرکاته

جمادی الثانی ۱۳۷۱

عبد المجید سلیم، الجامع الازهر - قاهره (۱)

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۱)، ص۶۸ - ۷۲..

نامهٔ دوّم از شیخ محمود شلتوت

بسم اللّه الرحمن الرحیم

سلام علیکم ورحمه اللّه

اما بعد: قبل از همه چیز، از سلامت گرانبهای آن برادر ارجمند، جویا بوده و دعا می کنم که آن بزرگوار، همیشه مصدر و منبع برکات برای مسلمین و وحدت کلمه آنان باشد.

خداوند عمر شما را طولانی کند و پیروزی و موفقیّت را نصیب شما گرداند.

فرصتی را که با مسافرت برادر علّامه و مکرّم من، استاد قمی، ایّده اللّه فی جهاد المشکور، پیش آمد، مغتنم می شمارم تا نامه ای به ساحت آن جناب نوشته و از کوشش های شما تقدیر کنم. از خدای بزرگ و توانا خواستارم که آنچه را که برای خیر و اصلاح مسلمین آرزو می کنید، تحقّق بخشد و شما را در کوشش ها و زحمات اصلاح طلبانه، در راه جمع کلمهٔ مسلمین و ایجاد الفت و محبّت بین قلوب آنان، بیش از پیش، موفّق گرداند. من به شما مژده می دهم که گامها و قدم های ما در راه تقریب، گامها و قدمهایی که یقین دارم شما با تمام قوا آن را تأیید می فرمایید و به آن بزرگ ترین توجه و اهتمام و عنایت را مبذول می دارید، به خواست و لطف خداوند و در سایهٔ دعای خیر شما، که بدرقهٔ راه ماست، در راه پیشرفت موفّقیت آمیزی پیش می رود.

گروه برگزیده ای از رجال الازهر و برادرانی که در تقریب، صمیمانه جهاد کرده اند، از روی ایمان و یقین، ما را کمک و یاری می کنند و به آنچه که برای دین و رسالت ارجدار جهانی و انسانی، که بدان گردن نهاده اند، بر آنان واجب شده، قیام و اقدام نمایند.

من امیدوارم که برادر عزیز، جناب استاد قمی، به زودی پیش ما برگردد تا ان شاء اللّه از اخبار مسرّت بخش شما، خوشوقت شویم و از نظریات عالی و محکم شما، در برآورده شدن آرزوها و آرمان های مشترک خود مطّلع گردیم. من بسیاری از مسائل را برای ایشان توضیح دادم، تا به تفصیل خدمت شما عرض کند.

واللّه المسؤول ان یجمع بیننا فی رضاه – وان یدیم ربط قلوبنا للعمل فی سبیله، انه سمیع الدعاء، لطیف لما یشاء.

والسلام علیکم ورحمه اللّه وبرکاته

۲۴ / ذی القعده/ ۱۳۷۹

شیخ الجامع الازهر – محمود شلتوت (۱)

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۱)، ص۷۲ - ۷۴..

همان گونه که از متن نامه ها استفاده می شود، رهبران مذهبی اهل سنّت، مخصوصاً رؤسای دانشگاه الازهر، نسبت به شخص حضرت آیت اللّه بروجردی، عزّت و عظمت و اقتدارِ ویژه قائل بودند و همواره به ایشان، به دیدهٔ احترام می نگریستند. از مرحوم شیخ محمّد تقی قمی، نقل است که:

«... وقتی نامهٔ آقای بروجردی را برای شیخ مجید سلیم، رئیس اسبق جامعه الازهر می بردم بلند می شد و نامه آقای بروجردی را می گرفت و می بوسید و رئیس دیگر جامع الازهر هم در موقع قرائت نامهٔ آیت اللّه بروجردی، به احترام ایشان می ایستاد و با احترام نامه را دریافت می کرد. (۱)

ص:۳۵۷

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۱)، ص ۷۴، از کتاب چشم و چراغ مرجعّیت، ص۱۳۵، به نقل از آیت اللّه لطف اللّه صافی گلپایگانی..

آیت اللّه سیّد ابوالقاسم کاشانی

متوفای: ۱۳۴۰ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد ابوالقاسم، نام پدر: حاج سیّد مصطفی، ولادت: ۱۲۶۴ش، محل تولّد: ایران، تهران.

تحصیلات: او در ۱۶ سالگی به همراه پدر بزرگوارش عازم نجف اشرف گردید و در آنجا علاوه بر استفاده از حلقهٔ درس پدر و دیگر اساتید، دورهٔ سطح را به پایان رسانید. سیّد ابوالقاسم مدّتی در دروس خارج فقه و اصولِ علما و اندیشمندان دیار علم و معرفت، شرکت نمود. وی در ۲۵ سالگی درجهٔ اجتهاد را دریافت نمود، و آیت اللّه میرزا محمّد تقی شیرازی، تقلید از وی را تأیید نمود.۱

اساتید، حضرات آیات: حاج سیّد مصطفی کاشانی (پدر)، میرزا محمّد تقی شیرازی، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی و... .۲

سرانجام: روحانی مجاهد پس از سالها تلاش و مبارزه با دلی پر خون از شکست نهضت و برقراری دوبارهٔ حکومت فساد در ۲۳ اسفند ماه سال ۱۳۴۰، چشم از جهان فرو بست و پیکرش در میان انبوه مشتاقان تا حرم حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام تشییع گردید.

مرقد: ایران، شهر ری، بین مزار حضرت عبد العظیم و امام زاده حمزه علیهما السلام .

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۷۳، به نقل از نگاهی به تاریخ انقلاب ۱۹۲۰ عراق، محمّد صادقی، ص ۱۳۰.

۲. همان، ص۶۷۲ – ۶۷۳.

اندیشه ها

- آیت اللّه کاشانی هیچ گاه از مسائل جهان اسلام غافل نبود، از این رو همواره در هر مناسبتی به حمایت از مسلمانان جهان می پرداخت. اما استعمارگران که از اندیشه های او پیرامون اتّحاد جهان اسلام وحشت داشتند تصمیم به ترور و از بین بردن ایشان گرفتند.

تلاش ها

- اعزام نمایندگانی به کنفرانس ها و همایش های وحدت مسلمانان.

- ارسال نامه به تمام کشورهای اسلامی در سال ۱۳۳۱ش و تقاضای فرستادن نمایندگانی جهت شرکت در کنگرۀ اسلامی و تبادل نظر دربارۀ اتّحاد جهان اسلام. (۱)- حمایت از شهدای مبارز و استقلال طلب مصر و برپایی مراسم گرامی داشت آنها در مسجد ارک تهران. (۲)- دعوت از مردم برای راهپیمایی و تظاهرات بر ضدّ رژیم اسرائیل در سی ام اردیبهشت ۱۳۲۷: مرحوم آیت اللّه کاشانی در اجتماع پر شور تظاهر کنندگان سخنرانی نمود و وضع نابسامان مسلمانان را نتیجۀ دخالت استعمارگران در امور آنها و از بین رفتن روح اتّحاد و دوری از احکام اسلام معرّفی نمود. (۳)- صدور اعلامیه ای خطاب به مسلمانان جهان مبنی بر به رسمیّت نشناختن اسرائیل در سال ۱۳۲۶ش (سال تأسیس رژیم منحوس و صهیونیستی اسرائیل). (۴)

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۷۷، به نقل از ایران اسلامی در برابر صهیونیسم، ص ۷۰ - ۷۳..

۲- (۲) . مربوط به درگیری مسلمانان مصری در بحران کانال سوئز که آیت اللّه کاشانی ضمن نامه ای به رئیس جمهور مصر (جمال عبد الناصر)، حرکت آنان را مورد حمایت قرار داد..

۳- (۳) . همان، ص ۶۷۷، به نقل از ایران اسلامی در برابر صهیونیسم، سیّد جلال الدین مدنی، ص ۲۰ - ۲۳..

۴- (۴) . همان، ص ۶۷۷..

شیخ محمود شلتوت

متوفای: ۱۳۸۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمود، نام پدر: شیخ محمّد، ولادت: ۵ شوال ۱۳۱۰ق، محل تولّد: مصر، استان بحیره،۱ روستای منشاه بنی منصور از توابع بخش ایتای البارود.

تحصیلات: او پس از خواندن دروس ادبیات و حفظ کل قرآن کریم، در سال ۱۳۲۸ق به دانشکدهٔ اسکندریه رفت.۲ در سال ۱۳۴۰ق به عنوان دانشجوی نمونهٔ دانشکده معرّفی شد و پس از اتمام تحصیلات در سال ۱۳۴۱ق به عنوان استاد در همان دانشکده مشغول تدریس گشت. در ۱۳۶۰ق برای تدریس به دانشگاه الازهر دعوت گردید. شیخ محمود پس از ۱۹ سال به قائم مقامی الازهر درآمد و نهایتاً در سال ۱۳۸۳ق به عنوان رئیس دانشگاه از طرف دولت مصر انتخاب شد.

اساتید: استاد شیخ الجیزاوی، شیخ عبد المجید سلیم.۳ شیخ مصطفی مراغی.

شاگردان: عباس محمود عقاد، شیخ علی عبد الرزاق.

آثار قلمی: تفسیر القرآن الکریم، مقارنه المذاهب فی الفقه، من توجیهات الاسلام، الفتاوی، من هدی القرآن، الاسلام عقیده والشریعه، الی القرآن الکریم، یسألونک، منهج القرآن فی بناء المجتمع، القرآن والمرأه، تنظیم العلاقات الدولیه الاسلام، الاسلام والجود الدولی للمسلمین، تنظیم النسل، فقه القرآن والسنه.۴

سرانجام: این شخصیّت بزرگ اسلام در تاریخ ۲۷ رجب المرجب ۱۳۸۳ق پس از ۷۳ سال تلاش در راه وحدت و تقریب امّت مسلمان، به دیار باقی شتافت.

۱. ایالت بحیره از ایالات مهم کشور مصر با ۱۰۱۳۰ کیلومتر مربع وسعت و با جمعیّت ۴ میلیون نفر، در قسمت غربی دلتای نیل واقع شده است.

۲. این دانشکده از قدیمی ترین دانشگاههای شهر اسکندریه به شمار می رود که زیر نظر دانشگاه الازهر مشغول فعّالیّت می باشد.

۳. شرح حال وی در ص ۳۳۴ همین کتاب گذشت.

۴. طلایه داران تقریب (۲)، شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت، ص۱۰۷ - ۱۱۲.

- شیخ شلتوت کتاب خدا و سنت رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم را وجه اشتراک همهٔ مذاهب می دانست.

- وی معتقد بود: برادری دینی بین قلوب مسلمین پیوندی برقرار می سازد که خانواده های واحد می شوند.

- ایشان با اتّکاء به آیه شریفهٔ «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَلا تَفَرَّقُوا» (۱) می گفت:

«خداوند از مطلق تفرقه در قرآن نهی کرده است که شامل تفرقه به سبب تعصّب نیز می شود.

حدیثی صحیح می گوید: «لا عصبیّه فی الاسلام»: در دین اسلام تعصّب وجود ندارد». (۲)- مهمترین هدف اساسی وی، دوری و مبارزه با تعصّبات فرقه ای و مذهبی بود.

- او می گفت: علی رغم تعدّد و اختلاف مذاهب در بسیاری از احکام و وجود آرای متعدّد، همگان در نقطه ای مشترک و سخنی واحد، گرد می آیند که ایمان به مصادر اصلی و تقدیس کتاب اللّه و رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم است. (۳)- در نگاه او کسی که به فقه اشتغال دارد سزاوار نیست که تنها به یک مذهب بسنده کند، بلکه باید در هر مسئله ای به آنچه نزدیک تر به دلالت کتاب و سنت استوار است معتقد باشد. (۴)- عوامل وحدت را از دیدگاه شلتوت مرور می نمائیم:

۱. ترک تعصّب؛

۲. تلاش علمای دین در جهت وحدت اسلامی: در این رابطه شیخ چنین می گوید: «اینک من بار دیگر به نام خدا و به نام کتاب خدا و به نام وحدت اسلامی و به نام چنگ زدن به ریسمان محکم الهی، علمای شیعه و سنی را به تقریب و همبستگی دعوت می کنم. مسلّماً گرامی ترین آنان نزد خدا کسی است که زودتر به این هدف مقدّس سبقت گیرد و رخنه هایی

۱- (۱) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳..

۲- (۲) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۹ دی ماه ۱۳۷۹، ویژه نامه، ص۹؛ مع رجال الفکر، ج۲، ص۲۹..

۳- (۳) . طلایه داران تقریب (۲)، ص ۵۳..

۴- (۴) . همان، ص ۹۸، به نقل از ماهنامهٔ اخبار تقریب، ش۴۳ - ۴۴، ص۴۵..

که در گذشته میان مسلمین پیدا شده ببندد و مجد و شعار ما که عبارت از وحدت اسلامی است به ما بازگرداند». (۱)- و اما موانع وحدت از نظر شیخ بدین قرارند:

۱. تعصّبات مذهبی: اختلافاتی که منجر به تعصّبات مذهبی و جمود فکری می شود، رشتهٔ پیوند مسلمانان را قطع و دشمنی و کینه را در دلها می باوراند. (۲)۲. سوء استفادهٔ دشمن: خداوند متعال از امّت اسلامی خواسته است که وحدت کلمه داشته باشند که (در غیر این صورت) کشورهای استعمارگر از تفرقهٔ مسلمانان بهترین بهره برداری را به نفع خود می کنند. (۳)۳. توطئه استعمار در راه وحدت: استعمار هیچ گاه راضی نمی شود امّت اسلام به طور یکپارچه درآید، زیرا می داند که در آن صورت، امّت واحد در مقابل مطامع آن ها خواهند ایستاد. در این باره مرحوم میرزا خلیل کمره ای خاطره ای از شلتوت نقل می کند که هر مسلمانی به عمق توطئه های استعماری پی می برد؛ وی می نویسد:

اینجانب در سفر به مصر، دو نوبت با شیخ شلتوت دیدار داشتم و در این دیدار، ایشان رازی را برای ما فاش نمود، ایشان فرمود: «من از دیر زمان، حدود سی سال قبل درصدد دیدن فقه امامیه برآمدم و از عراق و ایران کتابهای فقهی امامیّه را خواستم، ولی تا این اخیر که مصر از زیر زنجیر استعمار بیرون آمد، کتابها نمی رسید و سانسور می شد امّا بعد از فتح کانال، کتب شما آمد و من مطالعه کردم، حجّت بر من تمام شد و آن فتوا (۴) را دادم، بدون اینکه تحت تأثیر هیچ مقامی یا سخنی بروم». (۵)

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۲)، ص ۵۳ - ۵۵، به نقل از شیخ محمود شلتوت، طلایه دار تقریب، ص۱۸۳..

۲- (۲) . همان، ص ۵۵ - ۵۸، به نقل از روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۹ دی ماه ۱۳۷۹، ویژه نامه، ص ۱۰..

۳- (۳) . همان، ص ۵۶ ، به نقل از اخبار تقریب، ش۴۹ - ۵۰، ص۴۱..

۴- (۴) . منظور فتوای تاریخی وی پیرامون جواز پیروی از آئین تشیع است. متن کامل این فتوا در صفحات آینده خواهد آمد..

۵- (۵) . همان، ص ۵۷ ، از کتاب شیخ محمود شلتوت طلایه دار تقریب، ص۱۹۵؛ به نقل از رابطه عالم اسلام، ناصر الدین کمره ای، ص ۷..

۴. نویسندگان ناآگاه: یکی از گروههایی که نقش کلیدی در راه وحدت اسلامی دارند، نویسندگان هستند. محقّقان و نویسندگان در هر کشوری می توانند مردم را به سوی وحدت فرا خوانند.

تلاش ها

- صدور فتوای تاریخی، مبنی بر جواز پیروی از مذاهب ریشه دار و اصیل اسلامی، که شیعهٔ دوازده امامی هم جزء آنهاست. (۱)- تدریس فقه شیعه در کنار مذاهب اهل سنت به هنگام ریاست در دانشگاه الازهر.

- برگزاری مراسم روز عاشورا در صحن دانشگاه الازهر.

- تأسیس آکادمی تحقیقات اسلامی: در این مؤسسه نمایندگان تمام مذاهب اسلامی گرد هم می آیند و دربارهٔ موضوعات مختلف اسلامی به بحث و بررسی می پردازند.

- پیشنهاد پاکسازی و زدودن خرافات و بدعتها از کتب دینی، به کمیتهٔ فتوای الازهر.

- ارائهٔ پیشنهاد نگارش کتابی علمی در پاسخ به اسرائیلیاتی که در کتب تفسیری متداول بین مسلمانان موجود است - و مردم آن ها را معانی و تفسیر قرآن کریم می پندارند در حالی که بر صحیح بودن آن ها نه حدیثی وجود دارد و نه عقل آن را می پذیرد - به کمیتهٔ فتوای الازهر.

۱- (۱) . به جهت اهمیّت تاریخی این فتوای مهم شیخ، در این قسمت ماجرای مختصری را که سبب شد شیخ شلتوت این فتوارا صادر نماید بیان می نمائیم: هنگامی که شیخ عبد المجید سلیم ریاست دانشگاه الازهر را بر عهده داشت، تصمیم گرفت تا فتوایی مبنی بر جواز پیروی از مذهب اهلبیت علیهم السلام صادر کند، هنگاهی که خواست این کار را انجام دهد، از طرف عناصر استکبار و استعمار، کتابی توهین آمیز نسبت به مقدّسات اهل سنت منتشر و در بین اعضای دار التقریب پخش شد. این کتاب که به یکی از علمای شیعه نسبت داده شده بود بدون تاریخ و بدون ذکر محل و نام چاپخانه در اختیار اعضاء قرار گرفت و موجی از ناراحتی و بدبینی نسبت به مذهب شیعه را درپی داشت. بدون تردید دست استعمار در پس این پرده، در جریان بود. عبد المجید سلیم (استادِ شیخ شلتوت) که با این توطئه از پیش طراحی شده روبرو شد و نیز با توجه به آن وضعیّت بحرانی و کینه و دشمنی که نسبت به شیعه پدید آمده بود، نتوانست این فتوا را صادر کند. لذا منصرف شد و منتظر فرصتی دیگر بود، ولی دست اجل، فرصت را از عبد المجید گرفت و سالها بعد شاگردش، شیخ محمود شلتوت این فتوا را صادر کرد و نام خود را در جهان اسلام پرآوازه نمود. متن کامل این فتوا در صفحهٔ ۳۶۵ خواهد آمد..

- اهتمام و کوشش او در راه آزادی سرزمین قدس.

- مقابله با کسانی که به هر نحو و صورتی از رژیم اسرائیل حمایت می کردند.

- رابطهٔ صمیمی وی با علمای شیعه: از لحن نامه های وی می توان این صمیمیّت و صفا را درک نمود. (۱)- ارتباط مستمر وی با علمای شیعه از جمله حضرات آیات عظام: بروجردی، کاشف الغطاء، شرف الدّین و سیّد محسن حکیم و مشورت با آنان در امور مهمی که بر مسلمانان جهان می گذشت.

- پیشنهاد شریک نمودن تشیع و تسنن در دار التقریب مذاهب اسلامی و استفاده از واژهٔ مذاهب اسلام به جای تعابیری چون فرقه، طایفه و... .

- ۱۷ سال عضویّت در دارالتقریب و تلاش خستگی ناپذیر درجهت تقریب شیعه و سنّی. (۲)- خواندن نماز یومیه پشت سر علّامه کاشف الغطاء: شیخ محمود شلتوت در سفری که به قدس شریف، برای شرکت در کنفرانس اسلامی فلسطین داشت، به همراه دیگر علما نماز جماعت را به امامت آیت اللّه کاشف الغطاء خواند. وی این صحنهٔ زیبا را که سنی و شیعه در صفی واحد ایستاده اند، اینگونه توصیف کرد:

«چه زیباست سیمای مسلمانان که نمایندگان آنان در کنفرانس اسلامی فلسطین در مسجد الاقصی جمع شدند و با یکی از مجتهدین شیعهٔ امامی، استاد با فضیلت، شیخ محمّد حسین آل کاشف الغطاء نماز جماعت خواندند، بی آنکه فرقی باشد میان کسی که خود را سنی می نامد و یا کسی که خود را شیعه می خواند و همگی صفوف واحدی را پشت سر یک امام تشکیل دادند که پروردگار واحدی را می خوانند و به سوی یک قبله روی دارند». (۳)

۱- (۱) . برای نمونه به ص ۳۵۶ (نامه وی به آیت اللّه بروجردی) مراجعه نمایید..

۲- (۲) . طلایه داران تقریب (۲)، ص۶۱، به نقل از علّامه محمّد تقی قمی، روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۹ دی ماه ۱۳۷۹، ویژه نامه، ص ۹..

۳- (۳) . همان، ص ۷۷، به نقل از شیخ محمود شلتوت، طلایه دار تقریب، ص۴۱..

– حکم به برتری برخی از آراء شیعه بر بعضی از آراء عالمان اهل سنت؛ او در این زمینه می گوید: « هر پژوهشگر حقیقت خوان و منصف در بسیاری از اوقات، قوّت دلیل مذهب شیعه را در می یابد ». (۱)- موضع گیری در مقابل وهابیّت نسبت به حکم مشرک بودن کسانی که دور ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمهٔ معصومین علیهم السلام طواف کرده و آن را می بوسند.

– احترام و تجلیل شیخ شلتوت از ملّت ایران: او در این رابطه می گوید: «به علماء بزرگ ایران که برادران دینی من هستند و سایر افراد ملّت ایران درود می فرستم. لازم است بگویم که ملّت ایران در تاریخ درخشان اسلام و در خدمت علمی و فرهنگی، قدمی استوار و سابقه ای درخشان دارند. چه بسیاری از مؤلّفین اسلامی در فقه و عقاید و حتی در علوم ادبی زبان عرب، ایرانی بوده اند. ابو حنیفه از بزرگترین پیشوایان مذاهب اهل سنت، ایرانی بود و همچنین عبد القاهر جرجانی که مؤسّس علم بلاغت است و سیبویه پیشوای نحو و فخر الدین رازی و زمخشری که از بزرگان علوم تفسیر و ادب به شمار می آیند، ایرانی بوده اند و اکنون عالَم تسنن به آنها افتخار می کند. (۲)- تأسیس فقه مقارن: یکی از اقدامات مهم شیخ، تأسیس فقه مقارن در دانشگاه الازهر بود. او که به هیچ عنوان تعصّب مذهبی نداشت، حرف حق را از هر مذهبی که بود قبول می کرد. وی دربارهٔ تأسیس کرسی فقه مقارن می گوید: ... و این هم دانشگاه الازهر که براساس تقریب بین مذاهب اسلامی تسلیم گشت و مقرّر داشت که فقه شیعه و سنی هردو براساس دلیل و برهان بدون هیچگونه تعصّبی تدریس شود. (۳)

متن حکم مهم و تاریخی مفتی دانشگاه الازهر مصر، شیخ محمود شلتوت

در روز با برکت ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۷۸ق، همزمان با میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امام صادق علیه السلام رئیس فقه جعفری، با حضور نمایندگانی از مذاهب شیعهٔ امامی،

۱- (۱) . همان، ص ۱۰۰، به نقل از روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۹ دی ماه ۱۳۷۹، ویژه نامه، ص ۹..

۲- (۲) . طلایه داران تقریب (۲)، ص ۱۰۱، به نقل از همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۵۵..

۳- (۳) . همان، ص ۸۶ ..

زیـدی، حنبلی، شـافعی، مالکی و حنفی، شـیخ محمود شـلتوت، فتوایی مبنی بر جواز پیروی از مکتب تشـیع را صادر نمود. متن فتوا به این صورت است:

«آئین اسـلام، هیـچ یک از پیروان خود را ملزم به پیروی از مکتبی معیّن ننموده، بلکه هر مسـلمان می توانـد از هر مکتبی که به طور صـحیح نقل شده و احکام آن در کتب مخصوص به خود مدوّن گشته پیروی نماید و کسی که مقلّد یکی از این مکتبهای چهارگانه (شافعی، حنبلی، مالکی و حنفی) باشد می تواند به مکتب دیگری منتقل شود.

مکتب جعفری معروف به مـذهب امامی اثنی عشـری، مکتبی است که شـرعاً پیروی از آن ماننـد پیروی از مکتبهای اهل سـنت جایز می باشد. بنابراین سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصّب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب معیّنی دارنـد دوری گزیننـد، زیرا دین خـدا و شـریعت او تـابع مکتبی خـاص نبوده و در احتکار و انحصار مکتب معیّنی نخواهـد بود. بلکه همـۀ صاحبـان مـذاهب، مجتهـد بوده و اجتهـاد شـان مورد قبول درگـاه بـاری تعـالی است و کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیسـتند، می تواننـد از هر مکتبی که مورد نظرشان است تقلید نموده و از احکام فقه آن پیروی نمایند و در این مورد فرقی میان عبادات و معاملات نیست». (۱)در نگاه دیگران

– شیخ محمّد فحّام، شیخ الازهر (۲): هیچ تردیدی ندارم که این شخصـیّت بزرگ، با فتوای آشکار خود (مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه) براساس اعتقاد من فتوا داده است.

۱- (۱) . سـرانجام در مراسـمی با حضور علما و بزرگان مشـهد مقـدّس از جمله حضـرات آیات: میلانی، میرزا احمـد کفایی و واعظ زاده خراسانی، فتوای تاریخی شـیخ شلتوت که با خط وی بود توسط علّامه شیخ محمّد تقی قمی، به آستان قدس رضوی علیه السـلام تقدیم شد. در حال حاضر این سند مهم تاریخی در کتابخانۀ آستان قدس نگهداری می شود. (طلایه داران تقریب (۲)، ص ۸۴).

۲- (۲) . وی در راه وحـدت مـذاهب اسـلامی تلاـش هـای زیـادی کرده و در طول سـفرهایش بـه کشورهـای ایران، هنـد، پاکستان،الجزایر، ژاپن، و سایر کشورهای اسـلامی، با علمای شیعه دیدار داشته است. دکتر محمّد فحّام دربارۀ وحدت اسلامی می گوید: بین شیعه و سنی سخن بسیار است و آن چه در اسلام معتبر است و مرز مسلمانان از غیر مسلمانان محسوب می شود، شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اعتقاد به روز رستاخیز است. اسلام عصبیّت و تعصّب نمی شناسد و هیچ فضیلتی برای عرب نسبت به عجم، جز تقوا نیست. (روزنامه رسالت، ۱۸ شهریور ماه ۱۳۷۱).

- شیخ محمّد غزالی: من معتقدم که فتوای استاد بزرگ شیخ محمود شلتوت، گام وسیعی در میدان وحدت اسلامی است که مایهٔ امیدواری تمام زمامداران و علمای با اخلاص و تکذیب آنچه است، که مستشرقین انتظارش را دارند. مستشرقینی که انتظار می کشند کینه و نفاق، این امّت را قبل از رسیدن به اتّحاد و همبستگی از میان بردارد. این فتوا به نظر من نخستین گام برای یکپارچگی و جمع کردن مسلمانان تحت عنوان اسلام است که خداوند آن را کامل گردانیده و آن را به عنوان بهترین دین برای ما برگزیده است. (۱)

ص:۳۶۷

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۲)، ص ۱۰۵، به نقل از شیخ محمود شلتوت، طلایه دار تقریب، ص۲۱۳..

آیت اللّه شیخ محمّد خالصی زاده

متوفای: ۱۳۴۲ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد، نام پدر: شیخ محمّد مهدی، ولادت:

۱۳۰۸ق۱، محل تولّد: عراق، کاظمین.

تحصیلات: او دروس فقه، اصول، ادبیات عرب و دیگر علوم دینی را نزد پدر خود و دیگر آیات عظام تلمّذ نمود و علوم جدید و زبانهای انگلیسی و فرانسه را نزد استادان خصوصی فرا گرفت. شیخ محمّد به سبب هوش و ذکاوت ویژه، در عنفوان جوانی به درجهٔ اجتهاد نائل آمد.

اساتید، حضرات آیات: شیخ محمّد مهدی خالصی (پدر)، شیخ مهدی مرایاتی، شیخ صادق خالصی، شیخ راضی خالصی، شیخ محمّد حسین کاظمی، آخوند محمّد کاظم خراسانی، میرزا محمّد تقی شیرازی.۲

آثار قلمی: الاسلام سبیل السعاده والسلام، احیاء الشریعه فی مذهب الشیعه، معراج خیر الأنام، المعارف المحمدیه صلی الله علیه و آله و سلم ، وحدت اسلامی، حقیقت حجاب در اسلام، مواعظ اسلامی و... .

سرانجام: ایشان پس از عمری نزدیک به ۷۵ سال تحصیل، تدریس، تعلیم و مبارزه، در شب جمعه ۱۹ رجب سال ۱۳۸۳ق (۱۳۴۲ش)، روح پر فتوحش در بیمارستان الرازی بغداد به سوی پروردگار خویش، عروج کرد.

مقبره: عراق، کاظمین، حجره ای در صحن مطهّر امامین کاظمین علیهما السلام .

۱. علمای مجاهد، ص ۱۸۷.

۲. همان.

اندیشه ها

- آیت اللّه خالصی زاده معتقد بود دعوت اسلامی باید جهانی و فراگیر باشد.

- شیخ محمّد رضا شمس الدین (عالم لبنانی) دربارهٔ شخصیّت فکری و سیاسی آیت اللّه خالصی زاده چنین می گوید:

«من نمی خواهم این مطلب را ثابت کنم که خالصی از جملهٔ مراجع تقلید است و اینکه او شایستهٔ مقام خطیر فتوا دادن به شکلی که نزد شیعهٔ امامیه جریان دارد، می باشد.

اگر از من دربارهٔ این نظر سؤال کنند و بپرسند چرا؟ می گویم: نمی دانم. منتهی من وی را از جمله علمای مصلح می دانم نه مراجع تقلید. او مانند کاشانی و بهبهانی در ایران، زنجانی در نجف و شرف الدین در لبنان است. البته این امر هیچگونه منقصه ای و یا مذمتی بر او و آنان نیست». (۱)تلاش ها

- تلاش برای ایجاد وحدت اسلامی در دیدار و گفتگو با علمای طراز اول اهل سنت شهرهای عراق. (۲)- آیت اللّه خالصی آنچنان پیگیر و مؤثّر بود که در عراق از او به عنوان سمبل وحدت اسلامی یاد شده است.

- کوشش در راه برگزاری کنگرهٔ جهانی اسلامی در تهران و دعوت از علماء و نمایندگان ممالک اسلامی برای حضور در این کنگره و بررسی اوضاع بحرانی جهان اسلام. (۳)- اقدام به تفهیم و تحکیم وحدت اسلامی در عراق و دیگر کشورهای اسلامی.

- مسافرت به شهرهای سنی نشین عراق جهت ملاقات و گفتگو با علمای اهل سنت.

۱- (۱) . میعاد با سپیده گشایان، آرش مردانی پور، ص ۶۰ - ۶۱..

۲- (۲) . علمای مجاهد، ص ۱۹۰..

۳- (۳) . میعاد با سپیده گشایان، آرش مردانی پور، ص ۷۱، به نقل از نمایندگان ملّت، ابراهیم صفایی، ص۲۳..

- سفر به کشورهای حجاز (مکّه و مدینه)، لبنان، فلسطین و مصر با هدف دیدار با علمای اهل تسنن آن دیار و مبادلهٔ آراء.

- ملاقات و مذاکره با شیوخ الازهر مصر، عبدالمجید سلیم، محمود شلتوت و خضر الحسین و نیز ارائه پیشنهادِ نکات مهمی پیرامون وحدت اسلامی و اصلاح برنامه های درسی الازهر و... .

ص:۳۷۰

آیت اللّه سیّد هبه الدین محمّد علی شهرستانی

متوفای: ۱۳۴۵ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام زین العابدین علیه السلام

نام: سیّد محمّد علی، نام پدر: سیّد حسین، ولادت:

۲۴ رجب ۱۳۰۱ق، محل تولّد: عراق، سامرا.

تحصیلات: وی پس از دوران نونهالی، از ده سالگی تا مدّت کمی دروس صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، حدیث، درایه، رجال، فقه و اصول سطح متوسط و نیز تاریخ، هیئت، حساب و هندسه را در کربلا به پایان رسانید.۱ او پس از فوت پدر در ۱۳۲۰ق جهت ادامهٔ تحصیل رهسپار نجف اشرف گردید.۲ هبه الدین در حریم پاک امیر مؤمنان علی علیه السلام از فقیهان نامور شیعه فیض برد۳ و در شمار مجتهدان شیعه جای گرفت.

اساتید، حضرات آیات: شیخ محمّد کاظم خراسانی، سیّد کاظم یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی.

آثار قلمی: المحیط فی تفسیر القرآن، الهیئه والاسلام، الشریعه والطبیعه، الدلائل والمسائل، التوت والملکوت، نور الناظر فی علم الرأیا والمناظر و... .۴

سرانجام: در شب دوشنبه ۲۶ شوال ۱۳۸۶ق،۵ ریشه های یکی از کهن سال ترین درختان حوزه های علمیه، از خاکهای مادّیت بیرون آمده و به جهان ناپیدای جاودانگی رفت.

مقبره: عراق، کاظمین.۶

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۸۸، به نقل از اسلام و هیئت، ص۵۵ .

۲. همان، به نقل از هبه الدین شهرستانی، سیّد محمّد مهدی علوی، ص ۷ - ۸ .

۳. همان، به نقل از اسلام و هیئت، ص ۵۵.

۴. همان، ص ۶۹۶.

۵. نقباء البشر، ج۴، ص۱۴۱۶ - ۱۴۱۷.

۶. همان.

- وی از دوران جوانی به عنوان عالمی روشن، خردمند، کوشنده، با همّت و آگاه به اندیشه های جدید و اصلاح طلب معروف بود.

- او می گفت: جهاد بر همهٔ مسلمانان جهان واجب عینی است. حتّی کسانی که زیر سلطهٔ بریتانیا، فرانسه و روسیه به سر می برند باید برای مقاومت در برابر این سه دشمن اسلام متّحد شده، با آنها به نبرد برخیزند. (1)تلاش ها

- ارتباط و گفتگو با علما و متفکران معروف اهل سنّت از جمله با شیخ محمّد عبده (مفتی مصر)، سیّد محمّد رشید رضا (صاحب مجلّهٔ المنار) و نیز ناشران و نویسندگان مجلّات المقتطف و الهلال که ثمرهٔ آن برقراری پیوندی مستحکم میان پایگاه علمی جهان تشیّع و مراکز فرهنگی مصر و سوریه شد و در نتیجهٔ آن مقالات، اشعار و گزارشهایش در مجلّات جهان عرب انتشار یافت. (2)- آیت اللّه شهرستانی بیش از هر چیزی به بیداری و وحدت مسلمانان می اندیشید.

- پیوند میان مراکز فرهنگی شیعه و سنی در عراق.

- دیدار با علمای اهل سنت در اعظمیهٔ عراق: در محرم الحرام ۱۳۳۴ق، آیت اللّه شیخ الشریعه اصفهانی، همراه سیّد هبه الدین و عدّه ای دیگر، به دیدار دانشمندان اهل سنت در اعظمیهٔ عراق شتافتند و در محفلی سراسر یگانگی، روشنی و دوستی، شرکت نمودند.

آیت اللّه هبه الدین شهرستانی که نمی توانست بدین مقدار در وحدت شیعه و سنی، بسنده کند در راستای نزدیکی بیشتر نیروهای فرهنگی مسلمان، دو روز بعد در یک شنبه ۲۷ محرم، از دفتر نشریهٔ «صدی الاسلام» بازدید کرد و تلاش دست اندرکاران آن نشریه را ستود. (3)

۱- (۱) . علمای مجاهد، ص ۲۷۰..

۲- (۲) . همان..

۳- (۳) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۹۰، به نقل از لمعات الاجتماعیه من تاریخ العراق الحدیث، علی الوردی، ج ۴، ص ۲۳۶ - ۲۴۲..

سیّد قطب

متوفای: ۱۳۴۵ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد قطب، نام پدر: حاج ابراهیم قطب، ولادت: ۱۲۸۵ش، محل تولّد: مصر، استان اسیوط، روستای موشه.۱

تحصیلات: وی پس از دوران کودکی در ۱۲۹۱ش به مدرسه رفت، ده سال داشت که کل قرآن کریم را حفظ نمود. او هشت سال بعد به قاهره سفر نمود و ۱۶ ساله بود که وارد دانشسرای عبدالعزیز قاهره گردید. سیّد قطب در سال ۱۳۰۴ش به مدرسهٔ دار العلوم راه پیدا کرد و در ۲۳ سالگی موفّق به أخذ دیپلم گردید. وی پس از تلاش فراوان توانست در سال ۱۳۱۲ش مدرک لیسانس را أخذ نماید.

اساتید: محمّد مهدی علام، ابو الأعلی مودودی۲، عباس محمود عقاد.

آثار قلمی: الشاطیء المجهول، التصویر الفنی فی القرآن، الاطیاف الاربعه، طفل من القریه، المدینه المسحوره، و...

سرانجام: سید قطب در تاریخ ۷ خرداد ماه ۱۳۴۵ش هنگام طلوع خورشید، به همراه دوستانش محمّد یوسف هواش و عبد الفتاح اسماعیل بسوی جوخهٔ اعدام هدایت شدند.

۱. روستای موشه (یا موشا) از نظر جغرافیایی در یکی از سرزمینهای مرتفع مصر و در کنار رود خروشان نیل واقع شده است. این روستا از توابع أسیوط مصر است که به روستای عبد الفتاح نیز معروف است.

۲. شرح حال، اندیشه ها و تلاشهای وی در ص ۴۲۰ همین کتاب خواهد آمد.

- سیّد قطب، آفت جوامع اسلام را ملّی گرایی می دانست و معتقد بود تا وحدت میان مسلمانان جهان حاصل نشود امپریالیسم غرب، بر منابع مالی مسلمانان چنگ اندازی خواهد کرد. علّت مخالفت سیّد قطب با ملّی گرایی این بود که ملّی گرایی در مقابل وحدت مسلمانان قرار گرفته است.

- وی معتقد بود هر جا مسلمانی هست آن جا قلمرو اسلام است و اگر کشوری اجنبی به یکی از کشورهای اسلامی حمله کند به اسلام حمله کرده است.

- او می گفت: اسلام بیش از دو نوع جامعه نمی شناسد «جاهلی»؛ «اسلامی»؛ جامعهٔ اسلامی مجموعه ای است که در تمامی ابعاد، عقیده و عبادت، شریعت و احکام، سلوک و اخلاق، اسلام در آن تحقّق یافته است و جامعهٔ جاهلی مجموعه ای است که نه به اسلام عمل می کند نه اعتقادش از اسلام است و نه ارزشها و ضوابطش و نه نظام و قوانینش و نه سلوک و اخلاقش. (۱)

تلاش ها

- در جریان ملّی شدن صنعت نفت، سیّد قطب نامه ای به آیت اللّه کاشانی نوشت و از نهضت ملّی شدن صنعت نفت ایران حمایت کرد. به اعتقاد او نهضت ملّی شدن صنعت نفت، ملّی نیست بلکه نهضتی اسلامی به رهبری یک روحانی است. همچنین سیّد در این نامه مسلمانان را به وحدت و دوری از تفرقه دعوت نمود. (۲)بخشی از این نامه چنین است:

«... کسانی که امروزه خواستار تشکل و وحدت جهان اسلام در یک جبهه و تحکیم این جبهه هستند، تنها به روحانیون و اخوان المسلمین و افرادی که تفکّر و اندیشهٔ اسلامی را باور دارند خلاصه نمی شود... استعمار غربی می داند که اگر

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۶)، شهید سیّد قطب آیت جهاد، ص ۶۸..

۲- (۲) . همان، ص ۸۲ - ۸۳ ..

میهن اسلامی یکپارچه شود، چه موقعیّت استوار نظامی،سیاسی و اقتصادی نیرومندی خواهد داشت... به همین دلیل کمونیسم همانند کاپیتالیسم در اندیشهٔ ستیز با اتّحاد اسلام و ایجاد حکومت اسلامی است... اما در میان تمام این دشمنی ها و تجاوزها، فریاد مشترک از گوشه و کنار جهان اسلام برخاسته است که خواستار اتّحاد مسلمانان و ایجاد حکومت واحد اسلامی است...

این بیداری است... هدایت است... نور است... وجدان تمام امّت است که بیدار می شود و راه می گشاید و نور می افشاند». (۱)

ص:۳۷۵

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۶)، ص ۹۲ - ۹۳، به نقل از تاریخ فرهنگ معاصر، شمارهٔ ۱۳۷۱/۶، ویژه نامهٔ آیت اللّه کاشانی به نقل از الرساله، ش۹۵۱، ۲۴ ذی الحجه ۱۳۷۰ق..

آیت اللّه شیخ عبدالکریم زنجانی۱

متوفای: ۱۳۸۸ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: عبدالکریم، نام پدر: محمّد رضا، ولادت:

۱۳۰۴ق، محل تولّد: ایران، زنجان، آبادی باروت.۲

تحصیلات: او مراحل ابتدایی درسش را گذراند و سپس عازم تهران گردید تا سطوح بالاتر را فرا گیرد. در ۱۳۲۶ق عازم نجف شد و در آن جا از محضر حضرات آیات استفاده ها برد. از آن جایی که شیخ عبدالکریم از هوش و استعداد بالایی برخوردار بود، خیلی زود به درجهٔ اجتهاد نائل آمد و در رشتهٔ فلسفه و کلام چنان پیشرفت کرد که او را فیلسوف شرق لقب داده اند. در ۳۷ سالگی نامش به عنوان یکی از مراجع دینی شیعه بر سر زبان ها افتاد و در همین سال بود که رسالهٔ عملیهٔ او به زیور طبع آراسته گشت۳.

اساتید، حضرات آیات: سیّد محمّد کاظم طباطبایی و سیّد محمّد فیروزآبادی، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی.

شاگردان: آیت اللّه العظمی سید ابوالقاسم خویی و... .

آثار قلمی: الاعداد الروحی للجهاد الاسلامی فی فلسطین۴، الکندی،۵ الوحده الاسلامیه والتقریب بین المذاهب المسلمین،۶ مسائل شرعیه و... .

سرانجام: مصلح بزرگ، آیت اللّه شیخ عبدالکریم زنجانی ۸۴ ساله بود که پس از سالها تلاش، خدمت و دلسوزی در راه وحدت امّت اسلامی، در سال ۱۳۸۸ق و در اثر کهولت سن و ضعف جسمانی، دار فانی را وداع گفت وبه دیدار معبود شتافت.

مرقد: عراق، نجف اشرف، جوار بارگاه منوّر امیر المؤمنین علی علیه السلام .

۱. کلیهٔ مطالب مربوط به ایشان از پایگاه اطلاع رسانی مجمع تقریب مذاهب اسلامی در آبان ماه ۱۳۸۶ اقتباس گردیده است.

۲. در برخی منابع، تولّد و وفات او را در نجف اشرف نوشته اند (زرکلی، ۱۹۸۹م، ج۴، ص۵۶).

۳. الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیّه، محمّد سعید آل ثابت، ص۲۰.

۴. سیّد محمّد غروی مع علماء النجف الاشرف، ج۲، ص۲۴۴.

۵. معجم المطبوعات النجفیه، محمّد هادی امینی، ش۱۲۱۰، ص۲۸۷.

۶. همان، ش۱۷۲۴، ص۳۷۸.

ص:۳۷۶

- ایشان بر این عقیده بود که دوران تعصّبات غلط مذهبی به سر رسیده و غبار تنفّرات قومی، باید از چهرهٔ امّت اسلامی زدوده شود. باید منتظر روزی بود که احترام متقابل بین مسلمانان رواج پیدا کند و دیدگاه های مثبت بین آنان شکوفا گردد.

- این مرجع تقلید شیعیان در جواب سؤال استاد فقید شیخ محمود شلتوت، پیرامون عصمت ائمه اطهار علیهم السلام گفت:

«شیعه معتقد است که امامت یک منصب الهی است، زیرا وجود امام معصوم علیه السلام در جامعه، انسان را به سوی اطاعت خداوند نزدیک و از معصیت او دور می کند؛ یعنی نفس وجود امام این لطف و مزیّت را به همراه دارد و کسی که از ناحیه خدا منصوب گشته جایز نیست مرتکب فعل قبیح گردد وگرنه انتصاب او به عنوان امام و پیشوا جایز نخواهد بود.

بنابراین لازم است در وجود امام ملکه و قوّه ای باشد تا او را از گناه و خطا دور کند و این همان معنای عصمت است». (۱)- شیخ عبدالکریم از دو مرکز علمی نجف و قاهره به عنوان عوامل مهم وحدت اسلامی یاد می کرد و می گفت: «نجف اشرف قلب اسلام است که از هزار سال پیش در کنار مرقد شریف امام اعظم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام تأسیس شده و آثار عظیمی از خود بر جای گذاشته است. اکنون دو مرکز علمی بزرگ در جهان اسلام وجود دارد که یکی نجف و دیگری قاهره (۲) است و تأسیس کنندگان این دو مرکز علمی از شیعه بوده اند (۳)؛ پس آیا ثمره ای

۱- (۱) . الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، محمّد سعید آل ثابت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۴۲۷ق، ص۵۶..

۲- (۲) . منظور دانشگاه الازهر است که در شهر قاهره پایتخت کشور مصر واقع است..

۳- (۳) . آری، الازهر مصر، این دانشگاه پرآوازهٔ اسلام، در سال ۳۵۸ق توسط فاطمی ها در قاهره بنا گردید. این دانشگاه نام خود را از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گرفت، چون فاطمیّان خود را به آن حضرت منسوب می دانستند. چند سالی از عمر این بنا نگذشته بود که عنوان دانشگاه به خود گرفت و قضات شیعهٔ آن، به تدریس مبادی فقه شیعه پرداختند. در سال ۹۸۸م در زمان خلیفه فاطمی، «العزیز»، اساتیدی به طور رسمی تعیین شدند تا به تدریس علوم دینی بپردازند و از این قرن الازهر به صورت دانشگاهی دینی در آمد که در آن علوم دینی تدریس می شد و دانشگاهی دیگر به نام دارالحکمه عهده دار علوم فلسفه، طب، شیمی و هیئت بود که ناصرخسرو ایرانی هم جزء دانشجویان آن بود. در اواخر حکومت فاطمی ها درهای دارالحکمه بسته شد و چون در انتهای قرن دوازدهم ایّوبیان به روی کار آمدند، تعالیم و پیروی از شیعه را لغو کردند و با تعطیلی نماز جمعه در الازهر از اهمیت آن کاستند. ولی با افزوده شدن دروس طب، نجوم، فلسفه و منطق، بار دیگر الازهر رونق گرفت. از قرن هفتم هجری، با سقوط خلافت عباسیان و ویرانی مرکز فرهنگ اسلامی در اسپانیا، دانشگاه الازهر بزرگترین دانشگاه اسلامی گردید که از کشورهای مختلف اسلامی به آن روی می آوردند و در رواق های آن به تحصیل علم می پرداختند و این نظام تا به امروز هم چنان برقرار است. (پایگاه اطّلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، آبان ماه ۱۳۸۶، به نقل از دائره المعارف بزرگ اسلامی، مادهٔ الازهر)..

عظیم تر از این برای شیعه سراغ دارید؟ این دو مرکز اگرچه بعد از گذشت سالیان دراز از یک دیگر دور شدند اما هردو در گسترش مشترکات فرهنگ اسلامی و عربی، یک راه را پیموده اند». (1)- وی می گفت: «شیعه معتقد است باب اجتهاد به روی مجتهدان باز است و اجتهاد شیعی بر اساس هوی و هوس نیست بلکه بر اساس قرآن، حدیث، سنت صحیح، اجماع و عقل است، اهل سنت نیز باب اجتهاد را مفتوح می دانند و تنها در مورد عقل با شیعه اختلاف دارند، و یا مثلاً می گویند شیعه در مورد اهل بیت علیهم السلام غلو می کند اما وقتی به مصر آمدم خودم دیدم که اهل سنت درباره محبّت اهل بیت علیهم السلام بیش از شیعیان غلو می کنند».

- او همواره تأکید می نمود که کلمهٔ توحید تنها با توحید کلمه به دست می آید. (2)تلاش ها

- تألیف رسالهٔ «الوحده الاسلامیه» و نیز مقالات متعدّدی در این زمینه.

- سفر به کشورهای اسلامی نظیر: مصر، سوریه، لبنان و فلسطین که توفیقات زیادی به بار آورد و اثرات آن هنوز هم باقی است. کسب این موفّقیّتها از او شخصیّتی ساخت که سالها پس از وفات ایشان در کشورهای مختلف اسلامی، کنگره ها و جلساتی برای تکریم و تجلیل از شخصیّت او برپا می کنند و آیت اللّه عبدالکریم زنجانی را به عنوان مصلح بزرگ معرّفی

1- (1) . الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص 56 ..

2- (2) . همان، ص 65..

می نمایند. به گفتهٔ یکی از شاهدان عینی، روزنامه های مصری در خلال برگزاری کنگرهٔ بزرگداشت شیخ عبدالکریم زنجانی در قاهره نوشته بودند:

«بعد از هزار سال این بزرگترین نشستی بود که عالمان طراز اول سنی به ریاست شیخ الازهر، گرد هم آمدند و از مقام یکی از عالمان برجستهٔ شیعی به عنوان پیام آور وحدت و دوستی تجلیل به عمل آوردند. (۱)- دیدار با شخصیّتهایی چون: شیخ الازهر مصطفی راغبی، سلیم (مفتی مصر)، شیخ فتح اللّه سلیمان (رئیس عالی دادگاه شرعی)، شیخ محمّد عبد اللطیف فحّام (نمایندهٔ الازهر و مراکز دینی قاهره)، زکی عرابی پاشا (وزیر معارف)، استاد محمّد فرید وجدی (مدیر مجلّهٔ الازهر)، نمایندگانی از سفارت عراق، ایران، عربستان، ترکیه و افغانستان و نیز بازدید از برخی مراکز دینی و مؤسّسات علمی قاهره و دیدار با جمعیّتهای هدایت اسلامی، شبان المسلمین، بعثهٔ اسلامیِ الازهر (مستقر در هند) در سال ۱۳۵۴ق. (۲)- سخنرانی در دانشگاه بزرگ سوریه در دمشق: این سخنرانی در روزنامه ها و مجلّات سوری انعکاس وسیعی یافت، چنان که پس از دیدار و اتمام سخنرانی، مفاد آن در مطبوعات دمشق به طور گسترده انتشار یافت. سردبیر مجلّهٔ «التمدّن الاسلامیه» نوشت:

«سخنانی که امام مجاهد شیخ عبدالکریم زنجانی، پیام آور وحدت اسلامی در سالن دانشگاه سوریه ایراد نمود، از بهترین سخنرانی های سودبخشی بود که تا کنون دمشق دیده است. همهٔ براهین فلسفی، ادلّهٔ منطقی و استنتاجهایی که این مصلح بزرگ در سخنرانی خود داشت، برگرفته از عمق قرآن کریم بوده است و البته با بیان شیوایی که داشت، سخنانش بلیغ ترین اثر را بر جمع پر ازدحام دانشگاه به ویژه بزرگان و علمای آن جا گذاشت». (۳)- بازدید از مسجد اموی در دمشق: دیدار او از مسجد اموی در حالی روی داد که پیش از او هیچ یک از شخصیّت های شیعی اجازه ورود به این مسجد را نداشتند. به نوشتهٔ مجلّهٔ «التّمدّن الاسلامیه» جمعیّت زیادی در این مسجد دور امام زنجانی حلقه زدند و سعی داشتند

۱- (۱) . همان، ص ۴۰..

۲- (۲) . همان، ص۴۵..

۳- (۳) . الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص۶۱ - ۶۲؛ به نقل از مجلّهٔ تمدّن اسلامی، سال دوّم، شمارهٔ ۱۰، ۱۳۵۵ق..

درباره تفکّرات ایشان پیرامون وحدت اسلامی، سخنانی بشنوند تا این که بالأخره در محل «قبه النسر»، در داخل همین مسجد منبر باشکوهی آماده کردند و او در میان انبوه جمعیّت که از ۴۰/۰۰۰ (چهل هزار) نفر فراتر می رفت، سخنان قاطع و سودمندی درباره وحدت اسلامی و توحید کلمهٔ مسلمین بیان کرد و به ویژه پیوند دو مکتب سنی و امامی را مورد تأکید قرار داد. این مجلّه در ادامه می نویسد:

«در این لحظه سخنان امام مجاهد زنجانی به پایان رسید اما اشک جمعیّت حاضر از شوق تازگی سخنان او و حرف های ناشنیده و قابل باوری که در میان صحبت های او بود هم چنان سرازیر بود». (۱)پس از سخنان این مصلح بزرگ، علّامه شیخ بهجت بیطار، ضمن ستایش از سخنان وی، گفت: سوریه که هیچ معنایی برای تفرقه بین مذاهب اسلامی قائل نیست، بسیار خرسند خواهد شد که در سایه ارشادات امام زنجانی، اعلام وحدت کند و سپس از جمعیّت حاضر پرسید: آیا شما وحدت اسلامی با برادران شیعهٔ امامیه را که امام زنجانی دعوت کننده آن باشد، تأیید می کنید؟ همه یک صدا جواب مثبت دادند. (۲)در واقع آیت اللّه زنجانی با سخنرانی خود در این مکانِ حسّاس، تفرقه ای را که از زمان امویان تا کنون بر چهرهٔ دمشق نقش بسته بود، تبدیل به پیوند و هم دلی کرد و ریشه های دیرین جدایی را سوزاند. علّامهٔ شهیر، سیّد محسن امین عاملی (که او نیز در این مجلس حضور داشت و به عنوان مرجع شیعیان دمشق، آیت اللّه زنجانی را همراهی می کرد) در این رابطه می گوید: «هیچ گاه در تاریخ نشنیده ایم که یک عالم شیعی بر منبر مسجد جامع اموی دمشق بالا رود و به ایراد سخن بپردازد. از زمانی که امام سجاد علیه السلام در سال ۶۱ق، خطبه اش بر روی این منبر ناتمام ماند، هیچ شخصیّت شیعی بر بالای منبر قرار نگرفته است، اما امروز می بینیم که این افتخار بر صفحات تاریخ رقم خورد و آیت اللّه شیخ عبدالکریم زنجانی به عنوان زعیم شیعهٔ امامیه، از این منبر بالا رفت و به عنوان نخستین خطیب و سخنران شیعی در تاریخ

۱- (۱) . الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص۶۲..

۲- (۲) . همان، ص۶۳..

اسلام، خطبهٔ ناتمام امام سجاد علیه السلام را بعد از ۱۲۹۵ سال تکمیل کرد». (۱)- سخنرانی در کنفرانسی که در مقرّ «رابطه الشباب العربی» در قاهره برگزار گردید. او در این سخنرانی تأکید کرد:

«دعوت به سوی اتّحاد در میان امّت عربی و اسلامی ناقص است و تمام جوانب آن در نظر گرفته نمی شود. خطبا و نویسندگان تنها در مورد فضیلت وحدت اسلامی و ضرورت آن صحبت می کنند اما راه کارهای درستی ارائه نمی دهند، درحالی که خود می دانند این گونه دعوت ها موقّتی است و نتیجهٔ راضی کننده ای ندارد. آیا لازم نیست سعی شود ریشه های عدم موفّقیت وحدت مسلمانان بیشتر شکافته شود و مسائل تاریخی و حوادثی که در قدیم برای امّت اسلامی رخ داده، به طور صحیح تحلیل و بررسی شود و گره های کور این مسئله باز شود؟ هم چنین، آیا نباید مواظب دسیسه های استعماری باشیم که بذر اختلاف را در میان امّت اسلامی پخش می کنند و بزرگان ما را متّهم به الحاد و فساد می کنند؟ مگر نه این است که آنان شیخ محمّد عبده را متّهم به الحاد نموده و او را دست پرورده انگلیس معرّفی نمودند؟ چنان که همین اتّهام را به سعد زغلول نیز نسبت داده اند...». (۲)- سفر به لبنان و سخنرانی پیرامون وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی در «دار الایتام بزرگ بیروت».

- سفر به فلسطین و ایراد خطابه ای آتشین در مسجد الاقصی (در سال ۱۳۵۵ق). بخشی از آن بدین شرح است:

«ای مردم عرب و ای مسلمانان! امروز دولت هایی که بر عالم سیطره دارند، دندان هایشان را تیز کرده و مقاصد پلید شان را آشکار نموده اند و هیچ امیدی از عدالت و انصاف آنها باقی نمانده است. شما نیز البته هیچ وسیله ای برای زندگی و بقای خود ندارید، مگر اتّفاق و همبستگی در راه دفاع از سرزمین مقدّستان که در این صورت امید پیروزی زنده خواهد

۱- (۱) . همان، ص۶۴؛ به نقل از صفحه من رحله الإمام الزنجانی وخطبه، ج۲، ص۱۶۹..

۲- (۲) . الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص ۳۷..

شد و خطر صهیون ها به زودی رفع خواهد شد». (۱)- سخنرانی شجاعانهٔ آیت اللّه زنجانی در تل آویو، پایتخت اسرائیل: حضور و سخنرانی یک روحانی شیعه بر ضدّ رژیم صهیونیستی در این شهر کار یک انسان معمولی نیست. این مرجع بزرگ و منادی وحدت پس از دو روز اقامت در قدس شریف عازم تل آویو گشت و با رسیدن او به این شهر، خیابان ها را برای او و هیئت همراه گشودند تا این که در یک منطقهٔ ساحلی توقّف کرد. در آن جا جمع زیادی از یهودیان، صهیونیست ها و بزرگان مذهبی آنان حضور داشتند و از این که یک روحانی شیعه به طور ناگهانی وارد تل آویو شده است بسیار متعجّب و کنجکاو بودند. در این هنگام آیت اللّه زنجانی در فضایی آکنده از ترس و وحشت بر روی یک تپهٔ مرتفع قرار گرفت و خطاب به دولت و مردم اسرائیل چنین گفت:

«ای صهیونیست های استعمارگر، در این دوران که آتش وطن خواهی شعله ور است و نبض حیات هر دولتی در حال زدن است، شما التهاب نفوسی را که برای شعله ور شدن حماسه های قومی به هیجان آمده، بیشتر می کنید و در زمانی که اوضاع سیاسی جهان، چسبیده به ابرهای سبقت و پیشرفت سلاح است و دولت ها، احزاب خود را به اتّحاد و تعاون در زیر پرچم خود فرا می خوانند، شما صهیونیست ها که برخلاف قاعده در جغرافیای جهان جای گرفته اید را می بینیم که موسیقی خواب های آشفتهٔ الوطن الیهودی را می نوازید». (۲)در واقع می توان سخنرانی این مرجع تقلید شیعه در قلب دشمن و در مرکز اسرائیل را یک معجزه و از این جهت او را یک امّت در لباس یک فرد دانست. سخنرانی او موجی از هیبت و عظمت الهی را در صهیونیست ها ایجاد نمود. این عمل وی شبیه مأموریّت تاریخی امیر المؤمنین علی علیه السلام در مکّه بود که آیات هشدار دهنده سورهٔ برائت را در ایّام حج بر مشرکین تلاوت نمود.

آری! این چنین بود که بزرگان یهود در برابر آیت اللّه زنجانی تواضع کردند و گردن هایشان را به نشانهٔ احترام در برابر او خم نمودند و سپس بعضی از زعمای یهود، از آیت اللّه زنجانی خواهش کردند تا نزد «اللجنه العربیه العلیا» (حزب بلند پایهٔ عربی)، برای تفاهم و آشتی بین یهود و سیاست مداران عرب، وساطت کند تا یهود را به عنوان یک کشور کوچک در بین

۱- (۱) . همان، ص ۷۱..

۲- (۲) . همان، ص۷۳؛ به نقل از صفحه من رحله الامام الزنجانی، ج۲، ص۲۲۹..

حکومت عربی بپذیرند. اما آیت اللّه زنجانی در همان جا به شدّت این تقاضا را رد کرد و گفت:

من معتقدم اعراب و حزب بلند پایهٔ عربی هیچ گاه فریب سخنان شما را نخواهند خورد. (۱)- تلاش های استاد شیخ عبدالکریم زنجانی در برابر مقالـهٔ باطل ابراهیم جبهان: هنگامی که شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الازهر، فتوا به جواز عمل بر طبق مذهب شیعه داد اگرچه مخالفانی او را تخطئه کردند، اما در این میان جبهه گیری و مخالفت نویسندهٔ کویتی، ابراهیم جبهان، واقعاً ظالمانه و دور از انصاف بود. نوشته های ابراهیم جبهان در مجلّهٔ «رایه السلام» (۲) چنان توهین آمیز و متضمّن تکفیر شیعه و اهل بیت علیهم السلام بود که جهان اسلام به طور یک پارچه، در برابر این مقاله موضع گرفت و آیت اللّه زنجانی نیز با ارسال نامه های متعدّد به رؤسای ممالک عربی، خواستار طرد این نویسنده شد. وی نخستین نامهٔ اعتراض آمیز خود را، به دولت کویت نوشت. مضمون نامه چنین است:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

شیخ برجسته شیخ عبداللّه سالم الصباح امیر دولت کویت، (یاری کنندهٔ اسلام)

سلام خدا بر شما

دوست دارم کمی شما را به عقب برگردانم تا به خاطرتان بیاید که مدّتی پیش هنگامی که از صحن مقدّس امیر المؤمنین امام علی علیه السلام در نجف اشرف دیدن می فرمودید در خزانهٔ آن قرآنی را با خط شریف امام علی بن ابی طالب علیه السلام نخستین امام شیعیان، ملاحظه فرمودید و دریافتید که این قرآن از نظر حروف کاملاً با قرآن های موجود مطابقت دارد. حالا از شما می خواهم نگاهی به مقالهٔ افتراآمیز ابراهیم جبهان کویتی بیندازید که چطور شیعه را متّهم نموده است. تمام عالَم اسلامی، او را محکوم نموده اند. بنابراین بر شما نیز شایسته است به این موضوع اهمّیت داده و دست و پای او را از کشور تان قطع کنید و نتیجه را نیز به ما اعلان نمایید. (ان تنصروا اللّه ینصرکم ویثبّت أقدامکم).

عبدالکریم زنجانی

۱۵ ربیع الأوّل ۱۳۸۰ق

ص:۳۸۳

۱- (۱) . الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص ۷۴..

۲- (۲) . ربیع الثانی ۱۳۸۰ق، چاپ ریاض..

در پی این نامه، ده روز بعد امیر کویت جوابیه ای را به این مضمون نوشت:

شخصیّت بزرگ، شیخ عبدالکریم زنجانی

سلام و رحمت خدا بر شما

نامۀ شما را دریافت نمودیم و از نوشته های ابراهیم جبهان بر ضدّ برادران شیعه با خبر گشتیم. ما نیز به نوبۀ خود این کارِ جاهلِ مفسد را قبول نداریم و دوست داریم که بدانید ما نیز به اندازۀ شما برای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم احترام قائل هستیم. ما این جاهل را از کویت بیرون راندیم و آرزوی ما این است که مثل چنین رفتاری در آینده تکرار نشود.

عبداللّه السالم الصباح

۲۵ جمادی الاول ۱۳۸۰ق (۱)آیت اللّه شیخ عبدالکریم زنجانی هم چنین نامه هایی به شیخ الازهر و ملک السعود پادشاه عربستان نوشت و از آنها خواست، ابراهیم جبهان را در کشور خود نگه ندارند و آنان نیز در جوابیه های خود، فرد مذکور را جاهل معرّفی نموده و به تقاضای ایشان جواب مثبت دادند.

گفتنی است ابراهیم جبهان در مقالۀ خود مذهب شیعه و همۀ امامان شیعه را منحرف معرّفی کرده و با الفاظی زشت و مستهجن، مذهب جعفری را یک طایفۀ زندیق و الحادی دانسته است... . نعوذ باللّه

در مقالۀ جبهان انواع افتراها نیز به چشم می خورد؛ مانند این که وی امام صادق علیه السلام را امام کاذب نام نهاده و علی علیه السلام را بی صلاحیّت در امر خلافت معرّفی کرده و ده ها نمونه دیگر.

آن چه می توان از نوشته های این نویسندۀ بی ظرفیت و بی ادب نتیجه گرفت آن است که وی ظاهراً اهل منطق، عقل و استدلال نبوده و واقعیّت هایی را که در کتاب های معتبر خود آنها نقل شده است، انکار می کرده است. در این جا مجال بررسی گفته های جبهان وجود ندارد، اما در یک جمله باید به او و هم مسلکان او گفت: «قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ» (۲)، زیرا حقّانیّت امامیه

۱- (۱) . الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص ۸۷ - ۸۸ ..

۲- (۲) . سورۀ آل عمران، آیۀ ۱۱۹..

مورد اعتراف بسیاری از مذاهب قرار گرفته و شاهد آن فتوای معروف شیخ محمود شلتوت، دربارهٔ جواز عمل به فقه شیعه است. (۱)در نگاه دیگران

- شیخ الازهر مصطفی راغبی:

«شخصیّت امام زنجانی از جهت دانش سرشار، اخلاقِ بزرگوارانه و مواضعِ نرم، ستودنی است و حقیقتاً وی خصلت های یک مصلح عظیم را دارد». سپس در ادامهٔ کلامش می گوید:

«معمولاً عادت انسان ها بر این است که در مجالس گرامیداشت، شخص مهمان را تجلیل و تکریم می کنند، اما من امروز وقتی از شخصیّت بزرگی چون امام زنجانی سخن می گویم، نمی توانم فضایل و مناقب او را برشمارم، اما به اختصار متذکر می شوم که نجف اشرف مرکز درس و علم است و ما امروز کسی را تکریم می کنیم که از این مرکز مهم برخاسته است.

هدف از این نشست آن است که از این جا تحیّت و سلام خود را به علما و مراجع شیعه در نجف ابلاغ کنیم و دست برادری به آنها دهیم». (۲)- علّامه سیّد امین الحسینی (مفتی بزرگ فلسطین)، پس از سخنرانی آیت اللّه زنجانی در مسجد الاقصی:

«ای امام زنجانی! درسی که شما امروز در مسجد الاقصی به مردم فلسطین داده اید، ثمره اش بیشتر از صد هزار سرباز مسلّح با تجهیزات کامل است. شما بر گردن فلسطین منّتی گذاشته اید که هیچ گاه روزگار، آن را فراموش نخواهد کرد و به زودی خواهید دید که فرزندان فلسطین چگونه از کشور شان دفاع خواهند کرد». (۳)- علّامه شیخ مصطفی غلایینی (مفتی لبنان)، پس از سخنرانی آیت اللّه زنجانی در لبنان:

«علمای بیروت که در رأس آنها مفتی سرزمین لبنان است، با آن چه امام زنجانی إلقا کرده موافق می باشند». (۴)

۱- (۱) . متن کامل این فتوای تاریخی در صفحهٔ ۳۶۵ گذشت..

۲- (۲) . الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص۴۶..

۳- (۳) . همان، ص۷۲..

۴- (۴) . همان، ص۶۸؛ به نقل از صفحه من رحله الامام الزنجانی، ج۲، ص۲۰..

آیت اللّه العظمی سیّد محسن حکیم

متوفای: ۱۳۴۸ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد محسن، نام پدر: سیّد مهدی، ولادت:

۱۲۶۴ق، محل تولّد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: او در نه سالگی به درسهای حوزه روی آورد. سپس درسهای ادبیات، منطق، و بخشهایی از فقه و اصول را از برادر بزرگش آموخت. وی پس از چندی در درسهای خارج آخوند خراسانی شرکت نمود. سیّد محسن در سال ۱۲۸۷ق همزمان با وفات آخوند خراسانی در محفل درس اصول آقا ضیاء الدین عراقی و فقه شیخ علی باقر جواهری زانوی ادب زد.۱

اساتید، حضرات آیات: سیّد محمود حکیم (برادر)، آخوند خراسانی، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ علی باقر جواهری، میرزا محمّد حسین نائینی و سیّد محمّد سعید حبوبی.

شاگردان، آیات عظام: حاج شیخ کاظم تبریزی، سیّد موسی صدر، شهید قاضی طباطبائی، حاج شیخ حسن سعید، محمّد مهدی شمس الدین، علّامه محمّد تقی جعفری.

سرانجام: ایشان در ۲۷ ربیع الاول ۱۳۹۰ق برابر ۱۳۴۸ش، دیده از جهان فرو بست۲ و با اندیشه های فراوان در راه اتّحاد برادران شیعه و سنّی، به لقاء معبود شتافت.

مقبره: عراق، نجف اشرف، در کنار کتابخانه ای که خود بنیان کرده بود.۳

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۱۷، به نقل از ترجمهٔ الامام الحکیم، مصباح نجفی، ص ۵۳ – ۵۵ .

۲. همان، ص ۷۲۶، به نقل از رحله الامام الحکیم، ص ۱۳ – ۱۴.

۳. همان، ص ۷۲۶.

- ایشان می گفت: من مایل نیستم جز آنچه مصلحت من و مردم با همهٔ گوناگونی نژادی و مذهبی در آن است، بر زبان رانم. در دیدگاه من کُرد، عرب و تُرک با یکدیگر تفاوتی ندارند.

همهٔ آنها، برادران و فرزندانم هستند، خوشبختی آنها را می خواهم و با همهٔ توان و قدرتم از آنان نگاهبانی می کنم. (۱)تلاش ها

از جمله اقدامات مصلحانهٔ آیت اللّه حکیم در جهت تحکیم وحدت بین شیعه و سنّی، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- کمک به جنبش های آزادیبخش اسلامی: وی مسلمانان را به کمک و پشتیبانی از برادران مسلمان فلسطینی تشویق می نمود و اعلامیه های متعدّد و مهمّی راجع به فلسطین و وحدت مسلمانان جهان برای نجات بیت المقدس صادر نمود. (۲)- ایجاد پیوندی عاطفی، عمیق و برادرانه میان خود، مردم و علمای اهل سنت.

- تأکید بر لزوم وحدت بین مسلمانان در پیام ها، تلگراف ها، سخنرانی ها و...

- ارسال هیئت هایی مرکّب از دانشمندان شیعه و سنی به کشورهای گوناگون، جهت بررسی موقعیّت مسلمانان.

- برقراری وحدت عشایر، دانشوران و مردم اهل سنت در یک جبهه، در جریان به قدرت رسیدن حزب بعث عراق. (۳)

ص:۳۸۷

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج۲، ص۷۱۹، به نقل از السنوات الجمر، علی المؤمن، ص۶۲..
۲- (۲) . علمای مجاهد، ص ۱۷۷..
۳- (۳) . گلشن ابرار، ج۲، ص۷۲۴، به نقل از التحرّک الاسلامی فی العراق، ص۷۸ - ۷۹ ..

علّامه شیخ عبدالحسین امینی

متوفای: ۱۳۴۹ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: عبدالحسین، نام پدر: آقا میرزا احمد، ولادت:

۱۳۲۰ق، محل تولّد: ایران، تبریز.

تحصیلات: وی پس از ایّام کودکی، طی سالها دروس ادبیات فارسی و عربی، منطق، فقه و اصول را نزد پدر آموزش دید. او کتابهای مختلفی در حدیث و اعتقادات نزد پدر خواند. اهتمام به قرآن و حدیث به خصوص نهج البلاغه، وی را عاشق امام علی علیه السلام نمود.

عبدالحسین ۲۲ سال در محضر پدر استفادهٔ علمی بُرد و سپس تصمیم رفتن به نجف اشرف را گرفت. او پس از مدّتی به عنوان محدّث، مفسّر، فیلسوف، متکلّم و فقیه دست به تحقیقات دامنه داری زد. علّامهٔ امینی با تألیفات گرانقدر خویش بنیهٔ علمی و نهاد وقّاد خود را در معرض معاصران قرار داد و از سه تن از مراجع بزرگ وقت اجازهٔ اجتهاد دریافت داشته به شهر تبریز باز گشت.۱

اساتید، آقا میرزا احمد (پدر)، حاج سیّد محمّد (مؤلّف مصباح السالکین)، حاج سیّد مرتضی خسروشاهی، شیخ حسین (مؤلّف هدیه الانام)، آیت اللّه سیّد محمّد فیروز آبادی، آیت اللّه سیّد ابو تراب خوانساری.

آثار قلمی: شهداء الفضیله، الغدیر، ادب الزائر لمن یمّم الحائر، حاشیه بر رسائل و مکاسب و... .۲

سرانجام: وی که آیتی از آیات الهی و عاشقی از عاشقان ولایت و مجاهدی نستوه بود، در جمعه ۱۲ تیرماه ۱۳۴۹، با اندیشه ای سرشار از شور و علاقهٔ به اتّحاد مسلمین، بدرود حیات گفت و در جوار رحمت حضرت حق آرمید.

مرقد: عراق، نجف اشرف، سوق الحُویش (بازار حُویش)، نزدیک کتابخانهٔ امیرالمؤمنین علی علیه السلام که خود مؤسّس آن بود.۳

۱. گلشن ابرار، ج۲، ص۷۲۷ - ۷۳۱.

۲. همان، ص ۷۳۰ - ۷۳۱.

۳. سرزمین آرزوها، ص ۷۱.

- ایشان با نقد آثار و تألیفات افرادی چون ابن تیمیه، آلوسی، قصیمی و رشید رضا، درصدد برآمد وحدت و اخوّت اسلامی را در جهان بگستراند و ریشه های نفاق و تفرقه را بخشکاند.

وی در پی اسناد حدیث غدیر، بیست و چهار کتاب تاریخی، بیست و هفت محدّث، چهارده مفسّر قرآن و هفت متکلّم اسلامی را یافت که به نقد حدیث غدیر پرداخته اند. آنگاه راویان از صحابهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به ترتیب حروف الفبا ذکر نمود.

- تألیف کتاب گران مایهٔ الغدیر: جالب توجه آن که پس از انتشار این کتاب سیل نامه ها و ستایش ها به سوی دانشمند فرزانه و علّامهٔ خبیر، ارسال شد. این تقدیرنامه ها گاه از دانشمندان بزرگ شیعه و اهل سنت بود و گاه از پادشاهان کشورهای اسلامی.

- علّامهٔ امینی با رجوع به قرآن و سنت و رعایت موازین سندشناسی و نقل حدیث، حقایق غیر قابل انکاری را، پیش چشم امّت اسلامی نهاد و مسألهٔ اختلاف اهل یک کتاب و قبله را از میان برداشت. (۱)- از آنجا که پس از نگارش کتاب شریف الغدیر، برخی درصدد القای شبهه بودند - که مرحوم علّامه امینی با نگارش الغدیر، باعث اختلاف میان مسلمانان شده است - ، استاد شهید مطهّری در پاسخ به این شبههٔ مغرضانه یا جاهلانه، در بخش اول مقالهٔ خویش، ضرورت وحدت اسلامی را یادآوری می کند و در بخش دوم به دفاع از علّامهٔ امینی پرداخته و با نقل عباراتی از الغدیر و نیز جملاتی از علمای منصف شیعه و سنی، در دفاع از الغدیر و علّامهٔ امینی، چنین می نویسد: (۲)«علامهٔ امینی طرفدار وحدت اسلامیست و با نظری وسیع و روشن بینانه بدان می نگرد. معظم له در فرصتهای مختلف در مجلّدات الغدیر این مسأله را طرح کرده است». (۳)

ص:۳۸۹

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج۲، ص۷۳۲ - ۷۳۳..

۲- (۲) . فصلنامهٔ قرآنی کوثر، سال هفتم، تابستان ۸۶، شمارهٔ ۲۴، ص۵۷..

۳- (۳) . همان، به نقل از یادنامهٔ علّامهٔ امینی، ص۲۳۸..

شهید مطهّری در ادامه اضافه می نماید: «نقش مثبت الغدیر، در وحدت اسلامی، از این نظر است که اولاً منطق مستدل شیعه را روشن می کند و ثابت می کند که گرایشِ در حدود پانصد میلیون مسلمان به تشیع، برخلاف تبلیغات زهرآگین عدّه ای، مولود جریانهای سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است، بلکه منطق قوی متکّی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است.

ثانیاً ثابت می کند که پاره ای اتهامات به شیعه که سبب فاصله گرفتن مسلمانان از شیعه شده است به کلی بی اساس و دروغ است.

ثالثاً شخصیّت شخیص امیر المؤمنین علی علیه السلام را که مظلوم ترین و مجهول القدرت ترین مرد بزرگ اسلامی است و می توان مقتدای عموم مسلمین واقع شود را مشخص می سازد». (۱)- آیت اللّه شهید مرتضی مطّهری در جای دیگر می گوید،... خوشبختانه در عصر ما محقّقان بسیاری در شیعه پیدا شده اند که از همین روش پسندیده پیروی می کنند. در رأس همهٔ آنها علّامهٔ جلیل آیت اللّه سیّد شرف الدّین عاملی، علّامهٔ کبیر آیت اللّه شیخ محمّد حسین کاشف الغطاء و علّامهٔ بزرگوار آیت اللّه شیخ عبدالحسین امینی مؤلّف کتاب شریف الغدیر را باید نام برد. (۲)

ص:۳۹۰

۱- (۱) . فصلنامهٔ قرآنی کوثر، سال هفتم، تابستان ۸۶، شماره ۲۴، ص ۵۷ ..

۲- (۲) . استاد شهید آیت اللّه مطهری رحمه الله در کتاب شش مقاله تحت عنوان الغدیر و وحدت اسلامی می نویسد: الغدیر بسیاری از سوءتفاهمات را از بین برد و موجب نزدیکتر شدن مسلمین به یکدیگر گردید..

شیخ محمّد عَرَفه[1]

متوفای: ۱۳۹۲ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد، نام پدر: احمد، ولادت: ۱۳۰۶ق، محل تولّد: مصر.[2]

تحصیلات: او با فراگیری علم، به تدریج رشد کرد و به مقام شایسته ای رسید. عرفه مدّت زیادی از عمرش را صرف خدمت به فرهنگ دینی در دانشگاه الازهر نمود. از سال ۱۹۳۰م به عنوان استاد در بخش شریعت اسلامی در دانشکدهٔ شریعت انتخاب شد، سپس وکیل دانشکده شد و پس از به عضویّت در آمدن در هیئت برجستهٔ علما – که برای نشر دعوت و تبلیغات در راه خدا و سخت کوشی در راه تبلیغ تشکیل شد – موفقیّت خوبی داشت. وی سپس به عنوان استاد فلسفه در دانشکدهٔ زبان عربی انتخاب شد و پس از آن به عنوان استاد بلاغت در بخش تخصصی استادان همان دانشکده برگزیده شد و در سال ۱۹۴۶ مدیر وعظ (تبلیغ) شد و به مقام اول علمی رسید و پس از آن مدیر مجّلهٔ الازهر و سپس استاد افتخاری در همهٔ دانشکده های الازهر شد.

آثار قلمی: شیخ محمّد عرفه دارای تألیفات و پژوهش های بسیار است که از میان آنها می توان به عناوین زیر اشاره کرد:

۱. نقض مطاعن فی القرآن الکریم؛ ۲. مؤلّف فی تفسیر آیات الاحکام؛ ۳. السرّ فی انتشار الاسلام؛ ۴. النحو و النحاه (این کتاب سبب گردید که وی عضو «جماعه کبار العلما» در آید)؛ ۵ . مشکله اللغه العربیه

سرانجام: شیخ محمّد عرفه پس از عمری تلاش علمی و تبلیغی، در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

مرقد: مصر، قاهره.[3]

۱. اکثر مطالب این قسمت از پایگاه اطّلاع رسانی مجمع تقریب مذاهب اسلامی اقتباس گردیده است.

۲ و ۳. الاعلام، قاموس التراجم، خیرالدین الزرکلی، ج ۶، ص ۲۵.

- وی معتقد بود علماء و فرهیختگانِ هر فرقه، در گسترش اختلاف و تفرقه مسلمانان سهم داشته اند. گاهی از عالمان یک فرقه سخنانی نشر یافته که منشأ بسیاری از اختلافات شده است. در مباحث علمی به ویژه مسائل کلامی و عقیدتی و تفسیری، برای ردّ آرای دیگران، از واژه هایی استفاده کرده اند که هر کدام بذر کینه و دشمنی شده است وامّت اسلامی را گرفتار کرده است. به گونه ای که آثار آن هم چنان باقی است و تلاشی هم صورت نگرفته است تا عواقب وخیم آن را بزداید.

- او می گفت: با نگاه به تاریخ امّت اسلامی، حتی در میان پیروان مذاهب چهارگانه اهل سنت، مواردی از اختلاف مشاهده میشود که در امور جزئی و فقهی دامن گیر آن ها شده است و به دنبال آن، درگیری شدید و حتی قتل یکدیگر گزارش شده است. مثلاً در تاریخ آمده است که هر گاه مسلمانی حنفی مذهب به منطقۀ حنبلی های گیلان وارد می شد، وی را می کشتند و مالش را به عنوان «فیء» و غنیمت گرفته شده از کفّار، قرار میدادند. و نیز آورده اند که در بعضی از مکان ها در منطقۀ ماوراء النهر از مناطق حنفی مذهب نشین، یک مسجد برای شافعی ها وجود داشته است که وقتی حاکم شهر برای نماز صبح خارج می شد و در مسیر راه آن مسجد را می دید، می گفت: آیا وقت آن نرسیده که این کنیسه بسته شود! مدّتی هم چنان بود تا این که روزی با گل و خشت درب آن مسجد را بستند و حاکم از این کار شگفت زده شد!

- شیخ محمّد عرفه تأکید می کرد مسئولیّت عالمان بیش از گذشته است و بر متفکّران جامعۀ اسلامی است که با وحدت کلمه در فکر عزّت و شوکت مسلمانان باشند که خدای متعال موهبت طبیعی و نعمت های فراوان را در سرزمین آنان قرار داده است و آنان فقط با قدرت و نیرو می توانند آن را حفظ کنند و اتّحاد و یکپارچگی از مهم ترین عوامل قدرت است.

- شیخ محمّد عرفه در مورد «تقریب مذاهب اسلامی»، مباحث زیادی را در مجلّۀ رساله الاسلام مطرح نموده است. در ذیل، به گوشه ای از اعتقادات وی اشاره می شود:

شکی نیست کـه بزرگ ترین نعمـتی که خداونـد به مسـلمانان عطـا فرمـوده، همبسـتگی و الفت و محبّت است. پس از آن که جهـالت و عـداوت در میانشان قبل از اسـلام حاکم بود چنان که خداونـد می فرمایـد «اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً...» (۱)؛ و نعمت بزرگ خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید...».

و نیز فرمود: «هُوَ الَّذِی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِینَ * وَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ ما فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً ما أَلَّفْتَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ وَلکِنَّ اللّهَ أَلَّفَ بَیْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ » (۲)؛ او همـان کسـی است که تو را با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد و دل های آن ها را با هم الفت داد. اگر تمام آن چه را روی زمین است صـرف می کردی تا میان دل های آنان الفت ایجاد کنی، نمی توانستی. ولی خداوند در میان آن ها الفت ایجاد کرد او توانا و حکیم است.

تردیـدی نیست که خداونـد، اختلاف و تفرقه، درگیری و کینه میان مسـلمانان را دوست نـدارد. «إِنَّ الَّذِینَ فَرَّقُوا دِینَهُمْ وَ کانُوا شِیَعاً لَسْتَ مِنْهُمْ فِی شَیْ ءٍ إِنَّما أَمْرُهُمْ إِلَی اللّهِ ثُمَّ یُنَبِّئُهُمْ بِما کانُوا یَفْعَلُونَ» (۳)؛ کسانی که آیین خود را پراکنـده ساختند و به دسته هـای گونـاگون (و مـذاهب مختلف) تقسیم شدنـد، تو هیـچ گونه رابطه ای بـا آن هـا نـداری! سر و کـار آن هـا تنها با خـداست، سپس خـدا آن ها را از آن چه انجام می دادنـد، با خبر می کنـد. و نیز خداوند تفرقه را محکوم نموده و دربارهٔ آن، وعـدهٔ عـذاب داده است. «قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلی أَنْ یَبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِکُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِکُمْ أَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعاً وَ یُذِیقَ بَعْضَکُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» (۴)؛ بگو: او قادر است از بالا یا از زیر پا، عذابی بر شما بفرستد، یا به صورت دسته های پراکنده شما را با هم درگیر نماید؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما به وسیلهٔ دیگری بچشاند.

همـهٔ این آیـات از بـدیهیّات اولیّه است و از ضـروریّات مبـاحث دینی است که همه در ظاهر آن را می پذیرنـد، اما آیا واقعیّت موجود در میـان مسـلمانان نیز چنین است؟ مسـلمانان به فرقه هـا و گروه های مخالف و متضّاد تقسیم شـده انـد و به دنبال آن، کینه، دشمنی و حسد

۱- (۱) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳..

۲- (۲) . سورهٔ انفال، آیهٔ ۶۲-۶۳..

۳- (۳) . سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۵۹..

۴- (۴) . همان، آیهٔ ۶۵..

حاکم شده است. در میان آنان گروهی به نام سنی، شیعی، خارجی، معتزلی و... به وجود آمده اند - گروه های زیادی که فقط خداوند تعداد آن ها را می داند - گویا این گروه ها، مبادی دینی شان، آن چه پیش از این گفتیم نیست بلکه اساس دین را بر تفرقه و اختلاف، نزاع و درگیری قرار داده اند و گویا راه فراری از این ها نیست!

بدیهی است اصول اجتماعی همانند دوستی مسلمانان نسبت به یکدیگر و تعاون و همکاری آن ها، اصولی نیست که دین از روی تعبّد به آن دعوت کند بلکه اصولی است که دین به خاطر مصلحت دنیایی مسلمانان، آنان را به آن فرا می خواند و بقاء و عزّت مسلمانان به این اصولِ اجتماعی بستگی دارد. هر گروه از مسلمانان به تنهایی ضعیف و ناچیزند. اما با همکاری و تعاون با دیگرامّت های مسلمان، قوّت و شوکت می یابند. چنان که گفته اند:

«ضعیفان یغلبان قویا؛ دو نفر ضعیف اگر با هم باشند بر فرد قوی چیره می شوند».

و نیز احکام اجتماعی حرام مانند دشمنی، تفرقه و تنازع که دین آن ها را نهی می کند به این خاطر است که مسلمانان این امور را از خودشان دور کنند. من احکامی قوی تر و مفیدتر و ثمربخش تر از محبّت، تعاون و همیاری مسلمانان نمی بینم، و نیز کارهای مضرتر، در هم شکننده تر و نابود کننده تر از کینه، تفرقه و اختلاف برای مسلمانان سراغ ندارم؛ از طرفی، اصولی را که مسلمانان کنار گذاشته اند، همانند این اصول اجتماعی ندیده ام. حتی دانشمندان، این اصول اجتماعی را در حاشیه کتاب ها قرار دادند و نتوانستند چراغ فروزان آن را روشن نگه دارند... .

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با تأکید بر محبّت و هم دلی مسلمانان، مسلمان را برادر مسلمان خوانده و مال و خون و جان و آبروی آن ها را محترم شمرده و به کسی حق تعرّض به آن ها را نداده است.

آیت اللّه میر علی احمد حجّت کابلی

متوفای: ۱۳۵۳ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام کاظم علیه السلام

نام: سیّد میر علی احمد، نام پدر: شهید سید گل شاه، ولادت: ذی الحجه ۱۳۰۷ یا ۱۳۰۸ق، محل تولّد:

افغانستان، کابل، قلعهٔ هزاره های مرادخانی۱

تحصیلات: او پس از گذراندن دوران پر مخاطرهٔ کودکی، در سنین نوجوانی تحت تعلیم برادر بزرگش علّامه بلبل قرار گرفت. میر علی احمد دوازده ساله بود که با پای پیاده مسیر کابل تا مشهد مقدس را طی نمود تا تحصیلاتش را در جوار امام هشتم علیه السلام کامل نماید. وی پس از ۱۷ سال تلاش در سال ۱۳۰۰ش به همراه آیت اللّه شریعت روانهٔ شهر مقدس قم گردید و در مدرسهٔ دار الشفاء ساکن شد چندی بعد در ۱۳۰۴ش عازم نجف اشرف گردید و در دروس بزرگان علم و اخلاق تلمّذ نمود. آیت اللّه حجّت پس از حدود سه سال از نام آوران عرصهٔ فقه، اصول، حکمت، کلام، تفسیر، منطق و اخلاق شد و از استادانش اجازهٔ اجتهاد گرفت.۲

اساتید، حضرات آیات: علّامه بلبل (برادر)، شیخ عبدالکریم حائری، سیّد ابو الحسن نائینی، ضیاء الدین عراقی، میرزا حسین نائینی.

شاگردان، آیات عظام و حجج اسلام: سیّد محمد رضا بهاء الدینی، علی محمّد خراسانی، سیّد جعفر مرعشی، شهید سیّد سرور واعظ بهسودی و... .

سرانجام: آن عالم وارسته پس از عمری تلاش و مجاهدت در راه اعتلای کلمهٔ اسلام و اتّفاق مسلمین، در اردیبهشت ماه ۱۳۵۳، در حالی که ۸۴ بهار زندگی اش را پشت سر می گذاشت به دیدار حضرت حق شتافت.۳

مرقد: افغانستان، کابل، زیارتگاه سخی.

۱. محلّه ای قدیمی درمرکز شهر که در فاصلهٔ یک کیلومتری مقر ریاست جمهوری و کنار رودخانهٔ کابل قرار دارد.

۲. گلشن ابرار، ج۷، ص۳۳۵ – ۳۳۶.

۳. همان، ص۳۴۹.

- وی که سعادت و تکامل بشر را در پیروی از اهل بیت پیامبر علیهم السلام می دانست، با مشاهدهٔ فاصلهٔ مسلمانان از این شاهراه هدایت، چنین می گفت: پیروی از مذهب (تشیع) موجب ترّقی و تکامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می شود.

- او به باورهای دینی و مذهبی دیگران احترام می گذاشت، زیرا یکی از نیازهای اصلی مردم را وحدت و یکپارچگی در تمام زمینه ها می دانست و باور داشت که جامعهٔ با اقوام و گرایش های چندگانه، نیازمند وحدت و وحدت آفرینی است. به همین جهت مناظرات، خطابه ها و راه و روشش را در جهت «وحدت آفرینی و اختلاف گریزی» سوق می داد.

- سیّد میر علی احمد پیرامون وظیفهٔ خویش می گفت: من در نجف اشرف می توانستم با کمال عزّت زندگی نمایم و مرجع عموم مردم و طلاب قرار گیرم؛ اما آنچه که مرا وادار کرد به وطن برگردم، احیاء مذهب شیعه و زنده و علنی نمودن مراسم مذهبی شیعیان بود که در آتش تعصّبات متعصبّین می سوختند. با آنکه می دانستم دچار مشکلاتی می شوم، به وطن برگشتم به امید آنکه مصدر خدمت باشم و پرده های تعصّب و تقیّه را پاره کرده؛ ندای رسای «أشهد أن عليّاً ولی اللّه» را در مأذنه های مساجد طنین افکنم. (۱)- آن مجتهد وارسته، افغانستان را بخشی از سرزمین اسلام می دانست و افق نگاهش وسیع تر از محدودهٔ مرزهای جغرافیایی بود. او گاهی جوامع متفرق جهان اسلام را چنین مورد سؤال قرار می داد: ایرانی، پاکستانی، عربی، آفریقایی و آسیایی همه مسلمان هستیم، چرا متفرّق از هم باشیم؟ (۲)- آیت اللّه حجّت در یکی از سخنرانیهایش، بعد از تلاوت آیه ۱۳ سورهٔ حجرات برای اقوام مختلف جامعهٔ افغانستان که زیر منبر اجتماع کرده بودند، چنین سرود:

ما پنج برادریم و از یک پشتیم در پنجهٔ روزگار پنج انگشتیم

چون راست شویم در دهن مشتیم

ترک، تاجیک، پشتون، هزاره و فارس، ترکمن و ازبک همگی برادرند

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۷، ص ۳۳۷، به نقل از مشاهیر تشیّع در افغانستان، ج۱، ص۶۱ - ۶۲..

۲- (۲) . همان، ص ۳۴۶، به نقل از احیاگر شیعه در افغانستان، ص۱۴۵..

– ایشان می گفت: اگر بتوانیم مذهب امام صادق علیه السلام را برای جامعه معرّفی و در زندگی خود پیاده نماییم، به همهٔ کارها دست پیدا کرده ایم و به اهداف متعالی اسلامی که بر پایهٔ حکومت براساس عدالت است، نائل شده ایم؛ زیرا در این مذهب و عمل کردن به قوانین آن، هم هدایت است و هم سیاست، هم دنیا است و هم آخرت و همهٔ علوم در اینجاست. (۱)تلاش ها

– از بین بردن حالت انزوا و تقیهٔ شیعیان به نحوی که بتوانند مراسم عبادی و سیاسی خود را آشکارا برگزار نمایند.

– حمایت از مجاهدان و مبارزان انقلابی، خصوصاً علامهٔ شهید سیّد اسماعیل بلخی (۲). (۳)– ایجاد تغییر نگاه اهل سنت نسبت به شیعیان در مورد این که شیعیان مسلمانند و جان، مال و ناموس شان محترم است، وی برای نیل به این اهداف گام های ذیل را برداشت:

۱. به طریق شیعی وضو می ساخت و نمازهایش را با مُهر و دستِ باز می خواند و از دیگران نیز می خواست اعمال مذهبی خود را مانند او انجام دهند. (۴)۲. جلسات مذهبی چون جشن های میلاد خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم ، عید غدیر خم، نیمهٔ شعبان، برافراشتن پرچمی به نام امام علی علیه السلام در ایام نوروز (۵)، مراسم عاشورای حسینی و... که تا آن زمان مخفیانه برگزار می شد، را از انزوا خارج ساخت و به شیعیان دستور داد مراسم خود را بدون ترس و هراس، آشکارا برگزار نمایند.

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۷، ص ۳۳۷، به نقل از احیاگر شیعه در افغانستان، صفحهٔ قبل از فهرست..

۲- (۲) . وی مردی مؤمن و استوار در عقیده و با صبر و تحمّل بود. او شیعه و سنّی را یکسان می نگریست و مورد احترام همهٔ آنان بود. بلخی از پیشتازان و بنیانگذاران جنبش اسلامی به ویژه در میان شیعیان آن سرزمین و قوم هزاره به شمار می آمد. (علمای مجاهد، ص ۱۱۶).

۳- (۳) . گلشن ابرار، ج۷، ص۳۴۶..

۴- (۴) . همان، ص ۳۳۸، به نقل از مشاهیر تشیّع در افغانستان، ج۱، ص۶۴ – ۶۵..

۵- (۵) . برافراشتن پرچم مولا علی علیه السلام توسط آیت اللّه حجّت در شهرهای کابل و مزار، آن هم در مقابل دیدگان هزاران نفراز اهل سنت، چنان بازتابی در محافل سیاسی به وجود آورده بود که دولتمردان احساس خطر می کردند. در یک مورد صدر الاعظم «هاشم خان» گفته بود: «میر علی احمد حجّت پرچم سخی را بلند نکرده، بلکه پرچم شیعه را برافراشته است و ما نمی توانیم جلو او را بگیریم»..

۳. برای نخستین بار، بانگ رسای «أشهد انّ علیّاً ولیّ اللّه» را به سبک شیعی در فضای شهر کابل و کشور طنین انداز کرد.

۴. مساجد، حسینیه ها و پایگاههای عبادی و اجتماعی شیعیان را احداث و بازسازی کرد.

۵ . اماکن مذهبی و زیارتگاهها که سمبل اهل بیت علیهم السلام شناخته می شدند را تجدید بنا نمود.

طولی نکشید که فعّالیّتهای خالصانهٔ آن بزرگ مرد، به ثمر نشست و شیعیان و سنیان با فرهنگ و مذهب اهل بیت علیهم السلام آشنا شدند و حضور مذهب جعفری در کنار مذهب حنفی را تحمّل کردند؛ هرچند در این مسیر غمهای فراوانی برقلب او، دوستان و شاگردانش سایه افکند.

وی برای انجام این وظیفهٔ مهم به گونه ای حساب شده وارد صحنه شد. ابتدا در خانه های افراد مؤمن و مورد اطمینان احکام دین و اصول و فروع مذهب شیعه را بیان کرد و آنگاه که زمینه برای یک حرکت اصلاحی بزرگ آماده شد، به اظهار مذهب پرداخته و تا تثبیت آن از هیچ تلاشی فروگذار نکرد.

- انجام مناظرات علمی با صاحبان علم و اندیشه:

آیت اللّه حجّت در این مناظرات، همان طور که جهل و تقیّه را از جامعهٔ شیعه زدود؛ تعصّب اهل سنت نسبت به شیعیان را هم کاهش داد. موضوع مناظرات او در رابطه با حقانیّت مذهب تشیع و ردّ اتهامات وارده بر آن، ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و مسائل و احکام مذهبی شیعیان بود که بیشتر در مقرّ پادشاهی ظاهرشاه و در حضور او، یا در مساجد و محافل علمی انجام می شد. این مناظرات به جهت حساسیّتها و جو اختناق آمیز آن روز، معمولاً دور از انظار عموم و به صورت خصوصی برگزار می شد، لذا به خاطر نبود امکانات صوتی، و بی توجهی شاهدان احتمالی، چیزی از این مناظرات در دست نیست و تنها گوشه هایی از بعضی مسائل، بعدها از زبان آن باغبان بیدار یا اطرافیانش نقل شده است، از جمله:

الف) در حسینیهٔ بزرگ چنداول، مناظره ای بین ایشان و یکی از عالمان اهل سنت به نام

«مولوی محمّد نبی کاموی» که چندی در سمت قاضی کابل ایفاء وظیفه می کرد، صورت گرفت. مولوی درحالی که تربت سید الشهدا علیه السلام را در دست گرفته بود، خطاب به آیت اللّه حجّت گفت: شما شیعیان دو خدا دارید، یکی خدای متعال و دیگری این خاک که آن را می پرستید و سجده می کنید.

سیّد به یکی از شیعیان حاضر رو کرد و پرسید: تو چرا به خاک سجده می کنی؟ او گفت:

به خاطر اینکه خدای یکتا را پرستش نمایم. معظم له به مولوی نگاه کرد و گفت: اگر سجده کردن به خاک شرک و پرستش دو خدا باشد باز ما شیعیان از شما بهتریم؛ چون، دو خدا داریم؛ ولی شما چندین خدا دارید، چون به هر چیزی سجده می کنید، به فرش، پتو، پارچه، زمین و... .

در پایان مناظره از مولوی پرسید: حالا نظر شما در رابطه با سجدهٔ برخاک چیست؟ مولوی درحالی که به مهر اشاره می کرد، گفت: این خاک، تربت مقدّس است، درحالیکه من سجده بر خاک انگلیس را هم مجاز می دانم. (1)ب) یکی از شاگردانش می گفت: در مجلس بسیار مهم و آراسته، یکی از قضات و عالمان اهل سنت پرسید: شما به چه دلیل در اذان «أشهد أن علیّاً ولیّ اللّه» می گویید؟ آقا پاسخ داد: این سخن ما شیعیان نیست؛ حرف خداوند است که در قرآن کریم فرمود: «إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ» (2) قرآن کریم می فرماید: «ولیّ» شما خدا و پیامبرش و آن مؤمنانی هستند که درحال رکوع زکات می دهند.

آن مؤمن علی علیه السلام بود. پس علی علیه السلام ولی خداست.

او گفت: این ادعای شما شیعیان است. سیّد پاسخ داد: این قضیه در کتاب های شما نیز ذکر شده است. در این لحظه آیت اللّه حجّت به شاگرد ارجمندش آیت اللّه شیخ محمّد علی مدّرس کابلی اشاره کرد و گفت: «بیاور کتاب را» شیخ فوراً کتاب «مشکات شریف» را که از منابع

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۷، ص ۳۴۱، به نقل از احیاگر شیعه در افغانستان، ص۱۲۱ - ۱۲۲..

۲- (۲) . سورهٔ مائده، آیهٔ ۵۵..

مهم حدیثی اهل سنت است، حاضر کرد. عالم سنی مذهب با مشاهدهٔ مطلب مورد بحث از جا بلند شد و دست ایشان را بوسید. (۱)- اعزام مبلّغ به شهرهای سنّی نشین:

تبلیغ فرهنگ اهل بیت علیهم السلام در شهرهای مختلف، به ویژه مناطق سنی نشین، از محورهای خدماتی آیت اللّه حجّت بود. بـا آزادی مـذهب جعفری در کابـل، شـیعیانِ شـهرهای دیگر نیز احساس امنیّت کردنـد و مراسم عزای سالار شـهیدان حضـرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام و اعمال مذهبی را آشکارا انجام دادند. به همین سبب، دامنهٔ فعّالیّتهای تبلیغی وی گسترش یافت.

مهم ترین شـهرهایی که با پـذیرش این مبلّغان، در جهت رشد و توسـعهٔ فرهنگ اهل بیت علیهم السـلام گام برداشـتند، عبارت بودند از: جلال آباد، پلخُمری، قندوز، قندهار، هرات، مزار شـریف، لوگر و... بدین سان حضور معنوی آیت اللّه حجّت کابلی، سراسر کشور را فرا گرفت. (۲)

ص:۴۰۰

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۷، ص ۳۴۱، به نقل از احیاگر شیعه در افغانستان، ص۱۷۸ - ۱۷۹، با کمی تلخیص..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج۷، ص۳۴۲ - ۳۴۳..

آیت اللّه العظمی سیّد محمّد هادی میلانی

متوفای: ۱۳۵۴ش

چکیده ای از زندگی نامۀ فرزندی از تبار امام سجّاد علیه السلام ۱

نام: سیّد محمّد هادی، نام پدر: سیّد جعفر، ولادت:

هفتم محرم الحرام ۱۳۱۳ق، محل تولّد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: او پس از دوران کودکی مقدّمات علوم را نزد اساتید خود فرا گرفت. پس از چندی به تحصیل در دروس سطح حوزوی مشغول گردید. سیّد محمّد هادی پایه های علمی خود را در فقه و اصول استحکام بخشید و در دروس خارج فقه و اصول شرکت نمود. وی در زمینۀ علوم فلسفی نیز تلاش زیادی کرد و همچنین به دانش تفسیر و علوم قرآنی روی آورد و از محضر اساتید این رشته نیز بهره برد. سپس به تدریس پرداخت و در طول ۱۸ سال اقامت در کربلاء شاگردان زیادی را به دنیای علم و کمال معرّفی نمود.

اساتید، حضرات آیات: آقا میرزا ابراهیم همدانی، آخوند ملّا محسن تبریزی، شیخ ابراهیم سالیانی، سیّد جعفر اردبیلی، حاج شیخ علی ایروانی، آقا شیخ غلامعلی قمی، آقا شیخ ابوالقاسم مامقانی (دایی)، سیّد ابو الحسن اصفهانی، مرحوم نائینی، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ محمّد حسین اصفهانی، شیخ محمّد جواد بلاغی.

شاگردان، آیات عظام و حجج اسلام: حاج شیخ حسین وحید خراسانی، سیّد ابراهیم علم الهدی سبزواری، سیّد عباس صدر، سیّد حسین شمس، شیخ محمّد رضا مهدوی دامغانی، شیخ محمّد تقی جعفری، سیّد نور الدین میلانی، کاظم مدیر شانه چی و... .

آثار قلمی: محاضرات فی الفقه الامامیه، قادتنا کیف نعرفهم، مختصر الاحکام، مناسک حج، ده پرسش، حاشیه المکاسب، نخبه المسائل، و... .۲

سرانجام: ایشان پس از عمری تلاش و خدمت به اسلام و مسلمین، روز جمعه ۱۷ مردادماه ۱۳۵۴ش، دیده از جهان فانی فرو بست و به سرای ابدیّت هجرت نمود.

مرقد: ایران، مشهد مقدّس، جوار مرقد مطهّر امام رضا علیه السلام .

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۶۵، به نقل از مقدمۀ محاضرات فی الفقه الامامیه (زکوه)، سیّد فاضل حسینی، ج ۱، ص ۶.

۲. همان، ص ۷۶۵ – ۷۷۳.

- اعزام مبلّغانی به مناطق گوناگون اطراف مشهد.

- ملاقات آیت اللّه میلانی با شیخ محمد ضحّام و جمعی از اساتید علوم اسلامی جامع الازهر و شیخ خلیل حصیری (قاری قرآن)، به همراه سفیر وقت مصر در ایران در ۱۳۵۰ق.

- دیدار با علمای بزرگ شیعه و سنی و تبادل نظر در رابطه با جهان اسلام.

- دیدار و گفتگو با آیت اللّه شیخ محمّد تقی قمی (نمایندهٔ دار التقریب بین المذاهب الاسلامی) و تحویل لوحی که فتوای معروف شیخ محمود شلتوت در رابطه با جواز عمل به مذهب شیعه نوشته بود در سال ۱۳۳۹ش. (۱)- دیدار با مصلح بزرگ مرحوم آیت اللّه محمّد جواد مغنیه در سال ۱۳۸۲ق.

- مذاکره با علّامه شیخ محمّد جواد الشری در سال ۱۳۸۱ق، پیرامون وضعیّت شیعیان و مسلمانان کشورهای اسلامی بویژه شیعیان آمریکا.

- دیدار و گفتگو با فرستادهٔ رئیس ادارهٔ دینیهٔ مسلمانان آسیای میانه و قزاقستان در سال ۱۳۸۲ق. (۲) در این قسمت ذکر خاطرهٔ جالبی از یک پروفسور مسیحی در رابطه با شخصیّت معنوی مرحوم آیت اللّه میلانی خالی از لطف نیست:

دکتر «برلون» پرفسور مسیحی یکی از جراحان تیم پزشکی آیت اللّه میلانی بود که خاطره هایی از آیت اللّه میلانی نقل کرده و سپس آن را عامل مسلمان شدن خود می داند.

او می گوید: «من پس از عمل جراحی سیّد، پیش از آن که ایشان از حالت بیهوشی بیرون بیاید مراقب بودم که وقتی به هوش می آید چه می گوید (چرا که این مرحله از نظر پزشکان مرحلهٔ حسّاسی است، شاید بیمار بعضی از اسرار زندگیش را هم بگوید) ایشان آرام حرکت کرد و درحالی که در آن لحظه خدا خدا می گفت، با پروردگارش راز و نیاز می کرد. من تحت

۱- (۱) . این لوح اکنون در موزه آستان قدس رضوی علیه السلام نگهداری می شود..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج۲، ص ۷۷۰ و ۷۷۱..

تأثیر این صحنۀ شگفت، به حقانیّت آیین اسلام پی بردم و بدان گرویدم». (۱)جالب اینکه دکتر برلون پس از گرویدن به اسلام وصیّت کرده بود، او را پس از مرگ در شهر مقدّس مشهد دفن کنند که اکنون آرامگاه وی در قبرستان خواجه ربیع شهر مقدّس مشهد است. به برکت نفس مسیحایی آیت اللّه میلانی دو نفر دیگر نیز از مسیحیت به آیین اسلام گرویدند که شرح آن در «نامۀ آستان قدس» اینگونه آمده است: «آقای کیورکی» و خانمش «رافیک اسلانیان» در حضور مرحوم آیت اللّه سیّد محمّد هادی میلانی مسلمان شدند. و با پیشنهاد ایشان اسم آقا به «علی» و خانمش نیز به «فاطمه» (۲) تغییر کرد.

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۶۸ به نقل از حیات آیه اللّه سیّد میلانی، خطی، عربی..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۶۹..

امام موسی صدر

ربوده شده در سال ۱۳۵۷ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام موسی کاظم علیه السلام

نام: سیّد موسی، نام پدر: سیّد صدر الدین، ولادت:

۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۷ش، محل تولّد: ایران، قم (محلّهٔ عشقعلی).

تحصیلات: او پس از گذراندن ایّام نونهالی و نوجوانی در سال ۱۳۲۰ش وارد حوزهٔ علمیهٔ قم گشت.

مدّتی بعد توانست از محضر بزرگان حوزه در درسهای خارج فقه و اصول استفاده بَرَد. او همزمان با دروس حوزوی در ۱۳۳۲ش وارد دانشگاه گردید و موفق به أخذ مدرک لیسانس حقوق اقتصادی شد.۱ وی به زبان عربی تسلّط داشت و در راه فراگیری زبانهای انگلیسی و فرانسوی نیز تلاش نمود و موفّق شد.

اساتید، حضرات آیات: سیّد محمّد باقر سلطانی طباطبایی، محقّق داماد، سیّد محمّد تقی خوانساری، حجّت کوه کمره ای، سیّد صدر الدین صدر (پدر)، علّامه طباطبایی، سیّد کاظم شریعتمداری، سیّد رضا صدر (برادر)، سیّد محسن حکیم، سیّد عبد الهادی شیرازی، سیّد محمود شاهرودی، سیّدابوالقاسم خویی.۲

شاگردان، آیات عظام و حجج اسلام: علی اکبر هاشمی رفسنجانی، یوسف صانعی، محمّد رضا توسّلی، علی اصغر مسلمی کاشانی، محمّد جواد حجّتی کرمانی، محمّد حسین بهجتی (امام جمعهٔ اردکان)، سیّد محمّد غروی، سیّد عیسی طباطبایی، زین العابدین قربانی (امام جمعهٔ رشت).

آثار قلمی: اقتصاد در مکتب اسلام، اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی، اسلام و فرهنگ قرن بیستم، احادیث السحر، دراسات للحیاه، الاسلام والمرأه، الاسلام والتطور، الاسلام والعبادات، تأمّلات حول بحث تعالیم الاسلامی، المعاملات الجدیده فی ضوء الفقه الاسلامی.۳

سرانجام: امام موسی صدر و دو تن از همراهان، در بعدازظهر روز ۹ شهریور ۱۳۵۷ در حالی که از هتل الشاطی بیرون می آمدند تا در ماشین های تشریفات دولت لیبی سوار شوند و به دیدار قذافی۴ بروند، چند لحظه ای در مقابل هتل مشاهده گردیده و سپس ربوده شدند. حیات یا ممات ایشان هنوز مشخص نیست.

۱. طلایه داران تقریب (۵)، امام موسی صدر سروش وحدت، ص ۲۵ - ۲۶، به نقل از لبنان به روایت امام موسی صدر، ص۱۶.

۲. همان، ص۲۴ - ۲۸.

۳. همان، ص۱۳۵ - ۱۳۸.

۴. وی دارای یک سری اندیشه های خرافی و غیر معقولی است؛ از جمله آنکه: سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بعضی مسائل شریعت را به شدّت رد می کند و مذاهب شیعه و سنّی را قبول ندارد، تنها قرآن را می پذیرد و برای آن تفسیرات خاصی قائل است و به موجب روحیهٔ برتری طلبی، همواره خود را تنها جانشین خدا روی زمین و امیر المؤمنینِ تمام مسلمانان جهان می داند. (گلشن ابرار، ج۲، ص۷۹۷، به نقل از کتاب لبنان، ص۳۹۶).

ص:۴۰۴

- یکی از آرزوها و آرمانهای دیرین امام موسی صدر، وحدت امّت اسلامی در سرتاسر جهان بود.

- به طور کلّی شعار ایشان را در مبارزاتش می توان چنین مطرح نمود: هیچ تناقض و اختلافی میان شیعه و سنی نیست. اینها پیروان دو مذهب از یک دین واحدند. (۱)- امام موسی صدر قائل به نظریهٔ وحدت فقهی بود، زیرا در میان شخصیت های اسلامی اعم از شیعه و سنی پیرامون وحدت بین پیروان مذاهب در مرحلهٔ اول، دو نظریهٔ منفی و مثبت وجود دارد.

صاحبان نظریهٔ منفی: که تعداد شان در اقلّیت مطلق است معتقدند که نقطهٔ مشترکی میان شیعه و سنی وجود ندارد، همه چیزِ این دو مذهب در تمام ابعاد با همدیگر فرق می کند بنابراین هیچ امکان و دلیلی برای وحدت به چشم نمی خورد.

صاحبان نظریهٔ مثبت: که از نظر چگونگی و کیفیّت آن با همدیگر فرق دارند؛ به چند گروه تقسیم می شوند:

گروه اول: این موضوع هیچ ربطی به وحدت خود مذاهب ندارد و هرکدام از این مذاهب باید اصول و فروع خود را حفظ کنند و تنها پیروان مذاهب هستند که در عین حفظ اصول و فروع مذهب خویش، با پیروان مذاهب دیگر باید متّحد شوند. این نظریه از دیدگاه امام موسی صدر لازم است، ولی کافی نمی باشد.

گروه دوّم: تمام مذاهب اسلامی موظّفند ضمن صیانت از هویّت مذهبی خویش، تنها به نقاط مشترک میان مذاهب اهتمام بورزند؛ البته در این راستا گامهای بلند و مبارکی هم برداشته شد، مانند اقدام مرحوم شیخ طوسی صاحب کتاب ارزشمند خلاف و مرحوم علّامه حلی صاحب کتاب تذکره.

این نظریه نیز با همهٔ اهمّیتی که دارد بیشتر در میان علما و اندیشمندان و محافل علمی

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۵)، ص ۹۴، به نقل از الامام الصدر والحوار، مرکز الامام الصدر للابحاث والدراسات، بیروت، ۱۴۱۸ق، ص ۲۹..

بروز و ظهور داشته و در میان تودهٔ میلیونی مردم چندان کارایی ندارد.

گروه سوم: که به احتمال قوی طلایه دار آن امام موسی صدر می باشد، ضمن احترام به صاحبان و پیروان نظریه های قبل، آنها را لازم و ناکافی دانسته است، فلذا نظریهٔ وحدت فقهی را مطرح می نماید، امام موسی صدر پیرامون این موضوع می گوید:

«برج اسلامی که در پایه و اساس واحد است و امّت اسلامی در عقیده، کتاب، مبدأ، معاد و منتهی یکی است، نیاز به این دارد که در جزئیات هم یکی باشد». او ضمن مصاحبه ای با مجلهٔ «المصوّر» چاپ قاهره در جواب خبرنگار پیرامون وحدت بین مذاهب چنین گفت:

«... این موضوع بعد از دستیابی به وحدت فقهی امکان پذیر است و تنها با گفتگوی خالی و مذاکرهٔ تئوریِ رهبران مذاهب، به دست نمی آید، چون مذاهب گوناگون در عمق جانِ پیروان خویش شکل گرفته است...».

تلاش ها

– اقدام اساسی جهت عدم تفرقه میان مسلمانان و سعی فراوان به منظور وصول به وحدت کامل.

– همکاری با همهٔ طوایف مذهبی لبنان و کوشش برای حفظ وحدت در کشور.

– سعی در ارتباط دوستانه با علمای اهل سنت.

– ایجاد وحدت کلمه در میان عقول و قلوب مسلمین و به تعبیری دقیق تر، عمق بخشیدن به وحدت مسلمانان و قرار دادن آن بر پایه های فکری و عاطفیِ استوار، که دو راه را برای تحقّق آن پیشنهاد نمود: (1)۱) یکی کردن فقه ۲) کوششهای مشترک شامل:

الف: هدفهای شرعی: مانند یکی کردن اعیاد و شعائر دینی، برگزاری نماز جماعت مشترک، اذان و... ب: هدفهای اجتماعی: مبارزه با بی سوادی سرپرستی ایتام و... ج: هدفهای میهنی: آزادی فلسطین، پشتیبانی از لبنان و... .

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۵)، ص۹۷ - ۱۰۱..

- صراحت در معرّفی رژیم غاصب صهیونیست به عنوان شرّ مطلق.

- اعلام حرمت همکاری با صهیونیست. (۱)- نامهٔ تاریخی و کم نظیر امام موسی صدر به مفتی وقت لبنان، (حسن خالد) که محتوی نکاتی ظریف و دقیق پیرامون وحدت بین مذاهب بود و در آن خواستار اقدام عملی و جدّی در این امر مهم و سرنوشت ساز شد. (۲)

ثمرهٔ تلاش ها

- تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان.

- تأسیس سازمان نظامی أمَل که بعدها زمینهٔ تشکیل حزب اللّه لبنان گردید. (۳)- وحدت و هویّت بخشیدن به شیعیان لبنان و ایجاد همزیستی و اقدام متقابل میان پیروان ادیان و طوایف سیاسی در لبنان. (۴)

ص:۴۰۷

۱- (۱) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، دو شنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۷۸..

۲- (۲) . متن فارسی این نامه در کتاب طلایه داران تقریب (۵)، امام موسی صدر سروش وحدت، ص ۹۶ - ۱۰۳ آمده، و متن عربی آن در کتاب ابجدیه الحورا به کوشش حسین شرف الدین، ص۱۵۹ به چاپ رسیده است..

۳- (۳) . اقدامات عالمانه و پر ارج امام موسی صدر در این راه به ثمر نشسته و امروز حزب اللّه لبنان به عنوان بزرگترین و قدرتمندترین نماد ایثار و فداکاری در جهان اسلام بر همهٔ دنیا شناخته شده است. بحمداللّه نهال طیّبهٔ مقاومت اسلامی لبنان و یا همان حزب اللّه لبنان که سالها پیش به دست شخصیّت هایی چون امام موسی صدر کاشته شد و با خون شهیدان بزرگواری چون حجج اسلام شهید راغب حرب، شهید سیّدعباس موسوی و نیز شهید مصطفی چمران، شهید عماد مغنیه و... آبیاری گردید، اکنون به درختی تنومند تبدیل گشته و تحت عنایات امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف، توسط دبیر مقتدر کنونی حزب اللّه حجّه الاسلام والمسلمین سیّد حسن نصراللّه به ستیز در برابر استکبار جهانی خصوصاً رژیم منحوس و پوشالی اسرائیل ادامه می دهد..

۴- (۴) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۷۸..

آیت اللّه سیّد محمود طالقانی

متوفای: ۱۳۵۸ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام محمّد باقر علیه السلام ۱

نام: سیّد محمود، نام پدر: سیّد ابو الحسن، ولادت:

شنبه ۴ ربیع الاول ۱۳۲۹ق،۲ محل تولّد: ایران، طالقان، روستای گلیرد.

تحصیلات: او پس از پشت سر نهادن دوران ابتدایی، در سنین جوانی و در ۱۹ سالگی وارد قم شد و از محضر اساتید بزرگ حوزه بهره برد. سیّد محمود مدّتی بعد برای بهره گیری از دروس علمای برجستهٔ نجف وارد آن دیار شد، اما پس از چندی مجدّداً به قم و مدرسه فیضیه بازگشت. وی پس از سالها تحصیل، از محضر آیت اللّه العظمی حائری یزدی اجازه اجتهاد گرفت۳ و سپس به قصد تدریس و آموزش در مدرسهٔ عالی شهید مطهّری (سپه سالار سابق) به سمت تهران شتافت.

اساتید: آیت اللّه حجّت، آیت اللّه خوانساری.۴

آثار قلمی: پرتویی از قرآن، درس وحدت، مرجعیّت و فتوا، آیهٔ حجاب، درسی از قرآن، به سوی خدا می رویم، آزادی و استبداد، و... .۵

سرانجام: ایشان پس از سالها تلاش، خدمت و مبارزه در راه وحدت مسلمانان، در بامداد روز دوشنبه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۵۸ش به سوی حق شتافت و ملّتی در غم فراقش غرق ماتم شدند.

مرقد: ایران، تهران، بهشت زهرا علیها السلام .

۱. دائره المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۳۹.

۲. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۰۶، به نقل از یادنامهٔ آیت اللّه طالقانی، ص ۷.

۳. همان، ص ۸۰۷، به نقل از مجلّهٔ حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی، ش ۱۶، ص ۱۲.

۴. همان، به نقل از یادنامهٔ آیت اللّه طالقانی، ص۷.

۵. همان، ص ۸۱۲ .

- مرحوم آیت اللّه طالقانی می گفت: ما می دانیم که مسألـهٔ ولایت و ایمان به شخصیّت و ولایت علی علیه السلام ، از اصول شیعه است، از مبانی شیعه است، ولی همین را هم نبایـد اگر اختلاف انگیز باشـد مطرح کنیـد. چه رسد به اینکه مسلمانها، در مقابل هم با شعار اسلام، با تلاوت آیات، صف بنـدی کنند. (۱)- عقیـدهٔ وی آن بود که دسائس بیگانگان که زیر پرده، به شدّت مشغول تحریک و کیـد است، از همین اختلافها و صف بنـدی ها و موضع گیری ها استفاده خواهـد کرد. (۲)- وی از خطراتی که جهان اسلام را تهدید می کرد نگران بود. در رأس این خطرات دولت اسرائیل قرار داشت که در قلب سرزمینهای اسلامی و با حمایت همه جانبهٔ استکبار جهانی - با ترور و سرکوب و بی خانمانی مسلمانان منطقه در سرزمین مقدّس فلسطین - تأسیس شده بود. (۳)- ایشان در دعاهای آخر سخنرانی خویش، این گونه دعا می نمود: خداوندا، رهبر عظیم ما را که فرزند علی علیه السلام ، است تأییـد فرما. خداونـدا، او را که وسیلهٔ وحدت ماست، موفّق و سالم بدار. (۴)- وی نماز جمعه را مظهر وحـدت می دانست و می گفت: نماز جمعه و اجتماعات بسیار پرشکوه و پر معنا، این برکات وحدت، وحـدت در هـدف، وحـدت در رهبری، همـهٔ اینها برکت و خیر بود برای ما. (۵)- در نگاه ایشان، علّت گرفتاریها و عقب مانـدگی ها، همان تفرقه در میان امّت اسلام است. (۶)

۱- (۱) . بخشی از پیام آیت اللّه طالقانی، مجلّهٔ امّت اسلامی، سال اول، شمارهٔ ۱۳، ۱۵ شهریور ماه ۱۳۵۹..

۲- (۲) . همان..

۳- (۳) . علمای مجاهد، ص ۳۰۲..

۴- (۴) . سخنرانی در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۰ق، کاخ سعد آباد؛ مجلّهٔ امّت اسلامی، سال دوّم، شمارهٔ ۳۳، ۴ مهر ماه ۱۳۶۰..

۵- (۵) . همان..

۶- (۶) . دائره المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۴۲..

- حمایت از تأسیس «دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه» وی در این رابطه نوشت:

راه تقریب، که جمعی از علمای بیدار و مجاهد پیش گرفته اند همین است که با نور تفّکر، محیط ارتباط اسلامی را روشن سازند و با نوک قلم، باقیماندهٔ ابرهای تاریک را از افق فکری مسلمانان زایل گردانند، تا وحدت واقعی پایه گیرد، نه اتّحاد صوری و قراردادی. (۱)- شرکت در کنفرانس های مؤتمر اسلامی شامل، مؤتمر شعوب المسلمین (کراچی ۱۳۳۱ ش)، مؤتمر اسلامی قاهره (۱۳۴۰ش) (۲)، مؤتمر اسلامی فلسطین (۱۳۲۸ش): او خاطرهٔ خود را از شرکت در کنگرهٔ مؤتمر فلسطین چنین بیان می کند: «در سال ۱۳۲۸، اولین سفری که به مؤتمر فلسطین رفتم، از نزدیک به آوارگان فلسطینی می اندیشیدم. از کشورهای اسلامی و عربی [نمایندگانی] به کنفرانس آمده بودند ولی بعضی فقط حماسه می خواندند و تظاهر به طرفداری از این مظلومین و مسجد غصب شده داشتند. از نزدیک افسردگی، ظلم، حق خوردگی مردم فلسطین را می دیدم که چگونه اینها مورد رعایت و مورد انفاق سازمان ملل و همان دنیا و کشورهایی واقع شده اند که اینها را آواره کرده اند. اول از سرزمینشان راندند و بعد به صورت یک مشت فقیر و بیچاره به اینها کمک کردند».

مرحوم آیت اللّه طالقانی بیست سال پس از آن تاریخ در خطبهٔ نماز عید سعید فطر ۱۳۴۸ به مسأله فلسطین پرداخت و ضمن آگاه کردن مردم، از ستم رفته بر برادران و خواهران مسلمان فلسطینی و یادآوری مسئولیّت آنان در این مبارزه، از مردم ایران خواست تا فطریه هایشان را برای کمک به مبارزان مسلمان بدهند و خود نیز چنان کرد. (۳)- تشویق آیت اللّه بروجردی جهت تأسیس دار التقریب بین المذاهب الاسلامیّه

- مسافرت به کشورهای اسلامی بنا به توصیهٔ حضرت آیت اللّه بروجردی.

- ترجمهٔ کتاب تحلیلی و پر ارزش «علی بن ابی طالب علیهما السلام »، تألیف یک مسلمان سنّیِ با انصاف، از کشور مصر. (۴)

۱- (۱) . گلشن ابرار ج ۲ ص ۸۱۰ به نقل از نهضت بیداری در جهان اسلام ص ۱۵۱.

۲- (۲) .دائره المعارف تشیع ج ۱۰ ص ۴۴۲..

۳- (۳) . علمای مجاهد ص ۳۰۲.

۴- (۴) . همان، ص۴۴۳..

آیت اللّه شهید دکتر محمّد مفتّح

شهادت: ۱۳۵۸ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد، نام پدر: حاج شیخ محمود، ولادت:

۱۳۰۷ش، محل تولّد: ایران، همدان.

تحصیلات: او علوم مقدماتی را نزد پدر ادیبش فرا گرفت و در سال ۱۳۲۲ش به قم مهاجرت نمود. ذوق سرشار و استعداد فراوان او باعث شد تا در طول مدّت ۲ سال، دروس رسائل، مکاسب و کفایه را به اتمام رسانده و به تدریس در حوزۀ علمیه مشغول گردد. وی سپس در دروس خارج فقه حضرت امام خمینی رحمه الله و برخی اساتید دیگر شرکت جست. (۱) شیخ محمّد به موازات علوم حوزوی تحصیلات دانشگاهی را پی گرفت و به دریافت مدرک دکترا در رشتۀ الهیات و معارف اسلامی نائل آمد.

اساتید، حضرات آیات: امام خمینی رحمه الله ، مجاهد تبریزی، بروجردی، علامۀ طباطبایی، گلپایگانی، مرعشی نجفی، میرزا ابو الحسن رفیعی و حجّت.

شاگردان: جمع زیادی از دانشجویان و اساتید دانشگاه تهران و نیز فضلای حوزۀ علمیۀ قم و مدرسۀ علمیۀ منتظریه (حقّانی)، از جمله حضرات آیات و حجج اسلام: سید محمّدرضا طباطبایی، علی مؤیّدی، کاظم صدیقی، علی جنّتی، سید هادی رفیعی پورعلوی، محمّدی عراقی، مهدی عبداللهی، علی رازینی، علی فلّاحیان، محمّدحسین طارمی و... .

آثار قلمی: ترجمۀ تفسیر مجمع البیان، روش اندیشه، آیات اصول اعتقادی قرآن، حکمت الهی و نهج البلاغه، نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم و... . (۲)

سرانجام: آیت اللّه دکتر مفتّح در صبح روز ۲۷ آذر ۱۳۵۸، در جلو دانشگاه الهیات تهران، توسط گروه منحرف فرقان، هدف چندین گلوله قرار گرفت و به فیض شهادت نائل آمد.

مرقد: ایران، قم، یکی از مقبره های ضلع شرقی حرم منوّر حضرت معصومه علیها السلام .

۱- (۱) . دیدار با ابرار (۷۸)، شهید مفتّح تکبیر وحدت،ص ۲۶ و ۲۷.

۲- (۲) . همان، ص ۷۶ - ۸۳ .

اندیشه ها

– شهید مفتّح عقیده داشت برای تحوّل در اندیشه های مردم لازم است که آنان را از درّهٔ نادانی به قلهٔ آگاهی رسانید.

– او معتقد بود هر مسلمانِ علاقه مند و وظیفه شناسی باید در دو جبهه مبارزه کند، در یک جبهه با دشمنان اسلام و در جبهه ای دیگر با جهل و خرافه پرستی.

– آن اندیشمند بزرگ بر این باور بود که اگر استعمار بگذارد مسلمانان جهان باهم ارتباط یابند و اختلافات مرزی و قومی از بین برود، اقتدار اسلامی ارمغان آن است که طوفان استعمار را درهم می پیچد. این توان مذهبی اگر تحقّق یابد دیگر به ابرقدرتها اجازهٔ چپاول، غارت و سلطه گری، توأم با ظلم و ستم به محرومان را نمی دهد.

به حقیقت، آن اندیشمند والا مقام، منادیِ وحدتِ تمامی اقشار جامعه بود که با الهام از قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام ، قومیّت گرایی، ملیّت پرستی و گرایش های نژادی را آفتی مهلک برای این تشکّل قوی اعلام می نمود. وی می گفت: ناسیونالیزم حربهٔ استعمار است و از این طریق بین مسلمین بذر نفاق و تفرقه می افشاند. (۱)تلاش ها

– انجام سفرهای تبلیغی در مناطق گوناگون از جمله زاهدان، کرمانشاه، کرمان و...

– تأسیس جلسات علمی و اسلام شناسی با هدف شناساندن چهرهٔ اصلی اسلام.

– تأسیس کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان (۲): این کانون، اولین مجتمع اسلامی زنده بود که در آن گروههای مختلف جمع می شدند و جلوه ای بود از هماهنگی همهٔ قشرهای جامعه بر محور اسلام عزیز و بینش پرجوشش اسلامی.

۱- (۱) . دیدار با ابرار (۷۸)، ص ۴۷، به نقل از وحدت در امّت اسلام، سخنرانی شهید دکتر مفتّح، مندرج در مجلّهٔ پیام انقلاب، شمارهٔ ۱۷۷..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۱۵، به نقل از فرازهایی از زندگی شهید دکتر مفتّح، ص ۶ - ۷..

- ورود به سیستم آموزش و پرورش و تلاش در جهت تحکیم وحدت. (۱)- تشکیل جلسات سخنرانی در مسجد رضوی قم و استفاده از سخنرانانی چون شهید مطهّری و... .

- دکتر مفتّح در سفر حجّ سال ۱۳۴۹ش ضمن انجام اعمال و فرائض این برنامهٔ عبادی و سیاسی، به مسائل جهان اسلام توجه داشت و از اینکه «مؤسّسه رابطه العالم الإسلامی» برای ایجاد رابطه بین کشورهای اسلامی تشکیل شده است بسیار خشنود بود؛ ولی از این جهت که تشکیلات مزبور در کشور تحت سلطهٔ سعودیهایی که به رژیم آنها هیچ اعتقادی نداشت برگزار شده، برایش پذیرفتن چنین عنوانی سخت بود. با این وجود در آن مجمع بزرگ شرکت نمود و موضوع سخنرانی یکی از افراد - که در مورد موانع جنبش اسلامی در آفریقا بود - ایشان را سخت تحت تأثیر قرار داد. (۲)آن شهید بزرگوار در یکی از سخنرانهای خود از آن روز چنین یاد می کند:

«سخنران در آغاز، شرح مبسوطی دربارهٔ جنبش اسلام در آفریقا عنوان نمود، اینکه آفریقا چطور به اسلام گرایش نشان داد و هر روز گروه گروه مسلمان می شوند. آفریقای سیاهِ رنجدیدهٔ از استعمار، آفریقایی که از دست مسیحیّت و مبشّرین مسیحی رنج برده بود، آرام آرام در اثر تبلیغات کشورهای اسلامی به اسلام گروید». (۳)

۱- (۱) . وی با اینکه یکی از برجسته ترین اساتید حوزه و دانشگاه بود، در این ۲ پایگاه حسّاس و نیز در دبیرستانهای قم به تدریس مشغول بود و به منظور آگاهی دادن به توده مردم و بیدار کردن و به حرکت درآوردن آنان تلاش های وسیع داشت. (گلشن ابرار، ج۲، ص ۸۱۶) .

۲- (۲) . دیدار با ابرار (۷۸)، ص ۵۵ ..

۳- (۳) . همان، ص ۵۶، به نقل از ویژگی های زعامت و رهبری، ص ۵۶ ..

آیت اللّه شهیدسیّد محمّد علی قاضی طباطبایی

شهادت: ۱۳۵۸ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام

نام: سیّد محمّد علی، نام پدر: حاج سیّد باقر، ولادت:

۶ جمادی الاولی ۱۳۳۱ق، محل تولّد: ایران، تبریز.

تحصیلات: او پس از گذراندن دوران کودکی، مقدّمات تحصیل را از محضر اساتید خود فرا گرفت.

پس از چندی در سال ۱۳۵۹ق در سنین جوانی به قم آمد و در درسهای فلسفهٔ حضرت امام خمینی رحمه الله شرکت نمود. سیّد محمّد علی طی ۱۰ سال اقامت خود در قم، از محضر علما و بزرگان قم استفاده ها برد. سپس در سال ۱۳۶۹ق عازم نجف گردید. ایشان پس از سالها تلاش و کوشش توانست قلهٔ رفیع فقاهت را طی نموده و به درجهٔ اجتهاد نائل آید، تا جایی که خود او می نویسد که از ۲۰ نفر از مراجع بزرگ، درجهٔ اجتهاد و اجازهٔ روایت دریافت نمودم.۱

اساتید، حضرات آیات: میرزا محمّد حسین، حاج میرزا اسد اللّه قاضی، سیّد محمّد حجّت کوه کمری، سیّد صدر الدین صدر، سیّد محمّد رضا گلپایگانی، سیّد محسن حکیم، سیّدابوالقاسم خویی، حاج شیخ عبدالحسین رشتی، شیخ محمّد حسین کاشف الغطاء، امام خمینی رحمه الله .

آثار قلمی: گوشه ای از دریای تألیف ایشان عبارت است از: تعلیقات بر کتاب اسلام صراط مستقیم، رساله در دلالت آیهٔ تطهیر بر اهل بیت علیهم السلام ، رساله فی مسأله الترتّب، تحقیق دربارهٔ روز اربعین حضرت سیّد الشهداء علیه السلام ، الاجتهاد والتقلید، اجوبه الشبهات الواهیه، فصل الخطاب فی تحقیق اهل الکتاب، و... .۲

سرانجام: ایشان پس از عمری مجاهدت، تعلیم و تربیت و نویسندگی، در تاریخ ۱۱ آبان ماه ۱۳۵۸ در حالی که روز عید قربان نماز عید را خوانده بود، به هنگام شب، بعد از نماز مغرب و عشا، توسط گروهک منحرف فرقان، قربانی دین خدا گشت.۳

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۲۲ – ۸۲۴، به نقل از مقدمهٔ کتاب اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه، نوشتهٔ آیت اللّه قاضی طباطبایی.

۲. همان، ص ۸۲۹ – ۸۳۰ .

۳. همان، ص ۸۲۸ .

تلاش ها

- آیت اللّه قاضی یکی از عالمان روشن بین و ژرف نگری بود که همیشه بر وحدت اسلامی تأکید داشت و در فرصت های مناسب با رفتار مدبّرانه، در جهت تحقّق بخشیدنِ هرچه بیشتر وحدت بین مسلمانان جهان می کوشید.

- ایشان می گوید: «یاد دارم در زمانی که از سوریه برگشته بودم و وارد عراق شدم نزدیک غروب بود، توقّف کردیم که نماز مغرب را أدا کنیم و حرکت نماییم، وضو گرفته و در صحن خانهٔ وسیعی، حصیر انداخته خواستم مشغول نماز شوم؛ دیدم عدّه ای از جوانان اهل تسنّن آمدند و در چند قدمی ایستادند، فهمیدم که می خواهند بدانند که چطور سجده خواهم کرد! من هم در موقع سجده، پیشانی را بر بالای حصیر گذاشتم و سایر رفقا نیز اغلب از من تبعیّت کردند. بعد از فراغت از نماز چند نفر از آنها جلو آمده و از حقیقت سجده بر تربت کربلا که بعضی از همراهان نماز گذاشته بودند، سؤال کردند، واقع امر را به آنها بیان کردم، بسیار قانع شده و امتنان بجا آوردند و اظهار نمودند که به ما جور دیگر تلقین کرده اند». (۱)

ص:۴۱۵

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۲۷، به نقل از تحقیق دربارهٔ اربعین، ص ۴۱۶. نظیر این جریان در دمشق اتّفاق افتاده بود..

آیت اللّه شهید مرتضی مطهّری

شهادت: ۱۳۵۸ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: مرتضی، نام پدر: حاج شیخ محمّد حسین، ولادت: بهمن ماه ۱۲۹۸ش، محل تولّد: ایران، خراسان، فریمان.

تحصیلات: مرتضی او در ۱۲ سالگی وارد حوزهٔ علمیهٔ مشهد مقدّس گردید. پس از چندی در سال ۱۳۱۶ش، راهی حوزهٔ علمیهٔ قم گردید تا روح تشنه اش را از کوثر قرآن و زمزم عترت علیهم السلام سیراب کند. او پس از گذراندن دروس مطوّل، شرح لمعه و نیز بقیهٔ علوم مقدماتی در نزد بزرگان حوزهٔ قم، تحصیل رسمی علوم عقلی و فلسفی را در سال ۱۳۲۳ش آغاز نمود. وی بعد از ورود آیت اللّه بروجردی به قم، در درس فقه و اصول ایشان شرکت کرد و از بحثهای مجتهد پرور آن عالم ربانی بهره مند شد. استاد مطهّری پیش از رسیدن به مرحلهٔ اجتهاد از آیت اللّه بروجردی تقلید می نمود.

اساتید، حضرات آیات: صدوقی، مرعشی نجفی، سیّد صدر الدین صدر، سیّد محمّد رضا گلپایگانی، سیّد محمّد تقی خوانساری، سیّد محمّد حجّت، سیّد محمّد محقّق یزدی - معروف به داماد - انگجی، میرزا مهدی آشتیانی، حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی، آیت اللّه بروجردی، علّامه طباطبایی، امام خمینی رحمه الله .

شاگردان، جمع زیادی از دانشجویان و اساتید دانشگاهها و نیز فضلای حوزهٔ علمیهٔ مشهد و قم از جمله حضرات آیات و حجج اسلام: ممدوحی، محمود عبداللّهی، شهید شاهچراغی، شهید غلامحسین حقّانی، علّامه شهید سیّد عارف حسین حسینی، سیّد هادی رفیعی پور علوی، حاج سیّد احمد خمینی و... .

آثار قلمی: انسان کامل، آشنایی با قرآن، خدمات متقابل اسلام و ایران، سیری در سیرهٔ نبوی صلی الله علیه و آله و سلم ، تعلیم و تربیت در اسلام، فطرت، علل گرایش به مادّیگری، و ده ها اثر ارزشمند دیگر.۲

سرانجام: در شب چهار شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ ساعت بیست و دو و بیست دقیقه، استاد مطهّری به وسیلهٔ جوانی فریب خورده، از اعضای گروهک سیاسی و منافق فرقان به شهادت رسید.۳

مقبره: ایران، قم، مسجد بالاسر حرم شریف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام .

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۰۰ - ۸۰۱ .

۲. همان، ص ۸۰۵ .

۳. همان، ص ۸۰۶، به نقل از مطهّری، مطهّر اندیشه ها، ج ۱، ص ۶۷.

– به عقیدهٔ ایشان امروز هر تحرّک تفرقه انگیز و وحدت ستیز برای جهان اسلام زهر مُهلک است و با ضربه پذیر شدن و انزوای دین و متلاشی شدن جبههٔ توحید، از دست رفتن موجودیّت سرزمین های اسلام و اسارت و قتل و کشتارهای وحشتناک همراه می باشد. در چنین شرایط سخت و نفس گیر، کیست که با دست خویش، تیشه بر ریشهٔ خویش زند و هستی خود را در معرض تهاجم و تعرّض دشمنان کینه توز قرار دهد و به سوی گورستان فناء و نابودی شتاب گیرد؟ (۱)– وی معتقد بود استعمارگران در طول تاریخ به ویژه در تاریخ معاصر، همهٔ اندیشه ها و انرژی و توان و امکانات فرهنگی و تبلیغی و سیاسی و نظامی خود را برای به تفرقه و به منازعه کشاندن مسلمانان و جلوگیری از تشکیل جبههٔ واحد و مقتدر و متّحد اسلامی به کار گرفته و می گیرند. (۲)– آیت اللّه شهید مطهری معنای صحیح وحدت اسلامی را چنین تعبیر می نماید: ما خود شیعه هستیم و افتخار پیروی از اهل بیت علیهم السلام را داریم. کوچکترین چیزی حتی یک مستحب و یا مکروه کوچک را قابل مصالحه نمی دانیم؛ نه توقّع کسی را در این زمینه می پذیریم و نه از دیگران انتظار داریم که به نام مصلحت و به خاطر اتّحاد اسلامی از یک اصل از اصول خود دست بردارند. آنچه ما انتظار و آرزو داریم این است که محیط حُسن تفاهم بوجود آید تا ما که از خود اصول و فروعی داریم، فقه و حدیث و کلام و فلسفه و تفسیر و ادبیات داریم بتوانیم کالای خود را به عنوان بهترین کالا عرضه بداریم تا شیعه بیش از این در حال انزوا بسر نبرد و بازارهای مهم جهان اسلامی به روی کالای نفیس معارف اسلامی شیعه بسته نباشد.

أخذ مشترکات اسلامی و طرد مختصّات هر فرقه ای نوعی خَرق اجماع مرکّب است و محصول آن چیزی است که قطعاً غیر از اسلام واقعی است، زیرا بالأخره مختصّات

۱– (۱) . روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، ص ۱۲، به نقل از یادداشتهای استاد مطهّری، ج ۲، ص ۲۰۷ – ۲۰۹..

۲– (۲) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، ص۱۲..

یکی از فِرَق جزء متن اسلام است و اسلام مجرّد از همهٔ این مشخّصات و ممیّزات و مختصّات وجود ندارد. (۱)- در اندیشهٔ او یکی از هدفهای بزرگ اسلام، بلکه بزرگترین هدف اسلام در امور عملی، وحدت و اتّفاق مسلمانان است. اولین وظیفهٔ داعیان و ارشاد کنندگان و آمران به معروف و ناهیان از منکر، این است که در طریق وحدت مسلمانان بکوشند. (۲)- ایشان عقیده داشت: اگر این استوانهٔ اسلامی یعنی اصل دعوت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر بخوابد، وحدت اسلامی و اتّحاد مسلمانان نیز از میان می رود. (۳)- در نگاه آسمانی استادِ شهید مرتضی مطهّری؛ آنچه بر سر مسلمین آمد که شوکت آنها را گرفت و آنها را زیر دست و تو سَری خور ملل غیر مسلمان قرار داد، همین اختلافات فرقه ای است.

- علّامه مطهّری می گفت، بدون شک نیاز مسلمین به اتّحاد و اتّفاق از مبرم ترین نیازهاست و درد اساسی جهان اسلام همین کینه های کهنه میان مردم مسلمان است. دشمن هم همواره از همین ها استفاده می کند. اما به نظر می رسد که اعتراض کننده در مفهوم «اتّحاد اسلامی» دچار اشتباه شده است. مفهوم اتّحاد اسلامی که در صد سال اخیر میان علما و فضلای مؤمن و روشنفکر اسلامی مطرح است این نیست که فرقه های اسلامی به خاطر اتّحاد اسلامی از اصول اعتقادی و یا غیر اعتقادی خود صرف نظر کنند و به اصطلاح مشترکات همهٔ فِرَق را بگیرند و مختصّات همه را کنار بگذارند. چه، این که این کار نه منطقی است و نه عملی. چگونه ممکن است از پیرو یک مذهب تقاضا کرد که به خاطر مصلحت حفظ وحدت اسلام و مسلمین، از فلان اصل اعتقادی یا عملی خود که به هر حال به نظر خود، آن را جزء متن اسلام می داند صرف نظر کند؟ در حکم این است که از او بخواهیم به نام اسلام از جزئی از اسلام چشم بپوشد.

پابند کردن مردمی به یک اصل مذهبی و یا دلسرد کردن آنها از آن، راههایی دیگر دارد و

۱- (۱) . اتّحاد اسلامی و تمسّک به قرآن و عترت علیهم السلام ، از دیدگاه امام خمینی رحمه الله و استاد مطهّری، ص ۸ - ۹..

۲- (۲) . همان..

۳- (۳) . همان..

طبیعی ترین آنها منطق و برهان است. با خواهش و تمنّا و به نام مصحلت، نه می توان قومی را به اصلی مؤمن ساخت و نه می توان ایمان آنها را از آنها گرفت. (۱)- ایشان معتقد بود: آنچه آن بزرگان در نظر داشتند این بود که فرقه های اسلامی در عین اختلافاتی که در کلام و فقه و غیره با هم دارند، به واسطهٔ مشترکات بیشتری که در میان آنها هست می توانند در مقابل دشمنان خطرناک اسلام دست برادری بدهند و جبههٔ واحدی تشکیل دهند. این بزرگان هرگز درصدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی - که هیچ گاه عملی نیست - نبودند.

در اصطلاحات معمولی عُرف، فَرق است میان حزب واحد و جبههٔ واحد. وحدت حزبی ایجاب می کند که افراد از نظر فکر و ایدئولوژی و راه و روش و بالأخره همهٔ خصوصیّات فکری به استثناء مسائل شخصی یکرنگ و یک جهت باشند. امّا معنی وحدت جبهه این است که احزاب و دسته جات مختلف در عین اختلاف در مسلك و ایدئولوژی و راه و روش، به واسطهٔ مشترکاتی که میان آنها هست، در مقابل دشمن مشترك در یک صف جبهه بندی کنند. بدیهی است که صف واحد در برابر دشمن تشکیل دادن، با اصرار در دفاع از مسلك خود و انتقاد از مسلك های برادر و دعوت سایر برادران هم جبهه به مسلك خود به هیچ وجه منافات ندارد.

لذا آنچه علمای شیعه مخصوصاً مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی بدان می اندیشید این بود که زمینه را برای پخش و انتشار معارف اهل بیت علیهم السلام در میان برادران اهل سنت فراهم کند و معتقد بود که این کار جز با ایجاد حُسن تفاهم امکان پذیر نیست. توفیقی که آن مرحوم در طبع برخی کتب فقهی شیعه در مصر به دست خود مصریان در اثر حُسن تفاهمی که به وجود آورده بود کسب کرد، از مهمترین موفقیّت های عُلمای شیعه است. جَزاهُ اللّهُ عَنِ الإِسْلامِ وَ الْمُسلِمینَ خَیْرَ الْجَزاء. (۲)

۱- (۱) . اتّحاد اسلامی و تمسّك به قرآن و عترت علیهم السلام ، از دیدگاه امام خمینی رحمه الله و استاد مطهّری، ص ۷ - ۸ ..

۲- (۲) . همان، ص ۹ - ۱۱..

ابوالاعلی مودودی پاکستانی

متوفای: ۱۳۹۹ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: ابوالاعلی (سیّد احمد حسن)، نام پدر: سیّد احمد، ولادت: رجب ۱۳۲۱ق، محل تولّد: هندوستان، حیدرآباد، اورنگ آباد.۱

تحصیلات: ابوالاعلی مودودی تحصیلات دینی خود را در خانه گذرانید. او در سال ۱۹۱۴م در امتحان «مولوی» پذیرفته شد و به کلاس «موسوی عالم» راه یافت. ابوالاعلی تحصیلاتش را بیشتر در خانه و نزد پدرش گذرانید، زیرا پدر وی از محیط مدارس مطمئن نبود. چندی بعد او پدرش را از دست داد و مجبور گشت با برادر بزرگش به عنوان ویراستار در دفتر یکی از روزنامه ها مشغول شود. مودودی یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۹م رسماً فعّالیّت های سیاسی خود را با شرکت در نهضت خلافت آغاز نمود. در این میان او دست به تألیفات دامنه داری زد. وی در سال ۱۹۴۰م در دانشکدهٔ اسلامی لاهور به عنوان استاد علوم اسلامی به تدریس پرداخت.

اساتید: افرادی که مودودی پاکستانی از آنان متأثر گردید عبارتند از: ابن خلدون، شاه ولی اللّه دهلوی، محمّد اقبال لاهوری و حسن البنّا.

شاگردان و متأثرین از اندیشهٔ او: او متفکّران زیادی از کشورهای مصر، سوریه و ایران و همچنین بسیاری از اصلاح طلبان مسلمان را تحت تأثیر قرار داد که از آن جمله می توان به سیّد قطب اشاره نمود.

آثار قلمی: المصطلحات اربعه، الجهاد فی الاسلام، تفهیم القرآن (تفسیر ۶ جلدی قرآن) نظام زندگی اسلام، نهضت آزادی هند و مسلمانان، نظریهٔ سیاسی اسلام، حقوق اساسی، حقوق ذمّیان، مطالبات اسلام از زنان مسلمان و... .

سرانجام: مولوی مودودی پاکستانی پس از دورهٔ بیماری طولانی مدّت که دو بار برای آن تحت عمل جراحی قرار گرفت در ذیقعدهٔ ۱۳۹۹ وفات یافت.۲

۱. علمای مجاهد، ص ۴۸۱.

۲. همان، ص ۴۸۳.

– وی معتقد بود: جاهلیّت یعنی هر آن چه که مستند به غیر خداست. اگر دورهٔ قبل از اسلام را دورهٔ جاهلی می نامند، به دلیل وجود مناسباتی به حکم غیر خدا بوده است.

در این دوره هم ما جاهلیّت داریم زیرا تمامی مناسبات جوامع در جهان حاضر مستند به حکم غیر خداست. پس همهٔ جهان جاهلی است. جاهلیّت جدید نیز جاهلیّت قرن بیستم است. هدف اسلام چیست؟ نابودی جاهلیّت. ما امروز چه باید بکنیم؟ باید جاهلیّت را نابود کنیم. لذا امروز باید با تمام جهان بجنگیم و در همه جا باید جاهلیّت مدرن را نابود بکنیم.

رسالت ما چیست؟ ما باید حاکمیّت خداوند را در جهان حاکم کنیم. حاکمیّت دین خدا چیست؟ حاکمیّت دین خدا، یعنی تمام مناسبات اجتماعی باید بر اساس ما انزل اللّه باشد و باید حکومت دینی در سراسر جهان گسترش پیدا کند. تمام حکومت ها، حکومت های غیر دینی هستند.

جاهلیّت هم به معنی حکومت های غیرمسلمان مسیحی نیست. جامعهٔ مسلمانی که بر آن احکام دینی حاکم نیست و نظامش نظام دینی نیست، این جامعه هم جامعهٔ جاهلیّت است.

– او می گفت: امامت و رهبری جهان به دست افراد گمراه و منحرف از خدا افتاده و از فتنه و فساد پر شده است. مسلمانان باید این رهبری را به دست بندگان صالح خدا بسپارند. (۱)تلاش ها

– وی از جمله متفکّرین و دانشمندان اسلامی شبه قاره و پاکستان بود و می توان او را پدر بنیاد گرایی دینی و رادیکالیسم دینی نامید.

– تأسیس جنبش جامعهٔ اسلامی را از دیگر اقدامات مهم مودودی پاکستانی می توان نام برد.

– مودودی اوّلین کسی بود که که صفت اسلامی را به برخی عبارات مشخّصاً غربی از جمله انقلاب، کشور و ایدئولوژی پیوند داد.

۱- (۱) . علمای مجاهد، ص ۴۸۲..

آیت اللّه شیخ محمّد جواد مغنیه

متوفای: ۱۴۰۰ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد جواد، نام پدر: شیخ محمود، ولادت:

۱۳۲۲ق، محل تولّد: لبنان، صور،۱ قریهٔ طیردبا.

تحصیلات: وی تشنهٔ فراگیری دانش بود لذا از همان دوران کودکی، تصمیم گرفت تا برای تحصیل به نجف برود، اما مشکلاتی مانع رسیدن به مقصودش گردید.

پس از چندی شوق درس و تحصیل، محمّد جواد را به هر نحوی بود به نجف فرا خواند. او منطق، مطوّل، مقداری از اصول، جلد دوّم کفایه، و قسمتی از مکاسب را نزد علمای آن شهر به پایان رسانید.۲

اساتید، حضرات آیات: سیّدابوالقاسم خویی، محمّد حسین کربلائی، سیّد حسین حمامی، سیّد محمّد سعید فضل اللّه، شیخ عبدالکریم مغنیه (برادر).

آثار قلمی: شیخ محمّد جواد در طول حیات خود نزدیک به ۶۰ عنوان کتاب تألیف نمود که به بخشی از آن اشاره می شود: الزواج والطلاق علی المذاهب الخمسه، الوصایا والمواریث علی المذاهب الخمسه، الوقف والحجر علی المذاهب الخمسه، الحج علی المذاهب الخمسه، تفسیر الصحیفه السجادیه علیه السلام ، و... .

سرانجام: علّامه مغنیه، پس از عمری تلاش صادقانه در راه اعتلای اسلام عزیز و همچنین تلاش بی وقفه برای نزدیکی بین مذاهب ۵ گانه، در ساعت ۱۰ شب ۱۹ محرم الحرام سال ۱۴۰۰ق، در سن ۷۶ سالگی در لبنان به رحمت ایزدی پیوست. پیکر وی پس از انتقال به نجف و گذاردن نماز توسط آیت اللّه العظمی خویی به خاک سپرده شد.

مرقد: عراق، نجف اشرف، یکی از حجره های صحن منوّر امیر المؤمنین علی علیه السلام .۳

۱. صور شهری است در ساحل مدیترانه و یکی از شهرهای فینیقیهٔ قدیم که به سبب تجارت خود مشهور بود. این شهر در حملهٔ اسکندر در سال ۳۳۳ق، مقاومتی سخت به خرج داد و امروز جزء کشور لبنان است. (فرهنگ فارسی معین، ص۱۰۳۹).

۲. گلشن ابرار، ج۳، ص۴۵۱ - ۴۵۲.

۳. طلایه داران تقریب (۷)، محمّد جواد مغنیه فقیهی نوگرا، ص۱۰۴.

- وی معتقد بود، شیعیان خلافت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را حق امام علی علیه السلام می دانند، ولی عقیده دارند که نباید به اختلافی دامن زد که موجب تفرقه و به ضرر اسلام باشد، همانطور که امیرالمؤمنین علی علیه السلام این کار را نکرد.

- شیخ محمّد جواد به وحدت اعراب و مسلمانان می اندیشید و عقیده داشت که علّت دشمنی اهل تسنن با شیعیان، عدم آگاهی آنان از عقاید اصیل شیعه است. (۱)- محمّد مهدی شمس الدین می گوید: «مهمترین نگرانی آیت اللّه شیخ محمّد جواد مغنیه...

وحدت ملّی و وحدت اسلامی و... بود». (۲)تلاش ها

- دیدار با شیخ محمّد ابوزهره (۱۹۶۰م)

- سفر به مصر و مذاکره باشیخ الازهر، شیخ محمود شلتوت

- تألیف کتابی با عنوان «ردّیه ای بر کتاب الخطوط العریضه» نوشتهٔ محبّ الدّین الخطیب (۳): این کتاب از نخستین کتابهایی بود که بر ضدّ شیعه در کشور مصر به چاپ رسید.

شیخ محمّد جواد به سبب نوشتن این ردّیه، نامه های تهدیدآمیز فراوانی دریافت نمود، اما خم به ابرو نیاورد.

- گفتگو با دکتر مصطفی محمود (۱۹۷۰م)

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۳، ص ۴۵۹، به نقل از الشیعه فی المیزان، ص ۲۸۱..

۲- (۲) . همان..

۳- (۳) . طلایه داران تقریب (۷)، ص ۴۲، به نقل از شیعه در مصر، ص ۱۴۵..

علّامه سیّد محمّد حسین طباطبایی

متوفای: ۱۳۶۰ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد محمّد حسین، نام پدر: سید محمد، ولادت:

ذیحجه الحرام ۱۳۲۱ق، محل تولّد: ایران، تبریز.۱

تحصیلات: وی پس از گذراندن دوران کودکی، تحصیلات اولیه را در زادگاه گذرانید و پس از آن عازم نجف اشرف گردید. سیّد محمّد حسین مدّت یازده سال در کنار مرقد نور آفرین امیر المؤمنین علی علیه السلام کسب علم کرد و در سال ۱۳۱۴ش به زادگاه خویش رجعت نمود. دوران ده سالهٔ اقامت ایشان همراه با تدریس و تألیف سپری شد تا اینکه فیض روح القدس بار دیگر مدد فرمود و با آمدن آیهٔ شریفهٔ «هُنالِكَ الْوَلایَةُ لِلّهِ الْحَقِّ هُوَ خَیْرٌ ثَواباً وَ خَیْرٌ عُقْباً»۲ در استخاره، علّامه راهی قم گردید. هر روز که سپری می شد، ابعاد علمی و چهرهٔ چشمگیر علّامه، بیشتر از گذشته نمایان می شد.

این عظمت بدانجا انجامید که دولت آمریکا توسط شاه ایران از علّامه دعوت رسمی کرد تا در دانشگاههای آن کشور، فلسفهٔ شرق را تدریس نماید. روح بلند و بینش کم نظیر علّامه دست ردّ به آنهمه اصرار زد. او زندگی محقّرانه در قم و جلسات درس با طلاب و تربیت شاگردانی فاضل را بر تمامی ظواهر فریبندهٔ دنیا ترجیح می داد.۳

اساتید، حضرات آیات: مرحوم نائینی، میرزا علی آقا قاضی، سیّد ابو الحسن اصفهانی، سیّدابوالقاسم خوانساری، سید حسین بادکوبه ای و... .۴

شاگردان، آیات عظام: شهید مطهری، شهید بهشتی،شهید مفتح، شهید قدوسی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، حسن زادهٔ آملی، موسوی اردبیلی، ابراهیم امینی، روحانی و... .۵

آثار قلمی: تفسیر المیزان، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، حاشیه بر کفایه، شیعه در اسلام، خلاصهٔ تعالیم اسلام، سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم ، لب الّباب و... .

سرانجام: پس از هشتاد و یک سال عمر با برکت و زندگی پر تلاش، روح پاک و الهی آن حکیم عارف و مفسّر وارسته به دیار قدسی و ملکوت رهسپار شد.

مرقد: ایران، قم، مسجد بالاسر حرم مطهّر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام .

۱. دائره المعارف تشیّع، ج ۱۰، ص ۴۶۲.

۲. سورهٔ کهف، آیهٔ ۴۴.

۳. مهرتابان، علّامه تهرانی، ص ۲۸.

۴. گلشن ابرار، ج۲، ص ۸۶۷.

۵. همان، ص ۸۷۰.

ص:۴۲۴

– وی معتقـد بود، دسـتور به یـادآوری و متـذکر شـدن خداونـد به نعمت اتّحـاد و یگانگی، مطابق دَأب قرآنِ شـریف است، تا دعوت به وحـدت ملّی و انسـجام اجتماعی براساس خیر و هدایت را صـحیح بنا گذارده باشد نه آنکه دسـتور به تقلیدی میانه و کورکورانه داده باشد.

– در اندیشهٔ ایشان؛ اجتماعی که اساسـش بر پایهٔ اختلاف و عقاید مشتّت نهاده شود، به ناچار امیال نفسانی و زورگویی فردی در آن حکومت کرده و به پست ترین زنـدگی هـا آن را سوق می دهـد. (۱)– علّامهٔ طباطبایی به دلایلی، اتّحاد ملّی و انسـجام اسلامی در جامعه را، جزء لاینفک و پایهٔ مستدام اجتماع اسلامی و انسانی می داند. (۲) از جملهٔ آن دلایل، موارد ذیل است:

۱. دین اسلام به عنوان دین خاتم تا ابد هدایتگر بشر و تنها دین پذیرفته شده است: «إِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللّهِ الْإِسْلامُ» (۳)، «وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْإِسْـلامِ دِیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ» (۴). زیرا خداونـد بـدین وسـیله، پیمودن راه میثاق و پیمان را تأکید کرده است و دین اسـلام به دلیل برخورداری از آیین کامل الهی و به عنوان شریعتی پایدار، از عهدهٔ چنین تأکید و سفارشی در هدایت بشریّت و راهنمایی آنهـا بـه سـوی وحـدت و همـدلی بر می آیـد؛ تـا آنجـا کـه اختلافـات جزئی و غیر منطقی نمی توانـد یکپـارچگی این امّت را مخدوش سازد. (۵)۲. اتّحاد ملّی و انسـجام اسـلامی، موجب هماهنگی افراد جامعه در مقصـد و هدف می گردد و بدین جهت «امّت واحـده» بر آنهـا اطلاـق می شود؛ زیرا زنـدگی را به سـادگی و بـدون هیـچ مشـاجره ای سپری نموده و هیـچ اختلافی در مذهب و عقیده بین آنان نخواهد بود. (۶)۳. با وجود وحدت ملّی، بعثت انبیاء علیهم السـلام در اجتماعی انسانی تشریع گردید و کتابهای آسمانی فرود آمد تا امّتی واحد برای بشریّت ایجاد نمایند و از ورطهٔ پراکندگی و تفرقه آنان

۱- (۱) . فصلنامهٔ قرآنی کوثر، سال هفتم، تابستان ۸۶، شمارهٔ ۲۴، ص۴۵..

۲- (۲) . همان..

۳- (۳) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۸..

۴- (۴) . همان، آیهٔ ۸۵..

۵- (۵) . فصلنامهٔ قرآنی کوثر، سال هفتم، شماره ۲۴، ص ۴۵، به نقل از تفسیر المیزان، ترجمهٔ سیّد محمّد باقر موسوی همدانی، ج ۶، ص ۲۲۹ – ۲۳۴..

۶- (۶) . همان، ص ۴۵..

را برهانند که «فَبَعَثَ اللّهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرِینَ وَ مُنْذِرِینَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْکِتابَ بِالْحَقِّ لِیَحْکَمَ بَیْنَ النّاسِ فِیَما اخْتَلَفُوا فِیهِ» (۱). (۲)

۴. زوال وحدت اجتماعی و انسجام اسلامی، بنیان جامعهٔ اخلاقی مطلوب را سست و ویران می نماید؛ زیرا بدون اتّحاد، نزاع و کشمکش، در جامعه رواج یافته و اختلاف بین افراد جامعه به وجود می آید، در نتیجه ضعف اراده بر آنها حاکم شده، عزّت، دولت و نیروی غلبه بر دشمن را از دست می دهند. بدین جهت خداوند متعال فرموده: «وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِیحُکُمْ» .(۳)

ص:۴۲۶

۱- (۱) . فصلنامهٔ قرآنی کوثر، سال هفتم، شماره ۲۴، ص ۴۵ به نقل از المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۷..

۲- (۲) . سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۱۳..

۳- (۳) . سورهٔ انفال، آیهٔ ۴۶..

شهید مظلوم آیت اللّه دکتر سیّد محمّد حسینی بهشتی

شهادت: ۱۳۶۰ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد محمّد، نام پدر: سیّد فضل اللّه، ولادت: آبان ماه ۱۳۰۷ش، محل تولّد: ایران، اصفهان.

تحصیلات: وی تحصیلات ابتدایی را در چهار سالگی آغاز نمود و نوشتن و روخوانی قرآن را فرا گرفت. مدّتی به دبستان و پس از چندی وارد دبیرستان گردید. در ۱۳۲۱ش به مدّت ۴ سال به حوزهٔ علمیهٔ اصفهان رفت و پس از آن در ۱۸ سالگی به شهر قم عزیمت نمود. او در سال ۱۳۲۶ش در درس خارج فقه و اصول شرکت نمود. سیّد محمّد در کنار دروس حوزوی در سال ۱۳۲۷ش ضمن أخذ مدرک دیپلم ادبی وارد دانشکدهٔ الهیات شد و در رشتهٔ فلسفه به تحصیل پرداخت و سه سال بعد دانشنامهٔ لیسانس رشتهٔ مذکور را أخذ نمود. او پس از سالها تلاش سرانجام در بهمن ماه ۱۳۵۳ش، موفّق به أخذ دکترا در رشته فلسفه گردید.۱

اساتید، حضرات آیات: محقّق داماد، بروجردی، خوانساری، حجّت کوه کمره ای، شیخ مرتضی حائری، علّامه طباطبایی و امام خمینی رحمه الله .۲

شاگردان: عدّهٔ زیادی از دانشجویان و اساتید دانشگاهها، فضلای حوزه های علمیه خصوصاً حوزهٔ علمیهٔ قم از جمله حضرات آیات و حجج اسلام: سیّد محمّدرضا طباطبایی، علی مؤیّدی، محمّدی عراقی، علی فلّاحیان، علی رازینی، سیّد هادی رفیعی پور علوی، محمّد آقائی، محمّدعلی نظام زاده، کاظم صدیقی، مسیح مهاجری، محمّدباقر انصاری محلّاتی، جواد اژه ای، کمال الدین خدّامی و... .

آثار قلمی: خدا از دیدگاه قرآن، نماز چیست؟ روحانیّت در اسلام و در میان مسلمین، کدام مسلک؟، نقش ایمان در زندگی انسان و...

سرانجام: در شبانگاه هفتم تیر ماه ۱۳۶۰، دست نفاق - سازمان مجاهدین (منافقین) خلق - از آستین شب به در آمد و تیری روانهٔ انقلاب اسلامی کرد که بر اثر آن آیت اللّه بهشتی در ۵۳ سالگی به همراه بیش از هفتاد یار باوفایش به درجهٔ شهادت نائل آمدند.

مقبره: ایران، تهران، بهشت زهرا علیها السلام .

۱. گلشن ابرار، ج۲، ص۸۴۰ - ۸۴۱.

۲. پنج گفتار، شهید آیت اللّه بهشتی، ص۸ - ۹.

- شهید بهشتی معتقد بود مسلمانها برادر یکدیگر، پشت و پناه یکدیگر، دارای هم بستگی کامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستند.

- وی می گفت: برادر خوزستانی من با برادر فارسی زبان تهرانی من، از نظر من هردو برادر و برابرند. این مسئله برای ما مهم است. برادر کرد زبان ما در کردستان، با برادر ترک من در آذربایجان، با برادر گیلک زبان من در گیلان، با برادر لر زبان من در لرستان، با برادر بلوچ زبان من در بلوچستان، با برادر ترکمن زبان من در ترکمنستان، همه باهم برادریم، برادر مسلمانیم، همه تشکیل دهندهٔ یک جامعه و امّت واحده هستیم. ما امّت اسلامی هستیم و شهروندان جمهوری اسلامی.

- از گفته های اوست: ما از نظر وحدت نظامی، وحدت اقتصادی، وحدت اجتماعی، محور وحدتمان فقط و فقط ایمان به اسلام است.

- از منظر وی ما به دلیل این که مسلمانیم از یکدیگر تفکیک ناپذیریم، از هم جدایی ناپذیریم. (۱)- به عقیدهٔ او یکی از عوامل مؤثّر پیدایش شکاف و جدایی میان مسلمانها اختلاف فاحش طبقاتی است. (۲)- آیت اللّه بهشتی همواره تأکید می نمود که پیوند میان دانشجو و طلبه را پیوندی مبارک یافتیم و معتقد شدیم که این دو قشرِ آگاه و متعهد باید همیشه دوشادوش یکدیگر حرکت کنند بر پایهٔ اسلام اصیل خالص. (۳)

ص:۴۲۸

۱- (۱) . پنج گفتار، شهید آیت اللّه بهشتی، ص۲۸ - ۲۹..

۲- (۲) . همان، ص۱۳۵..

۳- (۳) . معارف و معاریف، ج۲، ص۳۰۶..

تلاش ها

- سفر به آلمان و انجام فعّالیّتهای دینی و تبلیغی در مسجد هامبورگ، بنا به پیشنهاد آیت اللّه میلانی و برخی دیگر از مراجع تقلید در ۱۳۴۴ش (تأسیس مرکز اسلامی هامبورگ).

- عضویّت در شورای فقهی و سیاسی جمعیّت های مؤتلفه بنا به تعیین امام راحل رحمه الله .

- عضویّت در کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان قم.

- مسافرت به کشورهای سوریه، عربستان، لبنان و ترکیه بنا به اقتضای فعّالیّت های ایشان. (۱)- عضویّت در شورای مدیریت مدرسهٔ علمیه منتظریه (حقّانی) قم، تربیت طلّاب فاضل و فعّال و نیز تغییر بعضی از متون درسی.

۱- (۱) . معارف و معاریف، ج ۲، ص۳۰۴ - ۳۰۶..

حجّه الاسلام والمسلمين شهيد غلامحسين حقّانى

شهادت: ۱۳۶۰ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: غلامحسین، نام پدر: محمّد، ولادت: ۱۳۲۰ش، محل تولّد: ایران، قم.۱

تحصیلات: وی تحصیلات ابتدایی را در تهران آغاز نمود و به پایان رسانید. درسهای حوزوی را در محضر پدر تلمّذ و سپس برای ادامهٔ تحصیلات دینی وارد مدرسهٔ آیت اللّه مجتهدی شد. در ۱۳ سالگی به قم رفت و پس از گذشت چند سال از اشتغال به دروس حوزه، همزمان تحصیلات دبیرستان خود را به پایان رسانید.

غلامحسین مدّتی در محضر اساتید قم زانوی ادب بر زمین زد تا اینکه پس از سالها تحصیل و تلاش، به مقام بلند اجتهاد دست یافت.

اساتید، حضرات آیات: شیخ محمّد حقّانی (پدر)، مجتهدی،۲ حائری، حاج شیخ عبّاس علی شاهرودی، شهید استاد مطهّری۳ و... .

آثار قلمی: وی جزوات بسیاری نوشت و بدون ذکر نام مؤلّف، از طریق مؤسسهٔ در راه حق منتشر ساخت.

در سال ۱۳۴۴ش، کتاب اسلام پیشرو نهضتها را به همراه شهید محمّد مصطفوی کرمانی تألیف و منتشر ساخت، شهید حقّانی کتابهای دیگری نوشت که هنوز منتشر نشده است.۴

سرانجام: در هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ش، وی پس از عمری تلاش ارزشمند به همراه ۷۲ گل لاله در دفتر حزب جمهوری اسلامی ایران، پرپر گردید.۵

مرقد: ایران، قم، گلزار شیخان.

۱. ستارگان حرم، ج ۵، ص ۱۱، به نقل از روزنامهٔ کیهان، ۷ تیر ماه ۱۳۷۲، ص ۶.

۲. همان، به نقل از روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۶ مهرماه ۱۳۶۰، ص۱۲.

۳. همان، به نقل از شهدای روحانیّت، دفتر ششم، ص ۵۸.

۴. همان، ص ۱۴، به نقل از پیشتازان شهادت در انقلاب سوم، ص ۹۴.

۵. همان، ص ۲۳ – ۲۴.

- ایشان همواره مسألهٔ وحدت را مهم می شمرد و در مواقع گوناگون از آن یاد می کرد.

- در یکی از سفرهایی که چند نفر از روحانیون برای تبلیغ در بندر عباس به نزد وی رفته بودند تا شهید حقّانی که امام جمعهٔ وقت بندر عبّاس بود ترتیب اعزام آنان را به مناطق مورد نظر بدهد، ایشان برای آقایانِ مبلّغ، در مورد وظیفهٔ خطیر روحانیّت در مقابله با توطئه های ضدّ انقلاب و آگاهی دادن مردم به حفظ وحدت و اتّحاد، مطالبی را بیان نمود. (۱)- شهید حقّانی به زبان عربی تسلّط داشت، از این رو به همراه هیئتهای اعزامی به کشورهای عربستان، سوریه، لبنان، یمن شمالی و یمن جنوبی سفر کرد و در مجامع عمومی برای ملّتهای مسلمان، سخنرانیهای مفصّلی ایراد نمود تا آنان را با انقلاب اسلامی ایران آشنا سازد. (۲)- از اقدامات دیگر وی، اعزام بیست هیئت به حدود ۳۰ کشور جهان در دومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران بوده است. (۳)

۱- (۱) . ستارگان حرم، ج۵، ص۱۸..

۲- (۲) . همان، ص ۱۹، به نقل از پیشتازان شهادت در انقلاب سوم، ص۹۵؛ شهدای روحانیّت، دفتر ششم، ص ۶۰..

۳- (۳) . پیشتازان شهادت در انقلاب سوم، ص۹۵..

آیت اللّه شهید عطاء اللّه اشرفی اصفهانی

شهادت: ۱۳۶۱ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: عطاء اللّه، نام پدر: میرزا اسداللّه، ولادت:

۱۲۸۱ش، محل تولّد: ایران، اصفهان، خمینی شهر.

تحصیلات: او پس از گذراندن دوره های ابتدایی در دیار خود، عازم اصفهان گردید و طی ۱۰ سال سکونت در آن جا دوره های مقدمات، سطح فقه و اصول را نزد اساتید خود گذرانید. وی سپس به قم هجرت کرد و دوره های خارج فقه و اصول را نزد بزرگان حوزه پشت سر گذاشت. شیخ عطاء اللّه در مدّت هفده سال اقامت در قم، در کنار تحصیل به تدریس و تعلیم و تربیت طلاب پرداخت۱ و پس از چندی به کرمانشاه مراجعت نمود و ادامهٔ برنامهٔ تدریس خود را در آن جا برپا کرد.

اساتید، حضرات آیات: سیّد مهدی دُرچه ای، سیّد محمّد نجف آبادی، شیخ عبدالکریم حائری، حاج سیّد محمّد تقی خوانساری، سیّد صدر الدّین صدر، سیّد محمّد حجّت، آیت اللّه بروجردی و امام خمینی رحمه الله .۲

شاگردان: آیت اللّه شیخ احمد جنّتی.

آثار قلمی: البیان (در موضوع علوم قرآن)، تفسیر قرآن (خلاصه ای از تفاسیر شیعه و سنی)، مجمع الشتّات (در اصول دین و عقاید و کلام به زبان عربی در ۴ جلد)، مجموعه ای پیرامون حروف مقطعهٔ قرآن کریم، کتابی در موضوع غیبت امام عصر عجل اللّه تعالی فرجه الشریف.

سرانجام: منافقان کوردل در ظهر جمعه ۲۳ مهر ۱۳۶۱ش در سنگر نماز جمعهٔ کرمانشاه، با منفجر کردن نارنجکی، امام جمعهٔ ۸۰ ساله و مجاهد پیر اسلام آیت اللّه اشرفی اصفهانی را به شهادت رساندند.۳

مرقد: ایران، اصفهان، تخت پولاد.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۰۱، اقتباس از مجلّهٔ پیام انقلاب، ش ۷۰، آبان ماه ۱۳۶۱.

۲. همان، به نقل از پاسداران اسلام، مهدی مشایخی، ص ۴۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۹۰۶.

- ایشان می گفت: «ما بـدون وحدت نمی توانیم جامعه و انقلاب اسـلامی را به پیش ببریم». (۱)- وی معتقد بود: «امروز مسألهٔ مهم، اتّحاد و اتّفاق بین برادران شـیعه و برادران اهل سـنت است». (۲)- آیت اللّه اشـرفی اصفهانی عقیده داشت یکی از توطئه هـای بزرگ دشـمن این است که می خواهـد بین اقشار مختلف اختلاف بینـدازد، بین شـیعه و اهل سـنت و دیگر فِرق مسـلمین تفرقه بیندازد. (۳)تلاش ها

- سـفر بـه منطقـهٔ کرمانشـاه بـه پیشـنهاد آیـت اللّه بروجردی در جهت اتّحـاد شـیعیان و اهـل سنت و تـدریس در حـوزهٔ علمیّه کرمانشاه (۱۳۳۵ش).

- مبارزه با فتنه های دشمنان ضدّ انقلاب که سعی می کردند با سلاح زنگ زدهٔ اختلاف، بین شیعه و سنی آشوب به پا کنند.

- دعوت از مردم به برادری و وحدت: شـهید آیت اللّه اشـرفی اصـفهانی با تدبیر و درایت خاص خود و با چنگ زدن به آیات وحـدت بخش قرآن کریم همانند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۴) و نیز «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا» (۵) شیعه و سنی را برادر وار در یک صف نشاند و توطئه های بد خواهان و دشمنان شیطان سیرت و تفرقه افکنِ پَست را خنثی و ناکام گردانید.

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج۲، ص۹۰۴، به نقل از روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۲۹ مهرماه ۱۳۶۱..

۲- (۲) . همان، به نقل از روزنامهٔ کیهان، ۲۲ مهرماه ۱۳۷۰. .

۳- (۳) . همان. .

۴- (۴) . سورهٔ حجرات، آیهٔ ۱۰. .

۵- (۵) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳..

آیت اللّه شیخ محمّد کفعمی

متوفای: ۱۳۶۲ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد، نام پدر: رجب علی، ولادت: ۱۲۸۹ش، محل تولّد: ایران، مشهد.

تحصیلات: او پس از تحصیل مقدمات و سطوح در خدمت پدر خود و عدّه ای دیگر از اساتیدش، به سال ۱۳۰۹ش عازم نجف گردید و در سلک تلامیذ آیات عظامِ آنجا قرار گرفت و به درجۀ اجتهاد نائل آمد. در ۱۳۱۷ش به ایران بازگشت و به تدریس و تبلیغ در مشهد و شهرهای دیگر خراسان مشغول گردید.

اساتید: حاج شیخ رجبعلی محدّثی خراسانی (پدر)، میرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری، ادیب ثانی، حاج محقّق قوچانی، مرحوم شمس، شیخ کاظم دامغانی، میرزا احمد مدرس یزدی، حاج میرزا حسن مشکینی، آقا ضیاء الدین عراقی، سیّد ابو الحسن اصفهانی.۱

سرانجام: آیت اللّه کفعمی پس از سالها تلاش و خدمت در راه اتّحاد مسلمانان شیعه و سنی، در روز ۳۰ تیرماه ۱۳۶۲ در بیمارستان خاتم مشهد چشم از دنیای مادّیت فروبست و به دیدار معبود شتافت.

مرقد: ایران، مشهد مقدّس، جوار حرم مطهّر حضرت امام رضا علیه السلام ، مقابل آرامگاه شیخ بهایی.

۱. مشاهیر مدفون در حرم رضوی علیه السلام ، ج۱، ص۲۵۲.

تلاش ها : از جمله اقدامات ایشان در راه وحدت اسلامی را سفر وی به زاهدان می توان برشمرد. آیت اللّه کفعمی در سال ۱۳۲۵ش عازم زاهدان شد و در راستای تفاهم دینی اهل سنت و تشیع، سیاستهای خاصی را دنبال نمود. از جمله برنامه های ایشان می توان به هماهنگی جهت حضور جمعیِ نمازگزارانِ شیعه، پس از نماز عید فطر در مصلّای اهل سنت و حضور اهل تسنّن پس از نماز عید قربان در مصلای اهل تشیع نام برد که از ابتکارات ایشان در راه اتّحاد بین برادران سنّی و شیعه بود. (۱)

۱- (۱) . مشاهیر مدفون در حرم رضوی علیه السلام ، ج۱، ص۲۵۲..

حجّه الاسلام والمسلمین شهید سیّد حسین حسینی

شهادت: ۱۳۶۶ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد حسین، نام پدر: سیّد محمّد تقی، ولادت:

۱۳۲۹ش، محل تولّد: افغانستان، سمنگان، درهٔ صوف، کمج.

تحصیلات: وی بعد از دوران کودکی، ۱۱ ساله بود که به تحصـیل علوم دینی پرداخت. سیّد حسین پس از تکمیل سطوح اولیّهٔ علوم در سال ۱۳۴۷ ش عازم نجف اشرف گردیـد و به این وسـیله وارد محافل علمی متعدّدی شد و به حوزهٔ درسـی برخی از علماء راه یافت.

اساتید: سیّد حسن آخوند، شـیخ محمّد بنی، سـیّد حاج میرزا حسـین عادل، آیت اللّه عبدالحسـین (آخوند زوار)، مرحوم علّامه شیخ محمّد علی (مدرّس افغانی)، آیت اللّه مصـطفی خمینی، میرزا حبیب اللّه اراکی (از عرفاء مورد احترام حضـرت امام رحمه الله).

شاگردان: حجّه الاسلام موحّد بلخی.

سرانجام: شـهید حسینی در تاریخ ۱۲ مهرماه ۱۳۶۶ش در حادثـهٔ تصـادفی دردناک، با اینکه ۳۷ سـال بیشتر از عمر پربارش را سپری نکرده بود، با چهره ای خونین در مصلّای عشق ایستاد و به سوی معشوق حقیقی اش شتافت.

مرقد: ایران، قم، جوار مرقد منوّر کریمهٔ اهل بیت علیها السلام ، حجرهٔ ۲۵.۱

۱. ستارگان حرم، ج۶، ص۲۰۵ – ۲۱۷.

ص:۴۳۵

اندیشه ها

- وی معتقد بود که سازمان نصر (۱) یک سازمان اسلامی است، عقیده ای اسلامی و آرمانی اسلامی دارد. در این سازمان هم شیعه هست و هم سنی.

- شهید حسینی همواره تأکید می کرد: اسلام برای ما اولویت دارد و برای ما مسألهٔ نژاد، ملّیت، و منطقه مطرح نیست. (۲)- او می گفت: ما با همهٔ احزاب اسلامی که در افغانستان، علیه روس صادقانه می جنگند و هیچ گونه وابستگی به هیچ یک از بلوک های شرق و غرب ندارند، با آنها همکاری صادقانه داریم.

تلاش ها

- از جمله اقدامات وحدت آفرین وی، برپایی کنگرهٔ عظیم شهید بلخی بود که مردم را به یاد مبارزه انداخت و آنان را به وحدت و همبستگی و هم یاری دعوت کرد. گفتنی است اولین حرکت که برای وحدت مردم مؤثّر افتاد همین کنگره بود.

ص:۴۳۶

۱- (۱) . در این باره خود شهید می گوید: «ما یک جمع صمیمی و دوستانه بودیم که برادر عزیز ما آقای عرفانی و شیخ حسین اخلاقی جزء آن بودند، در آنجا کار می کردیم و بعد، از نجف با برادرانمان در قم، کابل و سوریه و باقی جاها ارتباط گرفتیم و این ارتباط ما بود که سبب شد وقتی که در سال ۱۳۵۸ یک زمینهٔ آزاد کار تشکیلاتی در ایران به وجود آمد، آن مجموعه ها دور هم جمع شده و سازمان نصر را تشکیل دادیم»..

۲- (۲) . ستارگان حرم، ج۶، ص۲۱۲ - ۲۱۴..

علّامه شهیدسیّد عارف حسین حسینی

شهادت: ۱۳۶۷ش

چکیده ای از زندگی نامه۱

نام: سیّد عارف حسین، نام پدر: سیّد فضل حسین، ولادت: ۱۳۲۰ش، محل تولّد: پاکستان، پاراچنار، پیوار.

تحصیلات: او پس از گذراندن دوران کودکی، وارد دبستان شد و با گذراندن دورهٔ راهنمایی، به عنوان شاگرد ممتاز راهی دبیرستان پاراچنار گردید و در سال ۱۳۴۳ش دورهٔ دبیرستان را نیز با موفّقیت به پایان رسانید. او از آن پس مشغول تحصیل علوم حوزوی گردید و در سال ۱۳۴۶ جهت فراگیری بیشتر علوم دینی راهی حوزهٔ علمیهٔ نجف شد و در مدارس علمیهٔ بشریه و دار الحکمه سکنی گزید.

اساتید: سیّد فضل حسین (پدر)، حاجی غلام جعفر لقمان و نیز حضرات آیات: سیّد اسد اللّه مدنی، سیّد مجتبی لنکرانی، آیت اللّه مرتضوی، شهید مرتضی مطهّری، فاضل لنکرانی، جعفر سبحانی، استاد ستوده، محسن حرم پناهی، ناصر مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی.

سرانجام: این شهید والا مقام در شامگاه ۱۳ مرداد ۱۳۶۷ش، پس از اقامهٔ نماز صبح جمعه، هدف اصابت گلوله ای قرار گرفت و به محض اصابت گلوله ها با فریاد لا اله الا اللّه نقش بر زمین گشت و به لقاء اللّه پیوست.

مرقد: پاکستان، پاراچنار، پیوار.

۱. ستارگان حرم، ج ۶، ص ۸۱ – ۹۷.

اندیشه ها

- او معتقد بود، دشمنان با اقدامات تفرقه افکنانهٔ خویش، تنها منافع خود را دنبال می کنند.

- وی می گفت: برای ما تعجّب آور نیست اگر می بینیم برای ایجاد اختلاف بین مسلمانان پاکستان، مسجدی به نام مسجد فیصل در اسلام آباد ساختند و یا برای ایجاد تفرقه، دانشگاه هایی را به وجود آوردند. (۱)- یکی از مهمترین اهداف وی را، تحکیم روابط گونه بین شیعه و سنّی می توان عنوان نمود.

تلاش ها

- اقدامات وی در مبارزه با ملّی گرایی، اختلافات مذهبی و فرقه ای و نیز مبارزه با وهّابیت و تأکید بر وحدت کلمه میان اهل سنت و شیعیان. (۲)- دعوت شیعیان به وحدت: هنگامی که به علّت دسیسه های خارجیان ظلم و ستم به شیعیان منطقهٔ «سد» آغاز شد و خانه هایشان را سوزاندند، اموال و ثروتشان را به غارت بردند و صدها تن از آنان را بی گناه به قتل رساندند. علّامه عارف حسینی به متّحد نمودن شیعیان منطقه اقدام نمود. آنها هم دست از هر کار اجتماعی کشیدند. در این واقعه او به مدّت ۲۲ روز زندانی شد؛ اما موفّق گردید توطئهٔ استعمار را ناکام گذارد. (۳)- ایجاد روابطی صمیمی با علماء اهل سنت پاکستان و سایر بلاد.

- گسترش فعّالیّتهای فرهنگی خود در شهرهای سنی نشین.

۱- (۱) . ستارگان حرم، ج۶، ص۹۲. .

۲- (۲) . علمای مجاهد، ص ۱۷۵. .

۳- (۳) . همان..

– حل اختلافات و مشکلات مردم در مناطق گوناگون. (۱)– گفتگو و مذاکره در فضایی بسیار دوستانه با برادران اهل سنت در منیٰ (سال ۱۳۵۴ش).

یکی از طلاب پاکستانی در این رابطه چنین می گوید:

«در سال ۱۳۵۴ش باهم به مکّه مشرّف شدیم، در منیٰ چادر بزرگ به پا شده بود و علماءِ پاکستانیِ اهل سنّت در آنجا ساکن بودند. شهید عارف حسین حسینی، دعای عرفه را آنچنان جذّاب و توأم با قلب شکسته خواند، که حتی برادران سُنی اشک می ریختند. وقتی به مکّه آمدیم از شهید حسینی و همراهان دعوت کردند و در فضایی بسیار دوستانه، به گفتگو پرداختند». (۲)– وی با نفوذ کلام و نفَس پاکی که داشت، خیلی ها را شیفتهٔ فرهنگ اهلبیت علیهم السلام ساخت.

فرزندش می گوید:

«در پاکستان منطقه ای است به نام (چارسده و دیز) که از مناطق صددرصد سنّی نشین هستند و تعصّب عجیبی نسبت به شیعیان دارند، شهید حسینی در آنجا تبلیغات خود را شروع کرد و برای مردم آنجا کتاب می فرستاد و سخنرانی می کرد. مهمترین هدفی را که در این کار دنبال می کرد، این بود که اتّحاد بین تسنّن و تشیّع محکمتر شود. بحمد اللّه در آنجا صدها نفر علاقمند به شیعه شدند و هم اکنون افراد دیگری هم که توسط شهید حسینی؛ شیعه شدند، خود بخود فعّالیّت های مذهبی و تبلیغی دارند». (۳)

ص:۴۳۹

۱– (۱) . در این باره آقای مهدوی می گوید: «یک روز من و شهید حسینی در داخل مدرسهٔ علمیهٔ پیشاور قدم می زدیم، ایشان از من به عنوان مشاوره پرسید: آقای مهدوی! بفرمائید الآن که بنده از طرف ایران دعوت شده ام چه بکنم، مسافرت بروم یا نه؟ شأن ایشان اجلّ ازاین بود که با طلبه کوچکی مثل بنده مشورت کند. بنده در جواب عرض کردم که: آقا، ما قابلیّت این را نداریم که به جنابعالی نظر مشورت بدهیم. ایشان بازهم اصرار کردند لذا بنده مجبور شدم و عرض کردم: آقا، به نظر بنده شما مدرسهٔ علمیه را فعّال کنید و خودتان مشغول تدریس شوید و اصلاً از مدرسه خارج نشوید و فقط نماینده های خود را روانه کنید. در جواب گفتند: آقای مهدوی! شما درست فرمودی، ولی بنده مجبورم که به شهرها و روستاها بروم، چون اگر بنده نروم اختلافاتی رخ خواهد داد لذا، بنده مجبورم که اختلافات را حل کنم و بدون من اختلافات بعضی جاها حل نمی شود». .

۲– (۲) . ستارگان حرم، ج۶، ص ۸۱ – ۹۶. .

۳– (۳) . همان، ص ۹۱، مصاحبه با سیّد علی حسینی، فرزند شهید..

آیت اللّه سیّد روح اللّه خاتمی اردکانی

متوفای: ۱۳۶۷ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد روح اللّه، نام پدر: آقا سیّد محمّد رضا، ولادت: ۱۳۲۴ق، محل تولّد: ایران، یزد، اردکان.

تحصیلات: وی پس از گذراندن دوران کودکی، به مکتب خانه رفت و تا ۱۳ سالگی به آموختن مقدّمات زبان فارسی و عربی مشغول گردید. سپس به حوزهٔ علمیهٔ اصفهان رفت و نزد اساتید آن شهر به شاگردی پرداخت و سطوح عالیه و کتب فقه و اصول را گذرانید.

ایشان پس از مدّتی شرکت در دروس خارج فقه و اصول، به تدریس مشغول گردید.

اساتید، حضرات آیات: حاج میرزا علی آقا شیرازی، شیخ محمّد خراسانی، آقا سیّد محمّد نجف آبادی، آقا سیّد علی نجف آبادی، حاج آقا رحیم ارباب و... .۱

سرانجام: آیت اللّه سیّد روح اللّه خاتمی، نمایندهٔ حضرت امام رحمه الله و امام جمعهٔ یزد، در پی بیماریی، در سن ۸۴ سالگی دار فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.

مقبره: ایران، یزد، اردکان، گلزار شهدا.

۱. یادنامهٔ آیت اللّه خاتمی، محمّد تقی فاضل میبدی، ص ۲۱ – ۲۷.

- وی معتقد بود: دعوت مهم اسلام، دعوت به وحدت بین مسلمین است. طبق آیات فراوانی از قرآن، اسلام و تمام مسلمین یک بدن واحد هستند. خداوند می فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَلا تَفَرَّقُوا» (۱). اسلام دعوت می کند که همهٔ مسلمین در زیر (لوای) توحید و تمسّک به دین مقدّس اسلام، برادر و برابر و غمخوار یکدیگر باشند و خلاصه به تمام معنا وحدت بین آنها باشد.

- به نظر ایشان انقلاب اسلامی ما از آنجا که مبتنی بر اسلام است، از اوّلی که شروع شده است، سعی و کوشش بر ایجاد الفت و محبّت و یگانگی بین مسلمین داشته است؛ کما اینکه دشمنان انقلاب هم دُرست در مقابل این مسأله، سعی و کوشش کردند که به اختلافات دامن بزنند. مانند اختلاف نژادی، اختلاف زبانی، اختلاف مذهبی و... مثلاً به لُر می گویند تو ارتباط با تُرک نداری، باید جدا باشی و به تُرک این طور تلقین می کنند که تو با فارس جدایی، ملّیت تو با ملّیت فارس فرق دارد و هکذا شیعه نسبت به سنی و سنی نسبت به شیعه.

خلاصه اینکه دشمن می خواهد از هر جنبهٔ اختلاف صوری، استفاده کند تا پراکندگی و جدایی بین مسلمین ایجاد کند؛ چون می داند که تمام سعادت دنیا و آخرت مسلمانان مدیون اتّحاد و وحدت آنهاست و تمام بدبختیهای جامعهٔ اسلامی به این است که تفرّق و تشتّت و دوگانگی بین آنها موجود باشد. (۲)- آیت اللّه خاتمی عقیده داشت: بهترین نشانهٔ اسلام، همان وحدت بین مسلمین است.

اسلام همهٔ چیزهای دیگر را مُلغی کرده است. اگر انسانهایی مسلمان شدند و زبانشان مختلف است، اختلاف زبان نباید موجب دوگانگی شود. اگر از حیث منطقهٔ جغرافیایی یا سکونت مختلفند، مثلاً- یکی از اهل شرق است و یکی اهل غرب، یکی اروپایی و دیگری آسیایی، همین که مسلمان شدند، اسلام، همهٔ آنها (آسیایی، اروپایی و آفریقایی) را با یک چشم می نگرد و به مسلمانان امر می کند که همهٔ شما برادرید.

۱- (۱) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳..

۲- (۲) . یادنامهٔ آیت اللّه خاتمی، محمّد تقی فاضل میبدی، ص۸۰۳..

- ایشان می گفت: دشمن می خواست که با ایجاد اختلاف، انقلاب اسلامی ما را، که اسلام حقیقی است، از بین ببرد، ولی بحمد اللّه تعالی در نتیجهٔ بیداری ملّت ما، بیداری همهٔ قشرها، همهٔ مذاهب اسلامی و همهٔ زبانهای اسلامی، روز به روز اسباب وحدت و یگانگی بین مسلمانان، محکمتر و بیشتر می شود. (۱)تلاش ها

- گفتگو و دیدار با امام جمعهٔ سنندج و مریوان در اوّل آذر ماه ۱۳۶۱ش.

- نشست با علمای شهر سنندج و سخنرانی برای آنان.

ص:۴۴۲

۱- (۱) . همان، ص۸۰۲ - ۸۰۳.

استاد سیّد غلامرضا سعیدی

متوفای: ۱۳۶۷ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد غلامرضا، ولادت: ۱۲۷۶ش۱ محل تولّد:

ایران، بیرجند، مؤمن آباد، روستای نوزاد.

تحصیلات: او تحصیلات خویش را در زادگاه و شهر بیرجند سپری کرد و به قول خود از سال ۱۳۲۰ش یکسره تهرانی شد. پس از سالهای ۱۳۲۰ش، در صحنهٔ فرهنگ ایران به طور محسوس ظهور یافت. آثار وی در کشورهای الجزایر، افغانستان، طرفدارانی برای خود جذب نموده بود.۲

آثار قلمی: فریاد فلسطین و حریق مسجد الاقصی، کمونیسم و اخلاق، با روشنفکر مسلمان، مفخّر شرق سیّد جمال الدین اسدآبادی، اسلام به زبان ساده، و ده ها کتب ارزشمند دیگر.

سرانجام: پس از ۹۰ سال عمر پربرکت شمع وجود استاد سیّد غلامرضا سعیدی به خاموشی گرائید و در سال ۱۳۶۷ش دار فانی را وداع گفت.

۱. ستارگان حرم، ج ۴، ص ۱۵، به نقل از تقویم طبیعی یک صد و چهل ساله، حسام سرلتی.

۲. همان .

- ایشان از جمله افرادی بود که تحت تأثیر اندیشه های مصلحانهٔ سیّد جمال الدین اسدآبادی و اقبال لاهوری قرار گرفته بود.

- مرحوم سعیدی اعتقاد داشت یکی از قوی ترین موجباتی که در میان ملّتهای اسلامی جدایی به وجود آورد، نغمهٔ ناسیونالیسم یا ملّت پرستی است که از اروپا سرچشمه گرفته است.

- به عقیدهٔ وی ملّتهای متنوع اسلام دربرابر آرزوهای تازهٔ بشریّت، یعنی مفهوم «انتر ناسیونالیسم» به زنده کردن معنای بلند و رسای امّت پرداخته و رهبرانِ دل آگاهِ همهٔ ملّتهای اسلامی می کوشند تا از نو، در پناه توحید، عنوان مقدّس «اخوّت اسلامی» را زنده کنند. (۱)

۱- (۱) . ستارگان حرم، ج۴، ص۱۳ - ۱۴..

علّامه شیخ محمّد تقی قمی

متوفای: ۱۳۶۸ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد تقی، نام پدر: احمد، ولادت: ۱۲۸۹ش، محل تولّد: ایران، تهران.

تحصیلات: پس از آنکه ایّام نونهالی و کودکی محمّدتقی پایان پذیرفت مشغول درس و بحث گردید.

او تحصیلات مرسوم زمان خود را با موفقیّت پشت سر نهاد و به درجهٔ استادی رسید. ایشان بر متون دینی تسلّط داشت و با دانستن زبان عربی، انگلیسی و فرانسوی به منابع وسیعی دسترسی و بر آنها احاطه داشت.

آثار قلمی: مجلّهٔ رساله التقریب.

سرانجام: علّامهٔ مصلح، شیخ محمّد تقی قمی، پس از ۷۹ سال خدمتِ خالصانه برای وحدت امّت اسلام و تلاش برای نزدیک نمودن روابط حسنهٔ دو پیکرهٔ عظیم مسلمین یعنی شیعه و سنی، در سال ۱۳۶۸ش بر اثر حادثه ای مشکوک، روح بزرگش به ملکوت اعلی پیوست و در جوار رحمت حق آرمید.

مرقد: ایران، تهران، در کنار قبر مرحوم احمد قمی (پدرش).۱

۱. پیشینهٔ تقریب، محمّد علی آذرشب، ص۱۴.

اندیشه ها

- ایشان معتقـد بود اگر درست به ریشهٔ نام دو مذهب شیعه و سنی توجّه کنیم، تمام مسلمانان را شیعه می یابیم، زیرا همگی دوستار خاندان پیغمبرند و همگی را نیز اهل سنت می یابیم زیرا کلیهٔ مسلمانان، هر سنت و دستوری (را که) از طریق مطمئنی از پیغمبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده باشد، لازم الاجرا می دانند. بنابراین ما همگی سنی، شیعه، قرآنی و محمّدی صلی الله علیه و آله و سلم می باشیم. (۱)- در نگاه علّامه، مسلمانان همگی در اصول با یکدیگر مشترکند، زیرا حکمت خداوند بر این قرار گرفته است.

- به عقیده او تمامی مذاهب، اعم از شیعه و سنی در ایجاد فرهنگ اسلامی و رشد و نمو و تعالی آن سهیم بوده اند.

- او همواره اذعان می نمود که اگر خواهان عزّت و سربلندی گذشته باشیم، تنها یک راه پیش روی مسلمین قرار دارد و آن وحدت فرق اسلامی است.

- از منظر مرحوم شیخ محمّد تقی قمی مسلمانان در صدر اسلام با همبستگی و یکپارچگی، توانستند کاخ فرهنگ اسلامی را بنا نمایند.

تلاش ها

- سخنرانی در مجلس ویژه ای با حضور شخصیّتهای سیاسی و فرهنگی شهر مقدّس مشهد، پیرامون تقریب مذاهب اسلامی. (۲)- تقدیم نمودن فتوای تاریخی شیخ شلتوت مفتی بزرگ مصر، پیرامون جواز پیروی از مذهب شیعه (که با خط شیخ شلتوت بود)، به آستان قدس رضوی علیه السلام . (۳)- ارتباط و نامه نگاری با بزرگان شیعه: در ذیل به عنوان نمونه، نامه ای که شیخ محمّد تقی

۱- (۱) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامهٔ چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹، ص۸۱..

۲- (۲) . طلایه داران تقریب (۲)، شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت، ص ۸۴، به نقل از همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۱۸..

۳- (۳) . همان..

پیرامون وحدت و انسجام مسلمین (خصوصاً شیعه و سنّی) خطاب به حضرت امام رحمه الله نوشته اند ذکر می گردد.

بسم اللّه الرحمن الرحیم

حضرت آیت اللّه العظمی خمینی دامت برکاته

بعد از سلام و تحیّات قلبی

بیانیه های شما در مورد اخوّت مسلمانان شیعه و سنی، و اهتمام حضرت عالی به مقابله با اختلاف و نهی از تفرقه بین گروه های اسلامی و تأکید بر عدم وجود حد فواصل بین شیعه و برادران اهل تسنن، در حقیقت با مسئولیّت مرجع بزرگ اسلامی در صحنهٔ جهان اسلام متناسب است. البته تأیید اتّحاد محکم، به اذهان دعوت اصلاحی به سوی تقریب مذاهب اسلامی بر می گردد، من شخصاً از آن جایی که عمر خود را در راه این دعوت سپری کرده، و بار مسئولیّت آن را در سطح جهانی تحمّل کردم و از طرف خود و بزرگان علمای هردو گروه که با من در سراسر جهان همکاری می کنند، نهایت ارزش را برای فرمایشات با ارزش شما قائلم و تأثیرات مثبت آن را در عودت عظمت مسلمانان می ستایم.

برای حضرت عالی مزید توفیق در این راه برای تحقّق اهداف متعالی اسلام خواهانم.

محمّد تقی قمی

۱۳۵۷/۱۱/۲۸ (۱)- اقدام مهم و تاریخی در تأسیس دار التقریب بین المذاهب الاسلامی، در سال ۱۳۶۰ به همراه آقایان: شیخ محمود شلتوت، شیخ محمّد مصطفی مراغی، مصطفی عبد الرزاق و عبد المجید سلیم. (۲)به جهت اهمّیت والای این اقدام شیخ، در پایان مطالب راجع به ایشان تاریخچه و اهداف تأسیس دار التقریب را از زبان مرحوم شیخ محمّد تقی قمی بیان می نمائیم.

۱- (۱) . پیشینهٔ تقریب، محمدعلی آذرشب، ص ۲۳۰، به نقل از روزنامهٔ اطّلاعات، اول اسفند ماه ۱۳۵۷؛ رساله الاسلام، شماره ۱۳، ص۲۱۸..

۲- (۲) . طلایه داران تقریب (۲)، ص ۵۹ ..

– انتشـار مجلّـهٔ «رسـاله الاسـلام» که مطالب آن عموماً مربوط به نزدیک کردن مسـلمانان به یکـدیگر بود. (۱)– نـامه نگاری و روابطی صمیمانه با شیوخ وقت الازهر، خصوصاً شیخ محمود شلتوت.

برای پی بردن به عمق این روابط، به چند مورد ذیل که توسط شیخ شلتوت برای ایشان نگاشت گردیده است، اشاره می گردد:

شیـخ محمّـد تقی قمی، پیشوای مصلـح و برادر من، نخستین کسـی است که علما را به مسألهٔ تقریب دعوت کرد و به خاطر آن (از ایران به مصـر) هجرت نمـود. (۲) آن قـدر به او (شـیخ محمّـد تقی قمی) ایمـان دارم که در آخرت حاضـرم هرجا که او را بردند با او بروم، حال هرکس می خواهد بپسندد یا نپسندد. (۳) و در نامه ای به علّامه شیخ محمّد تقی اینگونه می نویسد:

جناب آقای علّامهٔ جلیل استاد محمّد تقی قمی

دبیر کل جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی

سلام علیکم ورحمه اللّه وبرکاته

اما بعد با نهایت مسرّت، یک نسخه از فتوای امضا شدهٔ خود را که در مورد جواز پیروی از مذهب شیعهٔ امامیّه صادر نموده ام، به پیوست حضورتان تقدیم می دارم، امیدوارم آن را در آرشیو دار التقریب بین مذاهب اسلامی که اینجانب افتخار شرکت در تأسیس آن را دارم، نگاه دارید.

خداوند ما را در پیشرفت رسالت این مؤسسه، توفیق عنایت فرماید.

والسلام علیکم ورحمه اللّه

شیخ جامع الازهر

محمود شلتوت (۴)

ص:۴۴۸

۱- (۱) . تاریخ مذهبی قم، علی اصغر فقیهی، ص۱۵۶..

۲- (۲) . همان، ص ۱۵۷، به نقل از دعوه التقریب، ص ۱۰..

۳- (۳) . طلایه داران تقریب (۲)، ص ۸۳ ، به نقل از روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۹ دی ماه ۱۳۷۹، ویژه نامه، ص۱۰..

۴- (۴) . همان، ص ۸۲به نقل از همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۴۵..

اهداف و اقدامات شجاعانهٔ علّامه شیخ محمّدتقی قمی پیرامون تأسیس«دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه»

(۱)

الف) انگیزهٔ کار

شیخ قمی، درباره انگیزهٔ خود در تأسیس (دار التقریب)، و عزیمت به کشور مصر و چگونگی آغاز کار می گوید:

«در آن زمان، شرایطی چند در جهان اسلامی دست به دست هم داده بود که باعث درگیری فرقه ای بین اهل سنت و شیعه، در شدیدترین حالت خود شد. فضا سرشار از بی اعتمادی، بحران، دشمنی و بدگمانی نسبت به هردو گروه بود. دشمنان اسلام، در ایجاد اشکال تراشی زیاد بین مذاهب موفّق شده بودند. هر دو گروه بدون این که به فکر نشستن بر روی یک میز باشند و سخن طرف مقابل را در مورد کنار گذاشتن طعنه، زخم زبان و توهین بشنوند، هم دیگر را به باد تهمت می گرفتند».

ب) اعدام سیّد یزدی

سپس حادثه ای رخ داد که تمام افراد پاک طینت را تکان داد. این حادثه هشداری به همه علاقمندان به سرنوشت امّت اسلامی بود. خبر اعدام ایرانی ای از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، به نام سیّد ابو طالب یزدی در موسم حج، در سرزمین حجاز، اعلان شد، زیرا او ارادهٔ اهانت به

۱- (۱) . دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه، مؤسسهٔ نیکو و مبارکی است که بیش از نیم قرن پیش (۱۳۶۸ق)، فعالیّت خود را در قاهره آغاز نمود و ثمرهٔ آن در طول دهها سال به بار نشست، این مؤسسه از نشانه های همکاری و تفاهم بین شرق و غرب جهان اسلام و یا به عبارت دیگر به طور اخص بین دو کشور ایران و مصر می باشد. (پیشینهٔ تقریب، پشت جلد)..

کعبه را داشت!! نگاه ها به کشور سعودی دوخته شد تا از این خبر اطّلاع حاصل کنند. گزارش تکان دهندهٔ دردناکی بود که از فضای وحشتناکی در زمینهٔ نابودی ایمان و بدگمانی و تهمت بین مسلمانان حکایت می کرد.

قضیه از این قرار بود که گویا به این مرد، در حین طواف، حالت تهوّع دست داد و می خواست از بین حجاج در حال طواف خارج شود، ولی نتوانست خود را کنترل نماید و تلاش می کرد که زمین مسجد الحرام را آلوده نکند، لذا لباسش را جمع کرد و محتویات دهان خود را در آن ریخت و سپس برای خارج شدن از مسجد عجله نمود. پلیسی او را متوقّف ساخت و از او پرسید که چه چیزی را در جامه دارد و چون آنچه را که می بایست می دید، مشاهده کرد و از توضیحاتِ فارسیِ سیّد هم چیزی را نفهمید، او را دستگیر و تسلیم دادگاه نمود و در دادگاه هم متوجه نشدند که سیّد چه می گوید، لذا افکار قاضی ها به این نتیجه منجر شد که این مرد ایرانی است و ایرانیان معمولاً ـ برای حج به بیت اللّه الحرام نمی آیند و بلکه برای حج به کربلا ـ و نجف می روند!! و فقط به خانهٔ خدا به قصد اهانت به کعبه می آیند!! و آن چه که این ایرانی با خود دارد فقط به هدف نجس کردن کعبه است!! سپس حکم اعدام را صادر کردند و گردن سیّد را زدند!!

این نمونهٔ آشکار از پیروزی توطئه استعماری در ایجاد جدایی روح، احساس و اعتقاد بین مسلمانان بود.

این واقعه، شیخ قمی و اکثر فرزندان جهان اسلام را متأثّر ساخت ولی باعث نشد که شیخ روشی منفی اتّخاذ نماید و انگیزه ای نشد تا او از اهل سنت انتقام بگیرد، بلکه موجب گردید که او انتقام از جهل و تفرقه و تمام عواملی بگیرد که به این شکل و یا به اشکال دردناک دیگر ظاهر می شوند.

او بی صبرانه در مورد این موضوع به فکر فرو رفت و تصمیم گرفت که جنبشی را آغاز نماید و موانع جدایی بین اهل سنت و شیعه را از میان بردارد و ناگزیر، این جنبش بایستی در مرکزی قرار گیرد که می توانست با تأثیر خود، تمام جهان اسلام را تحت الشّعاع قرار دهد.

هیچ مکانی برای این امر، بهتر از الازهر و قاهره نبود.

ج) سفر به لبنان

این طرح، نخست نیاز به یادگیری زبان عربی داشت، لذا شیخ قمی صرف، نحو و بلاغتِ زبان عربی را در حوزه علمیه فرا گرفت، ولی هنوز با این زبان به خوبی صحبت و گفتگو نمی کرد. او با هدف آموزش زبان عربی به لبنان رفت و در دهکده ای در لبنان اقامت گزید و با ادبا و بزرگان آن جا معاشرت نمود. به مدّت هفت یا هشت ماه، شب و روز به صحبت کردن زبان عربی سخت مشغول شد. از خاطره های او در این دهکدهٔ لبنانی این بود که مردی مسیحی در آن جا زندگی می کرد که تمام مردم دهکده او را دوست می داشتند. این مرد به محض این که به خیابان وارد می شد، مردم به دور او جمع می شدند و به او سلام می کردند و دست او را می بوسیدند. شیخ از او راز مردمی بودن او را سؤال کرد. آن مرد درحالی که به کلیسای دهکده اشاره می کرد که در کنار آن مدرسه ای بود، گفت: «دلیل آن این است» و اضافه کرد: «ما در کنار هر کلیسایی مدرسه ای را تأسیس می کنیم و فرزندان دهکده را در آنجا آموزش می دهیم و با آن ها در آنجا از نظر فکری، عاطفی و معنوی ارتباط برقرار می کنیم».

شیخ قمی می گوید: «موقعی که این سخن را از شیخ مسیحی شنیدم، به رمز تحوّل تربیت و تمدّن اسلامی در دوره های طلایی آن پی بردم»، همین موضوع موجب شد که شیخ قمی مقاله ای را تحت عنوان (باید شعار ما: مدرسه در کنار مسجد باشد)، بنویسد و در این مقاله، به اهمّیت پیوند علم و ایمان تکیه نماید تا ارمغان علم را باردار نموده و ره آورد ایمان را باور کند.

د) عزیمت به مصر

علّامه شیخ محمّد تقی قمی لبنان را ترک کرد و به سوی مصر رهسپار شد و با نخستین شخصیّتی که ارتباط برقرار نمود، شیخ محمّد مراغی بزرگ بود که در آن روزها، ریاست الازهر شریف را بر عهده داشت. شِکوه و گلایه ها را برای او تشریح کرد و تمام نگرانی ها و اندوه های دلش را نزد او بیرون ریخت و آنچه که به خاطر تفرقه و پراکندگی مسلمانان برسر آن ها آمده بود، برای او توضیح داد و نظریهٔ مراوده و شناسایی مذاهب اسلامی را برای او مطرح کرد. شیخ مراغی با پاسخ مثبت، جواب او را داد و به شیخ قمی پیشنهاد کرد که اقدامش

را با تدریس در الازهر شروع کند و فلسفه را تدریس نماید. او به تدریس مشغول شد و مدّت زمان زیادی از وقت خود را نیز در کتابخانهٔ دانشگاه گذرانید.

شیخ قمی خانهٔ محقّر و سادهٔ را برای سکونت و فعّالیّت های علمی خود اجاره کرد (که بعدها این خانه مقرّ دار التقریب در قاهره شد). او با پولی که همراه خود داشت و با پولی که از ایران فرستاده می شد، زندگی خود را با قناعت و بخور نمیر می گذرانید. ولی پولی را که در مقابل تدریس و کار دفتری بدست می آورد، بین کارمندان دانشگاه توزیع می کرد. علّامه قمی با خانوادهٔ خود در طبقه بالای این خانه، زندگی می کرد.

شیخ مراغی در پیشنهاد خود به شیخ قمی برای تدریس در الازهر کار درستی را انجام داد، زیرا فرصتی برای او ایجاد کرد تا با تعدادی از بزرگان علم و ادب و تحصیل کرده ها ارتباط برقرار کند، بزرگانی که از شخصیّت علمی، میانه روی، اخلاق و فزونی عقل، اخلاص و محبّت او به شگفت آمده بودند.

به تناسب، شیخ قمی از قامت لاغر و باوقار، صورتی درخشان، منطقی وزین و با متانت و اخلاقی کریم و دوست داشتنی برخوردار بود. این صفات از علّت های پیروزی او در دعوتش بودند. ولی در عین بی چیزی و پارسایی شیخ قمی، مداوم این دیدگاه را در بین گروه های مختلف از علما و تحصیل کرده ها ترویج می داد و در تمام مجامع و مراکز به شهرت خیره کننده ای دست یافت. ولی با وجود این، شیخ، شدیداً از تنگدستی و کمبود مالی رنج می برد.

خانواده اش در ایران به طور نسبی در آسایش بودند و در نیازمندی های مالی او را یاری می دادند. ولی شرایط به طور منظم آمادهٔ رسیدن پول به وی نمی شد. در برهه ای بحرانی از دوران تنگدستی، یکی از سفارتخانه های غربی در قاهره با او تماس گرفت و از او دعوت به عمل آورد. شیخ دعوت را پذیرفت و در آنجا اهداف و مقاصد خود را توضیح داد. سفیر، مبلغ چشم گیری پول به عنوان کمک به طرح او به ایشان پیشنهاد نمود. شیخ از این پیشنهاد ناگهان یکّه خورد. به ویژه، این پول در شرایط نیازمندی شدید برای او حاصل می شد. ولی او بعد از تأمّلی کوتاه خطاب به سفیر گفت: «در حقیقت من به پول احتیاج خیلی زیاد دارم، ولی از گرفتن هر مبلغی از این پول امتناع می ورزم تا نکنند که دربارهٔ این دعوت شبهه ای صورت گیرد». شگفت این جا است که شیخ قمی از گرفتن این مبلغ در زمانی که جیب او حتی از یک

شاهی پول هم خالی بود امتناع ورزید. خود او می گوید: «از سفارت به طرف خانه پیاده برگشتم چرا که توانایی پرداخت کرایهٔ دُرشکه را نداشتم»!

شیخ قمی کار گروهی خود را ادامه داد، و روابط گسترده ای با اساتید و علما ایجاد کرد.

جلسه ها در منزلش و یا در یکی از رواق های دانشگاه الازهر پشت سرهم برگزار می شد و در این جلسه ها مشکلات مسلمانان، مسائل و شبهه های مذهبی مطرح می گردید و گفتگوهای امیدوارکننده به گوش می رسید تا ا ین که نظریهٔ همبستگی بارور شد و به تعداد مؤمنان در این زمینه افزوده گشت.

ه) همکاری شیخ مراغی

شیخ مراغی در تمام این مدّت، تلاش خود را مبذول می نمود تا این مهم شیخ قمی را با پیروزی مواجه سازد از اقدام هایی که او انجام داد، این بود که شیخ قمی را به گروهی از علما معرّفی نمود. این افراد از تلاش های وحدت مسلمانان و رفع تفرقه بین آن ها حمایت می کردند. از جملهٔ این علما، شیخ مصطفی عبد الرزاق بود که بعدها به ریاست الازهر رسید، شیخ عبد المجید سلیم و شیخ محمود شلتوت (که هردو آنها متولی ریاست الازهر شدند)، شیخ محمّد مدنی و شیخ محمّد علی علویه پاشا از دیگر حامیان شیخ قمی به حساب می آمدند. سپس شیخ قمی جمعی دیگر را برگزید، از جمله این بزرگان شیخ حسن البنا، شیخ عبدالعزیز عیسی و شیخ علی مؤیّد از کشور یمن و سیّد آلوسی فرزند صاحب تفسیر روح المعانی بود. از این گروه بود که هستهٔ اولیهٔ جمعیّت همبستگی شکل گرفت. همین جمعیّت مؤسسه ای را بنیان نهاد که (دار التقریب) نام گرفت و خانهٔ محقّر شیخ قمی مرکز فعّالیّت آن ها شد.

و) متعصّبی در جمع گروه

علّامه شیخ محمّدتقی قمی می گوید: «از بین اعضای جمعیّت، شخصی متعصّب در مذهب و مخالف با هرگونه نظریه، نسبت به همبستگی با شیعه را انتخاب کردم. زمانی که شیخ مراغی از این موضوع اطّلاع یافت، شخصی را نزد من فرستاد و با تعجّب از من پرسید، چرا

این شخص را انتخاب کردید؟ در جواب گفتم: او را با آگاهی از تعصّب او انتخاب کردم، زیرا ما در بین خود کسی را می خواهیم که اعتراض ها را مطرح کند، در صورتی که حق و درست باشد، آن را قبول کنیم و روش فکری خود را اصلاح نماییم، ولی در صورتی که فقط و تنها شک و شبهه باشد، قبل از این که این مسأله در بین مردم جریان پیدا کند، به طور غیر مستقیم مسئول جواب دادن به آن سؤال باشیم. هنگامی که شیخ مراغی جوابم را شنید، نگرانی از صورتش برطرف شد و درحالی که خوشحالی، او را در خود غرق نموده بود، گفت: این نوع تفکّر و آزادمنشی را به تو تبریک می گویم و شما با این ویژه گی ها به طور قطع در دعوت خود موفّق خواهید شد».

اگر به مجلّهٔ «رساله الاسلام» مراجعه کنید، انعکاس عملکردِ این جمعیّت را خواهید یافت که اعضای آن از بیست نفر تجاوز نمی کرد و هم چنین فعّالیّت هایی که این جمعیّت انجام داد و اساس نامه ای که برای تأسیس آن تدوین نمود، خواهید یافت. (۱) بحمد اللّه امروزه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - که با تدبیر و عنایات مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای مدّ ظله العالی راه اندازی گردید - (۲)می توان گفت نهادی به مراتب قوی تر و فراگیرتر از دارالتقریب است که در راه نزدیک نمودن دلهای امّت اسلام در سرتاسر جهان فعالیّت می نماید.

ص:۴۵۴

۱- (۱) . پیشینهٔ تقریب، ص ۱۶۸ - ۱۷۴..

۲- (۲) . زمانی که معظم له تصمیم به تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گرفتند، عقیده داشتند که احترام به پیشینیان اقتضا می کند که با علّامه شیخ محمّدتقی قمی مشورت نمایند. مقام معظم رهبری با واسطه پیام شفاهی ای برای شیخ قمی فرستادند. شیخ بسیار خوشحال شد و با همان واسطه جواب خوب و مناسبی در تجلیل رهبر انقلاب فرستاد. پس از آن شنیده شد که این احترام و تجلیل معظم له از شیخ قمی، در وی انگیزه و نیرویی ایجاد کرده بود که باعث گردید دوباره به راه تقریب و برگشت به قاهره برای از سرگیری فعالیت های دارالتقریب تصمیم بگیرد. ولی حادثهٔ تصادف به زندگی این بزرگمرد عرصهٔ تقریب و الگوی همبستگی عصر حاضر پایان داد. (با اندکی تلخیص، همان، ص ۱۹۰)..

آیت اللّه شهید سیّد مهدی حکیم

شهادت: ۱۳۶۸ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام

نام: سیّد مهدی، نام پدر: سیّد محسن، ولادت:

۱۳۱۴ق، محل تولّد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: سیّد مهدی مقدمات خواندن و نوشتن را در یکی از مکتب خانه های علمی نجف اشرف آموخت و دروس حوزه را شامل: مقدمات، منطق، اصول، فقه، خارج اصول و فقه نزد اساتید بزرگ آن دیار فرا گرفت.

وی پس از چندی از چهره های ممتاز و پر افتخار حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف گردید.

اساتید: شیخ محمّد تقی الفقیه، سیّد محمّد و سیّد احمد حکیم، آیت اللّه العظمی خویی، شهید سیّد باقر صدر، شیخ حسین حلّی.۱

سرانجام: در شب یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۸ش در هتل هیلتون کشور سودان، سیّد مهدی مورد اصابت گلولهٔ چند عراقی مشکوک قرار گرفت و روح پاکش به ملکوت اعلی و جوار رحمت حق پیوست.

مرقد: ایران، قم، جوار مرقد شریف کریمهٔ اهل بیت علیها السلام ، مسجد بالاسر.

۱. ستارگان حرم، ج۸، ص۲۴۲ - ۲۴۳.

تلاش ها

– او همواره به دور از علائق سیاسی، مذهبی، زبانی و...، مخالفین را در قلمرو یک تشکیلات ملّی دعوت می کرد و جنبه های مشترک آنان را، معیار وفاق ملّی قرار می داد و سنّی، شیعه، کُرد، فارس و دیگر ملّیتها را یک مجموعهٔ واحد به نام تشکّل ضدّ استکباری، به حساب می آورد.

– وی در سال ۱۳۴۷ش، به درخواست مسلمانان پاکستان و ضرورت ترویج معارف اسلامی و نیز انسجام بخشیدن به نیروهای مسلمان، به پاکستان رفت تا مسلمانان آن دیار، از آبشخور فکری وی سیراب گردند. (۱)– شهید حکیم نه تنها با شیعیان روابط نزدیکی داشت، بلکه با علمایی چون «مودودی» از اهل سنّت هم تماس برقرار می کرد و با ایجاد میزگرد و سمینارهای علمی، زمینه را برای رفع سوء تفاهمات، فراهم می آورد.

– این شهید سعید در طول عمر با برکت خویش، برای دستیابی به اهداف والای خود به لبنان، عربستان، اردن، کویت، پاکستان، لندن و دُبی مسافرت نمود. (۲)

۱– (۱) . ستارگان حرم، ج۸، ص۲۴۷..

۲– (۲) . همان، ص۲۴۵ – ۲۵۰..

آیت اللّه العظمی سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی

متوفای: ۱۳۶۹ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام زین العابدین علیه السلام

نام: سیّد شهاب الدّین، نام پدر: سیّد شمس الدّین محمود، ولادت: ۱۲۷۶ش، محل تولّد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: وی اندکی پس از یادگیری خواندن و نوشتن به کسوت روحانیّت درآمد و پس از آن به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. ادبیّات عرب، فقه، اصول، حدیث، درایه، رجال، تراجم و... را نزد استادان حوزهٔ علمیهٔ نجف آموخت و سپس در درسهای خارج فقه و اصول علمای آن دیار شرکت جست. سیّد شهاب الدّین مدّتی نیز نزد علمای زیدیه و اهل سنت به فراگیری علم حدیث پرداخت و از آنان اجازهٔ نقل حدیث گرفت. تلاش شبانه روزی ایشان پس از ۲۷ سال به ثمر نشست تا اینکه توانست قلّهٔ رفیع اجتهاد را فتح نموده و از بیش از چهارصد تن از علمای شیعی، زیدی و سنی، اجازهٔ اجتهاد و روایت دریافت دارد.۱

اساتید، حضرات آیات: آقا ضیاء عراقی، شیخ احمد کاشف الغطاء، سیّد ابو الحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، شیخ عبد النّبی نوری، آقا حسین نجم آبادی، میرزا طاهر تنکابنی، میرزا مهدی آشتیانی.

شاگردان، آیات عظام و حجج اسلام: شهید غفاری، شهید مطهّری، شهید دکتر بهشتی، شهید قاضی طباطبایی، شیخ شهاب الدین اشراقی، حاج میرزا جواد آقا تهرانی، آقا موسی صدر، سیّد مرتضی عسکری، شهید مصطفی خمینی، شهید مفتح، شهید صدوقی، سیّد محمود طالقانی، شیخ مرتضی حائری، شیخ حسن نوری همدانی، قدرت اللّه وجدانی فخر، سیّد عبدالکریم موسوی اردبیلی و... .۲

آثار قلمی: آثار ایشان به ۱۴۸ کتاب، رساله و مقاله می رسد که برخی از آنان بدین شرح است: سند القرّاء والحفّاظ، مجموعه ای در ادعیه و زیارات، شرح حال ادوارد فندیک، شرح حال سیّد اعجاز حسین نیشابوری کنتوری، شرح حال حضرت سلطان علی فرزند امام باقر علیه السلام ، شرح حال مولی عبد الواسع کاشانی، شرح حال شیخ عز الدین ابن اثیر موصلی جزری، الضوء البدری فی حیاه صاحب الفخری و... .۳

سرانجام: مرجع بزرگ تقلید شیعه، در روز چهار شنبه هفتم شهریورماه ۱۳۶۹ در ۹۶ سالگی دار فانی را وداع و به اجداد پاکش پیوست و پیکر پاکش با حضور انبوه مردم عزادار تشییع گردید.

مرقد: ایران، قم، در جوار کتابخانهٔ بزرگی که خود مؤسّس آن بود.

۱. شهاب شریعت، علی رفیعی، ص۱۹.

۲. همان، ص ۲۰۱ – ۲۰۶.

۳. گلشن ابرار، ج۲، ص۹۴۲.

ص:۴۵۷

– ایشان تلاش در زمینهٔ ایجاد وحدت بین مسلمانان را همواره وظیفهٔ خویش می پنداشت و اقدامات زیادی در این راه انجام داد.

– مرحوم آیت اللّه مرعشی نجفی امیدوار بود که با مکاتباتی که با سایر فِرَق اسلامی دارد، بتواند ندای اهل بیت علیهم السلام را به گوش تمامی مسلمانان در ممالک اسلامی رسانده و اخوّت اسلامی را نیز بپا دارد. (۱)تلاش ها

– اهداء کتابهای فقهای شیعه به دانشمندان شیعه، سنی و مسیحی و دانشگاهیان جهان.

– سفر به کشورهای مختلف اسلامی و گفتگو با دانشمندان اهل سنت و فِرق دیگر.

– ملاقات با علما و دانشمندان اسلامی و مذاهب گوناگون بودایی و هندی در شهر بمبئی هند.

– ملاقات و گفتگو با: علّامه سیّد محمود شکری آلوسی بغدادی، شیخ طنطاوی جوهری مصری، انستانس کرملی بغدادی، شیخ عبد السلام شافعی کردستانی، سیّد ناصر حسین هندی، تاگور (نویسنده و فیلسوف شهیر هند)، میرزا احمد تبریزی (پیشوای فرقهٔ ذهبیه) میرزا عنایت اللّه اخباری، پروفسور هانری کربن، دکتر فؤاد سرگین آلمانی، سیّد ابراهیم رفاعی (راوی بغدادی)، رشید بیضوی لبنان، سیّد محمّد رشید رضا (نویسندهٔ تفسیر المنار) و بسیاری از اندیشمندان دیگر. (۲)- مکاتبات متعدّد با رئیس جمعیّت اخوّت اسلامی مصر، علّامه شیخ طنطاوی جوهری (صاحب تفسیر التاج المرصّع بجواهر القرآن والعلوم، معروف به تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم) از اساتید برجستهٔ جامع الازهر قاهره. در یکی از این مکاتبات علّامه طنطاوی در ربیع الاول ۱۳۵۸ق، در پاسخ ارسال نامه و کتاب «شرح صحیفهٔ سجادیه» و کتب

۱- (۱) . شهاب شریعت، ص ۲۵۶. .

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج۲، ص۹۴۴..

دیگر، که از سوی معظّم له برای ایشان فرستاده شده، به نمایندگی از جمعیّت اخوّت اسلامی قاهره چنین نوشت:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

حضرت استاد ابو المعالی شهاب الدّین الحسینی المرعشی، مشهور به نجفی، نسّابهٔ آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد

تلگرام شریف، مدّتی است عزّ وصول بخشیده است. شما در این تلگرام یادآور شده اید آیا کتاب «ریاض السالکین» شما در «شرح صحیفهٔ امام زین العابدین علیه السلام »، که توسط علّامه سیّد علی بن معصوم، صاحب کتاب «سلافه العصر» که در نوع خود بی نظیر و یگانه است، به دست ما رسیده است یا خیر؟ به عرض آن جناب می رسانم که آن کتاب ارزشمند و نفیس به من رسیده است و آن را توسط سیّد محسن اعظمی به حضور جمعیّت اخوّت اسلامی تسلیم نموده ام و در کتابخانهٔ آن جمعیّت قرار گرفته است. زیرا اگر در آن کتابخانه باشد نفع آن عمومی و پر دوام و ماندگار است. این جمعیّت، خوشوقت خواهند بود اگر لطف نمایید و کتابهای دیگری از این نمونه که در کشور شما موجود است و می تواند به نوعی در ایجاد تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی نقش مؤثّری ایفا کند، به آدرس این جمعیّت ارسال فرمایید. در پایان بهترین تحیّات و درودهای مرا بپذیرید.

مخلص شما طنطاوی جوهری

رئیس هیئت جلسات تحریریه

اهداف مرحوم آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی را از این مکاتبات، در دو مورد می توان خلاصه نمود:

اوّل، اعلام کلمهٔ اهل بیت علیهم السلام و رساندن ندای آنان به گوش تمامی مسلمانان در ممالک اسلامی؛ دوم، ایجاد وحدت و اخوّت اسلامی. (۱)

۱- (۱) . شهاب شریعت، ص ۲۵۵ - ۲۵۶..

آیت اللّه حاج شیخ قربانعلی توسلی نجفی

متوفای: ۱۳۷۰ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: قربان علی، ولادت: ۱۲۹۵ش، محل تولّد: ایران، خراسان، حومهٔ میانجام.

تحصیلات: وی دروس ابتدایی را در زادگاه آموخت، سپس به مشهد آمد. ادبیات و سطوح را نزد اساتید آن شهر فرا گرفت و تحصیلات جدید را تا سطح دیپلم ادامه داد. در ۱۳۱۴ش به نجف رفت و دروس مکاسب، کفایه، رسائل، و نیز یک دوره خارج اصول و فقه را نزد بزرگان، تلمّذ نمود. شیخ قربانعلی مدّتی بعد موفّق به أخذ درجهٔ اجتهاد نائل آمد و پس از ۱۵ سال به خراسان بازگشت.

اساتید، حضرات آیات: خویی، میرزا باقر زنجانی، سیّدابوالقاسم رشتی، شیخ موسی خوانساری، آقا ضیاء الدین عراقی، سیّد ابو الحسن اصفهانی.

آثار قلمی: ازآثار قلمی ایشان می توان به تقریرات درسهای اساتید خود و کتابی در موضوع ولایت، اشاره نمود.۱

سرانجام: آیت اللّه توسلی نجفی پس از عمری تلاش و کوشش در راه اسلام در تیرماه ۱۳۷۰ش دیده از جهان مادیّت فرو بست و به لقاءاللّه پیوست.

مرقد: ایران، مشهد مقدّس، بازار کفاشهای حرم مطهّر امام رضا علیه السلام .

۱. مشاهیر مدفون در حرم رضوی علیه السلام ، ج ۱، ص ۱۰۱ - ۱۰۲.

تلاش ها : - ایشان پس از گذاردن دوران تحصیل خود در نجف اشرف به ایران آمد و به توصیهٔ حضرت آیت اللّه العظمی بروجردی به تربت جام رفت.

- وی در زمینهٔ اتّحاد اسلامی فعّالیّت نمود و از همان ابتداءِ سفر به آن شهر، کوشید تا میان اهل تشیع و برادران سنی وفاق بوجود آورد. (۱)

۱- (۱) . مشاهیر مدفون در حرم رضوی علیه السلام ، ج۱، ص۱۰۲..

حجّه الاسلام والمسلمین شهید سیّد عبّاس موسوی لبنانی

شهادت: ۱۳۷۰ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد عباس، ولادت: ۱۳۳۱ش، محل تولّد: لبنان، بعلبک، شهر بنی شیث علیه السلام .

تحصیلات: وی از بدو کودکی با رشد و رویش زودرسش، منحصر به فرد گردید و پس از مدّتی مشغول تحصیل علوم دینی گردید. سیّد عباس نقطهٔ عطف خویش در گرایش به علوم حوزوی را ملاقات با امام موسی صدر می دانست. حدود یک سال و اندی در مرکز مطالعات اسلامی شهر صور به تحصیل پرداخت و سپس عازم دیار علوم، نجف اشرف گردید. سیّد عباس توانست در مدت پنج سال تمام دوره های مقدمات و سطح متداول در حوزهٔ علمیه را سپری نماید. او در کنار دروس حوزوی به فراگیری زبانهای خارجی روی آورد. چندی بعد سیّد عباس در درسهای عالی و خارج حوزهٔ علمیه در محضر استادان بزرگ نجف اشرف تلمّذ نمود، وی ۹ سال بعد به لبنان بازگشت و حوزهٔ علمیهٔ امام منتظرعجل اللّه تعالی فرجه الشریف را تأسیس نمود.

اساتید: حضرات آیات: عبد المجید حکیم، سیّد محمد باقر صدر، سیّد ابوالقاسم خویی.۱

سرانجام: رهبر جنبش حزب اللّه لبنان، در ۲۷ بهمن ماه ۱۳۷۰ پس از سخنرانی در مجلس یادبود شهادت شیخ راغب حرب، در حالی که همسر و فرزندش را به همراه داشت در حین بازگشت و در دوراهی تفاحتا - جبل مورد اصابت موشکهای هدایت شوندهٔ الکترونیکی صهیونیستی قرار گرفته و به فیض شهادت نائل آمد.۲

مرقد: لبنان، بعلبک، شهر بنی شیث علیه السلام .

۱. گلشن ابرار، ج ۵، ص ۴۹۲ - ۴۹۴.

۲. همان، ص ۵۱۱، به نقل از مجلّهٔ شاهد، شمارهٔ ۲۶۱، بهمن ماه ۱۳۷۵، ص ۶.

- وی می گفت: طرح وحدت میان مسلمانان جهان و اهتمام به مسائل مسلمانان که از سوی امام خمینی رحمه الله و جمهوری اسلامی ایران عنوان گردیده، مهمترین عنصر قدرت برای جهان اسلام بوده و ایران اسلامی تنها جایگزین حقیقی نظامهای پوسیدهٔ شرق و غرب به حساب می آید. (۱)- سیّد عباس در خصوص نقش تفرقه افکنانهٔ اسرائیل می گوید: اسرائیل از خلال تسلّطش بر فلسطین، در نقطهٔ محوری منطقهٔ عربی قرار گرفت؛ درست منطقه ای که آسیا و آفریقا را به هم متّصل می کند و بدین دلیل در این ناحیه ریشه دواند، تا جهان اسلام را از یکدیگر جدا سازد. (۲)تلاش ها

- تأسیس حوزهٔ علمیهٔ امام منتظر عجل اللّه تعالی فرجه الشریف در شهر بعلبک (۱۳۵۷ش). (۳)- ملاقات و گفتگو با حضرت امام خمینی رحمه الله (۱۳۶۱ش).

- دیدار و مذاکره با مسئولان جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ش).

- تشکیل و پایه ریزی جنبش حزب اللّه لبنان (۱۴۰۴ق).

- افشاگری ها و هشدارها در جهت رویارویی با توطئهٔ آمریکا در به رسمیّت شناختن اسرائیل به عنوان دولت عادی میان سایر کشورهای اسلامی. (۴)- همدردی با مسلمانان جهان:

سیّد عبّاس از چنان سعهٔ صدری برخوردار بود که امّت اسلامی را در قلب خود جای می داد و دارای چنان قلبی بود که گنجایش همهٔ مسائل و مشکلات جهان اسلام را داشت.

زمانی که او در نجف تحصیل می کرد برای چاره اندیشی قضایای جهان اسلام به پا خاست و انجمن هفتگی تشکیل داد که در آن با برخی از برادرانش اجتماع می کرد و اوضاع و مسائل امّت مسلمان، از جنوب آفریقا تا دورترین نواحی شرقی آسیا را مطالعه می نمود. در زندگی

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۵، ص ۵۰۲، به نقل از امام و انقلاب در آئینهٔ اندیشهٔ جهان، ج ۲، ص ۱۰۰..

۲- (۲) . همان، ص ۵۰۷ ..

۳- (۳) . همان، ص۴۹۴..

۴- (۴) . همان، ص ۵۰۷، به نقل از روزنامهٔ العهد، شمارهٔ ۳۰۶ و ۳۰۸..

پربارش با تمامی مسلمانان در چهارسوی جهان ارتباط داشت و از آنان در منزلش استقبال می نمود و با آغوش باز آنها را می پذیرفت. گاه نیز در سنگرها و موقعیّتهای مبارزاتی به دیدار آنان می شتافت و در رفع کاستی ها و مشکلات شان اهتمام می ورزید. سیّد عباس اصرار داشت که در قلب مسایل مسلمانان قرار گیرد و در این راه از تمامی امکانات فکری، قلبی، تأیید زبانی، حمایت مالی، اقدامات عملی و پیشگامی در جهاد دریغ نمی کرد. (۱)- ارتباط با جهان اسلام:

وی در کنفرانس های سیاسی، فکری و فرهنگی در تهران، اسلام آباد، دمشق و آلمان حضور بهم رسانید و نیز در تمامی اجتماعات و گردهماییهایی که در خصوص مسئلۀ فلسطین، کشمیر یا همبستگی با مسلمانان مبارز در الجزایر، تونس، مصر و عراق یا دیگر نقاط منعقد می گردید حضوری مداوم و فعّال داشت. از طریق فعّالیّتهای اسلامی خود به شبکۀ ارتباطات مهم و بزرگی پیوست و با برجسته ترین رهبران کشورهای اسلامی و جنبش های مسلمانان در جهان اسلام و یا کسانی که برای او احترام بسیاری قائل بودند مراوده و ارتباط برقرار نمود.

- دیدار و گفتگو با رهبر شیعیان پاکستان:

در سال ۱۳۶۷ش از جناب شهید علّامه سیّد عارف حسینی (رهبر شیعیان پاکستان) استقبال نمود و او را در بازدیدی که از برخی روستاهای در حال نبرد در بقاع غربی و بسیاری از محورهای مقابله با دشمن صهیونیستی بودند؛ همراهی کرد. یک هفته قبل از شهادتش در مرکز دبیر کلّی حزب اللّه یکی از سرشناس ترین عالمان آفریقا را به حضور پذیرفت و مذاکرات مفصّل و جامعی در مورد مشکلات و آلام قارۀ سیاه، بین آن دو ردّ و بدل گردید و سیّد عبّاس وی را به برانگیختن عوامل خفته در امّت اسلامی و شکوفا نمودن آنان در جهت صحیح فراخواند و شیخ آفریقایی را با این گفته وداع گفت: «به درستی که راه اسلام با محرومیت و کم بضاعتی مالی توأم و کسی نباید توقع داشته باشد که در این مسیر راحت و آسوده زندگی کند. امام خمینی رحمه الله نیز با همکاری پابرهنگان و مستضعفان صالح موفّق گردید استکبار جهانی را از پای درآورد». (۲)

ص:۴۶۳

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۵، ص ۵۰۸..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج ۵، ص ۵۰۹، به نقل از شهادت رهبر میلاد امّت، ص۶۶ - ۶۷..

- شرکت در کنفرانس بین المللی کشمیر:

در سال ۱۳۷۰ش سیّد شهید در رأس هیأتی از حزب اللّه جهت شرکت در اوّلین کنفرانس بین المللی کشمیر - که بنا به دعوتی که نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان از وی به عمل آورده بود - رهسپار اسلام آباد گردید. در آنجا اداره کنندگان کنفرانس، استقبال و پذیرایی مفصّلی از وی و همراهان وی به عمل آوردند و شخصیّتهای سیاسی و رسمی حاضر در این جلسه، سیّد عبّاس را مورد تکریم و احترام وافری قرار دادند. در آن کنفرانس سخنان این عالم مبارز تأثیر قابل توجّهی بر جای نهاد و به آن اعتبار بخشید. سیّد عبّاس در این محفل به ریشهٔ معضلات و مسائل مسلمانان اشاره کرده و افزود:

«مشکلات اساسی که تمامی مسلمانان جهان از آن رنج می برند، عدم حقّ تعیین سرنوشت و قدرت تصمیم گیری است که باید در دست آنان باشد. (۱)

در نگاه دیگران

مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای مدظله العالی: خون پاک این مرد بزرگوار و خانواده اش که مظلومانه و بی هیچ گناهی بر زمین ریخته شد، همانا موجب جدّیت بیشتر و پایداری هرچه افزون تر مقاومت بر حق ملّت لبنان و فلسطین بر ضدّ رژیم صهیونیستی خواهد گردید. (۲)دبیر کل حزب اللّه لبنان سیّد حسن نصر اللّه: (سیّد عباس) فروتنی بی تکلّف، دوستدار فقیران، مأنوس با محرومان، شیفتهٔ مجاهدان و عاشق شهیدان بود. (۳)دبیر کل حرکت جهاد اسلامی فلسطین دکتر فتحی شقاقی: او همانا یک قهرمان نادر در دوره ای استثنایی است. او اندوه فلسطین، کودکان، فقرا و نیز غم وحدت، جهاد و تلاش را همواره بر دوش داشت. (۴)

۱- (۱) . همان، به نقل از روزنامهٔ العهد، شمارهٔ ۳۰۲..

۲- (۲) . فرازی از پیام معظم له به مناسبت شهادت حجّه الاسلام والمسلمین شهید سیّد عبّاس موسوی..

۳- (۳) . گلشن ابرار، ج ۵، ص ۴۹۷، به نقل از شهادت رهبر میلاد امّت، ص ۱۳..

۴- (۴) . همان، ص ۵۰۶ - ۵۰۷، به نقل از نشریهٔ المجاهد، شمارهٔ ۱۲۹، ۱۹۹۲/۲/۲۱م..

آیت اللّه العظمی سیّد ابوالقاسم خویی

متوفای: ۱۴۱۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّدابوالقاسم، نام پدر: حاج سیّد علی اکبر، ولادت: نیمهٔ ماه رجب ۱۳۱۷ق، محل تولّد: ایران، خوی.

تحصیلات: سیّدابوالقاسم دوران کودکی را در دامان پر مهر و محبّت پدر و مادر پشت سرگذاشت. او علوم مقدّماتی را تا ۱۳ سالگی در زادگاه خویش سپری نمود.

در ۱۳۳۰ق به همراه پدر به نجف کوچ کرد تا اینکه در مدّت کوتاهی توانست ادبیات عرب، منطق، لمعتین، رسائل، مکاسب و کفایه را فرا گرفته و در دروس خارج شرکت نماید. این فقیه وارسته توانست در اثر تلاش های شبانه روزی خویش، در سال ۱۳۵۲ق از چند تن از مراجع تقلید آن زمان از جمله آیات عظام:

نائینی، کمپانی، عراقی، بلاغی، میرزا علی شیرازی و سیّد ابو الحسن اصفهانی اجازهٔ اجتهاد بگیرد.۱

اساتید، حضرات آیات: شیخ الشریعه اصفهانی، شیخ مهدی مازندرانی، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمّد حسین اصفهانی، شیخ محمّد حسین نائینی.۲

شاگردان: ایشان در طول عمر شریف خود توانست با تحمّل زحمات طاقت فرسا، صدها مجتهد تربیت نماید که به برخی از آنان اشاره می گردد: آیات عظام: میرزا جواد تبریزی، محمّد تقی بهجت، سیّد علی خامنه ای، شیخ کاظم تبریزی، سیّد علی سیستانی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، آقا موسی شبیری زنجانی، امام موسی صدر، سیّد محمّد حسین فضل اللّه، ناصر مکارم شیرازی، سیّد رضا خلخالی، محمّد تقی جعفری، محمّد جواد مغنیه، محمّد علی قاضی طباطبایی و... ، دانشمند فرزانه سیّد جعفر شهیدی.۳

آثار قلمی: البیان فی تفسیر القرآن، رساله در خلافت، رساله در لباس مشکوک، منتخب الرسائل، منیه المسائل، المسائل والردود، اضائه القلوب بتحقیق المغرب والغروب، فقه القرآن علی المذاهب الخمس، قاعده التجاوز، تعارض الاستصحابین، تقریرات درس اصول مرحوم محقّق اصفهانی و... .۴

سرانجام: این عالم روزگار در ۹۴ سالگی، هشتم صفر ۱۴۱۳ق از دار فانی به سرای باقی شتافت و شیعیان را در غم فقدان خویش فرو نشاند.

مقبره: عراق، نجف اشرف، مسجد خضراء.

۱. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۴۲۹، به نقل از یادنامهٔ آیت اللّه العظمی خویی، ص ۶۵.

۲. همان، ص ۴۲۸.

۳. همان، ص ۴۳۲.

۴. همان، ص ۴۳۲، به نقل از معجم رجال الحدیث، ج۲۳، ص۲۴؛ یادنامهٔ آیت اللّٰه العظمی خویی،ص۷۸.

ص:۴۶۵

- ایشان علاوه بر تـدریس علوم اسـلامی، در فنّ مناظره با مخالفان و دانشـمندان سایر ادیان نیز خُبره بود. وی در مناظره، شـیوهٔ سقراط را در پیش می گرفت، یعنی ابتـدا تظـاهر به قبول گفتـار طرف مقابـل می نمود، آن گاه ماننـد یک شاگرد که در مقام دانش طلبی و اسـتفاده از اسـتاد دانشـمند خود است، اشـکالات و مطالبی را به عنوان سؤالات علمی با مهارت خاصی پیش می کشید. (۱)- برخی از منـاظرات آیت اللّه خویی در کتـاب البیـان نقل شـده است، از جمله مناظره با دانشـمندی یهودی، دربارهٔ جـاودانگی قرآن و گفتگو بـا عـالم سـنی حجـاز دربارهٔ سـجده کردن بر خاک. گفتگوی مرحوم آیت اللّه خویی با عالم سـنی حجاز، با حضور شخصیّتهای گوناگون اسلامی، ۱۰ شب در مسـجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم به طول انجامید و سرانجام طرف منـاظره تمام گفته های ایشان را پـذیرفت. (۲)در اثر همین گفتگوها، عدّه ای از برجسـتگان اهل سـنت مانند دکتر سـیّد محمّـد تیجانی سـماوی و نیز اسـتادِ مالکی مـذهبِ دانشـگاه زیتونیّـهٔ تونس، به مـذهب مقـدّس تشیع گرویدند. (۳)- از جمله اقدامات دیگر ایشان را ساخت مسـجد و مرکز اسـلامی در لوس آنجلس، مسـجد و مرکز اسلامی در دیترویت، المجمع الثقافی الخیری در بمبئی (که یکی از بزرگترین مؤسّـسات فرهنگی جهان اسـلام می باشد)، مرکز اسـلامی در فرانسه، مدرسهٔ دینی در شهر داکا - بنگلادش، و مرکز الامام الخویی در لندن (که در شمال غربی لندن قرار دارد و قبلاً کلیسا بوده است)، می توان نام برد. (۴)

ص:۴۶۶

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۳، ص ۴۳۰، به نقل از ترجمهٔ البیان، ص ۱۲..

۲- (۲) . همان..

۳- (۳) . مشـروح این گفتگو را دکتر تیجـانی در کتاب «ثمّ اهتـدیت» نقل نموده است ولی در یکی از ترجمه های فارسـی این کتاب، متأسفانه نام این مرجع بزرگوار نیامده است..

۴- (۴) . گلشن ابرار، ج۳، ص۴۳۷..

آیت اللّه سیّد محمّدتقی حکیم1

متوفای: ۱۴۲۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد محمّد تقی، نام پدر: سیّد سعید، ولادت:

۱۳۴۲ق، محل تولّد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: وی تحصیلات ابتدایی را تحت اشراف پدر بزرگوارش گذرانید. سپس با دروس علوم عربی، شامل: منطق، بلاغت، اصول فقه، فلسفه و تاریخ آشنا گردید. سیّد محمدتقی چندی بعد در دروس خارج فقه بزرگان و مجتهدان وقت حاضر شد. آیت اللّه حکیم طی سالیانی چند به تدریس سطوح عالی فقه و اصول برای طلاب حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف پرداخت. از ویژگیهای علمی ایشان را تدریس علم اصول فقه مقارن برای طلاب می توان عنوان نمود که در آن آراء ائمهٔ مذاهب اربعه را متذکر می شد.

اساتید: حضرات آیات: سیّد سعید حکیم (پدر)، سیّد محمدحسین حکیم (برادر)، شیخ نورالدین جزائری، محمّدرضا مظفّر، سیّد ابوالقاسم خویی، شیخ حسین حلّی، سیّد محسن حکیم و... .

آثار قلمی: مالك اشتر، الاصول العامه لفقه المقارن، فکره التقریب بین المذاهب، تاریخ التشریع الاسلامی و... .

سرانجام: آیت اللّه سیّد محمدتقی حکیم پس از سپری شدن ۸۱ بهار از عمر شریفش، در صبحدم شانزدهم ماه صفر ۱۴۲۳ق، با اندیشه ای مالامال از وحدت و تقریب بین برادران شیعه و سنّی، به وصال معبود شتافت.

۱. کلیهٔ مطالب این بخش با اندکی تلخیص از پایگاه اطّلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۸۶ تهیه گردید.

اندیشه ها

- وی با تأکید بر أخذ به سنت اهل بیت علیهم السلام ، نه تنها آن را مانع وحدت ندانسته، بلکه آن را بر اساس آیات قرآن، مانند آیهٔ تطهیر و روایات نبوی صلی الله علیه و آله مانند روایت ثقلین که به تواتر در مصادر روایی فریقین آمده، از عوامل وحدت و در راستای سنت نبوی دانسته است.

- ایشان بر استدلال به قرآن کریم از سوی امّت اسلامی تأکید نموده و می گفت: مذهب امامیه همانند سایر مذاهب بر این اصل تأکید کرده و اصولاً هر روایتی را که با قرآن کریم معارض باشد طرد می کند.

- آیت اللّه حکیم می گفت: روایات ضعیف و شاذی که در کتابهای فریقین نسبت به تحریف قرآن وجود دارد ضمن ناسازگاری با آیهٔ شریفه «إِنّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنّا لَهُ لَحافِظُونَ» (۱)، با روایات دیگری که دلالت بر عدم تحریف قرآن دارد، هم معارض است و علمای مذاهب (از جمله عالمان شیعی در طول تاریخ اسلام) به همین قرآن موجود استناد و استدلال می کردند.

پس می توان از این زاویه به تقریب مذاهب پرداخت و با زدودن شبههٔ تحریف و متّهم نکردن یکدیگر به آن، گامی مؤثر در راه وحدت مسلمین برداشت.

تلاش ها

- تدریس علم اصول فقه مقارن و ذکر آراء ائمهٔ مذاهب اربعه در درس خارج خویش.

- تأسیس جمعیّت منتدی النشر به همراه عدّه ای از بزرگان، که بیش از یک قرن به فعّالیّت پرداخت.

- عضویّت در چند مجمع علمی در کشورهای مصر، سوریه و اردن.

- تجلیل و پژوهش دربارهٔ عوامل اختلاف فقهی که آیا در تبیین صغریات اموری همانند حجّیت ظهور قرآن و سنت یا حجّیت قیاس نقش دارد یا اینکه اختلاف در نتایج بحث و به عبارت دیگر اصول فقه است، یکی دیگر از اقدامات وحدت بخش آیت اللّه حکیم بود.

۱- (۱) . سوره حجر، آیه ۹..

آیت اللّه العظمی سیّد محمّد رضا گلپایگانی

متوفای: ۱۳۷۲ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد محمّد رضا، نام پدر: آقا سیّد محمّد باقر (معروف به امام)، ولادت: ۱۳۱۶ق، محل تولّد: ایران، گلپایگان، گوکد.۱

تحصیلات: وی مقدمات علوم را نزد پدر بزرگوارش خواند و به پیشنهاد او، کتاب حیاه القلوب علّامهٔ مجلسی و نیز نصاب الصبیان را در مکتب پیش استاد فرا گرفت. وی چندی بعد به قصد ادامهٔ تحصیل به گلپایگان رفت و چند سالی را در آنجا گذراند، در همین اثنا سفری هم به خوانسار و حوزهٔ علمیهٔ آنجا داشت.

سیّد محمّد رضا پس از به پایان رسانیدن دورهٔ سطح به اراک رفت و تا سال ۱۳۴۰ق یعنی به مدّت ۴ سال، از محضر آیت اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری استفاده کرد. چندی بعد با عزیمت آیت اللّه حائری و چند تن از علمای دیگر به سمت شهر قم، سیّد محمّد رضا نیز عازم آنجا گشت و به تحصیل در محضر استاد خویش در قم ادامه داده و سرانجام در ۱۳۵۵ق قلهٔ رفیع فقاهت را فتح نموده و در ۲۴ سالگی به درجهٔ اجتهاد رسید.۲

اساتید، حضرات آیات: سیّد محمّد حسن خوانساری، آخوند ملّا محمّد تقی گوگدی گلپایگانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری، میرزا محمّد باقر گلپایگانی، شیخ محمّد رضا اصفهانی نجفی، میرزای نائینی، شیخ محمّد حسین اصفهانی، حاج آقا حسین بروجردی، محقّق عراقی، آقا سیّد ابو الحسن اصفهانی.

شاگردان، آیات عظام: صافی گلپایگانی، علی پناه اشتهاردی، سبحانی، مکارم شیرازی، علوی گرگانی، حرم پناهی، شهید مطهّری، شهید بهشتی، شهید مدنی، شهید قاضی طباطبایی، شهید مفتّح، عبد الرحیم شیرازی، مشکینی، جنتی، مقتدایی، احمدی میانجی، و بسیاری دیگر از علما و فقهای معاصر.۳

آثار قلمی: از ایشان ده ها کتاب و رسالهٔ علمی به جای مانده که به بخشی از آنان اشاره می گردد: تعلیقات علی العروه الوثقی، تعلیقات وسیله النجاه، منتخب الاحکام، مختصر الاحکام، توضیح المسائل، مجمع المسائل، الاجتهاد والتقلید، و... .

سرانجام: در شامگاه روز پنج شنبه ۱۸ آذر ماه ۱۳۷۲ش، آن تک سوار عرصهٔ اخلاص و صاحب نفس مطمئنه، ندای ارجعی الی ربک را لبیک گفت و سوار بر کشتی حسینی شد و به اوج ملکوت پرکشید و از بسیط خاک به ملکوت پاک پیوست.

مقبره: ایران، قم، مسجد بالا سر حضرت معصومه علیها السلام در کنار قبر استاد خویش.

۱. نوری از ملکوت، مهدی لطفی، ص۱۸.

۲. همان، ص۲۳ – ۲۵.

۳. گلشن ابرار، ج۲، ص۹۴۶ - ۹۴۷.

ص:۴۶۹

- توصیهٔ ایشان به همهٔ قشرهای مردم این بود که: کوشش کنید... در جماعتها و مجالس دعا شرکت کنید و شوکت و وحدت اسلامی را نشان دهید.

- مرحوم آیت اللّه گلپایگانی می گفت: همه در حفظ نظم و انضباطِ وحدت اسلامی و جلوگیری از موجبات نزاع و اختلاف بکوشید و اصلاح ذات البین را ترک ننمائید. (۱)- معظم له معتقد بود که نباید گذاشت که فعّالیّت تفرقه اندازان و سم پاشان در مساجد و در مجالس اسلامی وارد شود.

- ایشان همواره به مردم آگاهی می دادند که «گروههایی که در هر کجا و به گونه ای مشغول تفرقه افکنی و سم پاشی شده اند، در مساجد و مجالس دینی و به اسم غمخواری از اسلام فعّالیّت دارند... اینها با وسائل و حرفهای زیادی از جانب دشمنان اسلام مجهّز شده اند. (۲)- او در وصیت نامهٔ خویش به مسئولین نظام جمهوری اسلامی این گونه توصیه کرد که: بر مسئولین محترم لازم است که از خط مستقیم اسلام منحرف نشوند و... دور از هر اختلاف با اتّحاد از این عطیهٔ الهی پاسداری نمایند. (۳)- آیت اللّه گلپایگانی عقیده داشت: در مملکت اگر اتّفاق کلمه نباشد و اختلاف حاکم باشد به هیچ جا نخواهیم رسید، باید بنای اجتماع یک وحدت مشترک باشد. (۴)تلاش ها

- ایشان در سفری که در سال ۱۳۸۵ق به مکّهٔ مکرّمه داشت، با علم و کیاست خویش، موجب ترویج آئین مقدّس جعفری علیه السلام شد و توانست اتّهامات زیادی را که به شیعه نسبت می دادند، برطرف سازد، و حقیقت را یک بار دیگر به گوش جهانیان برساند و موجبات

۱- (۱) . بخشی از پیام حضرت آیت اللّه العظمی گلپایگانی به مناسبت ماه مبارک رمضان..

۲- (۲) . همان..

۳- (۳) . وصیت نامهٔ معظّم له، بند سوم..

۴- (۴) . سخنرانی معظّم له دربارهٔ خطر گروههای منحرف، ۹ اسفندماه ۱۳۵۹ش..

تقریب بین مسلمین را فراهم سازد. در این سفر با مذاکراتی که ایشان با امیر مدینه داشت توانست برخی از آن نسبتهای ناروایی که برخی قلم بدستان مزدور بر شیعه روا داشته بودند از دامن پاک شیعه بزداید و اثبات کند که شیعیان در تمام اصول و فروع تابع پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می باشند. بنا به همین مذاکرات، عمّال سعودی در این سفر و سفرهای بعدی با ملایمت با شیعیان برخورد می کردند و همچون سابق نبود که شیعیان را به جرم بوسیدن ضریح مطهّر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، زیر ضرب و شتم گیرند و شیعه ای را که در توحید، خطبه های توحیدی نهج البلاغه و تعالیم امام صادق و امام باقر علیهما السلام را دارند تکفیر کنند.

یکی از نویسندگان معاصر که یک سال بعد از تشرّف آیت اللّه العظمی گلپایگانی به حج مشرّف شده بود در سفرنامۀ خود راجع به این موضوع می نویسد: «به طوری که به تواتر شنیده شده، تا سال گذشته کسی قدرت نزدیک شدن به شبکه های ضریح را نداشت و اگر کسی نزدیک می شد، شُرطه ها او را با شلّاق و چوب می زدند. اما در این سال که حضرت آیت اللّه گلپایگانی به حج مشرّف شد با مذاکراتی که (با امیر مدینه که از برادران ملک است) داشت، رفع سوء تفاهم در مورد بوسیدن شبکه ها از ایشان نمود. و با احترامی که امیر برای معظّم له قائل بود دستور داد از سختگیریهای سابق خودداری شود. (۱)در جای دیگر می خوانیم: معظّم له در سال ۱۳۸۵ق مطابق با ۱۳۴۴ش به مکّه مشرّف شدند و بحمد اللّه در این مسافرت با جدّیت و طرز رفتار و مذاکرات ایشان، مقدار زیادی در زمینۀ تقریب بین مسلمین، پیشرفت شد و در انجام این آرزوی بزرگ، پیوسته کوشش نموده و می نمایند. (۲)- علاوه بر این، همه ساله حجّه الاسلام والمسلمین شهید آقا سیّد مهدی، آقا زادۀ معظم له به همراه چند تن از علماء، بعنوان بعثۀ دینی از طرف مرحوم حضرت آیت اللّه العظمی گلپایگانی عازم حج می گردیدند و در آنجا به تصدیق عموم کسانی که از نزدیک مشاهده می کردند، خدمات مادّی و معنوی بسیاری به حجاج ایرانی و شیعه و سنی انجام می دادند و

۱- (۱) . نوری از ملکوت، مهدی لطفی، ص ۸۹، به نقل از حج آن طور که من رفتم، ص۴۴..

۲- (۲) . همان، ص ۸۹ - ۹۰، به نقل از گنجینۀ دانشمندان، ج ۲، ص ۳۶..

آنان را به مسائل آشنا می نمودند. مهمتر از همه تماسهایی بود که با سران و علمای کشورهای مختلف اسلامی داشتند که از نظر معرّفی مذهب شیعه و اتّحاد و اتّفاق اسلامی، بسیار مؤثّر بود و گامهای وسیعی به سوی حُسن تفاهم بیشتر و ایجاد همکاری های لازم برمی داشتند. (۱)- از دیگر اقدامات ایشان در راه وحدت و انسجام، ارسال پیامهای گوناگون در مناسبتهای مختلف بود که به مورد زیر می توان اشاره نمود:

«ملّت مسلمان و رزمنده، این حوادث هرچه تکرار شود، مسئولیّت فرد فرد را بیشتر می نماید و شما را در دفاع از حریم اسلام و حیثیّات کشور، بیش مکلّف می سازد. در این موقعیّت حساس به حول و قوهٔ الهی، انسجام و وحدت و استقامت و ثبات شما را در برابر دشمنان اسلام و توطئه گران و تأیید قاطع شما از رهنمودهای حضرت آیت اللّه آقای خمینی دامت برکاته مانند گذشته، کشور را ان شاءاللّه از عواقب این دسایس خانمان سوز نجات خواهد داد». (۲)

۱- (۱) . شهدای روحانیّت شیعه در یکصد سالهٔ اخیر، ج۱، ص۲۹۵..
۲- (۲) . بخشی از پیام معظّم له به مناسبت حادثهٔ هفتم تیر..

حجّه الاسلام والمسلمین

حاج سیّد احمد خمینی

متوفای: ۱۳۷۳ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد احمد، نام پدر: آقا سیّد روح اللّه، ولادت:

۱۳۲۴ش، محل تولّد: ایران، قم.۱

تحصیلات: او پس از دوران کودکی، نخستین تجربهٔ اجتماعی خویش را در دوران تحصیلات ابتدایی فرا گرفت، پس از دورهٔ ابتدایی، تحصیل در علوم جدیده را برگزید تا اینکه پس از چند سال در رشتهٔ طبیعی از دبیرستان حکیم نظامی قم، موفق به أخذ دیپلم گردید.

سیّد احمد اندکی بعد عازم نجف اشرف گردید و در این سفر رسماً به سلك روحانیّت درآمد و عمّامه را که نشانی است بر مسئولیّت پذیری و تقدّس راهِ انتخاب شده، بدست مبارك امام خمینی رحمه الله بر سر نهاد.۲ ایشان سطح را نزد اساتید خویش به اتمام رساند و به مرحلهٔ دروس خارج راه یافت.

اساتید، حضرات آیات: ابطحی، صادقی، محمّد فاضل، سلطانی، آقا موسی زنجانی، حائری، سیّد مصطفی خمینی، استاد مرتضی مطهّری و امام خمینی رحمه الله .۳

سرانجام: یادگار امام در پی بیماری، ندای حق را در شامگاه ۲۵ اسفند ماه ۱۳۷۳ لبیك و به آرزویی که پس از رحلت امام رحمه الله برای آن لحظه شماری می کرد - یعنی ملاقات با پدر در پیشگاه حضرت حق - رسید.۴

مرقد: ایران، تهران، جوار مرقد بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی رحمه الله .

۱. فصلنامهٔ حضور، شمارهٔ ۱۰، اردیبهشت ۱۳۷۴، ص۵۳.

۲. همان، ص۵۸، و۶۶.

۳. همان، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۷۵، ص۳۷۸.

۴. همان، ص۴۴۲.

ایشان مسئله وحدت و انسجام مسلمانان را بسیار مهم ارزیابی می نمود و در سخنرانی ها، منابر، مصاحبه ها و یادداشتهای خویش همواره بر این مسأله تأکید می کرد.

در ذیل برخی از سخنان ایشان در دیدارهای گوناگون از نظر خواهد گذشت.

- برادران و خواهران اهل تسنن و تشیع به خوبی آگاهند که استکبار از دیرباز برای تفرقه بین آنان سرمایه گذاری وسیعی کرده است. شما باید بدانید که استکبار در جهت بلعیدن منافع اسلامی و ملّیِ مردم مسلمان دست به هر اقدامی می زند. اگر همه ما با هوشیاری و اتّحاد اقدامات شیطانی استکبار را خنثی کنیم، توفیق بزرگی بدست آورده ایم. (۱)- با توجه به شرایط پیچیدهٔ کنونی در جهان ما، فکر می کنیم وقت آن رسیده است که ملّتهای اسلامی با اشتراک عمل و اتّحاد برای معضلات و مسائل خود چاره ای بیندیشد. (۲)- ما باید سعی کنیم امّت اسلامی در مسیر رهایی از سلطهٔ استکبار جهانی، خودکفایی و برخورداری از یک زندگی سعادتمند و شایسته، توانایی های خود را در همهٔ زمینه ها بشناسد و از آنها حد اکثر بهره برداری را انجام دهد. در این راستا تبادل علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی در جهت انتقال تجربیات و مطالعات جغرافیایی، باید مورد توجه واقع شود. تاریخ کشورهای اسلامی آکنده از ظلمی است که استعمارگران در حق ملل اسلامی مرتکب شده اند، همهٔ هدف امام خمینی رحمه الله این بود که ملّتهای اسلامی را نسبت به توانایی ها و استعدادهایشان، آشنا سازد و آنان را از سیر قهقرایی به سیر تعالی و تکامل هدایت نماید. (۳)- حقوق اسلامی به عنوان پیشرفته ترین و جامع ترین قوانین مدافع انسانها می تواند محور اتّحاد کشورهای اسلامی در زمینهٔ حل اختلافات و مناقشات این گونه کشورها باشد. (۴)

۱- (۱) . دیدگاه ها (منتخبی از مواضع حجّه الاسلام والمسلمین سیّد احمد خمینی)، معاونت پژوهشی مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، ص۱۱۸، دیدار با بسیجیان شیعه و سنی شهرستان گنبد، ۷ آبان ماه ۱۳۶۹..

۲- (۲) . همان، ص۱۲۱، دیدار با شیخ مرتضی امباکه، رهبر فرقهٔ مریدیهٔ سنگال، ۲۳ فروردین ماه ۱۳۷۱..

۳- (۳) . همان، ص۱۲۲، دیدار با شرکت کنندگان در سمینار بررسی ویژگی های جغرافیایی جهان اسلام، ۳ اردیبهشت ماه ۱۳۷۱..

۴- (۴) . همان، ص۱۲۲، دیدار با دادستان کل جمهوری آذربایجان..

- ملّتهای اسلامی اگر متّحد باشند نیروی بزرگی را تحت لوای ایدئولوژی اسلامی در جهت نیل به اهداف متعالی تشکیل خواهند داد. ایمان به قرآن، همبستگی بین ملّتهای اسلامی و بی اعتنایی به قدرتهای پوشالی، بهترین زمینهٔ احیای خودباوری است و احیای روح خودباوری در میان ملّتهای اسلامی، می تواند موجب حذف دشمنان اسلام از صحنه های جهانی شود. (۱)- وحدت و همبستگی ایدئولوژیکی مسلمانان، بزرگترین تجلّی قدرت و عظمت آنان در معادلات بین المللی است. وحدت حقیقی مسلمانان زمانی عملی است که همهٔ آنان احساس کنند درد مشترکی دارند. در شرایط کنونی، ملل اسلامی درد دین و درد هویّت دارند و بر اساس اسلام خواهی و روح حقیقت طلب خود چاره ای ندارند جز آنکه در مسیر احیای باورها و ارزشهای اسلامی تفرقه و پراکندگی را کنار بگذارند و برای ترسیم سرنوشت اسلام همهٔ توان و امکانات خود را متمرکز سازند. دنیای استکباری، رشد و گسترش اعتقادات اسلامی را، خطری جدّی برای حفظ موجودیّت خود می داند و امروز بر همه مسلمانان واجب است که با وحدت کلمه، حمایتگر اسلام ناب باشند. (۲)- تبادل تجربیات سازندهٔ فردی و گروهی بین جوانان کشورهای اسلامی در جهت تحکیم دوستی آنان، اقدامی با ارزش است. در اسلام هرگز تفاوتهای قومی و نژادی و چارچوبهای جغرافیایی، نمی تواند مانعی در راه تحکیم دوستی و برادری ملّتهای مسلمان به شمار آید. (۳)- دشمنان اسلام همواره از مواضع پراکندهٔ مسلمانان سود برده اند. ملّتهای اسلامی باید تحت عنوان امّت واحد اسلامی، در مجامع و صحنه های جهانی نقشی مؤثّر و تعیین کننده داشته باشند. یقیناً مسائل جهان اسلام بخصوص مسألهٔ بوسنی هرزگوین، افغانستان، فلسطین و سرزمین های اشغالی، با اتّخاذ مواضع مشترک می توانند به نتایج مطلوب برسند. امیدواریم کشورهای اسلامی با اتّحاد خود حرف نهایی را در مجامع بین المللی بزنند؛ زیرا اتّخاذ سیاستهای دقیق بین المللی نیازمند به تفاهم و شناخت جایگاه واقعی کشورهای اسلامی

۱- (۱) . همان، ص۱۲۳، دیدار با رئیس ستاد ارتش سودان، ۹ تیرماه ۱۳۷۱..

۲- (۲) . همان، ص۱۲۴، سخنرانی در کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، ۵ شهریورماه ۱۳۷۱..

۳- (۳) . همان، ص۱۲۹، دیدار با شرکت کنندگان در اردوی بین المللی دوستی جوانان، ۳۱ مرداد ماه ۱۳۷۲..

است. و هیچ مشکلی در جهان بدون درنظر گرفتن قدرت و توانایی های سرشار کشورهای اسلامی حل نخواهد شد. حرکت به سمت تحقّق امّت واحد اسلامی در صورتی عملی خواهد بود که باهم متّحد باشیم و فراموش نکنیم که اختلافات ما جزیی و قابل حل است. (۱)- جهان اسلام امروز با دسیسه های مختلف قدرتهای بزرگ مواجه است. آنها برای ایجاد تفرقه و انحراف در صفوف مسلمانان، از همهٔ ابزارهای تبلیغاتی استفاده می کنند و در این زمینه سرمایه گذاری عظیمی کرده اند. در مقابل تلاش های گستردهٔ جهان استکباری برای جلوگیری از رشد اعتقادات اسلامی، مسلمانان باید با ایجاد سیستمهای مناسب اطّلاع رسانی، فریاد حق طلبی خود را به گوش جهانیان برسانند. اگر بخواهیم وحدت اسلامی را حقیقتاً عملی کنیم باید توان مبارزاتی خود را در کنار تلاش های فرهنگی و تبلیغاتی بالا ـ ببریم. ما صریحاً به افکار عمومی اعلام می کنیم که استقرار احکام اسلام، ضامن سعادت و کرامت مسلمانان است و در این مسیر از همهٔ توان خود استفاده خواهیم کرد. (۲)- احیای ارزشهای معنوی، اتّحاد و همبستگی ملّتهای اسلامی لازمهٔ اقتدار و عظمت امّت واحد اسلامی است. تجربهٔ گرانبهای نهضت اصیل اسلامی مردم ما، تحت رهبریهای حکیمانهٔ حضرت امام خمینی رحمه الله ، به خوبی نشان داده است که ایمان اسلامی و بی توجهی به ابّهت پوشالی دنیای استکباری، مهمترین عامل پیروزی مسلمانان در راه اجرای احکام الهی است.

مسلمانان باید در قبال اعمال ظالمانهٔ دنیای کفر، سیاست تهاجمی داشته باشند. در غیر این صورت آنان در راه تحقیر مسلمین، گستاخ تر عمل خواهند کرد. (۳)

۱- (۱) . همان، ص۱۲۶، دیدار با نخست وزیر مالزی، ۱۵ فروردین ماه ۱۳۷۲..

۲- (۲) . همان، ص۱۲۴ سخنرانی در کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، ۵ شهریورماه ۱۳۷۱..

۳- (۳) . همان، ص۱۲۳، دیدار با میهمانان خارجی، ۱۶ خردادماه ۱۳۷۱..

آیت اللّه سیّد محمّد کاظم قزوینی

متوفای: ۱۳۷۳ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام کاظم علیه السلام

نام: سیّد محمّد کاظم، نام پدر: سیّد محمّد ابراهیم، ولادت: ۱۳۰۷ش۱ محل تولّد: عراق، کربلای معلی.

تحصیلات: وی دروس مرحلهٔ مقدمات و سطح را در حوزهٔ پر فیض کربلا آموخت، پس از اتمام دورهٔ سطح در دروس عالی آیات عظام شرکت جست. سیّد محمّد کاظم پس از بهره مند شدن از محضر اساتید، در دانش فقه، حدیث، کلام و تفسیر قرآن، مهارتها بدست آورد و موفّق گردید در حوزهٔ علمیهٔ کربلای معلّی تفسیر قرآن و فقه را به شاگردان خویش بیاموزد.۲

اساتید، حضرات آیات: سیّد میرزا هادی خراسانی، سیّد محمّد حسن قزوینی، شیخ محمّد خطیب، شیخ جعفر رشتی، سیّد محمّد صالح قزوینی، سیّد میرزا مهدی شیرازی، شیخ یوسف خراسانی، سیّد هادی میلانی.

شاگردان، حضرات آقایان: شیخ مرتضی شاهرودی، سیّد عبدالحسین قزوینی، شیخ ضیاء زبیدی، شیخ عبد الحمید مهاجر، شیخ محمّد مجاهد.

آثار قلمی: الاسلام والتعالیم التربویه، سیره الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم ، الامام علی علیه السلام من المهد إلی اللحد، فاطمه الزهرا علیها السلام من المهد الی اللحد، الامام الحسین علیه السلام من المهد الی اللحد، فاجعه الطف او مقتل الحسین علیه السلام ، الفقه الواضح، شرح نهج البلاغه، و...

سرانجام: قلب این انسان شیفتهٔ اهل بیت علیهم السلام پس از گذراندن بیماری طولانی مدّت، در ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۱۵ق (۱۳۷۳ش)، از تپش باز ایستاد و زندگی جاودانه را آغاز نمود.۳

مرقد: ایران، قم، جوار حرم مطهّر حضرت معصومه علیها السلام ، حسینیهٔ کربلایی ها.

۱. ستارگان حرم، ج ۲، ص ۱۷۲، به نقل از گنجینهٔ دانشمندان، ج ۹، ص ۲۷۶؛ تراث کربلا، ص ۱۵۰.

۲. همان، ص ۱۷۴ - ۱۷۶.

۳. همان، ص ۱۹۲.

تلاش ها

آیت اللّه قزوینی بـا سـفر به کشورهای گوناگون از جمله مراکش و استرالیا، فعّالیّتهای زیادی را در زمینـهٔ اتّحاد و وحـدت بین مسلمانان انجام داد که به برخی از آنان اشاره می شود:

- تأسیس کتابخانه ای با کتب شیعی و گذاردن آن در اختیار اهل سنت.

- تلاش برای بالا بردن سطح آگاهی مردم و تبلیغ از علوم و معارف اهل بیت علیهم السـلام که ثمرهٔ آن شیعه شدن عدّه ای از اهل سنت در کشور مراکش گردید.

- تأسیس تشکیلاتی تحت عنوان «الجمعیّه الإسلامیه الجعفریه» در سال ۱۳۹۸ق.

- سفر به کشور مراکش:

در این سـفر مرحوم آیت اللّه قزوینی، به قـدری مردم آن سامـان را شـیفتهٔ بیانـات شـیوا و اخلاـق پرجـاذبه اش کرده بود که با وجود اکثریّت سنی، آنان اجازه نمی دادند که ایشان به وطن مألوف باز گردد و اصرار داشتند برای همیشه در آنجا بماند. (۱)

۱- (۱) . ستارگان حرم، ج ۲، ص ۱۸۲ - ۱۸۳، به نقل از مقدمهٔ ذکر اللّه احمدی بر کتاب اسلام و تعلیمات تربیتی، سیّد محمّد کاظم قزوینی، ص ۱۰ - ۱۱..

آیت اللّه حاج شیخ حسن سعید

متوفای: ۱۳۷۴ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: حسن، نام پدر: حاج میرزا عبداللّه، ولادت:

۱۲۹۸ش، محل تولّد: ایران، قم.

تحصیلات: وی دروس خود را در قم و تهران به پایان رسانید و برای تکمیل تحصیلات و نیل به مدارج اجتهاد به نجف اشرف سفر نمود. شیخ حسن پس از مدّتی به مدارج عالیه رسید و تقریرات درس آیت اللّه العظمی حلّی را بنام دلیل العروه و مکاسب نوشته و چاپ نمود.۱

اساتید، حضرات آیات: سیّد محسن حکیم، شیخ حسین حلّی، سیّدابوالقاسم خویی.

آثار قلمی: شناخت قرآن، الی علماء الاسلام، پیغمبر با شما سخن می گوید، موسوعه المکاسب، الرّسول یدعوکم و... .

سرانجام: آیت اللّه حاج شیخ حسن سعید پس از ۷۶ سال روشنی بخشیدن در راه خدمت به اسلام عزیز و نیز تلاش در جهت وحدت بخشیدن بین مسلمین، در ۱۳۷۴ش چشم از جهان هستی فرو بست و به لقاء اللّه پرکشید.

۱. چشمهٔ روشن، مروری بر زندگی نامهٔ آیت اللّه سعید، علی مسجد جامعی، ص ۱۰.

- ارتباط و مکاتبه با علمای اهل سنت: ایشان بدون تظاهر و ادّعا برای احقاق حقوق اهل بیت علیهم السلام ، با بیشتر علمای اهل سنت مکاتبه داشت و خود به تنهایی یک دار التّقریب بود. آری به جرأت می توان گفت که در زمان خویش، بیشترین مراجعین را داشت و از همهٔ نقاط دنیا و همهٔ کسانی که او را می شناختند و با آثار قلمش آشنایی داشتند، با او مکاتبه می کردند و از علم و اطّلاعش مستفیض می شدند. در این زمینه خود ایشان می گوید:

«در همین موقع به فکر افتادم که برای افراد خارج از کشور نیز باید فکری نمود تا آنها هم با معارف اسلامی آشنا شوند. برای رسیدن به این مقصود، کتابهایی تهیّه و تألیف و طبع نموده و آنچه دیگران بر ضدّ اسلام صریحاً یا تلویحاً گفته و یا نوشته بودند، با جوابهای مستند و سخنان متین یادآور شدم».

- اقدام وی در تأسیس گنجینهٔ قرآن کریم: آیت اللّه سعید خود در این رابطه چنین می نویسد:

«اخبار رسیده از خارج به وسیلهٔ روزنامه ها و اشخاص، حاکی از این بود که دشمنان اسلام و جمعی از نابخردان که خود را مسلمان می نامند، برای مقابله با حکومت، هرگونه تهمت و ناسزایی را بر پیکر نازنین اسلام وارد می سازند. کار به جایی رسید که ناآگاهانه برخلاف اعتقاد خود گفتند: «قرآن تحریف شده و شیعه قرآنِ غیرِ محرّف ندارند».

به همین جهت ابتدا با نوشتن مقالات و نامه های گوناگون، خصوصاً با تأکید بر پیگیریهای انجام شده و کمک علّامه سیّد موسی صدر در مصر و سعودی که منجر به ملاقات رئیس الازهر و شیخ حرم گردید و نامه هایی از آنها در دفاع از شیعه گرفته و در کتب بسیاری نیز چاپ شد». ایشان می گوید: «در این زمینه اقدام نمودم ولی برای اینکه ریشهٔ این حرف و سخنی را که در کتابها بعنوان بحثی نو مطرح شده بخشکانم، اقدام به تأسیس «گنجینهٔ قرآن کریم» کرده و از هر قرآنِ چاپی و خطی با ترجمه های مختلف، اعم از فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه و غیره گردآوری نموده، از هر یک از قرآنهای به دست آمده نسخه ای را در گنجینهٔ

قرآن کریم نهاده و شناسنامه آن را تهیّه کردم و در ایّام غدیر همهٔ آنها را در روی میزها با شناسنامه، در معرض زیارت عاشقان کتاب اللّه قرار دادم».

- استفاده از عنوان گنجینهٔ قرآن کریم (که آیت اللّه سعید مؤسّس آن بود) توسط عالمی شیعی مانع درگیری و جنگ میان شیعه و سنی گردید؛ قضیه از آن قرار بود که: در یکی از مناطق که ممکن بود جنگی بین دو فرقه شیعه و سنی بر سر این مسئله ایجاد شود، با زیرکی عالم شیعه و عنوان کردن گنجینهٔ قرآن کریم، عالم وهابی منطقه را ترک گفت و کوچکترین حادثه ای در آنجا واقع نشد. (۱)- از دیگر اقدامات بسیار ارزندهٔ ایشان این بود که کتبی چند به زبانهای عربی، فارسی، انگلیسی و فرانسه تهیه و به صورت نشریات متعدّد به طبع رسانده و برای ارائهٔ سیمای تشیع به جهانیان به کشورهای دیگر ارسال داشت.

- ارسال نامهٔ بسیار مهم برای رئیس وقت دانشگاه الازهر، شیخ عبد الحلیم محمود.

۱- (۱) . در این رابطه آقای سیّد زکی که قبلاً نماینده مرحوم آیت اللّه العظمی خویی در کویت بود و اکنون در یکی از کشورهای آفریقایی است، چنین می گوید: «ما آمدیم تا از تشکیل این گنجینهٔ قرآن از شما (آیت اللّه سعید) تشکّر کنیم زیرا وجود این گنجینهٔ قرآنی مشکلی را از سر راه ما برداشته است، چرا که ما در یکی از شهرهای آفریقایی که در آن هزار شیعه وجود دارد زندگی می کنیم و آنجا وهابی ها به مدّت دو روز می خواستند سمیناری علیه شیعه برگزار کنند. شیعیان آنجا بسیار ناراحت و به فکر چاره جویی بودند، من به آنان گفتم: ناراحت نباشید، فقط روز سمینار شما صف اول جلسه بنشینید! بعد من رفتم پیش یکی از دو عالم آنان و گفتم: مدّتی است ما اینجائیم و باهم رفاقت داریم، آیا در این مدّت از ما بدی و ناراحتی دیدید و یا ما از شما خواهشی کردیم؟ گفتند: نه. گفتم: الآن ناچارم از شما خواهشی داشته باشم و آن این است که کنفرانسی که فردا تشکیل می شود، برای حمله به شیعیان است و تنها وسیلهٔ آنان مسئلهٔ تحریف قرآن است که می گویند: «شیعه قرآن را تحریف کرده است». ما از شما می خواهیم که از ما در جلسه دفاع کنید، فقط بعد از اتمام سخنرانی خواهش می کنیم که از سخنران سؤال کنید: آیا از قرآنی که شیعیان تحریف کرده اند اثری در عالم هست یا نه؟ و ما در تهران گنجینهٔ قرآن داریم که در آن کلّیهٔ قرآنهای جهان جمع آوری شده است و حاضریم که بلیت تهیّه کنیم و برویم تهران و ببینیم آیا شیعیان قرآن دیگری را قبول دارند و آن را به ما نشان می دهند؟». آن عالم اهل سنت که بسیار مرد جسور و تندخویی بود، آنقدر سرد شد و به فکر فرو رفت که مجبور شدند کنفرانس را یک روزه تمام کنند و دیگر تشکیل ندهند. اکنون که ما ایران آمدیم، بر خود لازم دیدیم از زحمات شما تشکر کنیم (چشمهٔ روشن، علی مسجدجامعی، ص ۲۰ - ۲۱، به نقل از فصلنامهٔ بیّنات، سال اول، شماره ۳، مصاحبه با آیت اللّه سعید، شناخت قرآن، ص ۷)..

متن نامه بدین صورت است:

بسم اللّه الرحمن الرحيم

حضور علّامۀ محترم، دکتر شیخ عبد الحلیم محمود، ریاست جامع الازهر

با ابلاغ درود و تحیّات شایسته به اطّلاع می رساند:

«نامه ای به تاریخ اول جمادی الاول ۱۲۹۷ در خصوص مطالب دروغ و افتراآمیز وارده در کتاب «تاریخ»، که بوسیلۀ وزارت معارف کشور سعودی به چاپ رسیده است، به حضورتان تقدیم داشتیم و به امید دریافت خبر حاکی از اقدامات سریع حضرتعالی در زمینۀ پاکسازی برنامه های درسی از چنین افتراهای کینه توزانه، در نهایت شکیبایی انتظار کشیدیم. اما زمان انتظار به طول انجامید... و رشتۀ امید ما منقطع شد...

تا اینکه اخیراً اطّلاع یافتیم که کتابی بنام «مذکره التوحید» تألیف «حسین السیّد المتولی» بازرس علوم دینی، برای تدریس در سال اول دورۀ دوّم آموزشگاه های وابسته به «الازهر»، به چاپ رسیده که عین مطالب وارده در کتاب قبلی را کلمه به کلمه تکرار کرده است. البته موجب بسی تأسّف است که کتابی - مثل این کتاب - از جانب مؤسسات آموزشی وابسته به الازهر انتشار یابد و بخشی از برنامۀ درسی این مؤسسات را به خود اختصاص دهد.

ما نمی دانیم که سکوت مقام رهبری جامع الازهر را در مقابل اینگونه اعمال رسوایی برانگیز به چه چیز تعبیر کنیم!؟! آیا می توان گفت که از اصول اولیۀ شیعه بی اطّلاع هستند!؟ یا فتوای تاریخی زعیم فقید خود (شیخ محمود شلتوت) که مذهب شیعه را بعنوان یکی از مذاهب رسمی اسلام شناخته است، از یاد برده اند؟ یا هیچیک از اینها نیست و بلکه - خدای نخواسته - ایجاد اختلاف و افروختن آتش دشمنی در میان مسلمانان را از مسائل ضروری امّت اسلامی معاصر می دانند!؟ بهرحال بار دیگر در مقام تجدید درخواست قبلی خود برآمده، از شما می خواهیم که بخاطر حفظ وحدت اسلامی و به منظور حذف همۀ آثار کینه ها و خصومتها از میان مسلمانان و برای عدم همکاری با استعمار غاصب، در راه کسب رضای خدا و حفظ کرامت مسلمانان، دستور فرمائید که کتاب مذکور از برنامۀ درسی مدارس حذف گردد.

از خدا مسئلت داریم همۀ ما را در انجام کاری موفّق گرداند که خیر و صلاح مسلمانان را متضمّن باشند.

به تاریخ ۳ ذی القعده ۱۳۹۷

شیخ حسن سعید (۱)

ص:۴۸۲

۱- (۱) . چشمۀ روشن، علی مسجد جامعی، ص ۴۹ - ۵۱ ..

شهید دکتر فتحی شقاقی

شهادت: ۱۳۷۴ش

چکیده از زندگی نامه

نام: فتحی ابراهیم، ولادت: ۱۳۳۰ش، محل تولّد:

فلسطین، اردوگاه رفح، واقع در نوار غزه.

تحصیلات: وی ایّام نوجوانی را در اردوگاه سپری کرد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را طی نمود. ابراهیم هجده ساله بود که در دانشگاه «بیرزیت» پذیرفته شد و پس از طی دو سال تحصیل به عنوان معلّم ریاضیّات عازم مدرسهٔ النظامیه در بیت المقدس شد. شش سال بعد به مصر رفت و موفّق شد دکترای طب اطفال خود را از دانشگاه «الزقازیق» مصر دریافت کند.

سرانجام: وی در سال ۱۹۹۵ با گذرنامه جعلی با نام «ابراهیم شاویش» به لیبی رفت تا پیرامون وضعیت آوارگان فلسطینی در مرزهای لیبی و مصر با سرهنگ قذافی رهبر این کشور دیدار کند. اما به دلیل تحریم هوایی لیبی، وی مجبور شد با کشتی به «مالت» برود و سرانجام در ساعت یک بعد از ظهر پنج شنبه مورخ ۱۰/۲۶/۱۹۹۵ وقتی به هتل «دیپلماتیک» جزیره مالت باز می گشت، توسط عوامل موساد ترور شد و به شهادت رسید.

ص:۴۸۳

- وی معتقد بود در جنبش جهاد اسلامی باید دیگر هم وطنان فلسطینی نیز علیه رژیم غاصب متّحد شوند. انتخاب این هدف و حرکت در این راستا، یکی از دلایل اصلی شهادت وی به نظر می رسد. علاوه بر این که در زمینه فکری، نوشته های او بهترین دلیل و گواه بر تیزبینی و دقّت نظر و عمق دیدگاه وی، نسبت به اسلام و آینده مسلمانان است.

مقالات و سخنرانی های پرشور و عمیق او در اجلاس ها و سمینارهایی که در ایران، لبنان، سوریه و کشورهای دیگر برگزار گردید، تأیید کننده این ادّعا است. او با تمام وجود به وحدت مسلمانان معتقد بود و روحیهٔ جهاد و شهادت را راه گشای مشکلات مسلمین می دانست.

- از نظر دکتر فتحی شقاقی فلسطین اصل و اساس کلیه مسایل جهان اسلام به شمار می رود. وی همیشه می گفت: «تا وقتی بر سه اصل متّکی باشیم پیروزی و موفّق خواهیم شد:

الف) فلسطین را بدون اسلام مطرح نکنیم؛ ب) اسلام را بدون فلسطین نخواهیم؛ ج) این دو بدون جهاد و شهادت میسّر نخواهد شد. (۱)- دکتر شقاقی دربارهٔ مسیحیان فلسطینی چنین عقیده ای داشت: «هدف ما آزادی فلسطین است. در امر آزادی، تمامی فلسطینیان چه مسلمان و چه مسیحی برای دفاع از وطن و مقدسات خویش باید مشارکت داشته باشند. ما در جنبش مان آمادگی آن را داریم تا در صفوف خود مسیحیانی را که قصد جهاد و مبارزه دارند، بگنجانیم. آنها می توانند در عقیده خویش آزاد باشند؛ «لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ» (۲). هدف ما آزادی فلسطین است؛ هدف ما پیروزی اسلام در فلسطین و در جای جای گیتی است. ما ایمان قلبی داریم که اسلام راه صلاح و رستگاری بشریت است، با این حال باید اصول و قوانین اسلامی که به کسی ظلم روا نداشته و همه را یکسان می داند، مدّ نظر قرار گرفته و به اجرا درآید و مسیحیان در سایهٔ قوانین و اصول اسلامی، عزّت و کرامت خواهند یافت؛ همان گونه که در قرن های گذشته زیر سایهٔ

۱- (۱) . روزنامهٔ رسالت، شمارهٔ ۵۹۳۷..

۲- (۲) . سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵۶..

اسلام زندگی کردند و تنها پس از غروب آفتاب اسلام، از آن مناطق بود که آنان ذلّت و خواری را به چشم خود دیدند.

تلاش ها

- دکتر شقاقی غیر از مسئله فلسطین و حرکتی که در فلسطین آغاز کرد و در آن جا به معرّفی امام خمینی رحمه الله و انتقال روحیات انقلابی ملّت مسلمان ایران به مردم فلسطین پرداخت، رسالت ارتباط دیگر گروه های مسلمان در کشورهای دیگر با جمهوری اسلامی را هم بر عهده گرفت و بسیار تلاش کرد تا گروه های مسلمان دیگر را به جمهوری اسلامی نزدیک کند.

رسالت دیگر وی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران انجام گرفت؛ زمانی که بوق های تبلیغاتی دشمنان ما، آمریکا، صهیونیزم و کشورهای غربی، در حمایت از صدام به کار گرفته شده بود تا کشورها و مردم مسلمان عرب را از جمهوری اسلامی دور نگه دارند و ضمن ایجاد تفرقه، چنین قلمداد کنند که جمهوری اسلامی منافع امّت عرب را به خطر انداخته است، وی در زدودن این طرز تفکّر از جامعهٔ عرب نسبت به جمهوری اسلامی نقش بسیار اساسی داشت؛ با شخصیّت های مختلف ملاقات و آنها را توجیه می کرد و مواضع صحیح جمهوری اسلامی را به آنها منتقل می نمود.

- تأسیس هسته های سازمان جهاد اسلامی در سرتاسر اراضی اشغالی و به خصوص در غزّه و کرانهٔ باختری.

- تألیف کتاب «خمینی، راه حل اسلامی و جای گزین» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران. (۱)

۱- (۱) . به گفته محمّد ابو جهاد (از رهبران جنبش جهاد اسلامی) این کتاب - که در یک طرف آن عکس امام قرار داشت که در نوفل لوشاتو زیر درخت سیب نشسته بود و در طرف دیگر عکس شاه قرار داشت که سرش شکافته شده بود - همان شب اول چاپ، تیراژ ده هزار جلدی آن تمام شد و بار دیگر به زیر چاپ رفت. دستگاه امنیتی مصر به جرم چاپ این کتاب، در تاریخ ۲۰/۷/۱۹۷۹ میلادی حکم بازداشت دکتر شقاقی را صادر کرد و او را به زندان «القلعه» انداخت و شکنجه نمود. همچنین وی به دلیل دیگر فعّالیّت های اسلامی - سیاسی خود، تحت پیگرد دولتمردان مصر قرار داشت و سرانجام به جرم بنیان گذاری جنبش جهاد اسلامی در سال ۱۹۸۰م پس از تحمّل چند ماه زندان از خاک مصر اخراج شد و در تاریخ ۱/۱۱/۱۹۸۰م وارد سرزمین فلسطین گردید. (روزنامهٔ رسالت، شمارهٔ ۵۹۳۷).

- تألیف مقاله ای پرمحتوا پیرامون ضرورت وحدت و برادری میان مسلمین: هنگامی که همهٔ مزدوران استعمار و استکبار جهانی به ایجاد تفرقه و تشتّت امّت اسلامی پرداخته بودند و با هجوم به مظاهر وحدت مسلمانان، پراکندگی عمیق قومی و طایفه ای را گسترش می دادند، مقاله ای ارزشمند در مجّلهٔ «النور» در فلسطین نشر یافت که با شعار و شعور علمی، بر وحدت و یک پارچگی امّت اسلامی تأکید نموده بود.

دکتر شقاقی معتقد است، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشورهای غربی به دلیل ترس از گسترش و تأثیرگذاری این انقلاب در سایر کشورهای منطقه، به اختلافات بین شیعه و سنی دامن زدند. وی در این نوشتار سعی کرده دیدگاه ها و نظریات اندیشمندان ورهبران مسلمان را دربارهٔ ضرورت وحدت شیعه و سنّی مطرح کرده و به برخی از شبهات مطرح شده دربارهٔ شیعیان پاسخ بدهد.

آنچه در پی می آید گزارشی اجمالی از این نوشتار است که اهتمام نویسندهٔ آن را در طرح مسئلهٔ وحدت، با استفاده از دیدگاه های برخی از دانشمندان فریقین (به ویژه اهل سنت) نشان می دهد:

الف) طرد نوشتار محبّ الدین خطیب، نویسندهٔ اهل سعودی ضدّ شیعه و تبیین پیشینهٔ این شخص، در برخورد با خلافت اسلامی (حکومت عثمانی) و پناه بردن به برخی کشورها، براساس گزارش دکتر فهمی جدعان در کتاب «اسس التقدیم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث»، چاپ اول، ص۵۶۱ - ۵۶۲.

ب) شهید حسن البنّا یکی از رهبران حرکت اسلامی معاصر از جمله کسانی است که فکر تقریب بین شیعه و سنی را رواج می داد. استاد سالم بهنساوی، یکی از متفّکران اخوان المسلمین در کتاب «السنه المفتری علیها»، ص۵۷، به نقش حسن البنّا هم پرداخته است.

ج) فراموش نکنیم که تشکیلاتی به نام «جماعه التقریب بین المذاهب الاسلامیه»

راه اندازی شد و شخصیّت هایی همانند شیخ الازهر عبد المجید سلیم و امام مصطفی عبد الرزاق و شیخ شلتوت در آن عضویّت داشته اند.

د) ذکر نمونه هایی از تلاش آیت اللّه کاشانی و حجّه الاسلام و المسلمین شهید نواب صفوی در ایجاد وحدت اسلامی، طبق گزارش استاد عبد المتعال الجبری. (۱)ه) ذکر فتوای رئیس (سابق) الازهر شیخ شلتوت، مبنی بر جواز تعبّد به مذهب شیعهٔ اثنا عشریه، همانند سایر مذاهب اهل سنت.

و) استناد به بخش هایی از مطالب کتاب «کیف نفهم الاسلام» نوشتهٔ شیخ محمّد غزالی و کتاب «نظرات فی القرآن» او.

ز) استناد به سخنان دکتر صبحی صالح در کتاب «معالم الشریعه الاسلامیه»، و استاد سعید حوی در کتاب «الاسلام» و پژوهش گر مسلمان دکتر مصطفی الشکعه در کتاب «الاسلام بلا مذاهب» مبنی بر وجود مذاهب مختلف از جمله امامیهٔ أثنا عشریه در میان مسلمانان و ضرورت وحدت مسلمانان.

ح) استناد به اظهارات شیخ محمّد ابو زهره در کتاب «تاریخ المذاهب الاسلامیه»، و دکتر عبدالکریم زیدان در کتاب «المدخل لدراسه الشریعه الاسلامیه»، در مورد مذهب شیعه و عدم وجود اختلاف اساسی میان آن و سایر مذاهب اسلامی.

ط) استناد به سخنان استاد انور الجندی در کتاب «الاسلام وحرکه التاریخ»، که نسبت به جریان توطئهٔ دشمنان اسلام، برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان هشدار می دهد و یادآور می شود که: «حق آن است که اختلاف میان اهل سنت و شیعه از اختلافی که میان مذاهب چهارگانه است، بیشتر نیست».

ی) استناد به نوشته های استاد سمیع عاطف الزین در کتاب «المسلمون... من هم؟» که

۱- (۱) . این گزارش ها در کتاب های ذیل آمده است: در کتاب «لماذا اغتیل حسن البنا» چاپ اول، دار الاعتصام، ص۳۲ و استاد محمّد علی ضناوی در کتاب «کبری الحرکات الاسلامیه فی العصر الحدیث»، ص۱۵۰، و استاد فتحی پکن در کتاب «الموسوعه الحرکیه»، ص۱۶۳ و نیز در کتاب «الاسلام فکره وحرکه وانقلاب»، ص۵۶ و گزارش مجلّه «المسلمون» (نشر یافته از سوی اخوان المسلمین) در شماره اول، جلد پنجم، آوریل ۱۹۵۶، ص۷۳ - ۷۶..

بحث سنی و شیعی را مورد مناقشه قرار می دهد و تأکید می کند که بر همه مسلمانان واجب است از کینه توزی دست بردارند و همگی به عنوان امّت اسلامی، یک دیگر را دوست بدارند و از دشمنی بپرهیزند.

ک) استناد به نوشتهٔ ابو الحسن ندوی در مجلّهٔ مصری «الاعتصام الاسلامیه» که آرزو می کند با شکل گیری تقریب مذاهب اسلامی (شیعه و سنی) انقلابی در میان مسلمانان به وجود آید که در تاریخ تجدید فکر اسلامی نظیر نداشته باشد.

ل) استناد به نوشتهٔ استاد صابر طعیمه در کتاب «تحدیات امام العروبه والاسلام»، مبنی بر عدم اختلاف میان شیعه و سنی در اصول دین و تصریح به این مطلب که: «... ومن الحق ان السنه والشیعه هما مذهبان من مذاهب الاسلام، یستمدان من کتاب اللّه وسنه رسوله صلی الله علیه و آله ».

دکتر شقاقی در پایان این نوشتار، ضمن نقد آرای ابن تیمیه، به اهمیّت انقلاب اسلامی ایران و نقش آن در آگاهی دادن به ملّت های مسلمان به ویژه مردم منطقه و ترس قدرت های بیگانه، از تبلور و نقش اسلام در ایران می پردازد و بار دیگر با الهام از سخنان امام خمینی رحمه الله ؛ امّت اسلامی را به وحدت و یکپارچگی دعوت می کند. (۱)

۱- (۱) . منابع و مآخذ این بخش شامل: - سایت ri.vtsdoq - سایت moc.uoq. www - روزنامهٔ رسالت، شماره ۵۹۳۷ ..

شیخ محمّد غزالی

متوفای: ۱۴۱۶ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد، نام پدر: شیخ احمد السقا، ولادت:

۱۳۳۴ق، محل تولّد: مصر، استان بحیره، روستای نکلا العنب.

تحصیلات: او پس از دوران کودکی در ۱۰ سالگی قرآن را حفظ نمود، سپس شروع به تحصیلات نمود و در ۲۲ سالگی فارغ التحصیل دانشکدهٔ اسکندریه شد.

چندی بعد به قاهره رفت و در رشتهٔ اصول الدین در دانشگاه الازهر مشغول تحصیل شد. شیخ محمّد نهایتاً در ۲۶ سالگی شروع به تدریس در الازهر نمود.۱

اساتید: شیخ ابراهیم غرباوی، شیخ عبد العزیز بلال، شیخ عنانی، امام محمّد ابوزهره، شیخ عبد العظیم زرقانی، شیخ محمود شلتوت، حسن البنا.۲

شاگردان: یوسف قرضاوی، شیخ حسین حسن الطویل.

آثار قلمی: وی در طول حیات خود بیش از ۵۰ عنوان کتاب تألیف نمود که به بخشی از آن اشاره می گردد:الاسلام والمناهج الاشتراکیه، التعصّب والتسامح بین المسیحیّه والاسلام، حقوق الانسان بین تعالیم الاسلام واعلان الامم المتّحده، دستور الوحده الثقافیه بین المسلمین و... .

سرانجام: شیخ محمّد غزالی پس از ۷۰ سال عمر در راه اعتلای اسلام، وحدت مسلمانان و مبارزه با استعمار، درحالی که برای حضور و انجام سخنرانی در همایش اسلام و غرب به ریاض سفر کرده بود، در تاریخ ۱۶ شوال ۱۴۱۶ق در سن ۷۹ سالگی دچار سکتهٔ قلبی شد و دار فانی را وداع گفت.۳

مقبره: عربستان، مدینهٔ منوره، قبرستان مظلوم بقیع.

۱. طلایه داران تقریب (۸)، شیخ محمّد غزالی رایت اصلاح، ص ۲۵، به نقل از العطاء الفکری للشیخ محمّد الغزالی، ص ۱۸۵.

۲. همان، ص۲۳ – ۲۴.

۳. همان، ص۱۲۹.

– او می گفت: از تمامی مسلمانان می خواهم که صفوف خود را مستحکم کرده و جبهۀ خود را متّحد سازند، چرا که انتظار ندارم که حیله و نیرنگ قدرتهای بزرگ علیه ایشان به زودی پایان یابد. اسلام دین وحدت است و در اوائل ظهور، توانست بین تمام قبایل عرب و عجم اتّحاد برقرار کند، هفتاد سال بزرگترین تمدّن انسانی و اسلامی را بنا نهاد ولی متأسّفانه پس از آن، تخم تفرقه پاشیده و جمعیّت ما متفرّق شد، در نتیجه ممالک اسلامی از هم پاشید.

– غزالی معتقد بود، وطن کوچک ما سرزمین نیل است که مورد توجّه ماست، ولی وطن بزرگتر ما سرزمینی است که عرب آن را در اختیار دارد و مورد علاقۀ ماست، اما وطن عالی ما منطقه ای است که همۀ مسلمانان طبق یک اصول و فکر و عقل با یکدیگر مربوط ساخته و قلبهایشان با یکدیگر رابطه دارد. (۱)- او دربارۀ وحدت اعراب می گوید: اگر وحدت اعراب و دعوت به ناسیونالیسم عربی، به شیوه و سبک حزب بعث عربی باشد، امیدوارم خداوند این اتّحاد را موفّق نگرداند و زمینه های آن را نیز فراهم ننماید. عرب منهای اسلام، مساوی است با صفر و چنانچه اسلامی در کار نباشد این اتّحاد هیچ ارزشی ندارد. ما هم نیازی به آن نخواهیم داشت. (۲)اکنون عوامل تفرقه را از نظر غزالی مرور می کنیم:

۱. عدم آگاهی

یکی از عوامل تفرقۀ بین فرق مسلمین، عدم آگاهی از عقاید و رفتار و اخلاق طرف مقابل است. عدم آگاهی موجب قضاوت بی جا می شود.

هنگامی که علّامه شیخ محمود شلتوت، فتوای جواز پیروی از مذهب اهل بیت علیهم السلام را

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۸)، ص ۷۹ - ۸۰، به نقل از اسلام و بلاهای نوین، ص۲۱۰..

۲- (۲) . همان، ص ۸۰، به نقل از روزنامۀ جمهوری اسلامی، ۹ مهر ماه ۱۳۶۹..

صادر کرد، برخی از متحجّرین، به علّت عدم آگاهی به این اقدام اعتراض کردند. غزالی در این باره می گوید:

«بیاد دارم که روزی یکی از عوام، با خشم و خروش از من پرسید: چگونه شیخ الازهر فتوی داده است که تشیع مذهبی اسلامی و مانند سایر مذاهب است؟ من در جواب گفتم تو از شیعه اطّلاع داری؟ از تشیع چه می دانی؟ او اندکی سکوت کرد و آن گاه گفت: ایشان گروهی از پیروان دینی غیر از دین ما هستند. گفتم: ولی من دیده ام که ایشان درست به مانند ما نماز می گزارند و روزه می گیرند. مرد با تعجّب گفت: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ گفتم:

عجبتر این که ایشان درست مانند ما قرآن می خوانند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بزرگ می دارند و فریضهٔ حج را به جا می آورند. آن مرد گفت: شنیده ام که آن ها قرآنی دیگر دارند و با این اندیشه آهنگ کعبه می کنند که آن را مورد توهین قرار دهند! در این هنگام از سر تأثّر و ترحّم در او نگریستم و گفتم: تو معذوری، زیرا بعضی از ما چیزهایی دربارهٔ بعضی دیگر می گویند که منظوری جز هتک حرمت ایشان ندارند». (۱)۲. نویسندگان مغرض

بی شک آثار مکتوب، تأثیر مهمّی بر فرهنگ سازی مسلمانان دارد. اگر نویسنده ای نفاق و پراکندگی را در آثارش رواج دهد، جامعه نیز به همین سو پیش می رود. غزالی ضمن انتقاد از این نوع نویسندگان می گوید: «آن نویسندگانی که توجّهی به اتّحاد مسلمانان ندارند و یا مطالبشان کینه و اختلافات را تحریک می نماید، جرم بزرگی را مرتکب می شوند». (۲)۳. یادآوری اختلافات گذشته

یکی از عوامل تفرقه بین مسلمانان دامن زدن به اختلافات گذشته و بزرگنمایی آن است.

در صدر اسلام، خلافت، موضوع اصلی اختلاف بین مسلمانان گردید و هنوز هم ادامه دارد.

غزالی در این باره می گوید: «ما به طور ریشه ای عقب مانده ایم، اسلام چکار باید بکند؟ وضع

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۸)، ص ۸۲ – ۸۳، به نقل از محاکمهٔ أگانس گلدزیهر صهیونیست، ص ۳۰۸..

۲- (۲) . همان، ص ۸۳ – ۸۴، به نقل از اسلام و بلاهای نوین، ص۱۸۷..

مسلمانان تأسّف بار است. آن ها تاریخ گذشته را به رخ هم می کشند. اختلاف بین ابوبکر و عمر، بین ابوبکر و علی علیه السلام . زمان نقطه نظرِ تاریخی این موضوع دیگر پایان یافته تلقّی می شود، من فرزند امروز هستم. یادآوری این مسائل چه مشکلی را حل می کند جز آن که آتش اختلاف بین نوادگان را دامن می زند همانطور که بین اجداد بود، چه بدست آوردیم؟ هیچ! (۱)- غزالی عوامل وحدت را در دو مورد خلاصه کرده است:

۱. عالمان دینی

به عقیدهٔ وی، یکی از عوامل مهم در شکل گیری وحدت میان توده های مردم، نقش عالمان دینی در کلّیهٔ فرقه های اسلامی است. این نکته بدیهی است که اگر عالمان در سخنرانی ها، کنفرانس ها و نوشتارهای خود به موضوع وحدت توجه کنند، جو جامعهٔ اسلامی نیز به سوی وحدت پیش خواهد رفت. او در این زمینه می گوید: «خدا پادشاه ایران، نادرشاه را در برابر کوششی که در راه وحدت کلمه و جمع امّت مبذول داشت، جزای خیر دهد، ولی در عصر ما ایفای نقش تقریب - پیش از آن که بر عهدهٔ پادشاهان باشد - بر عهدهٔ علماست». (۲)۲. مسئولین

غزالی ضمن تبیین این نکته که یکی از مهمترین عوامل اختلافات، حکّام فاسدی بودند که در کشورهای اسلامی حکومت داشته اند، سیاستمداران را به تغییر نگرش از اختلاف به وحدت سوق می دهد و در این باره می گوید:

... اختلافات، تحت تأثیر عوامل سیاسی به وجود آمده است و مطامع پادشاهان و مظالم حکّام آن را گسترش داده است. از این رو سیاستمداران مسئولیّت دارند تا فسادی را که اسلاف شان به وجود آورده اند به صلاح آورند. (۳)- غزالی معتقد است: وظیفهٔ مسلمین در این شرایط حسّاس و اوضاع خطرناك این است

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۸)، ص ۸۴ به نقل از روزنامهٔ رسالت، ۳ تیر ماه ۱۳۷۰، ص۱۲..

۲- (۲) . همان، ص ۸۵ به نقل از محاکمهٔ اگانس گلدزیهر صهیونیست، ص ۳۰۰..

۳- (۳) . همان، ص ۸۶ ..

که از پراکندگی و اختلاف باز آیند و در برابر حمله های صلیبی جدید، صفی واحد و جبهه ای متشکّل و نیرومند به وجود آورند و در این مبارزهٔ سرنوشت ساز که تقدیر بر ایشان مقرّر داشته، در سنگر استوار دین خود، ثابت قدم بمانند و توجّه داشته باشند که برای ایشان مایهٔ ننگ و شرم آور است که به هنگام تجّمع قوای شرّ و اتّحاد دشمنان در حمله و هجوم همگانی بر ایشان، پراکنده و بی سامان باشند، یا در میدان مسابقهٔ ترقّی و تقدّم پس بمانند و یا از تمسّک به دین خود سستی کنند، در شرایطی که پیروان مذاهب باطل به عقاید خود پای بندند.

- در نگاه او استعمار غربی کوششی پیگیر دارد تا قدرت و نیروی اسلام را فرو کاهد و رشتهٔ ارتباط و اتّحاد مسلمین را بگسلد و فعّالیّت آن را کاهش دهد. (۱)- شیخ محمّد غزالی در پاسخ به شبههٔ بعضی از مفتریان که چنین شایع می کنند: - شیعه، پیرو علی علیه السلام و اهل سنت، اتباع محمّد صلی الله علیه و آله و سلم هستند و شیعه معتقدند که علی علیه السلام به رسالت سزاوارتر است، با این که رسالت از روی خطا از سوی او گذشته و به دیگری رسیده است - می گوید: «شکی نیست که این سخنی یاوه و تهمتی زشت و زننده است. شیعه، شأن و شرف علی علیه السلام را در نتیجهٔ انتساب وی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تمسّک او به سنت آن سرور می دانند. ایشان نیز مانند سایر مسلمین، بشری از اولین و آخرین را عظیمتر و برای پیروی شایسته تر از آن صادق امین نمی شناسند، پس چگونه رواست که چنین یاوه و تهمت متوجّه ایشان گردد؟».

- غزالی در مقابل کسانی که می گویند: - شیعه، قرآنی به جز قرآن متداول مسلمین دارد - می گوید: شنیدم که در مجلسی علمی، شخصی گفت: طایفهٔ شیعه، قرآنی دیگر دارند که نسبت به قرآن متداول میان مسلمین کاستی و فزونی دارد. گفتم: «این قرآن که تو وصف می کنی کجاست؟ جهان اسلام که از نظر جغرافیایی در سه قارّهٔ زمین گسترده است، از زمان بعثت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم تا امروز که مدّت چهارده قرن را پشت سر نهاده، جز یک قرآن مضبوط و معلوم که آغاز و انجامش معیّن و سوره ها و آیات و کلماتش محدود و معدود است، نمی شناسد.

بنابراین قرآنی که تو ادّعا می کنی کجاست؟». (۲)

ص:۴۹۳

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۸)، ص ۹۶..

۲- (۲) . همان، ص ۱۰۶..

- به عقیدهٔ وی دین توصیه به زدودن شقاق و نزاع می کند و دعوت به وحدت و همبستگی می فرماید چه اینکه خداوند می فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا» (۱)و نیز می فرماید «ولا تنازعوا فتفشلوا» (۲). اما سوگندمندانه ما رویاروی این نصوص و محکمات هستیم.

تلاش ها

- تألیف مقالاتی در ردّ مبانی خالد محمّد خالد، نویسندهٔ کتاب من هنا نبدأ. (۳)- دعوت عموم مردم به اتّحاد و برادری در موارد گوناگون: مثلاً روزی به اطّلاع غزالی رساندند که در یکی از مساجد اختلاف و درگیری پدید آمد و نزدیک بود به زد و خورد بینجامد. چون در میان نمازگزاران نزاعی رخ داده که آیا در پایان اذان شرعی می توان درود و سلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم افزود و یا اینکه هرگونه اضافه بدعت به شمار می آید...، غزالی طرفین درگیری را فرا خواند و ضمن إلقای خطابه ای بلیغ، آنان را به دوری از تفرقه فرا خواند و به آنان گفت: «من حذف و إلغای اذان را در این مسجد بر پدید آمدن اختلاف و درگیری میان شما ترجیح می دهم. اذان مستحب است ولی وحدت، همبستگی و اخوّت اسلامی فریضه و واجب می باشد». (۴)

۱- (۱) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳.

۲- (۲) . سورهٔ انفال، آیهٔ ۴۶.

۳- (۳) . خالد محمّد خالد، یکی از استادان دانشگاه الازهر مصر و از هم فکران و دوستان غزالی به شمار می رفت. وی با انتشار کتابی به نام «یا اربعه میلیون هبوا!» مسلمانان جهان را به وحدت و یکپارچگی در مقابل توطئه های استعمار جهان دعوت کرد. پس از مدّتی نظریات او صد و هشتاد درجه تغییر کرد و به شدّت به غرب متمایل گردید. در سال ۱۳۷۰ق کتابی به نام «من هنا نبدأ» نگاشت و در آن از نظریهٔ جدایی دین از سیاست حمایت کرد. غزالی در ردّ این کتاب، سلسله مقالاتی در مطبوعات به چاپ رسانید و به طور مفصّل و با مبانی محکم و مستدل به نظرات خالد جواب داد. غزالی با خالد روابط دوستانه داشت ولی در این کتاب بدون ملاحظهٔ رفاقتش با شدّت در مقابل افکارش ایستاد. وی در این باره می گوید: «همانا خالد دوست من است ولی حق برای من دوست داشتنی تر است». (رویارویی مسلک ها و جنبشهای سیاسی در خاورمیانهٔ عربی تا سال ۱۹۶۷م، علی سمّان، ص۵۴)

۴- (۴) . طلایه داران تقریب (۸)، ص ۸۷ - ۸۸، به نقل از فصلنامهٔ میقات حج، ش ۲۳، ص ۲۰۵.

آیت اللّه محمّد مهدی شمس الدین

متوفای: ۱۳۷۶ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد مهدی، نام پدر: شیخ عبدالکریم، ولادت:

نیمهٔ شعبان ۱۳۵۳ق، محل تولّد: لبنان.

تحصیلات: ایشان در ۱۲ سالگی به نجف مراجعت نموده و با یادگیری مقدّمات ادبیّات عرب، پا به عرصهٔ سطوح متوسطه نهاد. سپس به شرکت در دروس عالیه و خارج فقه حوزه روی آورد. شیخ محمّد مهدی پس از مدّتی شرکت در دروس مرحوم آیت اللّه خویی، از ایشان اجازهٔ اجتهاد دریافت نمود.

اساتید، حضرات آیات: شیخ عبدالکریم (پدر)، شیخ محسن غرّاوی، شیخ عبد المنعم فرطوسی، سیّد محمّد روحانی، سیّد یوسف حکیم، سیّد علی علّامه فانی اصفهانی، سیّد محسن حکیم طباطبایی (صاحب مستمسک عروه الوثقی) و سیّدابوالقاسم خویی.

آثار قلمی: ایشان در طول حیات پر برکت خود، موفّق به تألیف کتابهای گوناگون در مسائل مختلف شد؛ اما متأسّفانه موفّق به چاپ همهٔ آنان نگردید لذا در یورش وحشیانهٔ رژیم صهیونیستی به لبنان، منزل این عالم شیعی، تخریب گشت و کتابها طعمهٔ حریق شد.

فهرست بخشی از آثار ایشان اعم از چاپ شده یا نشده بدین شرح است: دراسات فی نهج البلاغه، شرح عهد الاشتر (شرح عهد نامهٔ مالک اشتر)، بین الجاهلیه والاسلام، محاضرات فی التاریخ الاسلامی، دراسات ومواقف فی الفکر والسیاسه والمجتمع، فی الاجتماع السیاسی الاسلامی، و... .۱

سرانجام: این عالم جلیل القدر و منادی اتّحاد مسلمین، پس از مدّتی ابتلاء به سرطان ریه، در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۱ش در سن ۶۸ سالگی دار فانی را وداع و در جوار رحمت حق آرمید.

مرقد: لبنان، بیروت، مسجد امام جعفر صادق علیه السلام .۲

۱. گلشن ابرار، ج۳، ص۵۶۳ - ۵۶۴.

۲. گزارش رحلت و مراسم تشییع و تدفین آن دانشمند برجستهٔ جهان تشیع، در مطبوعات دی ماه ۱۳۷۹ ایران درج گردیده است.

تلاش ها

- ایشان از منادیان وحدت اسلامی بود و در این راه مقالات و سخنرانی های متعدّدی از خویش به یادگار نهاد.

- در مدّتی که وی سمت معاونت اول رئیس هیئت شرع مجلس اعلای شیعیان لبنان را داشت، مجلس اهداف ذیل را پی گرفت:

اتّحاد شیعیان و تلاش برای بهبود اوضاع سیاسی - اجتماعی آنان.

مبارزهٔ پی گیر با فقر و جهل و ستم های اجتماعی و فسادهای اخلاقی.

ایجاد وحدت بین همهٔ مسلمانان جهان.

حمایت از مقاومت فلسطین و... . (۱)- اعزام به تبلیغ به دستور آیت اللّه حکیم: آیت اللّه شمس الدّین به نمایندگی از سوی آیت اللّه حکیم به شهر دیوانیّهٔ عراق رفت و چندین سال متوالی در این منطقه به هدایت دینی مردم پرداخت و در جهت رشد فکری و اصلاح فرهنگ آنان اهتمام ورزید.

- خاتمه بخشی به اختلافات فرقه ای: او موفّق گردید نزاع ها و اختلافات قومی و قبیله ای این منطقه را که استعمارگران نیز در تشدید آن می کوشیدند، با دوراندیشی، تدبیر و درایت خویش کاملاً از بین ببرد و صلح و صفا و اتّحاد را در میان عشایر این سامان برقرار سازد. (۲)

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج۳، ص۵۵۲..
۲- (۲) . همان، ص ۵۴۴، به نقل از مجلّهٔ آئینهٔ پژوهش، سال ۱۲، شمارهٔ ۶۷، ص۱۲۷..

علّامه محمّد تقی جعفری

متوفای: ۱۳۷۷ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد تقی، نام پدر: کریم، ولادت: ۱۳۰۴ش، محل تولّد: ایران، تبریز.۱

تحصیلات: وی شش ساله بود که وارد مدرسهٔ اعتماد تبریز شد. هوش سرشار وی، مدیر مدرسه را بر آن داشت تا محمّد تقی را از کلاس اول به کلاس سوم بفرستد. پس از چندی او به همراه برادرش به مدرسهٔ طالبیّهٔ تبریز رفته و مشغول تحصیل دروس مقدّماتی حوزوی گردید. در سال ۱۳۱۹ش محمّد تقی برای ادامهٔ تحصیل، تبریز را به مقصد تهران ترک گفت. وی در آنجا به تلّمذ دروس مکاسب، کفایه، حکمت و... در محضر اساتید آنجا مشغول گشت. پس از مدّتی محمّد تقی به قم مراجعت نمود و در مدرسهٔ دار الشفاء به ادامهٔ تحصیل پرداخت. یک سال بعد او عازم نجف گردید و در آن دیار از محضر بزرگان علوم گوناگون بهره ها برد.

سرانجام شیخ محمّد تقی جعفری پس از ۲۳ سال تلاش و مجاهدت علمی، قلّهٔ اجتهاد را فتح نمود.۲

اساتید، حضرات آیات: محمّد رضا تنکابنی، میرزا مهدی آشتیانی، شیخ مهدی مازندرانی، محمّد تقی زرگر، امام خمینی رحمه الله ، میرزا فتّاح شهیدی، محمد کاظم شیرازی، سیّدابوالقاسم خویی، سیّد مهدی شاهرودی، سیّد جمال گلپایگانی، سیّد هادی میلانی، صدرا قفقازی، مرتضی طالقانی، سیّد محسن حکیم، سیّد عبد الهادی شیرازی و... .۳

شاگردان: علّامه حدود ۵۰ سال به تعلیم و تربیت جامعه اشتغال داشت، در این مدّت طولانی، بسیاری از پژوهشگران حوزه و دانشگاه از دروس ایشان استفاده کرده و نکته ها آموختند که از جمله می توان به دکتر عبدالرحیم گواهی، دکتر عبداللّه نصری، مهندس عبدالعلی مُصحّف و حجّه الاسلام دکتر محمّد مهدی گرجیان۴، اشاره کرد.

آثار قلمی: از استاد بیش از ۱۰۰ کتاب باقی مانده است که به برخی از آنان اشاره می گردد: ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (۲۷ جلد)، انسان از دیدگاه قرآن، اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر، علم و دین در حیات معقول و... .

سرانجام: فیلسوف بزرگ شرق، پس از گذراندن دوره ای بیماری، در بیمارستان لیستر شهر لندن بستری شد؛ اما سرانجام در ۲۵ آبانماه ۱۳۷۷، روح بلندش به اعلی علیّین پرواز و در جوار رحمت حق آرام گرفت.

مرقد: ایران، مشهد مقدّس، جوار بارگاه ملکوتی ثامن الحجج علیه السلام .۵

۱. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۵۰۸ ، به نقل از فیلسوف شرق، محمّدرضا جوادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص۶.

۲. همان، ص ۵۰۹ – ۵۱۲ .

۳. همان، ص۵۱۲، به نقل از فیلسوف شرق، ص۳۵ - ۳۶.

۴. همان، ص ۵۲۶ .

۵. با فیلسوف شرق در تبریز، ص ۱۱۳.

ص:۴۹۷

- وی از دو وجهِ عامل عقلی و عامل اخلاقی به مسألۀ تبعیّت انسان از وحدت و احساس در قبال آن پرداخته و در ادامه، عامل وحدتِ اختیاری را به عنوان ملاک دینی مطرح می سازد.

- ایشان در تشریح عامل اخلاقی اشاره داشته که تمامی مکاتب و تفکرات دربارۀ اخلاق به قدر کافی اندیشیده اند، حتی آنهایی که معتقد به مبدأ و معاد نبوده اند نیز دم از وحدتِ مورد بحث و لزوم احساس آن زده اند و عمدۀ دلیل آن را اخلاق فاضلۀ انسانی معرّفی کرده اند.

- او معتقد بود، هماهنگی و وحدت حقیقی انسانها، از گردیدن تکاملی الهی بوجود می آید و احساس جدّی این وحدت، از نتایج اعتلای مغز و روان آدمی است.

- علّامه در ادامه عنوان می کند که بذرهای اولیّۀ این نوع وحدت گرایی با دست مشیّت الهی، در درون همۀ انسانها قرار گرفته است و این خودِ انسان است که با معرفت و تکاپوی خالصانه و اختیاری خود، آن را به فعلیّت و رویش می رساند و همین معرفت او را به مقام معنی می رساند و انسانی اینچنین، می تواند به وحدت عالی رسد، به این مقام معنی رسیده و می تواند ارزش آن را احساس کند.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اهل کتاب را به وحدت با مسلمانان دعوت می فرمود آن دعوت چنین بود: «قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا إِلی کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ أَلّا نَعْبُدَ إِلَّا اللّهَ وَ لا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئاً وَ لا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنّا مُسْلِمُونَ» (۱).

«بگو ای اهل کتاب، بیایید کلمه ای را که میان ما و شما مشترک است بپذیریم این که جز خدا را نپرستیم و بر او شرک نورزیم و جز خدا، بعضی از ما بعض دیگر را ارباب قرار ندهد و اگر آنان روی گردان شدند، بگویید: گواه باشید که ما اسلام را پذیرفته ایم.

۱- (۱) . سورۀ آل عمران، آیۀ ۶۴..

- او معتقد بود و می گفت: تردیدی نیست که هر سه اصل مشترک (اعتقاد به خداوند یگانه و منزه دانستن او از شریک و عبادت حقیقی آن ذات اقدس و آزادی همه مردم از زنجیر بردگی یکدیگر) نیاز به تحصیل درک و معرفت و کوشش های اختیاری دارد که شخصیّت آدمی اعتلا پیدا کند و به درجهٔ معنی دار بودن بر مبنای اعتقادات مزبور برسد و با انسان معنی دار دیگر، وحدت خود را دریابد.

علّامه بزرگوار علّت این تساوی و وحدت را معطوف به بُعد روحی انسان می دانست که اگرچه از یک طرف مجاور سطوح طبیعت است، ولی از طرف دیگر رو به ماورای طبیعت و مبدأ کمال و جمال مطلق خدا است و نتیجهٔ آن این گونه است که برادری و هماهنگی و تساوی و بالاتر از همهٔ این ارتباطات، رابطهٔ وحدت به منبع خورشید عظمت الهی متّصل است، چنان که قرآن کریم چنین می فرماید: «هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَهٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها» (۱).

۱- (۱) . سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۸۹..

آیت اللّه سیّد محمّد صدر

شهادت: ۱۴۱۹ق

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام موسی کاظم علیه السلام ۱

نام: سیّد محمّد، نام پدر: سیّد محمّد صادق، ولادت:

۱۷ ربیع الاول ۱۳۶۲ق، محل تولّد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: او تا ۱۱ سالگی از محضر پدر و جدّش استفادهٔ علمی برد و سپس در سال ۱۳۷۳ق وارد حوزهٔ علمیهٔ نجف گردید. سیّد محمّد در سال ۱۳۷۹ق وارد دانشکدهٔ فقه نجف شد و پس از آن به تحصیل دروس سطح در سال ۱۳۸۳ق پرداخت. وی سپس در دروس خارج فقه و اصول مراجع عظام حاضر شد و نهایتاً در سال ۱۳۶۹ق در ۴۳ سالگی موفّق به دریافت درجهٔ اجتهاد گردید.۲

اساتید، حضرات آیات: شیخ محمّد رضا آل یاسین (جد سیّد محمّد صدر)، سیّد محمّد صادق صدر (پدر)، سیّد طالب رفاعی، شیخ حسن طراد عاملی، سیّد محمّد تقی حکیم، شیخ محمّد تقی ایروانی، شیخ محمّد رضا مظفّر، شیخ صدر الدین بادکوبه ای، سیّد محمّد باقر صدر، سیّدابوالقاسم خویی، سیّد محسن حکیم.

آثار قلمی: نظرات الاسلامیه فی اعلان حقوق الانسان، أضواء علی ثوره الحسین علیه السلام ، اشعه من عقائد الاسلام، موسوعه الإمام المهدی عجل اللّه تعالی فرجه الشریف، فقه الاخلاق، و... .

سرانجام: ایشان در شامگاه روز پنجشنبه دوم ذیقعدهٔ ۱۴۱۹ق در حال بازگشت از مجلس عزاداری، به همراه دو فرزندش، ناگاه خودروی آمریکایی را مشاهده می نماید که چند جوان ناشناس مسلّح از آن پیاده شده و اتومبیل ایشان را به رگبار بستند. آیت اللّه سیّد محمّد صدر و دو فرزندش در این حادثه، به فیض شهادت نائل آمدند.۳

۱. دائره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲. گلشن ابرار، ج ۴، ص ۵۴۷، به نقل از روزنامهٔ کیهان، ۳۰ بهمن ماه ۱۳۷۸، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۵۵۶.

اندیشه ها

- آیت اللّه سیّد محمّد صدر بر وحدت اسلامی بسیار تأکید می نمود و همهٔ مذاهب اسلامی را باهم برادر می دانست.

- ایشـان می گفت: به اعتقاد من، بالاترین و والاترین قضـیه ای که بر همـهٔ مسـلمانان در حال حاضـر بلکه در همه حال واجب است، وحدت و برادری است. (۱)- وی عقیـده داشت: اکنون ما بیش از هر زمانی احتیاج داریم که ید واحدی باشـیم و با هم مخلصانه و صادقانه برادری ورزیم. (۲)تلاش ها

- دعوت از برادران اهل سـنت برای شـرکت در مراسم پرشکوه نماز عبادی - سیاسی جمعه. (۳)- اعزام بیش از ۸۰ روحانی به مناطق مختلف در جهت ایجاد موج بیداری بین مردم

- صدور فتوای جواز بر اقتدای شیعیان به امام جماعت اهل سنت. (۴)

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۴، ص ۵۵۲، به نقل از الصدر الثانی، الشاهد والشهید، ضمائم، ص۶ ..

۲- (۲) . همان..

۳- (۳) . همان، ص ۵۵۳، به نقل از رجل الفکر والمیدان، ص ۸۲ ..

۴- (۴) . همان، به نقل از رجل الفکر والمیدان، ص ۵۲ ..

آیت اللّه سیّد ابو الحسن فاضل بهسودی

متوفای: ۱۳۷۷ش

چکیده ای از زندگی نامهٔ فرزندی از تبار امام زین العابدین علیه السلام

نام: سیّد ابو الحسن، نام پدر: سیّد محسن، ولادت:

۱۳۱۹ش، محل تولّد: افغانستان، استان میدان، کجاب بهسود.

تحصیلات: وی مقدّمات علوم اسلامی را نزد عمویش در زادگاه گذرانید و پس از مدّتی جهت طی نمودن مدارج بالاتر علمی به کابل عزیمت نمود. او بسیار سریع از چهره های ممتاز حوزهٔ علمیهٔ محمّدیه گردید. سیّد ابوالحسن در سال ۱۳۴۹ش عازم شهر نجف شده و در دروس فقه و اصول علمای آن دیار معرفت، به شاگردی پرداخت. ایشان مدّت ۱۰ سال در دروس خارج فقه آیات عظام، خویی و صدر شرکت جست و پس از ۱۵ سال اقامت در کنار بارگاه ملکوتی امیر المؤمنین علی علیه السلام به درجهٔ اجتهاد نائل آمد.

اساتید: سیّد حسن مصطفوی (عمو)، شیخ خان علی، و حضرات آیات: شهید سیّد محمّد سرور واعظ،۱ شیخ صدرا بادکوبه ای، شیخ حسین لنکرانی، سیّد ابوالقاسم خویی، شهید صدر.

شاگردان: آیت اللّه بهسودی درسهای سطوح عالیه از جمله کفایه، رسائل، مکاسب، حلقات شهید صدر و درسهای عقائد را تدریس می نمود که در درسهای ایشان، طلاب فاضل از کشورهای مختلف افغانستان، پاکستان، ایران، لبنان و عراق شرکت می نمودند. در اینجا به برخی از شاگردان ایشان اشاره می گردد: شیخ علی اکبر محقّق، سیّد محمّد باقر زکی، شیخ محمّد محقّق، شیخ ابو احمد ساعدی، سیّد عبداللّه فضل اللّه لبنانی، شیخ گردی حسین توکّلی، سیّد باقر علوی، شیخ علی حسن رفیعی.

آثار قلمی: آراء الذرّین حول الذرّه والحرکه، حول المعتقدات، حوار حول المهدی الفاطمی، منتهی المطالب فی شرح المکاسب، و... .۲

سرانجام: این فقیه فقید، پس از سالها خدمات انجام گرفته و یا نیمه تمام و به یادماندنی، در سپیده دم ۲۳ مهرماه ۱۳۷۷ش در سن ۵۸ سالگی، در اثر بیماری سرطان خون، دنیای فانی را به قصد دیار باقی ترک گفته و روح پاکش به ملکوت اعلی پرواز کرد.

مرقد: ایران، قم، گلزار شیخان.

۱. ایشان بخشی از عمر شریف خویش را در زندان رژیم سلطنتی افغانستان گذرانید، او در زندان هم بیکار ننشست و به تدریس و تألیف مشغول گردید و حلقهٔ درسی را برای علمای اهل سنت از کتب فقهی خود شان تشکیل داد. (شهدای

روحانیّت شیعه در یکصد سالهٔ اخیر، ج۱، ص۳۵۵).

۲. ستارگان حرم، ج۶، ص۱۲ - ۳۷.

ص:۵۰۲

اندیشه ها

- ایشان همبستگی احزاب شیعی و هماهنگی مجموعه های شیعی و سنی را، گامی مطمئن در مسیر وحدت ملّی تلقّی می نمود.

- او بستر مناسب برای همزیستی در فردای وطن را، تحکیم همگرایی و همبستگی میان همهٔ گروه های اجتماعی می دانست و به همین جهت، همواره آنها را به هماهنگی و تفاهم دعوت می کرد. ایشان در این راستا، موانع زیادی را از سر راه مجموعه های شیعی و سنّی برداشت. (۱)- آیت اللّه بهسودی نزدیک شدن مذاهب موجود در صحنه های سیاسی فرهنگی و جهادی را، یکی از راه های مؤثّر و پشتوانهٔ قوی و مثبت برای پیشرفت امور جامعه می دانست.

- وی گرایشهای فاقد پشتوانهٔ فرهنگی برای همبستگی واقعیّتهای قومی و مذهبی در کشور را خطرناک تلقّی می نمود.

تلاش ها

- تأسیس حزب وحدت اسلامی افغانستان.

- همکاری با شورای مشورتی در لاهور پندی.

- ایجاد هماهنگی میان سران احزاب جهادی تسنّن و تشیع.

- ارائهٔ طرح رسمیّت مذهب جعفری در قانون اساسی.

- ابتکارات صلح میان نیروهای مستقر در پایتخت.

- عضویّت در شورای عالی قیّادی افغانستان، در راستای ایجاد فضای بهتر الفت و تعمیق وفاق معنوی میان جامعهٔ شیعی واهل تسنن.

- ورود به افغانستان در رأس هیئت صلح، جهت برقراری صلح و رفع تشنّجات گروهی (شیعه و سنی) در سال ۱۳۶۴ش.

۱- (۱) . ستارگان حرم، ج۲، ص۱۸..

- دعوت مسلمین به تفاهم در مناطق مرکزی افغانستان (سال ۱۳۶۵ش)، و در منطقهٔ جاغوری (سال ۱۳۷۳ش).

- انجام اقدامات لازم جهت تحقّق طرح تقریب مذاهب اسلامی.

- تماس با شخصیّتهای مذهبی اسلامی.

در کتاب زندگی نامهٔ آیت اللّه فاضل آمده است: «ایشان هماهنگی های برادرانه را با علمای طراز اول، برادران اهل سنت و جماعت بوجود آورد و برای تحقّق طرح همبستگی مذاهب اسلامی، به کنکاش گوناگون پرداخت. از همین رو روابطی با شخصیّتهای علمی - مذهبی برادران اهل تسنن چون: مرحوم شیخ سعید شعبان در لبنان، قاضی حسین احمد در پاکستان، سیّد برکه در فلسطین، دکتر حسن ترابی در سودان، مولوی نصر اللّه منصور در افغانستان، برقرار ساخت. (۱)

۱- (۱) . ستارگان حرم، ج۶، ص۱۹ - ۲۰، به نقل از زندگی نامهٔ ایشان، ص ۷..

واعظ شهیر حجّه الاسلام والمسلمین

محمّد تقی فلسفی

متوفای: ۱۳۷۷ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد تقی، نام پدر: شیخ محمّد رضا، ولادت:

۱۲۸۶ش، محل تولّد: ایران، تهران.

تحصیلات: محمّد تقی در شش سالگی به دبستان توفیق رفت و به تحصیل دروسی چون صرف، نحو و مقدّمات علوم دینی پرداخت و با پا فشاری و اصرار مادر، به منبر روی آورد.۱ ایشان خود در این باره می گوید: «چون مادرم عاشق ابا عبداللّه الحسین علیه السلام بود، به آرزوی خویش رسید و مرا در مسیر خطابه و منبر قرار داد»۲ همزمان با نظارت شدید پدر به تحصیل درس پرداخت و دو روز در هفته را به منبر می رفت.

شیخ محمّد تقی اولین منبر را در سن ۱۵ - ۱۶ سالگی در مسجد فیلسوفها و در وصف مولیٰ امیر المؤمنین علی علیه السلام آغاز نمود.۳

اساتید: آقا میرزا مهدی آشتیانی، آقا میرزا طاهر تنکابنی، آقا سیّد کاظم عصّار، آقا شیخ ابراهیم امامزادهٔ زیدی.

آثار قلمی: آیه الکرسی پیام آسمانی توحید، جوان از نظر عقل و احساسات، بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، معاد از نظر روح و جسم، اخلاق از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی و... .۴

سرانجام: خطیب توانا و زبان گویای اسلام، حجّه الاسلام و المسلمین شیخ محمّد تقی فلسفی پس از عمری تلاش، مجاهدت و نُطق پرشور در راه اسلام، در سال ۱۳۷۷ش و در سن ۹۳ سالگی بر اثر کسالت به جوار رحمت حق شتافت.۵

مرقد: ایران، شهر ری، حرم مطهر حضرت عبد العظیم علیه السلام ، مقبرهٔ آیت اللّه کاشانی.

۱ - ۳. گلشن ابرار، ج ۵، ص ۵۲۳ - ۵۲۴، به نقل از زبان گویای اسلام، ج۹، ص۱۱ - ۱۳.

۴. همان، ص ۵۳۶ .

۵. همان، ص ۵۳۷ .

- به عقیده وی حکومت طاغوتِ قبل از انقلاب اسلامی، مردم را به سه شیوه، خلع سلاح کرده بودند:

خلع سلاح اول: فاصلهٔ بین مردم و روحانیت.

خلع سلاح دوم: جدایی انداختن بین مردم و امام حسین علیه السلام .

خلع سلاح سوم: وحدت کلمه. (۱)تلاش ها

- ایشان در اوج فعّالیّتهای کمونیستها و حزب توده، با دعوت همهٔ مسلمانان به اتّحاد و نیز سخنرانیها و حمایت از فتاوای مراجع تقلید و بزرگان، از جمله آیت اللّه کاشانی، به مبارزه با ملحدین و منکرین توحید و ادیان الهی پرداخت.

- وی با تشویق همهٔ فرق اسلامی و همهٔ ادیان توحیدی، در مقابل منکرین خدا و مذاهب اسلامی، استقامت کرد و با سخنرانی های منطقی و مستدل و شورانگیز، سدّ محکمی در مقابل جبههٔ الحاد و کفر ایجاد نمود.

- مرحوم فلسفی از شروع نهضت امام خمینی رحمه الله تا بعد از پیروزی انقلاب، از یاران خالص و فعّال امام و حامیان قوی نهضت اسلامی ایران بود.

- او در مبارزه با دولت طاغوت و رساندن پیام مراجع به مردم تهران و حتی ایران و نیز تشویق مردم به وحدت و همبستگی و مقابله با دولت طاغوت سهم بسزایی داشت.

- امام راحل رحمه الله برای این مرد بزرگ به عنوان خطیب اسلام و حامی انقلاب اسلامی ایران، ارزش والایی قائل بودند.

ص:۵۰۶

۱- (۱) . کدامیک، انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی، استاد محمّد تقی فلسفی، ص۱۴..

آیت اللّه شهید سیّد محمّد باقر حکیم

شهادت: ۱۳۸۳ش

چکیده ای از زندگی نامه۱

نام: سیّد محمّد باقر، نام پدر: سیّد محسن، ولادت:

۱۳۱۸ش، محل تولّد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: او علوم اولیّه را در مکتب خانه های نجف فرا خواند در ۱۲ سالگی علوم حوزوی را آغاز نمود.

سیّد محمّد باقر تا سال ۱۳۳۵ش مشغول تحصیل دروس سطح بود و در همین سال، سطح عالی دروس حوزوی را آغاز نمود. وی پس از چند سال زحمت و تلاش علمی، دروس خارج را نزد علمای بزرگ حوزه تلمّذ نمود و نهایتاً در سال ۱۳۴۴ش موفّق به أخذ درجهٔ اجتهاد گردید.

اساتید، حضرات آیات: سیّد محمّد سعید حکیم، سیّد محمّد حسین حکیم، سیّد یوسف حکیم، سیّد محمّد باقر صدر، سیّد ابوالقاسم خویی.

سرانجام: تلاش ها و مجاهدت های شهید بزرگوار آیت اللّه حکیم باعث شد وی از آنچنان نفوذ و مقبولیّتی در میان مردم عراق و حتی سایر بلاد اسلامی برخوردار شود که استکبار جهانی و عوامل مزدور او نسبت به آیندهٔ خود به خصوص در عراق، به طور جدّی احساس خطر کنند ولذا کمر به نابودی این شخصیّت ارزشمند بستند و در تاریخ هفتم شهریور ماه سال ۱۳۸۳ش او را پس از ایراد خطبه ها و اقامه نماز جمعه در نجف اشرف به طرز فجیعی به شهادت رساندند.

مرقد: عراق، نجف اشرف، وادی السلام.

۱. کلیهٔ مطالب این قسمت از پایگاه اطّلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در مهرماه ۱۳۸۶ اقتباس گردیده است.

- آیت اللّه حکیم به ضرورت احترام به اقلیّتهای قومی و دینی و حقوق عمومی آنها و تضمین وحدت عراق در چارچوب قانون اساسی واحد، ایمان داشت؛ همچنانکه بر آن بود که باید به پیروان این اقلیّتها حق عمل به اعتقادات دینی آنها داده شود، به وحدت سرزمین عراق نیز ایمان داشت و در برابر هرگونه فعّالیّت جدایی طلبانه و تجزیه طلبانه و تقسیم عراق، ایستادگی می کرد و به وحدت اسلامی میان مذاهب مختلف اسلامی فرا می خواند و علیه هر حرکت فرقه ای دینی نیز ایستادگی می نمود.

- وی پیرامون وحدت و همبستگی ملّت عراق سفارش می نمود که، اسلام بهترین چارچوبی است که می تواند حرکت ملّت عراق را وحدت بخشد و حقوق کامل همهٔ قومیّتها و مذاهب و اقلیّتها را تضمین نماید و در واقع نمایانگر هویت ملّت مسلمان عراق است و به اقلّیتها احترام می گذارد و از صدر اسلام تا کنون، وجود آنها را پاس داشته است.

- او بر این باور بود که نظام بین المللی باید بر محورهای ذیل استوار باشد:

همسان سازی زندگی بشری

پایان بخشیدن به تمامی تفاوتهای نژادی، طبقاتی، استثمار و سلطه

احترام به حقوق اساسی انسان و اصول و قوانین و موافقتنامه ها و اعلامیه های جهانی و بین المللی

احترام به حقوق دینی ادیان آسمانی و ساختار اجتماعی انسان و هستهٔ مرکزی آن (خانواده) و حقوق برابر و متقابل میان زن و مرد

روابط با دولتها باید براساس منافع و احترام متقابل و احترام دولتها به حقوق انسان و عدم دخالت در امور داخلی و ضرورت مجازات متجاوز و محاکمهٔ جنایتکاران جنگی و جنایتکاران در حق ملّتها باشد.

اهمّیت حُسن همجواری میان دولتها و کوشش در جهت لغو تفاوتهای شمال و جنوب

احترام به ارادهٔ ملّتها و یاری ستمدیدگان و محرومان

قرار گرفتن در کنار جنبش های رهایی بخش جهانی و مسایل محرومان و نیز مسائل حقوق بشر.

- ایشان در هر گامی که برمی داشت بر ضرورت وحدت دست اندرکاران اسلامی انگشت می گذارد و به همین خاطر با همهٔ طرفهای سیاسی - اسلامی - عراقی، برای وصول به این وحدت و تحقّق اتّحاد عمل به گفتگو پرداخت؛ ایشان سعی داشت با ایجاد یک نهاد سیاسی متولّی مدیریّت جنبش اسلامی عراق و وحدت بخشیدن به مواضع سیاسی آن، به این مهم نائل آید.

تلاش ها

- تأسیس «جماعه العلماء المجاهدین فی العراق».

- تأسیس «مکتب الثوره الاسلامیه فی العراق» و به دنبال آن «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» در سال ۱۴۰۲ق.

- دیدار و گفتگو با دبیر کل وقت سازمان ملل متّحد (خاویر پرز دو کوئیار)، نخست وزیر ترکیه، نخست وزیر سودان، ملک حسین و ولیعهد وی شاهزاده حسن.

- سفر به کشورهای مختلف اسلامی مانند سعودی، سوریه، کویت، لبنان و نیز انگلستان و سویس.

- نقش بسیار مهم در تأسیس دو نهاد اسلامیِ جهانی در ایران شامل:

۱) مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی که ریاست شورای عالی آن را بر عهده داشت.

۲) مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام که نیابت رئیس شورای عالی آن به عهدهٔ ایشان بود.

ص:۵۰۹

آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی

متوفای: ۱۳۸۵ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: میرزا جواد، نام پدر: حاج علی، ولادت:

۱۳۰۵ش، محل تولّد: ایران، تبریز.۱

تحصیلات: وی پس از پشت سر نهادن ایّام کودکی، مشغول تحصیل گردید، او از همان آغاز در تحصیلات مدارس جدید بسیار موفّق بود پس از پایان دورهٔ متوسطه، در سال دوم دبیرستان بود که کم کم به خاطر جذابیّت و معنویّت حوزهٔ علمیه و آشنایی با گروهی از طلاب فاضل، تصمیم به رها نمودن تحصیلات کلاسیک گرفت. میرزا جواد در ابتدا در مدرسهٔ طالبیهٔ تبریز سکونت گزید و با مرحوم علّامه شیخ محمد تقی جعفری هم حجره گردید.۲ ایشان در مدّت چهار سال مقدمات و مقداری از دروس سطح را در شهر تبریز به پایان رسانید و در سال ۱۳۲۷ش تبریز را به مقصد قم ترک گفت.

میرزا جواد در قم دورهٔ سطح را به اتمام رسانیده و مشغول شرکت در دروس خارج بزرگان حوزه گردید.

چند سال بعد به نجف عزیمت نمود و در دریای پر تلاطم علم آن دیار، از محضر بزرگان کسب فیض نمود.

ایشان با تمام توان و تلاش خود توانست در جوار مرقد شریف امیر المؤمنین علی علیه السلام قلهٔ رفیع اجتهاد را فتح نماید.

اساتید، حضرات آیات: بروجردی، سیّد عبد الهادی شیرازی، سیّد ابوالقاسم خویی.

شاگردان ، آیات و حجج اسلام: جعفر تبریزی (فرزند ایشان)، شهید عارف حسین حسینی، محمّد علی سپهر، سیّد هادی رفیعی پور علوی، محمّدتقی شهیدی پور، حسین شوپایی، حسین وحیدپور، سید علی مددی، محمّد سند و... .

آثار قلمی: ارشاد الطالب، طبقات الرجال، تکمله منهاج الصالحین، مناسک حج، حاشیه بر عروه الوثقی، شرح کفایه الاصول، انوار الالهیه فی المسائل العقائدیه و...

سرانجام: این بزرگ مرجع تقلید جهان تشیع و فقیه اهل بیت علیهم السلام ، به علّت بیماری، مدّتی در بیمارستان کسری تهران بستری و پس از حدود ۸۰ سال عمر با برکت، در آبان ماه ۱۳۸۵ در جوار رحمت حق آرام گرفت.

مرقد: ایران، قم، جوار مرقد مطهّر کریمهٔ اهل بیت حضرت فاطمهٔ معصومه علیها السلام .

۱. گلشن ابرار، ج ۷، ص ۴۵۷، به نقل از گنجینهٔ دانشمندان، ج ۷، ص۱۳۶.

۲. روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۷ آبان ماه ۱۳۸۶.

- آیت اللّه تبریزی همواره در برابر حوادثی مهم همچون انقلاب اسلامی ایران، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جریانات سیاسی و حوادثی که برای سایر مسلمانان در سطح جهان پیش می آمد موضع گیری و دیدگاه خود را اعلام می نمود. وی همیشه به وحدت مسلمانان که یکی از آرزوهای دیرینه اش بود می اندیشید و تأکید می نمود که با همدلی می توان خطر یهود و سایر دشمنان را خنثی نمود.(۱)

ایشان می گفت: هر کس در حدّ توان خود باید در جهت انتشار مذهب برحقّ تشیع تلاش کند و (نسبت) به ملّت های مختلف با کردار و رفتار خود، محبّت تشیع را در دل آنها بیندازد.(۲)

وی در جواب استفتایی که از ایشان دربارهٔ شیوهٔ مناظرات علمی شده بود، نوشت: در مجادلات علمی سعی شود از جادّهٔ انصاف و اعتدال خارج نشوید و همیشه و همه جا استدلال و منطق را پایهٔ مباحثات و گفت و شنودهای خویش قرار دهید. ان شاء اللّه که موفّق باشید و همّت کنید اعمالی که موجب تفرقه و اختلاف بین مسلمانان است صورت نگیرد.(۳)

این مرجع تقلید همواره به افرادی که می خواستند به سفر حج مشرّف شوند سفارش می نمود که هر شیعی باید در مسجد النبی صلی الله علیه و آله ، بقیع و مسجد الحرام، مواظب حرکات و سکنات خود باشد و در ضمن انجام اعمال عبادی و توسّل به مقام شامخ اهل بیت علیهم السلام ، طوری عمل کند که باعث جذب قلوب دیگران شود که این فرصت الهی همیشه نصیب انسان نمی شود و خوشا به حال آنان که با اخلاص قدر آن روزها را بدانند.(۴)

ایشان معتقد بود: مطالب و مظلومیّتها(ی حضرت زهرا علیها السلام) باید بیان شود، طوری هم نباشد که باعث دشمنی افراد شود. در کشور ما تمام مذاهب اسلامی زندگی می کنند ولی با بیان دقیق و منطقی مسائل، می توان اتّحاد و محبّت ایجاد کرد.

- وی همواره نگران جامعهٔ دینی بود و در این خصوص روشنگری در جامعه را یکی از ضرورتها می دانست.

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج۷، ص۴۶۳.

۲- (۲) . پایگاه اطّلاع رسانی دفتر مرحوم آیت اللّه العظمی تبریزی، بهمن ماه ۱۳۸۶..

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . همان.

آیت اللّه العظمی

حاج شیخ محمّد فاضل لنکرانی(۱)

متوفای: ۱۳۸۶ش

>> چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمّد، نام پدر: شیخ فاضل، ولادت: ۱۳۱۰ش، محل تولّد: ایران، قم.

*تحصیلات:

وی پس از پایان دوران کودکی و گذراندن دوره های تحصیلِ ابتدایی و دبستان، وارد حوزهٔ علمیهٔ قم گردید. اشتیاق فراوان او و تلاش و پشتکارش باعث گردید تا در عنفوان جوانی به مقامات عالیهٔ علم و کمالات برسد؛ بطوری که نقل است که آیت اللّه محسن ملایری می گفتند که مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی درزمانی که آیت اللّه فاضل در سن جوانی بودند بارها تصریح به اجتهاد ایشان داشتند. شیخ محمّد در سالهای دههٔ ۱۳۴۰ش از مدّرسان معروف، برجسته و کاملاً شناخته شده ای بود که فضلای آن روز حوزهٔ علمیهٔ قم، سطوح عالیه را در محضر وی می خواندند. پس از ارتحال حضرات آیات امام خمینی، خویی، گلپایگانی و اراکی، جامعهٔ مدرّسین حوزهٔ علمیهٔ قم ایشان را به همراه ۶ نفر دیگر از بزرگان حوزهٔ علمیه، به عنوان مرجع تقلید به مردم معرّفی نمود.

*اساتید:

حضرات آیات: فاضل لنکرانی (پدر)، سلطانی، شیخ عبد الجواد جبل عاملی، شیخ مرتضی حائری، حاج آقا حسین بروجردی، علّامه طباطبایی، امام خمینی رحمه الله و... .

*شاگردان:

صدها نفر در فقه و اصول از جمله آیات و حجج اسلام: حاج آقا جواد فاضل (فرزند ایشان)، سیّد هاشم حسینی بوشهری، حسین انصاریان، سیّد هادی رفیعی پور علوی، سید علی قاضی عسکر، حسین ملکا، کمال الدین خدّامی و... .

*آثار قلمی:

تفصیل الشریعه، حاشیه بر عروه الوثقی، نهایه التقریر، شرح الاجتهاد والتقلید، مجمع الفهارس، ائمهٔ اطهار علیهم السلام یا پاسداران وحی در قرآن کریم و... .(۲)

*سرانجام:

بزرگ مرجع تقلید جهان تشیع، پس از گذراندن دورهٔ بیماری در بیمارستان، در سن ۷۶ سالگی جان شریف خویش را به جان آفرین عالم تقدیم نمود و در جوار رحمت حق و سایه سار حضرات معصومین علیهم السلام آرام گرفت.

*مرقد:

ایران، قم، جوار مرقد کریمهٔ اهل بیت حضرت فاطمهٔ معصومه علیها السلام .

ص:۵۱۲

۱- ۱. اکثر مطالب این بخش، از پایگاه اطّلاع رسانی معظم له تهیّه گردیده است.

۲- ۲. گلشن ابرار، ج ۶، ص ۵۷۸ - ۵۷۹ .

>> اندیشه ها

– ایشان با آنکه علاقه ای وافر به حضرات ائمهٔ معصومین علیهم السلام داشت، اما این علاقه، مانع از جدّیت و اهتمام ایشان در یکپارچگی مسلمانان در مقابل دشمنان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان نبوده است.

– مرحوم آیت اللّه فاضل لنکرانی همچون حضرت امام خمینی رحمه الله قائل به تقیه مداراتی بوده و حضور شیعیان در نمازهای جماعت اهل سنت را بویژه در ایّام حج جایز می دانستند.

– نظر ایشان در رابطه با مراسم، اهداف، اعمال و اسرار حج آن بود که خداوند متعال اجتماع مسلمانان را با ملیّتهای مختلف از شرق و غرب عالم، در این مراسم واجب نمود تا یکدیگر را بشناسند و با تفاهم و نزدیکی به اتّحاد رسیده، مشکلات اجتماعی خود را حل نمایند.

>> تلاش ها

– ایجاد ارتباط با علمای اهل تسنن و تلاش برای تحکیم وحدت بین شیعه و سنی.

– اعزام مبلّغان روحانی به مناطق سنی نشین محروم و آسیب پذیر در غالب ایّام محرم، صفر، رمضان و ایّام فاطمیه علیها السلام .

– حمایت از مظلومان لبنان و فلسطین به مناسبتهای گوناگون.

– انجام امور فرهنگی - تبلیغی و پاسخگویی به شبهات وهابیّت توسط بعثهٔ ایشان در ایّام حجّ: دغدغه ها و نگرانی های حضرت آیت اللّه العظمی فاضل لنکرانی در مورد توسعهٔ شبهات مطروحه از سوی وهابیّت، سبب آن گردید که بعثهٔ معظم له تحت سرپرستی حجّه الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمّد جواد فاضل لنکرانی، گفتگوهای علمی و دینی را با فقها و علمای بزرگ عربستان و بازدید از مراکز فرهنگی و علمی کشور عربستان صورت دهد. از شاخص ترین برنامه های مفید علمیِ ایشان، مذاکره با یکی از بزرگان و خطبای بنام و چهره های فرهنگی عربستان را می توان نام برد. همچنین بازدید از کتابخانهٔ بزرگ شهر مدینه و گفتگو با یکی از فقهای بزرگ عربستان از دیگر فعّالیّتهای بعثهٔ مرحوم آیت اللّه فاضل به شمار می رفت.

ص:۵۱۳

در این جلسات علاوه بر مناظره و گفتگوهای علمی، به تبادل افکار در مورد مسائل جهان اسلام و مشکلات آن نیز پرداخته می شد و علاوه بر آن در زمینهٔ انسجام و وحدت امّت اسلامی و صفوف موحّدین حقیقی و پیروان حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر جبهه های کفر جهانی، بحث و گفتگو صورت می گرفت و در این زمینه موفقیّت های چشمگیری صورت پذیرفت.

– حفظ کیان تشیع و عزّت شیعه: در اوائل اسفند ماه سال ۱۳۷۶، همزمان با بازدید رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام از حجاز و هنگام حضور ایشان و هیأت همراه در نماز جماعت مسجد النبی صلی الله علیه و آله که به امامت شخصی به نام شیخ عبد الرّحمن حذیفی انجام می شد، فرد مزبور در سخنانی خارج از نزاکت و مغایر با اصول اخلاقی اسلامی و انسانی، مطالبی تفرقه افکنانه و توهین آمیز به مذهب حقهٔ شیعه نسبت داد و گستاخی را به جایی رساند که از معاویه نیز دفاع کرد. آیت اللّه هاشمی رفسنجانی در اقدامی غیرتمندانه و مدبّرانه همانجا اعلام داشت: اقامهٔ نماز به امامت شخصی که مسلمانان را دعوت به تفرقه می کند جایز نیست و بلافاصله جایگاه نماز جمعه را ترک نموده و به همراه هیأت ایرانی، نماز جماعت را در کنار باب السلام برپا داشت.

به فاصله یک روز پس از انتشار این خبر، این مرجع بیدار در پاسخ مقلّدان خویش مبنی بر حضور در نماز جماعت مسجد النبی صلی الله علیه و آله در ایّام حج و اقتدا به حذیفی فتوایی این چنین صادر نمود:

بسمه تعالی

گرچه این جانب مؤمنین را همیشه سفارش به شرکت در مراسم عبادی اهل سنت خصوصاً نماز جماعت و جمعهٔ ایشان نموده ام و اکنون نیز آن سفارش را دارم، لیکن با توجه به آنچه موثّقین از سخنان این شخص برای این جانب نقل نموده اند، شرکت در نماز جماعت این شخص که منادی تفرقه و اختلاف بین مسلمین است را به هیچ وجه جایز نمی دانم و اقتدا به وی در نماز جمعه و جماعت صحیح نیست.

خداوند متعال شرّ منادیان اختلاف را از قاطبه مسلمین کوتاه فرماید. ان شاءاللّه.

والسلام علیکم ورحمه اللّه وبرکاته

محمّد فاضل لنکرانی

ص:۵۱۴

ایشان اعلام این مطلب و صدور بیانیه را وظیفه خود می دانست و به توصیه دیگران - مبنی بر این که شاید دولت عربستان در مراسم حج برای بعثهٔ شما مشکل آفرینی کند - هیچ توجهی نکرد و جالب این که حجّاج به شکل گسترده ای نظر ایشان را مراعات می کردند.

حجّه الاسلام والمسلمین راشد یزدی پیرامون بازتاب این فتوا در میان حجاج می گوید: من در مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم شاهد بودم که حجّاج از همدیگر و حتی از مأموران مسجد می پرسیدند امام جماعت چه کسی است؟ و اگر می فهمیدند حذیفی است از اقتدا به او امتناع می کردند. تا قضیه به گوش امیر مدینه رسید.

آقای رضایی رئیس سابق سازمان حج و زیارت می گفت: در جلسه ای که با امیر مدینه داشتیم او به ما گفت از فردا شب دیگر حذیفی را از امامت جماعت مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم کنار خواهیم گذاشت.

مرحوم آیت اللّه فاضل لنکرانی همچون اساتید خود حضرات آیات بروجردی و امام خمینی رحمه الله ، اهتمام وافر به ضرورت اتّحاد مسلمین داشت و در عین حال با ظرافت ستودنی و دقّت نظر ویژه، کیان تشیّع و عزّت شیعیان را نیز توأمان مورد توجّه قرار می داد.

ص:۵۱۵

علّامه سیّد مرتضی عسکری

متوفای: ۱۳۸۶ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سیّد مرتضی، نام پدر: سید محمّد، ولادت:

۱۳۳۲ق، محل تولّد: عراق، سامرا.

تحصیلات: وی از همان دوران طفولیّت به تحصیل علوم اسلامی پرداخت. در ده سالگی از بهترین افراد در قرائت و کتابت معارف دینی و زبان های فارسی و عربی به شمار می رفت. سیّد مرتضی از دوران نوجوانی به مطالعهٔ کتب تاریخی در ضمن تحصیل فقه و اصول در حوزه های علمیّهٔ سامرا و نجف روی آورد. ایشان در ۱۳۵۰ق به قم رفت و از محضر بزرگان وقت بهره برد.

پس از مدّتی به درخواست آیت اللّه العظمی حکیم به عراق عزیمت نمود و در آنجا به تأسیس مدارس و آکادمی های علمی پسرانه و دخترانه از دروس ابتدایی تا سطوح بالاتر همّت گماشت.(۱)

اساتید، حضرات آیات: بروجردی، مرعشی نجفی، حبیب اللّه اشتهادری، محمّد حسین شریعتمداری ساوجی و امام خمینی رحمه الله .

آثار قلمی: علّامهٔ عسکری در طول عمر با برکتش، تألیفات بسیاری در جهت روشنفکری افکار عمومی و تقویت بنیان های علمی، بویژه در مباحث فقهی، حدیثی و تاریخ اسلام داشت. برخی از کتب ایشان عبارتند از: تهذیب البلاغه، البداء، التصریف، آیت تطهیر در کتب دو مکتب، عصمت انبیاء و رسولان علیهم السلام ، جامعهٔ عرب قبل از اسلام و... .(۲)

سرانجام: ایشان پس از ۹۴ سال خدمت به اسلام و تلاش در جهت اتّحاد مسلمین، بعد از تحمّل یک دورهٔ طولانی بیماری کلیوی، به علّت ایست قلبی، در پنجم رمضان ۱۴۲۸ مطابق با ۲۸ شهریور ماه ۱۳۸۶، دیار خاکی را به قصد عالم باقی ترک گفت.(۳)

مرقد: ایران، قم، جوار مرقد شریف کریمهٔ اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام .

۱- ۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۲۷ شهریور ماه ۱۳۸۶.

۲- ۲. روزنامهٔ کیهان، ۲۷ شهریور ماه ۱۳۸۶.

۳- ۳. همان

اندیشه ها

– علّامهٔ عسگری از پیشگامان تقریب مذاهب اسلامی و از منادیان همبستگی مسلمانان به شمار می رفت. (۱)– ایشان از اعتدال روی گسترده ای برخوردار بود و در گفت و گو با دگراندیشان، از هر گونه اهانت و تحقیر خودداری کرده و آن را ناشایست می دانست.

– او معتقد بود تنها راه نجات مسلمانان، آگاهی، همیاری، کنارگذاشتن درگیری مذهبی و گسترش وحدت اسلامی است. (۲)– به عقیدهٔ وی مسلمانها برای اینکه به شوکت عصر نبوی صلی الله علیه و آله و سلم برگردند سه چیز لازم دارند:

۱) بررسی و شناخت سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به معنای عام نه فقط صحیحین.

۲) وحدت مسلمانها و حمایت جدّی از یکدیگر.

۳) ایمان، ایمانی مانند ایمان بلال، عمّار، سمیه و...

تلاش ها

– تشکیل جلساتی با حضور رؤسا و علمای گروه های مختلف مسلمانان از سوریه، فلسطین، عربستان، پاکستان و... در مکّهٔ معظّمه و تشریح ظلم طاغوت پهلوی و وظیفهٔ حفظ وحدت و همیاری مسلمانان در سالهای قبل از انقلاب اسلامی ایران.

– پخش نشریات گسترده در کشور عربستان و در میان حجّاج بیت اللّه الحرام.

– کشف احادیثی جعلی که مکتب تشیّع را به یهود منتسب می ساخت. (۳)

۱– (۱) . بخشی از پیام تسلیت دانشگاه مذاهب اسلامی به مناسبت ارتحال ایشان..

۲– (۲) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۲۷ شهریور ماه ۸۶، ص۳..

۳– (۳) . احادیث متعدّدی در میان کتب عدّه ای از مخالفان، مبنی بر تأسیس تشیع توسط فردی یهودی به نام عبداللّه بن سبا وجود داشت. علّامهٔ عسکری با بررسی گسترده این احادیث، دریافت که عبداللّه بن سبا و ۱۵۰ نفر دیگر به نام صحابی، افرادی ساختگی هستند که هیچ وجود خارجی نداشته و صرفاً برای بهره برداری و دسیسه علیه شیعیان جعل شده اند..

- دیدار و مذاکره با ولیعهد عربستان، ملک فیصل، به همراه جمعی از علما: وی در این دیدار تأکید نمود که باید تمام مسلمانان را در راه احیای احکام قرآن یاری کنیم. (۱)- دیدار و گفت و گو با علّامه شیخ محمّد تقی قمی (مؤسّس دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه) (۲):

در تاریخ ۲۴/۵/۱۹۸۶ میلادی، جناب شیخ قمی (دبیر کل دار التقریب) به دیدار جناب علّامه عسکری به هتل رفت. و بعد از این که مدّتی آن دو یکدیگر را با گرمی در آغوش گرفتند، شیخ در کنار او نشست و خاطره و گفت و گوهای قدیم بین آنها شروع شد... شیخ محمّد تقی قمی، از دوران سخت و بُحرانی از عمر دار التقریب که با جنگ روانی دستگاه های بزرگ و تلاش های مشخص با آن در آن روزها مواجه بود، سخن گفت.

علّامه شیخ محمّدتقی قمی یادآور شد: «کسانی بودند که در زمینهٔ تحریم هم بستگی بین مسلمانان فتوا صادر کردند. ولی چون خبر این فتوا به او رسید و نتیجهٔ آن را ارزیابی کرد، با سرلشکر محمّد، تلفنی تماس گرفت و او دستور داد که فتوا را از بین برده و از آن جلوگیری نمایند». شیخ قمی همچنین افزود: «او کمک نامحدودی از شیخ محمّد محمّد مدنی، شیخ محمود شلتوت و شیخ حسن بنا دریافت کرد. شیخ حسن البنا ماهانه سی لیره، طبق دفتر حساب، به دار التقریب می پرداخت و دستور داده بود که سه نفر از پیروانش از او حمایت نموده و او را از متعصّبان ناشناخته حفاظت کند». شیخ از مراکز و کسانی که به هم بستگی پاسخ ندادند... ، سخن به میان آورد. سپس در مورد تلاش هایی که در داخل و خارج، در آینده انجام خواهد داد، به طور مفصّل سخن گفت. آن گاه علّامه عسکری به طور مشروح شروع به سخن کرد و از تجربه های خود در اقدام های اصلاحی مربوط به بخش مشترک با دیگر برادران علما، در آگاهی مسلمانان و عمل در رفع خطرهای قریب الوقوع نسبت به آن ها و مقاومت در برابر توطئه های جاهلیّت جدید برای ضربه زدن به اسلام و چه در مورد

۱- (۱) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۲۷ شهریور ماه ۱۳۸۶، ص۳..

۲- (۲) . پیشینهٔ تقریب، ص ۲۰۹، به نقل از مجلّهٔ رساله الاسلام (منتشره در بغداد نه قاهره) صادره از دانشکدهٔ اصول دین، شماره ۹ - ۱۰، جمادی الاول ۱۳۸۸ق..

کارهای فردی، مثل ایجاد مؤسّسه های آموزشی در زمینه های متنوّع از ابتدایی، دبیرستان، دانشکده ها و یا مراکز بهداشتی، مثل بیمارستان ها، درمانگاه ها و یا اقدام های اجتماعی مثل طرح رعایت شئون اسلامی و کمیتهٔ اشتغال بیکاران و غیره را تشریح نمود. سپس بخشی از اقدام های خود را در عرصهٔ علمی در بررسی حدیث، تاریخ و غیره را بیان کرد و نظریهٔ خود را به شیخ قمی در خصوص برخی مسائل ارائه داد و از او درخواست نمود که مراجع دین را به ویژه در نجف، از اقدام های دار التقریب و فعّالیّت های آن آگاه سازد؛ زیرا که این امر انگیزهٔ بهتری از سوی مراجع در جهت پشتیبانی از دار التقریب و کمک به آن خواهد شد.

شیخ قمی گفت که رابطهٔ او با علمایی مثل مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی و دیگران چنان چه گذشت، جز رابطه ای صمیمانه، چیزی دیگر نبوده است.

بخش چهارم:

اشاره

الف) گلچین شعارها و سخنان بزرگان...

ب) وحدت و برادری در اشعار

ج) عوامل، محورها و راهکارهای وحدت بین مذاهب اسلامی

ص:۵۲۱

الف) گلچین شعارها و سخنان بزرگان عرصهٔ وحدت و تقریب پیرامون اتّحاد ملّی و انسجام

گلواژه هـای تقریب و وحـدت، از دل انگیزترین کلماتی است که پس از پیـدایش نخستین آثار شوم و غم انگیز تفرقه و از هم گسستن اتّحاد مسلمانان، همواره جلوه گری داشته است. آغازگر حماسهٔ وحدت، نخست خداوند یکتاست که شالوده و اساس دین را بر محور کلمـهٔ توحیـد و توحید کلمه قرار داده و با ابلاغ آن به سـفیران خود، مسیر فلاح و صـلاح را پیش روی انسان نهاد.

سنت و سیرهٔ پرارج و گرانمایـهٔ آخرین فرسـتادهٔ خـدا، حضـرت ختمی مرتبت محمّد ابن عبداللّه صـلی الله علیه و آله و خاندان عظیم الشأن و اصـحاب ایشان، بسان قرآن کریم، سرشار از درسها و پیامهای نجات بخش و قدرت آفرین وحدت است. سخنان بزرگان دین و مصـلحان خیرانـدیش این آئین هم در تألیف قلوب اهل قبله، فزونِ از اندازه و شـمارش است. در ذیل بخشـی از جملات و شعارهای کلیدی و مشهور این منادیان بزرگ وحدت را مرور خواهیم نمود.

توجه:

۱. بدون تردید بزرگان دیگری نیز هستند که دربارهٔ وحدت مسلمانان اظهار نظر نموده و آن را تأیید و ترویج کرده اند.

۲. برخی گفته ها تکراری است یعنی در بخش زندگی نامهٔ آن شخصیّت نیز آمده است.

۳. در این قسمت از شخصیّت ها و بزرگان میدانِ وسیع اتّحاد مسلمین که در قید حیات می باشند جملاتی آورده شده است.

ص:۵۲۳

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی رحمه الله :

– در اسلام بین شیعه و سنّی ابداً تفرقه نیست... باید وحدت کلمه را حفظ کنید. (۱) مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای مدّ ظلّه العالی:

– اولین پیام انقلاب اسلامی، وحدت بین شیعه و سنی است. (۲)– ما بار دیگر به همهٔ مسلمین عالم یادآور می شویم که به اسلام که مایهٔ عزّت و سعادت دنیوی و اخروی آنان است برگردند و بدانند: ان الاسلام بنی علی دعا متین؛ کلمه التوحید و توحید الکلمه. (۳) آیت اللّه العظمی بروجردی:

– فقه شیعه در حاشیهٔ فقه اهل سنت است. (۴) و (۵) شیخ محمود شلتوت:

– عوامل وحدت: ۱. ترک تعصّب؛ ۲. تلاش علمای دین در جهت وحدت اسلامی.

– موانع وحدت: ۱. اختلاف که منجر به تعصّبات دینی می شود؛ ۲. سوء استفادهٔ دشمن؛ ۳. توطئهٔ استعمار در راه وحدت؛ ۴. نویسندگان نا آگاه. (۶)

۱– (۱) . صحیفهٔ امام، ج۶، ص۸۴..

۲– (۲) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامهٔ چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹، ص ۷۸..

۳– (۳) . همان..

۴– (۴) . طلایه داران تقریب (۱)، آیت اللّه بروجردی آیت اخلاص، ص ۶۳..

۵– (۵) . توضیح مختصری در رابطه با این جملهٔ مرحوم آیت اللّه بروجردی، در بخش زندگی نامهٔ ایشان در ص ۳۵۱ همین کتاب آمده است که مطالعهٔ آن را به خوانندگان محترم توصیه می نماییم..

۶– (۶) . طلایه داران تقریب (۲)، شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت، ص ۵۳ – ۵۸ ..

علّامه محمّد جواد مغنیه:

- علّت دشمنی اهل تسنن با شیعیان، عدم آگاهی آنان از عقاید اصیل شیعه است. (۱) امام موسی صدر:

- هیچ تناقض و اختلافی میان شیعه و سنی نیست، اینها پیروان دو مذهب از یک دین واحدند. (۲) - (۳) علّامه کاشف الغطاء:

- اسلام بر ۲ پایه استوار است: کلمهٔ توحید و توحید کلمه.

- معنای وحدت بین شیعه و سنی این نیست که به شیعیان بگوئیم عقیدهٔ اهل سنّت را بپذیرید و به سنی ها بگوئیم عقیدهٔ شیعیان را بپذیرید؛ اتّحاد این است که با یکدیگر دشمنی نورزیم. (۴) علّامه شیخ محمّد تقی قمی:

- اگر درست به ریشهٔ نام دو مذهب شیعه و سنی توجه کنیم تمام مسلمانان را شیعه می یابیم؛ زیرا همگی دوستار خاندان پیغمبرند و همگی را نیز اهل سنت می یابیم زیرا کلیّهٔ مسلمانان، هر سنت و دستوری (را که) از طریق مطمئنّی از پیغمبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده باشد لازم الاجرا می دانند؛ بنابر این ما همگی سنی، شیعه، قرآنی و محمّدی صلی الله علیه و آله و سلم می باشیم. (۵)

۱- (۱) . اتّحاد و انسجام، ص ۴۲۳..
۲- (۲) . طلایه داران تقریب (۵)، امام موسی صدر سروش وحدت، ص ۹۴..
۳- (۳) . خوانندهٔ محترم توجه دارد که مراد ایشان، عدم تناقض و اختلاف در اصول مسلّم اسلام، چون: توحید، نبوّت، معاد، قرآن و... می باشد، لذا هر یک از مذاهب، خودشان نیز بین هم اختلاف نظرهای علمی و اعتقادی دارند که آن را مخالف با مذهب و اعتقاد خود نمی دانند..
۴- (۴) . طلایه داران تقریب (۳)، کاشف الغطاء اذان بیداری، ص ۴۸ - ۴۹..
۵- (۵) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۸۱ . .

علّامه طبرسی:

- در جهت اختلاف های موجود، باید به میدان ائتلاف وارد گشت و از قرآن مجید که مورد احترام و قبول همهٔ مذاهب اسلامی است شروع نمود. (۱)علّامه سیّد جعفر کشفی:

- یکی از عوامل اصلی بقای دولت، عدم تفرقه و وحدت در جامعه است. (۲) شیخ محمّد غزالی:

- عوامل تفرقه: ۱) عدم آگاهی ۲) نویسندگان مغرض ۳) یادآوری اختلافات گذشته

- عوامل وحدت: ۱) نقش عالمان دینی ۲) مسئولیّت مسئولین

- وطن کوچک ما سرزمین نیل است. وطن بزرگتر ما سرزمینی است که عرب در اختیار دارد. اما وطن عالی ما منطقه ای است که همهٔ مسلمانان طبق یک اصول و فکر و عقل، با یکدیگر مربوط ساخته و قلبهایشان با یکدیگر رابطه دارد. (۳) شیخ محمّد عبده:

- بایستی عدّه ای را پروراند و سپس از آنان به عنوان اشاعه دهندگان پیام احیاء و اصلاح استفاده کرد. (۴) سیّد قطب:

- امّت اسلامی پس از گمراهی و سرگردانی، خود را باز یافته است و اکنون بدون هیچ فریب و نیرنگی، یکصدا به این سو (یعنی همان وحدت جهان اسلام) گرایش پیدا کرده است. (۵)

ص:۵۲۷

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۱، ص ۹۴، با اندکی تصرّف. .
۲- (۲) . همان، ج ۴، ص ۲۴۴..
۳- (۳) . طلایه داران تقریب (۸)، شیخ محمّد غزالی رایت اصلاح، ص ۸۰ ، به نقل از اسلام و بلاهای نوین، ص ۲۱۰..
۴- (۴) . طلایه داران تقریب (۴)، شیخ محمّد عبده رایت اصلاح، ص ۱۴۰..
۵- (۵) . طلایه داران تقریب (۶)، شهید سیّد قطب آیت جهاد، ص ۸۴ ..

آیت اللّه سیّد محمّد باقر صدر: (۱)

– من برادر و فرزند اهل سنت هستم همان اندازه ای که برادر و فرزند شیعه هستم.

آخوند ملّا حسین قلی همدانی:

– خیلی کارها از اتّحاد قلوب ساخته می گردد که از منفرد برنیاید. (۲) آیت اللّه آخوند خراسانی:

– به تمام مردم... واجب است که تفرقه را کنار بگذارند. (۳) آیت اللّه میرزا محمّد تقی شیرازی:

– دشمنان با تمام قوا در صدد تفرقه افکنی بین ملّت مسلمان، خصوصاً شیعه و برادران اهل سنت هستند. (۴) آیت اللّه سیّد عبدالحسین لاری:

– لازمهٔ اتحاد جهانی اسلام و همکاری و مودّت مسلمانان، این است که اسباب تفرقه، جدایی، نفاق، تک روی و آنچه با کمال اتّحاد و اتفّاق منافی است، از میان برداشته شود. (۵)محمّد علی جناح:

– قدرت جهان اسلام، به همبستگی ملّت های اسلامی است. (۶) آیت اللّه ابو عبداللّه زنجانی:

– نباید مرزهای زبانی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی، این امّت واحده را گرفتار کشاکش و تشّتت سازد. (۷)

۱– (۱) . وی نسبت به همهٔ مسلمانان جهان احساس مسئولیّت می کرد. از این رو مشاهده می کنیم که گروههای بیشماری از جوانان تحصیل کرده و وابسته به مذاهب مختلف اسلامی به افکار و اندیشه های ایشان گرویده اند. سازمانهای اسلامی که به ایشان مراجعه می کردند، رنگ مذهبِ معیّنی نداشتند؛ چنان که بسیاری از مسلمانان کشورهای عربی (عراق، اردن و غیره) بدون توجه به مذاهب اسلامی خود، به تقلید از ایشان عمل می نمودند. (شهدای روحانیّت شیعه در یکصد سال اخیر، ج ۱، ص ۳۶۷).

۲– (۲) . گلشن ابرار، ج ۳، ص ۱۶۷..

۳– (۳) . همان، ج ۱، ص ۴۴۰ – ۴۴۱..

۴– (۴) . همان، ص ۴۵۴..

۵– (۵) . امانتدار پیامبران، نقش آیت اللّه لاری در مبارزات اسلامی قرن اخیر، ص ۱۰. .

۶– (۶) . پایگاه اطّلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، شهریورماه ۱۳۸۶..

۷– (۷) . میعاد با سپیده گشایان، آرش مردانی پور، ص ۱۰..

آیت اللّه سیّد محسن امین:

- اختلاف نژادها و مذهب ها موجب دشواری و تنگناست (۱)؛ همهٔ کشورهای اسلامی وطن و همهٔ ساکنان آن برادران یکدیگر به شمار می آیند. (۲) شیخ عبدالمجید سلیم:

- اوّلین وظیفه ای که بر عهدهٔ ما علمای اسلامی است، خواه شیعه باشیم یا سنی، این است که از اذهان و افکار مردم، مطلب (اختلافات و جدالها) را پاک کنیم. (۳) علّامه شرف الدین عاملی:

- شیعه و سنی را روز نخست، سیاست (و مطامع سیاسی) از هم جدا کرده است و اکنون نیز باید سیاست (و مصالح سیاسی اسلام و مسلمانان)، آن دو را در کنار هم بنشاند و متحدّشان کند. (۴) آیت اللّه شیخ عبدالکریم زنجانی:

- کلمهٔ توحید تنها با توحید کلمه به دست می آید. (۵)آیت اللّه سیّد محمّد صدر:

- به اعتقاد من بالاترین و والاترین قضیه ای که بر همهٔ مسلمانان در حال حاضر بلکه در همه حال واجب است، وحدت و برادری است. (۶) آیت اللّه شهید سیّد حسن مدّرس:

- ما خیلی همبستگی اسلامی خود را از دست داده ایم، بالأخره باید بیدار شده، هوشیار شویم و جامعهٔ خودمان را حفظ کنیم. (۷)

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۱۳..

۲- (۲) . همان، ص ۶۱۵..

۳- (۳) . بخشی از پیام شیخ عبدالمجید سلیم به آیت اللّه العظمی بروجردی، جمادی الثانی ۱۳۷۱ق..

۴- (۴) . گلشن ابرار، ۲، ص ۶۵۸، به نقل از النص و الاجتهاد، ص ۱۴؛ شرف الدین، ص ۱۷۵..

۵- (۵) . الشیخ زنجانی و الوحده الاسلامیه، محمّد سعید آل ثابت، ص ۶۵. .

۶- (۶) . گلشن ابرار، ج ۴، ص ۵۵۲ ..

۷- (۷) . دیدار با ابرار (۶۷)، شهید مدرّس ماه مجلس، ص ۶۴. از نطق ۸ شهریور ۱۳۰۴ش، به نقل از یادنامهٔ مدّرس، ص ۱۶۵..

شهید سیّد عارف حسین حسینی:

– دشمنان دین... به خاطر منافع خودشان مسلمانان را به جان یکدیگر می اندازند. (۱) آیت اللّه سیّد روح اللّه خاتمی:

بهترین نشانهٔ اسلام همان وحدت بین مسلمین است. (۲) آیت اللّه العظمی سیّد محمّد رضا گلپایگانی:

– در مملکت اگر اتفّاق کلمه نباشد و اختلاف حاکم باشد، به هیچ جا نخواهیم رسید؛ باید بنای اجتماع یک وحدت مشترک باشد. (۳) حجّه الاسلام والمسلمین سیّد احمد خمینی:

– احیای ارزش های معنوی، اتّحاد و همبستگی ملّت های اسلامی، لازمهٔ اقتدار و عظمت امّت واحد اسلامی است. (۴) شهید دکتر فتحی شقاقی:

– پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشورهای غربی به دلیل ترس از گسترش و تأثیرگذاری این انقلاب در سایر کشورهای منطقه، به اختلاف شیعه و سنّی دامن زدند. (۵) آیت اللّه سیّد ابوالحسن فاضل بهسودی:

– همبستگی احزاب شیعی و هماهنگی مجموعه های شیعه و سنی، گامی مطمئن در مسیر وحدت ملّی است. (۶)

۱- (۱) . ستارگان حرم، ج ۶، ص ۹۲..

۲- (۲) . یادنامهٔ آیت اللّه خاتمی، محمّد تقی فاضل میبدی، ص ۸۰۲ ..

۳- (۳) . نوری از ملکوت، ص ۴۰۰، سخنرانی معظم له در ۹ اسفند ماه ۱۳۵۹..

۴- (۴) . دیدگاه ها، منتخبی از مواضع حجّه الاسلام و المسلمین سیّد احمد خمینی، ص ۱۲۳..

۵- (۵) . پایگاه اطّلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مهر ماه ۱۳۸۶..

۶- (۶) . ستارگان حرم، ج ۶؛ زندگی نامهٔ آیت اللّه بهسودی..

آیت اللّه سیّد محمّد باقر حکیم:

- اسلام، بهترین چارچوبی است که می تواند حرکت (ملّت ها، خصوصاً) ملّت عراق را وحدت بخشد و حقوق همهٔ قومیّت ها و مذاهب و اقلیّت ها را تأمین نماید. (۱) علّامه سیّد مرتضی عسکری:

- مسلمانان برای رسیدن به شوکت عصر نبوی صلی الله علیه و آله سه چیز لازم دارند:

۱. بررسی و شناخت سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به معنای عام نه فقط صحیحین

۲. وحدت مسلمان ها و حمایت جدی از یکدیگر.

۳. ایمانی مانند ایمان بلال، عمّار، سمیّه، و... .

آیت اللّه سیّد ابوالقاسم کاشانی:

- وضع نابسامان مسلمانان، نتیجهٔ دخالت استعمارگران در امور آنها و از بین رفتن روح اتّحاد است. (۲) آیت اللّه سیّد محسن حکیم:

- در دیدگاه من، کُرد، عرب و تُرک با یکدیگر تفاوتی ندارند. همهٔ آن ها برادران و فرزندانم هستند. (۳) آیت اللّه سیّد محمود طالقانی:

- علّت گرفتاری ها و عقب ماندگی ها، همان تفرقه در میان امّت اسلام است. (۴)آیت اللّه شهید محمّد مفتح:

- ناسیونالیزم، حربهٔ استعمار است و از این طریق بین مسلمین بذر نفاق و تفرقه می افشانند. (۵)

۱- (۱) . پایگاه اطّلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مهر ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲) . گلشن ابرار، ج۲، ص ۶۷۷..

۳- (۳) . همان، ص ۷۱۹..

۴- (۴) . دائره المعارف شیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۲. .

۵- (۵) . دیدار با ابرار (۷۸)، شهید مفتح تکبیر وحدت، ص ۴۷، به نقل از وحدت در امّت اسلام، سخنرانی شهید مفتح، مندرج در مجلّهٔ پیام انقلاب، ش ۱۷۷..

آیت اللّه شهید مرتضی مطهری:

- یکی از بزرگترین هدف های اسلام، بلکه بزرگترین هدف اسلام در امور عملی، وحدت و اتفّاق مسلمانان است. (۱)آیت اللّه شهید دکتر بهشتی:

- ما به دلیل اینکه مسلمانیم، از یکدیگر تفکیک ناپذیریم، از هم جدایی ناپذیریم. (۲)آیت اللّه شهید عطاء اللّه اشرفی اصفهانی:

- ما بدون وحدت نمی توانیم جامعه و انقلاب اسلامی را پیش ببریم. (۳)شهید سیّد حسین حسینی:

- اسلام برای ما اولویت دارد و برای ما مسالهٔ نژاد، ملّیت و منطقه مطرح نیست. (۴) آیت اللّه العظمی میرزا محمّد علی شاه آبادی:

- لا عده الّا بالأخوه. (۵) محمّد علی الزعبی:

- همگی مسلمانان سنی هستند و همگی آنان شیعه هستند (المسلمون کلّهم سنیون وکلّهم شیعه) همگی سنی هستند زیرا در عمل به سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می کوشند و همگی شیعه هستند زیرا به امام علی علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام عشق می ورزند. (۶) استاد احمد امین:

- جای بسی تأسف است برای ملّتی که دارای یک خدا و یک پیامبر و یک کتاب است،

۱- (۱) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، ص ۱۲. .

۲- (۲) . پنج گفتار، شهید آیت اللّه بهشتی، ص ۲۸ - ۲۹. .

۳- (۳) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۰۴. .

۴- (۴) . ستارگان حرم، ج۶، ص ۲۱۴ - ۲۱۵..

۵- (۵) . عارف کامل (آیت اللّه میرزا محمّدعلی شاه آبادی)، ص ۱۸۱..

۶- (۶) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامهٔ چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۱، ص ۸۱ ..

امّتش در مسائلی... به نزاع و افتراق برخیزند و در اقامهٔ دلیل دست به اسلحه ببرند. (۱) شیخ محمّد مخام:

- ما مأمور به نزدیک شدن و همبستگی هستیم (۲)«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا» (۳).

دکتر احمدی نژاد (رئیس جمهور ایران):

- قدرتهای زورگو نمی خواهند ما در مسیر پیشرفت و کمال حرکت کنیم (به عنوان مثال) در قضیهٔ هسته ای می خواستند به ملّت ما زور بگویند که به لطف خدا و ایستادگی ملّت و اتّحاد ملی، توانستیم آنها را عقب رانده و پروندهٔ هسته ای کشور مان را در مسیر قانونی خود قرار دهیم. (۴) آیت اللّه شاهرودی (رئیس قوهٔ قضائیه):

- تکیه بر مشترکات مذاهب اسلامی، استفاده از پتانسیل های مذاهب و دوری از تفرقه افکنی ها، راه صحیحی در بهره مندی از فرصت هاست. (۵) آیت اللّه هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس خبرگان):

- استکبار به ویژه آمریکا، به شدّت در تلاش است تا در امّت اسلامی تفرقه ایجاد کند و به اسم شیعه و سنی میان جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای اسلامی شکاف بیاندازد که همهٔ ملّت ها و دولت های اسلامی باید در مقابل این توطئه، هوشیار باشند. (۶) دکتر حداد عادل: (رئیس مجلس شورای اسلامی):

- حل مشکلات امروز جهان اسلام، تنها با همبستگی حقیقی امکان پذیر است. (۷)

۱- (۱) و ۲. تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۸۱ - ۸۲ ..

۲- (۲) .

۳- (۳) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳..

۴- (۴) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۵ آبان ماه ۱۳۸۶..

۵- (۵) . سخنرانی در همایش سالانهٔ اساتید مرکز جهانی علوم اسلامی، اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، قم..

۶- (۶) . دیدار اعضای مجلس خبرگان با مقام معظم رهبری، ۱۶ شهریور ماه ۱۳۸۶..

۷- (۷) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۹ مهر ماه ۱۳۸۶..

آیت اللّه العظمی نوری همدانی:

- امروز استکبار جهانی منافع خود را از دست رفته می بیند و خواستار ایجاد اختلاف بین مسلمانان است. (۱) آیت اللّه العظمی مکارم شیرازی:

- به عقیدهٔ من (پیرامون وحدت مسلمین) دو کار باید کرد: اول اینکه اتّحاد را تعریف کنیم... .

معنی اتّحاد این نیست که من علی علیه السلام را خلیفهٔ بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله ندانم، یا آن ها دست از عقایدشان بردارند، این عملی نیست... . اتّحاد این است که بر روی مشترکاتمان که خداوند واحد، پیامبر واحد، کتاب واحد و... است تأکید کنیم.

دوم اینکه به مقدّسات یکدیگر اهانت نکنیم. (۲) علّامه فضل اللّه (مرجع تقلید شیعیان لبنان):

علمای شیعه و سنی با گروه های تکفیری مقابله کنند. باید از تلاش ها برای ایجاد فتنه، اختلاف و تنش بین مسلمانان جلوگیری کنیم. (۳) آیت اللّه جوادی آملی:

- دشمنان در حال حاضر تلاش دارند که با ایجاد اختلاف بین مذاهب و اختلاف بین قومیّت ها، جهان اسلام را در مقابل هم قرار داده و بتوانند راحت تر به منافع نامشروع خود دست یابند. (۴)آیت اللّه العظمی صافی گلپایگانی:

- آنچه موجب تأسّف و تعّجب و سؤال برانگیز است، سکوتِ بزرگان و علمای کشورهای اسلام و جوامع علمی و دانشگاهی و رجال دین است. چرا به عواقب بسیار زیان بار

۱- (۱) . بخشی از پیام معظم له به همایش بزرگ روحانیّت - همدان، شهریور ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲) . روزنامهٔ کیهان، ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶..

۳- (۳) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۲۰ تیرماه ۱۳۸۶..

۴- (۴) . همان، ۱۲ آبان ماه ۱۳۸۶. .

این جنایات، توجه ندارند؟ چرا اجازه می دهند وحدت مسلمانان و عزّت و عظمت بازیافته ای که در این عصر به وجود آمده است به دست عناصر پلید، بی سواد، متعصّب، و مفسد تباه گردد؟ (۱)آیت اللّه استادی:

– همهٔ اقوام ایران اسلامی مسلمان هستند و باید حول محور اسلام، انسجام و اتحّاد خود را حفظ نمایند. امروز روز ایجاد تفرقه در بین مسلمانان نیست، ولی متأسفانه برخی از روی غرض و یا ناآگاهی، مطالبی را عنوان می نمایند که باعث ضربه زدن به اسلام و مسلمانان می شود. (۲) آیت اللّه امینی:

– آخرین اقدام دشمنان برای مبارزهٔ اسلامی، تفرقه افکنی میان مذاهب اسلامی است.

اختلافات مذهبی هر چند با انگیزهٔ دفاع از مذهب باشد، در شرایط فعلی جایز نیست و علما باید در مقابل این حرکت ها مقابله کنند. (۳)آیت اللّه العظمی موسوی اردبیلی:

– دین فعلی ما، دستخوش تغییرات مورد دلخواه حاکمان و سلاطین گذشته و حکومت بنی امیه شده و احکامی وارد آن شده است که برای اسلام نیست و همین عامل، چند دستگی مسلمانان را فراهم کرده است. (۴) حجّه الاسلام والمسلمین قرائتی:

– مبلّغان غیر ایرانی، نقش مهمی را در ایجاد و گسترش وحدت بین مسلمانان ایفا می نمایند. (۵)

۱- (۱) . گزیده ای از پیام معظم له در پی جسارت به بارگاه ملکوتی حرم امامین عسکریین علیهما السلام ، خرداد ماه ۱۳۸۶. .

۲- (۲) . بخشی از خطبهٔ نماز جمعهٔ قم، ۱۸ خرداد ماه ۱۳۸۶..

۳- (۳) . بخشی از خطبهٔ نماز جمعهٔ قم، ۱۱ خرداد ماه ۱۳۸۶. .

۴- (۴) . دیدار با اعضای کمیتهٔ علمی هم اندیشی حجاب، ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶..

۵- (۵) . روزنامهٔ شاخهٔ سبز، ۳۱ خرداد ماه ۱۳۸۶. .

شیخ یوسف قرضاوی (رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمین):

- این وظیفهٔ امّت است که برای خود، دست به دست هم بدهند؛ باید ما از ایران که جزئی از جهان اسلام به شمار می رود دفاع کنیم و این کشور را در مقابل دشمن یاری نماییم. (۱)حجّه الاسلام و المسلمین سیّد احمد خاتمی:

- اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی، یک ضرورت و برنامه است. برای مقابله با توطئه ها، اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی ضروری است و در برنامه ریزی ها باید به سمت این دو عنصر حرکت کرد. (۲) آیت اللّه مهدوی کنی:

- صلح به معنای پیروزی مسلمانان، با وحدت و اتّحاد ملّت های مسلمان تحّقق یافتنی است. (۳) برهان الدین ربانی (رئیس جمهور سابق افغانستان):

- رابطهٔ منافع ملی با وحدت اسلامی یک از دغدغه های روشنفکران مسلمان است. ملّی گرایی با تقّدم بر منافع ملّی و دینی می تواند شکل بهتری بر روند وحدت داشته باشد. (۴) حجّه الاسلام و المسلمین سیّد حسن نصراللّه (دبیر کل حزب اللّه لبنان):

- هر گونه درگیری و بحران مانع ایجاد توافق و تفاهم و روحیهٔ همکاری و وحدت خواهد بود، که مهمترین اساس قدرت (مسلمانان جهان، خصوصاً) لبنان محسوب می شود. (۵)

ص:۵۳۶

۱- (۱) . بخشی از پیام وی به مناسبت عید سعید فطر، ۲۳ مهر ماه ۱۳۸۶. .

۲- (۲) . گزیده ای از سخنان ایشان در همایش بزرگ معنویت و روحانیت - همدان - شهریور ماه ۱۳۸۶..

۳- (۳) . روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۰ مهر ماه ۱۳۸۶..

۴- (۴) . گزیده ای از سخنان وی در هم اندیشی علمای شیعه و سنی، تهران، اول آبان ماه ۱۳۸۶..

۵- (۵) . روزنامهٔ کیهان، ۱۲ آبان ماه ۱۳۸۶..

صادق المهدی (رئیس جمهور سودان):

- قرآن واحد، پیامبر واحد، عبادات یکسان، مرجعیّت اخلاقی یکسان و گذشته و آیندهٔ یکسان، از عوامل وحدت میان مسلمانان است. (۱) ابراهیم جعفری (نخست وزیر سابق عراق):

- وحدت عقیده، اولین عامل در رسیدن به اتّحاد بین امّت اسلامی است. (۲) استاد محمّد رضا حکیمی:

- اتحّاد تسنن و تشیع چنانکه برخی از متفکرین مذهبی نیز گفته اند (۳) میسور نیست....

کاری که می توان انجام داد و عملی است، دعوت سنی و شیعه است به اتّحاد، این کار عملی، لازم و وظیفه است.

آیت اللّه محمّدی ری شهری:

- حجّ نمایش قدرت اسلام در برابر چشم جهانیان است. اولین گام در این راه وحدت امّت اسلامی و تبلیغ وحدت کلمه در کنار خانهٔ توحید می باشد. (۴)

۱- (۱) . روزنامهٔ کیهان، ۱۲ آبان ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲) . همان..

۳- (۳) . بعضی از متفّکرین گویند با توجه به مبانی مختلف اعتقادی و اینکه تغییر آنها کاری بسیار مشکل و دراز مدّت است اتّحاد واقعی بین این گروههای مذهبی، کار میسوری نیست، بنابراین باید همهٔ این فِرَق را به اتّحاد و انسجام در مقابل کفر و شرک و استعمار دعوت نمود و برکات وحدت و مضّرات و خسارات تفرقه و تشطّط را با توجه به آیات قرآن و سیرهٔ رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام و اصحاب بیان نمود که با خدای واحد و کتاب واحد و پیامبر واحد و قبله واحد... باید اتّحاد کنیم و در حفظ این مبانی بکوشیم..

۴- (۴) . سخنرانی در افتتاحیهٔ بزرگترین نمایشگاه حج و زیارت، ۲۱ آبان ماه ۱۳۸۶، مشهد مقدس..

ب) وحدت و برادری در اشعار

بی شک ادیبان و شاعران یک جامعه نقش بسیار مهمّی در ساختن فرهنگ آن جامعه دارند. تأثیرات فرهنگی شعر شاعران گاه از یک دهه فزونی یافته و تا یک یا چند قرن از شعر آنان استفاده می شود.

یکی از موضوعاتی که شاعران مسلمان اعمّ از شیعه و سنّی اغلب به آن می پردازند، مسألهٔ پراهمیّت وحدت و برادری است. اینان در اشعار خویش سعی در برداشتن دیوار تفرقه از میان برادران مسلمان داشته و همواره بر همدلی و برادری تشیّع، تسنّن و دیگر فِرَق اسلامی تأکید دارند.

در این قسمت اشعار تنی چند از آنها نقل می شود:

قافلۀ وحدت

چون شد که در این غمکده یک هم نفسی نیست

حکیم جلوه (۱)

ص:۵۴۱

۱- (۱) . دیدار با ابرار (۳۵)، میرزا ابو الحسن جلوه، حکیم فروتن، ص۱۳۵..

* * *

هفتهٔ وحدت است و می باید

استاد محمّد حسین شهریار (۱)* * *

آن که نام تو مسلمان کرده است از دویی سوی یکی آورده است

خویشتن را تُرک و افغان خوانده ای

اقبال لاهوری (۲)

ص:۵۴۲

۱- (۱) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامهٔ چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹، ص ۴۷..

۲- (۲) . فرهنگ موضوعی ادب پارسی، کلیّات اقبال لاهوری، ص ۵۲۱ ..

* * *

حُسنت باتّفاق ملاحت جهان گرفت آری باتّفاق جهان می توان گرفت

حافظ

* * *

دو دل یک شود بشکند کوه را پراکندگی آرد انبوه را

نظامی (۱)* * *

مؤمنان معدود، لیک ایمان یکی

مولانا جلال الدین مولوی (۲)* * *

کثرتِ هم مدّعا، وحدت شود

تا نه این وحدت ز دست ما رود هستی ما با ابد همدم شود

اقبال لاهوری (۳)

۱- (۱) . اتّحاد و دوستی، سید حسن ابطحی خراسانی، مقدّمه..

۲- (۲) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۲۹..

۳- (۳) . کلیّات اقبال لاهوری، ص ۵۲۰ ..

* * *

تا بر سرِ گورِ خصم دست افشانیم

حسن حسینی (۱)* * *

معنی جمعیّت ار خواهی دلا لازم شمار

جامی (۲)* * *

ندانی که چون با هم آیند مور

نظامی (۳)* * *

دل به محبوب حجازی بسته ایم

مولانا (۴)

۱- (۱) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۴۷..

۲- (۲) . دیوان جامی، ج۱، ص ۸۴۶ .

۳- (۳) . اتّحاد و دوستی، سید حسن ابطحی خراسانی، مقدّمه..

۴- (۴) . مجموعه سخنرانی های سومین کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۶۸ش، تهران..

رشتۀ وحدت چو قوم از دست داد

* * * اقبال لاهوری (۱)

ص:۵۴۵

۱- (۱) . کلیّات اقبال لاهوری، ص ۵۲۰ ..

ج) عوامل، محورها و راهکارهای وحدت بین مذاهب اسلامی

این قسـمت، صـرفاً جمع آوری نظریات و ایده های اشخاص مختلف پیرامون اتّحاد و همبستگی امّت اسلامی است، و نقل آنها به این معنـا نیست که همـهٔ این نظریات قابل اجرا یا مورد قبول است. برخی تکراری، و برخی با تعبیرهای گوناگون از دیـدگاه های مختلف بیان شده است.

جهت اطّلاع و استفاده از این نظریات، همهٔ آنها را می آوریم.

۱. نفی تهمت از فرقه های اسلامی توسط سران فرق دیگر.

۲. اعلام برائت عقول جهان اسلام از تندروی ها.

۳. ارائهٔ قرائت وفاق از نقاط اختلاف.

۴. تفکیک نظرات شخصی افراد از مرام نامهٔ مکاتب.

۵. دور کردن افراد تندرو از عرصه های تصمیم گیری.

۶. افزایش آشنایی فرق اسلامی نسبت به یکدیگر از طریق تدوین کتب، تهیهٔ مقالات و مجلّات دیجیتالی و رسانه های روز.

۷. آگاه ساختن مسلمانان از شرایط و طرحهای آن سوی اردوگاه مسلمانان و پشت پردهٔ دهکدهٔ جهانی، خاورمیانهٔ بزرگ و...

۸. بهره برداری بهتر از کنگرهٔ عظیم حج.

۹. ایجاد تسهیلات در روابط علما، دانشمندان، و پژوهشگران کشورها و مذاهب مختلف برای دیدار یکدیگر.

۱۰. انتشار مرام نامه و منشور واحد ملل مسلمان.

۱۱. بازنویسی و پالایش متونی که از میراث های اصیل هر یک از مذاهب هستند، لکن حاوی موادّی می باشند که به تقریب مذاهب اسلامی، لطمه وارد می کند.

۱۲. فراهم آوردن زمینه های فکری، قانونی و حقوقی برای تشکیل اتّحادیهٔ کشورهای اسلامی.

۱۳. حضور فعّال مسلمانان در مجامع بین المللی علمی و حقوقی.

۱۴. متّصل نمودن مجامع تقریب بین مذاهب اسلامی در ایران، لبنان، مصر، عراق و غیره و نیز تشکیل کنفدراسیون بین الملل تقریب بین مذاهب اسلامی.

۱۵. همکاری در زمینه های مشترک و مورد اتّفاق. (۱)۱۶. تکیه بر اصل گفتگوهای قرآنی.

۱۷. پرهیز از تکفیر، تفسیق و انتساب بدعت به یکدیگر.

۱۸. پرهیز از مؤاخذهٔ یکدیگر در لوازم رأی، در صورت روشن نبودن ملازمه.

۱۹. معذور داشتن یکدیگر در موارد اختلاف.

۲۰. آزادی انتخاب مذاهب.

۲۱. آزادی پیروان مذاهب در اعمال شخصیّه.

۲۲. آزادی مذاهب مختلف در بیان نظام مند دیدگاههای خود.

۲۳. آزادی تعاملات درون گروهی و میان گروهی مذاهب، در صحنهٔ تعامل با شرایع دیگر.

۲۴. تأکید بر اصول مشترک شامل: مناظره و همکاری علمی و معاشرت و رفتار برادرانه. (۲)

۱- (۱) . از شمارهٔ ۱ الی ۱۵، استراتژی تقریب مذاهب اسلامی (مجموعهٔ مقالات هجدهمین کنفرانس بین المللی مذاهب اسلامی)، ص ۶۰ - ۶۶..

۲- (۲) . از شمارهٔ ۱۶ الی ۲۴، همان، ص۱۶۱ - ۱۶۲..

۲۵. نزدیکی عقیده ها به یکدیگر. (۱)۲۶. درنظر گرفتن مشترکات مذاهب.

۲۷. جهان بینی واحد. (۲)۲۸. صراحت قرآن کریم، سیرهٔ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و عقل، سه عامل اساسی برای رفع اختلاف در جهان اسلام. (۳)۲۹. بیان محور وحدت: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا» (۴).

۳۰. یادآوری پیامدهای وحدت: «وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ» (۵).

۳۱. تأکید بر وحدت اصل و راه و هدف: «شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ ما وَصّی بِهِ نُوحاً وَ الَّذِی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهِیمَ وَ مُوسی وَ عِیسی أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ» (۶).

۳۲. کاشت بذر اخلاق گرایی، فداکاری و ایثار: «وَیُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (۷).

۳۳. تفویض اهداف والا و مسئولیتهای بزرگ: «کُنتُمْ خَیْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (۸) «وَاتَّقُواْ فِتْنَةً لَّاتُصِیبَنَّ الَّذِینَ ظَلَمُواْ مِنکُمْ خَآصَّةً» (۹)

۳۴. حذف و نفی معیارهای تفرقه آمیز برتری

۳۵. تأکید بر نقاط مشترک: «قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا إِلی کَلِمَةٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ أَلّا نَعْبُدَ

ص:۵۴۹

۱- (۱) . همبستگی امّت اسلامی، مجموعه سخنرانی های آیت اللّه هاشمی رفسنجانی در کنفرانس های وحدت اسلامی، ص۴۶..

۲- (۲) . همان، ص۵۶..

۳- (۳) . همان، ص۱۰۷..

۴- (۴) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳..

۵- (۵) . همان.

۶- (۶) . سورهٔ شوری، آیهٔ ۱۳..

۷- (۷) . سورهٔ حشر، آیهٔ ۹..

۸- (۸) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۱۰..

۹- (۹) . سورهٔ انفال، آیهٔ ۲۵..

إِلَّا اللّهَ وَ لا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لا يَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنّا مُسْلِمُونَ» (۱)

۳۶. شیوه های مثبت گفتگو: «وَ إِنّا أَوْ إِيّاكُمْ لَعَلى هُدىً أَوْ فِي ضَلالٍ مُبِينٍ» (۲)

۳۷. برانگیختن مذاهب اسلامی بر علیه دشمن مشترک. (۳)۳۸. قرآن کریم، سنت شریف نبوی صلی الله علیه و آله و سلم ، مرجعیّت تفسیری اهل بیت علیهم السلام دربارهٔ قرآن و سنت. (۴)۳۹. گسترش اصول و مبانی اسلام به زبانهای گوناگون.

۴۰. کوشش در حل نزاع و درگیری ها میان ملّت ها و طوایف مختلف اسلامی. (۵)۴۱. تأکید بر پیامدهای عملی و محسوس اصول دین.

۴۲. تکیه بر مطالعات و پژوهشهای مقایسه ای در عرصه های مختلف قرآن و حدیث. (۶)۴۳. تعمیم فرهنگ تقریب.

۴۴. انتشار کتابها و نشریات دوره ای.

۴۵. بهره گیری از رسانه های گروهی.

۴۶. دعوت از وزارتخانهٔ آموزش و پرورش در گسترش فرهنگ تقریب.

۴۷. درخواست از سازمانهای فرهنگی برای برگزاری و سازماندهی گردهمایی های تقریبی.

۴۸. تأکید بر تقریب در خطبه های نماز جمعه و درس های دینی.

۴۹. دعوت از مؤلّفان برای دامن نزدن به اختلاف ها.

۵۰. تسهیل جابجایی کتاب در میان کشورهای اسلامی. (۷)

۱- (۱) . سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۶۴..

۲- (۲) . سورهٔ سبأ، آیهٔ ۲۴..

۳- (۳) . دربارهٔ وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، محمّد علی تسخیری، ص۲۲..

۴- (۴) . همان، ص۶۱..

۵- (۵) . شماره های ۳۹ و ۴۰... استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، مجموعهٔ مقالات، ص۱۸۶..

۶- (۶) . شماره های ۴۱ و ۴۲، همان، ص۱۸۷..

۷- (۷) . از شمارهٔ ۴۳ الی ۵۰، استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، ص۱۸۹، به نقل از تجربهٔ مؤسسهٔ خیریهٔ آیت اللّه العظمی خویی..

۵۱. کوشش در راه کاستن از اختلاف ها میان مکتب های اجتهادی.

۵۲. اثبات این که اختلاف ها جوهری نیستند بلکه بیشتر اجتهادی هستند.

۵۳. تعریف حقیقت تقریب: بدین گونه که گامی به سوی همدلی است نه به معنای ذوب یا ادغام مذاهب در یکدیگر.

۵۴. اشاره به این که عرصه های اختلافی تنها منحصر به یک مذهب نیست.

۵۵. ایجاد همدلی میان پیروان مذاهب مختلف.

۵۶. تأکید بر اینکه عرصه های مشترک بسی بزرگ تراز عرصه های اختلاف است.

۵۷. آگاهی علمی از ریشه های اختلاف برای پی بردن به موارد پنهان و تسهیل در خاموش کردن آتش اختلاف ها. (۱)۵۸. یاری رساندن به احیاء و گسترش فرهنگ و آموزش اسلامی و دفاع از ساحت قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم .

۵۹. کوشش در راه تحقّق آشنایی و تفاهم بیشتر میان علما، اندیشمندان و رهبران دینی جهان اسلام در عرصه های عقیدتی، فقهی، اجتماعی و سیاسی.

۶۰. گسترش ایدهٔ تقریب میان اندیشمندان و نخبگان جهان اسلام و انتقال آن به توده های مسلمان و آگاه نمودن آنان از توطئه های تفرقه افکن دشمنان امّت.

۶۱. کوشش در راه تحکیم و گسترش اصل اجتهاد و استنباط در مذاهب اسلامی.

۶۲. کوشش در ایجاد هماهنگی و تشکیل جبههٔ متّحد دربرابر توطئه های رسانه ای و یورش های فرهنگی دشمنان اسلام بر اساس اصول مسلّم اسلامی.

۶۳. نفی بدگمانی ها و شبهه موجود میان پیروان مذاهب اسلامی. (۲)۶۴. گردهمایی همهٔ مسلمانان بر فصل های مشترک در کاری واحد.

۶۵. عدم تبدیل اختلاف مذهبی به کشمکش.

۶۶. به کارگیری همهٔ امکانات در انجام پروژه های حساب شده و به هم پیوسته.

۱- (۱) . از شمارهٔ ۵۱ الی ۵۷، همان، ص۱۹۳ - ۱۹۴..

۲- (۲) . از شمارهٔ ۵۸ الی ۶۳، همان، ص۲۰۲..

۶۷. عدم رقابت برای الغاء و حذف طرف دیگر.

۶۸. پرهیز از کشمکشهای جانبی. (۱)۶۹. گفتگوی علمی و منطقی بین مذاهب که موجب تحقّق نظام منسجم فکری و نظری و روشمند و قوّت اندیشهٔ اسلامی می شود.

۷۰. گفتگوی بین مذاهب که راه را برای کاوش جمعی در خصوص فرایند اندیشیدن و خودآگاهی هموار می کند.

۷۱. گفتگوی بین مذاهب که نخبگان جهان اسلام را در رفع منازعات محلّی، منطقه ای و جهانی کمک می کند.

۷۲. گفتگوی بین مذاهب که چشم اندازهای منظّمی را شکل می دهد و به طرفین گفتگو در حل مسائل و معضلاتی که موجب حیرت و سردرگمی آنان شده مدد می رساند.

۷۳. گفتگوی بین مذاهب که می تواند ضمن تلاش برای فهم و درک متقابل و شناخت نقاط و وجوه اشتراک فکری و نظری، به جای اتّکا به مسائل اختلافی گذشته، نگاه به آینده را بر اساس وجوه مشترک آتی ملاک و مبنا قرار دهد.

۷۴. گفتگوی بین مذاهب که موجب اندیشیدن آنها برای مقابله با تهدیدات مشترک می شود. (۲)۷۵. ارتباط و تعامل علمی اساتید، دانشجویان و طلّاب کشورهای اسلامی، به منظور علمی کردن گفتگوهای فرهنگی؛ از رهگذر برپایی همایش های علمی و کارگاه های مشترک پژوهشی و آموزشی و برگزاری نشستها، سمینارها و کنفرانس های علمی.

۷۶. ساماندهی پژوهشی با بهبود و بهسازی نظام اطّلاع رسانی، به منظور انجام مطالعات جامع در زمینهٔ تحریر محل نزاع فکری بین مذاهب و اندیشیدن راههای حل اختلافات نظری میان آنها.

۷۷. تقویت پایگاههای اطّلاع رسانی با ایجاد امکانات و شبکه های ارتباطی و فنّ آور

۱- (۱) . از شمارهٔ ۶۴ الی ۶۸، همان، ص ۳۶۰..

۲- (۲) . از شمارهٔ ۶۹ الی ۷۴، همان، ص۳۸۶ - ۳۸۷..

اطّلاعـاتی، تقویت مراکز اطّلاع رسانی جامع و سازمان یافته در زمینـهٔ دسـتاوردهای پژوهشـی جهان اسـلام و ایجاد شـبکه های اطّلاع رسانی به منظور گردش آزاد اطّلاعات، دانش و ایده ها.

۷۸. نوآوری برای فعّالیّتهای تحقیقی و آموزش چنـد رشـته ای و بین رشـته ای، به منظور تقویت فرآیند اندیشه ورزی، فرهنگ سـازی و هماهنـگ سـازی عرصه هـای مختلـف معرفـتی بـا ایجـاد تیمهـای بین رشـته ای و اسـتفاده از افراد دارای تخصّصـهای مختلف.

۷۹. ایجـاد پژوهشـگاه هـا و اندیشـگاه ها به منظور بسترسازی و فضاسازی برای سـیاست گـذاری و هـدایت گفتگوها در مسـیر مطلوب و هم اندیشـی نخبگـان علمی، فرهنگی، مـذهبی و ارتبـاطی جهـان اسـلام، در راسـتای پشتیبانی سـیاست گـذاری های تعاملی تقویت نظام اطّلاع رسانی و تبادل نظر بین محقّقان کشورهای اسـلامی، از رهگذر ایجاد ساختار ارتباطی بهتر و منسـجم تر.

۸۰. تعریـف چـارچوب هـا، معیارهـا و ضوابـط گفتگـوی علمی - فرهنگی بـه منظـور حـاکم نشـدن سـلیقه هـا و ترجیحـات و تفسـیرهای شخصـی - قومی و تقویت فرهنگ مدارا و سعهٔ صدر، نهادینه سازی اصول اخلاقی، تحقیقی و منطقی در مناظره و آزادی معقول اندیشه و قلم و تقویت روحیهٔ نقد، نقّادی و بازپژوهشی معرفت.

۸۱. دور نگه داشـتن فضـای گفتگو از التهـاب هـای سیاسـی و پرهیز از سـیاست زدگی، دولت گرایی و یـا رسـمیّت گرایی در فرآیند گفتگو و نیز اجتناب از نقش ها و بحران های فکری و فرهنگی و همچنین غوغاسالاری و عوام زدگی در عرصهٔ مباحث فکری و فرهنگی از رهگذر اهتمام به دیپلماسـی عمومی «Public dipl cy» و اتّخاذ سـیاست های غیر رسمی و غیر دولتی در عرصهٔ تعاملات میان مذاهب اسلامی.

۸۲. مـدیریت سامـان منـد مراکز مطالعـاتی و پژوهشـی و فکری وانـدیشه ای جهان اسـلام، به منظور سامان بخشـی به ارتباطات درون تمدّنی و تبادل نظر مراکز علمی و تحقیق جهان اسلام، فراهم آوردن بستر مناسب برای تعاطی آرا و تضارب اندیشه ها و ارتقای فهم و درک مشترک در فرآیند تبادل آرای علمی.

ص:۵۵۳

۸۳. رعـایت آداب گفتگو در فضـایی سـالم به دور از جمود، تحجّر، خودبـاختگی و تقلیـد، توجّه به اصول نخبگی، فرزانگی و خلاقیّت در مسیر حرکت آفرینی تمـدّنی، تقویت روحیـۀ انتقادپـذیری و تحمّل نظر مخالف، اسـتقبال از نقـد اندیشه در جهت تکامل و ارتقای کیفی، گفتگو و ایجاد آمادگی تجدید نظر در افکار، در فضای هم فکری و همدلی.

۸۴. تشـکیل مناظره های قانونمند و توأم با امکان داوری و نقد و ارزیابی در محضـر وجدان علمی، با حضور اهل فنّ و نظر؛ به منظور فراهم آوردن فضـای سـالم و مشوّق ابتکـار و خلاقیّت و هم فکری. ایجـاد زمینـۀ تضارب آرا و عقول و گسترش فضای انتقـادی سـالم و فرهنـگ سـازی برای گفتگوی آزاد در راسـتای تلاش برای تقویت تعامل و اعتمادسازی متقابل میان نخبگان فکری، علمی و فرهنگی جهان اسلام.

۸۵. شـناسایی، معرّفی، انتشـار و نقـد آثار به جا مانـده از عالمان و اندیشـمندان رشـته های مختلف علوم اسـلامی، نشـر کتب و فعّالیّت های پژوهشـی مرتبط با موضوع تقریب مذاهب اسـلامی، انتشار گزارش پژوهش های انجام شده در این زمینه در جهان اسـلام، اطّلاع رسـانی کارآمـد، مؤثّر، منـاسب و گسترده در مورد محتوای پژوهش هـا، تکمیل بانک های اطّلاعاتی به منظور انتقال یافته های پژوهشـی و ارایۀ آن ها به صورت نظام یافته و سامان مند و تقویت سازوکار تبادل اطّلاعات در مسائل علمی و فرهنگیِ مورد توجّه دانشگاهیان و نخبگان مسلمان.

۸۶. برقراری ارتبـاط ارگانیـک و تنگاتنـگ بین مراکز فکری جهـان اسـلام، مـدیریت شـبکه ای تحقیقـات به منظور هماهنگی پژوهش ها و بسترسازی برای تولیـد اندیشه و نظریۀ منسـجم و هماهنگ، ارتقاء تعاملات پژوهشـی به منظور اسـتفاده از نتایج و دسـتاوردهای تحقیقـاتی یکـدیگر، ایجـاد زمینه های تبادل علمی بین مراکز فکری و انـدیشه های جهان اسـلام. ایجاد سازوکار منـاسب برای بهره برداری مؤثّر از برآینـد پژوهش هـا. ایجـاد هماهنگی بین مؤسـسات و پژوهشـکده های علمی جهان اسـلام، ایجاد ساختارهای مناسب و کارآمـد برای هماهنگی برنامه های علمی و پژوهشـی، برقراری ارتباط منطقی بین مراکز پژوهشـی براساس بهره گیری

از فنّ آوری ارتباطات و گسترش شبکه های رایانه ای به منظور انتقال نتایج تحقیقات در مجموعه ای مرتبط.

۸۷. اصلاح، بهسازی و تغییر در روش ها. گفتگو و ارزیابی راهبردهای تعامل بین مذاهب اسلامی، به منظور رفع سوء تفاهم ها و سوء برداشت ها و متمرکز کردن منابع فکری در جهت ایجاد منظومهٔ هماهنگ اندیشه.

۸۸. باید جنبه های ایدئولوژیک سلطهٔ آمریکا و مفهوم حقیقی مقولات مربوط به آن (از قبیل: دهکدهٔ جهانی، بازار آزاد، آزادی دخالت و گشایش مرزها و...) را رسوا سازیم. (۱)۸۹. با عرضه و ارائهٔ نظریهٔ فطرت اسلامی، به تعمیق ارزش های فطری انسان بپردازیم.

۹۰. گفت و گوی میان ادیان هرچه بیشتر گسترش داده شود.

۹۱. باید بر هویّت های اقلیمی، هویّت خلق ها و آگاهی ملل در حفظ هویّت و فرهنگ خود، انگشت بگذاریم.

۹۲. توان علمی و قدرت رشد و توسعهٔ ملل، باید افزایش یابد.

۹۳. در راستای واگذاری آزادی ها و حقوق اصیل خلق ها، گام برداشته شود.

۹۴. نهادهای بین المللی تقویت گردند و استقلال آن ها تحکیم شود.

۹۵. تنوّع فرهنگی، ژرفای بیشتری بخشیده شود.

۹۶. در راستای ایجاد وحدت در مواضع اسلامی، گفت و گوی مذاهب، تعمیق یابد.

۹۷. در راستای تقویت نهادهای فراگیر اسلامی و فعّال سازی آن ها در جنبه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گام برداشته شود.

۹۸. باید مطالعات منطقه ای و جهانیِ خود را تکامل بخشیده و با تاریخ جهان درهم آمیزی بیشتری داشته باشیم.

۹۹. لازم است به تقویت تمامی عوامل پایداری، همکاری و وحدت از جمله مسألهٔ زبان عربی و تقویت و گسترش آن بپردازیم.

۱- (۱) . از شمارهٔ ۸۰ - ۸۸، همان، ص۳۹۵ - ۳۹۷..

۱۰۰. در پژوهش ها و بررسی های دینی، اصالت و در عین حال هم گامی با مقتضیّات کنونی را مد نظر قرار دهیم و از اجتهاد جمعی حمایت کنیم و هر آن چه را که به ایستادگی در برابر این یورش بزرگ جهانی منجر می گردد، انجام دهیم.

۱۰۱. برماست که مسألهٔ خیزش اسلام را مورد حمایت قرار دهیم.

۱۰۲. شناسایی دشمن واقعی جهان اسلام تا از این طریق سطح تعارضات داخلی کاهش یابد و از ناحیهٔ احساس ناامنی مشترک «جهان بینی سیاسی آنارشیک» فعلی به «جهانبینی سیاسی منسجم» در مقابل فرهنگ مهاجم تبدیل شود. (۱)۱۰۳. تعریف منافع مشترک برای جهان اسلام تا راجع به ظرفیتهای طبیعی سیاسی اقتصادی و ایدئولوژیک شان، شأن و جایگاه خود را به عنوان (حداقل) یک بلوک قدرت منطقه ای و در مرحلهٔ بعدی به عنوان یک قدرت با قابلیّت عرضه در گسترهٔ جهان بازیابند.

۱۰۴. ضرورت ایجاد وابستگی متقابل)Interdependence(میان جریان های مذهبی، به عنوان پیش درآمد فرآیند تقریب و وحدت. (۲)۱۰۵. فعّال شدن نیروهای وحدت بخش و تقریب گرا که به صورت ایجابی وارد عرصه می شوند.

۱۰۶. گسترش دامنهٔ ارتباطات و مبادلات کالاهای فرهنگی و روابط شهروندان جهان اسلام در قالب توریسم فرهنگی و یا برگزاری نمایشگاه های کتاب به صورت عام یا تخصّصی که می تواند در زمینهٔ از بین بردن خندق های ذهنی و یا فاصله های وهمی و خیالی و تصنعی مؤثّر باشند.

۱۰۷. در صورت توفیق در مراحل قبلی بستر برای شکل گیری ساختارهای نوین با کارکردها و سازوکارهای مشخص فراهم می شود که همان ساختارهای تقریبی و هم گرایانه است که بر محور وحدت در اصول، تنوّع و تعدّد و اختلاف مذاهب در فروع را به رسمیّت شناخته و سامان می دهد.

ص:۵۵۶

۱- (۱) . از شمارهٔ ۹۰ الی ۱۰۲، همان، ص۴۱۲ - ۴۱۳..

۲- (۲) . ۱۰۳ و ۱۰۴، همان، ص۴۴۵..

۱۰۸. تعامل ایجابی و همکاری مؤثّر و با برنامه، در زمینهٔ مشترک و مورد اتّفاق مذاهب اسلامی.

۱۰۹. برجسته نکردن موارد اختلاف و معذور داشتن یکدیگر در این موارد.

۱۱۰. دوری از افتادن در دام مهلک تکفیر، تفسیق و منتسب کردن یکدیگر به بدعت.

۱۱۱. اصل آزادی انتخاب مذهب.

۱۱۲. اصل گفتگو در تعامل مذاهب به عنوان یک اصل قرآنی.

۱۱۳. پرهیز از مؤاخذهٔ یکدیگر در لوازم رأی، در صورت روشن نبودن ملازمه.

۱۱۴. آزادی عمل پیروان مذاهب در احوال شخصیّه.

۱۱۵. هم گرایی عملی و موضع گیری مشترک امّت اسلامی در رویارویی با تهدیدات و چالش های عمومی جهان اسلام.

۱۱۶. ضروری است برای دست یابی به درک مشترک از مقولهٔ تقریب و مسائل و ابعاد گوناگون آن، به ویژه در سطح نخبگان و اندیشه ورزان جهان اسلام، تلاش لازم صورت گیرد، تا به نوعی اجماع نظری و هماهنگی عملی برای اقدام هماهنگ و منسجم دست یابد.

۱۱۷. اندیشه ورزی و تولید اندیشه، بر پایهٔ معارف دینی برای به دست گرفتن ابتکار نظری با ارایهٔ نظریه های روزآمد، جذّاب، عملی، کارآمد و اقناع کنندهٔ خردها، جهت پاسخ گویی به نیازها و فراهم کردن زمینهٔ نوعی خود اتکایی نظری و عدم دنباله روی محض از حوزهٔ نظری غرب، در زمینه های مختلف برای مقابله با آثار منفی جهانی سازی.

۱۱۸. در کنار تولید اندیشه و نظریه پردازی در عرصه های مختلف، باید تلاش نمود یک الگوی عملی، موفّق و کارآمد از دمکراسی بومی برپایهٔ اندیشهٔ اسلامی عرضه نمود تا از این رهگذر، زمینهٔ همگرایی جوامع اسلامی در لایه های مختلف فراهم شود و عناصر واگرا، از جمله مداخلهٔ نظام سلطهٔ جهانی در امور داخلی کشورهای اسلامی، فرصت دخالت و تحمیل الگوهای برون زا پیدا نکند.

۱۱۹. ضروری است واقعیّات جهان معاصر، به ویژه ادّعاهای فریبنده و جذّاب غرب در

زمینهٔ دمکراسی، حقوق بشر، آزادی، حق تعیین سرنوشت برای ملّت ها، مبارزه با خشونت، تروریسم و... و برخوردهای گزینشی در این زمینه ها را به نسل های نو شناساندن.

۱۲۰. اهتمام بیشتر به ابعاد نرم افزاری قدرت با توجه به تحوّلات تکنولوژیک و انقلاب ارتباطات و اطّلاعات و بهره گیری از فرهنگ، به عنوان ابزار کسب منزلت بین المللی در تعامل با دولت ها و بازیگران غیر دولتی.

۱۲۱. توجه به سازمان های منطقه ای در درون جهان اسلام به عنوان حلقه های عملیاتی هم گرایی در جهان اسلام.

۱۲۲. بالا بردن توان بازیگری و قدرت مانور دیپلماتیک در صحنهٔ بین الملل، به منظور تبدیل چالش ها به فرصت ها و کنترل تهدیدها افزایش میزان بهره وری در مورد فرصت های موجود، ایجاد فرصت های نو، ارتقای قدرت تصمیم گیری، پیش بینی و آینده نگری از رهگذر سناریوپردازی، مدل سازی و الگوپردازی.

۱۲۳. مشارکت فعّال و مؤثّر در نهادهای بین المللی، به منظور شکل دهی به افکار عمومی در سطح جهان و تقویت تریبون های جهان اسلام در این نهادها.

۱۲۴. توجه خاص به نقش و جایگاه سازمان های غیر دولتی)OGN(در جهت تقویت همکاری بین ملّت ها و افزایش دامنهٔ مخاطبان.

۱۲۵. کاهش تعارضات، اختلافات و تنش ها در میان جوامع اسلامی و معطوف کردن توجّهات به مشکلات و چالش های جهانیِ پیشِ روی جهان اسلام.

۱۲۶. تلاش در جهت افزایش سهم کشورهای اسلامی در بازار جهانی محصولات و فرآورده های فرهنگی؛ در این زمینه، مراکز علمی و مؤسسات پژوهشی و اندیشمندان مسئولیّت مضاعف دارند.

۱۲۷. افزایش توجه به نقش خانواده و نهادهای مدنی در برنامه ریزی های فرهنگی و اجتماعی، به منظور فرهنگ سازی در زمینهٔ وحدت اسلامی و کادرسازی و تربیت نیرو در این عرصه.

ص:۵۵۸

۱۲۸. تشکیل مدارس دینی مختلط از پیروان مذاهب متعدد مانند اربعه و غیرهم و مذاهب شیعه (امامیه و زیدیه) و مذهب اباضیه و مذاهب کلامی شیعه و اشعری و معتزلی و ماتریدی و غیرهم.

۱۲۹. نشریهٔ مشترک ماهانه از سوی دانشمندان مذاهب در هر شهری که پیروان دو یا بیشتر از دو مذهب، از مذاهب اسلامی وجود دارند و این نشریه آثار مفید خود را حتماً بجا می گذارد. (۱)۱۳۰. تدوین و طبع نشر احادیث مشترک نبوی صلی الله علیه و آله و سلم که از طریق اهل بیت علیهم السلام و از طریق صحابه وارد شده است، که یا متّفق اللفظ والمعنی است و یا متّفق المعنی می باشد. این کتاب، سنگ محکمی به دهان تفرقه اندازان می زند.

۱۳۱. تدوین جلسات تبلیغی مشترک در اوقات مناسب دینی مانند ماه رمضان، تجلیل از نزول قرآن، میلاد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و امثال این ها که شیعه و سنی بر آن ها اجتماع دارند.

۱۳۲. تشخیص دقیق موارد متّفق علیه و مختلف فیه بین طرفین، تا به وسیلهٔ اختلاف موهوم و غیر واقعی از هم دور نشویم.

۱۳۳. اشتراک در غم و شادی پیروان سایر مذاهب که در یک محل زندگی می کنند.

۱۳۴. ادامهٔ کنفرانس های تقریبی و توسعهٔ آن در کشورهای دیگر.

۱۳۵. تشکیل شوراهای اخوّت اسلامی به منظور تقریب در هر محلی که جمع متنابهی از شیعه و سنی اقامت دارند.

۱۳۶. کم کردن فشارهای سیاسی و اعطای حقوق کامل مدنی و غیره توسط دولت ها به اقلّیت های مذهبی که قهراً محبّت را دربردارد، (در افغانستان مادهٔ ۴، ۵ و ۱۳۱ قانون اساسی سال ۱۳۸۲ شیعیان را از دولت و اکثریت راضی نمود).

۱۳۷. برائت شیعه از غُلات و اهل سنت از نواصب تا وجود این دو طایفه باعث اشتباه برادران مسلمان شیعه و سنی نشود و همه باید بدانیم که غلو و نصب در اسلام مشروعیّتی ندارد.

۱- (۱) . از شمارهٔ ۱۰۵ الی ۱۲۹، همان، ص۴۵۲ - ۴۵۶..

۱۳۸. فعّال نمودن نقش علما به عنوان وارثان پیامبران علیهم السلام در ادامهٔ روند آگاهی بخشی عمومی به اسلام از نظر عقیده و نظم و ارزش ها و آگاهی دادن به مردم مسلمان نسبت به وظیفهٔ خود در مقابله با تهاجم فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سایر چالش هایی که پیش روی امّت اسلامی قرار دارد. (۱)۱۳۹. تلاش برای سازماندهی جنبش اجتهاد و گشودن درهای آن و تأکید بر اجتهاد جمعی فراگیر و تحقّق توازن مطلوب میان اصالت و زندگی معاصر.

۱۴۰. تلاش برای تعمیم سنّت های نیکو و گسترش ارزش ها و سنّت های اسلامی در سرتاسر جهان اسلامی و پرهیز از سنت ها و عادت ها و رفتارهای ناروای جاهلی گذشته و مستحدثهٔ منافی اخلاق و غیر اسلامی.

۱۴۱. تقویت نهادهای خدمت گذار به مسایل مسلمانان در زمینه های اجتماعی، رفاهی، تعاونی - آموزشی، فرهنگی - تبلیغی، حقوق بشر و غیره.

۱۴۲. تقویت همکاری و همیاری میان اندیشمندان مسلمان در سطح بین المللی در خدمت به مسائل امّت.

۱۴۳. تلاش برای تقویت و هدایت رسانه های اطّلاع رسانی موجود و بالا بردن سطح کارایی آن، جهت همگامی با تحولات فنّ آوری اطّلاعات و فراهم نمودن رسانه های آگاهی بخش مطلوب، در راستای اطّلاع رسانی.

۱۴۴. حمایت از مقاومت اسلامی در برابر اشغال در هر جایی از جهان اسلام.

۱۴۵. تلاش جدّی برای گسترش جنبش دعوت به اسلام و مجهّز نمودن آن به امکانات معنوی و مادّی مورد نیاز.

۱۴۶. افراطگرایی در اندیشه ها، کردارها و حرکت های بی هدف که ازنظر اسلام مردود است.

۱۴۷. سطحی نگری و قشری گرایی که نیاز به تعمّق دارد.

۱۴۸. التقاط و تلفیق میان اندیشهٔ دین و اندیشه های بیگانهٔ تحت تأثیر اندیشهٔ معاصر، بگونه ای افراطی.

۱- (۱) . از شمارهٔ ۱۳۰ الی ۱۳۸، همان، ص۴۵۸ - ۴۶۰..

۱۴۹. گوشه گیری و در لاک خود ماندن و عدم روی آوردن به واقعیّت ها و شناخت زمان و برخورد مثبت با رویدادها.

۱۵۰. تعصّب کورکورانه در همهٔ زمینه ها و به ویژه در زمینه های مذهب گرایی.

۱۵۱. ذوب شدن در روابط جانبی و یا منطقه ای و غیره و فراموش کردن مسائل اصلی امّت.

۱۵۲. کنار گذاردن هدف و قربانی کردن آن در اثر توطئهٔ دشمن.

۱۵۳. اجرای نادرست اسلام و تأکید بروی یک بخش آن، جدا از دیگر بخش های آن، همچون اجرای مجازات، بدون درنظر گرفتن ارتباط آن با نظام فراگیر اسلامی.

۱۵۴. تجزیه و تفکیک و چند دستگی موجب پراکندگی تلاش ها.

۱۵۵. دسترسی به سطح بالایی از ایفای نقش تمدنی در حرکت انسانی و تحقّق هم زیستی مسالمت آمیزِ جهانیِ عادلانه.

۱۵۶. تحقّق زمینهٔ مناسب وحدت اسلامی مطلوب.

۱۵۷. تکامل میان نهادها در زمینه های دعوت به اسلام و اطّلاع رسانی فرهنگی و آموزشی.

۱۵۸. پیشرفت در زمینهٔ عمومیّت بخشیدن به فرهنگ وحدت و تقریب.

۱۵۹. تلاش برای تحقّق میانه روی در جامعهٔ اسلامی.

۱۶۰. بالا بردن آگاهی سیاسی در جامعهٔ اسلامی به سطوح عالی.

۱۶۱. ایجاد نهادهای اقتصادی فراگیر و فعّال برای ایجاد بازار مشترک اسلامی.

۱۶۲. تقویت امید به فردای عادلانهٔ انسانی.

۱۶۳. تشویق گفتگو میان فرهنگ ها و ادیان.

۱۶۴. تلاش برای حذف مظاهر فساد اخلاقی و اقدام به نشر فضائل.

۱۶۵. قرار دادن مکانیزم های مناسب برای اجرای استراتژی های مورد توافق سازمان های اسلامی بین المللی.

۱۶۶. توسعهٔ امکانات استراتژیکی جهان اسلام.

۱۶۷. استفاده از علوم و تجربه های دیگران. (۱)

۱- (۱) . از شمارهٔ ۱۴۰ الی ۱۶۷، همان، ص۴۹۲ - ۴۹۵..

بخش پنجم:

اشاره

گزیده ای ازاخبار و اطّلاعات سرویسهای مختلف خبری پیرامون:

الف) تلاش بیگانگان برای تفرقه اندازی بین مذاهب اسلامی وتضعیف مسلمین

ب) آثار مثبت وحدت بین کشورهای اسلامی

ج) گزارش های گوناگون و هشدار دهنده

ص:۵۶۳

الف) تلاش بیگانگان برای تفرقه اندازی بین مذاهب اسلامی و تضعیف مسلمین

کمیسیون حقوق بشر اسلامی انگلیس،ضدّ اسلام ترین شخصیّت ها را معرّفی کرد

کمیسیون حقوق بشر اسلامی انگلیس، برای نخستین بار، ضدّ اسلام ترین شخصیّت های سیاسی و رسانه های بریتانیا و جهان را معرّفی کرد. اقدام این کمیسیون، که در لندن مستقر است، بر اساس نظرسنجی از افکار عمومی دربارهٔ شخصیّت ها و رسانه هایی که مروّج اسلام ترسی در بریتانیا و جهان هستند صورت گرفت. به گزارش ایرنا، کمیسیون حقوق بشر اسلامی طی برنامه ای در لندن، با حضور ۲۵۰ تن از شخصیّت های مسلمان، سیاستمداران و رهبران مذهبی بریتانیا، نام ضدّ اسلام ترین «سیاستمدار انگلیسی، سیاستمدار بین المللی، روزنامه نگار، رسانه و شخصیّت ضدّ اسلامی سال» را اعلام کرد. بر این اساس جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا، ضدّ اسلامی ترین شخصیّت سال در جهان و آریل شارون، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، اسلام ستیزترین سیاستمدار بین المللی شناخته شدند.

بر اساس بررسی های کمیسیون حقوق بشر اسلامی، همچنین دیوید بلانکت، وزیر کشور انگلیس و نیک گریفین، رهبر حزب راستگرای افراطی ملّی بریتانیا، به طور مشترک، شاخص ترین سیاستمداران بریتانیایی مروّج اسلام ترسی در این کشور معرّفی شده است. شبکهٔ خبری «فاکس نیوز» نیز به عنوان ضدّ اسلام ترین رسانه شناخته شد. در چارچوب نظرسنجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ملانی گریفیتیس، سرمقاله نویس روزنامهٔ «دیلی میل» چاپ لندن هم ضدّ اسلام ترین روزنامه نگار بریتانیایی شناخته شد. (۱)

ص:۵۶۵

۱- (۱) . تبلیغ (۳)، اطّلاع رسانی گفتمان سیاسی روز، جامعهٔ مدرسیّن حوزهٔ علمیّهٔ قم (مدیریت سیاسی)، رمضان المبارک ۱۴۲۴، ص ۱۰۷..

در یک اقدام گستاخانه؛ آمریکا در کویت قرآن جعلی توزیع کرد

پایگاه اینترنتی «اهل البیت علیهم السلام » از توزیع قرآن های جعلی آمریکایی به نام «فرقان الحق» در یکی از کشورهای اسلامی خبر داد. به گزارش خبرگزاری فارس، این سایت در گزارشی با عنوان «قرآن آمریکایی: حیله ای خطرناک» اعلام کرد که قرآنی جدید با نام «فرقان الحق» در کویت توزیع شد. این کتاب که با عنوان «قرآن قرن بیست و یکم» نیز نامیده شده است، توسط دو شرکت انتشاراتی آمریکایی به نام های «امگا ۲۰۰۱» و «واین پرس» به چاپ رسیده و دارای ۳۶۶ صفحه بوده و به زبان های عربی و انگلیسی است و در مدارس خصوصی آموزش انگلیسی در میان کودکان کویتی توزیع شده است. از این کتاب با نام آیات شیطانی هم یاد می شود.

این کتاب شیطانی دارای ۷۷ سوره از جمله «الفاتحه، الجن و انجیل» است. در ابتدای این سوره ها در عوض «بسم اللّه الرحمن الرحیم» از عبارتی استفاده شده است که مانند اعتقاد مسیحیان به سه روح (پدر، پسر و روح القدس) است. این کتاب موهن با بسیاری از اعتقادات اسلامی در تضاد است و در یکی از آیات آن چنان آمده است که داشتن بیش از یک همسر به منزلهٔ زنا است و طلاق جایز نیست و نظام جدیدی را برای وراثت اعلام می کند و با روش موجود مخالف است.

این کتاب آمریکایی، جهاد را حرام اعلام کرده است. و حتی دامنه گستاخی را فراتر می برده و به خداوند تبارک و تعالی اهانت می کند. قیمت این کتاب تنها سه دلار است. (۱)

طرح سیا برای براندازی تشیّع

آنچه از نظر می گذرد بخشی از طرح «سیا» در براندازی شیعیان است. این طرح از سوی «مایکل برانت» رئیس سابق سیا و عضو بخش شیعه شناسی این سازمان ارائه شده است.

علّت دشمنی با شیعه: شیعه در بین فرق اسلامی، فعّال و متحرک است زیرا:

۱. رهبری آن در دست مراجع است.

۲. یاد و خاطرهٔ شهادت امام حسین علیه السلام زنده نگه داشته می شود.

مراحل اجرایی پروژهٔ مقابله با تشیع (با تأسیس شعبه ای مخصوص و بودجهٔ ۴۰ میلیون دلاری):

ص:۵۶۶

۱- (۱) . تبلیغ (۵)، جامعهٔ مدرسیّن حوزهٔ علمیّهٔ قم (معاونت جامعه و نظام - مدیریت سیاسی)، محرم الحرام ۱۴۲۶، ص ۵۸ - ۵۹..

۱. جمع آوری اطّلاعات؛ با اعزام پژوهشگر به پاکستان.

۲. اهداف کوتاه مدّت؛ تبلیغ علیه شیعه و راه اندازی آشوبهای بزرگ شیعه و سنی.

۳. اهداف بلند مدّت؛ پایان دادن به مکتب شیعه.

نتایج به دست آمده از تحقیقات پژوهشگران در جمع آوری اطّلاعات:

۱. مراجع شیعه، سرچشمۀ اصلی قدرت این مذهب هستند.

۲. از عزاداری برای امام حسین علیه السلام شیعیان به جوش و خروش می آیند.

راهکار گرفتن مراجع از شیعیان:

۱. چون تصادم مستقیم دارای ضرر فراوان است باید در پشت پرده کار کرد.

۲. افرادی که با شیعه اختلاف نظر دارند را علیه شیعه منظّم و مستحکم کنیم.

۳. گسترش شایعۀ کافر بودن شیعه و جدا نمودن آنها از جامعه اسلامی.

۴. جمع آوری و تقویت افراد کم سواد و بی سواد جهت جنگ علیه شیعه.

۵ . گشودن یک جبهه تمام عیار علیه مراجع تشیع تا بین مردم مورد نفرت قرار گیرند.

راهکار گرفتن عزاداری امام حسین علیه السلام از شیعیان:

۱. شناسایی افراد پول پرست و دارای عقاید سست برای رسوخ در عزاداری ها.

۲. به وجود آوردن و یا سرپرستی مدّاحانی که معرفت و عقاید شیعه را ندارند.

۳. کمک مالی به افرادی از شیعه، که با نوشته های خود، عقاید و بنیان های تشیع را منهدم می سازند.

۴. حذف و اضافه نمودن رسومی در مراسم عزاداری که با عقاید شیعه منافات داشته باشد.

۵ . إلقای اینکه شیعه یک گروه توهّم پرست و جاهل است و در محرَّم برای انسانها ایجاد مزاحمت می کند.

۶. تبدیل تشیع از یک مذهب دارای قدرت منطقی، به یک مذهب درویشی محض و از درون خالی، توسط مدّاحان مورد نظر.

۷. پخش مطالبی که با تحقیق جمع آوری شده است به همراه تحلیل و بررسی علیه مرجعیّت، توسط مدّاحان مورد نظر.

ملاحظه:

نـامبرده در پایـان به نقل از سازمان سـیا پیش بینی می کنـد که با انجام مراحل فوق الـذکر، در سال ۲۰۱۰م، دوران مرجعیّت و تشیع خاتمه می یابد و سایر شیعیان به علّت جنگ های مسلحانهٔ شیعه و سنّی، پراکنده می شوند. (۱)

۱- (۱) . تبلیغ (۵)، ص ۵۹ - ۶۱..

برای به زانو در آوردن مسلمانان باید آنها را به فساد کشید

یک نویسندهٔ اسلام ستیزِ فرانسوی تأکید کرد: برای غلبه بر مسلمانان، باید آنها را به فساد کشید.

«میشل هولباک» که اخیراً دین اسلام را حماقت و خطرناک توصیف کرده است، در جدیدترین اظهاراتش درباره به زانو در آوردن اسلام و مسلمانان تصریح کرد: «ما از راه زور نمی توانیم افراط گرایی دینی! را متوقف سازیم، پس بهتر است مسلمانان را به فساد بکشانیم». وی تأکید کرد: «جنگ بر ضدّ افراط گرایی اسلامی با کشتن مسلمانان فایده ای ندارد و فقط با فاسد کردن آنها می توان به این پیروزی دست یافت». این نویسنده هتّاک در پایان افزود: «باید به جای بمب، دامن های کوتاه و گوشواره بر سر مسلمانان فرو بریزیم!». (۱)

رویکرد شبکه های ماهواره ای فارسی به ایجاد انحرافات اعتقادی و دینی

شبکه های ماهواره ای در کنار برنامه های مبتذل و یا تحریک بینندگان بر ضدّ جمهوری اسلامی، به مباحث اعتقادی نیز روی آورده اند. اگرچه این برنامه ها تأثیرات وسیعی ندارد و نوع بینندگان ماهواره به دنبال برنامه های دیگر (عمدتاً لهویات) هستند، اما گزارشی از تغییر مذهب در اثر مشاهده تبلیغات مسیحیت در یکی از تلویزیون های ماهواره ای نیز وجود دارد.

اخیراً خانواده ای از طریق تماشای برنامهٔ تبلیغ مسیحیت در تلویزیون ماهواره ای آپادانا، به این دین گرویده اند. مادر خانواده گفته است: «من نماز می خواندم، کلاس قرآن می رفتم اما فایده ای نداشت، با مسیحیت از طریق برنامه های ماهواره آشنا شدم و حالا هم برنامه های مسیحی مربوط به کانالهای مختلف را نگاه می کنم. دختر بزرگم از همین طریق مسیحی شده و با شوهرم هم صحبت کرده ام. او دیگر نماز نمی خواند. دختر کوچکترم هم که ۱۸ سال دارد به مرور تغییر خواهد کرد.

زمان پخش برنامه ها، به مهمانی نمی رویم و مهمانی هم نمی دهیم. پسر خانواده نیز در خلال تماس با یک کشیش و بحث مسیحی شدن، اخلاق و رفتارش خوب شده و من هم به مسیحیت علاقه مند شده ام». کشیش مزبور هم به مادر خانواده گفته است: «همان طور که توانستید با اخلاق خوب، پسر خود را جذب کنید، روی شوهرتان نیز کار کنید و زمانی که ما برنامه داریم مهمانی بدهید و با هم تماشا کنید».

ص:۵۶۸

۱- (۱) . تبلیغ (۵)، ص ۶۲..

بررسی های ابتدایی، نشانگر این امر است که برخورد مؤدّبانه و همراه با آرامش مجریان این تلویزیون، نقش مؤثّری در جذب افراد داشته است. یک شبکهٔ ماهواره ای دیگر به نام «نجات» نیز توسط دو کشیش ایرانیِ سابقاً مسلمان، در آمریکا راه اندازی شده است. مؤسّس این تلویزیون، فردی به نام رضا صفا ۴۳ ساله کشیش کلیسای خانگی فیشرمن در ایالت اوکلاهمای آمریکاست. تلویزیون مزبور از یک سال قبل برای تبلیغ مسیحیت در بین میلیونها فارسی زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان آغاز به کار کرده است... .

در دیگر کانالهای ماهواره ای فارسی زبان، به أنحاء دیگری شبهه افکنی در اعتقادات دینی دنبال می شود. برخی از شبکه ها مثل tv.m ریحاً فحّاشی به اسلام، قرآن و ذوات مقدسهٔ معصومین علیهم السلام و تردید افکنی در نبوّت، امامت، علم و عصمت آنان را دنبال می کنند و برخی دیگر مثل شبکهٔ رنگارنگ، مباحث نامأنوسی را در بارهٔ تعالیم اسلامی مطرح می سازند.

به عنوان مثال فردی به نام مصطفی مکّی که مدّعی اسلام شناسی است در سلسله مباحثی، خداوند را در لسان قرآن معادل «هستی» معرّفی کرده است. نحوهٔ تلفّظ کلمات توسط این گوینده، کاملاً از ناآشنایی وی با اسلام حکایت دارد. اما در مجموعه ای از اظهارات، او سعی دارد به زعم خود شبهاتی را در تفسیر رایج از مفاهیم اسلامی ایجاد کند. این اظهارات غیر از شبکهٔ ماهواره ای مذکور، روی موج رادیو اسرائیل هم پخش می شود.

پیش از این نیز در شبکه های ماهواره ای مثل ان.ای.تی.وی، پارس و آزادی نیز افراد دیگری که گاه برخی از آنان معمّم هم بوده اند، اظهارات شبهه افکنی را در باره اعتقادات دینی مطرح ساخته اند. شبکهٔ رنگارنگ، در اقدامی غلط انداز زمانی را به سخنرانی فرد معمّمی به نام شیخ محمّد تقی ذاکری اختصاص داده است. وی که با لهجه ای عراقی به زبان فارسی سخن می گوید، اظهارات چندان مسأله داری ندارد و گاه حتی از بیشتر اهمّیت دادن شبکه مذکور به برنامه های لهو و لعب به ظاهر انتقاد می کند تا وجهه ای آزاد از شبکهٔ مذکور ترسیم شود. (۱)

تلاش رژیم صهیونیستی برای رواج فساد در ایران

به گزارش رسیده، سرویس اطّلاعاتی ترکمنستان با شناسایی یک شبکه فساد و فحشا برای ترویج فحشا در ایران، دو نفر صهیونیست و چهارده نفر از زنان عضو این شبکه را دستگیر کرد. بر اساس این گزارش، این شبکه با عضوّیت حدود پنجاه نفر از زنان و دختران روسبیِ ترکمن، با مسئولیّت دو نفر از

۱- (۱) . تبلیغ (۵)، ص ۶۴ - ۶۶..

یهودیان کارمند شرکت مرحاو، برای رواج فساد اخلاقی به ایران فرستاده می شدند.

این شبکه با حمایت مالی دو صهیونیست از مرکز کشاورزی مرحاو، با هدف آموزش زنان و دختران روسبی ترکمن و اعزام حساب شده آنها به طور منظّم در طول هر ماه به تعداد ۱۵ تا ۲۵ نفر به استانهای خراسان و گلستان به منظور دایر کردن اماکن فساد و فحشاء و آلوده کردن جوانان به فساد و ... راه اندازی شده است. (۱)

طرح مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی برای اسکان ۵۰۰ هزار یهودی در عراق

پایگاه اینترنتی «المحیط» از طرح مشترك آمریکا و رژیم صهیونیستی برای اسکان ۵۰۰ هزار یهودی در عراق خبر داد. به گزارش این پایگاه، در جریان سفر هیأتی از عراق به مصر، از طرح مشترك آمریکا و رژیم صهیونیستی با هدف جذب ۵۰۰ هزار یهودی از اسرائیل برای اسکان در خاك عراق پرده برداشته شد. یکی از اعضای این هیأت تأکید کرد: این طرح با هدف بازگرداندن یهودیان که از دهۀ پنجاه از عراق، کوچ کرده اند، صورت می گیرد. وی افزود: برخی در تلاشند حتی برای آنها حزب تشکیل دهند تا بتوانند در ساختار قدرت مشارکت داشته باشند.

پیش از این، منابع خبری از خرید اراضی شمال عراق برای اسکان یهودیان از سوی رژیم صهیونیستی خبر داده بودند، منابع خبری اعلام کردند: اسرائیل می کوشد در آینده اراضی بیشتری از عراق را با هدف نزدیك شدن به خاك ایران خریداری کند و از این طریق بخشی از طرح آمریکایی موسوم به خاورمیانۀ بزرگ تحقّق یابد. (۲)

صهیونیستها جوانان عراقی را آلوده می کنند

روزنامۀ اردنی «السبیل» به نقل از معاون وزارت کشور عراق در امور اطّلاعاتی، از حضور یک شبکۀ اسرائیلی در عراق پرده برداشت که به پخش مواد مخدّر، مجلّات و سی دی های مستهجن در عراق اقدام می کند.

السبیل به نقل از «حسین علی کمال» معاون وزارت کشور عراق در امور اطّلاعاتی نوشت: «یک

۱- (۱) . تبلیغ (۵)، ص ۶۶ - ۶۷..

۲- (۲) . همان، ص ۷۰..

شبکهٔ اسرائیلی، ۹ ماه قبل وارد عراق شد و توانست شعبه های متعدّدی را در برخی از مناطق بغداد از جمله دو منطقه «البتاوین» و «شیخ عمر» ایجاد کند». (۱)

تعطیلی نمازخانه های فرودگاه پاریس

پلیس فرانسه نمازخانه های موقّت در فرودگاههای اصلی فرانسه را تعطیل کرده است. در شرایطی که مقامات فرودگاه مصرّانه اظهار داشتند وجود این نمازخانه ها هیچ نوع تهدیدی به امنیّت محسوب نمی شود، اما پلیس بلافاصله پس از اتّخاذ این تصمیم، نمازخانه هایی که مسلمانان در فرودگاه های شارل دوگل و اورلی ایجاد کرده بودند بست.

این در شرایطی است که در هرکدام از این فرودگاه ها هنوز سه نمازخانه رسمی باقی مانده که کلیسای کوچک مسیحیان و کنیسه های یهودیان محسوب می شوند. (۲)

بحران جدید بانوان مسلمان فرانسه

ثبت نکردن قانونی ازدواج بانوان محجّبه در فرانسه، مسلمانان این کشور را با بحران جدیدی روبه رو کرد. (۳)

جداسازی مسلمانان از ارتش هلند

سازمان اطّلاعات ارتش هلند، خواستار جدا شدن سربازان مسلمان از دیگر نیروهای ارتش این کشور شد. جنرال بیرت بیدین، مدیر اطّلاعات ارتش هلند، با ارسال نامه ای به وزیر دفاع این کشور از وی خواست تا نیروهای مسلمان ارتش را به منظور جلوگیری از ترویج اسلام افراطی در ارتش هلند از دیگر سربازان جدا کنند. (۴)

۱- (۱) . تبلیغ (۵)، ص ۷۰..

۲- (۲) . تبلیغ (۶)، مدیریت سیاسی جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیّهٔ قم، رمضان المبارک ۱۴۲۷، ص ۱۲۶..

۳- (۳) . همان. .

۴- (۴) . همان، ص ۱۲۷. .

آیت اللّه العظمی مکارم شیرازی برخی مراسم ها رادر ایّام ربیع الأوّل خرافی خواند

ایشان در آغاز درس خارج فقه خود، با اشاره به برپایی مراسم خرافی در ایّام ربیع الاول اظهار داشت: «برخی در این ایّام، سخنان رکیکی می زنند و تصور می کنند شامل رفع قلم و بخشودگی است.

اما این روایت، جعلی و مخالف آیات قرآن است».

ایشان، دروغ، سخنان رکیک و مطالب تحریک آمیز جنسی را از مسایل خلاف اخلاق در شوخی ها عنوان کرد و تأکید کرد: «در شوخی ها نباید با افراد تسویه حساب یا اسرار کسی را فاش نمود. همچنین شوخی ها نباید مخالف شرع باشند».

این مرجع تقلید با تأکید بر این که اسلام، حدّ اعتدال شوخی را می پسندد و اخم و عبوس بودن و نیز زیاده روی در شوخی ها را بر نمی تابد، روایاتی از مزاح های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمهٔ اطهار علیهم السلام را نقل کرد.

وی افزود: «مگر می شود خدای متعال، به گناه، چراغ سبز نشان بدهد. اگر این حرف، روایت هم بود باید آن را به دیوار می کوبیدیم، چون مخالف صریح قرآن است. رفع قلم برای دیوانه و کودک است نه برای آدم بالغ عاقل». (۱)

گزارش قابل تأمل یکی از مسئولین، در خصوص وضعیّت فرهنگی

مدیر کانونهای فرهنگی و ورزشی بسیج کشور گفت: «۶۰ درصد دختران و پسران در کشور با جنس مخالف خود روابط دوستانهٔ غیر شرعی دارند». وی با اشاره به توطئه دشمنان برای عادی سازی فساد اخلاقی در بین جوانان ایران گفت: «بعضی از ضعفهای مدیریتی در داخل کشور نیز این معضل را قوّت می بخشد».

وی گفت: «متأسّفانه آمار حضور جوانان در مساجد، نسبت به ابتدای انقلاب کاهش یافته است که یکی از اصلی ترین عوامل آن، برخورد نامناسب خدّام مساجد و طرد جوانان از این مراکز فرهنگی است».

او افزود: «مسئولان نیز به عنوان نمایندگان انقلاب اسلامی باید در رفتار خود دقّت نظر داشته

۱- (۱) . تبلیغ (۷)، جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیّهٔ قم(معاونت جامعه و نظام - مدیریت سیاسی)، ویژهٔ محرم الحرام ۱۴۲۸، ص ۱۳۴..

باشند زیرا جوانان تمامی رفتار آنان را زیر ذره بین دارند». وی گفت: «متأسّفانه مسئولان فرهنگی کشور در مسائل فرهنگی غفلت دارند، به طوری که طبق آمار به دست آمده از نمایشگاه کتاب سال گذشته، ۳۳ درصد کتابهای منتشره در رابطه با مسائل غیر اخلاقی بوده است».

او با اشاره به چاپ قرآن تحریف شده با ۷۷ سوره و ۳۶۶ صفحه در لس آنجلس گفت: «این کتاب که حاوی سوره های جعلی مانند المسیح و الصلیب است در کشورهای عربی به شکل گسترده منتشر شده است».

قابل ذکر است: فساد افزایش یافته است اما، متوازن شدن سرمایه گذاری های فرهنگی و ارزشی با سرمایه گذاریهای تفریحی تأثیر زیادی در از بین رفتن فساد اجتماعی دارد.

مکانهایی که صرف تفریح هستند به خاطر فساد و وضع زننده این مراکز، خانواده های متدّینین از حضور در چنین مکانهایی خودداری می کنند اما با متوازن شدن سرمایه گذاری های فرهنگی و ارزشی، خانواده های متدیّنین و حزب الّهی در آنجا حضور خواهند یافت، در نتیجه به سالم سازی فضای آنجا کمک خواهند کرد. بیشترین آسیب اخلاقی جوانان کشور به دلیل سرمایه گذاری تفریحی صرف بوده است. (۱)

جذب جوانان و نوجوانان توسط گروهی به نام آکیست

بنا به اطّلاع واصله مطرح است، گروهی بنام آکیست که پیرو آئین موهوم به نام آک بوده و دارای اصول و برنامه های خاصی از جمله تمرینات روحی ویژه هستند، اخیراً در تهران فعّال شده و اقدام به جذب جوانان و نوجوانان می نمایند.

پیروان این آئین در تهران، روزهایی را در هفته به مناطق کوهستانی و تفریحی تهران رفته و ذکر «هیو» سر می دهند.

پیروان این آئین، «هیو» را نور و صوت خدا می دانند که با تکرار آن، به درجات معنوی نزدیک می شوند. آنان معتقدند «هیو» نام باستانی خداوند است.

مبلّغین این فرقه مدّعی اند، با هر دین و اعتقادی می توان آکیست بود و این آئین با سایر ادیان منافاتی ندارد و فقط راه را برای رسیدن به خدا هموارتر و سریعتر می کند.

بررسی انجام پذیرفته از خانواده برخی از اعضای آکیست، حاکی از آن است که ورود افراد به این

۱- (۱) . تبلیغ (۷)، ص ۱۴۰ – ۱۴۱..

گروه سبب از هم پاشیدن خانواده ها شده و تبعات بسیار منفی در اذهان آنها داشته است به نحوی که پس از مدّتی فرد به پوچی رسیده و دست به خودکشی می زند. (۱)

تشکیلات گسترده بهائیت در ایران از اسرائیل، انگلیس و قدرت های استعماری تغذیه می شود

خانم مهناز رئوفی که چند سالی است از بهائیت به اسلام گرویده است، اظهارداشت: «بهائیت منشاء سیاسی و کارکردهای استعماری دارد». او در بازدید از مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام انگیزه مسلمان شدنش را تناقض گویی شدید بهائیان و عدم ارضاء دینی پیروان این فرقهٔ جعلی دانست. وی گفت:

«این آئین افرادی را که تشنهٔ حقایق هستند ارضاء و اقناع نمی کند. آنها سعی می کنند، پیروان این کیش را ابتدا به عشق مجازی گرفتار سازند و برای رهبرانشان نیز تقدّس صوری ایجاد می نمایند. من با خواندن کتابهای فضل اللّه صبحی و عبدالحسین آیتی که خود از بهائیت روی گردانده اند، به پوشالی بودن بهائیت پی بردم. در قدم بعدی کتاب جمال ابهی از آیت اللّه موسوی اردبیلی را مطالعه کردم. من پس از درك بی پایه بودن این کیش، با کتابهای استاد شهید مطهّری و آیت اللّه سبحانی نیز آشنا شدم و در تقویت اطّلاعات اعتقادی خود کوشیدم که در نهایت به مسلمان و شیعه شدنم انجامید».

خانم رئوفی که تألیفاتی نظیر: نامه ای به برادرم، چرا مسلمان شدم؟، مسلخ عشق و سایهٔ شوم که بصورت پاورقی در روزنامهٔ کیهان به چاپ رسید را در کارنامه درخشان علمی و دینی خود دارد، بهائیت را دارای منشأ سیاسی و کارکردهای استعماری دانست و گفت: «تشکیلات گستردهٔ بهائیت از اسرائیل و انگلیس تغذیه می شود». (۲)

ابلاغ فرقهٔ بهائیت، برای شرکت بهائیان در آزمون کنکور سال آینده

در پی حذف ستون مذهب در فرمهای ثبت نام مراکز آموزش عالی کشور توسط سازمان سنجش، تشکیلات مرکزی فرقهٔ ضالّهٔ بهائیت، در ابلاغیه ای شفاهی به کلیهٔ عناصر بهایی اعلام داشته است: «با هر شرایطی در آزمون سازمان سنجش سال آینده شرکت کنید. ورود تعدادی از بهائیان به دانشگاه در سال جاری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار اتّفاق افتاد، انگیزه ای برای دیگر اعضا در

۱- (۱) . تبلیغ (۷)، ص ۱۴۱..

۲- (۲) . همان، ص ۱۴۲ - ۱۴۳..

راهیابی به دانشگاه شده است. فرقهٔ ضالّهٔ بهائیت در تلاش است از طریق پیگیریهای خود در استانها و مراکز، موضوع جلوگیری از ورود بهائیان به دانشگاه را منتفی کند.

تشکیلات بهائیت قصد دارد ضمن افزایش سطح علمی اعضای فرقه، از خروج آنها که به بهانهٔ تحصیل صورت می گرفت، جلوگیری و سپس اشتغال در مراکز دولتی را برای فارغ التحصیلان بهایی پیگیری کند. (۱)

طرح آمریکا برای کوچاندن هزاران عراقی شیعه و سنی

منابع امنیتی بلند پایه اروپا از طرح آمریکا برای کوچاندن هزاران عراقی شیعه و سنی و اسکان دهی آنها در مناطق دیگر عراق پرده برداشتند. به گزارش مهر، منابع اروپایی روزنامه سعودی «الوطن» ضمن اعلام این خبر افزودند: این طرح باهدف تغییر ترکیب جمعیّتی وجدا کردن مراکز مقاومت از شهرهای عراق و متلاشی کردن گروههای تهدید کننده با حضور آمریکا در عراق ارائه شده است.

در راستای این طرح هزاران اسیر به مناطق عمرانی جدیدِ تحت کنترل شدید امنیتی منتقل می شوند و اگر هر خانواده ای کوچ اجباری به مناطق دیگر را رد کند، منزلش تخریب و یا خانواده اش دستگیر و یا ترور می شود.

منابع اروپایی توضیح دادند که این طرح سابقه دارد؛ چرا که صدام دیکتاتور سابق عراق هم برای تغییر ترکیب جمعیّتی در شهرهای عراق از همین شیوه استفاده می کرد. (۲)

عبدالمالک ریگی عبدالشیطان است

خبرنگار روزنامهٔ زاهدان که عازم شرکت در مراسم ارتحال بنیانگذار انقلاب اسلامی بود، با حضور در دفتر روزنامهٔ شاخهٔ سبز، بر ضرورت وحدت جهان اسلام تأکید کرد. غلام بنی براهویی در گفتگویی اختصاصی با خبرنگار روزنامهٔ شاخهٔ سبز، با اعلام این مطالب اظهار داشت: «عبدالمالك ریگی، یک مشروب خور و لات بود و وی هیچگاه مورد اعتماد و احترام مردم نبود».

وی ادامه داد: «عبدالمالك بر خلاف آن چیزی که تبلیغ می کند، درس طلبگی نخوانده است و اهل سنت او را تأیید نمی کنند. وی تنها ادّعای مسلمانی دارد، مگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نفرمودند که نباید مسلمین

۱- (۱) . تبلیغ (۷)، ص ۱۴۳..

۲- (۲) . همان، ص ۱۵۷..

را کشت؛ پس چرا او این کار را می کند. عبدالمالک عبدالشیطان است».

خبرنگار روزنامهٔ زاهدان که خود نیز از اهل سنت می باشد، با بیان این که اولین مقتولِ عبدالمالک یک سنی است خاطر نشان ساخت: «این شخص به هیچ کس رحم نمی کند، زیرا پرورش یافته و تحت حمایت آمریکا و انگلیس است و هم اکنون در کشور پاکستان زندگی می کند و ما از مسئولان پاکستان می خواهیم او را به کشور بازگردانده تا به سزای عملش برسد».

وی با ابراز نگرانی از تبلیغات مسموم شبکهٔ ماهواره ای سلام تصریح کرد: «این شبکه، هم به روحانیون شیعه و هم روحانیون اهل تسنّن بی احترامی و جسارت می کند که باید از راه های قانونی با آن برخورد شود». وی با تأکید به ضرورت وحدت شیعه و سنّی اظهار داشت: «ما امروز باید در مقابل دشمنان واقعی اسلام انسجام و اتّحاد اسلامی خود را حفظ کنیم. آن ها نه ما را قبول دارند و نه شیعیان را و تنها به فکر نابود کردن اسلام عزیز هستند». (۱)

حملهٔ افراطیون به غرفهٔ مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در نمایشگاه سودان

در پی دو روز تبلیغات ضدّ شیعی در نمایشگاه کتاب خرطوم، سرانجام وهّابیون تندرو، که اوج استقبال مردم سودان از غرفه های ایرانی را تحمّل ناشدنی دیدند، با تهدید به آتش کشیدن غرفه ها، رایزن فرهنگی ایران در سودان را وادار کردند غرفه های ایرانیِ نمایشگاه را تعطیل کند.

با افزایش کم نظیر تمایل مردم مسلمان سودان به جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ تشیع، جریان وهابیّت در این کشور احساس خطر کرده و تلاش های خود را برای جلوگیری از ادامه این روند، شدّت بخشیده است.

در آخرین رخداد، در پی تهدیدات گروه های تندروی وهابی، غرفه های ایرانی در نمایشگاه بین المللی کتاب «خرطوم» تعطیل شد.

در این زمینه، بسیاری از دانشجویان و اساتید دانشگاه ها و شخصیّت های سودانی، با فرستادن پیام هایی، ضمن محکوم کردن اقدام تندروهای افراطی در تعطیلی غرفه های ایرانی، خواستار ادامهٔ فعّالیت های روشنگرانهٔ ایران در زمینه های علمی، فرهنگی شدند. این برخورد شدید در سودان، موجب ناراحتی و دلگیری شدید ناشران ایرانی شده و آنان خواستار اقدام جدّی سفارت شده اند. این در حالی است که کتاب های ایرانی که دولت سودان آنها را مصادره کرده، بیش از سیصد میلیون ریال

۱- (۱) . روزنامهٔ شاخهٔ سبز، ۱۶ خرداد ماه ۱۳۸۶..

ارزش دارد که احتمالاً به دستور وزیر فرهنگ سودان، همگی سوزانده خواهند شد.

در همین حال، گفته می شود جمعهٔ گذشته، پنج تن از امامان جمعه در سودان خواستار تعطیل شدن رایزنی فرهنگی ایران شده و نسبت به تبدیل شدن سودان به عراقی دیگر در صورت نفوذ شیعه گری در این کشور هشدار دادند.

به نظر می رسد، برخی دست های پنهان، برای بر هم زدن روابط دو کشور ایران و سودان فعّالیّت می کنند و در این راه از هیچ کاری نیز فروگذار نمی کنند. (۱)

تغییر توهین آمیز نحوه نگارش کلمه «شیعه» در رسانه های انگلیسی

بررسی رسانه های غربی و نیز متن سخنرانی های مقامات ارشد آمریکا و برخی کشورهای اروپایی و اسرائیل، نشان می دهد کلمهٔ «شیعه» که طی قرون متمادی در زبان انگلیسی به شکل «aihs» یا «haihs» نوشته و تلفّظ می شده، طی چند سال اخیر، دستخوش یک تحریف توهین آمیز و هدفمند شده است.

اولین بار که شکل تحریف شده کلمه شیعه به طور رسمی مورد استفاده یک مقام غربی قرار گرفت، مربوط به سخنرانی بوش دربارهٔ محکومیت حوادث تروریستی به ویژه حادثهٔ ۱۱ سپتامبر بوده است که متأسفانه هیچ واکنشی از سوی شیعیان نسبت به این مسأله صورت نگرفت.

پس از آنکه بوش، شیعه «aihs» را به «etiihs» تلفّظ کرد، بسیاری از روزنامه ها و شبکه های انگلیسی زبان غرب به پیروی از وی و در یک رویکرد کاملاً هماهنگ، از این لفظ جدید برای اشاره به شیعیان استفاده کردند تا برای مخاطب انگلیسی زبان، کلمهٔ «tihs» به معنای نجاست و... تداعی شود. نکتهٔ جالب توجه اینجاست که پس از این رویداد، رسانه های انگلیسی زبان، تحت تسلّط وهّابیون نیز به تقلید از غربی ها، کلمهٔ «aihs» را به صورت «etiihs» مطرح می کنند. گزارش ها حاکی است، موج این تحریف که از آمریکا آغاز شده، به استرالیا نیز رسیده است.

یکی از نویسندگان روزنامهٔ «استرالیا دیلی»، در این باره اظهار داشت: «تاکنون روزنامهٔ استرالیایی مطالب زیادی درباره اسلام و شیعه چاپ شده و از جمله از خود من هفت مقاله در این روزنامه چاپ شده که در همهٔ آنها شیعه را به صورت «aihs» نوشته ام و به همین شکل نیز چاپ شده است؛ اما اخیراً اتّفاقات جدیدی در این باره افتاده است.

علی هیوز افزود: «آخرین مقاله ای که من برای استرالیا دیلی نوشتم، دربارهٔ نقش شیعیان در

ص:۵۷۷

۱- (۱) . تبلیغ (۷)، ص ۱۶۵ - ۱۶۶..

وحدت جهانی بود که طبق معمول و مطابق رسم الخط زبان انگلیسی شیعه را به صورت «shia» نوشتم اما سپس متوجه شدم سردبیر روزنامه، آن را به «shiite» تغییر داده است.

وی افزود: «وقتی به سردبیر اعتراض کردم وی با ذکر جمله ای توهین آمیز که معنای نجاست را برای مذهب شیعه تداعی می کرد، به من پاسخ داد و من نیز به نشانه اعتراض، همکاری خود را با آنها قطع کردم».

هیوز تأکید کرد: «در ورای این تحریف، یک عقدهٔ بزرگ نهفته است و می توان گفت که آنان در حال زمینه سازی برای تخریب چهرهٔ شیعه در میان افکار عمومی هستند و نقشه هایی در سر دارند». (۱)

پروسهٔ ملّت سازی (راهبرد تغییر رژیم)

پطروس غالی دبیرکل سابق سازمان ملل معتقد است، در دهه های اول هزاره سوم، تعداد کشورهای جهان از مرز عدد ۲۰۰ خواهد گذشت و در این سال ها، جهان شاهد فعّال شدن گسل قومیّت ها و در نهایت ظهور و بروز دولت های جدید خواهد بود.

آمریکا با استفاده از تعدّد قومیّت های خاورمیانه، برنامه ریزی گسترده ای برای تحریک قومیّت ها، تجزیهٔ کشورها و تغییر جغرافیای سیاسی در خاورمیانه، براساس منافع ملّی کاخ سفید انجام داده است.

در این راستا نشریهٔ نیروهای مسلّح آمریکا، در شمارهٔ ژوئن ۲۰۰۶، در مقاله ای به قلم «رالف پیترز» (سرتیپ دوّم بازنشستهٔ ارتش آمریکا) خواستار ایجاد تغییراتی در نقشهٔ خاورمیانه شده است.

پیترز معتقد است: «در تقسیم موجود خاورمیانه، در حق اقلّیت ها ظلم و ستم صورت پذیرفته است به ویژه کُردها، شیعیان عرب، مسیحیان، بهایی ها، اسماعیلیان و نقش بندی ها و ارامنه». وی هم چنین از وجود بدبینی فزآینده بین گروه ها و فرقه های گوناگون در این منطقه سخن به میان می آورد و نتیجه گیری می کند: «به خاطر این که خاورمیانه در صلح و صفا به سر برد لازم است در تقسیم آن یک بازنگری براساس ادیان و مذاهب و اقلّیت ها صورت پذیرد».

براساس نقشهٔ چاپ شده در این نشریه، بخش هایی از ایران، عراق، ترکیه و سوریه برای تشکیل کشور مستقل کردستان اختصاص داده شده است. پیترز معتقد است: «چنین کشوری که از دیار بکر تا تبریز را در برمی گیرد، آمریکایی ترین کشور، درگسترهٔ بین بلغارستان تا ژاپن

۱- (۱) . تبلیغ (۷)، ص ۱۶۷ - ۱۶۸..

خواهد بود».

بنا به این طرح، بخش های مهمی از ایران، پاکستان و افغانستان، برای کشور بلوچستان آزاد در نظر گرفته شده و نیز بخش هایی از کشور عربستان برای ملحق شدن به خاک اردن، یمن و عراق دیده شده است؛ ضمن آن که پیشنهاد شده است یک «واتیکان اسلامی» در مکّه و مدینه تأسیس شود.

در این نقشه، سرزمین عراق به سه قسمت «کشور شیعه»، «کشور سنی» و «کردستان بزرگ» تقسیم شده است که می باید، مناطق عرب نشین ایران به بخش شیعی عراق الحاق گردد.

در این طرح که اسرائیل نقش محوری در آن دارد مناطقی از سوریه به کردستان بزرگ و لبنان ضمیمه می گردد و جنبش های مقاومت باید نابود شوند و کشورهای عرب مجبور به لغو تحریم و برقراری بهترین روابط سیاسی و اقتصادی با اسرائیل هستند. در این طرح هیچ نامی از فلسطین برده نشده و دربارهٔ قدس اشغالی می گوید: «تا زمانی که این شهر تاریخی با خون آغشته و بر سر آن نزاع وجود دارد، مشکل آن هرگز در زمان ما حل نخواهد شد، بدین ترتیب این مشکل را به آینده واگذار می کند». (۱)

درخواست از پاپ برای سردمداری جنگ صلیبی

رایزن اسبق مطبوعاتی سفارت ایران در ایتالیا اظهار داشت: «وزیر اصلاحات ایتالیا، از پاپ بندیکت شانزدهم خواسته تا مانند پاپ های قرون وسطی سردمدار آغاز یک جنگ صلیبی علیه جهان اسلام شود». محمّد حسن قدیری ابیانه، با اشاره به ادّعای یک وزیر ایتالیایی در خصوص قرار گرفتن جهان در آستانهٔ یک جنگ صلیبی علیه مسلمانان اظهارداشت: «روبرتو کالدورلی وزیر اصلاحات ایتالیا در مصاحبهٔ امروز خود با روزنامهٔ لارپوبلیکای ایتالیا، خواستار سردمداری پاپ برای آغاز جنگ صلیبی علیه جهان اسلام شد».این وزیر ایتالیایی گفته است: «یک تنفّر عظیم از سوی ملّت های مسلمان به راه افتاده که باید با آن مقابله کرد و مردم مسلمان را فقط می توان با زور شکست داد». (۲)

۱- (۱) . تبلیغ (۶)، ص ۷۷ - ۷۸..

۲- (۲) . همان، ص ۱۲۴ - ۱۲۵..

مقابله و مهار اسلام گرایی

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی رحمه الله در ایران و صدور انقلاب اسلامی سبب گسترش موج اسلام گرایی و بیداری اسلامی در جهان، به خصوص خاورمیانه گردید.

انقلابی که حکومت براساس تعالیم دینی، نفی هرگونه استکبار و ظلم ستیزی، استقلال و خودباوری در سایهٔ تکیه بر استعدادهای بی شمار و غنی داخلی از جمله شعارهای اساسی آن است؛ جبهه استکبار را به هماوردی طلبید. از همین رو نومحافظه کاران در راهبرد خاورمیانه ای خود سعی کردند با ایجاد سلطهٔ نظامی و تسلّط فیزیکی بر خاورمیانهٔ قدیم، علاوه بر مقابله با موج فزاینده اسلام گرایی در این منطقه، این امواج را در بخش های پیرامونی خاورمیانهٔ قدیم مهار یا منحرف نمایند و از نفوذ این جریان به خارج از منطقه جلوگیری کنند. (۱)

ص:۵۸۰

۱- (۱) . تبلیغ (۶)، ص ۷۸ - ۷۹ ..

ب) آثار مثبت وحدت بین کشورهای اسلامی

طلاب خارجی در ایران

حجّه الاسلام و المسلمین اعرافی رئیس مرکز جهانی علوم اسلامی قم، با اشاره به حضور کم سابقهٔ شیفتگان علوم اسلامی و اهل بیت علیهم السلام در این مرکز گفت: «قریب به ده هزار طلبه از ۹۷ کشور جهان در مرکز جهانی علوم اسلامی مشغول به تحصیل هستند». به نقل از پایگاه اطّلاع رسانی رسا، وی با اشاره به پدیدهٔ انقلاب و امام خمینی رحمه الله در افزایش شیفتگان و دوستداران علوم اسلامی گفت: «پیش از انقلاب از ۷ یا ۸ ملّیت در حوزه های علمیهٔ شیعه، که آن زمان به مرکزیّت نجف بود، تحصیل می کردند؛ ولی اینک به برکت انقلاب اسلامی و امام خمینی رحمه الله این تعداد افزایش چشمگیری یافته است». (۱)

گرایش بی سابقهٔ مردم بلژیک به اسلام

گرایش به اسلام در کشورهای اروپایی به شدّت رو به افزایش است، چنانکه از ابتدای سال جاری میلادی تاکنون ۳۰۰ نفر در بلژیک به اسلام گرویده اند. شبکهٔ تلویزیونی «آر. تی. ال» که از بروکسل برنامه پخش می کند، در گزارشی راجع به رواج اسلام در این کشور اعلام کرد: «از ابتدای سال جاری میلادی تاکنون ۳۰۰ نفر از مردم بلژیک به اسلام گرویده اند؛ یعنی هر روز بیشتر از یک نفر به اسلام گرویده که این مسأله در تاریخ بلژیک بی سابقه بوده است».

این شبکه به نقل از افرادی که دین اسلام را برگزیده اند، می گوید که آنها پس از بررسیهای دقیق و مقایسهٔ آن با سایر ادیان و توجّه به جنبه ها و ابعاد روحانی و معنوی اسلام، به این دین روی آورده اند.

در اروپا و آمریکا نیز اشتیاق به آشنایی با اسلام و تعالیم آن بویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر رو به افزایش گذاشته و از نشانه های این گرایش می توان به افزایش بی سابقهٔ فروش قرآن کریم و ترجمه های آن به زبانهای مختلف از جمله انگلیسی، فرانسوی و آلمانی اشاره کرد. (۲)

۱- (۱) . تبلیغ (۵)، ص ۵۳ - ۵۴ ..

۲- (۲) . همان، ص ۵۴..

نگرانی رئیس اطّلاعات خارجی آلمان از رشد احساسات ضدّ غربی در کشورهای اسلامی

آگوست هانینگ رئیس سرویس اطّلاعات خارجی آلمان، ضمن ابراز نگرانی از رشد احساسات ضدّ غربی در کشورهای اسلامی اظهار داشت: «در مبارزه با تروریسم ما باید سعی کنیم قلب ها و افکار مردم را جذب کنیم و من از این ترس دارم که هنوز به این هدف نزدیک نشده ایم. احساسات ضدّ غربی در کشورهای اسلامی رو به رشد است و این در حالی است که چهل درصد افراد در کشورهای اسلامی زیر پانزده سال سن دارند. با وجود افزایش اقدامات امنیّتی در سطح جهان هنوز تهدیدات تروریستی در جهان کاهش نیافته است. من در کشورهای مسلمان شاهد یک نسل دیگر با تفکّرات ضدّ غربی هستم».

وی در خصوص فعّالیّتهای هسته ای ایران اظهار داشت:

«ما دربارهٔ تلاش های اتمی ایران نگران هستیم. این احتمال وجود دارد که ایران زمان را برای دنبال کردن اینکه به یک قدرت اتمی تبدیل شود، مناسب تشخیص داده است، زیرا توجّه آمریکا در حال حاضر معطوف به مبارزه با تروریسم است اما این مسلّم و محرز است که نیروهای خاصی در رهبری ایران، گزینه مسلّح شدن به سلاح اتمی را دنبال می کنند. ایران بر اساس ارزیابی خود، خودش را در یک وضعیّت خطرناک احساس می کند. ایران مشاهده می کند که چگونه مقاومت ارتش عراق توسّط نیروهای نظامی آمریکا در هم شکسته شده است. ابعاد برنامه های اتمی ایران مبیّن استفاده از آن برای گزینه های نظامی است». (۱)

افزایش گرایش به تشیع در سوریه

علیرغم نگرانی های دولتی و فشار لائیکهای نزدیک به دولت سوریه، مراکز فرهنگی و مذهبی شیعه در سوریه شاهد مراجعات مکرّر و سؤالات گسترده ای در خصوص اعتقادات شیعی هستند.

پیروزیِ غرورانگیز حزب اللّه لبنان موجب شده تا موج گرایش به مذهب شیعه در میان پیروان دیگر مذاهب سوری افزایش قابل توجهی از خود نشان دهد.

این گرایش ها اگرچه در برخی موارد جنبهٔ سیاسی بخود گرفته است، اما در میان مردم و عوام جنبهٔ اعتقادی دارد و بنابر گفته، شیعیان دمشق، با گذشت سالها از فضای خوف و ترس در سوریه، هنوز بسیاری از تغییر مذهب داده های سوریه از بیم جان خود و خانواده هایشان شیعه بودن خود را پنهان

۱- (۱) . تبلیغ (۵)، ص ۶۳ - ۶۴..

می کنند. درعین حال گسترش استفاده از ماهواره در میان سوری ها علاقمندی به برنامه های چند شبکهٔ شیعی از جمله المنار را در میان شهروندان این کشور تقویت کرده است و نوعی جسارت را در تغییر مذهب بوجود آورده است. یک وکیل سوری که هم اکنون به مذهب شیعه گرویده خودرا سنّی میداند اما گرایش به سیّد حسن نصراللّه را برای خود افتخاری تلقّی میکند که حاضر نیست هرگز با چیز دیگری آن را عوض کند. جنگ ۳۳ روزهٔ اسرائیل علیه لبنان و شکستش در این جنگ، موجب بازگشت غرور ازدست رفتهٔ عربی میان اعراب منطقه شده و آنان این پیروزی را که برای اولین بار در چند دههٔ گذشته از سوی اعراب صورت پذیرفته را مدیون تفکر شیعی سیّد حسن نصراللّه و یارانش میدانند. آنان می گویند: «اگرچه لبنان و منطقه از این جنگ آسیبهایی را متحمّل شد ولی این برای اولین بار است که در جنگی نابرابر، شاهد پیروزی مسلمانان عرب در برابر ارتشی هستیم که ابرقدرتهای بزرگ حامی آن بودند». اعراب سوریه معتقدند: «جنگ اسرائیل علیه لبنان و حمایت آمریکا از این رژیم، خدمتی بزرگ برای بازگشت وحدت میان اعراب اعم از سنّی و شیعه در منطقه بویژه در میان شهروندان لبنان و سوریه شده است».

شهرهای حلب و دمشق مهمترین شهرهای سوریه هستند که در آن گرایش به شیعه و حمایت از حزب اللّه لبنان رو به افزایش است. علیرغم فشارهای سنّی های افراطی و لائیکهای نزدیک به قدرت مرکزی برخی صاحبنظران سوریه متعقدند: «گرایش به سیّد حسن نصراللّه در میان مردم این کشور نمی تواند خطری برای حکومت بشّاراسد محسوب شود، زیرا شیعیان سوریه تصاویر سیّد حسن نصراللّه و بشّار اسد را بعنوان نمادهای رهبری خود در کنار یکدیگر استفاده میکنند». این صاحبنظران می افزایند: «گرایش به محورقدرتی عربی (سیّد حسن نصراللّه) و حمایت بشّار اسد از وی، حتی می تواند به افزایش جایگاه و گسترش محبوبیّتش در میان مردم کشورش منجر شود». (۱)

اسرائیل به سوی فروپاشی پیش می رود

باری شمیس، پژوهشگر و نویسندهٔ یهودی معتقد است: «رژیم صهیونیستی به دلیل بحران های داخلی و تکیه بر تعصّب و باورهای ایدئولوژیک، به سوی فروپاشی پیش می رود».

وی در کتاب خود به نام «سقوط اسرائیل» نوشت: «خطر سقوط که اسرائیل را مورد تهدید قرار داده، ناشی از همسایگان عرب این رژیم نیست، بلکه برخاسته از فساد داخلی و بحران اقتصادی است».

نویسندهٔ یهودی افزود: «بدهی های خارجی رژیم کوچکی مانند اسرائیل، اکنون به ۶۶ میلیارد دلار

۱- (۱) . تبلیغ (۷)، ص ۱۴۵ - ۱۴۶..

رسیده، بحران اقتصادی موجب تعطیلی ۵۵ هزار شرکت و مؤسسهٔ مالی شده و میزان بیکاری به ۱۲/۸ درصد افزایش یافته است».

شمیس اضافه کرد: «مردم اسرائیل مردمی مأیوس از آینده هستند و اکنون دامنهٔ اعتیاد به موادّ مخدّر و میزان خودکشی رو به افزایش است و روزنامه ها همواره از فساد سیاسی و اقتصادی و بیماری های اجتماعی پرده بر می دارند». وی تأکید کرد: «دموکراسی که در اسرائیل از آن نام برده می شود یک دموکراسی بیمار است، زیرا در رژیمی که مقام های بلند پایه آن به دلیل رشوه، اختلاس و سوء استفادهٔ مالی از قدرت بر کنار نمی شوند، نظام دموکراسی آن یک نمایش شکست خورده است».

شمیس خاطر نشان کرد: «ظرف چهار سال گذشته ۴۰۰ هزار یهودی، اسرائیل را ترک کرده اند و یک سوم جمعیّت یهود ساکن روسیه، از قصد و برنامه خود برای مهاجرت به فلسطین (اشغالی) منصرف شده اند».

وی با اشاره به آخرین آمار منتشر شده به وسیلهٔ آژانس بین المللی یهود نوشت: «۷۰ درصد اسرائیلی ها بر این باورند که اگر امکانات مادّی برای آنها در کشورهای دیگر به وجود آید، اسرائیل را ترک خواهند کرد. مطابق این آمار ۶۸ درصد اسرائیلی ها درصدد گرفتن تابعّیت کشورهای دیگر هستند و ۷۳ درصد نیز معتقدند که مقام های تل آویو نمی توانند آینده روشنی را برای کودکان و نوجوانان آنها به وجود آورند». وی اضافه کرد: «ناامنی و رشد فزاینده انتفاضه مسجدالاقصی دو عامل خروج هزاران مهاجر یهودی از اسرائیل ظرف چهار سال گذشته بوده و بی ثباتی و ترسِ از مرگ نقش جدّی در مهاجرت معکوس یهودیان و شهرک نشینان داشته است».

نانلو تیود، مورّخ سرشناس فرانسوی: فروپاشی آمریکا نزدیک است

یک مورّخ سرشناس فرانسوی فروپاشی قریب الوقوع نظام آمریکا را پیش بینی کرد.

نانلو تیود با اشاره به فروپاشی شوروی سابق و پیش بینی آن گفت: «نشانه های موجود حکایت از آن دارد که آمریکا در آستانهٔ فروپاشی است». این مورّخ و محقّق فرانسوی، ضعف دلار را یکی از نشانه های فروپاشی نظام آمریکا دانست و گفت: «آمریکا در سال جاری، ۶۰۰ میلیارد دلار کسری موازنهٔ تجاری داشته و حتی در بخش فناوری پیشرفته هم از بیلان تجاریِ منفی برخوردار است». پروفسور تیود افزود: «وضع کنونی آمریکا، من را اندک اندک به یاد مراحل پایانی امپراتوری شوروی سابق می اندازد».

وی اقدام نظامی جرج بوش در عراق را اقدامی شکست خورده و همچون کشتی بر گل نشسته توصیف کرد. این محقّق فرانسوی به اروپا توصیه کرد: «به طور جدّی وابستگی به آمریکا را کاهش دهد و قدرت موازی در برابر نظامیگری آمریکا به وجود بیاورد». (۱)

۱- (۱) . تبلیغ (۵)، ص ۶۸ - ۶۹..

ژنرال های پنتاگون: پاسخ ایران برای آمریکا دردناک است

کارشـناسان نظامی و ژنرال های بازنشسـتهٔ آمریکایی با هشدار نسبت به عواقب هرگونه حملهٔ واشنگتن به تهران تأکید کردند: «اگر آمریکـا تنهـا یـک گلوله به سوی ایران شـلیک کنـد، آنگـاه همـهٔ ملّت این کشور بر گرد رهـبر و مسـئولان خود متّحـد و یکپارچه قرار خواهند گرفت».

به گزارش خبرگزاری مهر، ژنرال های بازنشسـتهٔ آمریکایی به الخلیـج امارات گفتنـد: «هرگونه اقـدام نظامی بوش بر ضدّ ایران در حال حاضر به علّت مشکلات لجستیکی و سیاسی و مالی غیر ممکن است.

زیرا هزینـهٔ حملـهٔ نظامی به ۲۲ مرکز هسـته ای فرضـی ایران حداقل ۸۰ تا ۱۰۰ میلیـارد دلار برای مالیات دهنـدگان آمریکایی هزینه دارد». این نظامیانِ کار کشـتهٔ آمریکایی نسبت به پاسخ انتقامجویانهٔ ایران و هدف قرار دادن نظامیان آمریکایی در منطقه با موشک های قدرتمند ایران هشدار دادند. نظامیان بازنشستهٔ آمریکایی به بوش هشدار می دهند، اگر واشنگتن به تهران حمله کنـد آنگاه درها را به روی یک جنگ دراز مـدّت و تمام عیار و همه جانبه خواهد گشود و ایران هم به آسانی با به کارگیری موشک های پیشـرفته، نظامیان آمریکایی را در منطقه هـدف قرار خواهد داد و چنان وضـعیّتی را برای آمریکا در عراق و حتی افغانستان به وجود خواهد آورد که واشنگتن قادر به پیش بینی نتایج ناگوار آن نخواهد بود.

تحلیلگران و کارشـناسان در واشـنگتن هشـدار دادنـد، هرگونه حملـهٔ آمریکا یا اسـرائیل یا حملهٔ مشترک آن ها به ایران، بهای سنگینی بـه مراتـب ده هـا بـار بیشـتر از هزینـه هـایی که آمریکـا در عراق پرداخته است خواهـد داشت. آمریکـا هرگز قـادر به پرداخت بهای سـنگین چنین اقـدامی نخواهـد بود زیرا هرج و مرج ناشـی از آن هرگز سیاسـی نخواهـد بود بلکه یک مناقشه و درگیری نظامی که از افغانسـتان تا اقیانوس اطلس امتـداد خواهد داشت به وجود خواهد آمد». این کارشـناسان هشدار دادند: « تمام ملّت های منطقه در صورت حمله آمریکا به ایران از آمریکا اعلام انزجار خواهند کرد ». (۱)

هر روز یک دانمارکی مسلمان می شود

یک روزنامهٔ دانمارکی گزارش داد که هر روز بر تعـداد شـهروندان دانمارکی که به دین اسـلام مشـرّف می شونـد اضافه می شود، که بیشتر آنها جوانان می باشند.

این روزنامه نوشت: «جوانان دانمارکی که تازه به دین اسلام مشرّف شده اند، یک سوم تازه

۱- (۱) . تبلیغ (۵)، ص ۷۲، ۷۳..

مسـلمانان این کشور را تشـکیل می دهنـد. در این میان تعداد دختران تازه مسـلمان به خصوص دخترانی که با جوانان مسـلمان ازدواج کرده اند، در صدر قرار دارد». به نوشتهٔ این روزنامه ۵ هزار دانمارکی تاکنون به اسلام گرویده اند. (۱)

شیعیان؛ نخستین مسلمانان آرژانتینی

رئیس سازمان زنان مسلمان در آرژانتین، قرآن را تنها عامل ماندگاری اسلام در کشورش خواند.

وی که از برگزیـدگان سومین همـایش بین المللی قرآن پژوهی در جشـنوارهٔ بین المللی برترین آثار قرآنی بانوان است، با بیان ایـن مطلـب گفت: «آرژانـتین کشـور غربی است که اکـثر ساکنـان آن مسـیحی و یهـودی انـد، امـا به رغم تمـام مشـکلاتی که مسلمانان این کشور با آن روبه رو هستند، اسلام توانسته است جایگاه خود را در آرژانتین حفظ کند».

این مُبلّغ علوم اسـلامی که در مسـجد التوحیـد آرژانتین فعّـالیّت می کنـد، تصـریح کرد: «نخستین مسـلمانانی که وارد آرژانتین شدنـد، با خود قرآن به همراه داشـتند. بسـیاری از آنان شـیعه بودند و با خود عشق اهل بیت علیهم السـلام را نیز به کشور وارد کردند. به این ترتیب، کم کم اسلام در آرژانتین به بسیاری از پیروان دیگر ادیان نیز معرّفی شد». (۲)

هشدار کلیسا: دیر بجنبید، انگلستان مسلمان می شود

افزایش روزافزون تعداد مسـلمانان مقیم انگلسـتان و پافشاری آنان بر اعتقادات مذهبی خود، رهبران کلیساهای این کشور را به شدّت نگران کرده است.

آنان با اشاره به کم توجّهی مسـیحیان انگلیسـی به آیین مسـیح علیه السـلام ، تنها راه مقابله با گسترش اسلام را تعمیق باورهای این آیین در میان مردم انگلستان دانسته اند.

به گزارش سـرویس بین الملـل «بازتـاب» به نقل از «کریستین تودی»، یکی از مقامات کلیسای جامع انگلسـتان هشـدار داد: «در صورتی که مسیحیان، اعتقادات خود را جدّی نگیرند، بریتانیا به زودی به یک ملّت مسلمان تبدیل خواهد شد».

«کنون آسنت نوگنت»، از مقامات کلیسای جامع «لینکولن»، به نامه ای در مورد نحوهٔ واکنش مسلمانان به کاریکاتور پیامبرشان اشاره کرد. آنان با نوشته های خود، به بریتانیا هشدار دادند که در

۱- (۱) . تبلیغ (۶)، ص ۱۰۵..

۲- (۲) . همان، ص ۱۰۵-۱۰۶..

آینـده، همـهٔ بریتانیـا مسـلمان خواهنـد شـد. تردیـدی نیست که اسـلام در اینجا ماهیّتی تبلیغاتی دارد و گرویـدن انسان های بی اعتقاد به اسلام، از عوامل گسترش اصلی اسلام در انگلستان است.

این امر عجیب نیست که بسیاری از مسلمانان، بر این باورند که سرانجام، این کشور به پیامبر آنان ایمان خواهد آورد؛ خصوصاً در مواقعی که با یک اعتقاد مسیحی غیرقطعی و در حال کاهش روبه رو می شود.

او اضافه کرد: «چیزی که برای بریتانیا با هدف یک ملّت مسیحی باقی ماندن، مهم است، این است که مسیحیان، اعتقادات خود را جدّی بگیرند و هیچ گاه گمان نکنند که یک بریتانیایی مسیحی، همیشه بدون تغییر خواهد ماند».

آمار جدید دربارهٔ نهضت های مذهبی و رشد آنان در بریتانیا، نشان داده است که اگر این روند تا سال ۲۰۱۲ م ادامه یابد، آن گاه، تعداد افرادی که در مساجد هستند، از تعداد افراد حاضر در کلیساها بیشتر خواهد شد. (۱)

نماز جماعت در ارتش فرانسه

برای اولین بار در تاریخ فرانسه یک امام جماعت، جهت رفاه ارتشیان مسلمان انتخاب شد تا نیروهای مسلمان ارتش این کشور بتوانند به برنامه های مذهبی خود پرداخته و هویّت اسلامی خود را ارج نهند. (۲)

افزایش بی سابقهٔ فروش قرآن در فرانسه

پس از اهانت به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، فروش ترجمه های قرآن در فرانسه، ۳۸ درصد افزایش داشته است.

یعنی از هر ۱۰۰ کتاب فروخته شده ۳۸ کتاب قرآن است.

مرکز قومی کتب فرانسه اعلام کرد: «بعد از بحرانی که از انتشار کاریکاتور نبی اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم در جهان رخ داد، فروش قرآن بـه طرز چشـمگیری افزایش داشـته است». این مرکز اظهـار داشت: «فروش بی سابقـهٔ قرآن ۳۸ درصد افزایش داشته و حدود ۶۰ هزار نسخه از قرآن فروخته شده است». (۳)

۱- (۱) . تبلیغ (۶)، ص ۱۰۶ - ۱۰۷..
۲- (۲) . همان، ص ۱۰۷..
۳- (۳) . همان، ص ۱۱۴ - ۱۱۵..

نتایج نظرسنجی صهیونیست ها درباره سیّد حسن نصراللّه

مرکز پژوهش های بن گوریون اقدام به نظرسنجی از ساکنان یهودی فلسطین اشغالی دربارهٔ میزان باور آنان به اعتبار سخنان سیّد حسن نصراللّه دبیرکل حزب اللّه لبنان کرده است.

بخش خبری شبکهٔ تلویزیونی المنار لبنان در این باره اعلام کرد: «بر اساس این نظر سنجی، شهروندان رژیم صهیونیستی گفته اند که در بیشتر موارد برای آگاهی از وقایع و تحوّلات سیاسی و نظامی بویژه در زمان جنگ، به صحبت های سیّد حسن نصر اللّه تکیه کرده اند».

برگزار کنندگان این نظرسنجی در پاسخ به پرسشی دربارهٔ میزان اعتبار سیّد حسن نصراللّه نزد شهروندان یهودی رژیم صهیونیستی گفتند: «نتایج و وضعیت مربوط به این سؤال، بسیار دیوانه کننده بود. به گونه ای که به نظر می رسد شهروندان به جای گوش دادن به سخنگویان رسمی دولت اسرائیل، به سخنان دشمن یعنی سیّد حسن نصراللّه، اعتماد بیشتری داشته اند و با شور و اشتیاق زیادی سخنرانی های او را دنبال کرده اند».

برگزارکنندگان این نظرسنجی که خود صهیونیست هستند هشدار داده اند که: «نتایج این نظرسنجی نشان از شکاف و مشکل عمدهٔ میان دولت مردان رژیم صهیونیستی و مردم این رژیم است و نیز این که، مردم در رویارویی های احتمالی در آینده از رهبران خود حمایت نخواهند کرد». (۱)

با الهام از حزب اللّه، می جنگیم

در پی تصویب قطعنامهٔ ۱۷۰۶ در سازمان ملل، مبنی بر استقرار نیروهای این سازمان در منطقهٔ بحران زدهٔ دارفور، «عمر البشیر» رئیس جمهوری سودان اعلام کرد: «در صورت استقرار این نیروها در این منطقه، با الهام از حزب اللّه با آنها می جنگیم».

به گزارش پایگاه اینترنتی روزنامه «لو فیگارو»، عمر البشیر در مراسمی که به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد تشکیل ارتش این کشور برگزار شده بود، گفت: «سودانی ها مصمّم هستند با هر نیروی خارجی که وارد کشورشان شود مانند رزمندگان جنبش حزب اللّه که با نیروهای متجاوز اسرائیل جنگیدند و پیروز شدند، بجنگند». رئیس جمهوری سودان افزود: «ما با استقرار نیروهای آمریکایی، انگلیسی یا هر نیروی دیگری که شورای امنیّت سازمان ملل بر ما تحمیل کند مخالفیم». عمر البشیر در این مراسم از حزب اللّه و سیّد حسن نصراللّه دبیر کل این حزب، آن که ابهّت ارتش اسرائیل را در هم شکست ستایش کرد. (۲)

ص:۵۸۸

۱- (۱) . تبلیغ (۶)، ص ۱۲۱ - ۱۲۲..

۲- (۲) . همان، ص ۱۲۴..

روی آوری مسیحیان به قرآن کریم و نام «محمّد»

هنـد: در نخستین نمایشـگاه کتاب ایالت «میزوروم» در منطقهٔ مسـیحی نشـین شـرق هند، قرآن کریم پربیننده ترین کتاب بوده و ۵۰۰ جلد کلام اللّه مجید با ترجمهٔ انگلیسی به فروش رسیده است.

لبنان: بر اساس آخرین سرشـماری از مسـیحیان لبنان، انتخاب نام «محمّد» بر فرزندان پسر مسیحی شایع شده و حتی تعدادی از مسیحیان ارتدوکس و کاتولیک لبنان، نام «محمّد» را جایگزین نام های پیشین خود کرده اند. (۱)

افزایش نامهای اسلامی برای کودکان مغربی

حـدود دو سـال است که خـانواده هـای مغربی به منظور اشاعـهٔ اسـلام و ارزش نهادن بر موازین این دین، بیش از پیش نامهای اسلامی برای کودکان خود بر می گزینند.

بـا توجه به پررنـگ شـدن اسـلام وتأثیر آن در کشور مغرب، خانواده های مغربی، اسامی کودکان تازه به دنیا آمـدهٔ خود را از میان اسـمهای اسـلامی انتخاب می کننـد و سـعی می کنند نامهایی را برگزینند که در تاریخ اسـلام و در تمدّن این دین نقشـی اساسی داشته اند. سالهای گذشته اسمهای غربی و اسمهایی که با تاریخ مغرب مرتبط بودند، در این کشور بسیار شایع شدند تا جـائیکه همـهٔ خـانواده هـا بر روی تازه متوّلـد شـده ها، اسامی غربی یا تاریخی می گذاشـتند، ولی در حـدود دو سال است که خانواده های مغربی با درک موازین اسلام و ارزش این دین، نامهای اسلامی برای کودکان خود برمی گزینند. (۲)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم صاحب نخستین قانون اساسی دموکراتیک تاریخ است

یک پژوهشـگر زن آمریکایی در دانشـگاه جونز هاپکینز در حضور جرج بوش گفت: «پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سلم صاحب نخستین قانون اساسـی دموکراتیک تاریـخ است». کانـدیس دیونز در برابر چشـمان بهت زدهٔ رئیس جمهور آمریکا یاد آور شـد: «حضـرت محمّـد صـلی الله علیه و آله و سـلم حمایت از زنان و حقوق آنها، سـرپرستی کودکان، رسـیدگی به فقرا و برابری میان تمام مردم را در جای جای قانون اساسیِ وضع شده در مدینهٔ منوّره گنجاند». (۳)

۱- (۱) . تبلیغ (۶)، ص ۱۲۸..

۲- (۲) . همان..

۳- (۳) . همان، ص ۱۲۸ - ۱۲۹..

ستایش همسر نخست وزیر هند از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

همسر نخست وزیر هند طی سخنانی در همایش دو روزهٔ «زن، خانواده و جهانی شدن» که به همّت خانهٔ فرهنگ جمهوری اسلامی ایران و سازمان های فعّال زنان هند در دهلی نو برگزار گردید، از مقام شامخ حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام تجلیل کرد.

وی در مراسم افتتاحیهٔ این همایش گفت: «حضرت فاطمه علیها السلام اهمیّتش نه به خاطر آن است که دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است، بلکه به عنوان شخصیّت یک زن کامل، مطرح است». او افزود: «۱۴۰۰ سال پیش زمانی که دختران را زنده به گور می کردند حضرت فاطمه علیها السلام در احقاق حقوق زن و رسالت زن در جامعه فعّالیّت می کردند». (۱)

امام خامنه ای در قلب ونزوئلا

گفته می شود گفتگوهای دکتر محمود احمدی نژاد و هوگو چاوز، دارای حواشی جالبی بوده است.

چاوز رئیس جمهور ونزوئلا، پس از آنکه سخنان رئیس جمهوری ایران را با «اللّه اکبر» تأیید نمود، با به کار بردن تعبیر «امام خامنه ای» عنوان داشت: «من نسبت به تدبیر امام خامنه ای و شما اطمینان دارم». لازم به ذکر است فیدل کاسترو، رهبر کوبا نیز در دیدار اخیر خود با مقامات ایرانی چنین اظهار داشته بود: «اگر از فروپاشی کشورم نمی ترسیدم، اعلام می کردم که شیعهٔ اثنی عشری هستم». (۲)

موافقت دانشگاه الازهر مصر با انتشار کتاب عقاید شیعه

مجمع پژوهش های اسلامی دانشگاه اسلامی الازهر مصر، با انتشار و ترویج کتاب «عقائد الامامیه» نوشتهٔ مرحوم علّامه محمّدرضا مظفّر موافقت کرد.به گزارش مجمع جهانی تقریب مذاهب، نشریهٔ «صوت الازهر» ارگان مطبوعاتی دانشگاه الازهر مصر، با اعلام این خبر نوشته است: «کتاب «عقائدالامامیه» به بیان خلاصه ای از عقائد شیعهٔ امامیهٔ اثنی عشری می پردازد و در آن نشانه ای از تعصّبات مذهبی که وحدت امّت اسلامی را تهدید می کند دیده نمی شود». این گزارش همچنین حاکی است که مجمع پژوهش های الازهر، با نشر و توزیع مجلّهٔ شیعی با عنوان «الحیاه الطیبه» موافقت کرده است. (۳)

ص:۵۹۰

۱- (۱) . تبلیغ (۶)، ص ۱۲۹..

۲- (۲) . همان، ص ۱۳۰..

۳- (۳) . همان، ص ۱۳۲..

این انقلاب بر همهٔ چالشهای فراروی، چیره خواهد شد

یـک روزنـامه نگار سرشـناس اروگوئه واقع در آمریکای لاتین ابراز اطمینان کرد: «با وجود مانع تراشـی قـدرتهای سـلطه گر و توطئه های واشـنگتن بر سـر راه پیشـرفت انقلاب اسـلامی ایران، این انقلابِ صلح طلب، بر همهٔ چالشهای فراروی چیره خواهد شد».

متن کامـل گزارش مقـاله «خولیو سـزار مارتینس» موسوم به «خوما» خبرنگار اعزامی روزنامـهٔ «رپوبلیکا»ی اروگوئه به تهران، با عنوان «خدا در میان جهنّم جنگ» چنین است:

«ما غربیها در مورد ایران و بطور کلی، دربارهٔ جهان اسـلام اطّلاعات انـدکی داریم. نکات تاریخی دربارهٔ امپراطوری با عظمت پارسی بسیار ناچیز و در بسیاری مواقع درهم آمیخته و کاملا اشتباه است.

بسـیاری از غربیها، مردم منطقهٔ خاورمیانه را تحت عنوان اعراب می شناسـند، منطقه ای که خوب است بدانیم با آنچه که تصّور می شود و در ادبیّات، سـینما و تلویزیون از آن یاد می کنند، متفاوت است. این رسانه ها، خاورمیانه را متشـکل از شیوخ عمامه به سرِ سوار بر شترها در آبادیهایی در وسط کویر تصوّر می کنند اما این تصوّری کاملاً نادرست و غلط است». (۱)

جاذبه های اسلام علّت اصلی گرایش مردم آلمان به این دین

رئیس شورای عالی مسـلمانان آلمان با اشاره به افزایش شـمار آلمانیهایی که مسـلمان می شوند، اظهار داشت: «با تحقیقاتی که آموزشـگاه اسلامی شهر سوست آلمان انجام داده، این نکته مشخص شد که اسلام دارای جاذبه های خارق العاده ای است که این جاذبه ها در جامعهٔ آلمان منتشر شده و منجر به افزایش تعداد مسلمانان گردیده اند».

وی افزود: «تعـداد آلمانیهـایی که به اسـلام روی آورنـد در سـال گذشـته بیش از یـک هزار نفر بوده، این در حـالی است که گرونـدگان به اسـلام روزانه افزایش پیدا می کنند». رئیس شورای عالی مسلمانان آلمان تصریح کرد: «اکثر کسانی که به اسلام روی می آورنـد، از زنـان تحصـیلکرده، افراد محقّقی کـه مطالعـات علمی انجـام می دهنـد و یـا مردان نخبـه در مراکز علمی و فرهنگی هسـتند. تعداد مسـلمانان مقیم آلمان حدود ۳ میلیـون و ۲۰۰ هزار نفر اسـت که ۱۵ هزار نفر آنهـا از هموطنان آلمانی هستند.

وی در ادامه به نقش اجتماعی اقلّیت مسـلمان در آلمان اشاره کرد و یاد آور شـد: «اقلّیت مسـلمان در جامعهٔ آلمان، تأثیر مثبتی بر روی این کشور گذاشته اند و فعّالیّتهای بسیاری به منظور تحقّق

۱- (۱) . تبلیغ (۶)، ص ۱۴۱..

همبستگی، انسجام و اتّحاد از یک سو و برقراری ارتباط سازنده و صلح اجتماعی از سوی دیگر پرداخته اند تا بتوانند در این راستا با مسئلهٔ نژاد پرستی نیز مبارزه کنند».

اکسیل کویلر در ادامه گفت: «از مشکلاتی که مسلمانان آلمان با آن مواجه هستند عدم آگاهی و اطّلاع از زبان آلمانی است که در تبادل اطّلاعات با طرف آلمانی و معرّفی فرهنگ اسلامی بسیار تأثیر گذار است».

وی آرزو کرد که گفتگوی تمدّنها و ادیان در جامعه آلمان انجام شود و بسترهای لازم به منظور معرّفی حقیقت دین اسلام به هموطنان فراهم آید. قرار است میان مسئولان اقلّیت مسلمان در آلمان و مسئولان سیاسی این کشور در ماه آینده به منظور تبادل آراء و اندیشه دربارهٔ تحکیم گفتگو میان فرهنگها و تمدّنها نشستی برگزار شود تا دولت آلمان به دین اسلام مانند مرجعی مهم نگاه کند.

تعداد یک هزار مسجد آلمان در شهرهای بزرگی چون برلین، بن و هامبورگ قرار دارند. این مساجد هر روز باز بوده و مسلمانان می توانند در آن ضمن اقامهٔ نماز، سؤالات دینی خود را مطرح کنند. (۱)

بیش از ۷۰ میلیون نفر در جهان «محمّد» نام دارند

در کتاب رکودهای گینس آمده: «نام «محمّد» بالاترین میانگین نامی را دارد، به طوری که در حال حاضر ۷۰ میلیون نفر در جهان این اسم را دارند».

نام نهادن بر فرزندان از وظایفی است که والدین باید آن را به درستی انجام دهند، از این رو انتخاب نام نیکو نه تنها منجر به سربلندی فرزندان در آینده می شود بلکه آنها را نسبت به نامی که دارند متعّهد و مسئول می سازد.

برخی افراد به علّت تعلّق خاطر نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نامها و یا صفاتی را که آن حضرت دارد انتخاب می کنند مانند احمد، طه، یاسین، بشیر، نذیر، خاتم و فاتح که البته نامهای حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم بیش از ۲۰۰ نام است که مشهورترین آن محمّد صلی الله علیه و آله و سلم مشتق از حمد است، از این رو مسلمانان برای فرزندان خود نام محمّد صلی الله علیه و آله و سلم را بیش از هر نام دیگری انتخاب می کنند.

برخی از مسلمانان به منظور حفظ هویّت اسلامی و آشنایی با سیرهٔ نبوی، نامهای حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم را بر فرزندان تازهٔ متولّد شدهٔ خود می نهند تا نسل جدید از آموزه های اسلامی و با شخصیّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آگاه شوند. این امر منجر به مسئولیّت پذیری آنها نسبت به نامهای خود در آینده می شود. گاهی اوقات انتخاب این اسامی احساس وفاداری و تعلّق خاطر را تعمیق و توسعه می دهد. (۲)

۱- (۱) . تبلیغ (۷)، ص ۱۶۰ - ۱۶۱..

۲- (۲) . همان، ص ۱۶۱-۱۶۲..

تأکید الأزهر؛ منعی برای نشر کتب شیعه در مصر نیست

شورای عالی الأزهر اعلام کرد: ممنوعیتی برای چاپ و توزیع کتاب های شیعی در مصر وجود ندارد.

محمّدرفعت عثمان، عضو شورای عالی دانشگاه الأزهر و مؤسّسهٔ تحقیقات اسلامی گفت: «هیچ مانعی برای انتشار کتاب ها و مقالاتی که حتی مبانی اصول اعتقادی مذهب تشیع را تبلیغ می کنند، در مصر وجود ندارد».

وی افزود: «مبانی فکری مذهب شیعه امامیه در کنار مذاهب چهارگانه اهل تسنن در دانشگاه الأزهر مصر تدریس می شود». یادآوری می شود، ورود و نشر کتاب های شیعی از جمله کتب اربعه، در عربستان ممنوع است و چندی پیش که این کشور اقدام به برگزاری نمایشگاه کتاب کرد، از ارائهٔ کتاب های چهارگانه مذهب تشیع ممانعت کرد. (۱)

امام جماعت فلسطینی با تأسّی از حزب اللّه، شیعه شد

رشادت های دلیرمردان حزب اللّه در جنگ با اسرائیل، منجر به شیعه شدن یکی از امامان جماعت فلسطین شد.

شیخ نورالیقین یونس بدران، امام جماعت منطقهٔ الخضراء فلسطین، به عنوان اولین امام جماعت اهل سنت در این کشور به مذهب شیعه درآمد. بدران در این باره گفت: «حدود سه سال پیش و در حالیکه دانشجوی دانشکدهٔ الهیات اسلامی بودم، به قبول مذهب شیعه اندیشیدم و در این چند سال اندیشه های خود را پنهان کردم». وی افزود: «با حملهٔ اسرائیل به لبنان و مشاهدهٔ اعتقادات اصیل حزب اللّه و تأسی آن به مذهب شیعه، تصمیم به علنی ساختن گرایشم به مذهب شیعه گرفتم». این امام جماعت خاطرنشان ساخت: «واکنش دیگران برای من هیچ نوع اهمیّتی ندارد، چرا که اعتقاد من به مذهب شیعه قوی و تغییر ناپذیر است».

شیخ بدران ادامه داد: «در پی اعلام شیعه شدن من، بسیاری از مذاهب واکنش های شدیدی از خود نشان دادند، هرچند علمای بزرگ مذاهب ناراحتی خود را از این امر به طور مستقیم نشان ندادند».

گفتنی است، گروه دیگری از جوانان روستای «دبویه» فلسطین، در بحبوحه جنگ لبنان و رژیم غاصب صهیونیستی به مذهب شیعه درآمدند. (۲)

۱- (۱) . تبلیغ (۷)، ص ۱۶۴..

۲- (۲) . همان، ص ۱۶۵،۱۶۴..

وصیّت تکان دهندهٔ یک عالم سنی

یک دانشمند مشهور اهل سنت سودانی، وصیّت نمود تا پس از مرگش، وی را در کفنی کربلایی بپیچند و در قبرش، تربت حضرت سیّد الشهدا علیه السلام قرار دهند.

وصیت هایی که «شریف زین العابدین الهندی» دانشمند اهل سنت سودان دربارهٔ نحوهٔ کفن و دفن خود نموده است بهت و اعجاب بستگان، نزدیکان و حتی خبرنگاران رسانه ها و ناظران سیاسی را برانگیخته است. شریف زین العابدین که رهبر طریقهٔ ختمیهٔ سودان بود وصیّت کرد که وی را در کفنی که شخصاً از کربلا- خریداری کرده است کفن کنند و زیر سرش نیز مقداری از تربت حضرت سیّد الشهدا علیه السلام قرار دهند. به گزارش روزنامهٔ سودانی «الوان» مراحل تغسیل و تکفین دقیقاً همینگونه انجام شد. این روزنامه افزوده است: «شریف زین العابدین همچنین توصیهٔ أکید کرده است که در روند تقسیم ارثش، نباید هیچ ضرری به کارگران مزرعه اش برسد و حتی زندگی روزمرهٔ آنان نباید تحت تأثیر واقع شود». (۱)

اکثریّت انگلیسی ها، مسلمانان را صلح طلب می دانند

بر اساس یک نظر سنجی، بسیاری از مردم انگلیس عقیده دارند که مسلمانان این کشور افرادی صلح جو و تابع قوانین هستند.

به نقل از usreid بر اساس نتایج یک نظر سنجی که در نشریهٔ دیلی تلگراف به چاپ رسیده؛ بیش از ۵۳ درصد مردم انگلیس عقیده دارند که دولت می تواند با عقاید و مراسم مذهبیِ مسلمانان، هماهنگی داشته باشد.

جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا و تونی بلر، نخست وزیر انگلیس، پس از آغاز جنگ بر ضدّ تروریسم اعلام کرده بودند که جنگ بر ضدّ تروریسم جنگ بر ضدّ اسلام نیست اما عملاً مسلمانان را در جامعه غرب تحت فشار و تبعیض قرار دادند.

بر اساس نتایج آماری که در سال ۲۰۰۱ اعلام شد؛ بیش از یک و نیم میلیون مسلمان در انگلیس و ولز زندگی می کنند. (۲)

ص:۵۹۴

۱- (۱) . تبلیغ (۷)، ص ۱۶۶..

۲- (۲) .همان ص ۱۶۶ ۱۶۷..

ج) گزارش های گوناگون و هشدار دهنده

بوش بزرگترین دیکتاتور جهان است

دنیس هالیدی معاون دبیر کل سابق سازمان ملل متّحد، بوش را به علّت دخالت در جنایاتی که در عراق، فلسطین و افغانستان روی می دهد، بزرگترین دیکتاتور جهان خواند. هالیدی گفت: سازمان ملل متّحد به وسیله ای جهت تحقّق اهداف آمریکا تبدیل شده است، بنابر این جهان باید صلاحیّت این سازمان را رد کند. وی گفت: آمریکا می کوشد نظامی را در خاورمیانه حاکم کند که منافعش را تهدید نکند؛ همچنین تلاش می کند قدرت خود و نه دمکراسی را بر این منطقه حاکم کند و برای دستیابی به آن می کوشد منابع طبیعی از جمله نفت کشورهای عرب را از بین ببرد. (۱)

شکنجه گری خاخام های صهیونیست در گوانتانامو

یکی از اسرای تُرک آزادشده از گوانتانامو فاش کرد، بیشتر افسران و بازجویان زندان مخوف گوانتانامو، صهیونیست هستند و تعدادی خاخام یهودی نیز در آنجا حضور دارد و این خاخام ها در بازجویی مسلمانان شرکت می کنند.

به گزارش سرویس بین الملل «بازتاب»، «ابراهیم شن» که دو سال در گوانتانامو در اسارت آمریکایی ها به سر می برد، ضمن توضیح نحوه برخورد غیرانسانی و شکنجه های سخت، از حقایق دیگر این زندان پرده برداشت و در مصاحبهٔ خود با روزنامه «واکیت» چاپ استانبول گفت: من توسط یک فرمانده یهودی به نام «یاسف» شکنجه می شدم، او وقتی مرا با برق شکنجه می داد، می گفت: بعد از عراق، ایران و سوریه نوبت به ترکیه می رسد و زنان شما کنیزان ما و مردان شما برده های ما خواهند شد و قبر سلطان عبدالحمید (شاه عثمانی که از دادن سرزمین فلسطین به صهیونیست ها امتناع کرد) را به آتش خواهیم کشید. (۲)

۱- (۱) . تبلیغ (۵)، ص ۶۹..

۲- (۲) . تبلیغ (۶)، ص ۱۲۵..

دشمنی دولت اردن با شیعیان

الفیاض: وزیر کشور اردن اعلان کرد که دیگر هرگز از سوی حکومت، به اردنی ها و عراقی ها مجوّزی برای احداث حسینیه و مسجد در اردن داده نخواهد شد. این اظهارات به دنبال انتشار گزارش هایی در امان، پایتخت اردن صورت گرفت. در این گزارش ها آمده بود که تجّار عراقی در تلاشند تا مسجدی بزرگ به همراه یک حسینیه، در قطعه زمین نسبتاً بزرگی در اردن با هزینه ای بالغ بر ۳ میلیون دلار احداث کنند. درخواست تجّار مبنی بر احداث مسجد و حسینیه ای در منطقه ای شیک، به منظور اقامهٔ مناسک مذهبی، تقدیم وزارت اوقاف اردن شده بود. (۱)

تناقض آشکار سلفی ها: کافر دیروز و شهید امروز!

اعدام صدام در حالی موجب آشکار شدن دشمنی برخی کشورهای عربی با ایران و دادن لقب «شهید» به او شد که بنا بر اخبار، شهید امروزی! در گذشته از سوی مفتی بلندپایهٔ عربستان، کافر و ضدّ اسلام خطاب می شده است. عبداللّه بن باز، مفتی بزرگ عربستان، که بیش از پانزده سال رئیس هیأت هفت نفره کبارالعلما بود و سه سال پیش فوت کرد، در فتوای شدیداللّحنی که در زمان حملهٔ صدام به کویت صادر کرد، صدام حسین و حزبش را ضدّ اسلام و مساوی با کفّار قلمداد کرده بود. این در حالی است که امروزه و ۱۶ سال پس از این واقعه، چهره های سلفی در چرخشی ۱۸۰ درجه ای، صدام را شهید خطاب می کنند. (۲)

با دلار نفتی و آخوند درباری، صدام هم بهشتی شد!

در ادامهٔ مواضع برخی از سران دولت های عربی و شماری از سازمان های وابسته به القاعده و اظهارات گروهی از تندروهای فلسطینی و اردنی در دفاع از صدام، یوسف القرضاوی، مفتی اهل سنت هم که در قطر زندگی می کند، از صدام دفاع کرد. قرضاوی که از ماجرای حمله به حرم عسکریین علیهما السلام به این سوی، چند بار تلویحا شیعه را به آغاز درگیری های فرقه ای در عراق متهم کرده است، این بار آشکارا به دفاع از جنایتکار قرن، صدام حسین پرداخت.اظهارات وی با چشم پوشی از حوادث سه سال متوالی شیعه کشی در عراق که اخبار آن تمام عالم را گرفته است، از کشتار دسته جمعی در عراق علیه اهل سنت یاد کرده و آن را طرحی از پیش طراحی شده اعلام کرده است. شگفت آن که در حالی که هیچ

۱- (۱) . تبلیغ (۶)، ص ۱۲۵..

۲- (۲) . تبلیغ (۷)، ص ۱۵۲..

کس نیم سطر فتوا از یک مرجع تقلید شیعه در باره برادرکشی از اهل سنت ندیده و هم زمان فتواهای فراوانی از علمای سعودی و غیره علیه شیعه انتشار یافته، قرضاوی چشم خود را به روی این واقعیّات بسته و از مراجع شیعه خواسته است تا برای جلوگیری از سنی کشی در عراق اقدام کنند. وی می گوید:

«من همواره از مراجع شیعیان تقاضا کردم که دخالت کنند، دستورات این مراجع مورد قبول مردم واقع می شود، هرگاه دستور می دهند مردم از آنان اطاعت می کنند. اگر بگویند این کار را بکنید، می کنند و اگر بگویند این کار را نکنید، نمی کنند. این مراجع مسئولیّت دارند و باید حرف خود را بزنند و ما از تهران می خواهیم و از آیات عظام می خواهیم و از رهبر ایران آقای خامنه ای درخواست می کنیم لب به سخن باز کنند و سکوت ننمایند، وگرنه مردم آنها را متّهم به تبانی و توطئه می کنند!» او می گوید: «اعدام صدام در روز عید قربان و در موقع برگزاری نماز عید، منکر است و هیچ مسلمانی نمی تواند آن را بپذیرد...

آمریکائیان گفتند: «ما می خواستیم اعدام صدام را دو هفته به تعویق بیندازیم ولی متأسّفانه برخی از رهبران دینی و سیاسی عراق پس از اعدام صدام در روز عید گفتند: روز اعدام صدام، عید نبوده بلکه یک روز قبل از عید می باشد، زیرا عید قربان روز یکشنبه بود. این هم بدتر است زیرا روز شنبه در کشور حج و عتبات عالیات عربستان عید بوده است. زائران و مردم آنجا عید داشته اند و بر فرض این که روز شنبه عید نبوده، روز عرفه که بود، آیا روز عرفه یک روز معمولی و عادی است؟ روز عرفه به اجماع مسلمانان بهترین روز سال است». آقای قرضاوی مرتّب از بودن آمریکایی ها در عراق یاد کرده، اما فراموش کرده است که خودش سال هاست در کشوری زندگی می کند که بزرگترین پایگاه آمریکا در آنجا بوده و از همان پایگاه به عراق حمله کرده است. وی با مرثیه سرایی برای جنایتکار قرن می گوید: «آنان به نفس و جان انسانی احترام قائل نشده اند. صدام با شجاعت و خویشتنداری و نترس ظاهر شده است.

وی هرگز قبول نکرد که چشمانش را ببندد، بلکه با چشمان باز به استقبال مرگ رفت. آنان صورت خودشان را پوشانده اند، در حالی که صورت صدام باز ماند. وی مانند کوه ایستاد و شهادتین را هم بر زبان جاری ساخت. پس وی در حالی فوت کرد که شهادتین را می گفت. چگونه می توان او را نفرین و لعن کرد در حالی که می شنویم که فریاد می زند: اشهد ان لا اله الا اللّه و اشهد ان محمّداً رسول اللّه». اما شنیدنی ترین سخن قرضاوی آنجاست که می گوید: «کسی که آخرین سخن او شهادت لا اله الا اللّه است وارد بهشت می شود. چگونه می گویید برو به جهنم. آیا کلید درب جهنم در دست توست؟ چه کسی این کلید را به تو سپرده است تا هر کس را خواستی وارد جهنم کنی؟ صدام در واپسین سال های حاکمیّتش متحوّل و دگرگون شد. برادران عراقی می گویند که وی مقید به ادای نماز و تلاوت قرآن شد و به نیکوکاری می شتابید. وی به ساختن مساجد کمک می کرد و مصالح ساختمانی را برای ساختن مساجد نصف قیمت می داد. وقتی می خواستند او را دستگیر کنند، سجّاده و قرآنِ باز نزد او پیدا کردند». (۱)

۱- (۱) . تبلیغ (۷)، ص ۱۵۲ – ۱۵۴..

فتوای ۳۸ مفتی وهابی و اعلام جنگ علیه شیعیان!

هم زمان با طرح زمزمه های خروج آمریکا از عراق و بروز امیدواری دربارهٔ ادارهٔ امور عراق به دست مردم این کشور، آخوندهای درباری سعودی، وارد میدان شدند.

به گزارش خبرنگار «بازتاب» از عربستان سعودی، این بیانیه که نسخه ای از آن در اختیار «بازتاب» قرار گرفته، به امضای ۳۸ مفتی درباری سعودی رسیده و با طرح مسائل دروغین علیه شیعیان عراق، مسلمانان جهان به نبرد با آنان فراخوانده شده اند.

نویسندگان این نامه مدّعی اند: آنچه به ملّت و کشور عراق تعرّض کرده، ناشی از پیوند صلیبیان، صفویان و رافضیان است که دنبالهٔ حاکمان بعثی است. سقوط بغداد، حادثه بزرگی برای مسلمانان بود، چراکه میزانِ دردآور بودن آن، تنها با اشغال فلسطین بدست یهودیان قابل مقایسه است.

در ادامهٔ این نامه، با اهانت به شیعیان و یاد کردن از آنان با عنوان «رافضی» آمده است: پس از گذشت چهار سال از اشغال عراق، مشخّص شد که هدف استیلا- بر عراق توسط ائتلافی بین صلیبیان و رافضی های صفوی، زمینه سازی مطامعشان در منطقه، حمایت از یهودیان اشغالگر و محاصرهٔ کل اهل سنتِ منطقه برای تشکیل هلال شیعی است که مطامع و نقشه هایش مخفی نیست. آنان می خواهند عراق عرب و مسلمان را شقه شقه کنند، جنوب و استان های اصلی وسط برای رافضی ها، شمال برای اکراد و آنچه از زمین وسط مانده برای اهل سنت و مخفی نماند که حوادث عراق برای رافضی های دوازده امامی و دیگر پیروانشان اتّفاق می افتد. آنان برای هدف صلیبیان تلاش کردند و با آنان برای تقسیم عراق متّحد شدند.

در این نامه همچنین جهاد با دشمنان، رکن بزرگ دین و ثمرات و فضایل بسیاری برای جانفشانی در راه خدا و مبارزه با دشمنان دین شمرده شده است.

در این نوشته، پس از ذکر مقدّمات بالا، خواسته شده تا گروه های اهل سنت به اعلام های صورت گرفته درباره خطر شیعیان و رافضی ها عمل کنند و بدانند که رافضی ها (شیعیان) هیچ ابایی ندارند از این که ما را به نقصان و ضعف منتسب کنند. نویسندگان نامه همچنین اتّهامات دروغی را به سیّدحسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، سیّد مقتدا صدر و سیّد عبدالعزیز حکیم نسبت داده اند.

این نامه اضافه کرده: «بر علما و دانشمندان واجب است در برابر آنچه بر برادران اهل سنت ما در عراق می گذرد، دست بسته نظاره گر نباشند، بلکه بر آنان واجب است متناسب با هر قشر و توده ای از مردم، با استفاده از منبرها و محافل خود و حتی ایجاد گروه های زیرزمینی و مخفی، اقدام به محاصره و

عاجز کردن کسانی که عراق را به سوی نابودی می کشانند، آن هم با برانگیختن تمامی شعبه های مسلمان بکنند».

اما شدید اللّحن ترین بخش این بیانیه، آنجاست که اعلام شده: «علما باید با همهٔ اقشار اهل سنت در عراق، در نابودی رافضی ها (شیعیان) به هر صورت ممکن بکوشند تا سختی ها و بدبختی ها از عراق و اهل سنت رخت بر بندد، چرا که رافضیان تبدیل به شمشیری برای آمریکایی ها شده و در حالی که اموال و ثروت عراق در دستان آنهاست، ایران نیز از پشت سر به حمایت از آنها می پردازد؛ و این شیعیان هیچ ارج و قربی ندارند و باید تمامی اهل سنت برای نابودی آنان بکوشند».

در این حال، یکی از چهره های اسلامی عراق در واکنش به این نامه اظهار داشت: مأموریت این افراد، مخفی کردن چپاول ثروت های مسلمین توسط خاندان سعودی است، با فتوای اینها، حکومت سعودی، هزاران جوانِ مسلمانِ اهل سنت را به عنوان اخوان المسلمین، القاعده یا سلفی؛ کشته یا زندانی کرده است.

وی پرسید: «این مفتیان زمانی که دولت عراق، مردم حلبچه و سردشت را که همه اهل سنت بودند، در کمتر از یک ساعت با بمب های شیمیایی که با هزینه دولت سعودی خریده شده بود، قتل عام کرد، کجا بودند؟ وقتی دربار سعودی نیروهای نظامی صلیبی آمریکایی و صهیونیستی را برای حمله به یک کشور مسلمان و عرب به سرزمین وحی آورد، چرا ساکت بودند؟ وقتی فَهَد از آمریکا خواست دست صدام را در قتل شیعیان جنوب عراق باز بگذارد، اینها کجا بودند؟»

این چهرهٔ عراقی در ادامه گفت: «وقتی صلیبیون به حکومت طالبان که اهل سنت بودند، حمله و آنها را ساقط کرد یا در زمان حمله آمریکا و انگلیس به عراق، چرا این علما فتوا صادر نکردند؟ چرا دربارهٔ سلطهٔ آمریکا بر نفت و گاز جزیره العرب که متعلّق به مسلمانان است، ساکتند؟»

وی ادامه داد: «چرا دربارهٔ قرارداد نظامی ۲۷ میلیارد دلاری سعودی و انگلیسی موضع نگرفتند؟ با آن که مشخّص است این سلاح ها، یا برای جنگ با صلیبی هاست، یا صهیونیست ها و یا مسلمان ها و انگلیس مطمئن است این سلاح ها علیه صهیونیست ها و صلیبیون به کار برده نمی شود».

این چهرهٔ اسلامی عراقی در پایان گفت: «پاسخ همه این پرسش ها یک چیز است: چون دربار سعودی فتوایی برای آنان صادر نکرده بود و چون این مفتیان درباری هستند، تنها به فرمان شاه عربستان فتوا می دهند، چراکه شکم های اینها از دلارهای نفتی حرام پر شده و زمینه ای برای فتوا دادن طبق فرمان الهی ندارند». (۱)

۱- (۱) . تبلیغ (۷)، ص ۱۵۴ - ۱۵۷..

انتقاد از جدایی دین از سیاست در آمریکا

مطبوعات آمریکا گزارش دادند: «کاترین هریس وزیر امور داخلی سابق ایالت فلوریدا، واقع در جنوب شرقی آمریکا، جدایی کلیسا از حکومت را اصولاً محکوم و اعلام کرد؛ خداوند راضی نیست که آمریکایی ها ملّتی تابع قوانین سکولار باشند».

به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن، هریس که نمایندهٔ کنگره از فلوریدا است تلاش می کند تا در انتخابات سنای آمریکا، به عنوان نمایندهٔ این مجلس انتخاب شود.

هریس در پاسخ به پرسش یک هفته نامهٔ وابسته به کلیسای بابتیست آمریکا گفت: «جدایی کلیسا از سیاست، دروغی است که به ما گفته شده است تا افراد دیندار را خارج از حوزهٔ سیاسی نگه دارند». وی با محکومیّت تلویحی قانونی که مجوّز سقط جنین را صادر می کند و انتقاد از طرحی که ازدواج بین همجنس بازان را قانونی می کند گفت: «اگر شما، مسیحی ها را انتخاب نکنید قوانینی که به تصویب می رسد قوانین گناهکاران خواهد بود». هریس اعلام کرد: «اعتقادات مذهبی او منشأ کارهایش از جمله آراء وی در کنگرهٔ فلوریدا است».

سخنان هریس با انتقادات شماری از مقامات دمکرات و همچنین جمهوریخواه روبرو شد. رابی بروکس از رهبران حزب جمهوریخواه در فلوریدا گفت: «سخنان هریس برای او به عنوان یک مسیحی و یک جمهوریخواه یکّه آور بوده است». (۱)

تشکیل یک گروه سرّی برای کاستن از دامنه نفوذ ایران

روزنامهٔ آمریکایی بوستن گلوب نوشت: یک گروه سرّی وابسته به دولت آمریکا از یک سال پیش سرگرم ایجاد هماهنگی برای عملیاتی است که با هدف کاستن از دامنهٔ نفوذ ایران از طریق افزایش توانایی های نظامی هم پیمانان آمریکا در خاورمیانه اجرا خواهد شد. این گروه سرّی که گروه سیاسی ایران و سوریه و عملیّات ها نام دارد، همچنین در حال ایجاد هماهنگی برای عملیّات و اقدامات بسیار دیگری با هدف ارائهٔ کمک های سرّی به مخالفان ایرانی و ایجاد خشمی جهانی علیه تهران است. این گروه قصد دارد تا پایان فوریه از کنگرهٔ آمریکا بخواهد بودجهٔ انتقال تجهیزات نظامی به هم پیمانان خود را در خلیج فارس افزایش دهد و در تدوین برنامه ها برای فعّالیّت های نظامی مشترک شتاب کند. انتظار می رود در این درخواست از کنگره که در حال آماده شدن است، مواردی چون سیستم های دفاع موشکی و ردیاب های بسیار پیشرفتهٔ هشداردهنده پیش از عملیّات برای کنترل حملات موشکی ایران و مقابله با این حملات، قید شود. (۲)

ص:۶۰۰

۱- (۱) . تبلیغ (۶)، ص ۱۳۱..

۲- (۲) . تبلیغ (۷)، ص ۱۴۳ - ۱۴۴..

فرهنگ سازی

ترویج فرهنگ و هنجارهای مورد نظر غرب با بهره گیری از سازوکارهای تربیتی، آموزشی و استفاده از ابزار رسانه ها، بخش نرم افزارِی طرحِ خاورمیانهٔ بزرگ و از دیگر راهبردهای خاورمیانه ایِ آمریکا محسوب می گردد.

نومحافظه کاران بر این اندیشه بودند که با تحقّق این فاز، مانع ترین تمدّن (تمدّن اسلامی) در برابر تمدّن غرب را استحاله کرده و در هنجارها و تمدّن غرب هضم و هدم نمایند. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که تبیین طرح خاورمیانه ای آمریکا، علاوه بر تأمین اهداف پیش گفته شده، آموزه های «مسیحیت صهیونیسم» را نیز در منطقه عملیاتی می کرد.

صهیون مسیحی ها، دیپلماسی نظامی گرایانهٔ کاخ سفید را به دیپلماسی الهی و رسالت الهی آمریکا برای مبارزه با شرارت تعبیر می کنند. در واقع به یک معنا، «خاورمیانهٔ بزرگ» طرحی است که لابی صهیونیسم براساس خرافه های سرهم بندی شده، حفظ و تأمین امنیّت اسرائیل در منطقه را از این منظر جستجو می کند. (۱)

تحقیقات ارتش آمریکا دربارهٔ اقوام ایران

روزنامهٔ بریتانیایی فایننشال تایمز از تحقیقات گستردهٔ شاخهٔ اطّلاعاتی تفنگداران دریایی آمریکا، دربارهٔ اقوام ایرانی و اختلاف آنها با حکومت مرکزی خبر داده است. این تحقیقات، با افزایش ناآرامی های قومی و مذهبی در عراق همزمان است و به نوشتهٔ این روزنامه، هدف از این تحقیق، بررسی نقش اختلافات قومی در تجزیهٔ احتمالی ایران است.

فایننشال تایمز با اشاره به قوی بودن هویّت ملّی در ایران می گوید: «روابط قومی در این کشور، به خاطر تنوّع قومیّت ها و زبان های مختلف پیچیده تر از عراق است».

این روزنامه به نقل از تحلیلگران می گوید: «تحقیقات شاخهٔ اطّلاعاتی تفنگداران دریایی آمریکا، ممکن است با هدف زمینه سازی برای حملهٔ نظامی یا بررسی نقش ناآرامی های قومی عراق در نواحی همجوار ایران صورت گرفته باشد». به نوشتهٔ این روزنامه، سخنگوی تفنگداران دریایی آمریکا ضمن تأیید انجام این تحقیق، هدف آن را بررسی فرهنگ قومیّت های ایرانی عنوان کرده است.

فایننشال تایمز اضافه می کند: «تحقیقات مشابهی نیز در سال ۲۰۰۳ م، شش ماه پس از حمله به

۱- (۱) . تبلیغ (۶)، ص ۷۹ – ۸۰ ..

عراق بر روی قومیّت های این کشور انجام شده بود. بعضی از کارشناسان این تحقیقات را بیانگر رقابت و اختلاف وزارت امور خارجه آمریکا با نیروهای اطّلاعاتی و نظامی این کشور می دانند. به اعتقاد این کارشناسان نیروهای اطّلاعاتی ارتش آمریکا تحریک نارضایتی های قومی را راهی مناسب برای فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی می داند و پنتاگون همچنان بر تغییر حکومت در ایران اصرار دارد. (۱)

بهبود وضعیّت مسلمانان اروپا با تدوین منشور!

پارلمان اروپا، بررسی «منشور پیشنهادی درک مسلمانان» را آغاز کرده و در نظر دارد در صورت تصویب، آن را به امضای تمام رهبران مسلمان اروپا برساند این در شرایطی است که منشور مذکور تنها به تکرار بدیهیّات دربارهٔ مسلمانان روی آورده و هیچ گام مثبتی در راستای بهبود وضعیّت اقلّیت مسلمان، که از شرایط نامساعد تبعیض و تعصّب رنج می برند، اتّخاذ نکرده است.

گرارد باتن، عضو بریتانیایی پارلمان اروپا که در میان ارائه کنندگان این سند بود، گفت: «انتظار می رود این منشور، تمام روندهای اعتقادی و فکری را قادر سازد تا به سهولت تفاسیر افراط گرایانه از متون دینی را تکذیب کنند، چرا که بسیاری از این تفاسیر افراط گرایانه، دستاویزی برای اعمال خشونت و استفاده از نام اسلام به منظور توجیه مناقشه با جهان مدرن به کار می رود».

این منشور که توسط سام سالامون، کارشناس اروپایی قوانین شرع اسلام نوشته شده از مسلمانان می خواهد به ادیان دیگر احترام گذاشته و فتوایی به منظور ممنوعیّت استفاده از خشونت، زور یا تهدید صادر کرده، به تمام تمدّنها، فرهنگها و سنّتها احترام بگذارند و درک قوانین ملّی را بر قوانین شرعی اولویت دهند، به آزادی غربیان به ویژه آزادی بیان و اعتقاد احترام گذاشته و واکنشهای خشونت آمیز علیه مردمی که از این آزادیها سود می برند را ممنوع کنند، صدور هرگونه فتوایی که به خشونت یا تهدید علیه افراد یا نهادها بپردازد را ممنوع اعلام کرده، مؤسّسات و نهادهای اسلامی تفاسیر جدید از آیات قرآنی را که خواستار جهاد شده را مورد بررسی قرار دهند.

* شایسته تر بود، مقامات اتّحادیه اروپا به جای تدوین منشوری که تنها تکرار واضحات است، فکری به حال خط سیر صعودی تبعیض و تعصّب علیه مسلمانان اروپایی می کردند و به گزارشات مرکز نظارت بر نژادپرستی و بیگانه هراسی اروپا در رابطه با رنج مسلمانان از تبعیض، تعصّب، اسلام هراسی، حملات فیزیکی و کلامی توجه کرده، شرایط بهبود فرصتهای مساوی شغلی و تحصیلی را میان پیروان ادیان مختلف اروپا فراهم می کردند. (۲)

ص:۶۰۲

۱- (۱) . همان، ص ۱۳۷ - ۱۳۸..

۲- (۲) . تبلیغ (۷)، ص ۱۵۹ - ۱۶۰..

بخش ششم:

اشاره

الف) چکیدهٔ آنچه گذشت

ب) فهرست منابع

ج) فهرست تفصیلی مطالب

د) فهرست اجمالی

ص:۶۰۳

چکیده آنچه گذشت

از مطالب گردآوری شده در این مجموعه شامل آیات قرآن کریم، روایات و احادیث ائمهٔ معصومین علیهم السلام ، سخنان و عملکرد بزرگان، ضرورت و لزوم اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی روشن می شود.

خون دلها و فعّالیّت های طاقت فرسای بزرگان دینی و دلسوزان اسلام با نوشتن مقاله ها و کتابها، و تلاش های مستمر و فعّالیّت های طاقت فرسایی که در این مسیر انجام داده اند، سند گویا و شاهد صدقی برای مسئولیّت خطیر فردی و اجتماعی هر مسلمان، خصوصاً صاحب منصبان و مسئولین است.

بدیهی است برای تحقّق این امر خطیر و با اهمیّت، حرکت یک نفر و یا چند نفر، یک مجموعه و یا چند مجموعه نتیجهٔ نهایی و مطلوب را به همراه نخواهد داشت؛ اگر چه وظیفهٔ آگاهان و دلسوزان است که به اندازهٔ طاقت و وسع خویش، برای تحقّق اتّحاد و انسجام اسلامی آن گونه که مورد نظر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بوده است، قدم بردارند.

در این میان افراد و گروه های مسئول و اثرگذار وظیفهٔ مضاعف دارند که برخی از این عناصر عبارتند از:

۱. رهبر جامعهٔ اسلامی: که با پیام ها و رهنمودهای خویش خطوط کلّی را تبیین و با ارشاد، نظارت و وارد شدن در میدان عمل در مواقع لازم این امر حیاتی را بپا خواهد داشت.

۲. رؤسای قوای سه گانه: که هر کدام در باب تقنین، اجرای مصوّبات و قضا؛ برای تحقّق اتّحاد و انسجام تلاش می نمایند.

۳. گروه های سیاسی و تشکّل ها: از عوامل مؤثّر در ایجاد اتّحاد ملّی به حساب می آیند و با تعیین و رعایت حدود در اجرای این مهم نقش حیاتی دارند.

ص:۶۰۴

۴. رؤسای طوایف، اقوام و مذاهب: که با دقّت در گفتار و عمل و سوق دادن افراد طائفه و عشیره، نقشی کلیدی ایفا می نمایند.

۵ . رهبران اقلّیت های مذهبی: که همگامی و همراهی آنان با سیاست های اعلام شدهٔ ملّی، وصول به اتّحاد را هموار می نماید.

۶. اصحاب رسانه (مطبوعات، فیلم، تئاتر، خصوصاً صدا و سیما و...): می توانند در این زمینه، کاری لازم و در خور تقدیر انجام دهند. صدا و سیما می تواند با ارائهٔ گزارش های مختلف، ساختن فیلم و سریال های تاریخی، اسلامی، فرهنگی، اجتماعی و... در زمینه سازی اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی نقش بسزایی ایفا نماید.

۷. اندیشمندان، اساتید، اصحاب قلم، فرهنگیان و شعراء: که تأثیر فرهنگی آنان گاه به یک جامعه و به یک زمان محدود نمی شود.

۸ . تشکّل های روحانی، ائمهٔ جمعه و جماعات و وعّاظ: این گروه مورد اعتماد مردم می باشند، و مردم سخن آنان را می پذیرند. لذا ضروری است با سخنرانی ها، نوشتارها و نیز مشورت دادن به متولّیان امور، نقش کلیدی خویش را در این باب ایفا نمایند.

۹. حوزه های علمیّه و دانشگاهها: که کار پرورش اساتید و اندیشمندان و هنرمندان را در حوزهٔ فرهنگ و دین به عهده دارند و در ابعاد گوناگون با ارائهٔ راه کارها، تبلیغ و ایجاد فضای مناسب فرهنگی، در تحقّق اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی تأثیرگذار می باشند.

بدیهی است در صورت تحقّق نکات مورد اشاره و انجام وظیفهٔ مسئولان و تأثیرگذاران؛ شاهد حرکت و شکوفایی اتّحاد ملّی خواهیم بود که برخی از نتایج آن عبارتند از:

۱. پیروزی در برابر دشمنان و جلوگیری از آسیب به کشور و امّت اسلامی.

۲. پیشرفت، شکوفایی و فناوری علمی و صنعتی.

۳. حرکت سریع تر بسوی تشکیل تمدّن اسلامی.

۴. نشاط و پویایی امّت اسلامی.

۵ . آمادگی و فراهم شدن زمینه برای حرکت بسوی اجرای هر چه بیشتر احکام اسلامی در داخل کشور.

علاوه بر افراد و گروه های فوق عناصر دیگری نیز در باب انسجام اسلامی تأثیرگذارند:

۱. دولت های اسلامی: که متأسّفانه به جای پرداختن به مصالح مسلمین - جز چند دولت - همه با طَمَع و وَلَع در فکر رفاه و آرزوهای خویش می باشند و جرأت ایستادگی به نفع امّت اسلامی در مقابل مستکبران را ندارند.

۲. اندیشمندان و صاحب نظران مسلمان در رشته های گوناگون؛ این گروه از معماران فرهنگی هر جامعه به حساب می آیند، لذا اندیشه، ایده و راه کارهای ارائه شده توسط آنان، هم در شکل گیری انسجام میان امّت اسلامی و هم در کیفیّت آن تأثیرگذار می باشد.

۳. صاحب منصبان دینی و روحانیون: روحانیون از هر مذهب و فرقه، خصوصاً روحانیون طراز اوّل، از تأثیرگذاران اصلی ایجاد انسجام اسلامی و از شروط لازم برای تحقّق این امر می باشند. اعتماد عامهٔ مردم و اقبال عمومی نسبت به علمای دینی، نیروی بسیار عظیمی است که باید در جهت انسجام اسلامی مورد بهره برداری قرار گیرد.

۴. رؤسای قبائل و طوائف و فِرَق مختلف در جهان اسلام: به عنوان کسانی که دارای نفوذ کلمه هستند، باید گفتار و کردارشان، در جهت هم آوا شدن جوامع مسلمان مد نظر قرار گیرد.

بدیهی است در صورت مراقبت آحاد افراد جامعه اسلامی، مسئولان و تأثیرگذاران، شاهد نتایج مثبتی خواهیم بود که برخی از آن ها عبارتست از:

۱. جلوگیری از چپاول و دست اندازی به کشورهای اسلامی از سوی کشورهای استعمارگر.

۲. تشکیل قطب نیرومند اسلامی در جهان.

۳. حفظ کشورهای مسلمان از آسیب های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی

۴. تشکیل قطب های اقتصادی جهانی و منطقه ای اسلامی

۵ . گرایش روزافزون مردم جهان به اسلام.

به امید تحقّق اهداف و نتایج عالی اتّحاد و انسجام اسلامی

در پرتو هشیاری، همّت و اقدام مسلمانان

فهرست منابع: کتابها، مجلات، نشریه ها و سایت ها:

۱. قرآن کریم.

۲. اتّحاد اسلامی و تمسّک به قرآن و عترت، از دیدگاه امام خمینی رحمه الله و استاد مطهری/ مسعود سلیمی/ ناشر مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی طوبی محبت/ چاپ کوثر.

۳. اتّحاد و دوستی/ سید حسن ابطحی خراسانی/ انتشارات کتابفروشی طباطبایی/ مدرسه فیضیهٔ قم/ رجب المرجب ۱۳۸۲ق/ چاپ سوم.

۴. الإحسان بترتیب صحیح ابن حبّان/ علیّ بن بلبان فارسی/ دارالفکر بیروت/ ۱۴۱۷ه /۱۹۹۶م/ چاپ اول.

۵. احیاء تفکّر دینی/ سید محمد برهانی/ انتشارات جذیل/ چاپ اوّل/ ۱۳۸۰ش.

۶. إرشاد القلوب/ أبومحمد حسن بن محمّد دیلمی/ منشورات الرضی/ قم.

۷. الاستذکار/ ابن عبد البرّ/ دارالکتب العلمیه بیروت/ ۲۰۰۰/ چاپ اوّل.

۸. استراتژی تقریب مذاهب اسلامی (مجموعه مقالات هجدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی)/ محمد حسن تبرائیان/ نشر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی معاونت فرهنگی/ اردیبهشت ۱۳۸۴/ چاپ اوّل.

۹. الأصول السّته عشر/ جمعی از محدثین/ دارالشبستری/ قم.

۱۰. الاعلام/ قاموس التراجم/ خیر الدین زرکلی/ چاپ چهاردهم/ بیروت.

۱۱. اعیان الشیعه/ سیّد محسن امین/ دارالتعارف للمطبوعات بیروت/ ۱۴۰۳ق.

۱۲. امانتدار پیامبران/ نقش آیت اللّه لاری در مبارزات اسلامی قرن اخیر/ سید محمدتقی آیت اللهی/ نشر مؤسسه انجام کتاب/ پائیز ۱۳۶۱ ش.

ص:۶۰۷

۱۳. أمالی/ شیخ طوسی/ انتشارات داوری/ قم.

۱۴. اندیشهٔ سیاسی حاج آقا نور اللّه اصفهانی/ موسی نجفی/ مؤسسه فرهنگی نظر/ چاپ دوم/ ۱۳۷۸ش.

۱۵. با فیلسوف شرق/ علی قادری/ انتشارات احرار/ تبریز/ پائیز ۱۳۸۰ش.

۱۶. بحارالانوار/ علامه محمد باقر مجلسی/ نشر دارالکتب الاسلامیه/ تهران/ چاپ دوم/ ۱۳۶۳ش.

۱۷. بصائر الدرجات/ صفّار قمی/ کتابخانهٔ آیت اللّه مرعشی/ ۱۴۰۴ه / قم.

۱۸. پایگاه اطلاع رسانی تبیان.

۱۹. پایگاه اطلاع رسانی حوزه.

۲۰. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرحوم آیت اللّه العظمی تبریزی.

۲۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرحوم آیت اللّه العظمی فاضل لنکرانی.

۲۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

۲۳. پایگاه اطلاع رسانی شعائر.

۲۴. پایگاه اطلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۲۵. پنج گفتار/ شهید آیت اللّه بهشتی.

۲۶. پیشتازان شهادت در انقلاب سوم/ ناشر دفتر انتشارات اسلامی/ چاپ شرکت افست/ سهامی عام تهران/ ۱۳۶۰ ش.

۲۷. پیشینهٔ تقریب/ محمد علی آذرشب/ نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی/ چاپ اوّل/ ۱۳۸۴.

۲۸. تاریخ علمای خراسان/ میرزا عبدالرحمان مدرس/ آستان قدس رضوی علیه السلام / ۱۳۴۱ش.

۲۹. تاریخ مذهبی قم/ علی اصغر فقیهی/ انتشارات زائر/ (آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام)/ چاپ دوّم/ ۱۳۷۸ ش.

ص:۶۰۸

۳۰. تبلیغ (۳)/ اطلاع رسانی گفتمان سیاسی روز/ جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه قم (مدیریت سیاسی) رمضان المبارک ۱۴۲۴ق.

۳۱. تبلیغ (۵)/ جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم/ (معاونت جامعه و نظام مدیریت سیاسی)/ محرم الحرام/ ۱۴۲۶ق.

۳۲. تبلیغ (۶)/ جامعه مدرسین حوزه علمیهٔ قم/ (مدیریت سیاسی)/ رمضان المبارک ۱۴۲۷ق.

۳۳. تبلیغ (۷)/ جامعه مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم/ (معاونت جامعه و نظام مدیریت سیاسی) ویژهٔ محرم الحرام ۱۴۲۸ق.

۳۴. التبیان/ شیخ طوسی/ دار إحیاء التراث العربی/ بیروت.

۳۵. تحف العقول/ ابن شعبه حرّانی/ انتشارات بصیرتی/ ۱۳۹۴ه / چاپ پنجم/ قم.

۳۶. تحفه الزائر/ علامه مجلسی/ مؤسسه امام هادی علیه السلام / چاپ اول/ ۱۳۸۶ش/ قم.

۳۷. تخریج الأحادیث والآثار/ جمال الدین زیعلی/ دار ابن خزیمه/ ریاض/ ۱۴۱۴ه ، چاپ اوّل.

۳۸. تفسیر القرآن العظیم/ اسماعیل بن عمر بن کثیر/ دار ابن حزم/ بیروت/ ۱۴۲۳ه /۲۰۰۰م/ طبع اوّل.

۳۹. تفسیر صافی/ فیض کاشانی/ انتشارات اسلامیه/ ۱۳۶۲ش/ چاپ ششم/ تهران.

۴۰. تفسیر قمی/ علیّ بن ابراهیم قمی/ دار الکتاب للطباعه والنشر/ قم/ ۱۳۸۷ه .

۴۱. تفسیر مقاتل بن سلیمان/ تحقیق عبداللّٰه محمود شحاته/ ۱۴۲۳ه /۲۰۰۲م/ چاپ اوّل.

۴۲. تفسیر نسفی/ عبداللّٰه بن أحمد بن محمود نسفی/ دارالمعرفه بیروت/ ۱۴۲۱ه / ۲۰۰۰م/ چاپ اوّل.

۴۳. تفسیر نمونه/ به قلم جمعی از نویسندگان به اشراف آیت اللّٰه مکارم شیرازی/ انتشارات اسلامیه/ ۱۳۵۳ش/ چاپ اوّل.

۴۴. تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)/ ویژه نامهٔ چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی/ مهرماه ۱۳۶۹.

۴۵. التمهید/ ابن عبدالبرّ/ وزارت عموم الأوقاف والشؤون الاسلامیه/ مغرب/ ۱۳۸۷ه / چاپ اوّل.

۴۶. تهذیب التهذیب/ عسقلانی/ دارالفکر/ بیروت/ چاپ اوّل/ ۱۴۱۵ ق.

۴۷. تهذیب الکمال/ أبو الحجّا یوسف مزّی/ دارالفکر للطباعه والنشر/ بیروت/ ۱۴۲۱ه /۲۰۰۰م.

۴۸. جامع الأخبار/ محمّد بن محمّد سبزواری/ مؤسسهٔ آل البیت علیهم السلام / قم/ ۱۴۱۴ق/ چاپ اوّل.

۴۹. جامع البیان فی تفسیر القرآن/ محمّد بن جریر طبری/ دارالکتب العلمیّه/ بیروت/ ۱۴۲۰ق/ چاپ سوّم.

۵۰. الجامع الصحیح (سنن الترمذی)/ محمّد بن عیسی بن سوره/ دار عمران/ بیروت/ ۱۳۵۷ه / ۱۹۳۸م.

۵۱. الجامع الصغیر/ جلال الدین سیوطی/ دارالکتب العلمیّه/ بیروت/ ۱۴۰۱ه / چاپ اوّل.

۵۲. چشمهٔ روشن/ مروری بر زندگی نامهٔ آیت اللّه سعید/ علی مسجدجامعی/ نشر مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر/ چاپ اوّل/ ۱۳۷۵ش.

۵۳. حاج آقا نور اللّه اصفهانی/ موسی نجفی/ چاپ کلینی/ بهار ۱۳۶۹ش.

۵۴. الحدائق الناضره/ شیخ یوسف بحرانی/ مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.

۵۵. دائره المعارف الاسلامیه الکبری/ نشر مرکز دائره المعارف الاسلامیه الکبری/ چاپ اوّل/ ۱۳۷۷ش.

۵۶. دائره المعارف بزرگ زرّین/ انتشارات زرین تهران با همکاری انتشارات آویژه/ چاپ اوّل/ ۱۳۷۷ش.

۵۷. دائره المعارف تشیع/ نشر شهید سعید محبّی/ چاپ اول/ ۱۳۸۳ش.

۵۸. الدر المنثور/ جلال الدین سیوطی/ دارالکتب العلمیّه/ بیروت/ ۱۴۲۴ه /۲۰۰۴م، چاپ دوّم.

۵۹. دربارهٔ وحدت و تقریب مذاهب اسلامی/ محمّدعلی تسخیری/ نشر مجمع جهانی تقریب و مذاهب اسلامی/ چاپ اوّل/ ۱۳۸۳ش.

۶۰. دعائم الإسلام/ نعمان بن محمد تمیمی/ دارالأضواء/ بیروت/ ۱۴۱۱ه /۱۹۹۱م، چاپ اوّل.

۶۱. دیدار با ابرار (۲۱) شهید ثانی مشعل هدایت/ علی صادقی (غلامی)/ نشر سازمان تبلیغات اسلامی/ چاپ دوّم/ زمستان ۱۳۷۴ ش.

۶۲. دیدار با ابرار (۳۵)/ میرزا ابوالحسن جلوه حکیم فروتن/ غلامرضا گلی زواره/ نشر سازمان تبلیغات اسلامی/ چاپ اوّل/ زمستان ۱۳۷۲ ش.

۶۳. دیدار با ابرار (۶۷)/ شهید مدرّس ماه مجلس/ غلامرضا گلی زواره/ نشر سازمان تبلیغات اسلامی/ چاپ اوّل/ پائیز ۱۳۷۵ ش.

۶۴. دیدار با ابرار (۶۹) آیت اللّه سیّد محمّدباقر شفتی آیهٔ امید/ عبّاس عبیری/ نشر سازمان تبلیغات اسلامی/ زمستان ۱۳۷۴ش.

۶۵. دیدار با ابرار (۷۸)/ شهید مفتح تکبیر وحدت/ غلامرضا گلی زواره/ نشر سازمان تبلیغات اسلامی/ چاپ اوّل/ پائیز ۱۳۷۴.

۶۶. دیدار با ابرار/ میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف/ غلامرضا گلی زواره/ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی/ چاپ اول/ تابستان ۱۳۷۸.

۶۷. دیدگاه ها/ منتخبی از مواضع حجه الاسلام والمسلمین حاج سیّد احمد خمینی/ معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله / چاپ دوم/ زمستان ۱۳۷۴.

۶۸. دیوان جامی/ نورالدین عبدالرحمان بن احمد جامی/ بتصحیح اعلاخان افصح زاده/ نشر مرکز مطالعات ایرانی/ چاپ اوّل/ ۱۳۷۸ ش.

۶۹. الذریعه/ شیخ آقا بزرگ تهرانی/ نشر مؤسسه اسماعیلیان قم/ چاپ سوّم/ ۱۴۰۸ق.

ص:۶۱۱

۷۰. ذیل تاریخ بغداد/ ابن نجّار بغدادی/ دارالکتب العلمیه بیروت/ ۱۴۱۷ه /۱۹۹۷م، چاپ اوّل.

۷۱. رساله فی بیان استجابه الدعاء/ ابوالحسن جلوه/ تصحیح مؤسسه امام هادی علیه السلام / انتشارات پیام امام هادی علیه السلام / چاپ دوم/ ۱۳۸۲ش.

۷۲. روزنامه جمهوری اسلامی.

۷۳. روزنامه رسالت.

۷۴. روزنامهٔ شاخهٔ سبز.

۷۵. روزنامه کیهان.

۷۶. روضات الجنات/ محمّد باقر موسوی خوانساری اصفهانی/ الدار الاسلامیه/ بیروت/ چاپ اوّل/ ۱۴۱۱ق.

۷۷. ریاض العلماء/ میرزا عبداللّه افندی اصفهانی/ تحقیق سیّد محمود مرعشی و سیّد احمد حسینی/ منشورات آیت اللّه مرعشی نجفی/ قم/ ۱۴۰۳ق.

۷۸. ستارگان حرم/ گروهی از نویسندگان ماهنامهٔ کوثر/ انتشارات زائر (آستانهٔ مقدسهٔ قم).

۷۹. سرزمین آرزوها/ مجمدجواد مهری کرمانشاهی/ انتشارات مشرقین/ چاپ اول/ زمستان ۱۳۸۲.

۸۰. السنن الکبری/ بیهقی/ دارالفکر للطباعه والنشر/ بیروت/ ۱۴۱۹ه /۱۹۹۹م/ چاپ اوّل.

۸۱. السنن الکبری/ نسائی/ دارالفکر للطباعه والنشر/ بیروت.

۸۲. السُنه/ عمرو بن أبی عاصم/ المکتب الإسلامی/ بیروت/ ۱۴۱۳ه /۱۹۹۳م / چاپ سوم.

۸۳. سیّد جمال الدین اسدآبادی/ مصلحی متفکر و سیاستمدار/ سیّد احمد موثّقی/ نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیّه قم (بوستان کتاب)/ چاپ اوّل/ ۱۳۸۰ ش.

ص:۶۱۲

۸۴. شرح نهج البلاغه/ ابن ابی الحدید/ دار إحیاء الکتب العلمیّه/ بیروت/ ۱۳۸۶ه /۱۹۶۷م/ چاپ دوّم.

۸۵. شهاب شریعت/ علی رفیعی/ کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی/ چاپ اوّل/ ۱۳۷۳ش.

۸۶. شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر/ علی ربانی خلخالی/ انتشارات مکتب الحسین علیه السلام / ۱۴۰۲ق.

۸۷. الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه/ محمّد سعید آل ثابت/ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی/ تهران/ ۱۴۲۷ق.

۸۸. صحیح بخاری/ محمّد بن إسماعیل بخاری/ دارالجیل/ بیروت/ ۱۳۱۳ه .

۸۹. صحیح مسلم/ مسلم بن حجاج نیسابوری/ دارالجیل و دارالآفاق/ بیروت.

۹۰. صحیفهٔ سجادیه/ سید محمّدباقر ابطحی/ مؤسسهٔ امام مهدی علیه السلام / قم/ ۱۴۲۳ق/۱۳۸۱ش/ چاپ پنجم.

۹۱. الضعفاء/ عقیلی/ دار الصمیعی/ ریاض/ ۱۴۲۰ه /۲۰۰۰م/ چاپ اوّل.

۹۲. طلایه داران تقریب (۱)/ آیت اللّه بروجردی آیت اخلاص/ عبدالرحیم اباذری/ نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی/ چاپ اوّل/ ۱۳۸۳ش.

۹۳. طلایه داران تقریب (۲)/ شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت/ علی احمدی/ نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی،چاپ اوّل/ ۱۳۸۳ش.

۹۴. طلایه داران تقریب (۳)/ کاشف الغطاء اذان بیداری/ محمّدرضا سماک امانی/ نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی/ چاپ اوّل/ ۱۳۸۳ش.

۹۵. طلایه داران تقریب (۴)/ شیخ محمّد عبده رایت اصلاح/ مهدی احمدی/ نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی/ چاپ اوّل/ ۱۳۸۳ش.

۹۶. طلایه داران تقریب (۵)/ امام موسی صدر سروش وحدت/ عبدالرحیم اباذری/ نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی،چاپ اوّل/ ۱۳۸۳ش.

۹۷. طلایه داران تقریب (۶)/ شهید قطب آیت جهاد/ علی احمدی/ نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی/ چاپ اوّل/ ۱۳۸۳ش.

۹۸. طلایه داران تقریب (۷) محمّد جواد مغنیه فقیهی نوگرا/ مهدی احمدی/ نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی/ چاپ اوّل/ ۱۳۸۳ش.

۹۹. طلایه داران تقریب (۸)/ شیخ محمّد غزالی رایت اصلاح/ علی احمدی/ نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی،چاپ اوّل/ ۱۳۸۳ش.

۱۰۰. عارف کامل/ تألیف و تحقیق معاونت پژوهشی بنیاد فرهنگی شهید شاه آبادی/ نشر ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت.

۱۰۱. عدّه الداعی/ ابن فهد حلّی/ دارالکتاب الإسلامی/ ۱۴۰۷ه /۱۹۸۷م/ چاپ اوّل.

۱۰۲. علل الشرائع/ شیخ صدوق/ چاپخانه حیدریه/ نجف اشرف/ ۱۳۸۵ه /۱۹۶۶م.

۱۰۳. علمای مجاهد/ محمّدحسن رجبی/ نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی/ چاپ اوّل/ ۱۳۸۲ش.

۱۰۴. الغارات/ ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال الثقفی/ دارالأضواء/ بیروت/ ۱۴۰۷ه /۱۹۸۷م/ چاپ اوّل.

۱۰۵. الغدیر/ علّامه امینی/ تحقیق مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه/ مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی/ ۱۴۲۴ق.

۱۰۶. فرهنگ فارسی معین (متوسط)/ دکتر محمّد معین/ انتشارات امیر کبیر/ چاپ چهارم/ تهران/ ۱۳۶۰ش.

۱۰۷. فرهنگ موضوعی ادب پارسی کلیّات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری/ قادر فاضلی/ نشر فضلیت علم/ چاپ اوّل/ زمستان ۱۳۷۷ش.

۱۰۸. فصلنامهٔ حضور/ معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله / ش ۱۰ و ۱۸/ اردیبهشت ۸۴ – ۸۵.

۱۰۹. فصلنامهٔ قرآنی کوثر/ حوزهٔ معارف دانشگاه اصفهان/ سال هفتم/ ش ۲۴/ تابستان ۸۶.

۱۱۰. فضائل الشیعه/ شیخ صدوق/ انتشارات اعلمی/ چاپخانۀ حیدری.

۱۱۱. الفوائد الرجالیه/ السیّد علی الحسینی الصدر/ انتشارات دارالغدیر قم/ چاپ اوّل/ ۱۴۲۰ق.

۱۱۲. فوائد الرضویه/ در احوال علماء مذهب جعفریه/ شیخ عبّاس قمی.

۱۱۳. الفهرست/ شیخ الطائفه الطوسی.

۱۱۴. فیض القدیر شرح جامع الصغیر/ مناوی/ دارالکتب العلمیّه/ بیروت/ ۱۴۱۵ه‍ /۱۹۹۴م/ چاپ اوّل.

۱۱۵. قصص العلماء/ میرزا محمّد تنکابنی/ انتشارات علمیّه اسلامیه/ جمادی الثانی ۱۳۹۶ق.

۱۱۶. القواعد والفوائد/ شهید اوّل/ انتشارات مفید/ قم.

۱۱۷. الکافی/ شیخ کلینی/ انتشارات اسلامیه/ تهران/ ۱۳۸۸ه‍ / چاپ سوّم.

۱۱۸. کدامیک/ انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی/ استاد محمّدتقی فلسفی/ نشر قیام/ ۱۳۵۹ش.

۱۱۹. کشف الغمّه/ علی بن عیسی اربلی/ دار الکتاب الإسلامی/ بیروت/ ۱۳۸۰ه‍ .

۱۲۰. الکشف والبیان تفسیر ثعلبی/ امام ثعلبی/ دار إحیاء التراث العربی/ بیروت/ ۱۴۲۲ه‍ /۲۰۰۲م/ چاپ اوّل.

۱۲۱. کفایه الاصول/ محمّد کاظم خراسانی/ تحقیق مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث/ قم.

۱۲۲. الکنی والالقاب/ شیخ عباس قمی/ من المنشورات مکتبه الصدر/ تهران.

۱۲۳. کنز العمّال/ متقی بن حسام الدین هندی/ مؤسسۀ الرساله/ بیروت/ ۱۴۰۹ه‍ /۱۹۸۹م.

۱۲۴. کیهان فرهنگی/ ش ۵۰ .

۱۲۵. گلشن ابرار/ جمعی از پژوهشگران حوزۀ علمیۀ قم/ پژوهشکدۀ باقرالعلوم علیه السلام / جلد ۱ - ۳ نشر معروف/ چاپ اوّل/ ۱۳۷۹ -۱۳۸۲ش.

۱۲۶. گلشن ابرار/ جمعی از پژوهشگران حوزۀ علمیۀ قم/ پژوهشکدۀ باقرالعلوم علیه السلام / جلد ۴ - ۷/ نشر نور السجّاد/ چاپ اوّل/ زمستان ۱۳۸۵ش.

ص:۶۱۵

۱۲۷. لغت نامهٔ دهخدا/ علی اکبر دهخدا/ نشر دانشگاه تهران/ چاپ اوّل/ بهار ۱۳۸۳ش.

۱۲۸. اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه/ المقداد السیوری/ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی/ چاپ دوم/ ۱۳۸۰.

۱۲۹. المبسوط سرخسی/ ج ۳۰.

۱۳۰. المجازات النبویّه/ سیّد رضی/ انتشارات بصیرتی/ قم.

۱۳۱. مجلّهٔ امّت اسلامی/ سال اول/ شهریور ماه ۱۳۵۹.

۱۳۲. مجمع البیان/ شیخ طبرسی/ مؤسسهٔ هدی/ تهران/ ۱۴۱۷ه /۱۹۹۷م/ چاپ اوّل.

۱۳۳. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد/ هیثمی/ دار الکتب العلمیه/ بیروت/ ۱۴۰۸ه /۱۹۸۸م.

۱۳۴. مجموعه سخنرانی های سومین کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت هفتهٔ وحدت/ نشر سازمان تبلیغات اسلامی/ چاپ اوّل/ ۱۳۶۹ش.

۱۳۵. مدرّس/ نشر بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران/ چاپ اوّل/ آذر ماه ۱۳۶۶ش.

۱۳۶. مستدرک الوسائل/ میرزا حسین نوری طبرسی/ مؤسسهٔ آل البیت علیهم السلام / قم/ ۱۴۰۷ه / چاپ اوّل.

۱۳۷. مستدرک الوسائل/ میرزا حسین نوری طبرسی/ من منشورات المکتبه الاسلامیه/ تهران/

۱۳۸. المستدرک علی الصحیحین/ حاکم نیشابوری/ دار الکتب العلمیّه/ بیروت/ ۱۴۱۱ه /۱۹۹۰م/ چاپ اوّل.

۱۳۹. مسند أبی یعلی/ احمد بن علی بن مثنی تمیمی/ دار الفکر/ بیروت/ ۱۴۲۲ه /۲۰۰۲م/ چاپ اوّل.

۱۴۰. مسند أحمد/ أحمد بن حنبل/ دار صادر/ بیروت.

۱۴۱. مسند الشهاب/ محمّد بن سلامه قضاعی/ مؤسسهٔ الرساله/ بیروت/ ۱۴۰۵ه /۱۹۸۵م/ چاپ اوّل.

۱۴۲. مشاهیر مدفون در حرم رضوی علیه السلام / ابراهیم زنگنه قاسم آبادی/ مؤسسهٔ انتشاراتی آستان قدس رضوی علیه السلام / چاپ اوّل/ ۱۳۸۲ش.

۱۴۳. مشکاه الأنوار/ شیخ طبرسی/ دار الحدیث/ قم/ ۱۴۱۸ه / چاپ اوّل.

۱۴۴. المصنّف/ صنعانی/ منشورات المجلس العلمی/ بیروت/ ۱۳۹۰ه /۱۹۷۰م/ چاپ اوّل.

۱۴۵. المصنّف فی الأحادیث والآثار/ عبداللّه بن محمّد بن أبی شیبه کوفی/ دار الفکر/ بیروت/ ۱۴۲۴ه /۲۰۰۳م/ چاپ دوّم.

۱۴۶. مطالب السؤول/ محمّد بن طلحه شافعی/ مؤسسهٔ امّ القری/ بیروت/ ۱۴۲۰ه / چاپ اوّل.

۱۴۷. معارف و معاریف/ سیّد مصطفی حسینی دشتی/ چاپ دوم/ ۱۳۷۶ش.

۱۴۸. معانی الأخبار/ شیخ صدوق/ مؤسسهٔ نشر اسلامی/ قم/ ۱۴۱۶ه / چاپ سوّم.

۱۴۹. معجم المؤلفین/ عمر رضا کحاله/ دارالاحیاء التراث العربی/ بیروت/ ۱۴۱۰ق.

۱۵۰. معجم موضوعی نهج البلاغه/ اویس کریم محمّد/ بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی علیه السلام مشهد/ ۱۴۰۸ه / چاپ اوّل .

۱۵۱. الملاحم والفتن/ ابوالقاسم علی بن طاووس/ مؤسسهٔ اعلمی/ بیروت/ ۱۳۹۸ه /۱۹۷۸م/ چاپ پنجم.

۱۵۲. مناقب ابن شهرآشوب/ محمّد بن علی بن شهر آشوب/ مؤسسه انتشاراتی علّامه/ قم.

۱۵۳. منتخب کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال/ دار صادر/ بیروت.

۱۵۴. المنجد فی الاعلام/ دارالمشرق/ بیروت/ چاپ هفتم.

۱۵۵. موسوعه طبقات الفقهاء/ مؤسسه امام صادق علیه السلام / با اشراف آیت اللّه جعفر سبحانی/ چاپ اوّل/ ۱۴۲۴ق.

۱۵۶. المؤمن/ حسین بن سعید اهوازی/ دار المرتضی/ بیروت/ ۱۴۱۱ه /۱۹۹۰م.

۱۵۷. مهر تابان/ علّامه تهرانی/ انتشارات باقر العلوم علیه السلام .

۱۵۸. میر حامد حسین (پاسدار ولایت)/ ابراهیم اسلامی/ سازمان تبلیغات اسلامی/ چاپ اوّل/ زمستان ۱۳۷۴ش.

۱۵۹. المیزان فی تفسیر القرآن/ سیّد محمدحسین طباطبائی/ مؤسسهٔ نشر اسلامی/ قم/ ۱۴۱۴ه / چاپ چهارم.

۱۶۰. میعاد با سپیده گشایان/ آرش مردانی پور/ نشر مؤسسه فرهنگی سماء/ چاپ اوّل/ ۱۳۸۰ش.

۱۶۱. نرم افزار صحیفۀ امام قدس سره / مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله .

۱۶۲. نقباء البشر/ آقا بزرگ تهرانی/ نشر دارالمرتضی للنشر/ مشهد/ چاپ دوّم/ ۱۴۰۴ق.

۱۶۳. نقش شیعه در رویارویی با استعمار/ سلیم الحسنی/ مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر/ چاپ اوّل/ بهار ۱۳۷۸ش.

۱۶۴. نوری از ملکوت/ مهدی لطفی/ نشر کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان/ چاپ اوّل/ پائیز ۱۳۸۰ش.

۱۶۵. نهج البلاغه/ شیخ محمّد عبده/ مؤسسۀ الأعلمی للمطبوعات/ بیروت.

۱۶۶. نهج البلاغه/ صبحی صالح/ نشر دارالاسوه/ للطباعه و النشر/ چاپ دوّم/ ۱۴۱۸ق.

۱۶۷. وسائل الشیعه/ محمّد بن حسن حرّ عاملی/ مؤسسۀ آل البیت علیهم السلام / قم/ ۱۴۱۲ه / چاپ اوّل.

۱۶۸. وقعه صفّین/ نصر بن مزاحم منقری/ مؤسسۀ العربیّه الحدیثه/ قاهره/ ۱۳۸۲ه / منشورات مکتبه المرعشی/ قم/ ۱۴۰۴ه / چاپ دوّم.

۱۶۹. همبستگی امّت اسلامی/ مجموعه مقالات آیت اللّه هاشمی رفسنجانی در کنفرانس های وحدت اسلامی/ نشر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی/ چاپ دوّم، ۱۳۸۴ ش.

۱۷۰. یادنامۀ آیت اللّه خاتمی/ محمّدتقی فاضل میبدی/ نشر مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام / چاپ اوّل/ بهار ۱۳۷۶ش.

فهرست مطالب

ص:۶۱۹

فهرست مطالب

ص:۶۲۰

فهرست مطالب

فهرست مطالب

ص:۶۲۲

فهرست مطالب

فهرست مطالب

فهرست مطالب

فهرست مطالب

ص:۶۲۶

فهرست مطالب

ص:۶۲۷

فهرست مطالب

فهرست مطالب

فهرست مطالب

ص:۶۳۰

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی:

... نقشهٔ قدرتهای بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوّت ایجاد کرده است و مؤمنون را به نام اخوّت یاد فرموده است از هم جدا کنند، و به اسم ملّت تُرک، ملّت کُرد، ملّت عرب، ملّت فارس از هم جدا کنند.(ص ۲۳ همین کتاب)

رئیس دانشگاه الازهر مصر شیخ محمود شلتوت در بخشی از فتوای تاریخی خود:

کسی که مقلّد یکی از این مکتبهای چهارگانه (شافعی، حنبلی، مالکی و حنفی) باشد می تواند به مکتب دیگری منتقل شود.

مکتب جعفری معروف به مذهب امامی اثنی عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتبهای اهل سنت جایز می باشد. بنابراین سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصّب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب معیّنی دارند دوری گزینند.(ص ۳۶۶ همین کتاب)

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای مد ظله العالی

پیام بزرگ جمهوری اسلامی به همهٔ ملّتهای مسلمان، یکپارچگی در راه بازگشت به اسلام و اعتصام به حبل اللّه است. ما اختلاف شیعه و سنی، اختلاف عرب و فارس و ترک و دیگر ملّیتها، اختلاف نژادها و زبان ها را ردّ می کنیم و آن را دستاویزی شیطانی برای ایجاد تفرقه می شماریم.(ص ۵۶ همین کتاب)

توصیف صحنهٔ نماز جماعت به امامت مرحوم علّامه کاشف الغطاء از زبان شیخ محمود شلتوت:

«چه زیباست سیمای مسلمانان که نمایندگان آنان در کنفرانس اسلامی فلسطین در مسجد الاقصی جمع شدند و با یکی از مجتهدین شیعهٔ امامی، استاد با فضیلت، شیخ محمّد حسین آل کاشف الغطاء نماز جماعت خواندند، بی آنکه فرقی باشد میان کسی که خود را سنی می نامد و یا کسی که خود را شیعه می خواند و همگی صفوف واحدی را پشت سر یک امام تشکیل دادند که پروردگار واحدی را می خوانند و به سوی یک قبله روی دارند».(ص ۳۶۴ همین کتاب)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹